UNIVERSAL
LIBRARY

OU-232888

UNIVERSAL
LIBRARY

بعون خالق سخن آفرین و بانی آسمان و زمین جل جلاله

الحمد لله والمنه که این رساله مجموعه طب سراپا حکمت و عمده صحت یعنی آنچه

میزان الادویه

از صفحه اول شروع شده

الفاظ الادویه

متن در

فرهنگ نصیریه

به حل معروف

برصفحه ۲۳۹

مخزن الادویه

شروع شده

حسب فرمایش نامه عالی وقار سراپا تمیز جناب شیخ عبدالغفور صاحب

در مطبع خاص فیض اختصاص ثمر مندوقع لکنهو زیور طبع یافت

بعون خالق السموات والارض

الحمد لله والمنة که این رساله مجموعه طب سراپا حکمت و صحت مسمی به

تبیان الادویه

و

فرهنگ الفاظ الادویه

حسب فرمایش فاخر عالی وقار سراپا تمیز شیخ عبد العزیز صاحب

در مطبع خادم هند و السنه شیخ احمد حسن صاحب مطبع بهوپال طبع شد

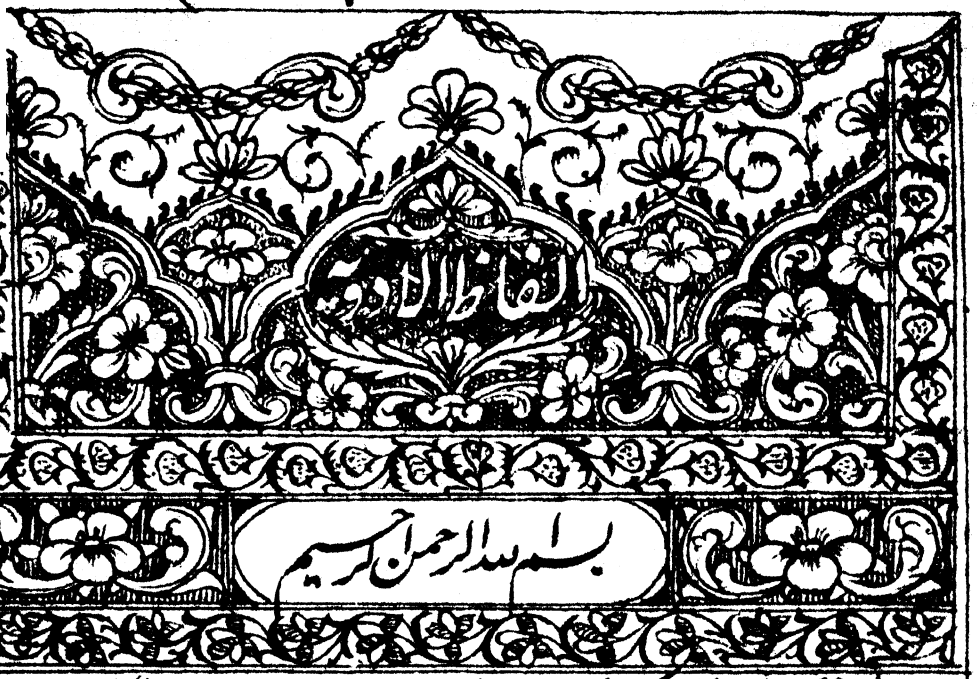

هُوَ اللهُ الْاَحَدُ الصَّمَدُ که پایهٔ حقیقت بیچون بیش از دائرهٔ دریافت و احاطهٔ شناخت برتر است
و تفکر ادراک کنه ذاتش کاشف انوار تجلیات شیونات و فنونات اوست عز شانه که آناً فآناً
بفحوای کُنتُ کَنزًا مَخفِیًّا فَاَحبَبتُ اَن اُعرَفَ خود بخود از خود بصفات لامتناهی جلوه ظهور
فرموده و معنی را بحجل صورت و صوت را آئینهٔ معنی نموده و بقدرت کامله اِنَّ اللهَ عَلٰی کُلِّ
شَیءٍ قَدِیرٌ هر فردی از افراد ممکنات را بتجلی خاص الخاص متجلی الاحکام و مخصوص ساخته
و بحکمت بالغه اَللهُ نُورُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرضِ هر ذرهٔ از ذرات کائنات را بمعانی خاص
که حقائق اشیاء عبارت ازان ست بخلعت اسماء مخلع گردانیده و هر اسمی را مخصوص بصفتی و هر
صفتی را منسوب باسمی کرده نقطه موهومه جزء لایتجزی را بحسب آمیزش شیونات بنقوط و نقوط را
بحروف و حروف را بکلمه و کلمه را بکلام ارتباط معنوی موهبت فرموده از کتم علم بعالم عین آورده
و انشای هزاران هزار اسرار بدیعه و نقوش غریبه بموجب مَا شَاءَ اللهُ کَانَ وَمَا لَم یَشَاء لَم یَکُن بکاف کن مفوض داشته سرگرم ایجاد و تقدیر گردانیده و بکلی کلیات عناصر و امهات
و جزئیات موالید ثلاثه سرانجام ظهور بخشیده و بظهور واجب الوجودی استظهار ممکنات گشت

آفتاب بدرخشید و فلک در رقص آمد ذرهٔ چون ز پی مهر بپیمود بسی
سرّ اسرار بتابید و دل افروخته شد هر که او گشت بخورشید رسید او

تا جماد را که منشاء رشد و نما نبات ست و نزد حکمار وحانی از جماد و نبات لوح و قلم مراد بحرکت
ارادی انشاء ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُوْنَ پرده از روی کار خود برداشت جماد لوح شد
و نبات قلم و حقیقت اَوَّلُ مَا خَلَقَ اللّٰهُ از تحرک قلم نقش هستی بر گرفت و از انبطا
نسبت تعینات بحقائق لامکان را مکانی بهر سیده احدیی بواحد گردیده بچونی بیچگونگی
بعبارت چون و چرا گنجیده صور را آئینه شی بنقوش دست داد تا ویل صورت و نقش در میان
آمد و آلت و سبب واسطه صناعت مصور و مسبب گردیدند و مضمون رُدُّ وَاحِدٍ بِعَدَدِ
اَلْفًا یعنی بسا یکی که هزار میگردد بوضوح پیوست عدل که لازمهٔ امتزاج اعتدال مزاج حقیقت
و مجازست علم ظهور بر افراخت منت میم معنی بر فرق معرفت نهاد و بر دنمائی جلوه جیوان
بامر نَفَخْتُ فِيْهِ مِنْ رُّوْحِیْ پرده از روی کار نهان و آشکارا فرو هشت و بهبت
اثبات دعوی لَيْسَ كَمِثْلِهٖ شَیْءٌ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ مرجع گفت و شنفت آمده
حکمت پوشیدهٔ آفکار اساخت یعنی معنی عدم صوت رجود گرفته اسمار بسمی شناخته شد
و تمهید وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهٗ بِاِذْنِ رَبِّهٖ وَالَّذِیْ خَبُثَ لَا يَخْرُجُ اِلَّا
نَكِدًا جماد منبت نبات و نبات مصدر ذی حیات که کنایت از حیوان ست گشت
و بحسب اعتدال حقیقی وحدت بحدت گرائید و جلوهٔ شهود و مظهر اتم که مستجمع جمیع بروز
و مکنونست از ظهور شرف حضرت محمدی بختم انجامید صلی الله علیه وآله وسلم تفسیر حَفَّ
اَلْقَلَمُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ بروی بیان آمد و بچندین ظهور و تجلیات زبان نطق حالی
باشیاء عطا فرموده که آثار خواص هر شی و شاهد حال نطق آن شی ست پس باین حیثیت
بمقتضای وَاِنْ مِّنْ شَیْءٍ اِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهٖ جمیع مکونات و اشیاء لحظهً فلحظهً
با برازسپاس انواع تجلیات خواه بلفظ صوت و خواه بنقش معنی دمی از محمدت سرائی غافل
نباشد هرگاه همگی ثنایش ظهور آثار تجلیات باشد و عالم و عامل و احد و احد و مسبب
و سبب و حمد و محمد و ناظر مبصر ان وحدت گزین یکی بود کجاست ثانی و کو غنی **المولفه**

عالم همه را طلسم می بینم من ❊ جانی نه برون ز جسم می بینم من ❊ از روی زمین گرفته تا اوج برین ❊ یک نقطه هزار قسم می بینم من ❊ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا ابیات از حکیم العیز نزیدنا ید ❊ هرچه واکرد آنچنان شاید ❊ نظری پاک آنچنین بیند ❊ ناز نین جمله ناز نین بیند ❊ زهی شرافت فضل و کمال و جمال رفعت مقام و وصال صاحب لواء لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ که بمفتاح وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ سبب کشاد کار و عقود خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ آمده بمود ای کُنْتُ نَبِيًّا وَآدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ شرف امتیاز و عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا به آدم خاکی ارزانی داشته و به نیروی حکم وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ تجلیات فیوض و افیات را بشیونات لاتیناهی و تعینات بیحد و غایت نصیبه نظارگیان صور و معانی نموده بجهة احصای تفاصیل جزوی مجمل کلی بدست آورده که بدینیر از بین انگشت قدرت تاثیر شر با شاره وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ مشرف بذکر انشق القمر و عقل خبیر از پیر تو رای صنعت نمایش بایمای وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ در اول مَا خَلَقَ اللَّهُ معتبر از لطافت کلام معجز نظامش احکام و آیات صحف پیشینه منسوخ و از شرافت نام کرا نبوت انتظامش آثار و بنیات ملل دیرینه مکسوک تیرین اقتدار آنرا از دار اسرار کبریا پرده کشای سر ایزدیا اینکه در لباس صورت کسوت معنی را پیرایه ظاهر و باطن انگاشته و در عالم ظاهر علم باطن اسرا به صورت و معنی پیوسته و دعوت اهل بیت او که بموجب بگیر مه إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا بطهارت ازلی مخصوص اند بمنطوقه قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى بشرافت لم یزلی منصوص سرمایه نجات گمشدگان وادی ضلالت و تیه غوایت ست و محبت عترت او که وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ در شان ایشان نازل شده نزاد و راحله سر گشتگان بادیه جهالت و مضیق

مذلت چون صیت و بدیهٔ رسالت و طنطنهٔ جلالتش کون و مکان را فرو گرفته صلی الله
علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین و آوازهٔ اکرام و افضال صحبه واجب التجلیل و الاجلال و تبعه
خیر العاقبة و المآلش که سالکان مراحل معنی و ناسکان مشاعر صورت را از هامون
ضلالت و بیابان اختلاف بدار الملک هدایت و ایتلاف آورده با قاصی و دانی رسیده
رضی الله عنهم اجمعین احوط آنست که رعایت ادب و پاس امر رب بر ذمهٔ طبع و طبیعت که مودع
نفایس و دایع اند لازم دانسته بر خلل زشنا گستری خدیو کشور جهانبانی غدب البیان
گردد و تا در محکمه اَطِیعُوا اللّٰهَ وَاَطِیعُوا الرَّسُولَ وَاُولِی الْاَمْرِ مِنْکُمْ از سلوک مسالک
و رسوم مرسهٔ اسلاف بندگی انصاف بیرون نباشد حَمْدًا لَکَ ثُمَّ حَمْدًا لَکَ که اولی الامر
آوان گیتی خداوند کشورستان اورنگ آرای سریر گورکان مطلع نجوم سپهر سلطنت و
کامگاری منبع رسوم حق شناسی و دین داری اعنی شاه جم جاه کیوان بارگاه برجیس سعادت
مریخ صولت ناهید عشرت قمر شرافت آفتاب تاب هلال کاب مسکن فطنت محلات منزلت سلیمان تمکنت
عالم عامل مرشد کامل خسرو گیهان کشای شهنشاه جهان آرای خداوند عدالت پیرای
المخصوص بعنایت سبحانی ظل الله ابو المظفر شهاب الدین محمد شاهجهان بادشاه غازی
قران ثانی است که بمین متابعت سنت نبوی و اطاعت طریقت مصطفوی علم دولت
و ارشاد و رایت رشد و رشاد برافراشت و رتوم مسائل دقیق و نقوش سرائر تحقیق بر صفحهٔ
جان و دل چنان معتقدان صادق و مسترشدان یاد اثق و موافق بنگاشت آئینش همه مطابق
بآئین اسلام و احکامش همه موافق بنص کلام و زنان حال را از شورش فتن و آشوب
حوادث نگاهداشته فور معموری خراب آباد صوری چنان همت گماشته که همه انام از خواص
و عوام باختلاف و اتفاق در بسط امن و بسیط امان سر فه الحال و فارغ البال آسوده
دل و شگفته خاطر اند و نقد رایج دانش از جنس کاشد جهل امتیاز تمام دارد **ابیات** خدایا
تو این شاه درویش دوست ۞ که آسایش خلق در ظل اوست ۞ بسی بر سر خلق سایندهٔ

بتوفیق طاعت دلش زنده دارد ❊ بروزی رسان دارش و رخت امید ❊ سرش سبز و روشن چو بخت سفید ❊ و بعد می سراید این غلام اطباء نیاز مند درگاه بی نیازی نور الدین محمد عبد الله حکیم عین الملک شیرازی عفی عنهم که چون بچندین طبقات از آباء و جهات حلقه خانه زاد و بندگی بگوش عقیدت هوش ارادت نیوش دارد و درین زمان سعادت توامان که آغاز اورنگ آرای و ابتدای اکلیل پیرائیست چنانچه سال جلوس همایون مانوس بحساب ابجد ازین مصراع برمی آید مصر عه آباد ابد باد اصاحب قران ثانی ❊ نشاط معنی بجوش آمد و در پیرانه سالی بسان نورسان حدایق سخن از سر نو باهتزاز جوانی مبدل گشت ۱۲۳۶ همگی در جست و جوی آن شد که بذریعه دستیاری و خانه زادی مورونی مصدر امری شود تا منظور ارباب استعداد های بساط فیض بساط عز و جل گردد و بمرجع کامیابی علماء و منبع کامرانی فضلا گشته ملحوظ الطاف بی پایان و معطوف اعطاف بیکران گردد با این همه بیچمدانی و تمام نادانی تمهید سخن را بعلم مورونی خود که بحکمت طبیعی موصوف ست آشنا یافته سررشته معنی بدست آورد فرد سر قدمی کرد بجولان سخن ❊ دامن سخن گشته گریبان من ❊ معلوم ست که انشاء بدایع و ودایع و البسته بانجذاب طبایع و اکتساب صنایع است و ابراز خواص اشیاء منوط بالسنه متنوعه جزو عملی طب محتاج آمد بدریافت اسماء اشیاء و دوا بر خمونی خرد و الا ممارست تتبع اصطلاحات و لغات و فرهنگ اطباء و فور اختلاط و انشوران زبان دان بر شکی فن همت کثیر البضاعت در تحصیل آن گماشت تا در تحقیق لغته ادویه مفرده که در کناشات شتی بلغات بلیغه یونانی تازی رومی و اندلسی و عبری سریانی و بربری و ترکی و فارسی و هندی درج ست مهما امکن دریافت و افی نموده السنه مختلفه را بوحدت معانی سنجیده و الفاظ متعارفه را بمعانی متنوعه التیام داده انموذجی مفید تالیف نموده مسمی بالفاظ الادویه که تاریخ انجام نگارش این تالیف شریف ست گردانید المؤلفه دارد کتاب با جود و اهای وافیه ❊ تاریخ و نام نیز شد الفاظ ادویه و منقسم ساخت

بمقدمه و نتیجه و خاتمه **مقدمه** مشتمل ست بر چهار فائده **فائده اول** در بیان تصحیح
اعراب **فائده دوم** در بیان علامات زبان هر دیار **فائده سوم** در تحقیق طبایع
و درجات آن و علاماتیکه منسوبست بآن و ذکر مجملی از دو الطبع و درجه و قوت
فائده چهارم در بیان مختار و شربت و مصلح بدل و دواعلامات آن **نتیجه** در ذکر الفاظ
دوا بطریق اثبت و بیان علامات آن **خاتمه** در بیان ادویه سته کثیر المنفعت
که در کتب قدما کمتر ست ذکر آنها چون پادزهر و موميائی و چوب چینی و چای و قهوه
و تنباکو امید از دقیقه رسان این فن آنست که اگر بر سهوی و خطائی آگاهی یابند
بقلم انصاف اصلاح فرمایند بالله التوفیق و به المستعان **مقدمه** مشتمل بر چهار
فائده **فائده اول** در بیان تصحیح اعراب پوشیده نماند که در تحقیق اعراب لختی تتبع
صحاح الادویه این مؤلف اختیارات بدیعی و برخی از جاهای ثقات و کتب معتبره
لغة تازی و فرهنگهای فارسی سند کرده هر جا اشاره باول میرود مراد از حرف نخستین
لفظست و از ثانی حرف دوم که متصل بنخستین ست و همزه ملینه عبارت از همزه مکسور
کج که بصوت کاف تازی ست بر هاء وقفیه جهت اضافت مانند شجره مریم که همزه بر ها
دارد موحده نشان حرف باست و فوقانی اشارت بحرف تا و مثلثه ایماء بثا و
واو معروف مانند واویکه در کافورست پس هر جا که بسکون او نوشته شد اراده
واو معروفست و واو مجهول مانند واویکه در دوغ و شورست و واو معدوله واویکه مکتوب میشود
و تلفظ در نمی آید مانند واویکه در خواجه کتابتست و تحتانی عبارت از یاست و تحتانی معروف
مانند تحتانی که در تبدیل نیل و قعست و سکون تحتانی مراد از تحتانی معروفست و تحتانی مجهول هجاء سیر
چند بیت مرقومست و چهار حرف پارسی که بران نقطه نمیتوانند چ ژ گ مودی بفارسی ست
و مجمله بیان حرف نقطه دار و مهمله تغییر حروف بی نقطه **فائده دوم** در بیان
علامات اصطلاح و زبان هر دیار و سرزمین مثلا از عربی ع که حرف اول او ست و

فاتحة الكتاب
در بیان علامات اصطلاح
اصلاح فرمایند
الله حسبی
و نعم الوکیل
تذکره نفیسه
آلو امریکی
بهاس
آبریکوک
بلیل الملک
آلوذه
انگلن
آنچ
جنبیدکر

واسامی دیگر را برا سه نقش پذیر گردانیده **فائده سوم** در تحقیق طبایع و درجات
و دواء و علامتیکه منسوبست بآن و ذکر مجملی از دوا بالطبع و درجه و قوت و خاصیت
بدانکه نزد جمهور اطباء مزاج کیفیتی ست که بهم میرسد از اول استحاله آمیختگان که آنرا
هرگاه برد و اطلاق کنند طبع نامند و طبایع بیرون نباشند از نه کیفیت چهار
ازان کیفیات اربعه بسیطه که حرارت و برودت و یبوست و رطوبت باشد و چهار
دیگر که مرکب بکیفیات اربعه و یکی اعتدال فرضی اطباء پس از طبع طرد از حرارت ح
و از برودت ب و از رطوبت ر و از یبوست ی و از معتدل مع منتقش
گردانیده و اطباء دوا را در کیفیت و اثر منحصر بچهار پایه قرار گرفته هر پایه را درجه خوانند
چه هر چه وارد بدن شود و منفعل گردد از حرارت غریزی خالی ازان نیست که احداث
میکند در بدن کیفیتی زائده بر چیزیکه انسان راست یا نمی کند اگر احداث نمی کند
آنچیز را معتدل گویند و اگر احداث می کند محسوس میشود یا نمی شود اگر نمیشود
در درجه اول گویند و دانسته میشود تاثیرش از تکرار تناول یا اکثار مقدار و اگر
محسوس میشود بحدی میرسد که ضرر میکند یا نمی کند اگر نمی کند در درجه دوم گویند
و اگر میرسد بحد ضرر منجر بهلاک میشود یا نمیشود و اگر نمیشود در درجه سوم گویند
و اگر منجر بهلاک میشود در درجه چهارم گویند و آنرا دوای سمی نیز گویند و آن
غیر سم ست زیرا که قتل دوای سمی بکیفیت ست و قتل سم بصورت نوعیه و اطلاق
سم بر دو بشبیه ست او بالسم در اهلاک و الا در حقیقت دو ست و هر درجه را سته مرتبه
اعتبار کرده اند عالی و سافل و متوسط بینهما کلیه حکماست که گرم و تر تجاوز نمی کند
حرارت او اندر جا اول از برای آنکه اگر حرارت زیاده شود برین مقدار فانی میسازد
رطوبت را پس از برای اینست که یافته نمیشود دوای گرم در درجه دوم و سوم الا

آنکه یابس باشد و هر چیز که گرم باشد در درجه چهارم پس او یابس
است در درجه چهارم بعینها و درجات را بحساب هندسه که از یکی و از
دوم و از سوم و از چهارم ۴ در خیز تحریر آورد اکنون مجملی از دوامر قوم میسازد بطبع
و درجه و قوت و خاصیت و مراد از قوت و خاصیت یعنی افعال آن و او
چنانکه سقمونیا مسهل صفراست و سنا مسهل سوداست و دارچینی مفتح و علی هذا القیاس
پس علامت ق اشارت از دست او و به حاره یعنی گرم در درجه اول افسنتین
بابونه مرتمخ کتان خرفه رماد حلزون بری شاهتره صبر لوف لاون گرم در
درجه دوم اصل الغرب اصل ماذریون سپیدو سیاه اسقاقس که نوعی از اکلیل الملک
ست بادروج بزنجاسف بلسان بندالانجره و برگ او جندبیدستر حلبه دردی عصاره
زیتون و بق راعی الابل زرنباد و ندطویل و مدحرج زعفران شبت تر و خشک خراب
مستحکم غسل عصاره قثاء الحمار فراسیون قصب الذریره منصل قشور شجره جنة الخضر
و ورق او و کماقیطوس کرفس کبریت کندر میعه مصطکی ملح و سنج الکوار یر گرم
در درجه سوم انیسون اسارون افتیمون نودینه جبلی جاوشیر برگ فنجنگشت
ترب و برگ او تخم فنجنگشت حماما حاشا حرمل خربقین سیر و بلیخه سداب شیح ارمنی
محرق سکبینج شیلم شب محرق شراب کهنه جمیع انواع شیر شعر محرق صوف محرق
خار فوذنج نهری قشور قصب محرق قنه کرویا کرفس کوهی و بری کمادریون
کاشم مرجوزمزر نجوفل ناخواه لفاع فوج بنبوت گرم در درجه چهارم انواع تیوع
بفصل قوم جمیع اشیار محرق زبدالبحر سداب بری فربیون قسط قطران کراث گرم
بارد یعنی سرد درجه اول اصل السوس اقاقیا ناشسته برگ بنفشه بلوط برادة بلاس
برگ قصب بسفایج تمر علیق نیل جبن رطب خاوس خشخاش دهن دورد لب
زجاج زنجفر سرق شجره بق مجم الزبیب کمثری ماهیا نشاسته هندبا سرو درجه دوم

افاقیا مغسول اطراف زیتون بقله یمانیه بطبخ برگ ملیون برگ زیتون قطونا
جمار خوخ خیار رصاص زیتون خام سماق شحم اترج طلب عفص اخضر کدو
لسان الحمل مغز کلم ماش سرد در درجه سوم بقله الحمقا برسیاوشان جلنار حی العالم
کبیر وصغیر حماض اترج حب العلیق خام ورد غن او خشخاش سیاه عصی الراعی قطر
تفاح سرد در درجه چهارم جمیع اشیاء مخدره مثل افیون وغیره شوکران لبن خشخاش
یابس یعنی خشک در درجه اول اباغالس اصل النبل اصل السوس بابونه
بادام شیرین پرسیاوشان بسفایج پوست وجوز ولب تخم خربوزه تخم انجره
حب الغار حی العالم کبیر وصغیر خزاز الصخر دفلی رازیانه روغن جوز زعفران
سعد سویق الشعیر صعتر صمغ جوز کندر کشری ورق سوسن خشک در درجه
دوم اصل السوسن اصل اللوف بیخ نیلوفر بسفایج بلسان ترب جندبیدستر حبة الخضرا
وبرگ او راعی الابل زراوند زرفت سنبل الطیب شنبل رعی شیلم شاهترج
شراب استحکم شجره مصطکی شهدانج عجم انزروت مسل قفر البهود وقصب الذریره
قشور کندر کرنسنه قشور اترج کرنب لبن جاوشیر مرکی مصطکی نسج العنکبوت
خشک در درجه سوم افاقیا انیسون اسارون اسنتین اهلیله افتیمون اصل السوسن
اطراف کرنب خشک اصل قنطافلن برگ وتخم فنجنگشت بلسان پوست عنب
سوخته پوره بلوط جلنار حاشا حماض اترج حب العلیق حلتیت حمص خربقین
خشخاش محرق دارشیشعان وخن رماد قشور قصب رماد حلزون مری روغن ترب
زوفا سرطان محرق سلیخه سرو سداب بستانی سماق سرکه شیح ارمنی محرق شب محرق
شونیز شراب کهنه شجر بلوط شعیر محرق صبر صعتر صوف محرق غار فوتنج نهری نرگس
قاشر سین قطر اسالیون فاوانیا قیصوم کرویا گرفس بری کمادریوس کمافیطوس
مرمز زنجبیل مشک طرخشیع ناتخواه نطرون وج ورق غار بنیوب خشک در درجه چهارم

تؤم خردل سداب بری قطران کرم کرایث مجففه غیر لذع آذان الفار اصل السعد
اصل قنطافلن انزروت بیاض رتیق بیض برگ غرب وگل او وعصاره
برگ او باقلا بنج نیلوفر بسفایج نوتیا تخم انجره و ورق او ترمس ثلج جاورس
جمیع اجزاء شجر سرو جمیع انواع طین حب الصنوبر وردی عصاره زیتون سوسن
قشور جوز محرق کیترا الحیته الطیس لسان الحمل مرطب یعنی تر در درجه اول گرم
بنفشه حمص خصیته الثعلب تخم رو غن گل عصاره سوسن قطر کاهو لسان الثور
تر در درجه دوم بقله یمانیه بقله الحمقا بطیخ سرمق طحلب قسرع مشمش ادویه ملو
مائل اقاقیا انزروت بزر قطونا برسیاندار بقله الحمقا بقله یمانیه برگ بنفشه
خشک خشخاش دبق دلب دم الاخوین رصاص سرمق شوکران شجر جوز طحلب
قطر قثاء بستانی کدو کاهو لسان الحمل ماسیثا مغمش ورق علیق میانه در
گرمی وسردی اصل خنثی برسیاوشان ماخلا ممص حب صنوبر خرنوب خصیته الثعلب
زیت عذبه زیتون سرخس شحم شجر مصطگی طین طوس طین سنابوس عدس
قاوانیا عصاره سوسن فاشرا قشور اترج مرد سنج بلیون میانه در تری وخشکی اول
جهته ضماد خصیته الثعلب زیت عذبه مخدرات یعنی ادویه که بخوابانند حس وحرکت را
افیون اسبند اصل الفاح اذاراقی اصل الذرت بیخ موطه جنگلی بیخ تخم وبرگ تنباکو
جوز ماثل سراج القطر شیبنی شوکران قنب کاکنج کندر لبن الخیل لونگ جنگلی سرنج الضم
مسهلات صفرا اجاض المتنین بنفشه خشک تمر هندی خربق بیخ خیارشنبر
سقمونیا شاهتره شیرخشت شبرم صبر گلسرخ لبلاب مازریون بلیله زرد مسهلات
بلغم بسفایج تربد حب النیل حرمل فرفیون تخم حنظل غاریقون فنطوریون قثاء الحمار
ماهیزهرج ماهودانه مسهلات سودا انتیمون آمله اسطوخودوس بالنگو
بسفایج حجر لازورد سنا غاریقون کشوث بلیله کابلی مقیئات یعنی ادویه قی آورنده

صابون ع
معروف
عاقرقرحا عقیق
معروف
عنبر
معروف
کافور
کندر مصطکی
کوبچه کاسنی
کاسنی کمن پای
کتان کاکنج

آب کدوی تلخ پوست و تخم خربزه بوره تخم ترب و برگ آن تخم شبت تخم جرجیر
تخم ماندیون خربق سکنجبین کنکر زرد کندش لوبیا سرخ مویز ج ماء العسل نمک هندی
مفتحات یعنی ادویه که سده بگشاید اذخر انیسون فنتین اسطوخودوس افتیمون
ابرسا ترمس حنبطیانا حماما حاشا حرمل دارچینی رازیانه زیره زعفران زراوند شاهتره
صعتر غاریقون فاوانیا قرسیون قنطوریون قردمانا کرفس کبابه کرسنه کشوث
مرزنجوش نانخواه بلیسون **ملطفات** ادویه که تلطیف و تقطیع اخلاط غلیظ کند
اهل اسقیل اسطوخودوس اقحوان انجره اذخر ابرسا بوره بابونه تودنه جندبیدستر جعده
حماض حب البان حرف حاشا حرمل خردل دارچینی زرنباد خسک زراوند سکنجبین سداب
سیر سرکه صعتر غاقرقرحا فنجنگشت قرطم قردمانا کمادریوس مشکطر اشیع تمام نانخواه
مدرات ادویه که ادرار بول و حیض و عرق کند اهل اقحوان انیسون انجدان
برنجاسف بابونه پرسیاوشان ترمس تخم گذر جندبیدستر جعده سعد سداب زرنباد
خسک رازیانه دارچینی جنته الخضر اجاوشیر حنبطیانا شلیخه شویتر عروق عود فاوانیا
قرسیون قردمانا قنطوریون قسط کبابه کرفس کمادریوس سعیه مرزنجوش مشکطر اشیع
نانخواه تمام **مفتتات** ادویه که سنگ بریزاند اسارون برنجاسف پرسیاوشان
بادام تلخ تخم خربزه خسک حجر الیهود رازیانه سعد سکنجبین صمغ آلو تخم دسیاه **قابضات**
ادویه که طبیعت را بندد اذخر امرود بهرنج بلوط بسد باقلا بیخ بارتنگ تخم شاهسفرم
تخم گل سرو دم الاخوین زعرور سماق طباشیر طین مختوم عدس کهربا کندر کرویا کاکنج
مصطکی مورد نار دین نشاسته بنفشه بخور ورق زر **محللات** ادویه که غلظ و لزوجت
تحلیل برد اکلیل الملک اشق اسقیل اذخر اسارون اقحوان پرسیاوشان بابونه
برنجاسف باقلا تودنه ترمس جعده جاوشیر حاشا خرزهره حنطی خردع روباه مرنگ
زفت زراوند سوسن صمغ بطم غاریقا قنه کمادریوس کماة کبر کاکنج تمام مرزنجوش

منضجات ادویه که اورام وصلابات را نضج دهند اکلیل الملک ایرسا انجیر بزرگ خطمی زعفران صمغ بطم کرنب لادن مر میعه موم مرداسنگ **مغشیات** ادویه که نفخ وریح را بشکنند وتحلیل بردانیسون افتیمون بسباسه پنجنگشت تخم گذر جاوشیر حماما دارفلفل زیره زنجبیل زراوند زرنباد سداب سعد صعتر فلفل قرفه ماناکندر کرفس ناخواه **مقویات دماغ** آبلج الفوه ضان بلادر بندق بالنگو بهار یه سیب بهارامرود ومغز حیوانات روغن عنبر زنجبیل سعد سیب سنبل شربت نارنج عود عنبر غالیه قرنفل کندر گل سرخ لحم تدرج لحم دجاج لحم دراج لبن ضان ماءالورد مشک نسرین یاسمین **مقویات دل** ومفرحات آن امرود انار شیرین اسطوخودوس اترج ابریشم آمله همنین نسفایج پوست ترنج به نسبر بالنگو بادروج تمرهندی صندل دارچینی ورق نیلوفر ساس زرنباد زعفران سیب سوسن سنبل سعد سلیخه شقاقل صندل طباشیر طین مختوم عود عنبر قرنجمشک فادانیا قاقله کهربا کافور گاوزبان کشنیز خشک گل سرخ لولو لازاورد ورد سوده تمام نیلوفر نارمشک نعناع نارنج ورق نقره ورق زر بلیله یاقوت **مقویات کبد** یعنی جگر آشته اظفار الطیب حماما جوزبوا حب البلسان دارچینی غافث قرنفل قرفه کشوث مصطگی نارجین **مقویات معده** آمله اذخر پوست ترنج بلیله بالنگو جوزبوا دارچینی زرنباد سعد سلیخه سماق سفرجل سانج هندی طباشیر قرفه قرنفل قاقله گل سرخ کندر کرویا مصطگی مشکطر اشیع نعناع بلیله **مبهیات** انگور انجیر رطب بسباسه بیضه کبوتر کنجشک دلبک باقلا پنیر پایه شترجیر جلغوزه جبة الخضرا جبة الکرم حلیت خولنجان خصیه ثعلب دارچینی زرنباد زنجبیل سورنجان سقمونیا شقاقل شیرمیشن فندق فستق قرفه قسط گندر کرفس کنجد کتیرا لوبیا مغز دماغ کنجشک وبره مغز بادام مغز جوز مغز نارجیل مخ هلیون **مسکنات اوجاع** ادویه که درد را ساکن کند افیون اسفیداج بیه بط

انیخ بیروج توتک سفیده تخم مرغ صمغ عربی کیتیرا نشاسته **مسبتات** یعنی داروئیکه
بخوابانده بحبس سازد اعضارا اقحوان اصطرک حماما ثر عفران شقایق شبت شاهترم
کاهو لفاح **مرقاطعات ویدان بطن واذن** یعنی ادویه که ببشند کرمهای
شکم وگوش استنین برنج کابلی جعده زوفا خشک **مانعات رعاف ونفث الدم**
واسهال الدم یعنی دوائیکه حبس خون بینی ودهان وخون اسهال کند اثمد باقلا
بلوط لسد به نیز انیخ تخم گل جوز سرو حضض دم الاخوین ریوند زرشک زیره شاهتره
قنطوریون گل ارمنی کشنیز کاهو کافور کندر گلنار لسان الحمل مصطکی هازد نعناع نشاسته
مقرحات ادویه که عضو اریش کند ویسنواند استقبال آبک بوره حرف زرنیخ
آهن زنجبیل زاج سداب سنباده صابون فربیون قسط قلقطار سبز لبن بیوع **مدملات**
قروح ادویه که فراهم آرد جراحات را اثمد انزروت انیخ ایرسا دم الاخوین زراوند
زیره صبر صمغ الوطین مختوم عسل گلنار لسان الحمل ورق بلوط **مجلیات اوساخ**
قروح ادویه پاک سازنده چرک جراحات اهبل آبکامه ایرساحب بلسان رانیخ
زفت عسل نمک **اکال گوشت زایده قروح** یعنی خورنده وبرنده زیاد تیهای
جراحت ها انزروت آشنان توتیا مس زنگار صدف سوخته مرداسنگ **یابسات**
قروح ادویه که خشک سازد جراحات را انزروت آشنه خرمای سوخته آهک شسته
توتیا صبر صدف سوخته **ادویه ضفدع اللسان** یعنی دوای قامع گوشت زایده
یعنی غده که در زیر زبان بهم رسد ورگهای زیر زبان را سبز گرداند پوست انار زنگار آبک
سوخته باسپیده بیضه مرغ سرشته سورنجان سرکه زنگ وسرکه بانوشادر منعتر **ادویه**
هیضه آبی وسیب بریان کرده آب آبی ترش آب سیب کوهی با قراص الطین
اقراص الکندر اقراص مع رد اقراص اسن اقراص سویق حب الرمان شراب بیوه اهلمند
وگلاب وگلاب سرد واسپند اعلم **فائده چهارم** در بیان نخستین رعشت ومصلح وبدل ادویه علاجات

مختار عبارت از اجناس هر دواست که همواره در هر امر مستعمل اطباست و مراد از تعیین مقدار خوردن هر دو است در استعمال آن و آن موقوف ست بدانستن وزن چند مشهور مثلا مطابق رسالهٔ وزان میر محمد مومن استرآبادی مثلا حبّهٔ یکجو میانه نخود و دو جو میانه **قیراط** چهار جو **گهونگچی** که بفارسی سرخ و هندی رتی گویند بلسه جو میانه که عبارت از هشت برنج باشد **ماشه** هشت سرخ **تولد** دوازده ماشه **ٹانک** چهار ماشه **دانگ و دانق** چهار سرخ و سدس سرخ **درهم و درم** سه ماشه و یک سرخ **مثقال** چهار ماشه و سه دهم سرخ **استار و سیر شاهی** یکصد تولد و دو ماشه **اوقیه و وقیه** هفت و نیم مثقال **رطل بغدادی** نوزده سیر شاهی **من طبی** چهل استار ست **مصلح** دارو یکه ضرر دوای دیگر باز دارد **بدل** آنکه هرگاه در نسخه دوائی باشد که بهم نرسد دوای دیگر قائم مقام آن میدانند قول کلی در بدل اینست که اگر دوای یافته نشود بدل تمر اد بوزن آن بیخ وی نود و بدل ورق و دانگ وزن آن تخم او باشد پس از مختار خ از شربت بش و از مصلح ص و از بدل ل ثبت نموده نتیجه در ذکر الفاظ ادویه بدانکه اسامی ادویه اغلب **اثبت** بعلامت ترقیم که از ان حرف نخستین مراد ست و **تنسیق** کلمات بحرف ثانی که متصل نخستین ست و تنسیق که ایما از حرف اخیر کلمه ست مرتسم گردانیده عبارت کثیر را باشارات قلیل و همچون گشته مسافت دور و دراز بر جویندگان و سالکان این راه کوتاه ساخت ترقیم الهمزه تنسیق الالف و تنسیق السین المهمله آ رغیس و مشقی و تمری و بربری بفتح همزه اول و ثانی و سکون راء مهمله و کسر غین معجمه و سکون تحتانی و سین مهمله با معجمه **ف** بیخ و رخت و ندشک **طح** ای ۲ تنسیق اللام آ طریلال یونانی بفتح همزه اول و ثانی و کسر طاء مهمله و رای مهمله و سکون تحتانی و لام و الف و لام ثانی و بقول علامه قطب الدین شیرازی

بروزن افعیلال و در نسخه دیگر بروزن فاعیلال هم آنرا در مصر حرز الشیاطین
و در شام رجل الغراب گویند ف تخم خلال خلیل گویند کاگجنگی و مستی بهمین ست
طح ۱ ے ۲ خ تخم وی تمنیق النون آالسین بروزن فاعلن ف سپند سوختنی
تنسیق الباء الموحده و تمنیق الالف ابرکا کیا بفتح همزه و باء موحده
و سکون راء مهمله و کاف و الف و کسر کاف ثانی و تحتانی و الف ثانی و نقطی در
اخیر موحده نیز می آرند ع نسج العنکبوت و بشیرازی کرتینه گویند ف کره و تنیده
عنکبوت ۵ مکڑیکا جالا طی ۱ ابن الماء ع ف مرغابی ابو خلسا بفتح اول
و ضم موحده و سکون واو و فتح خاء معجمه و سکون لام و سین مهمله و الف ف
شنکار و هوجوه طح ی ۲ خ سیاه بسیار و رق سطبرینخ ش تا دورم مضر
و باغ صداع آور مصلح آن روغن بنفشه تمنیق الفوقانی آلبست بمد اول و فتح ثانی
و سکون سین مهمله و فوقانی ف گوشت ترینج و پیه پالنک ۵ بجوری کاگودط
ح و خ گوشت بالنک دانه که آنرا با تو خوانند و اکثر مصریان مرکب گویند
تمنیق الجیم آالبوج ف بمد و فتح اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون واو و ذمیر
م قند تمنیق الدال المهمله آابرو ف بمد همزه و سکون ثانی و ضم راء مهمله و
سکون واو و دال مهمله م سنبل ۵ جهڑ و گویند نیلوفر تمنیق الراء المهمله آابار
ع بمد اول و ثانی و الف و راء مهمله ف سُرب سوخته ۵ بنگ بفتح موحده و خفاء
نون و سکون کاف فارسی طب ی ۲ ل اتمد ابرار بفتح اول و سکون ثانی راء
مهمله و الف و راء مهمله ثانی م حمی العالم ابقر بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف
ف شوره ۵ باجی طح ی ۳ ش نیمدرم ص کیترا و سل ل ملح اندرانی ابن
طاهر ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم نون با ها مهمله و الف و ها و راء مهمله ف
کلپک تمنیق السین المهمله ابن ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم نون

وکسر عین مهمله وسکون راء مهمله وسین مهمله ف راسوه نیول طح ی ق ملطف
خ بسیار موش نمکسود جهة دفع ضرر باد سموم یکدرم تا دو مثقال ص روغنهال جهة
صرع النفخه آبنوس م بمد اول وسکون ثانی وضم نون وواو وسین مهمله ف آبنوس
طح بنی ۲ گویند ق قابض ولاذع خ سیاه انلس که در آب غرق شود ص
صمغ عربی یاشاهسفرم ل چوب کنار یا تخم خرمای سوخته ابوعلس بفتح اول وضم ثانی
وسکون واو وفتح عین مهمله وسکون لام وسین مهمله وآخر الف ابا علس نیز گویند ف
گل خیری طح ی اق جاذب خ تازه ش اندکی ص زرده تخم مرغ تمیق القاف
آبق بزبان السپیریان بمد اول وکسر ثانی وسکون قاف م زیبق ف سیماب ه
پاراط سرد ۲ تر ۳ وگویند ح ق قابض ش از غیر مقتول آن تا دو درم ل رصاص
محلول تمیق الکاف ابهرک ه بفتح اول وسکون ثانی وا ظهار ها وفتح راء مهمله وسکون
کاف م طلق طب آبک ف بمد اول وکسر ثانی موخده م ابق تمیق اللام
ابابیل ع بفتح اول وثانی والف وکسر موخده ثانی وسکون تحتانی ولام ف
پرستوک ابل بفتح اول وبمد نیز وکسر ثانی وسکون لام م قافله صغار وبکسر اول
ع ف شتر وبضم ثانی فارسی طر اثیث ابهل ع بضم اول وسکون ثانی وضم ها
نیز وسکون لام ف تخم دهل وتخم سرو کوهی ه هوبیر طح ی ۳ گویند ۲ ق مدر ملطف
مجلی اوساخ قروح خ سیاه فربه وگویند مخ زدین ش از دو درم تا سه درم وگویند
یکمثقال ص عود الوج یاخولنجان یاحماما یا انبر باریس ل جوز السرو یا یوزن آن
سلیخه ویکنیم وزن دارصینی وگویند یکموزن او سلیخه وثلث وزن سکبینج تمیق ل
ابریشم ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر راء مهمله وسکون تحتانی وضم سین مهمله وسکون
میم ف ابریشم ه پاپت طمع ح پ گویند ز اق مقوی ومفرح دل ومعده
ومحرق ومجفف خ پاک مقرض ش تا دو دانق تا یکدرم ص ب اترج ل یوزن او

آنزمان که سوخته
گردد دو دو له
استعمال دی
آنست که تقوی
کنند وصفت
مقرض آنست
که ابریشم را
مقراض کنند
یا ریکتر و بعد
ازان در دو تا ن
سفاید بکوبند

سنبل ونصف وزن او پوست اترج تمیق النون آبرون بمد اول وبی مد نیز
وسکون ثانی وضم راء مهمله وسکون واو ونون ع حی العالم آبکون بمد اول وسکون
ثانی وضم کاف فارسی وسکون واو ونون م نشاسته گیهون کاهیر تمیق الواو
آبوف بمد اول وضم ثانی وسکون واو م گل نیلوفر تمیق الهاء ابراء القطع ع
بفتح اول وسکون ثانی وراء مهمله والف وضم راء مهمله ثانی وسکون لام وضم قاف
وطاء مهمله مشدد وخفاء ها م تخم حی العالم ابره ف بضم اول وسکون ثانی وفتح
راء مهمله واظهار ها ع خیاری وتبرکی تو غذرے ابرهمیه ع بکسر اول وسکون ثانی و
کسر راء مهمله وفتحها وسکون تحتانی وکسر میم وفتح تحتانی ثانی وها وابرهمیه نیز گویند
ف اهیست مانند زیره باج ط مع آبگامه ف ترشی نان ست که باب در آفتاب
نگاهدارند کانجی آبگینه ع بمد اول وسکون ثانی وکسر کاف فارسی وسکون تحتانی
وفتح نون وها مخفی ف شیشه کانچ ابن جبه ع بکسر اول وسکون ثانی وضم نون
وفتح حاء مهمله وموحده مشدده وها ف نان تمیق التحتانی ابن اوی ع بکسر همزه و
سکون ثانی وکسر نون وبی همزه والف وواو والف مقصوره ف شغال آبی
ف بمد اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ع سفرجل ه بهی ونام نوعی از انگور ط اشیرین
آن مع ح ب راش اب ی تاوسی درم م عسل م انیسون تمیق الموحده
فارسی وتمیق اللام ف ایل بفتح اول وموحده فارسی وسکون لام ع
طرائیث ط ب ی ۳ ق قابض ومقوی کبد ومعده ص درباب یه شکرش
تا دو درم ل ثلث وزن آن عفص ودو ثلث آن قرظ ونصف وزن آن قشر
بیض محرق خ تبریو تمیق النون الیسان ف بفتح اول وسکون ثانی فارسی
باسین مهمله والف ونون م سنگ فشان ع تمیس آپیون بفتح اول وسکون
ثانی فارسی وضم تحتانی وسکون واو ونون م افیون ط ب ۴ وگویند ۳

کی مخدر و قابض مسدد و منوم و محلل و مسکن اوجاع ص جند بیدستر و زعفران و دارچینی
و فرفیون و حبد وار و زنجبیل و فلفل سیاه ش از یکعدس تا چهار قیراط و زیاده از یکدانگ
ممنوع ل ۳ سه وزن او بزرالبنج و بوزن آن تخم لفاح یا پوست بیخ آن یا بوزن آن
تودری سفید گفته اند تنسیق التاء الفوقانی و تمنیق الجیم اترج ع بضم اول
و سکون فوقانی و ضم راء مهمله و سکون جیم ف ترنج ه بجوراط پوست زرد او
ح ی ۲ و گوشت سفیدج را ترشی ب ی ۲ و تخم ح رق مفرح و مقوی ل معده
و ملطف و مدرخ بزرگ زرد ش از تخم او د و شقال جهته گزیدگی عقرب با آب گرم
و گویند نیم مثقال ص شراب خشخاش ل آب لیمو تمنیق الراء المهمله اترار بفتح
اول و سکون ثانی ثا و مثلثه و راء مهمله و الف و راء مهمله ثانی ف زرشک ه زرک
طب ی خ شفاف آتش خوار بمد اول و فتح ثانی و سکون شین معجمه و ضم خاء معجمه
با واو معدوله و الف م آتشخواره تمنیق السنین المهمله اتناسیس بفتح اول و
سکون ثانی و نون و الف و کسر میم و سکون تحتانی و سین مهمله ف بابونه بری
انیس ه بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و سین مهمله طح ۲ ی اق مقوی باه
و باضم تمنیق النون اتان ع بفتح اول و ثانی و الف و نون ف ماده خره گدهی
تمنیق الهاء آتش خواره ف بمد اول مرغیکه اکثر آتش خورد تنسیق الثاء المثلثه
و تمنیق الدال المهمله اشد بکسر اول و سکون مثلثه و کسر میم و سکون دال مهمله ف
سنگ سرمه ه انجن طب ای ۲ ق مجفف و حابس د م نخ براق ریزنده ش نیمدرم
ص شکر و کیتراک آبار تمنیق القاف اثلق بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام و سکون
قاف ف تخم پنبکشت ه سبنها لوکی بیج طح ی ۳ تمنیق اللام اثل ع بفتح
اول و سکون ثانی و لام ف گزه جهاو تنسیق الجیم و تمنیق اللام الف اجل گیا
بفتح اول و جیم و سکون لام و کسر کاف فارسی و تحتانی و الف ف بیش و زهر ه بیش و سط

تمیق الجیم اج ف بضم اول وسکون جیم م کد وتمیق الدال المهمله
اجموده بفتح اول وسکون ثانی وضم میم وسکون واو ودال مهمله ع بزر الکرفس
طح ی ۲ ق مفتح محلل ص انیسون ش از یک درم تا سه درم تمیق الراء
المهمله آجرع بمد اول وضم ثانی وسکون راء مهمله ف خشت پخته ه اینٹ
طح ی ۲ ق مجفف خ غیر مستعمل ش از روغن او یکمثقال ص روغن بنفشه ل
خرف تمیق الصاد المهمله اجاص ع بکسر اول وفتح ثانی مشدد والف وصاد
مهمله ف آلوه آڑو وطب د ۲ ق ملین مسهل صفراخ رسیده بزرگ شیرین ش
پانزده دانه ص گلنکبین با عسل یا عناب ل تمر هندی تمیق النون اجاین ه بفتح
اول وسکون ثانی وواو والف وکسر تحتانی وسکون نون ف انخواه ه طح ی
۲ ق مجفف محلل رياح ملین ص کشنیز وترمس ش تا سه درم ل شونیز تمیق الهاء
اجهره ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح ها وراء مهمله وخفاء ها ه چنجره تمیق التحتانی
اجوائن خراسانی ه ع بزر البنج تنسیق الحاء المهمله وتمیق الالف اصلب
دبار رومی بکسر اول وسکون حاء مهمله وفتح لام وسکون موحده وکسر دال مهمله وتحتانی
والف م شبرم تمیق الضاد المعجمه احریض ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر راء مهمله وسکون
تحتانی وضاد معجمه ف درخت گاجره کیکسنبه وگویند اقحوان
است طح ای ۲ تمیق التحتانی احداق المرضی ع بکسر اول وسکون ثانی ودال مهمله
والف وضم قاف وسکون لام وفتح میم وراء مهمله وضاد معجمه والف مقصوره ف بابونه
کاوطح ۳ ی ۲ تنسیق الحاء المعجمه وتمیق التاء الفوقانی اخروط ه بفتح اول
وسکون خاء معجمه وضم راء مهمله وسکون واو وفوقانی هندی ع جوز ف چارمغز وگردگان
تمیق الراء المهمله اخلسا البقع بفتح اول وکسر ثانی باسین مهمله مشدد والف وضم
همزه وسکون لام وفتح موحده وقاف وسکون راء مهمله ف سرگین گاو ه گوبرق

بعض اورا
نارديين
وسنبل دشتی
خوانند نهندش
تکرگوینند
گرم ست
در درجه
سوم وخشک
ست در دوم

۲۰

محلل ادام انگرف بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی و سکون ر مهمله م
انگشت افروخته ه انگارا تمیق السین المهمله اخینوس بفتح اول و کسر ثانی و
سکون ثانی و ضم نون و سکون واو و سین مهمله ف خرد نیه سالک بیخ نباتی ست
سیاه پوست که مثل سکنول در تالابها و آبهار وید تمیق الطاء المهمله اخریط بکسر
اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله و سکون تحتانی و طاء مهمله م فراسیون ف گندنا
بری ه بن کاگندنا تمیق اللام اخیل ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح تحتانی و
سکون لام م بوقلمون ست و آن مرغیست که عرب آنرا شوم میگیرند و بزبان
اهل گیلان داده کوگویند تمیق المیم اخرم ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح راء
معجمه و سکون میم ف مازلو تمیق النون اخیون یونانی بفتح اول و سکون ثانی
و ضم تحتانی و سکون واو و نون نباتی ست ع راس الافعی تمیق الهاء اخبر و سه
بکسر اول و سکون ثانی و کسر سوحده و ضم راء مهمله و سکون واو و فتح سین مهمله و خفار ها م
دوسر ف گندم دشتی ه بن گیهون تنسیق الدال المهمله و تمیق اللام اول
بعد اول و ثانی و فتح دال مهمله و الف ف زنجبیل ترم ادرک ق ملین اوادا ه
بفتح اول و دو دال مهمله و دو الف ف درخت کردانطح ی م ادهناف بفتح
اول و سکون ثانی و کسر ها با جیم و الف م اجهر پنجر طه تمیق الکاف ادرک بکسر اول
و سکون ثانی و فتح نیز و کسر راء مهمله و سکون کاف ف آلوچه و بفتح اول و راء مهمله
زنجبیل تر تمیق النون ادمن ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و سکون نون
م مشک خالص ع اذفر تمیق الهاء اذهیجاره بعد اول و کسر ثانی و الها ها و
سکون تحتانی با جیم و الف و فتح راء مهمله و خفار ها ف خاز واژگون ه چرچیرا
تمیق الباء التحتانی اذرائی بفتح اول و ثانی و الف و راء مهمله و الف ثانی
و کسر قاف و سکون تحتانی ف فلوس یونانی ماهی ه کچلاطح ی م ق مخدر ص قی کردن

البشیر تازه ورو عن بادام ادوی ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر او وتحتانی
مجهول تبرکی اکبر گویند ع وج ه بج تنسیق الذال المعجمه وتمنیق الباء الموحده
اذان الاذخر بمداول وذال معجمه والف وضم نون وسکون لام وفتح همزه وسکون
راء مهمله وفتح نون ثانی وسکون موحده هم نوعی از لسان الحمل وورق آن پهن تر
انا آذان الجدی ست ف ورق بارتنگ اذان الدبع بضم دال مهمله مشدد
وسکون موحده م بوصبر ف گوش خرس تمنیق الذال المهمله اذن العبد ع بضم دال
وسکون لام وفتح عین مهمله وسکون موحده ودال مهمله م نوعی از عصی الراعی تمنیق
الواء المهمله اذان الفارع بسکون لام بافاء والف وراء مهمله م مرزنگوش و
مرزنجوش ه چوبه کنی طح اذخر ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر خاء معجمه وسکون راء مهمله
ف کورگیاه وگیاه یکی ه کندسیل وگندراج وراج هندس وردهندس طح ی ۲
ق مفتح وملطف قابض ومحلل ومقوی معده خ باریک سخت خوشبوش تیمدرتم تایکیتقا
ص بگلاب شستن وصندل بوسیدن ل بیخ او باقصب الذریره یا بوزن او سنبل و
ثمن وزن زعفران تمنیق السین المهمله اذان القسیس ع بسکون لام وفتح قاف
وکسر سین مهمله وسکون تحتانی وسین مهمله ثانی م نوعی از حی العالم اذریاس بمداول
وضم ثانی وسکون راء مهمله وبا تحتانی والف وسین مهمله ف صمغ سداب کونی
تمنیق اللام اذان الغزال بسکون لام وکسر غین معجمه وزاء معجمه والف ولام تا
م نوعی از لسان الحمل اذان الفیل ع بکسر فاء وسکون تحتانی ولام ف پیلگوش
ولوف وگویند ریحان واودی مرزنگوش واذان الفارهمین ست وحبق العنابر
گویند برگ درخت ساگون اذناب الخیل ع بفتح اول وسکون ثانی ونون
والف وضم موحده وسکون لام وفتح خاء معجمه وسکون تحتانی ولام ثانی ع لحیته التیس
فا سلیخه درخت سرس یا درخت بطم تمنیق النون اذاراقیون بمداول وثانی و

الف وراء مهملة وفتح همزة وسكون فاء وضم تحتاني وسكون واو ونون ف نوعي از كرفه ياتميق النون
آذرگون وآذربون وآذرسون نيز گويند بمد اول وضم ثاني وسكون راء مهملة و
ضم كاف فارسي وسكون واو ونون نوعي از شقائق كه كنارهاي آن بغايت
سرخ رنگ شود وميانه اش سياه آذربون بمد اول وفتح ثاني وسكون راء مهملة و
وضم تحتاني وسكون واو ونون وآذربيون نيز گويند ف نوعي از لاله كوهي وبعضي گويند
نوعي از اقحوان ست طح ي ٢ ق محلل خ بري ش پنجدرم ص عسل با ربياس
ل بازرد يا بهار تميق الواو آذربوع بمد اول وضم ثاني وسكون راء مهملة وضم موحده و
وسكون واو وم گل اشنان وآن زرد ميشود وبوته اش پرخار ميباشد وبيخ آن
كليم شوي ست ف فلارا آذريو بمد اول وضم ثاني وسكون راء مهملة وضم تحتاني
وسكون واو وهي ست فارسي معرب بوكه او را باتش نسبت كرده اند ف گل زرد
كه با آفتاب ميگردد وگويند چوربك اشنان طح ي ٣ نبش تا يكدرم ل تخم انزرج و
نيمون اوباد آورد تميق الهاء آذربويه ف بمد اول وضم ثاني وسكون راء
مهملة وضم موحده وسكون واو وفتح تحتاني وخفا رها آذربو تميق التحتاني
اذان الجدي ع بسكون لام وفتح جيم وسكون دال مهملة وتحتاني مجهول لسان الحمل
ف ورق بارتنگ تنيسق الواء المهملة وتميق الالف ارا قوا بفتح
اول وراء مهملة وضم قاف وواو بعد الف ف سهك گندم ه كهيلا ارسطاري و
بفتح اول وكسر ثاني وسكون سين مهملة وطاء مهملة والف ف بنگ ارطاماسيه
وفتح اول وسكون راء مهملة وطاء مهملة والف وميم والف ثاني وكسر سين مهملة
وتحتاني والف ثالث وارطيميسيا بكسر طاء مهملة وسكون تحتاني ثاني نيز گويند ف
برنجاسپ وبوني مادران طح ي ٢ ارسطلوخيا بفتح اول وكسر گويند
وسكون سين مهملة وفتح طاء مهملة وضم لام وسكون واو وكسر خاء معجمة وياتحتاني و

والف م زراوند طویل ارکاکیا بفتح اول وسکون ثانی وکاف والف وکسر
کاف ثانی وتحتانی والف ثانی م ابرکاکیا ارمینا بفتح اول وسکون
راء مهمله وکسر میم وسکون تحتانی بانون والف م نوشادر اط وساه بفتح اول
وضم ثانی وسکون واو باسین مهمله والف م بان تمیق الباء الموحده ارقب
ع بفتح اول م سکون ثانی وفتح قاف وسکون موحده ف بزکوهی تمیق التا
الفوقانی ارزت ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وسکون فوقانی ف
درخت صنوبر بی برطاح ی ۲ گویند ای ۲ تمیق الجیم اراج ف بفتح اول
وسکون ثانی وجیم م کرگدن ومرغ تمیق الدال المهمله ارشده بفتح اول و
سکون ثانی وفتح شلثه وسکون دال مهمله ف پنجنگشت ه سبنها لوارشد ع
بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین معجمه وسکون دال مهمله م مرقشیشا وحجر النور
طاح ی ۲ اسود ف بضم اول وسکون ثانی وضم میم وسکون واو ودال مهمله
م امرود طب دق منکن حدت صفرا وخون باقوت قابضه ارنده بفتح اول
وثانی وسکون نون ودال مهمله هندی رینڈی ف بید انجیر اربد بریدف بضم
اول وکسر ثانی وسکون تحتانی مجهول ودال مهمله وفتح موحده وکسر راء مهمله ثانی
وسکون تحتانی ثانی ودال مهمله ثانی اسم فارسی ست ودائی ست مانند پیاز
شگافته که ارسیستان خیزد تمیق الراء المهمله ارف بفتح اول وسکون ثانی
م گنجاره ه کهل تمیق الزاء المعجمه ارزع بضم اول وثانی وسکون زاء معجمه ف
کرنج وبرنج ه چاول طب ی ۲ گویند مع گویند ای ۲ ف مغذی خ سفید
ص شیر تازه بارو غن یا عسل وشکر سرخ ل پست جو یا جاورس ارزیز ف
بفتح اول وسکون ثانی وکسر زای معجمه وسکون تحتانی وزاء معجمه ثانی ع رصاص
م قلعی ه رانگ کتهیر تمیق الزاء الفارسی ارزیتر ف بفتح اول وثانی وسکون

نون وفتح تحتانی وکسر موحده وسکون زا فارسی م بطم ع طرخون ه معنیه تمنیق
السین ارس ف بضم اول وسکون ثانی وسین مهمله درختی ست که در طرف
اجین وزیریا وبهم رسد واز ان کاهو چودانه حاصل شود ونیز سرو کوهی تمنیق
الطاء المهمله ارقطع بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون طاء
مهمله ف پلنگ ارباط یونانی بفتح اول وسکون ثانی وبیم والف وطاء مهمله
ه گل کیوتره تمنیق العنین المعجمه ارغ ف بضم اول وسکون ثانی وعین معجمه
بادام وپسته وگردگان وفندق وناریل وامثال آن که اندرون آن تیز و
تلخ وبدبوی شده باشد تمنیق الکاف اراک ع بفتح اول وثانی والف وکاف
ه درخت پیلو طح ۲ ی اق مفتح خ تیز بویش از ثمر او یکمثقال اراک بفتح
اول وسکون ثانی وفتح میم والف م درخت کیوتره طح ۲ ی اتمنیق اللام
ارمال رومی بفتح اول وسکون ثانی وبیم والف ولام م چوبی ست خوشبو
چون قرفه ازمین خیزد وگویند ارماک طح ۲ ی انخ بویش ببوی قرفه ماند
ل چوب کاوی یا لادن تمنیق المیم ارمم رومی بفتح اول وسکون ثانی
وفتح دال مهمله وسکون بیم ف کل م مازریون ارمم ع بفتح اول وسکون
ثانی وفتح قاف وسکون بیم ف مارابلق سپید وسیاه تمنیق النون ارمان
ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر موحده وتحتانی والف ونون ف ملخ دریائی
ه جهینکاط نمکسود اوح ی خ تازه ص زرغن بادام تلخ ل ربتیا ارجان
بفتح اول وسکون ثانی وجیم والف ونون ف بادام کوهی ه جنگلی بادام
ارجوان ع بضم اول وسکون ثانی وضم جیم وواو والف ونون بهار درختی
ف ارغوان طب ی اردشیران بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله
وکسر شین معجمه وتحتانی مجهول وراء مهمله والف ونون ف نوعی از سرو تلخ ف

۲۵

اصل
الکثر بان کنید
از نقل
کرده
کنسنده
اصابع اللغوی
همه دسه
او با جور ا
انگلی خوانند
و بعضی گویند
تخم انگلی ست

ارزن بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وسکون نون نام علة ایست ع
وخن ه چینیه وبزاز فارسی م درخت بادام تلخ کوهی ارسانیقون یونانی بفتح
اول وسکون ثانی وسین مهمله والف وکسر نون وسکون تحتانی وضم قاف
وسکون نون نون ثانی ف زرنیخ زرده هرتال ارستیلون بفتح اول و
سکون ثانی وفتح سین مهمله وکسر قاف وسکون تحتانی وضم لام وسکون واو
ونون م ارسانیقون ارقان بفتح اول وسکون ثانی وقاف والف ونون
ف حناء مهندی ارسانیقون بفتح اول وسکون ثانی وسیم والف وکسر نون
وسکون تحتانی وضم قاف وسکون واو ونون ثانی ع بزر البنج ارسین وسی
ست بفتح اول وسکون ثانی وفتح سیم وکسر نون وسکون تحتانی ونون
ثانی م فلفل ف انار دشتی ه جنگلی انار ارسیان بفتح اول وسکون ثانی
وکسر سیم ویا تحتانی والف ف توشاد تمیق الواو ارپوف بفتح اول
وسکون ثانی وضم سوحده وسکون واو م امرود ارد شیر ارد بفتح اول و
سکون ثانی وفتح دال مهمله وکسر شین معجمه وتحتانی وسکون راء مهمله والف
بادال مهمله ثانی والف وراء مهمله وواو ف نوعی از مرو تلخ تمیق الهاء اراه
رومی بفتح اول وثانی وهاء م مصطکی ارحبقینه بفتح اول وسکون ثانی وسین
جیم وسکون تحتانی وکسر قاف وفتح نون وهاء وارخیفنه بخاء معجمه وفا نیز گویند
ف زریره ه اسپرک ارزه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وخفاء ها
م زفت وآن چیزیست شبیه بقطران که از درخت صنوبر تازه حاصل شود و
صنوبر بنده آن ست که بر بندهد اردانه ف بفتح اول وسکون ثانی وواو
والف وفتح نون وخفاء هاء نوعی از شیر تمیق التحتانی ارد فنای یونانی
بکسر اول وفتح ثانی وسکون دال وفتح فا ونون والف وکسر نون ثانی و

وسکون تحتانی ع قثار الحمار ارطی رومی بفتح اول وسکون ثانی وکسر طاء مهمله
وسکون تحتانی ف درخت دوزک م سپیدار ارغاموني بفتح اول
وسکون ثانی وغین معجمه والف وضم میم وسکون واو وکسر نون وسکون
تحتانی نباتی ست درشکل مانند خشخاش بری وبلون مانند شقایق النعمان
چنانچه فرقی درمیان این وشقائق نتوان کرد م ماهیثای سرخ طبی
ارنب بحری ع حیوانی ست دریائی صدفی شکل مرسملوت ست ه سمندر کا
سسا ارنب بری ع بفتح اول وسکون را وفتح نون وسکون سوحده وفتح
سوحده ثانی وکسر راء مهمله مشدده وسکون تحتانی ف خرگوش ه ستساط
ح ۲۱ ق بمضف خ سیاه بیابانی غربه که سگ صید کرده باشدش بقدر
اعتدال ص روغن زرد ل ثعلب تلشیق الزاء المعجمه آزاد درخت ف
بداول وراء معجمه والف ودال مهمله وفتح واو مهمله ثانی وراء مهمله وسکون خاء معجمه
وفوقانی ع درخت طاغک ه بنیت طحی ۴ گویند ح ۲ ی ال دردرازکردن
سوورق شهدانه تمنیق الجیم الفارسی انزج بفتح اول وسکون ثانی وکسر غین
معجمه وسکون جیم فارسی ف پیاره ایست بر بر درختیکه پیچد خشک سازد ع
عشقه تمنیق الدال المهمله ازادف بداول وثانی والف ودال مهمله
م سرو گویند سوسن سفید وگویند درختی ست که میوه ندهد همانا سرو سوسن را
بدان اعتبار آزاد خوانند وگویند درختی ست بلند قد که بیشتر درگیلان شود و
بلندیش شصت گز وهفتاد گز رسد وشاخهایش مانند درخت صنوبر بردبالا
وتنه اش راست وهموار وچوبش تا بالا بریک منوال ست وصافی وجوهردار
لیکن از جوهر چوب چنار ریزه تر باشد وگویند نوعی از ماهی ست درگیلان بهم رسد
وگویند درختی ست که چون بهائم برگ وچوب او بخورند بمیرند وگویند درخت

ارزن یعنی درخت بادام کوهی ست در کوهستان پارس بیشتر از جاهای دیگر پیدا
شود و نیز نوعی از طب که بغایت شیرین و لذیذ باشد از ورد بفتح اول و سکون
ثانی و فتح واو و سکون راء مهمله بشبیرازی اندوه قوقوم جند قونی تمیق الفاء
ازدف ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله و سکون فا میوه ایست سرخ
رنگ که اکثر در شوره زمین شود م کوز تمیق الکاف الفارسی از نگ ف
بفتح اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله و سکون نون م خیار تمیق الکاف
ارنگ م ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر غین معجمه مشقه تمیق المیم
از ازدف بفتح اول و ثانی و الف و سکون زاء معجمه ثانی و فتح دال
مهمله و سکون میم م لوبیا تمیق الزاء الفارسی اژه ف بفتح اول و ثانی فا
و خفا رها م آبک ع کلس و نوره تمیق السین المهمله استخوان باف
بضم اول و سکون سین مهمله و ضم فوقانی و خاء معجمه با واو معدوله و الف و سکون
نون و ضم راء مهمله با موحده و الف ثانی م طاهرها استرخایونانی بضم اول و
کسر نیز و گویند بفتح و سکون سین مهمله و ضم فوقانی و سکون راء مهمله و خاء معجمه
و الف ف زرنیخ سرخ ه منسل استه خرباف بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی
و همزه ملینه و ضم خاء معجمه و سکون راء مهمله با سیم و الف م تخم خربق سوخته او
مجفف قروح اسموسیا بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و سکون م او با سین
مهمله و الف ف نوعی از مرو گویند گذر بری تمیق الموحده ه اسرب ع بضم
اول م سکون ثانی و ضم راء مهمله و سکون موحده م سرب ه سیسا تمیق الفوقانی
اسپست بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده فارسی و سکون سین مهمله ثانی
و فوقانی ع قصفصه م رطبست ف بفتح اول و سکون ثانی م اشتر و خچر و
و استخوان آدمی و سائر میوها تمیق الجیم اسپلنج ف بکسر اول و سکون ثانی

وکسر راء مهمله وسکون نون وجیم گیاهی ست ع لحیته التیس طب ای ف
حابس ومدل اسپرنج ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر راء مهمله وسکون نون
ف سرنج وشنگرف راولی ۵ سندور وسیندور طب ای ۲ ق مجفف خ
بسیار سرخ ص اسفید باجات ل اسفیداج یا مرداسنگ اسفلنج بکسر اول وسکون
ثانی وفتح لام وسکون نون وجیم ع لحیته التیس اسفنج ع بکسر اول وسکون ثانی
وفتح فا وسکون نون وجیم ف ابر مرده وابر کهن وگویند حیوان دریائی ست
بدان سبب که چون ست برونی خود را در کشد وقتیکه بمیرد آب ویرا بر ساحل
اندازد ۵ مواباول طح ای ۲ ق مجفف مجلی خ تازه ش یکدرم ص رب خصر
بافانیذل قرطاس سوخته اسفیداج ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر فا وتحتانی
بمهمل ودال مهمله والف وجیم ف سپیدابی از زیره سرب ۵ بنگ طب ای ۲
گویند ۳ ق مجفف وسکون او جاع خ پاک سفید خوشبو ص از سفیده رصاص قند
وضمع عربی وشوریای چرب ل خبث الرصاص یا مردارسنگ تمیق المخاء المعجمه
اسفاناخ ع بکسر اول وسکون ثانی وفا والف ونون والف ثانی وخاء معجمه یا جیم
ف اسپاناخ ۵ ساگ پالک طب ادرا گویند مع ح ب ق ملین ش بقدر
حاجت ص فلفل م واچینی وآبکامه ل کدو یا لقله یمانیه اسود سالخ ع بفتح اول
وسکون ثانی وفتح واو ودال مهمله بین مهمله والف وکسر لام وسکون خاء معجمه
ف مارسیاه ۵ کالاناگ تمیق الدال المهمله استخوان بندف بضم اول وسکون
ثانی وضم فوقانی وخای معجمه وواو معدوله والف وسکون نون وفتح راء مهمله وسکون
نون ثانی ودال مهمله ع جای استهول کنده بکسر اول وسکون ثانی وضم فوقانی
وإظهار ها وسکون واو ولام وفتح کاف وخفاء نون وسکون دال ایضاً ۵ کرام کنند
اسفیداج بفتح اول وثانی ف شیو باگده اسقرودف بکسر اول وسکون ثانی وفتح فا

وضم راء مهمله و واو مجهول مرغی ست کوچک مانند تجشک و بر سران چند پر بلند باشد
مثل شاخ ع قطاه اسفندا سفیدم خرول سفید ف تخم سپندان ه اسبند
طح ی ۳ ق مخدر تمیق الراء المهملة استراف بکسر اول وسکون ثانی
وفتح فوقانی وراء مهمله والف وراء مهمله ثانی ع عدس اسغرف بضم اول وسکون
ثانی وضم غین معجمه م خارپشت ه شاهی استقنقوع بکسر اول وسکون ثانی و
فتح قاف وسکون نون وضم قاف ثانی وسکون واو وراء مهمله م سقنقور ف
ریگ ماهی ونهنگ دشتی کاریت مهلی اسمارف بمد اول وفتح نیر وسکون ثانی
ومیم والف وراء مهمله م درخت مورد اسمندرف بفتح اول وسکون ثانی وفتح
میم وسکون نون وفتح دال مهمله م سمندره آگ کاکیرا اسیرع بضم اول وکسر ثانی
وسکون تحتانی ف کاه خص ه کاندل طب اتمیق السین المهملة
اسع بمد اول وسکون سین مهمله ف نام درخت مورد که آنرا اسمار گویند و نیز
آنرا حب الآس گویند وشگوفه آن خوشبو شود وهر کس که آنرا ببوید وخواب کند
محتلم گردد اسبوس ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح موحده فارسی وضم تحتانی و
سکون واو ع بزر قطونام بنگوه اسبغول استطلس یونانی بکسر اول وسکون ثانی
وفتح فوقانی وسکون طاء مهمله وفتح لام م فقر الیهود خیر لیست چون مومیائی
اسطرماطوس یونانی بضم اول وسکون ثانی وفتح طاء مهمله وسکون راء مهمله ومیم و
الف وضم طاء مهمله ثانی وسکون واو ف اسبند اسطوخودوس وی بضم اول
وسکون ثانی وضم طاء مهمله وسکون واو وضم خاء معجمه وسکون واو ثانی وضم ال
مهمله وسکون واو ثالث از جزیره سنخا وس خیزد وموافق الارواح نیز گویند
م شاهسفرم رومی ه دیمارو گویند سندی طح ای ۲ ق ملطف منضج مسهل
سودا ومقوی ومفرح دل خ تازه سرخ مایل بسبزی تلخ خریف مش از جرم او

ناکیسر خانه
افغان
گاو چشم
بابونه گاو
آتشگاست
برد نش پوند
دانه وش
فرد مندش
مرهمی گوبند
شگوفه ایست

و دو درم تا شش درم و در مطبوخ تا هفت درم ص صمغ عربی یا کتیرا و گویند حماما یا بارزد
یا سکنجبین و گویند مقل ل فراسیون یا مرویا افیمون نصف وزن و نیموزن با زنجبیل
اسفیوس بکسر اول و سکون ثانی و فتح فا و ضم تحتانی و سکون واو و سین مهمله با عجمه
ع بزرقطونا ف بنگوه اسبغول اسقاقس بکسر اول و سکون ثانی و قاف و الف
و کسر قاف ثانی و سین مهمله م نوعی از اکلیل الملک طح ی ۲ اسقوریدوس یونانی
بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف و سکون واو و کسر راء مهمله و سکون تحتانی و ضم دال
مهمله و سکون واو ثانی ف پنیر مایه اسقولوس یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف
و سکون واو و ضم لام و سکون واو ثانی پنجی هست م نشی ف گیاه سرشیم ه سرشیش
کاکمانس ح ی اسپیوس بضم اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون واو و سین مهمله
ثانی سنگی ست سبک که زود بریزان شود و از نم دریا نمک بر وی بندد و آنرا نهره اسپوس
خوانند ف نمک چینی ه چین کابلون طح ی تمیق الضباد المجهد اسد الارض ع بفتح ۳۱
اول و ثانی و ضم دال مهمله و سکون لام و فتح همزه ثانی و سکون راء مهمله و ضاد معجمه ایضا
ع مرباف بوقلمون ه گرگٹ و باصطلاح کیمیاگران سیماب تمیق الکاف اسپرک
ه بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده فارسی و راء مهمله و سکون کاف ع اکلیل الملک
و زرد استخوان رنگ ف بضم اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و خاء معجمه با و اسعد له
و الف و سکون نون و فتح راء مهمله و نون ثانی و کاف م همای تمیق الکاف الفاد
استرنگ بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و راء مهمله و سکون نون ع ببر وج ف
مردم کیاهی لکمنا لکمنی تمیق اللام اسپغول ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح غین
فارسی و ضم خاء معجمه و سکون واو و لام م پنجال مرغان اسقیل ع بکسر اول و سکون
ثانی و کسر قاف و سکون تحتانی و لام ف پیاز دشتی ه کانده طح ی ۲ گویند ۳۲
ق مقطع محلل ملطف مفرح خ مشوی حلش یکمثقال ص حماما یا شیر تازه که در عقبش

از انواع

بنوشند دل بلیوس یا اسقوردیون یا لوف یا قردمانا یا وج یا بنج کبر تمیق المیم
اسپرغم و اسپرهم ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح موحده فارسی وسکون راء مهمله
وفتح غین معجمه و اسپرم ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح موحده فارسی وسکون راء مهمله
و میم ساکن گلهای دریایی چین اسفرم بکسر اول وسکون ثانی وکسر فا وفتح راء مهمله وسکون
سین ف سورد تمیق النون اسارون ع بفتح اول وثانی والف وضم راء مهمله وسکون
واو بیخ گیاهی ست که تگرطاح ی ۲ ق ملطف مفتح محلل منفت خ خوشبو تسوط میان
باریکی وسطبری بش نیم درم تا سه مثقال ص مویزج یا مقل ل یکنیم وزن وج یا شش یک
آن حماما یا قردمانا وحب بلسان یا نیموزن خولنجان یا زنجبیل یا افسنتین وگویند سلیخه و زنباد
اسن ف بفتح اول وسکون ثانی و نون م خربوزه نورسیده اسران ف بفتح اول
وسکون ثانی و نون م دوغ اسطفلین و اسطفین یونانی بکسر اول وسکون ثانی
وفتح طاء مهمله وسکون فا وکسر لام وسکون تحتانی در لغت اول وکسر فا وسکون تحتانی
در لغت ثانی ف زردک که گاو برطاح را سفیداج الحصاصین ع بکسر اول وسکون
ثانی وکسر فا وتحتانی مجهول با دال مهمله والف وضم جیم وسکون لام وفتح جیم ثانی وصاد
مهمله مشدد والف وکسر صاد مهمله ثانی وسکون تحتانی ف چوبه قلمی که کلی اسطون
بضم اول وسکون ثانی وضم طاء مهمله وسکون واو ونون ف زردک اسقوردیون
یونانی بضم اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو وراء مهمله وفتح دال مهمله وضم تحتانی
وسکون واو ثانی ونون م توم بری ست ع ثوم الحیة ف سیر وحشی که جنگلی
لهسن طاح ی ۴ ل عنصل کوچک یا توم الذکر اسقورون بضم اول وسکون
ثانی وضم قاف وسکون واو وضم راء مهمله وسکون واو ثانی ع خبث الحدید ف
زنگار آهن که کیمیا اسقولوقندریون یونانی بضم اول وسکون ثانی وضم قاف و
سکون واو وضم لام وسکون واو ثانی وفتح قاف ثانی وسکون نون وفتح دال مهمله

وسکون راء مهمله وضم تحتانی وسکون واو ثالث م سقولوقندریون ف زنگی دار
واسقیدولیون یونانی بضم اول وسکون ثانی وکسر قاف وسکون تحتانی وضم
دال مهمله وسکون واو وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو ثانی ونون م کاکنج ف عرق سگ
پس پرده تمیق الهاء آس بنگ ع بمد اول وکسر ثانی وموحده وسکون نون وفتح
کاف وخفاء ها ف مورد طب ای گویند ۳ ف قابض ومقوی دل خ خسروانی
تیز بوش از تخم او یکمثقال ص بنفشه تازه ونیلوفر ورغن آنهال ورق توت یا
عصاره زرشک یا گل حنا استه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی م تخم میوه
خسته استینه ف بمد اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی وفتح نون و
ها مخفی م تخم مرغ انجاره رومی بکسر اول وسکون ثانی وخاء معجمه والف وفتح راء مهمله و
خفاء ها ف تودری اسروه بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وسکون واو وفتح
راء مهمله ثانی وها مخفی م سنبل الطیب اسغرنه ف بضم اول وسکون ثانی وضم غین
معجمه وسکون راء مهمله وفتح نون وخفاء ها م خارپشت اسگنده به بفتح اول وسکون
ثانی وفتح کاف فارسی وخفاء نون وفتح دال مهمله واظهار ها ودای مشهور هندی ست
طح ق مبهی تمیق التحتانی آس بری ع بمد اول وکسر ثانی وفتح موحده وکسر راء مهمله
وسکون تحتانی ف مورد اسفرم تلنسیق الشین المعجمه وتمیق الالف اشتر کاف
بضم اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وراء مهمله باکاف والف ع عنقا اشتر گیاف
بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون راء مهمله وکسر کاف فارسی با تحتانی
والف م اشتر خار اشموسا بفتح اول وسکون ثانی با تحتانی والف کسفا با میم والف
ثانی وکسر میم ثانی وسکون تحتانی ثانی با شلشه م بصاره ما میثا طب ی ل در
طلا کردن بوش دربندی یا حضض تمیق الدال المهمله اشنان واو ف بفتح اول
وسکون ثانی با نون والف وکسر راء معجمه ودال مهمله والف وضم همزه وسکون واو اول مهمله

میرد دیر دیرون
جیون پیشرد از
زیاده میشود
خوردن آن
پیشرد باعث
نشاط وسرور
میگردد دردم
گرم دردیر بوست
معتدل

ثانی م زردفا خشک تمیق الراء المهملة اشتر خار ف بضم اول وسکون ثانی و
ضم فوقانی وسکون راء مهملة باخار معجمه و الف و راء مهملة ثانی م شتر خار ه هوالنسه اشتر
بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون راء مهملة وغین معجمه و الف و راء مهملة
ف بیخ درخت انگدان ست طح ۲ گویند ۲ خ رومی ص سرکه انجدان
اشتر مورد ف بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون راء مهملة وضم میم
و واو مجهول گویند که درختکی از جنگلهای مغرب درختی ست که برگهای آن اکسیر ست
و در ان جنگل مورچه بهم رسد که بکلانی بزرگ باشد همین که کسی بآن جنگل بجهة بدست آوردن
برگ درخت اکسیر درآید آن موران بر و در آویزند و در زمان پاره پاره اش کنند لهذا
کسی از ترس آن موران بآن جنگل در نتواند آمد و آن را شتر مور نیز گویند اشغرف بضم
اول وسکون ثانی وضم غین معجمه م خار پشت تمیق السین المهملة استلاوس
بکسر اول وسکون ثانی و کسر فوقانی ولام و الف وضم تحتانی وسکون واو و سین مهملة
م دار شیشعان ه کابنهل تمیق الشین المعجمه اشراش ع بکسر اول وسکون ثانی
و راء مهملة و الف و شین معجمه ثانی م عری ف سرشیم ه سرشیش تمیق الصاد المهملة
اشخیص یونانی بکسر اول وسکون ثانی و کسر خاء معجمه وسکون تحتانی و صاد مهملة م نوعی
از مارزیون ست تمیق القاف اشق ع بضم اول و ثانی وسکون قاف و بقول صاحب
مهذب بفتح اول م صمغ طراثیث ست بعضی گویند صمغ توت یا صمغ اشتر غار طح ی ۲ ق
محلل خ سفیدی که دانه درشت داشته باشد و زود حل شود ش نیدرم ص زردفا
و گویند بادام دنشاسته ل وسخ الکواریر یا سکبینج یا خرول سفید تمیق اللام اشقاقل
ع بکسر اول وسکون ثانی وقاف و الف وضم قاف ثانی وسکون لام م شقاقل
ف گندر صحرائی ه پهارکی گاجر تمیق المیم اشکیل حشیم بفتح اول وسکون ثانی
و کسر کاف و تحتانی مجهول وسکون لام و فتح جیم فارسی وسکون شین معجمه و سیم ساکن

م عوسج تمنیق النون آش بچگان ف بمد اول وکسر ثانی وفتح سوحده وجیم فارسی
وکاف فارسی والف ونون م جند بیدستر اشلان بفتح اول وسکون ثانی بالام
والف ه میوه سکها اشنان ف بضم اول وسکون ثانی ونون والف ونون ثانی
م غاسول وچوبک شویه چون او را بکوبند شخار شود ه چوک طح ی ۲ ق
مجلی ومنقی واکال خ سیر سفید بارقی وبارق موضعیست نزدکوفه مش پمدص خشخاش
ل صابون آشن ف بفتح اول وثانی م خربوزه نارسیده کالک تمنیق الواو آسترکا
بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون راء مهمله وکاف فارسی والف وواو مجهول
م جانور زرافه تمنیق الهاء آشیشه ف بکسر اول وسکون ثانی وکسره سوحده فارسی
وفتح شین معجمه ثانی وخفاء ها م کرمکی که در پوستین ونمد ودیگر چیزهای پشمین میفتد و
تباه میسازد آنرا آشتینه ف بمد اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی وفتح
نون م استینه اشنع بضم اول وسکون ثانی وفتح نون ف دوازده والی دوالک
ه چهر یراط مب گویند ح ای ۲ ق مقوی کبد واندک قابض مخ سفید خوشنوی
مصری ودر وقت کوفتن باب نرم کرده بکوبند تا کوفته گردد شش یکدرم تا دو درم
گویند نیمدرم ص انیسون ل قردمانا اذخر یا سنبل آشینه ف بمد اول وکسر ثانی وسکون
تحتانی وفتح نون م آسینه تنمیق الصاد المهمله وتمنیق الالف اصل الاغر طیشا
بفتح اول وسکون صاد مهمله وضم لام وسکون لام ثانی وفتح عین مهمله وسکون راء مهمله
وفتح طاء مهمله وکسر نون وسکون تحتانی ومثلثه والف ع بخور مریم ف آذریون اصل الاغر طیشا
ع بفتح اول وسکون صاد مهمله وضم لام وسکون لام ثانی وکسرها وسکون نون وضم
دال مهمله وسوحده والف ف بنجکاسنی ه کاسنی کجا تمنیق الموحده اصل الاغر
ع ف بفتح اول وسکون ثانی وضم لام وسکون لام ثانی وفتح غین معجمه وسکون آ
مهمله وسوحده ف بیخ غرب طح ی ۲ اصل القصب ع بفتح قاف وصاد مهمله وسکو

انجمار دوم
بنایست اول
دهله پسید دوید
بجده کس
گردد سر دست
دراول وشکل
ست دردوم
انغله پیر یابد
کیره را دفع
کند دانه شکم

سوحده ف بیخ نی ۵ سرکنڈے کی جڑ طح نی ۲ تمیق الفوقانی اصابع الفتیات
ع بفتح اول وسکون ثانی والف وکسر سوحده وضم عین مهمله وسکون لام وفتح
فا وکسر فوقانی وفتح تحتانی والف وفوقانی ثانی ف انگشت کنیز کان وآن
فرنجمشک ست یعنی بالنگوی خورده تلسی اصل الذرت ع بفتح اول وسکون
ثانی وضم ولام وذال معجمه مشدد وفتح راء مهمله مشدد وسکون نا رفوقانی ف بیخ غله
جوار طب ی ق مخذر تمیق الجیم اصل البرازیا بیخ ع برار مهمله مشدد والف
وزاء معجمه وتحتانی والف ثانی وفتح نون وسکون جیم ف بیخ بادیان ۵ سونف کی
جڑ تمیق الحاء المهمله اصل اللفاح ع بضم لام وتشدید لام ثانی مکسور وفاء
مفتوح والف وحا مهمله م بیروج ف سانبیرک ۵ لکهنا الکمنی ق مخذر تمیق
الواء المهمله اصابع صنوع بفتح اول وثانی والف کسر سوحده وعین مهمله وکسر صاد
مهمله ثانی وسکون فا وراء مهمله ف کف مریم وکف عایشه طح ی ۲ ل سعد و
نهار چشان اصل الهجاؤشیر ع بجیم والف واو وکسر شین معجمه وسکون تحتانی ف
بیخ گاؤشیر ل جاؤشیر اصل الکبر ع بفتح کاف وسوحده وراء مهمله ف بیخ کبر اصل اللوز المر
ع بفتح لام مشدد بالف ثانی وسکون واو وضم زاء معجمه وسکون لام ثالث وضم میم ف
بیخ بادام تلخ ۵ کڑوی بادام کی جڑ اصل المرع بفتح اول وسکون ثانی وضم لام وسکون
لام ثانی وضم میم ف بیخ مرطح ی ۲ تمیق المسین المهمله اصابع ہرمس
ع بفتح اول وثانی وکسر سوحده وعین مهمله وضم ہا وسکون راء مهمله وضم میم وسکون
سین مهمله ف گل سورنجان طح ی ۲ ل سورنجان اصل السوس ع بضم سین
مهمله مشدد وسکون واو ف بیخ مهک ۵ ملہٹی ومرہٹی طح ب دی گویند
ب ی اش یکدرمتا ودرم اصل الکرفس ع بفتح کاف وراء مهمله وسکون قاف
بنجکرفس ۵ اجمود کی جڑ تمیق الضاد المعجمه اصل السوس الابیض ع بضم سین مهمله

مشدد وسکون واو وفتح سین مهملہ ثانی وضم نون وسکون لام وفتح تحتانی وسکون
ضاد معجمہ ف بیخ سوسن سفید کہ در روم و میان بنفشہ میروید و مشہور ست بہ بیخ بنفشہ
و گویند قسط شیرین تمیق الفاء اصل الاصفع بمد ہمزہ وفتح صاد مہملہ وسکون قاف
بیخ کبر اصل اللوف ع بضم لام مشدد ثانی وسکون واو ف بیخ پیلگوش طح ی ۳
تمیق الکاف اصطرک بفتح اول وکسر ثانی وسکون ثانی وفتح طاء مہملہ وراء مہملہ وسکون
کاف ف میعہ و گویند صمغی ست کہ از درخت روم حاصل میشود و بعضی گویند زیتون ست
طح ۳ ی اگوبیذج ی ۲ تمیق اللام اصل التنبول ع بفتح فوقانی مشدد وسکون
نون وضم موحدہ وواو مجہول ولام م بیخ پان ہ کلیجن اصل الفلفل ع بکسر ہر دو فا
وسکون ہر دو لام ف بیخ فلفل دراز و فلفلویہ ہ پیپلامول ل دار فلفل اصل النیل
ع بکسر نون مشدد وسکون تحتانی ف بیخ حب النیل ہ کوادودی کی جڑ طح ی ۱
تمیق النون اسطفین ع بکسر اول وسکون ثانی وفتح طاء مہملہ وکسر فا وسکون تحتانی
ونون م اسطفین کہ مذکور شد اصل الاکسن بفتح راء مہملہ مشدد والف وفتح سین مہملہ و
نون ف بیخ زنجبیل شامی گویند نوعی از فیلبوش ست طح ی ۲ گویند اصل الماذیو
ع بامیم والف وفتح زاء معجمہ وسکون راء مہملہ وضم تحتانی وسکون واو ف بیخ بنجنگشت
طح ی ۳ تمیق الهاء اصل الکشاع بضم کاف بثلثہ والف واظہار ہاف بیخ کرفس
اصول الاربع ع بضم اول ثانی وسکون واو وضم لام ثانی وفتح ہمزہ وسکون راء مہملہ و
فتح موحدہ وعین مہملہ وہاف بیخ کاسنی م بیخ زرد بانہ بیخ کبر و بیخ کرفس تمیق التحتانی
اصابع الغداری ع بکسر غین معجمہ وذال معجمہ والف وکسر راء مہملہ وتحتانی ف نوعی از
انگور سیاہ و آنرا انگور زیتونی خوانند ہ کالی والکہ طح ر اصل الانجدان الخراسانی
ع بفتح ہمزہ وسکون نون وضم جیم بادال مہملہ والف وکسر نون ثانی وسکون لام ثالث
وضم خار معجمہ بار راء مہملہ والف وسین مہملہ والف ثانی وکسر نون م اشتر خار اصل الخنثی

۳۷

ع بضم خاء معجمه وسکون وثلثه والف مقصوره ف بیخ گیاه سرشبط مع ح ب
اصل السنبل الهندی ع بضم سین مهمله مشدد وسکون نون وضم موحده ولام ثانی
وسکون لام ثالث وکسر ها وسکون نون ثانی وکسر دال مهمله وتحتانی وم ش بیخ
اصل السوس الاسمانجونی ع بضم سین مهمله مشدد وواو مجهول وفتح سین مهمله ثانی
وکسر نون وسکون لام ثانی وهمزه وسکون سین مهمله ثالث باسیم والف وسکون
نون وضم جیم وسکون واو وکسر نون ثالث وتحتانی ساکنه م اسپرساف بیخ بنفشه
مشهور ست وفی الحقیقت بیخ سوسن کبود ست طح ی ۲ ق ملطف مسخن مفتح
منضج خ تازه که خورده وسوراخ دار نباشد ش تا ۲ مثقال ف عسل ل از سهاله
ثلث وزن آن ماذریون بابست مثقال شیر شتر اصل النیلوفر الهندی ع بکسر نون
مشدد وسکون تحتانی وضم لام وواو مجهول وفتح فا وکسر راء مهمله وسکون لام ثانی
وکسر ها وسکون نون وکسر دال مهمله ف بیخ نیلوفر هندی که قل وغافیه ست وکلوال
کی جرطاب ۲ گویند ی تنسیق الضاد المعجمه وتمنیق الموحده اخراس الکلس ع بفتح وال
وسکون خاء معجمه باز مهمله والف وضم سین مهمله وسکون لام وفتح کاف وسکون لام ثانی وم ۲ درم بسفایج
مهملکا تمنیق الطاء المهمله اضمط بفتح اول وسکون ثانی وضم میم وسکون واو وطاء مهمله م الطماط تنسیق
الطاء المهمله وتمنیق الالف الطاء بفتح اول وثانی والف همزه م ارطی اطمیسا بفتح اول وسکون طاء مهمله وکسر میم
وسکون تحتانی وسین مهمله م برنجاسف ف بوی مادران ۲ مارکنده تمنیق الطاء
المهمله الطماط واطموط واطیوط بفتح اول وسکون ثانی باسیم والف وطاء مهمله ثانی و
لغتها اول وضم میم وسکون واو ودر لغت ثانی وضم تحتانی وسکون واو ودر لغت ثالث
م فندق هندی که ریشها گویند غله ۲ طح ۲ دال بوزیدان تمنیق اللام ایطر فل
ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر راء مهمله وتحتانی مجهول وفتح فا وسکون لام ۲ معرب
تربلا که عبارت از هلیله وبلیله وآمله باشد تمنیق النون اطراف زیتون ع بفتح

اول وسکون ثانی بار اء مهمله والف ثانی وکسر فا وفتح راء معجمه وسکون تحتانی وضم موحده
وسکون واو ونون ف شاخهای زیتون طب ۲ تمنیق الهاء اطباء الکلمه ع
بفتح اول وسکون ثانی باموحده والف وضم همزه وسکون لام وفتح کاف وسکون
لام ثانی وفتح موحده وخفاء ها ف سپستان ۲ لمسوطرا اطریه ع بکسر اول وسکون ثانی
وکسر راء مهمله وفتح تحتانی ف حلوای رشته وتماجه سینوی طح راتنسیق
الظاء المعجمه وتمنیق الموحده اظفار الطیب ع بفتح اول وسکون ثانی بامیم والف
وطاء مهمله مشدده وسکون تحتانی وموحده ف ناخن صدف وناخن دیو وناخن
بواد وناخن پریان ۲ مکنه طح ی ۲ ق ملطف ومقوی کبد خ انچه مائل بسفیدی
باشد ش نیمدرم ص گل مختوم یا قبرس یاطین ارمنی ل اقحوان باقصب الذریره
تنسیق العین المهمله وتمنیق النون امین السر اطین ع بفتح اول وسکون عین
مهمله وضم تحتانی ونون وفتح سین مهمله مشدده وراء مهمله والف وکسر طاء مهمله وسکون ۳۹
تحتانی ثانی ونون ف تخم پنجنگشت ۲ سنبهالوکی بج تنسیق الغین المعجمه و
تمنیق الراء المهمله اغبرع بفتح اول وسکون غین معجمه وفتح موحده وسکون راء مهمله
ف توتیائی که مرکب ست از سنج وتوتیا کرمانی ونبات مصری تمنیق السین
المهمله اغرسطین بیخ نانی بفتح اول وثانی وسکون راء مهمله وفتح سین مهمله وکسر طاء
مهمله وسکون سین مهمله ثانی م خیل ف بیدکیا اعیرس بفتح اول وکسر ثانی وسکون
تحتانی وکسر وضم راء مهمله ع جزر رومی تکه گویند کهربا صمغ اوست اغیلس بفتح اول
وکسر ثانی وسکون تحتانی ف پنجنگشت تمنیق الهاء اغال الشبه ف بمد اول وثانی
والف وسکون لام وفتح موحده فارسی وشین معجمه وخفاء ها م درخت سکه تمنیق
التحتانی اغالوجی بفتح اول وثانی والف وضم لام وسکون واو وکسر جیم وسکون تحتانی
ف عود بفتح گویند درخت طبلیخ اندک تلخ اغلیقی بکسر لام اول وفتح غین وسکون ثانی وکسر لام

وسکون تحتانی وکسر قاف وتحتانی ثانی ف دوشاب تنسیق الفاء وتمیق للقوقانی
آفتاب پرست ف نیلوفر وبوقلمون را نیز گویند وگلیست که بهر جانب آفتاب بگردد
برگهایش وبدان جانب کنند واهل هند گل کهبودرا گویند تمیق المیم افشرح ع
بفتح اول وسکون فا وضم شین معجمه وفتح راء مهمله وسکون جیم ف معرب افشره یعنی
عصاره هر چیز افرغنج بفتح اول وثانی وسکون راء مهمله وفتح غین معجمه وسکون نون
کمشوث تمیق الواء المهمله افکار بفتح اول وسکون ثانی باکاف والف وراء مهمله
وکهکی تمیق الکاف آفتاب کردک بهداول وسکون ثانی بافوقانی والف وجیم
وفتح کاف فارسی وسکون راء مهمله وفتح دال مهمله وکاف م آفتاب پست افرنجمشک بفتح
اول وکسر اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله وسکون نون وفتح جیم وکسر میم وسکون
شین معجمه ف بالنگوی خورد وریحان قرنفلی را گویند تلسی طاح ی ۲ ص نفشه
ل قرنفل افشک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح شین معجمه وسکون کاف م
شبنم تمیق النون افاسون بفتح اول وثانی والف وضم سین مهمله وسکون واو
ونون ف روغن ترب ه مولی کاتیل افتیمون بفتح اول وسکون ثانی وکسر فوقانی
وسکون تحتانی وضم میم وسکون واو ونون ه اکاسن بیل امبیل طاح ی ۳ ف مسهل
سودا ومنقیء ومنشی خ افریطی یا مقدسی هر خ تخم تازه مش انبطیوخ پنجدرم تا هفت درم
واز جرم او دو درم تا سه درم ص کتیرا یارب سیب یا سکنجبین یا روغن بادام لحاشا
یکونزان ونیم یا تربد بوزن او یا اسطوخودوس م لبیفاج افربیون بفتح اول وثانی و
سکون راء مهمله وکسر موحده وضم تحتانی وسکون واو ونون م فربیون ف قیء
وقوه کننده کار ودفسان ف بفتح اول وسکون ثانی باسین مهمله والف و
نون م سنگ فشان افسنتین بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله وسکون نون
وکسر فوقانی وسکون تحتانی ف برنجاسف کوهی وگویند نوعی از درمنه ه مجری وستار

طح ای ۲ گویند ۳ ق مفتح و مسهل صفرا و قاطع دیدان خ تازه زردش اخرم او
تا دو درم و در طبیخ از پنجدرم تا هفت درم و از عصاره او یکدرم تا یکمثقال ص انیسون
یا نیلوفر ل جعده یا شیح ارمنی یا قیصوم و در تقویت معده اسارون یا نیموزن ان
هلیله زرد افلاطون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و لام و الف و ضم طا مهمله
و سکون واو و م مثل ۵ گوگل طح ۳ ی ۲ و گویند ح ۲ ق جالی و محلل و ملین یاقوت سرخ ص
در رباب به کتیرا و در رباب کبد زعفران ش یکدرم ل دو ثلث آن مر یکی و ربع آن صبر سقوطری افلیمون
یونانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم لام و سکون واو و در منه کوهی افیمون دی دفار
بفتح اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون واو و شیر خشخاش ۲ افیم طب ۲ ی ۳ ق مخدر و مسکن او جالینوس
خ در آب گرم نرم و حل شود و در آفتاب گرم نرم شود ش یکعدس تا دو عدس ص
فلفل دارچینی و سکنجبین و گویند بزرکرفس و چند بیدستر ل یکدرم وزن دی بزرالبنج و
یکوزن لفاح تمیق الماء افاویع بفتح اول و ثانی و الف و کسر واو و فتح تحتانی و ضاد
ف دارو های گرم چون تر نفل و خولنجان و دارچینی افلنجوع بکسر اول و سکون
ثانی و فتح لام و سکون نون و فتح جیم و لنجه تخمیست مانند نرول و بیشتر در عطریات
استعمال میکنند خ چون بدست بمالند ابوی سیب دهد تمیق التحتانی افنوع ق بفتح
اول و سکون ثانی و کسر عین مهمله و سکون تحتانی ف مار شهور طح ی ۴ ق الملفوف
خ ماده اش باز گوشت او ۳ شقال ص تریاق ل مار تنسیق القاف و تمیق الاول
اقاقیا بفتح اول و قاف و الف و کسر قاف ثانی با تحتانی و الف ثانی م عصاره قرظ
و فلفل ط شسته دی ب ۲ ی ۳ و ناشسته ب ی ۲ ق قابض مجفف ش
نیمدرم ص لبوب ل حضض ملهمنل و عدس ش قشر با سواد القصاه یا دم الاخوین
اقلیمیاع و یونانی بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی و ضم تحتانی
ثانی و الف ف ثفلی ست یا دردی نبیذ که بالای بوته طلا یا فره باشد و آن

۴۱ (۱) دوم دگویند معتدل ست در خشکی در رفع حرارت کند در خشکی بنشاند و ملکل چون مضمضه کند خشکی دهان و جوشش زبان را کم

می چسپد بران چیزی از طلا و نقره چون جهاز ظاهر باشد طمع ح ب ی ۳ ق
المجفف خ چون در سرکه ساعتی رها کنند طلا یا فضه از وجدا نشود و چندان نه زنگ شد
وجهای ثقیل زرین سیاه مائل بشقرت و بقدر شورش نیم مثقال ص روغن بادام
مروارسنگ سفید یا توتیا تمنیق السین المهملة افسوس بفتح اول وسکون ثانی و
ضم سین مهمله وسکون واو و سین مهمله ثانی م مویز عسلی و بق تمنیق الطاء المهملة
اقطاع بفتح اول و کسر ثانی وسکون طاء مهمله م قروت ف کشک و پنیوب
تمنیق النون اقارون رومی بفتح اول و ثانی و الف و ضم راء مهمله وسکون واو و نون
ع عود الوج ف اگره تج اقحوان ع بضم اول وسکون ثانی و ضم حاء مهمله باو او و الف
و نون ف بابونه کاوه مرهٹی طح ی ۲ گویند اگویند ح ۳ ی ۲ ق محلل ملطف مد
منوم خ سبز برگ که بیرون گلش سفید و اندرون زرد باشد و تلخ بش و دور تا سه
هل انیسون و گویند حب الاس ل شیح اقطن بنبی بفتح اول وسکون ثانی و کسر طاء مهمله وسکون نون
ف ماش و بشیرازی بنو باش ه مونگ اقویلا سمون رومی بفتح اول و ضم ثانی و کسر
واو وسکون و فتح تحتانی بالام و الف و فتح سین مهمله و ضم میم وسکون واو ثانی ف
روغن بلسان تمنیق التحتانی اقطنا رانیقی و اقطنا لوقی یونانی بفتح اول وسکون ثانی
و کسر طاء مهمله بانون و الف و فتح همزه و راء مهمله و الف ثانی وسکون تحتانی و کسر قاف
وسکون تحتانی و لغت اول و ضم لام وسکون و او و کسر قاف ثانی و لغت ثانی ف باد اورده
هماهنه اقطی یونانی بفتح اول وسکون ثانی و کسر طاء مهمله و خت بیل ه هندی بیل کاروکه
قمان الرمان الهندی ع بفتح اول وسکون ثانی با میم و الف و ضم عین مهمله و راء مهمله مشدد با میم
مشدد ثانی و الف ثانی و کسر نون وسکون لام و کسر با وسکون نون ثانی و کسر ال
مهمله ف نارمشک ه ناکیسر اقومالی یونانی بفتح اول و ضم ثانی وسکون واو با میم و الف
و کسر لام ع ماء العسل ف آب شهد ه شهد کایانی تلنسیق الکاف و تمنیق الالف

اکلکراف بفتح اول وکاف وسکون لام وفتح کاف ثانی با راء مهمله والف ع عاقرقرحا
تمنیق الفوقانی اکتمکت سریانی بفتح اول وکسر ثانی وسکون نوقانی ثانی وفتح میم
وکسر کاف ثانی وسکون نوقانی ثانی ف خایۀ البلیس ہ کرنجوا طح ۲ ی تمنیق
الثاء المثلثۃ اکنوث ع بضم اول وسکون ثانی وضم شین معجمہ وسکون واو وثلثۃ
م کشوث خ تخم قسمی از ابریسم تمنیق الجیم اکج بمد وفتح اول وثانی وسکون جیم ع
تفاح بری م زعرور ف کیل اکنج ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر خاء معجمہ م جلاب
تمنیق السین المهملۃ اکارس ف بفتح اول وثانی والف وکسر راء مهملۃ وسکون
سین مهملۃ ع کمات ہ کهنبی اگرفس بفتح اول وسکون ثانی وفتح راء مهملۃ وسکون فا
م کرفس ہ اجمود اگروفس ومی بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهملۃ وسکون واو و
فتح فاء جوزروی است اگویند کهربا صمغ اوست تمنیق الضاد المعجمۃ اکلیل الملوک بکسر
اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی وکسر لام ثانی وفتح همزه وسکون ها وفتح
واو وسکون ضاد معجمۃ ہ تخم اوشنگن تمنیق الکاف اگردنک بفتح اول وسکون
وضم راء مهملۃ وسکون واو وفتح نا وسکون کاف م انزروت آگ ہ بمد اول وسکون
ثانی ع شجر عشر اکلیل الملک ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی وضم
لام ثانی وسکون لام ثالث وفتح میم وکسر لام رابع ف گیاهی قیصر فرریزه آسپرس
که ازان رنگ زنگاری سازند طح ی اق محبل ملین منضج تخ تازه رسیده زرد
مائل بسفیدی که اوان شگافتن دانه زرد داشته باشد شش یکدرم تا دودرم ص عسل
باطبیخ آش ل نیمزان ورق انجیر یا فراسیون یا کبان یا بودنه بوزن آن یا حلبه
تمنیق النون اکارلقون بفتح اول وثانی والف وکسر راء مهملۃ وسکون تحتانی وضم قاف
وسکون واو ونون ف تخم زیتون وشتی المویزان بفتح اول وسکون ثانی وفتح
میم وکسر راء وسکون تحتانی وزاء معجمۃ والف ف نوعی از کرسنه تمنیق الهاء اکل بفتح

ع بمد وضم اول وثانی ولام وفتح نون وسکون فا وسین مهمله و اظهار بلام فرفیون
تنیق التحتانی اکاهولی ه بمد اول وثانی والف وضم ها وسکون واو وکسر لام و
سکون تحتانی دوائی ست هندی دافع پرسیو یعنی سوزاک تنسیق الکاف
الفارسی وتنیق الفوقانی اکن بنت ه بفتح اول وکسر کاف فارسی وسکون نون
وفتح میم سکون نون ثانی وفوقانی ه اکونت وارنی طح تنیق الواء المهمله
اگروف بکسر اول وثانی فارسی وسکون ا مهمله ع وج ه بچ وبفتح اول ثانی اگورف
بمد اول وضم ثانی فارسی وسکون واو م خشت پخته که آنرا بعربی اجر گویند
تنسیق اللام وتنیق الالف السا بفتح اول وسکون ثانی باسین مهمله والف ف
تا نخواه ه اجواین الواف بکسر اول وسکون ثانی با واو والف ع صبر تنیق الموحده
آلب بکسر اول وثانی وسکون موحده ع ه ایلوا تنیق الجیم النج ف بمد اول وضم
ثانی وسکون نون وجیم م آلوچه الوچ بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وف کالبسیکه
وآن نوعی از خلصه ست تنیق الواء المهمله السنة العصافیر ع بفتح اول وسکون
ثانی وکسر سین مهمله وفتح نون وضم فوقانی وسکون لام ثانی وفتح عین مهمله وصاد مهمله
والف وکسر فا وسکون تحتانی وراء مهمله م لسان العصافیر ف اهره اندرجو الغنجا
ف بفتح اول وسکون ثانی وضم غین معجمه وسکون نون باجیم والف میوه ایست
شبیه بزرعآلو که رنگش سبز ومنقش وزرد ودیگر الوان نشود وطعمش مخوش بود م
گروه آلو وآلوکرده وخلوکرده تنیق السین المهمله البانیس بفتح اول وسکون
ثانی با بموحده والف وکسر نون وسکون تحتانی وسین مهمله ه ساگ چولائی الماس م
بفتح اول وسکون ثانی وسیم والف ف ماس ه هیرا تنیق الطاء المهمله البطو
بفتح اول وکسر ثانی وسکون موحده وضم طاء مهمله وسکون واو وطاء مهمله ثانی
ف گشت برگشت ه بهنهلی الطرومی بفتح اول وثانی ع سنبل الطیب ه بالهرط

تمیق اللام ال ف بمد اول وسکون لام نوعی از ماهی فلوس دار که آنرا بال و
دال نیز خوانند و درختی ست که از بیخ آن رنگ سرخی حاصل شود مانند رنگ وقاس
و ازان جامه را رنگ کنند و در دواها بکار دارند تمیق المیم آلم ف بفتح اول و ضم
ثانی وسکون سیم م ارزن تمیق النون آلانیون رومی بفتح اول و ثانی و الف
و کسر نون و ضم تحتانی وسکون واو و نون ثانی م رسن تمیق الواو آلاوف بفتح
اول و ثانی و الف و واو مجهول م آتش آلوف بمد اول و ضم ثانی نام میوه معروف
ع اجاص آلیو بفتح اول وسکون ثانی و ضم تحتانی ه گولر تمیق الهاء آلغوزه آلگوز
ف بمد اول وسکون ثانی و ضم غین معجمه در لغت اول و ضم کاف فارسی در لغت
ثانی وسکون واو و فتح نون و خفا ها م سرخی که زنان بر سری مالند م غانه
آلہ بفتح اول و ضم ثانی و اظهار ها ف عقاب ه کیده و بفتح ثانی و خفا ها ف ع
مقل ارزق و بمد اول و فتح ثانی و خفا ها ف ع سنبل الطیب آلیع بفتح اول
وسکون ثانی و فتح تحتانی ف گوسفند ه و بنبه کی پوپنخط ع رق ملین خ ماده
از حیوان فربه جوان ص زنجبیل و فلفل م دارچینی و سرکه ل سمین تمیق التحتانی
آلاطینی رومی بفتح اول و ثانی و الف و کسر طاء مهمله وسکون تحتانی و کسر نون وسکون
تحتانی ثانی م لبلاب ه عشق پیچ الایچی ه بکسر اول و لام و الف و کسر تحتانی و جیم
فارسی وسکون تحتانی ثانی ع قافله آلسی ه بفتح اول و سکون ثانی و کسر سین مهمله ع
بزرگتان تلنسیق المیم و تمیق آلاف امراه بمد اول و بی مد نیز و فتح میم و راء مهمله
و الف م میوه هندی ست مشابه بانبه تمیق الفوقانی امرود ف فارسی بفتح اول
وسکون ثانی و ضم راء مهمله و فوقانی م امرود آمل بنیت ه بفتح اول و ثانی و سکون
لام و کسر میوحده وسکون تحتانی و خفا نون و فوقانی م ثمر درخت هندست
تمیق الجیم آلبع بمد اول وسکون ثانی و فتح لام ف آملیه آلوزاط ب گوزنید

ای ۲ ق قابض و مجفف و مقوی دماغ و معده و مفرح دل و گویند مسهل سوداوی
سیاهی که لونش مائل بسرخی باشد و تیز بوی ش یکمثقال تا سه درم ص مسل
یا شراب انجیر ل شیر آمله با لهلیلهٔ سیاه یا کبینم وزن بلیله تمیق الدال المهمله امرود
ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم را مهمله و سکون واو و دع ناشپاتی تمیق السین
المهمله اموس بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و سین مهمله ف زنبان و نانخوه
ه اجوائن تمیق الضاد المعجمه اسعار الارض ع بفتح اول و سکون ثانی و عین
مهمله و الف و ضم همزه و سکون لام و فتح همزهٔ ثانی و سکون را مهمله و ضاد معجمه ف
زغار کرم م خراطین ه کینچوا تمیق النون اماسون یونانی بفتح اول و ثانی و الف
و ضم میم ثانی و سکون واو و نون م حماما امعاسین رومی بفتح اول و سکون ثانی
و فتح عین مهمله و الف و کسر سین مهمله و سکون تحتانی و نون ف آب غوره و انگو
ه داکه کابانی امغیلان ع بضم اول و کسر ثانی مشدد و غین معجمه و سکون تحتانی با لام
و الف ف مغیلان ه کیلر و ببول طب ی ۲ گویند ح ق قابض مجفف ش بقدر
حاجت ص بنفشه تمیق النون و تمیق الالف انارگیر ا ف بفتح اول و ثانی و الف
و را مهمله و کسر کاف فارسی و سکون تحتانی با را مهمله و الف ثانی م غورهٔ خشخاش یعنی کوکنا
انتله سوداسیریانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و فتح لام و همزهٔ ملینه و فتح سین مهمله
و سکون واو با دال مهمله ع ماه فرفین وصد وارهٔ نرسبی انجسا بفتح اول و سکون ثانی و
کسر جیم و ضم نون و سین مهمله و الف م شنگار انحفظینا سیریانی بفتح اول و سکون نون و فتح
و کسر جا مهمله و سکون فا و کسر طا مهمله و سکون تحتانی و نون ثانی و الف ع جلنار ف
گلنار اندرزاف بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله و سکون را مهمله با بار معجمه و الف
م گاؤزهره و آن سنگی ست که در میان زهرهٔ گاو سکون شود و یا در میان شیر دانش
و بیشتر از گاو هندوستان بهم رسد و مانند باذزهر بود و مدر لون و خاصیت ع حجر البقر

انسانا بفتح اول وسکون ثانی باسین مهمله والف باشلثغ زبیب الجبل ف مویز ه
لنده انطونیا یونانی بفتح اول وسکون ثانی وضم طاء مهمله وسکون واو وکسر نون و
نحتانی ف کاسنی رومی طب ر آ انقردیا رومی بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف
وسکون راء مهمله وکسر ال مهمله وتحتانی ف بلادره بهلانوا انگار اه بفتح اول وسکون
ثانی باکاف فارسی والف باراء مهمله ف اخگر انگورفا بفتح اول وسکون ثانی باکاف
فارسی وکسر راء مهمله وشین معجمه وفاع عنب الثعلب ف روباه تریک ه مکوه وچرپوتن
انوپاف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو باموحده فارسی م کاسنی وگویند گاوزبان تلخ
آنولاه بمد اول وخفا رنون ثانی وفتح واو باللام والف ف آملط ب ی آنومیا
رومی بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وکسر میم یا تحتانی والف میم شقایق ف گل لال
تمیق الموحده آنب بفتح اول وثانی وسکون موحده ف بادنجان آلفخه الانبه
ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح فا وخاء معجمه وضم فوقانی وسکون لام وفتح همزه وسکون
راء مهمله وفتح نون ثانی ف پنیرپایه خرگوش تمیق الفوقانی باثر روبت ع بفتح اول
وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وضم راء مهمله وسکون واو وفوقانی ف کنجده ه لامی طح
ای اق مدمل واکال خ سفید ماءالجبن زردی ش نیدرم تایکدرم ص صمغ عربی یاروغن
جوزل یکوزن نشاسته ونیموزن صبر الفست ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فا وسکون
سین مهمله ف تنیده عنکبوت انگشت ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر کاف فارسی
وسکون شین معجمه م زکال ه کویلا خسته میوه ها را نیز گویند تمیق الجیم آنج ف بمد
اول وفتح ثانی وسکون جیم م زعرور تاتجوج بفتح اول وسکون ثانی وضم جیم وسکون
واو ف عود هندی اگر تمیق الدال المهمله ابرودف بفتح اول وسکون ثانی
وفتح موحده وضم راء مهمله وواو مجهول ودال مهمله م امرود اندف بفتح اول وسکون ثانی
م مهک ع سوسن اندرودف بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وضم راء مهمله م

یا زهر انگزوف بفتح اول وسکون ثانی وضم کاف فارسی وفتح زاء معجمه فارسی صمغ درخت انگدان
است وبشیراسلی نکشتک کنند گویند ع حلتیت ۵ هنگ تمیق الراء المهمله انجبار
رومی بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم وسوحده والف وراء مهمله بهمین نام مشهور است
طب ای ۲ ق منفی قروح شش وحابس دم وملین طبیعت ش یکمثقال تا دومثقال
انجیرف بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم وسکون تحتانی ع تین انگور ف بفتح اول وسکون
ثانی وضم کاف فارسی وسکون واو ۵ دالکه ق سبی تمیق السین المهمله انابیل
بفتح اول وثانی والف وکسر باء مهمله وسکون تحتانی وضم لام وسکون سین مهمله ام
مرزنگوش انبربارسین ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح سوحده وسکون راء مهمله بابوحده
ثانی والف وکسر راء مهمله ثانی وسکون تحتانی ف زرشک ۵ زرشک طب ی ۲
خ بکمال خود رسیده سرخ مائل بسیاهی شیره وارص جلاب بل تخم گل وچهار دانگ من زن
آن صندل ورسیج سماق اندرود طاقس بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله ونیم راء
مهمله وسکون واو باطا مهمله والف وکسر قاف ف نوعی از نخود الفقحة الفرس ع ف
پنیرمایه اسپ تمیق الفاء الفقحة الخشف ع بکسر خاء معجمه وشین معجمه وسکون قاف پنیرمایه
بچه نر ینه بز کوهی که ایل باشد تمیق القاف انفاق ع بفتح وکسر اول وسکون ثانی
وفا والف وقاف ف روغن زیتون تمیق الکاف انارمشک ف بفتح اول وثانی
والف وراء مهمله وکسر میم وشین معجمه وکاف م ماء مشک ۵ ناکمیسر انجرک بفتح اول وسکون
ثانی وکسر جیم وفتح راء مهمله ف مرزنگوش ۵ مرواء انجلک ع بفتح اول وسکون ثانی
وضم جیم وفتح کاف اول وسکون کاف ثانی م محلب ۵ کهیلا انک ع بدا اول و
ضم ثانی ف سرب ۵ سیسا تمیق اللام انجل بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم وسکون
لام ف خطمی الفقحة الجلع بفتح جیم ومیم ف پنیرمایه شترق سبی خ از اشتر اعرابی
الفقحة العجل ع بکسر عین مهمله وسکون جیم ف پنیرمایه گوساله تمیق النون انارین

بفتح اول وسکون ثانی والف وکسر راء مهمله وسکون تحتانی ونون ثانی ف زنگار مس
انجدان ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر سیم وفتح دال مهمله والف ونون ف درخت
انگوزه ه بینگ کاروکمه طرخی ۳ ق مدر ومحلل وملطف خ سفیدش یکدرهم
نطل ل بیخ آن یادرنگ وزن آن علیت یا تخم جزریا کمون کرمانی انجن بالفتح
اول وسکون ثانی وفتح جیم ف سرو دارو وی شیم اندراین بکسر اول وسکون ثانی و
فتح دال مهمله وراء مهمله والف وکسر تحتانی وسکون نون ع حنظل طرخ ف بلیلین و
مسهل اندروخارون ف نباتی ست که درکشت گندم وجو روید وقسمی بوی بخود اندو
سرخ طعمش بغایت تلخ اندروخورون ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وضم راء مهمله و
واو مجهول وضم خاء معجمه وسکون واو ثانی وضم راء مهمله ثانی وسکون واو وثالثهم گویند ازعشیعان وکسر
مرکبکه در مستعمل ست وآنرا هم بدین نام خوانند اندروهارون بفتح اول وسکون ثانی
وفتح دال مهمله وضم راء مهمله وواو مجهول بانا والف وضم راء مهمله ثانی وسکون واو ثانی
بمعنی اندروخارون انسان ع بکسر اول وسکون ثانی باسین مهمله والف ف آدمی
ه مانس ومشکه القطریون بکسر اول وسکون ثانی وکسر قاف وسکون طاء مهمله وکسر راء
مهمله وضم تحتانی وسکون واو ونون ف کهربا ه کیموسه انقون رومی بفتح اول وسکون
ثانی وضم قاف وسکون واو ف کل پیاده ه سداب کلاب انگبین ف ع عسل م
شهده مهو ومداتکدان ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف فارسی بادال مهمله
والف ع انجدان آنیسون یونانی بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وضم سین مهمله وسکون
واو وم رازیانه رومی ه سولف طرخی ۳ ق بفتح مدر بخشی خ رومی تازه شش نیدرم ص
تخم رازیانه یارب السوس ل تخم شبت یاکرویا یاد ومذن آن رازیانه تمیق الواو
اندرجوزه بکسر اولی وسکون ثانی وفتح دال مهمله وسکون راء مهمله وفتح جیم وسکون واو
ع لسان العصافیر آنمیون بفتح اول وسکون ثانی وکسر میم وضم تحتانی ف درخت

۴۹
ظلا کرسنه
وبعد از آن نخل
کرما خورند
باب التاء
تامول بهندی
بمل گویند
دبان نیز و تنبو
سرو دست
اول در خشک
ست در دوم

بزرگ بقیاس خرمای هندی و بوقت رستن برگ و گل و بار سیر و دیر کا بزبان مالوه
چهارا گویند تمیق الهاء انبله بفتح اول و سکون موحده و فتح لام و خفا رها م تمرهندی
انجره بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و فتح راء مهمله ف تخم کرنه ه املنگن کی بیج ط
برگ او ح ی ۲ ف ملطف ص صمغ عربی و کیتراال حرف و قردمانا یا تخم گندنا انجیده
ف و یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون تحتانی و فتح والف مهمله ف
گندنای کوهی انجیره بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون تحتانی و فتح راء مهمله
م انجیر انشره ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاء فارسی م غله انسک ع عدس ه
مسور انسته ف بدال و فتح ثانی و سکون سین مهمله و فتح فوقانی ع سعده منوتها الفتح
الوشیع بفتح اول و سکون ثانی و کسر فا و فتح خاء معجمه و ضم فوقانی و سکون لام و کسر
حاء مهمله با میم و الف و کسر راء مهمله و سکون لام ثانی و فتح واو و سکون حاء مهمله ثانی
و کسر شین معجمه و فتح تحتانی مشدد ف پنیر مایه گوکرنه الفتح ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح
فا و خاء معجمه و خفا رها ف شیران و پنیر مایه ه چیتا طح ی ۳ ق ملطف
محلل و مقوی دماغ فتح انچه از و ازاله تری نموده باشند مش دو دانگ داشتر بکیدانگ
ص عسل یا انبر با بیس ل مراده انکمه بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف و فتح میم ف خارپاکونه
ه چرچرا انگشره ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی و فتح زاء فارسی ع حلتیت
انیشره ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح زاء فارسی م بوی مادران تمیق
التحتانی انالیقی رومی بفتح اول و ثانی و الف و کسر لام و سکون تحتانی و کسر قاف
و سکون تحتانی ثانی م انجره انبلی ه بفتح اول و سکون ثانی و موحده و کسر لام ف
تمرهندی تانبوت الراعی بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو و ضم
فوقانی باراء مهمله مشدده و الف و کسر عین مهمله م نوعی الوحی العالم انبوت ملکی بفتح
اول و سکون واو و کسر فوقانی و فتح میم و کسر لام و کاف ف بستان افروز انجیر دشتی

بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم وسکون تحتانی وکسر راء مهمله وفتح دال مهمله وسکون شین
وکسر فوقانی م انجیر ادم ه گولر وگویند انجیر جنگلی ست ه گنهونبری النفحة الطبیع بفتح
اول وسکون ثانی وفتح فاء وخاء معجمه وضم فوقانی وفتح ظاء معجمه مشدد وکسر موحده ف
بنیر مایه آهو تنسیق الواو وتمیق الالف اوما دایونانی بضم اول وسکون واو وباء
والف ودال مهمله والف ثانی م عصاره قثاء الحمار تمیق الجیم اورنج ف بفتح اول
وسکون ثانی وفتح راء مهمله وسکون نون وجیم م سک انگور بضم اول وواو مجهول ف
چوب خوشهٔ انگور که انگور او اچیده باشند او کنج ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح
کاف فارسی وسکون نون وجیم م سپستان او لنج ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح
لام وسکون نون م او رنج تمیق الدال المهمله او دبهده بفتح اول وسکون ثانی
مجهول ودال مهمله وکسر موحده واظهار ها م بان کالون او سپید بضم اول وثانی ساکن
وکسر سین مهمله وموحده فارسی وتحتانی مجهول ف نوعی نیلوفر هندی طح ی تمیق الدال
المهمله او ذریونانی بضم اول وسکون ثانی وفتح ذال معجمه وسکون راء مهمله ف آب
بانی رجل او رف بضم اول وثانی مجهول م گردگان وبادام وجوز هندی وپسته ومثال
آن که مغز آن ضایع وتیره شده باشد تمیق الزاء المعجمه اوزع بضم اول وسکون ثانی
وراء معجمه ف مرغابی طح ر تمیق السین المهمله اورس ف بفتح اول وسکون ثانی
وراء معجمه وسکون سین مهمله م سرکوبی ع اهبل او ثانیین بفتح اول وسکون ثانی بانون
والف وکسر نون ثانی وسکون تحتانی ف شنگوفه انار تمیق العین المهمله اوشع
ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح شین معجمه وسکون عین مهمله ف جانور سمور تمیق النون
او دراسالیون یونانی بضم اول وسکون ثانی ودال مهمله والف وسین مهمله والف ثانی
وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو ثانی م کرفس کوهی او وطاریون بفتح اول وسکون
ثانی وفتح قاف وطاء مهمله والف وکسر راء مهمله وضم تحتانی وسکون واو م غافث او ثمین

یونانی بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون تحتانی وفتح میم م بادروج اویش
ف بمد اول وکسر ثانی وتحتانی مجهول وفتح شین معجمه وصعتر وبزبان عراق کانونی
وبگیلانی کنکتو وبترکی کلیک اوتی خواننده ساتل مرواتمیق الهاء آویشه ف بمد
اول وکسر ثانی وتحتانی مجهول وفتح شین معجمه وخفا وها م اویش تمیق التحتانی اورک
واومالی یونانی بضم اول وسکون ثانی وراء مهمله وبی راء مهمله نیز ومیم والف وکسر لام
وسکون تحتانی ع دهن العسل ف عسل واودان روغنی ست که از ساق درخت
حاصل میشود ومانند عسل ست اسطبری وشیرینی طرخ کهنه غلیظ صافی اونهالی
یونانی بضم اول وفتح نیز وسکون ثانی وضم نون وسکون واو ثانی با میم والف وکسر لام
ف شراب وعسل تمیق الهاء وتمیق الدال المهمله اهلیلج اسود ع بکسر اول و
سکون ثانی وکسر لام وتحتانی مجهول مع فتح لام ثانی وکسر جیم وفتح همزه وسکون سین مهمله
وفتح واو وسکون دال مهمله ف هلیله سیاه ه زنگی هرطب ای ۲ ق مسهل خ
هندی ش از جرم او یکدرم تا دودرم وزدرمطبوخ از هفت درم تا ده درم ص عسل وگویند
روغن خرمل هلیله کابلی تمیق الراء المهمله آهرف بفتح اول وسکون ثانی وراء مهمله
م درخت بلسان العصافیر اهلیلج اصفر ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر لام وتحتانی مجهول
وفتح لام ثانی وکسر جیم وفتح همزه وسکون ضاد مهمله وفتح قاف هلیله زرد ه هرطب ای
۲ ق مسهل صفرا وسودی دل ومحدوخ فربه ش از جرم او سه درم تا پنجدرم ودرمطبوخ
از هفت درم تا نه درم وتالبست درم ص قند یا نربین با آب گرم یا عناب ل پوست
انار اهرف بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم م شغال تمیق الطاء المهمله اهلیلج القشط
بکسر اول وسکون ثانی بالام والف وضم لام ثانی وسکون لام ثالث وضم قاف
وسکون سین مهمله وطاء مهمله ف نوعی از بادرنجبویه ست تمیق الکاف آهک ف بمد
اول مع فتح ثانی وسکون کاف ه چونان ق مفرح وشسته او کال تمیق التحتانی

اهلیلج کابلی بفتح اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی مجهول وفتح لام ثانی وکسر
جیم با کاف مشهور والف او وضم لام ثالث ف هلیله کلان ه انبیا بژطب ی ا
ق مسهل سوداخ فربه کلان وگران که در آب فرورود پنج درم تا ده درم ص
عسل ل هلیله سیاه ونیموزان آن آمله آبهودی ف بهدا اول وضم ثانی وواو مجهول
وکسر اء مهمله وسکون تحتانی م خردل ه رائی تنسیق التحتانی وتمیق الالف ایرسا
یونانی بکسر اول وسکون ثانی وراء مهمله وسین مهمله ف بیخ سوسن آسمانگونی برگل او
رنگهای زرد وسفید ونفبش وآسمانگون آمیخته ست وایرسا بعنی قوس قزح ست و
این مشابه باوست طبخ ی ۱۲ ق منضج مفتح ملطف مدر محلی اوساخ قروح بیخ سیا
صلب بسیار کرده خوشبوش دو درم ص عسل یاربوب حامض ل دو دانگ وزن آن
ماذریون وسه وزن آن لبن الافاح یا گزمازک وگویند نیموزن آن زراوند وورد و
سینه بوزن آن کیترا که بشیره انجره سرشته باشند ایلوا ه بکسر اول وثانی مجهول و
سکون لام وواو والف ع صبر تمیق الفوقانی انخشت ف بفتح اول وضم ثانی
وسکون خاء معجمه وضم شین معجمه وسکون قوقانی م زرسیم ومس وآهن وروی
وجیوه واسرب ازریز وامثال آن ع فلز تمیق الواء المهملة آبنگره بکسر اول
وسکون ثانی وخفا ونون وضم کاف فارسی ف تشنگر ف تمیق العین المهملة
ایدع رومی بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وسکون عین مهمله ع دم الاخوین ف
خون سیاوشان ه هیراودکی وگویند عفران تمیق اللام ایل ع بکسر اول وفتح
ثانی مشدد ف گوسفند وگاو وگوهی وگویند گوزن ج زرد رنگ که بکنار حشیشه ها
ورودها وصحراها گردد وتمیق النون ایرسات ف بکسر اول وسکون ثانی وراء مهمله
وضم سین مهمله وسکون واو ونون ع طلق ف برنگ ه ابهرک ایرقیون بکسر اول
وسکون ثانی وفتح راء مهمله وفاء وضم تحتانی وسکون واو ف بنفشا یرقان بکسر اول

وسکون ثانی وراء مهمله باقاف والف ه حنا ایرن بفتح اول وسکون ثانی وفتح راء
مهمله ف وغ ایرون بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وسکون واو ف گوگرو
زرد وانیاقین بفتح اول وسکون ثانی وقاف والف وکسر قاف ثانی وسکون تحتانی
ع نحو وایهقان بفتح اول وسکون ثانی وضم ها باقاف والف م جرجیر بیابانی ه خنگلی تر

ترقیم الباء الموحده وتمیق الالف مع التمیق الالف

باجراه بموحده والف وسکون جیم وفتح راء مهمله والف غله ایست مشهور ف کاورس باواو وقاف
بسکون دال مهمله وفتح راء مهمله وواو م بیرروه بربنجا باقلاع بکسر قاف باللام والف ه
باکلا ودال طح ب ع گویند ب ای ۲ وقسمی ست هندی که اورا سیم گویند ق
قابض منضج محلل مبهی خ فربه بزرگ خشک ش دودرم ص صعتر لش بالا بموحده
والف ولام الف ه بالام بنج کاندل که از وحسنخانه سازند وبربالا رانیز گویند بانجه گلگوطرا
ه بخفاء نون وفتح جیم وانهار راء هندی وفتح کاف اول وضم کاف ثانی وواو ومجهل وراء
مهمله هندی دواء هندی ست بانساه بخفاء نون وسین مهمله م اطروسا تمیق الفوقانی
باروست بسکون راء مهمله وفتح دال مهمله وسکون سین مهمله وفوقانی م آبنوس تمیق
الجیم بابونج ع بضم موحده ثانی وسکون واو وفتح نون وسکون جیم ف بابونه ه
مرهنی وسونهل طح ی ق ملطف محلل مفتح ح بزرگ زردگل ش یکقبضه گویند
سه مثقال ص عسل بارد وغگل ل برنجاسف یا اکلیل الملک بادروج ع بموحده والف
ودال مهمله ساکنه وضم راء مهمله وسکون واو وجیم نوعی از ریحان ست که در کوه ها پیدا
ف تره خراسانی ه بابری وبابچی که تلسی جنگلی ست طح ۲ ی اق محلل ومقوی و
مفرح دل وحابس خون خ خوشبو تازه ش از تخم او ۲ درم ص بقله الزهراء مرزنجوش
یابادرنجبویه بابونج بموحده والف وکسر سال مهمله وفتح نون ف جوز هندی وناریل ه
ناریل وکموره بارج ف بموحده والف وفتح راء مهمله م سک انگور تمیق الجیم القاف

باینج ف بفتح غین معجمه وسکون جیم فارسی م انگور نیم پخته تمیق الدال المهمله ف
بسکون دال مهمله ومد همزه وفتح واو وسکون راء مهمله ودال مهمله ثانی ع شوکة البیضا
ه دهماها وجوانساطح ی آگویندب اینج اوب ی ۲ ق مجففخ سفید ورق تا
نش یکدرم ونیم ص افسنتین یا تخم کاهو ل شاهترج بارای کنده بموحده والف
وراء مهمله والف ثانی وکسر ها وسکون تحتانی وفتح کاف وخفا رنون ودال مهمله بدون
ها یعنی بارای کند نیز آمده بخی ست هندی بازدع بموحده والف وفتح راء مهمله وسکون زا
معجمه م قنه ف بیزده بریجاطح ۳ ی ۲ بارود سرمانی بموحده والف وضم راء مهمله و
خفا رواو ف نمک چینی تمیق الراء المهمله بابسر بسکون موحده ثانی وفتح سین
مهمله وسکون راء مهمله ف برگ سنابکی تمیق السین المهمله بابلس بسکون موحده
ثانی وفتح لام وسکون سین مهمله م خشخاش بالس ف بموحده والف وضم فوقانی قم ترنج
باسبوس ف بسکون سین مهمله وضم موحده وسکون واو م مرزنگوش باطسن بکسر طاء
مهمله ع علیق وضم طاء مهمله م بالنک ه توت ربجورا بالوس ف بضم لام وسکون واو
وسین مهمله م کافور مسحوق بانس ه بخفا رنون ف نی طب ق ملین تمیق الطاء
المهمله باط باط بسکون هر دو طاء مهمله ه غلهٔ ارهر تمیق القاف بارو ق بضم ا
مهمله وسکون واو وقاف ف سفیدهٔ قلعی ه بنگ تمیق الکاف بانک ف بفتح
نون وسکون کاف ع جب البان تمیق الکاف الفارسی با درنگ ف بسکون
دال مهمله وفتح راء مهمله وسکون نون وکاف فارسی م نوعی از خیار وتربچ بازنگبن ف
بسکون راء مهمله وفتح نون فانی وسکون نون ع لسان الحمل بالنک ف بفتح لام وسکو
نون نوعی از ترنج ست که بغایت نازک وشیرین باشد ربجورا ونیز بادرنگ بانی بکسر
ه بکسر تحتانی وموحده ثانی وراء مهمله وخفا رنون ف برنگ کابلی تمیق اللام بابل ف
بفتح کاف فارسی وسکون لام م آب نیگرم بابل ف نوعی از ماهی بزرگ که در دریا تنگ

۵۵

واو دیرگرش ن
ال الخ می با
گرم وترد کوچل
ترد ل اورد
رنگ باو دیر
تخم اخشوار
دیز دیرون
اول اورد
برابر سپید با
دیر اخشلی

همرسد و نساد بسیار کند گوشتش خوش مزه او دع مار العسل و دل تمیق المیم بادام
بدال مهمله و الف ثانی و میم ع لوز تمیق النون با نجان ف بکسر نون قانی و سکون
نون با کاف فارسی مالف و نون ثانی م بادنجان بادنجان ف بکسر دال مهمله
و سکون نون با جیم و الف ه بیگن و بهانٹا طح ی ۲ ق مجفف نخ شیرین تازه ص
روغن بادیان ف ه سونف بار سطاریون یونانی بکسر اول مهمله و سکون سین مهمله با طا
مهمله و الف ثانی و کسر اول مهمله ثانی و ضم تحتانی و سکون واو م نوعی از رعی الحمام بازن
بفتح راو مهمله پوست پنبه ه نرمه بان ف بوحده و الف ه بکاین طح ی ۲ ق
مجلی ملین ش یکدرم حس رازیانه ل حب آن و وٹانگ و نیموزن سلیخه یاده یک آن
بسباسه تمیق الواو و با توف بضم فوقانی و سکون واو م دندع حب السلاطین ه
جمال گوٹه و برنج را نیز گویند بارده بضم راو مهمله ع رل ف ریگ طب باشوف
بضم شین معجمه و واو مجهول م چلپاسه بالنگو بفتح لام و سکون نون و ضم کاف فارسی
م بادرنبویه تمیق الهاء بابله بضم موحده ثانی و فتح لام و خفاء ها م میعه سائله ه سلارس
با بوسه بضم موحده ثانی و سکون واو و فتح سین مهمله ه کونپل با بونه بضم موحده ثانی و
سکون واو و فتح نون م انحون ه مرهتی باخه ف بفتح خاء معجمه م سنگ پشت
ه کهیوا بادرنجبویه ع بسکون دال مهمله و فتح راء مهمله و سکون نون و فتح جیم و ضم موحده
ثانی و واو مجهول و فتح تحتانی م بادرنبویه و بادرنگ و ترنجان و بقله ازجبه نیز گویند
ف بالنگو ه رام تلسی طح ی ۲ ق ملطف محلل مقوی دماغ و معده و مفرح دل و
مسهل سوداخ تازه مش از آب ل و بیست درم و از خشک ل و دو مثقال ص صمغ ع
بار یباس بوزن او ابریشم دچهار وزن او پوست اترج یا تخم اترج بادرونه ف بسکون
دال مهمله و ضم راء مهمله و سکون واو و فتح نون م بادرنجبویه بالنگوایه ف بسکون لام
و فتح واو و الف و فتح تحتانی و خفاء ها م برسنوک تمیق التحتانی با باری سیرابی

بهرد و موحده و بهرد و الف و کسر راء مهمله و سکون تحتانی ف فلفل سیاه ه کالی مرچ با
ه بسکون موحده ثانی و کسر جیم فارسی م بادر وج باجی ه بکسر جیم ع الفرف شتو
بادنجان دشتی ف بکسر دال مهمله و سکون نون و فتح جیم و الف و کسر نون ثانی و فتح
دال مهمله ثانی و سکون شین معجمه و کسر فوقانی ه کتانی بزرگ باربی ه بسکون راء مهمله
و کسر باء جد دارد ه نربسی باقلای قبطی بکسر قاف باللام و الف و کسر تحتانی و قاف
ثانی و سکون موحده و کسر طاء مهمله م جامسه باقلای مصری بکسر میم و سکون صاد مهمله
و کسر راء مهمله م ترمس تنسیق الباء الموحده ه و تمنیق الالف ببعاع بفتح اول
و سکون موحده ثانی باغین معجمه و الف ف طوطا ه ترتا و سوها تمنیق الراء المهمله
ببرف بفتح اول و ثانی و سکون راء مهمله م جانور صحرائی شبیه بگربه که دم ندارد و از پوستش
پوستین سازند و آنرا دبر نیز نامند تمنیق اللام بیتول ه بفتح اول و ضم موحده ثانی و
سکون واو و فوقانی و خت مغیلان م ه کیکر تمنیق الهاء ببرآله یونانی بضم اول و سکون
ثانی و راء مهمله و الف و فتح لام و خفاء ها م زراوند طویل تنسیق التاء الفوقانی و تمنیق
الالف تبهوا ه بفتح اول و ضم ثانی و انهاد ها و واو و الف ع قطف تمنیق الباء الموحده
تبتلاب ف بضم اول و کسر تین و سکون ثانی باللام و الف و موحده ثانی م گل خرما و آنرا
کوزه مخ نیز خوانند تمنیق العین المهمله تبع ع بضم اول و سکون ثانی و عین مهمله
ف شراب مست کننده تنسیق الجیم و تمنیق الالف بیجوا ه بکسر اول و فتح جیم
و سکون واو و راء مهمله ع اتیج تمنیق الجیم الفارسی بچ ه بفتح اول و سکون ثانی
ع وج طح و یا بفتح اول و سکون جیم ف پالایش آب و شراب و امثال آن بضم
اول ف بزو بکسر اول ف بربخ تمنیق الواء المهمله بهیسا ه بکسر اول و فتح ثانی
و سکون تحتانی و سین مهمله و الف و راء مهمله م درخت هندیست تمنیق الکاف الفارسی
بجر بهانک ه بفتح اول و ثانی مشدده و سکون راء مهمله و موحده ثانی و خفاء ها و الف

وخفار نون م تنها کوطح ی ۴ ق مخدر مفتح ص شیر تمیق اللام بجال ف بضم
اول وفتح جیم والف م انگر تمیق المیم بجم بضم اول وسکون ثانی ومیم ع ثمرة الطرفا
گرنار دوما مین تمیق المملة الهندی بجر کنده ه بفتح اول وثانی مشدده وسکون را
مهمله وفتح کاف فارسی وخفار نون ودال مهمله سوزن تمنیق الخاء المعجمه وتمیق
الفوقانی بجتجات یونانی بفتح اول وسکون خاء معجمه وفتح فوقانی باجیم والف وفوقانی
ثانی ف کشته رت سکا تمیق الراء المهمله بجورف بضم اول وثانی وسکون او ورا
مهمله م عسل النبع ع میوه سایله تمیق المیم بجسم ف بفتح اول وسکون ثانی وضم سین
مهمله شیر بنی معتبر که از گندم وارزن وجبوبات سازند بجور مریم ع بضم اول وثانی وسکو
واو وکسر را مهمله وفتح میم وسکون را ومهمله ثانی وفتح تحتانی وسکون میم ثانی م شجره مریم
کبر بیخ آن عرمکیشاست وآن نوعی از سناست طح ی ۳ گویند ۲ ق منقطع محلل خ
شروتانه ص تی وحشه ل کندش تمیق الهاء بجته ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح
فوقانی وخفار ها م گویند ترسه سال وبفتح اول فارسی م پنبه بجله ف بفتح اول و
سکون ثانی وفتح فوقانی وخفار ها بخیله ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح
لام وخفار ها م خرفه تنسیق الدال المهمله وتمیق الالف بدها را بکسر اول وفتح
دال مهمله وخفار ها والف ورا مهمله وای هندیست طح ق للین تمیق الجیم
بدیج ف بفتح اول ونیز ضم اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ع هلیله تمیق الدال المهمله
بدا ری کنده بکسر اول وفتح ثانی والف وکسر را مهمله وسکون تحتانی دوا هندیست
تمیق الکاف بدبدک وبدک ف بضم هر دو موحده وسکون دال مهمله اول وفتح دال
مهمله ثانی در لغت اول وضم اول وفتح ثانی در لغت ثانی ع هدهد تمیق اللام بدال
ه بفتح اول وسکون دال مهمله هندی وفتح ها م میوه هندی بیخوش ست بشکل
به وبرتخم طح تمیق المیم بدم بفتح اول وسکون ثانی ومیم ف شکوفه درخت

مغیلان ل بید مشک تمیق النون بداسقان یونانی بفتح اول وثانی والف وفتح
سین مهمله وقاف والف ثانی ونون ف بدسکان ل کشت برگشت بدلون
بکسر اول وسکون ثانی هندی وضم لام وسکون واو ف نمک سیاه طح بدلیون
سریانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو م مقل ه کوکل
تنسیق الواو المهمله وتمیق الالف برنا بفتح اول وسکون ثانی م خنابرنج عکر
ه بکسر اول وفتح ثانی وسکون نون وکسر جیم وفتح میم وسکون کاف بارا مهمله ثانی م
چاول جهراوادری که خود رواست بربهتیا ه بکسر اول وفتح ثانی وسکون ها وفتح
فوقانی هندی وتحتانی ه کبتائی بزرگ برهلیا یونانی بفتح اول وسکون را مهمله وکسر
لام وسکون لام باتحتانی ع رازیانه ه سولف تمیق الموحدة الفارسی برنجاسپ ف
بکسر اول وفتح ثانی وسکون نون باجیم والف وسکون سین مهمله وبا موحده فارسی م
بوی مادران تمیق الفوقانی برغشت ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح غین معجمه
وسکون سین مهمله باشین معجمه وفوقانی م گیاهی سبز که مانند اسپناخ ست آنرا
داخل آش سازند وخورد وبود وآنرا پزند نیز گویند وبیشتر در زراعت گندم ودیگر
غلات وکنار جوی آب بروید تمیق الدال المهمله هندی برجیه کندهی بکسر
اول وثانی وسکون جیم فارسی واظهار ها وهندی وفتح کاف وسکون نون وفتح دال
مهمله م پندالو تمیق الواو المهمله برع بضم اول وسکون ثانی ف گندم ه گیهون
برهی بفتح اول وسکون ثانی هندی شجر معروف هندیست ع ذات الذوانب
تمیق الفا برچاف ف بضم اول وسکون ثانی باجیم فارسی والف وفا وسیم غله جلبا
وملک برنجاسف بکسر اول وفتح ثانی وسکون نون وجیم والف وسین مهمله ع قیصوم
ف برنراسک بوی مادران که قسمی از اسفستین ست ه کندهاری تمیق القاف فوق
بفتح اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو قاف ف مشمش ه خوبانی

۵۹
بسیار
بفارسی مغز
درخت خرما
خوانند
حنظل تا
دو نوع ست
یکی فارسی
دوم
کوه ست
وفارسی وهان

بروان بفتح اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو وقاف با واو الف ف گیاه
سرخیش تمیق الکاف برتاسک ف بفتح اول وسکون ثانی با فوقانی والف
وفتح سین مهمله م برنجاسف برنجمشک بفتح اول وثانی وسکون نون وجیم وکسر میم
وسکون سین معجمه وکاف ف بالنگو برو شک ف بضم اول وثانی وسکون واو
وفتح شین معجمه م خاک تمیق الکاف الفارسی برنگ بفتح اول وثانی وسکون
نون وکاف فارسی ع برنج کابلی تمیق اللام برغول بفتح اول وسکون ثانی و
ضم غین معجمه وسکون واو ف ولیده گندم تمیق المیم برقوم بفتح اول وسکون
ثانی وضم فوقانی وسکون واو وسیم ف خرمای خشک که بیکدیگر نمی چسپید م خرما
بیرون برد و سلام ع بفتح اول وسکون ثانی وضم دال مهمله سنون وفتح واو وسین مهمله
ولام والف وضم میم سنون ف ورق بارتنگ برشوم بفتح اول وضم ثانی وسکون
وضم شین معجمه وسکون واو وسیم بلغت اهل نجد ع قصب ثانی برسع بفتح اول و
ثانی م شنگوفه درخت سفیدان برنده کام ف بکسر اول وثانی وسکون نون ودال مهمله
وکاف والف م بابونه کا وتمیق النون برسان ف بفتح اول وسکون ثانی با سین
مهمله والف م نوعی از دوشاب خوشبو برسن بکسر اول وسکون ثانی وضم سین مهمله ف
پنبه برنان بفتح اول وسکون ثانی با نون والف م شجر لیست که در هند در دیار
اجمیر از وتسبیح سازند تمیق الواو برشیاندار بفتح اول وسکون ثانی وکسر شین معجمه
وتحتانی والف وخفا ونون با دال مهمله الف ثانی وضم لام مهمله وسکون واو م عنبر
طب ۲ ی ۳ گویند رص بسدل عنبط بالثعلب بالسان الکل یا نیموزن آن خرفه تمیق
العابر بسته ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح سوحده ثانی وسکون سین مهمله وفتح فوقانی
وخفا وباع جماد و هر چه بنفراید ومنجمد باشد پرده ۱ بکسر اول وثانی ودال مهمله وهاء
هندی زدای هندیست برعوه ف بفتح اول وسکون ثانی وضم هاء واو مجهول

وانظهار هام صابون بریزه ف بکسر اول م ثانی وتحتانی مجهول وفتح زا معجمه وخفا ر صمغی ست شبیه بمصطکی وسبک وخشک بود مانند عسل صاف ونیز بود باشد م بازرد وتمیق الفوقانی بردی ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر دال مهمله وسکون یا شناسا تحتانیم لوح که در کجی اندازند ودر مصر از وکاغذ سازند ف تک ه تیراب طب ی ۲ ق مجفف وبزبان فارسی نوعی از خربای لطیف که آنرا سنگ اشکشک نیز خوانند وظرف سنگی برطانیقی بفتح اول وسکون ثانی وطا مهمله والف وکسر نون وسکون تحتانی وکسر قاف ف بستان افروز وتاج خروس ه سرانی برغوثی بفتح اول وسکون ثانی وضم عین مهمله وسکون واو وکسر شلشه ع بزر قطونا ه اسبغول بزرقطونا ه بفتح اول وثانی وخفا نون وکسر موحده ثانی واظهار هام زرنیخ کابلی ع بفتح اول وثانی وسکون نون وجیم وکاف والف وضم موحده ثانی وکسر لام ف بزرنگ ه بابی بژرنگ طح ای ۲ ق قابض وقاطع دیدان خ کوچک سرخی مائل بش ده درم باشیر تازه ص کیترال ترسس باد وزن آن قنبیل برزوتی ه بضم اول وثانی وسکون واو وکسر فوقانی م کپهان بید تنسیق الزاء المعجمه وتمیق الالف بزرالقطاع بفتح اول وسکون زا معجمه وضم راء مهمله وسکون لام وفتح قاف باشلشه والف ف تخم خیاره ککڑی کی بیج طب رخ فربه ص سکنجبین ل تخم بادرنگ بزرالبنفشه بکسرها وسکون نون وضم دال مهمله وموحده ف تخم کاسنی طمع ح بی خ سیاه فربه بستانی ش دو درم تا سه درم ص سکنجبین بزربقلة المقطاع بکسر اول مهمله وفتح موحده ثانی وسکون قاف وفتح لام وضم فوقانی وسکون لام ثانی وحا مهمله وفتح میم وقاف ف تخم تورک وخرفه ه لونیا کی بیج بزرقطوناع بفتح اول وسکون زا معجمه وکسر راء مهمله وضم قاف وطا مهمله وسکون واو ونون ف بنگوه اسبغول طب د ۲ گویند ۳ گویند مع دی ق را وخ سرخ سیاهی. بل فربه گران

بکرتن وتم
افیتمون بود
حساج
در شوشتر نامند
باشد دیوانه
سرخ رنگ خود
واو را بیاری
بسر فارد کسند
هندی کران

که و آب فرو رود و ش دو درم تا نگه و رم ص کیتر ال حب السفرجل با تخم لسان الحمل با
بزر المرو و قبض تخم خرفه تمیق الموحده بزر السداب ع بضم راء مهمله و ضم سین
مهمله مشدد و دال مهمله مشدد و الف و سکون موحده ثانی ف تخم سداب طح ی
خ سیاه فربه ش یکدرم تا دو درم جهت فواق بلغمی ص کیتر ایاعسل ل سداب
بزر القنب ع بکسر قاف و فتح نون مشدد و ف شهدانه و تخم بنگ ه بجیاکی بیخ
بزر الکرنب ع بسکون لام و فتح کاف و سکون راء مهمله و فتح نون ف تخم کلم طح
ی خ تازه فربه تمیق الفوقانی بزر الشبث ع بکسر شین معجمه مشدد و موحده و سکون
فوقانی ف تخم شوت ه سوئی کابج طح ی ۲ گویند مع ق مقی خ فربه ش دو درم
ص عسل ل دو وزن آن شبث بزر الفجنگشت ع بسکون لام و فتح فا و سکون نون
و فتح جیم و سکون نون و فتح جیم و سکون نون ثانی و ضم کاف فارسی و سکون شین
معجمه سنبهالو کی بیخ طح ی ۲ گویند ۳ ح فربه ش دو درم ص شیر بز بزر البلفت
ع بکسر اللام المشدد و سکون قاف تخم شلغم طح و خ سرخ فربه ش دو درم ص
بزر البطیخ ل بزر الملوخیا تخم خربزه دو وزن تمیق المثلثه بزر الکراث ع بضم کاف
و راء مهمله مشدده و الف ف تخم گندنا طح ی ۳ گویند ۲ و آن بعینه بگنجد ماند و بسیار
سیاه خ شامی تازه فربه ش یکدرم تا دو درم ص عسل ل جربیر بزر الکشوث ع بضم
کاف و شین معجمه و سکون واو کاسنبل کی بیخ طح ع ب ی خ فربه ش دو درم ص
عسل ل بزر هندبا چهار دانگ وزن آن فستین تمیق الجیم بزر البنج ع بسکون
لام و فتح موحده و سکون نون و جیم ف تخم بنج ه اجوان خراسانی ط سیاه او ب
ی ۳ سفید او ب ی ۲ ق قابض حابس خون خ سفید و بعده سرخ ش یکدانگ
تا دو دانگ ص عسل ر قی کردن با آب گرم و روغن و عسل ل افیون یا لفاح و خشخاش
بزر الزانیا بیخ ع با واو مهمله مشدد و الف و سکون زاء معجمه با تحتانی و الف ثانی و فتح

نون ف تخم بادیان ه سونف کی بیج ل انیسون بزر الکاکنج ع بسکون لام باکاف
والف وسکون کاف ثانی وفتح نون ف تخم عروسک در پرده بزغنج ف بضم
اول وسکون ثانی وضم غین معجمه وسکون نون گویند که درخت بسته یکسال میوه
با مغز بار آورد و یکسال بی مغز وآن مغز دار را بسته گویند و بی مغز را بابین نام خوانند
تمیق الخاء المعجمه بزر الاسفاناخ ع بسکون لام وکسر همزه وسکون سین مهمله وفتح
فا با نون والف وخاء معجمه ه تخم ساگ پالک طب د خ مائل بسرخی ش یکدرم
س ملین مختوم بزر البطیخ ع بسکون لام وکسر موحده وطاء مهمله مشدد وسکون تحتانی
ف تخم خربوزه طح د گویند ی ق خشک او معتدل و مغثی خ شیرین ش دو درم
تا پنجدرم ص عسل د بادیان ل چلغوزه تمیق الدال المهمله بزر الرشاد بفتح راء مهمله
مشدده با شین معجمه والف ودال مهمله ع حب الرشاد ف تخم نره تیزک ه هالون کی بیج
بزر القثد ع بسکون لام وفتح قاف ومثلثه ودال مهمله ف تخم خیار بالنگ ه کهیری کی
بیج طب د خ زرد با خوذ از خیار زردش از پنجدرم تا ده درم ص کثیرا ل تخم خیار زرد ه
بزر الورد ع بسکون لام وفتح واو وسکون راء مهمله ودال مهمله ف تخم گل کنه رگو
وآن زردی میانه گل ست طب ی ق قابض وحابس خون خ با خوذ از گل
فارسی ش دو درم ص کثیرا تمیق الواء المهمله بزر الجرجیر ع بسکون لام وکسر جیم
وسکون راء مهمله وکسر جیم ثانی وسکون تحتانی وراء مهمله ثانی ف تخم کهتر ک ه ثمر را
طح ی ۳ گویند ۲ ق مغثی مبهی خ بستانی ش دو مثقال ص کثیرا ل خرد ل با تخم
انجره یا خصی الثعلب یا بوزن آن تخم کندنا بزر الجزر ع بسکون لام وفتح جیم وراء معجمه
ف تخم زردک ق مدر مغثی بزر العصفر ع بسکون لام وفتح عین مهمله وسکون صاد مهمله
وفا وراء مهمله ف خسکدانه ه گوگهرو وکسنبک ه بیج تمیق الزاء المعجمه بزبازع بفتح
اول وسکون زا معجمه یا موحده ثانی وألف وزاء معجمه ثانی م بسباسه ه جاوتری

۶۳

تمنیق السین المهملة بزر الخس ع بسکون لام وفتح خاء معجمه وسکون سین مهمله
ف تخم کاهو طب ی خ سیاه فربه بستانی ش از یکدرم تا دودرم ص مصطکی
ل دم الاخوین بزر بلاسقلیس بضم موحده وکسر نیز ولام والف وفتح سین مهمله وکسر
قاف وفتح نیز وسکون تحتانی ف تخم ترة تیزک تمنیق الضاد المعجمه بزر الحماض
ع بفتح حاء مهمله ومیم مشدد والف ف تخم ترشاه چوکی بیخ طب ی ۲ خ
فربه وسیاه مائل بسبزی ش دودرم ص تخم رازیانه یاکرفس ل لسان الحمل
تمنیق الطاء المهملة بفتح میم وسکون طاء مهمله م حب الفلفل ف انار دانه
درشتی تمنیق الغین المعجمه بزع ف بفتح اول وثانی وسکون غین معجمه م وزع وبکل
وبک ودغوک ع تمنیق القاف بزاق ع بضم اول وثانی والف وقاف م لعاب
دهن وریق ه لارنبزر السرمق ع بکسر سین مهمله وفتح نیز وسکون راء مهمله وفتح
میم ف تخم قطف ه بهموے کوبیخ طمح ح ب ی اگوندیخ بزر السلق ع
بفتح سین مهمله مشدد وسکون لام وقاف ف تخم چغندر طب ص سکنجبین ل
تخم خطمی تمنیق الکاف بزرک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله وسکون فا
بزرکتان ه السی بزرسک ف بضم اول وکسر ثانی وسکون سین مهمله ع عدس ه
مسور بزرک ف بضم اول وفتح ثانی جانوریست سیاه رنگ که نوش دراز باشد
وبیشتر درکنار آب وبرسر درخت نیز نشیند وآواز بلند کند تمنیق اللام بزر البصل
ع بسکون لام وفتح موحده وصاد مهمله وسکون لام ثانی ف تخم پیازطح بی
ش دودرم ل نیموزن تخم شلغم ونیموزن تخم اسپست دو دوزن تخم گندنا
یکوزن آن تخم انجره بزر الفجل ع بسکون لام وضم فا وسکون جیم ف تخم ترب
ه مولی کی بیخ طمح ۳ ی ۲ ق مغی مبهی خ فربه ش کشنیز باسپستان وشکر
ل حب الرشاد بزر لسان الحمل ع بکسر راء مهمله ولام وفتح سین مهمله والف وضم

نون وسکون لام ثانی وفتح خا مهمله ومیم ف بارتنگ ه خوب کلان طب
خ فربه سیاه سرخی مائل ش سه درم ص عسل ل تخم خاص بستانی تمیق المیم
بزرالخمخ ع بضم هر دو خا معجمه وسکون هر دو میم ف اشفترک وگویند حب الفلفل
بزرالنمام ع بفتح نون ومیم ومشدد والف ف تخم سینبره برنان کی بیج خ شیا
بستانی ش سه درم ص کبتر ال تخم کتان وبادرنجبویه تمیق النون بزرالریحان
ع بفتح راء مهمله مشدد ثانی وسکون تحتانی وفتح حا مهمله باالف ونون ف
تخم ریحان طاری گویند مع ح ب ق قابض ح سیاه فربه کوچک خوشبوی
ش یکمثقال باب سرد یا گلاب ص مزنگوش ل بزرالمرو بزرالکتان ع بسکون
لام وفتح کاف بافوقانی مشدد والف ف بزرک ه السی طح امع ری گویند
مع ح ب گویند ب ی اق منضج ملین خ تازه فربه ش سه درم ص عسل
ل حلبه باعصاره باقلا بزرالمازریون ع بسکون لام وبا میم والف وفتح رای معجمه
وسکون راء مهمله وضم تحتانی وسکون واو ف تخم بارچوبه کدون کی بیج ط
ح د۲ خ بستانی ش دو درم ص عسل ل در تحریک باه حب الفلفل ونیموزن
تودری ونیموزن شقاقل وجهت بیماری مثانه نیموزن تخم کاکنج دو دانگ وزن
آن محلب مقشر وشش یک آن عنب الثعلب وگویند بلیون وحنظل تمیق الواو
بزرالمرو بفتح میم وسکون راء مهمله وواو مجهول ف مرد اسنگ ف تخم مرو شکه
مرواو کنوچا طح د خ تازه وفربه سرخی مائل ش دو درم ص گلنار ل بزرکتان
یا بزرقطونا تمیق الهاء بزرالاجره بفتح همزه وسکون نون وضم جیم وفتح راء مهمله
وخفاء ها ف تخم کرسنه ه اشنکن کی بیج طح ی۲ گویند ی خ فربه ش نیم مثقال
تا سه درم ص کبتر ال حرف وقردمانا یا بزرکراث یا بزرجرجیر بزرالخرفه ع بسکون
لام وضم خا معجمه وسکون راء مهمله وفتح قاف تخم تورک ه لونیا کی بیج طب ۲ ل

یکمثقال
دینم هرشب
باسوده دوازده
شب متواتر
بخورند عرق
نافع بود لیکن
غیشان آورد
ومصلح آن
رب
ترش بود
که ازان بخورند

مخ فربش پنجدرم جهة تپهای حاره بکوبند و شیره بگیرند ص قندل نصف وزن
بزرقطونا بزرالرطبه لج بفتح راء مهمله مشدد وطاء مهمله وموحده وخفاء هاف تخم ابیست
وتخم رنجفه طح راخ زرد فربش پنجدرم تا هفت درم ل بزراللفت بزرالهوه
یونانی بضم هاء وفتح واو واظهار هاء ثانی ف تودری بزرعسمه ف بفتح اول وثانی و
سکون غین وفتح سین مهمله ویم وخفاء هام سبزی باشد مانند ابریشم که درمیان آب
بهم رسد وبزبان شیلز رجل بک نامند ع طحلب ه سوال بزبچه ف بضم اول وکسر
ثانی وسکون تحتانی وفتح جیم فارسی وخفاء هام نزبچه ع حلوان بزلیشه ف بضم
اول وکسر ثانی وتحتانی مهجول وفتح شین معجمه وخفاء هام ازده کنجد بتمیق التحتانی
بزرالجرزالبری ع بسکون لام وفتح جیم وزاء معجمه ثانی وضم راء مهمله ثانی وسکون لام
وفتح موحده وکسر راء مهمله مشدده ثالث وسکون تحتانی م دوقوف تخم گدر صحرائی
بزرالجرزالبستانی ع بسکون لام وفتح جیم وزاء معجمه ثانی وضم راء مهمله ثانی وسکون
لام ثانی وضم موحده ثانی وسکون سین مهمله بافوقانی والف وکسر نون ف
تخم زردک ه گاجر کابیج ش یکدرم بزرالجند قوقع بفتح حاء مهمله وگویند
خاء معجمه وسکون نون وفتح دال مهمله وضم قاف وسکون واو وکسر قاف ثانی
وتحتانی ف تخم اندوه قوقوطح ی خ فربه بنبرش نیمدرم جهة گزیدن جانوران
ص کیترال شیلم بزرالخبازی وبزرالخطمی ع بسکون لام وفتح خاء معجمه وموحده ثانی
مشدد والف وکسر زاء معجمه وتحتانی درلغة اول وسکون طاء مهمله وکسر میم وتحتانی
درلغة ثانی ف تخم بیزک ه خطمی کابیج ط مع ح دگویند
ب ے ا خ سیاه رسیده ل از تخم خبازی تخم خیار بزرالراز یانج
الرومی ع بفتح راء مهمله ثانی مشدده والف وسکون زاء معجمه ثانی وفتح تحتانی والف
ثانی وفتح نون وکسر جیم وضم راء مهمله ثالث وسکون واو وکسر میم م انیسون ف

بادیان رومی بزرالریان البری ع بضم راء مهمله مشدده ثانی و با سیم مشدد مفتوح الضاد
وکسر نون وسکون لام وفتح موحده ثانی وکسر راء مهمله مشدد ثالث م حب القلقل
ف تخم انار دشتی که جنگلی انار کی بیخ بزرالکرفس البستانی ع بسکون لام وفتح کاف
وراء مهمله ثانی وسکون فا وکسر سین مهمله وسکون لام ثانی وضم موحده ثانی وسکون
سین مهمله ثانی با فوقانی وهمزه وکسر نون ف تخم کرفس بستانی ه اجمو طح
ی ۲ ش سه درم ص حمامال فطر اسالیون تلنسیق الزاء الفارسی وتمنیق
النون پژن ف بفتح اول وزاء فارسی وسکون نون م غن تلنسیق المهملة
وتمنیق الالف بس کهیراه بکسر اول وسکون ثانی وفتح کاف وانهار ها وسکون
موحده فارسی باراء مهمله والف دواء مشهور بهندیست تمنیق الجیم بسابج ف
بفتح اول وثانی باالف وفتح نون گیاهی ست که شبیه بهزار پا باشد وبر پوستش
گرهها باشد ونگسش برو ناس را ماند وچون ویرا بشکنند درونش زرد باشد تنبج
ع بکسر اول وسکون سین مهمله وفتح فوقانی م کندر استیتاج رومی بفتح اول و
سکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی با فوقانی ثانی والف م خسک ه
گوکهرو بسفایج م بفتح اول وسکون ثانی با فا والف وفتح تحتانی ع افرانس الکلب ا
ه کنکالی طح ۲ ی ۳ ق مسهل بلغم وسوداخ سطبر قرنفلی لطیم ودرونش
بعد از شکستن فستقی بلشدبش دو درم تا پنجدرم وگویند بادیگر مسهلات
از یکمثقال تا دو درم ص ملیله زرد یا ورد بوزن وی آمیتون دو نیم دانگ
وزن وی نمک هندی وگویند سنا وقرطم تمنیق الدال المهملة بسدع بضم اول
وکسر نون وفتح ثانی مشدد وسکون دال مهمله کم پنم مرجان ف بیخ فرنگ سونگا
کی جرط طب ای ۳ ق قابض مجفف مقوی ومفرح دل وحابس خون خ سرخ
باریک ش نیم درم تا یکدرم ص کتیرا ل کهربا ودرحبس دم دم الاخوین تمنیق الواء

المهمله بسرع بضم اول وسکون ثانی وراء مهمله ف عورة الخرماطب ی ق
قابض ش از شراب او یکوتیه ص سکنجبین ساده ل خرنوب تمیق الزاء المعجمه
بستان افروز بضم اول وسکون ثانی وفتح فوقانی والف وسکون نون وفتح همزه
وسکون فا وضم راء مهمله وسکون واو وزاء معجمه م برطانیقی ف گل تاج خروس
طب ی اقرخ ورسایه خشک کرده ش دو درم تا چهار درم گویند از تخم او
یکمثقال ص کند ربار ازیانه ل حماض لبابین بفتح اول وسکون ثانی فتح موحده
ثانی باالف وفتح تحتانی وسکون سین مهمله ثانی نزد اهل مغرب راذیانه ف بادیان
ه سولف تمیق الکاف بسک ف بفتح اول وثانی وسکون کاف وسبسک ف
بفتح اول وثانی ونون ع اکلیل الملک تمیق المیم بستام ف بکسر اول وسکون
ثانی وفتح فوقانی باالف ومیم م بسدع بیخ مرجان تمیق الهاء بساسع بفتح
اول وسکون ثانی وموحده ثانی والف وفتح سین مهمله ثانی وخفاء وهاء جاپتری ط
ح ی اگویند ع ق ملطف بغشی مهیج خ زرد سرخی مائل خوشبوش دو دانگ تا دو درم
ص صندل وگلاب ل جوزبویه بسه ف بفتح اول وثانی ع اکلیل الملک تمیق
الشین المعجمه وتمیق الالف بشنکرانتاه بکسر اول وسکون شین معجمه وضم نون
وسکون کاف باراء مهمله والف وخفاء ونون وفوقانی والف ثانی دوای ہندیست
تمیق الزاء المعجمه بشنیز ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی
وزاء معجمه م برنجاسف تمیق الشین المعجمه بشبش بضم هر دو موحده وسکون هر دو شین
معجمه ف ورق حنظل ه اندراین کی پات تمیق الغین المعجمه بشترغ بضم اول
وفتح ثانی وسکون ثانی وضم فوقانی وفتح راء مهمله وسکون عین معجمه ع اکلیل الملک
ه اسپرک تمیق النون بشولینون یونانی ورومی بضم اول وثانی وسکون واو
وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو ثانی ونون ف بنگوه اسبغول تمیق الهاء

بشلشکه یونانی بکسر اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون شین معجمه ثانی وفتح کاف
وخفا ر هم جنطیانا تسمیه بفتح اول وسکون ثانی وفتح م بشمیرج ف چشمک ه
چاکسو تنسیق الصاد المهمله وتمیق الوحده بصل الذئب ع بفتح اول
وسکون صاد مهمله وضم لام وکسر ذال معجمه مشدده وسکون تحتانی وموحده م بلبوس
ف پیاز تلخ تمیق الراء المهمله بصاق القمع بضم اول وفتح ثانی وضم قاف و
سکون لام وفتح قاف ثانی وسیم وسکون راء مهمله ایصاع رغوة القمر وحجر القمر فوذبد القمر
ف سنگ ه چندر کانت بصل الفاغ بفتح اول وثانی وضم لام وسکون لام ثانی
وفتح فا والف وسکون راء مهمله ایضاع اسقیل ف پیاز موش ه کاندة تمیق الزاء
المعجمه بصل الزیزع بکسر زاء معجمه مشدده وسکون تحتانی وزاء معجمه ثانی م بلبوس
تمیق السین المهمله بصل النرجس ع بفتح نون مشدد وسکون راء مهمله وکسر
جیم وسکون سین مهمله ف پیاز نرگس ه نرگس کی جڑ طلح ی ہ ش د وثقال
جهة قی تمیق القاف بصاق ع بضم اول وفتح ثانی والف ر قاف ف لعاب
دهن ه لاطح د ق منضج محلل خ از صایم تمیق اللام بصل الغصل ع بفتح
عین مهمله وسکون نون وضم صاد مهمله وسکون لام ثالث م اسقیل بصل ع
بفتح اول وسکون ثانی وثالث ف پیاز طلح ی ہ گویند ہ ر ۳ ق مقطع
لاطف محلل خ سفیدش از تخم نود و درم ص مبرکه دو غ ل کراث شامی تمیق الطاء
المهمله وتمیق الخاء المعجمه بطیخ ع بکسر اول وطاء مهمله مشدد وسکون تحتانی
وخاء معجمه ف خربزه ه خربزه طلح د گویند ب ر ۳ ق مدر ومجلی دیوست او
مقی خ سمرقندی شیرین ص سکنجبین ساده ل در جلاب با قلاوبزر قطونا تمیق
السین المهمله بطارس یونانی بفتح اول وثانی والف وکسر راء مهمله وشکوه
سین مهمله م سرخس تمیق الطاء المهمله بطباط سریانی بفتح اول وسکون ثانی

باموحده ثانی والف وطا مهمله ثانی ف کسته ه رت سکاطح ی ۲ ق قابض
خ سبز تازه ش دو درم ص کرفس ل حماض بطبع بفتح اول وسکون ثانی بموحده
ثانی ف قازه هنس طح دق سمن ص سکه وپیاز وسیر خشک وانداز ند
تمیق المیم بطبع بضم اول وسکون ثانی ومیم م درخت جبة الخضرا طح ی ۲
ق محلل خ سبز تازه ص سفرجل ل فستق تمیق النون بطرا سالیون یونانی
بکسر اول وسکون ثانی وراء مهمله والف وسین مهمله والف ثانی وکسر لام وضم تحتانی
وسکون واو ونون م فطر اسالیون بطرا بیونانی کوه وسالیون کرفس
تخم کرفس کوهی ه بیاط کی اجمود طح ی ۳ ق مفتح مدرخ سیاه ش یکدرم ل
شاه بلوط بادو وزن آن تخم کرفس بانیموزن فستقین بطرالاون یونانی بکسر اول
وسکون ثانی باراء مهمله والف ولام والف ثانی وضم واو ع درهن الحرف لفظ
تمیق الفوقانی بطبیخ نقیع بکسر اول ونانی مشدد وسکون تحتانی وکسر خاء معجمه وراء
معجمه وقاف مشدد وسکون تحتانی ثانی ف خیار کدو وهندوانه تربوز طب
د ۲ خ شیرین آبدار ص قند یا عسل باوی خورند یا بعد از وتنسیق العین المهمله
وتمیق الموحده بعد الضاد بضم اول وسکون عین مهمله وضم راء مهمله وفتح ضاد
معجمه مشدد وسکون موحده ف سیر گین سوسمار طح ای ل زبد البحر تمیق الزاء
المعجمه بعد الماء بمیم والف وکسر عین مهمله وسکون زاء معجمه ف پشک بزه
بکریکی سکنی طح ی ق منضج معضن خ تازه س روغنگل تمیق اللام بعد الجیم الف
بکسر جیم ومیم والف ولام ثانی ف پشکل شتران طح ی ا تمیق النون بعد الضاد
ع بضاد معجمه مشدد والف ونون ف پشکل میش طح ی ا تنسیق الغین
المعجمه وتمیق الالف بغراف بفتح اول وسکون غین معجمه باراء مهمله والف م
خوک نرکه آنرا کراز نیز گویند تنسیق القاف وتمیق الالف بقلة الحمقاء

بفتح اول وسکون قاف وفتح لام فوقانی وسکون لام ثانی وضم حاء مهمله وفتح میم وقاف
والف ف تورک ۲ ساک لونیا کاطب ۲۳ گویند ب ۲ ق مغربی وسکن
اوجاع خ پهن ورق ص کرفس گویند جرجیر ست بعضے گویند نعناع ل خس بقله الزهرا
ع بفتح زاء معجمه مشدد وسکون ها و حاء مهمله والف م بقله الحمقا تمیق الموحده
بقله الضنبع بفتح ضاد معجمه مشدده ف بالنگوبری تمیق الواو المهمله بقر
ع بفتح اول وثانی ف گاوه بیل و بلده بقله الانصاع بفتح همزه وسکون نون
باصاد مهمله والف ف کلم بقم بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم م بکسر طاء ی ۲
تمیق السین المهمله بقله العدس ع بفتح عین مهمله ودال مهمله وسکون سین
مهمله ف پودینه بری بقبیس بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف درخت
شمشاد تمیق الفا بقله الخطاطیف ع بضم خاء معجمه وطاء مهمله والف وطاء مهمله
ثانی وسکون تحتانی م مامیران تمیق القاف بق بفتح اول وسکون ثانی ف
پشه ۲ مچهر تمیق الکاف بقله الملک ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام وضم
فوقانی وسکون لام ثانی وفتح میم وکسر لام ثالث وسکون کاف ف شاهتره ۲
پت پاپڑه تمیق اللام بقله الغزال ع بکسر غین معجمه وزاء معجمه والف ولام ثالث
م مشکطراشیع تمیق المیم بقله الفارسیم بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام و
ضم فوقانی وسکون لام ثانی با فا والف وفتح راء مهمله وسکون سین مهمله وکسر فوقانی
وسکون تحتانی ومیم م بادرنجبویه بقم ع بفتح اول وثانی مشدد ف بکم ۲ درخت
آل ومجیٹھ وپتنگ که صباغان بکار برند ط ی ۲ ق مجفف خ تازه ش آن
آب او ده درم ص اسطوخودوس ل فوه تمیق الها بقله الخراسانیه ع بفتح
اول وسکون ثانی وفتح لام وضم فوقانی وسکون لام ثانی وضم خاء معجمه وراء مهمله
والف وسین مهمله والف ثانی وکسر نون وفتح تحتانی مشدد وخفا ها ف تره خراسانی

ه چوکی کاساگ طب ی ۲ گویند ا بقلة الذهبیه ع بفتح ذال معجمه مشدد وسکون ها
وکسر موحده وفتح تحتانی مشدده ساگ بهوا و گویند پالک بقله ازجمیع بهمزه ملینه
وها وضم همزه وسکون فوقانی وضم راء مهمله وکسر جیم وفتح تحتانی مشدده م بادرنجبویه
بقلة بارده ع بفتح موحده ثانیه والف وکسر راء مهمله وفتح دال مهمله م لبلاب بقلة لینه
وبقله مبارکه ع بفتح لام ثانی وکسر تحتانی مشدد وفتح نون در لغت اول وضم میم وموحده
ثانی والف وفتح راء مهمله وکاف در لغت ثانی م هردو نام بقلة الحمقا بتنسیق الکاف
وتمیق الفوقانی بکسمات بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله بامیم الف نوعی از
نان که آنرا مربع بریده بپزند و در ریسمانها بکشند و توشه مسافران سازند و گویند ف
نان دوآتشه تمیق الکاف بگ ف بفتح اول وسکون کاف م وزغ وچغر وکل ع
ضفدع تمیق المیم بکم ف بفتح اول وثانی م بقم تمیق النون بکائن ه بفتح اول
وثانی والف تحتانی وسکون نون ف درخت بان تمیق التحتانی بگچی ه بفتح
اول وضم ثانی وکسر جیم فارسی دوار هندیست بکرائی ف بفتح اول وسکون ثانی
بکراء مهمله والف وکسر همزه وسکون تحتانی وبکردی بفتح راء مهمله وکسر راء میوه ایست
میان نارنج ولیمو که از نارنج کوچکتر واز لیمون بزرگتر وشیرین بود در ولایت
ابک وشبانکاره بسیار باشد تنسیق الکاف الفارسی وتمیق الواء المهمله
بگبو بفتح اول وسکون کاف فارسی وفتح موحده وسکون واو مهمله ف خیارچنبره
کربا بالا تمیق الواء المعجمه بگماز ه بکسر اول وسکون ثانی فارسی ها میم والف وزاء معجمه
م شراب تمیق التحتانی بگنی ف بفتح اول وسکون ثانی فارسی وکسر نون وسکون
تحتانی م شرابیکه از برنج وجوار وارزن وامثال ان سازند تنسیق اللام و
تمیق الموحدة الفارسی بلنجاسپ ف بکسر اول وفتح ثانی وسکون نون با میم
والف وسین مهمله وموحده فارسی م بوی مادران تمیق الجیم بلاج ف بفتح اول

ولام والف گیاه لونج که ازان بوریا بافند بلیلج ع بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی
مجهول و فتح لام ثانی ف بلیله ۵ بهیڑا طب اگویند ۲ ی ۳ ق قابض ملطف
مقوی معده خ زرد رسیده ش یکدرم تا سه درم ص مسل بالبوب انیسون و دو
بوئیدن خیری و مرزنگوش ل آمله با ورق خبازی گویند فاغیه خشک و دو دانگ
وزن آن آس و شش یک آن لهلیهٔ سیاه تمیق الجیم الفارسی بلنج ف بفتح اول
و ثانی و سکون خار معجمه م ذاک سیاه تمیق الحاء المهمله بلیخ ف بفتح اول و ثانی
و سکون حاء مهمله ف غورهٔ خرما که اندک ترشی بهم رسانیده باشد ۵ گچی کهجور طب ی ۲
تمیق الواء المهمله بلادرع بفتح اول و لام و الف و ضم دال مهمله و سکون راء مهمله
۵ بهلاوان طح ی ۴ ق مقوی دماغ خ سیاه فربه که بعد از شکستن عسل بسیار در
ش نیم درم ص کنجد بار و غن جوز یا مغز جوز با شکر ل فندق پنج وزن آن دو دانگ
و نیم وزن آن روغن بلسان و نارجیل م با خردل و گویند شمش یک آن لفظ سپید
بلاذ ف بفتح اول و ثانی و الف م اذربویه و آن پنج خار بیست که آنرا اشنان خوانند
تمیق السین المهمله بلبوس بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده ثانی و سکون
واو و سین مهمله م بصل الزیره و گویند پیاز تلخ طح ی ۲ گویند ۲ ق بقطع خ تر تازه
ص شیر تازه دوشیده ل بصل العنصل بلس ف بضم اول و لام ع عدس تمیق ایضا
المجمه بلوط الارض بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم طاء مهمله و سکون لام ثانی
و فتح همزه و سکون زاء مهمله و ضاد معجمه م کما دریوس تمیق الطاء
المهمله بلوط بضم اول و ثانی و سکون واو مشهور بهمین نام ا
ب ے ۲ گویند ۱ گویند ے ۳۰ ق قابض
و حابس خون ح فربه بزرگ رسیده ش دو درم
تا سه ۳ درم ص بریان کرده با شکر خوردن ل

۷۳

شاه بلوط یا بوزن آن خرنوب بطی تمیق الفا بلجاسف بکسر اول وثانی وسکون نو
یا جیم والف وفتح سین مهمله صبر نجاسف تمیق الکاف بلک ف بکسر اول وسکون
ثانی م آتش بلوط الملک ع بسکون لام ثانی وفتح میم وکسر لام ثالث ف شاه بلوط
وگویند گروگان تمیق اللام بلال ف بفتح اول ولام الف بلادر بل ف بفتح اول
وسکون ثانی مرسیست که پوست این را شل خوانند وتخم این را بل فتخم این آل
که بیل طرح ی ۲ گویند ۳ ق حابس لبطن خ شیرین ش دو درم تا سه درم تمیق للون
بلبین ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده ثانی وسکون نون م خروع بقله الحمقا
بلسان ع بفتح اول وثانی وسین مهمله والف ونون شجره مصری مشهور طرح ی ۲ گویند
ی ۳ ق ملطف محلل مخ خوشبوی ش نیم درم ص صندل ل زیتون وتج بلسین بضم
اول وسکون ثانی وضم سین مهملا بخیر سفید بلطاون بفتح اول وسکون ثانی باطاء
مهمله والف وفتح واو وه چولائی کاساگ بلموت یونانی بفتح اول وسکون ثانی وضم میم و
سکون واو م سانوج بلوسیطون یونانی بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وکسر سین مهمله
وسکون تحتانی وضم طاء مهمله وسکون واو ثانی ف گلنار وگویند میوه بل تمیق الهاء
بلیکه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده ثانی وکاف وخفاء ها م مسکه بلوایه
ف بفتح اول وسکون ثانی وواو والف وفتح تحتانی م بالوایه دیرستوک بلهار بفتح
بفتح اول وسکون ثانی باها والف وسکون راء مهمله وفتح موحده ثانی وسکون نون
وفتح دال مهمله بروتی وگویند کلتهی بلیله ف ع بلیلج تمیق التحتانی بلبلی ف بضم
اول وسکون ثانی وضم موحده ثانی وکسر لام دوم وسکون تحتانی م جانسی زدالو
تنسیق النون وتمیق الالف بنداره بفتح اول وخفاء نون وفتح دال مهمله والف
وهوائی هندیست وآن عبارتست از درختیکه برو درخت دیگر روید تمیق الفوقانی
بناست بکسر اول وفتح ثانی والف وسین مهمله ع صمغ البطم تمیق الجیم بنفسج ع

بفتح اول وثانی وسکون فا وفتح سین مهمله ف بنفشه ه بنوساطب ۲ ر ۳ گویند
ب را گویند ۲ ف مسهل صفرا ولیس خ خوشبوی ش دو درم تا چهار درم خشک
او درنجدرم از تراوص سفرجل ل نیلوفر و پرسیاوشان بنج ع بالفتح اول وسکون
ثانی وجیم م بنگ م بیخ وشبکران ه خراسانی اجوائن ب ی اق مخدر قابض
مسکن خ سفیدش دو درم ص سل ل لفاح وخشخاش با افیون تمیق الدال المهمله
بنات الرعد ع بفتح اول وثانی والف وضم فوقانی وفتح راء مهمله مشدده وسکون
عین مهمله م سمار وغ ف کلاه ماران ه گگن ه هول وکهنی تمیق الراء المهمله
بنات النارع بفتح اول وثانی والف وضم فوقانی بانون مشدد ثانی والف دوم
دراء مهمله م انجره ف کزنه بیزه بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده ثانی وسکون او
مهمله م سپستان تمیق الشین المعجمه بنوماش ف بضم اول وثانی وسکون او
با میم والف ه غله مونگ تمیق القاف بندق بکسر اول وسکون ثانی وضم دال
مهمله م فندق ف بادام کشمیری سه گوشه طرح دمع گویند دماق مبهخ برگ
بالیده ش دو درم ص فانیذ بادام شیرین یا بوزن آن مغز جوز و بعضی گویند
چلغوزه تمیق الکاف نبنک ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی نوعی از ابریشم
فرومایه ست ه کرط تمیق الکاف الفارسی بنگ بضم اول وسکون ثانی وکاف
مانند قشور لیست که از بیخ سفیدان درمین خیزد طرح ی اق قابض مجفف خ
سفید فربه زرد سبک خوشبو ل سنبل وبفتح اول وثانی بفارسی
میوه بن وبفتح اول فارسی وسکون ثانی ونون وکاف فارسی
خوشه خرما تمیق النون تنجشکزوان بکسر اول وبنکون ثانی وکسر جیم وسکون
شین معجمه وکاف وفتح زاء معجمه وواو والف وبنون ع لسان العصافیر بنبلوچین
ه بفتح اول وخفای ثانی وسین مهمله وضم لام وسکون واو وفتح جیم فارسی م طباشیر

طب بنطافلون یونانی بکسر اول و سکون ثانی با طار مهمله و الف و فتح فا و ضم لام
و سکون واو و فی بیخ پنجنگشت طب ای ۲ ق قابض بیخ بیخ غلیظ ش یکمثقال
ص کرفس ل جلنار بنگران ف بضم اول و سکون ثانی و فتح کاف با راء مهمله
و الف م برنجی که در تهه دیگ بریان شده باشد ه کهرجن بن گیهون بفتح اول و
سکون ثانی و کسر کاف فارسی و نحتانی مجهول و ضم ها و سکون واو م اخر و سه
بن بضم اول و سکون ثانی ف آبکامه و تخم قهوه را نیز گویند و بفتح اول م میوه و
تمیق الواو و نبکوف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی ه مبغول تمیق
الهاء بنبومه بفتح اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و سکون واو و فتح میم و خفا ها
ه اکاسن میل بقبع بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف ص غله السیت عدس مانند الغلب
غله ار هر ط مع ی تمیق التحتانی بنج و شتی بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و فتح
دال مهمله و سکون شین معجمه و کسر فوقانی و سکون تحتانی ه وحشورا بندق هندی بکسر
اول و سکون ثانی و ضم دال مهمله و کسر قاف و ها و سکون نون ثانی و کسر دال مهمله
ثانی ه ریتها طع ی اتش بست مثقال از روغن او تلنسیق الواو و تمیق الالف
بوحایونانی بضم اول و سکون واو و با حا مهمله ف ماه پروین تمیق الموحده بول گد
ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم لام و فتح دال مشدده و واو و الف و سوصده ثانی
ف شاش پهار پایان بول الکلب ع بسکون لام ثانی و فتح کاف و لام ثالث
ف کمنیر سگ تمیق الجیم بوغنج ف بضم اول و سکون ثانی و فتح غین
معجمه و سکون نون ف سیاه دانه ه کلونجی تمیق الدال المهمله بوشاد ف
ویونانی بضم اول و ثانی مجهول و شین معجمه و الف ف شلغم تمیق الراء المهمله بیهما
ف بضم اول و سکون واو و کسر فوقانی و سکون تحتانی با سیم و الف م غم خورک
گویند که بر لب آبها نشیند و از غم آنکه مبادا آب کمی پذیرد با وجود نهایت تشنگی

آب خورد یونانی شفتین نامند ع نمام ق گوشتش مقوی حافظه و مهله بوصبر
بضم اول وسکون ثانی وکسر صاد مهله وسکون تحتانی م مغیلان ه کیکر لوتیضا یونانی
بضم اول وسکون ثانی وکسر قاف وسکون تحتانی با ضاد معجمه والف ف درخت
پیشه وسفیدار و دوار بول البقع بفتح اول وسکون ثانی وضم لام وسکون لام
ثانی وفتح موحده وقاف ف شاش گاو خ از گاؤ تر بول الحماع بسکون لام وکسر
حار مهله بامیم والف ف کمیز خر تمنیق الزاء المعجمه برزف بفتح اول وسکون
ثانی وزار معجمه م زنجبر سیاه که بر گلها نشیند ه بهونر ابستان افروز ف م
گل تاج خروس بول المعز ع بفتح عین مهمله وسکون زار معجمه ف شاش بز تمنیق السین
المهمله بول الجاموس ع باجیم والف ومیم وسین مهمله ف کمیز گاومیش بول الناس
ع ف شاش آدمی طح ی ۳ ق مجلی ص زبدل نمک آب تمنیق الشین المعجمه
بورلیطش یونانی بضم اول وسکون ثانی وکسر راء مهمله وسکون تحتانی وکسر طاء مهمله م
مرقشیشا تمنیق الفا بوف بضم اول وسکون واو ف جانور کوف وبوم که به
نحوست شهر وارد تمنیق القاف بورق بضم اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله م
بوره ف تنکاره سهاگ طح ۲ ی ۳ گوینده ۲ ق مجلی مقطع منقی ملطف مفرح ملحم
مخ سفیدار منی ش درحقنه یکدرم تا دودرم ص صمغ عربی ومضمضه بسرکه وشراب
ل نمک تلخ یا نمک اندرانی یا شب تمنیق الکاف بوکلک ف بضم اول وسکون ثانی
وفتح کاف ولام وسکون کاف ثانی م بن کوهی وضنک وتبرکی خیلاغوج مانند
تمنیق الکاف الفارسی بورنک بضم اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله وسکون
نون وکاف فارسی م بادروج تمنیق اللام بول الابل ع بفتح اول وسکون
ثانی وکسر همزه وموحده ثانی وسکون لام ثالث ف کمیز شتر خ از شتر اعرابی بول
که بضم اول وسکون ثانی م مر تمنیق المیم بوم ف بضم اول وسکون ثانی

۷۷

ومیم ع آلو تمیق النون بوبودیون یونانی بضم هر دو موحده وسکون هر دو واو
وفتح دال مهمله وضم تحتانی وسکون واو ثالث ونون م بسفیداج بوزیدان بضم اول
وسکون ثانی وفتح زای معجمه وسکون تحتانی بادال مهمله والف ه بوزدان وگویند
ستاورطحی ۳ گویند ح ۳ می اق ملطف خ سطبر تازه سفید باخطوط ش یکدرم
تا دودرم ص عسل یاخردل ل ه وزن آن همین سفید یا بوزن آن وج ونیموزن آن
زرنباد یاسورنجان بوغلصن یونانی وروی بضم اول وسکون ثانی وفتح غین معجمه
وسکون لام وضم صاد مهمله ع لسان الثور ف گاؤزبان بوقلمون بضم اول وسکون
ثانی وفتح قاف وضم لام ومیم وسکون واو ثانی ع حرباف آفتاب پرست ه گرگیه
بوال الصبیان ع بکسر صاد مهمله بشدد وسکون مهمله ثانی یا تحتانی و الف ف
کمنیر کودکان بولوطه بخون یونانی بضم اول وسکون ثانی وضم لام وسکون واو ثانی وفتح
طاء مهمله وکسر راء مهمله وسکون تحتانی وضم خاء معجمه وسکون واو ثالث ف پرسیاوشان
ه هنسراج بوماوران ف بضم اول وسکون ثانی باتیم والف وفتح دال مهمله وراء مهمله
والف ثانی وبوماران بحذف دال مهمله م برنجاسف تمیق الهاء بوزنه وبوهینه
ف بضم اول وسکون ثانی وزای معجمه وفتح نون وخفای ها در لغه اول وکسر زای معجمه
وسکون تحتانی وفتح نون در لغه ثانی م میمون بوطانیه یونانی بضم اول وسکون تحتانی
باطاء مهمله والف وکسر نون وفتح تحتانی وخفای ها ف سیاه دار وتمیق التحتانی
بوره آسنی بضم اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله وهمزه ملینه وها وفتح همزه وسکون راء
مهمله ثانی وفتح میم وکسر نون وسکون تحتانی م بورق بول الخنزیر البری ع بفتح
اول وسکون ثانی وضم لام وسکون لام ثانی وکسر خاء معجمه وسکون نون وکسر
زای معجمه وسکون تحتانی وکسر راء مهمله وسکون لام ثالث وفتح موحده وکسر راء مهمله
مشدده ثانی ف شاش خوک جنگلی بولسبزی ه بضم اول وسکون ثانی ولام وفتح

سین مهمله وکسر او مهمله درخت مشهور هندیست که گل خوشبو دارد و هر چند گلش تره
گردد بسیار بود و ثمرش بعینه ثمر کناریست و دوای عظیم درد دندانست تنسیق
الهاء وتمنیق الالف بهانتاه بفتح اول واظهار ها والف وخفا رنون با فوقانی والف
ثانی ف باد نجان بهلاواه بکسر اول وسکون ثانی باللام والف وواو ف بلاد
بهنگراه بفتح اول وسکون ثانی وخفا رنون وفتح کاف فارسی وراء مهمله والف
دوا عظیم النفع ست هندی م جمبیره بهیراه بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی وراء
مهمله ف بلیله هست تمنیق الموحده بهار سیب بفتح اول وثانی والف وکسر راء مهمله
وسین مهمله وتحتانی مجهول وموحده ف گل سیب ق مقوی دماغ تمنیق الجیم بهج
بفتح اول وسکون جیم ثانی م بوزیدان بهرامج بفتح اول وسکون ثانی بار او مهمله
والف وفتح میم م بید مشک طمع بهروج ف بکسر اول وسکون ثانی وضم راء
مهمله وواو مجهول م کندر هندی ه بریجان وگویند نوعی از بلوط کبود تمنیق الدال
المهمله بهار امرود بفتح همزه وسکون میم وضم راء مهمله وسکون واو ف گل امرود ق
مقوی دماغ تمنیق الواء المهمله ف بهار بفتح اول وها والف وراء مهمله م بابونه
وگویند گل کنمان وگل نارنج طرح ی اق محلل خ زرد تازه ش یکمثقال ص زعرور
ل جعده بهق الجرح بفتح اول وثانی وضم قاف وسکون لام وفتح حا مهمله وجیم
ع خراز الصخر ف گل سنگ وآن مانند زنگ خیری بر سنگ می نشیند بهوج پتره
بفتح اول وضم ثانی واظهار آن وواو مجهول وجیم وفتح موحده فارسی وفوقانی مشدده
م درخت هندیست که در کشمیر از قشر او اوراق سازند وبسان کاغذ بر و کتابت
نمایند تمنیق الزاء بهروز ف بکسر اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وسکون واو وزا
معجمه بریجا تمنیق الکاف الفارسی بهانک ه بفتح اول واظهار ثانی والف وخفا
نون وکاف فارسی م قنب تمنیق اللام بهانتل ه بفتح اول واظهار ثانی والف

۷۹

وخفار نون وفتح فوقانی هندی وسکون لام م کشنج ف گل کنده بهودل که بفتح
اول وضم ثانی واظهار آن وواو مجهول ودال مهمله هندی ع طلق ف ابرک تمنیق
النون بهرامن وبهرمان ف بفتح اول وسکون ثانی باراء مهمله والف وفتح میم و
سکون نون در لغت اول م بامیم والف ونون در لغة ثانی یاقوت سرخ وغازه که
زنان بر روی مالند وگل خسکدانه بهمن ح بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم مشهور
است همنین نام وگویند اسکنده ولایتی ست سرخ ه بهمکن سفید ه اسکن طرخی
گویند ح ر ق مسمن ومفرح ومقوی دل خ سرخ مش یکدرم ص انیسون ل تودری
ولسان العصافیر تمنیق الهابهاریه ف بفتح اول وثانی والف وکسر اراء مهمله
سوحده ثانی وهاء ثانی ف گل آبی مقوی دماغ بهرامه ف بفتح اول وسکون ثانی
باراء مهمله والف وفتح میم وخفار هاء بهرامج م بید مشک بهروجه وبهروزه ف بکسر
اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وواو مجهول وفتح جیم ولغة اول وزاء معجمه در لغت
ثانی وخفار هاء ه بریجا تمنیق التحتانی بهارنگی ه بفتح اول واظهار ثانی والف و
فتح راء مهمله وسکون نون وکسر کاف فارسی دوای هندیست تنسیق الیاء
التحتانی وتمنیق الالف بیست بیشا بکسر اول وسکون تحتانی وشین معجمه وکسر
فوقانی وتحتانی مجهول ثانی وشین معجمه ثانی م ماه فرفین تمنیق الفوقانی بید خشت
بکسر اول وثانی مجهول وسکون دال مهمله وکسر خاء معجمه وسکون شین معجمه وفوقانی
ف شیر خشت بنیست ه بکسر اول وثانی مجهول وخفار نون شجریست خاردار که
در هندوستان چوبش او دسته چابک سازند وجل عنبیت نیز قسمی از دست ف خیران تمنیق
الخاء المعجمه بیخ مخ بکسر اول وثانی مجهول وکسر خاء معجمه وضم میم وسکون خاء معجمه
ثانی ه مهریتی بیض مسلوخ ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر ضاد معجمه وفتح میم وسکون
سین مهمله وضم لام وسکون واو ف تخم مرغ جوشانیده یا بریان کرده

دهوان گویند
خاصیت مجموع
دهوان با مخفف
بود در دی اکر
نفع دا ری
بود و دهان
قوا ر پر کرم بود
قسطل سبیل
کنده و کشنای

تمیق الدال المهملة بجاوف بکسر اول وثانی مجهول درخت مشهور و کرکی ست که کتاب
وکاغذ وجاهای پشمین را بخورد و تباه سازد وبید وندف بکسر اول وثانی مجهول
وسکون دال مهملة وفتح ها وسکون نون م شاونه بیرد بکسر اول وثانی مجهول
وراء مهملة وفتح زاء معجمة پر بجا تمیق الواء المهملة بید انجیر ف درخت انید
ع خروع بید ستر ف بکسر اول وثانی مجهول وفتح دال مهملة وسکون سین مهملة و
فتح فوقانی م سگ آبی که خصیه آنرا جند بیدستر نامند و بنرکی قندر گویند بیره
بکسر اول وثانی مجهول ف کنار طب ی بیسرف بکسر اول وثانی مجهول وفتح
سین مهملة م جانور شکاری که چون شکره باشد وآنرا بیسره نیز نامند بیض العصافیر
ع بکسر اول وسکون ثانی وضم ضاد معجمة وسکون لام وفتح عین مهملة وصاد مهملة و
الف وکسر فاء وسکون تحتانی ف خایه گنجشک ه چڑیون کی انڈے ف سبی
نخ تازه تمیق الواء المعجمة بیض الاوز ع بضم همزه وسکون واو وخایه مرغابی
نخ تازه بیوه ازف بکسر اول وثانی مجهول باواو وهاء الف م شیرک ع خفاش
تمیق السین المهملة نخ سوسن بضم سین مهملة وسکون واو وفتح سین مهملة
ثانی ف مهک ه ملهی تمیق الشین المعجمة بشیش ف بکسر اول وسکون
ثانی ف زهر ه نیس ومیهاطح ی ۱۲ ف قاتل حص یا زهر باشک یا جدار
ال نخ کبریا زرنیخ بکسر اول وفارسی وسکون تحتانی م برگ خرما بشیش مروش
بکسر اول وسکون ثانی وشین معجمة وضم میم وسکون واو ف حیوانی ست
ماش که معروف ست بفارة البشیش ودرین درخت بشیش جائی دارد تمیق
الضاد المعجمة بیاض البیض ع ف سپیده تخم مرغ ق مسکن او جاع ل اسفیدی
اسبغول بیض بکسر اول وسکون ثانی ف تخم هر جانوره انڈا طمع ح ب
دق مغذی مغری خ تازه تمیق الطاء المهملة بیض البطع بضم ضاد معجمة

وسکون لام وفتح موحده ثانی وسکون طا مهمله ف خایه قازخ تازه تمیق القاف
بیض مسلوق ع بکسر ضاد معجمه وفتح میم وسکون سین مهمله وضم لام وسکون واو ف
تخم مرغ بریان کرده وجوشانیده تمیق الکاف بیخ مهک بفتح میم وسکون ها مرهمی
بید مشک ف بکسر میم وسکون شین معجمه نوعی از بید ست که از گل آن عرق کشند
تمیق اللام بیض الجمل ع بفتح جیم ولام ف خایه کبک ف مبهی
خ تازه بیل بکسر اول وثانی مجهول م بل وکل رای بیل تمیق المیم بیض الحمام ع
بفتح حا مهمله با میم والف ف تخم کبوتر ف مبهی بیض النعام ع بضم نون مشدد
وفتح عین مهمله با الف ف خایه شتر مرغ خ تازه تمیق الهاء بیجاده ف بکسر اول و
ثانی مجهول وجیم والف وفتح دال مهمله م کهربا رکانی وگویند سنگریزه های سرخ رنگست
که از جواهر فرومایه باشد وبعضے گویند بیجاده پرمرغ را جذب کند بیزره ف بکسر اول وثانی
مجهول وسکون راء مهمله وفتح زاء معجمه ه پریجا بیجیله بروزن بجیله ف م خرزه بیقه
بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف م بنفشه که گفته شد تمیق التحتانی بیخ چوچی
بضم جیم فارسی وسکون واو وکسر جیم ثانی ه جونک کی جڑ که آنرا کودکان چون
رلو بر جاها می چسپانند بیخ چینی ف بکسر اول وثانی مجهول وکسر خاء معجمه وجیم فارسی
وسکون تحتانی ثانی وکسر نون م چوب چینی وبیخ حیات بیخ شانه دشتی ف باشین
معجمه والف وفتح نون وهمزه ملینه وفتح دال مهمله وسکون شین معجمه ثانی وکسر فوقانی
ه کنگهی کی جڑ بیخ موٹ جنگلی ه ق مخدر بیزری ف بکسر اول وثانی مجهول وراء مهمله
وکسر زاء معجمه ه بریجا تر قلم الباء الفارسی وتنسیقه وتمیق الالف پاڈرا ه
بموحده فارسی والف ودال مهمله هندی وراء مهمله والف ثانی گل درخت هندیست
پاڈل بموحده فارسی والف وفتح دال مهمله هندی وسکون لام پاڑا ه بموحده فارسی
والف وراء مهمله ف بهمله بصلاح تمیق الفوقانی هندی پاٹ ه بموحده فارسی والف

ف ابریشم تمیق الدال المهملة پاکهان بمیده بموحده فارسی والف وفتح کاف
وانظهار ها والف ونون وکسر موحده وانظهار های ثانی وتحتانی مجهول ح جنطیانا
تمیق الذال المعجمه پانیذف بموحده فارسی وکسر نون وسکون تحتانی ع کعب الغزال
وفانیذه تباسه تمیق الراء المهمله پاکره بموحده فارسی والف وفتح کاف وسکون
راء مهمله درخت هندیست که قسمی از درخت برست طب پادزهر ف بموحده فارسی
والف وواو وفتح زاء معجمه وسکون هاف تریاک چه پاد بمعنی شونیده وپاک کننده است
از زهر مهره تمیق الکاف پاچک ف بموحده فارسی والف وفتح جیم فارسی م سرگین گاو
که خشک شده باشد یا بدست آنرا بهن ساخته باشند بجهة سوختن ه اوپلی ونیز راوی
ها ضم طعام پالک ه بموحده فارسی والف وفتح لام ف اسفاناخ طب تمیق النون
پان ه بموحده فارسی والف ف برگ تنبول طح تمیق النحتانی پاپری ه بموحده
فارسی والف وفتح موحده فارسی ثانی وکسر راء مهمله ف شمشاطب تنسیق التاء ۸۳
الفوقانی وتمیق الالف پت پاپڑا ه بکسر اول فارسی وسکون فوقانی وموحده
فارسی ثانی والف وموحده فارسی ثالث وراء مهما هندی ف شاهتره طب تجیا
ه بفتح اول فارسی وسکون فوقانی وکسر جیم وتحتانی دوای هندیست تمیق الجیم
پترج ه بفتح اول فارسی وسکون فوقانی وفتح راء مهمله م سازج طح تنسیق الخاء
المعجمه وتمیق الهاء پخته بفتح اول فارسی وسکون خاء معجمه وفتح فوقانی وخفاء ها
پنبه تنسیق الدال المهمله وتمیق الکاف الفارسی پدم راک ه بفتح اول
فارسی ودال مهمله وفتح راء مهمله والف وکاف فارسی ف یاقوت سرخ تمیق الهاء پده ف بفتح
اول فارسی ودال مهمله نام درختی ست که برند هدع غرب تنسیق الراء المهمله وتمیق الذال المهمله
پرعندف بفتح اول فارسی سکون راء مهمله وفتح واو وسکون نون م امرود تمیق الکاف پالک ف
بابول فارسی نوعی از فولاد جوهر از پرستک وپرسلوک ف بکسر اول فارسی وثانی

ذهب پیاری طلا دهندی سونا گویند طبیعتش سرد تر است وگویند یابست بگرمی ضعف دل وخفقان را دفع کند واسراض سوداوی را نافع ست

وسکون سین مهمله وضم نون فوقانی وسکون کاف در لغت اول وسکون واو در لغت
ثانی جانوریست که پشت و دم آن سیاه بود و سینه سفید باشد و منقارش سرخ و در
سقف خانه آشیانه دارد دم فراشنگ پروانک ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی
وفتح نون م جانوریست که پیشانیش شیر آواز کنان رود تمیق الکاف لفا
پرنک ف بکسر اول فارسی وفتح راء مهمله وسکون نون م برنج ه پتیل پرنیک
ه بکسر اول فارسی وثانی وتحتانی مجهول وضم نون وکاف فارسی دوای هندیست
طب تمیق اللام پربال ه بفتح اول فارسی وسکون ثانی باموحده والف ولام
ع بسد و سرجان م سونگا تمیق المیم سرچم ه بفتح اول فارسی وسکون ثانی
وفتح جیم فارسی کا وقطاس ه سرکای تمیق النون پراذران بفتح اول فارسی
وسکون راء مهمله ومعجمه وذال معجمه یا راء مهمله والف جانوریست شکاری از جنس
چرغ ع زمج پرسین ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحده فارسی ثانی وها ع
فرفخ در جله ه ثونیا دکهول پرچیا وشان ف ع کزبرة البرة راج هنس وکز جاه
وسنبل که در کنار چاه وچشمها میروید طرخی اگویند مع حرف منضج ملطف
مدر محلل منفتت مسهل بلغم وسودا خ سیاه چوب سبز ورق یاسیاه چوب سرخی مائل
بش سکه درم تا ده درم ص مصطکی یاکیتراك بوزن او بنفشه یا کمنیم وزن ب السکر
باد ورد انک وزن آن زوفا پژن ف بفتح اول فارسی وثانی فارسی م زغن
تمیق الهاء پرکنه ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح کاف ونون ترکیبی از
بوبهای خوش م ارکه پریچه ف بفتح اول فارسی وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح جیم
فارسی لیف فرما تمیق الفوقانی پربی ه بضم اول فارسی وسکون ثانی وکسر موحده
وسکون تحتانی م تربی تمیق السین المهملة وتمیق الالف پستاه بکسر
اول فارسی وسکون سین مهمله وفتح فوقانی ف پستع فستق طرخ ق بهی تمیق الفوقا

پست ف بکسر اول وسکون ثانی وفوقانی م نیم آرد وآرد بریان کرده بزبان
ترکی تلفان خوانند تمنیق الکاف الفارسی پستان سگ ف م سپستان
ه لسوڑہ تمنیق الکاف پستک ف بفتح اول فارسی وثانی وسکون نون وفتح
کاف فارسی وسکون کاف ثانی ژالہ تمنیق الواو پست جو بکسر اول فارسی وسکون
ثانی وکسر فوقانی وفتح جیم ف آرد جو تنسیق الشین المعجمہ وتمنیق الکاف پشک
بکسر اول فارسی وسکون شین معجمہ وکاف ف سرگین تمنیق اللام پشکل بکسر اول
فارسی وسکون ثانی وکسر کاف ف سرگین تنسیق الکاف وتمنیق الدال المهملہ
پکند ف بفتح اول فارسی وثانی وسکون نون ودال مهملہ بزبان جنوق نان تمنیق الکاف
الفارسی پکہرک ہ بضم اول فارسی وسکون ثانی وانظہار ہا برا مهملہ والف وکاف
فارسی ف بسراق تمنیق النون پکھب انجن ہ بضم اول فارسی وسکون ثانی وانظہار
وفتح موحدہ فارسی ثانی وہمزہ وسکون نون وفتح جیم وسکون نون ثانی ودای
هندیست جهت امراض چشم طح تنسیق اللام وتمنیق الالف پلاس پاپڑا ہ
بفتح اول فارسی ولام والف وسکون سین مهملہ بموحدہ فارسی ثانی والف ثانی و
فتح موحدہ فارسی ثالث بدا مهملہ والف ثالث ف درخت پلہ ہ دہاک کی بیج
تمنیق السین المهملہ پلاس ہ بفتح اول فارسی ف پلہ ہ دہاک طح ف پلین
تمنیق الکاف پستک ف بکسر اول وثانی وسکون سین مهملہ وضم فوقانی م
پرستوک پلنگ مشک بفتح اول فارسی وثانی وسکون نون و
کاف فارسی وکسر میم وسکون شین معجمہ م فرنجمشک ف
بالنگو خورد تمنیق اللام پلاس پیپل ہ بکسر اول فارسی
با لام والف وسین مهملہ وکسر موحدہ فارسی ثانی
وسکون تحتانی وفتح موحدہ فارسی ثالث ہ بارسی پیپل

درخت هندیست پلپل ف بکسر هر دو موحده فارسی وسکون هر دو لام م فلفل
پلول ه بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح واو م ثمره هندیست که اکثر وکشت
برگ تنبول میکارند ونا نخورش نیکوست طح تمنیق المیم پلم ف بفتح اول
فارسی وسکون ثانی ومیم م خاک تمنیق الها پلغده ف بفتح اول فارسی وثانی
وسکون غین معجمه وفتح دال مهمله م تخم مرغ ومیوه که بوسیده باشد پله ف بفتح
اول فارسی وثانی ه درخت دهاک ونیز بفارسی شیر حیوان نوزاینده که آنرا فله
درنگ نیز گویند تمنیق التحتانی پلمی ف بضم اول وسکون ثانی وکسر جیم فارسی م
خرمهره پلیندی ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح تحتانی وسکون نون وکسر
دال مهمله نوعی از خربزه تنسیق النون وتمنیق الالف پنروا ه بضم اول وفتح
وثانی وسکون راء مهمله وفتح نون ثانی وواو م بسکهر اتمنیق الفوقانی پنجکشت
ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح میم وسکون نون ثانی وضم کاف فارسی
سکون شین معجمه ه درخت سبنها لوطح اگویند ی ر ق محلل ملطف مغشی
نخ تخم تازه ش یکمثقال ص صمغ عربی ل دو وزن آن شهد انج تمنیق الدال
المهمله پندف بفتح اول فارسی وسکون ثانی م غلیواز تمنیق الواء المهمله
پنواڑه بفتح اول فارسی وسکون ثانی وواو والف دوای هندیست م قلت
طبی تمنیق الکاف پنج پایک ف بفتح اول فارسی وسکون نون وجیم
وموحده فارسی ثانی والف وفتح تحتانی ع سرطان پنانک ف
بفتح اول فارسی بانون والف وفتح نون ثانی ع صمغ پنیرک
ف بفتح اول فارسی وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح
راء مهمله م گل خطمی تمنیق الکاف الفارسی پنک بفتح اول
فارسی وسکون نون وکاف فارسی م خوشه تمنیق المیم پنجه مرم

بفتح اول فارسی ه ها نهاجور طی تمنیق الها پنجه انه ف ه بنولا پنج پایه ف خرچنگ
ه کیکر آبنجه گریه ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح جیم وهمزه ملینه وضم کاف
فارسی سکون راء مهمله وفتح موحده م بید مشک تلنسیق الواو وتمنیق الفوقانی
پوست ف بضم اول فارسی وسکون واو وفوقانی م جگر تمنیق الشین المعجمه
پوپش ف بضم اول فارسی وسکون ثانی وواو وفتح موحده فارسی ثانی ع هدهد
تمنیق الکاف پوپک ف بضم اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحده فارسی ثانی
ع هدهد پوشک ف بضم اول فارسی وثانی مجهول وفتح شین معجمه م کره تمنیق اللام
پوپل ف بضم اول فارسی وثانی مجهول وفتح موحده فارسی م فوفل ع سپیاری تمنیق الواو
پوپو بهردو موحده فارسی وسکون بهردو واو م هدهد وآواز هدهد تمنیق الها ف پوپه
بضم اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحده فارسی وخفاء ها ع هدهد پوده ف بضم اول
فارسی وثانی مجهول وفتح نون م خربوزه وهندوانه ودیگر میوها که درون سان مضمحل
وبوسیده باشد تمنیق النحتانی پوت بنهاری ه ف تخم خار وانار گونه م چرچری یکی ازهم
پوش دربندی بضم اول فارسی وسکون واو وکسر شین معجمه وفتح ذال مهمله وسکون
راء مهمله وفتح موحده وسکون نون وکسر ال مهمله ثانی ف شیاف ست که از ارسن
ودرنبد می آرند وان نباتیست که بچنان میگویند وشیاف میسازند طب ی ال
ثامیثا عنب الثعلب بابزر الهندبا یا حضض ها یعصره ما میثا پوی ه بضم اول فارسی
وثانی مجهول ف سبری هندیست که ریشها مثل انگور بر بیاره میدهاند بعینه مثل عنب الثعلب
ست واز ترهای نا نخورش تلنسیق الها وتمنیق الالف پهلساه بفتح اول فارسی
واظهار ها وسکون لام وسین مهمله م میوه مشهور هندیست تمنیق الدال المهمله
پهرهده بفتح اول فارسی واظهار ها وسکون راء مهمله وفتح ها وثانی درخت هندیست
م تمنیق الراء المهمله پهنور ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وضم نون

وسکون واو م بهی تمنیق الکاف پهنگ بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح میم
وزای معجمه وسکون کاف م خارپشت تمنیق اللام پهگیسول ه بضم اول فارسی
وسکون ثانی وفتح کاف وسکون راء مهمله وضم میم وسکون واو ودوای هندیست
تمنیق الهاء ف پهنانه بفتح اول فارسی وسکون ثانی بانون والف وفتح نون
ثانی م بوزنه وسیمون ه باندر تمنیق التحتانی پهنگری ه بفتح اول فارسی واظهار
ثانی وسکون نون ثانی هندی وفتح کاف وکسر راء مهمله م شب پیانی ف زاک سفید
پهی ف بفتح اول فارسی وکسر ثانی ع خفتل تمنیق الیاء التحتانی وتمنیق الالف
پیابانسا ه بکسر اول فارسی باتحتانی وسوحده والف ثانی وخفا نون وسین مهمله ه
قسمی از بانسا تمنیق الوحده پیکون ف طعامیست ترش که از جوز مغز وشیر وجغرات
سازند تمنیق الدال المهمله پیل آمرود ف بکسر اول فارسی وتحتانی ولام نوعی از امرود
ست تمنیق الراء المهمله پیاز ه بکسر اول فارسی وتحتانی والف م میوه هندیست
که ترشیش تر شی خرما را هندی ماند واز تخم او چرونجی یعنی نقل خواجه بهم میرسد پیلاسو
ه بکسر اول فارسی وسکون ثانی وفتح سوحده فارسی ثانی ولام الف وضم میم وسکون
واو ف فلفلنوبه بنمیز ف بکسر اول فارسی وسکون ثانی وضم میم وزای معجم ع طلب
ه سوال که در آبهار وید تمنیق الشین المعجمه پیتس بکسر اول فارسی وسکون
تحتانی وشین معجمه م برگ خرما پیلکوش ف بکسر اول فارسی وسکون ثانی ولام وضم
کاف فارسی ودراو مجهول ع اذان الفیل ونوف وگویند در فارسی گلی ست که بر
کنارهایش نقطهای سیاه باشد تمنیق الکاف پیتک ف بکسر اول فارسی وسکون
ثانی وفتح نون ثانی کزمی ست که جاها وکاغذ تباه سازند پیچک بکسر اول فارسی وثانی
مجهول وفتح جیم فارسی ع عشقه ولبلاب تمنیق اللام پیل ه بکسر اول فارسی و
سکون ثانی وفتح سوحده فارسی ف فلفل دراز ونیز نام درخت مشهور هندیست

پیتل ه بکسر اول فارسی و سکون ثانی و فتح فوقانی ف برنج تمیق النون پنگین
بفتح اول فارسی و سکون تحتانی و ضم غین معجمه و سکون نون م سداب تمیق
الواو پیلوه بکسر اول فارسی و سکون ثانی و ضم لام ع اراک پنیوف بکسر اول
فارسی و سکون ثانی و ضم نون ف دوغ ترش پخته م کشک قروت تمیق الهاء
پیچه ف بکسر اول فارسی و ثانی مجهول و فتح جیم فارسی م پیچک پیله ف بکسر اول فارسی
و ثانی مجهول و فتح لام شوره ابر بشم تمیق التحتانی پی ف بفتح اول و سکون تحتانی ع عصب ه پس
ترقیم التاء الفوقانی و تنسیق و تمیق الالف تال کمارا ه بفوقانی و الف
و لام و فتح میم و کاف و اظهار ها و الف ثانی و راء مهمله دوای مشهور هندیست تانبا
ه بفوقانی و الف و خفا نون و موحده ف مس تمیق الموحده تانگوب بربری
بفوقانی و ضم کاف و سکون واو م فرفیون تمیق الفوقانی تاسمصت بربری
بفوقانی و الف و کسر سین مهمله و سکون میم و فتح صاد مهمله و سکون فوقانی ف ترشه
ترنج تاغندست بربری بفوقانی و الف و فتح غین معجمه و سکون
نون و فتح دال مهمله و سکون سین مهمله فوقانی ثانی م عاقرقرحا
تمیق الخاء المعجمه تاخ بفوقانی و الف و سکون خا معجمه درختی هست که چوب آنرا
هیزم سازند آتش آن از هیزمهای دیگر بیشتر ماند و آنرا تاغ نیز گویند تمیق الدال
المهمله تاروف بفوقانی و الف و فتح راء مهمله م کنه که برگا و دیگر حیوانات
چسپد تمیق الواو المهمله تارف بسکون راء مهمله درختست شبیه بدرخت خرما
که ازان آبی حاصل کنند که بانشه در دسکر رود و اکثر در ملک هندوستان شود و درازی
برگ آن از هر یک کمتر بیشتر و بر همنان کتابهای خود بران نویسند و هندوان زبان
السان نرمه گوش خود پاره ساخته برگ آن درخت پیچیده دران نهند تالسفیر
بفوقانی و کسر لام و سکون سین مهمله و کسر فا و سکون تحتانی و کسر سین مهمله ثانی ف

۸۹
انشاء الله تعالی
بعد از نگوش بدهد
و گویند موسا کی
بعد از نگوش سلیمان
دیعه آهن
نوه مرکبانی
گویند
تاب الزراه

تخم سپندان ه اسپند تالیسپتر ه بفوقانی و الف و کسر لام و سکون تحتانی و
سین مهمله و فتح موحده فارسی و فوقانی مشدده و وای هندیست تامر بفتح میم م
گل حماض تمنیق الغین المعجمه تاغ ف بفوقانی و الف م درخت تاخ و تخم مرغ
تمنیق الکاف تارنک ف بفوقانی و الف و سکون راء مهمله و فوقانی ثانی و نون
ع عنکبوت تاشک ف بفوقانی و الف و فتح شین معجمه م مسکه ع زبد تافشک ف
بفوقانی و الف و فتح فا و شین معجمه م و یوجه ع ارضه تارک ف بفوقانی و الف و او م
خروکا و جوانه تمنیق اللام تال ف م درخت تاڑ تامول و تانبول م بفوقانی و
الف و ضم میم و واو مجهول در لغه اول و سکون نون و ضم موحده و سکون واو ف
برگ تنبول ه پان و ناک بیل ب ای ه گویند ح ای ه ص فوفل و کات و آبک
مجموعه ل فرنفل تاول ف بفتح واو م تاوک تمنیق النون تارین بفوقانی و الف
و کسر راء مهمله و سکون تحتانی و نون و بی نون نیز آنکه از درخت تاڑ حاصل شود
و آن شربتی بود که نشاء اش با در دسر آرد تمنیق الواو تاهوف بفوقانی و الف و ضم
هاء هم شراب عرانی تمنیق الهاء تارچوبه بفوقانی و الف و راء مهمله و ضم جیم فارسی و واو
مجهول و فتح موحده م هلیون تالانه ف بفوقانی و الف و لام الف و فتح نون گویند
از شفتالو تمنیق التحتانی تالگی ف بفوقانی و الف و سکون لام و کاف فارسی
م کشنیز صحرائی تنسیق الباء الموحده و تمنیق الدال تبرزد ف بفتح فوقانی و
موحده و سکون راء مهمله و فتح زاء معجمه نبات و شکر سفید و نوعی از نمک سخت از قسم
نمک سنگ و قسمی از انگور در غایت شیرینی و صبر را نیز گویند تمنیق الواء المهمله تاشیر
ف بفتح اول و ثانی و الف و کسر شین معجمه و سکون تحتانی م بنفشه چین تبرع بکسر
اول و سکون موحده ف زر و طلا ه سونا تمنیق النون تبرخون ف بفتح اول و تا
و سکون راء مهمله و ضم خاء معجمه و سکون واو ع عناب و گویند چوبی ست سرخ رنگ

بسیار سخت و گران و التمس که شاطران ازان چوبک بستی سازند و گویند
بتهم و گویند نوعی از ترها که با طعام و نان بخورند و آنرا ترخوان و ترخون خوانند و معرب
آن طرخون تنکان ف بکسر اول و سکون ثانی و کاف و الف ف خاره ه کانمثا
تمیق الهاء تبرزف بفتح اول و ثانی و سکون راء مهمله و فتح زاء معجمه م تبرزدتین یک
ع بکسر اول و سکون ثانی و نون و فتح میم و کاف مشدد م اذخر تنسیق الفوقانی
و تمیق الکاف تترپک بفتح اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله و سکون تحتانی و کاف
م سماق تمیق المیم تتم ف بضم هر دو فوقانی م سماق تمیق التحتانی تتری
ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله م سماق تتلی بفتح و سکون ثانی و کسر لام
ه چوچی تنسیق الخاء المعجمه و تمیق الموحده تخم خاروب ف م اطریلال
تمیق الفوقانی تخم اسپست بکسر همزه و سکون سین مهمله و کسر باء فارسی و سکون
سین مهمله ثانی و فوقانی م بندالرحمه تمیق الخاء المعجمه تخ بفتح اول و سکون
ثانی فکسبه و کنجاره ه کهل تمیق الضاد المعجمه تخم حامض بفتح حاء مهمله و میم مشدد
و الف و ضاد معجمه ه چوکی کی بیج تمیق الکاف تخم تورک ف ع برزالخرفه تمیق
اللام تخم خلخال ف بکسر خاء معجمه و لام الف م اطریلال تخم گل ف بضم کاف
فارسی زرلینی زردی میانه گل تمیق المیم تخم شاهسفرم ع برزالریحان
تمیق النون تخم سپندان ه اسبند تخم کتان کاف و فوقانی و الف
السی تمیق الهاء تخم بنگ دیوانه بفتح موحده و سکون نون و کسر کاف فارسی
و دال مهمله و تحتانی مجهول باو او و الف و فتح نون ه خراسانی اجوین تخم بلیله
بفتح موحده فارسی و لام ه بلاس پاپڑه تخم خرفه ف بضم خاء معجمه و سکون راء مهمله
و فتح فاء لونیا کی بیج تمیق التحتانی تخم تیزابی بکسر فوقانی ثانی و سکون تحتانی
و راء مهمله با میم و ا. ف و کسر باء ف زردک ه مال کنکنی تخم شربتی ف تخمی است

از قسم سیمان لیکن بسیار کوچک از ست تنسیق الذال المهملة وتمیق الواو وفی
بفتح اول وضم دال مهمله وسکون واو م جانوریست سرخ رنگ بیشتر در حمامها
پیدا میشود تنسیق الذال المعجمة تمیق الجیم تذرج بفتح اول وذال معجمه وسکون
راء مهمله ف تذروه لا وابابنر طرح ب ق گوشت او مقوی دماغ تمیق الواو
تذروف بفتح اول وثانی وسکون ذال مهمله وواو ومجهول مرغ دشتی تلنسیق الواء
وتمیق الالف تراب صیداع بضم اول وثانی والف وکسر موحده وفتح صاد مهمله و
سکون تحتانی ودال مهمله ف خاکیست از معدن کوهی تر پهلاه بکسر اول وسکون
راء مهمله وفتح موحده فارسی واظهار ها ولام م لفظی ست هندی که بعرب ابلیلج
ست وآن عبارتست از ترکیب هلیله وبلیله وآمله ترکتاه بکسر اول وسکون وضم
کاف با فوقانی هندی نیز لفظ هندیست که عبارت از ترکیب زنجبیل م دارفلفل
وفلفل گرد تر میراه بکسر اول وسکون ثانی وکسر سیم وراء مهمله م جر جیر تمیق الواو
ترنج بضم اول وسکون ثانی ه مولی وبفتح اول وموحده فارسی م قراقرت و
کشنک سیاه تراب ع بضم اول وفتح ثانی والف ف خاک ه مٹی تمیق الجیم
ترنج ف بضم اول وفتح ثانی وسکون نون ع اترج ه بجورا تربدع بضم اول و
سکون ثانی وضم موحده ه نسوت وناک تیر طرح ی ۳ ق مسهل بلغم یعنی
بیض مدور مصمغ مجوف ودر سودن سفید تر وزود گوفته گردد وکمن بلریک تا شده
ودر سطبری میان خنصر وبنصر بود وبعد از کوفتن وبختن ریقه بر نیارد وتنگ سیاه
باشد وقسم سیاه آنرا استعمال نکنند ص خرشیدن وچرب کردن بروغن بادام
پس کوفتن کش نیم درم تا یکدرم وگویند از جرم ویکدرم تا دو درم ودر مطبوخ از سه
درم تا پنج درم ل پوست تلوت تا نیم وزن حب النیل م دوانگ ونیموزن صبر دوانگ
ونیموزن حنظل وگویند ترمس تمیق الواء المهملة ترمه سرف بفتح اول وثانی و

بچون بازرده
تخم مرغ
زنی کم دشوار
نمایید بیمار شوند
بغایت مفید بود
در دو ساعت
بازنشند واین
مجربست دیگر
از دو نمودم بود
تا یک
درم
۹۲

وهمزهٔ ملینه ها وکسر میم وسکون تحتانی ه ترمراتمیق الزاء المعجمه ترازف بفتح اول
وثانی والف درخت صنوبر ترنزف بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده م هندوانه
وخیار وبادرنگ بضم اول م ترب تمیق السین المهمله ترفاس بضم اول وسکون
ثانی وفا والف م کمات وسمار وغ ترسس ع بضم اول وسکون ثانی وکسر میم م
باقلای مصری وشامی ع جهالرطاح ای ۲ ق مجلی بفتح مدر محلل خ سفید فربه نزدیک
شش دو درم ص نمک وصعتر ل برنج کابلی وشیخ ترکی وگویند فودنج یا دو وزن
باقلا یا لوبیا تمیق الشین المعجمه ترغشن بفتح اول وسکون ثانی وکسر غین معجمه
م نوعی از زردآلو تمیق الفا ترف ف بفتح اول وسکون ثانی وفا کشک سیاه
وقراقروت ع مثل تمیق الکاف تراب لها لک ع بها والف وکسر لام م سم الفار
یا سنبلک مار تریک ف بضم اول وسکون ثانی وفتح موحده نوعی از انگور وبفتح اول
وموحده فارسی قراقروت ترترک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی ثانی ورا
مهمله ثانی جانوریست که در ما وراالنهر دختر صوفی گویند ترزک ف بضم اول وسکون
ثانی وضم فوقانی ثانی م کبک تردک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله م کبک
گندم خوراک ترندنک ف بفتح اول وثانی وسکون نون وفتح دال مهمله وسکون نون ثانی م ترزک جریاک
وبفتح اول وسکون ثانی وفتح تحتانی والف وکاف م بازهر تمیق النون ترایمان بفتح
اول وثانی والف وکسر تحتانی بامیم والف ثانی ه جنس تریاق یونانی بضم اول ونون
ثانی باد وموحده وو والف م غافث ف ترمان بفتح اول وسکون ثانی باخا معجمه
والف نوعی از سبزی که مانند پودنه بانان بخورند ترخون ف بفتح اول وسکون ثانی
وضم خا معجمه وسکون واو ع بقم وعاقرقرحا ترنجان بضم اول وثانی وسکون نون
بامیم والف ف بادرنجبویه ترنجبین ف بفتح اول وثانی وسکون نون وجیم مکسور وسکون
وسکون تحتانی خمی ست که برخاشتر ودرخراسان وبخارا وقریشی نشیند طمع ی

۹۳

بلیغش گرم بود
با معتدل
و در وبا
مانع کی تا
زنبق گل
مشهور کما
سوسن پید
خوانند و گویند
روغن کنند
بلیا بیا
باشد ان

ف بفتح اول وثانی م مل نسرین تریاق روستایان ف سیر لبسن تمیق الهاتراب الشارف
بفتح شین معجمه مشدد والف وکسراء مهمله ثانی وفتح دال مهمله خمهار ها خاک جزیره است تراب الطرق الاربعه ع
ف خاک چار راه ه چورا هی کی مٹی تربره ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده و
راء مهمله ثانی م تربک تربزه ف بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده وفتح زاء معجمه م
هندوانه وخیار بادرنگ وبضم اول م ترب تربه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح
موحده م قراقروت تترگربه ف بضم کاف فارسی م بادرنجبویه تریاق الجمیع ف
سنگیست که در کنج چشم گاو کوهی می باشد تمیق التحتانی تراب القی ع بفتح قاف
وسکون تحتانی م سم الفار ترهتی ه بفتح اول وسکون ثانی وضم ها وکسر نوقانی
ه کانه سفید تریاق ترکی م سومیائی خ اگر قدری ازان بر خون بسته بر بندخونرا
روان سازد واگر در شیر زنند به بندد تریاق فارسی م پادزهر تلنسیق وتمیق الفاء
الفارسی نشرف بکسر اول وسکون زاء معجمه فارسی م برگ گیاه نو برآمده تمیق الکاف
شردک ف بفتح اول وسکون ثانی فارسی وفتح دال مهمله وسکون کاف م کرم گندم
خوار تلنسیق السین المهمله وتمیق الکاف الفارسی پس سگ ف بضم اول
وکسر سین مهمله وفتح سین مهمله ثانی م شاهبانکع بنفسج الکلاب تلنسیق الشین
المعجمه وتمیق الجیم تشنیز ج ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر میم وسکون تحتانی
وفتح زاء معجمه ف چشمک ه چاکسوطح ی خ سیاه براق فرید تمیق الشین المعجمه
تش ف بفتح اول م آتش تمیق النون تشتیوان یونانی بفتح اول وسکون تا
وکسر نوقانی وسکون تحتانی وواو والف م بسفایج تلنسیق الفاء وتمیق الالف

قفسار یونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر سین مهمله بانحتانی م تا مسیاف صمغ سداب
کوهی تمنیق القوقانی تفتع بفتح اول وسکون ثانی م شوکران تمنیق الحاء
المهمله تفاح ع بضم اول وثانی مشدده والف ف سیب طی شیرین مع ح ب
داترش ب ی ۲ مینوش مع ح ب ق مقوی دماغ ح حلوش از شراب ویکوقیه
ص سل ل سفرجل تمنیق الراء المهمله تفوف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو
م خاک ع طین تمنیق الضاد المعجمه تفاح الارض ع بضم اول وثانی مشدد والف
وضم حا مهمله م بابونه تمنیق النون تفاح الجن ع بکسر جیم ثمر بیروج تمنیق الواو
تفوف بضم اول وثانی م آب دهن تمنیق الهاء تفته ف بفتح اول وسکون
ثانی وفتح نون م پرده عنکبوت تمنیق التحتانی تفاح ارمنی م خوبانی تفاح بری
م زعرور ف کیل تفاح پارسی م شفتالو تفاح مائی م ترنج تمنیق القاف و
تمنیق الهاء تقده ع بکسر اول وسکون قاف وفتح دال مهمله ف کشنیز تقره ع بکسر
اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله م کرویا ف زیره رومی تمنیق وتمنیق الکاف
تک ف بفتح اول وسکون کاف گیاهی ست که درمیان آب روید ودر مصر
ازان کاغذ سازند ع بردی وگویند گیاهی ست که درگندم زار روید واز گیاه گندم سخت تر باشد
تمنیق الهاء تکته ف بفتح اول وثانی بزرسرگین گاو وگاومیش که بهبت پهن سازند وخشک کنند
وسوختن تمنیق الکاف الفارسی تمنیق الواو المهمله تگره بفتح اول وکاف فارسی ساردن تمنیق السین
المهمله تگس ف بفتح اول وثانی فارسی خسته انگور تمنیق الکاف الفارسی تگرگ بفتح اول
وثانی فارسی وسکون راء مهمله ف ژاله ۵ اولا تنسیق اللام وتمنیق الکاف
تلخ خوک وتلخ خبکوک ف نام ترییست ع ترخشکون تلخک ف گیاهی ست
بغایت تلخ وگویند حنظل تلک ف بضم اول وسکون لام م لوبیا وبکسر اول
وسکون ثانی م زعرور تمنیق اللام تل ۵ بکسر اول وسکون ثانی ف کنجد

تمنیق النون تنگبین ف بفتح اول وثانی وسکون نون وضم کاف فارسی کسر موحده
وسکون تحتانی م ترنگبین تمنیق الواو تلوف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو م
خار تمنیق الفتحانی تلسی ه بضم اول وسکون ثانی وکسر سین مهمله ف بادرنجبویه
تلی ه بکسر اول وثانی مشدود ف سپرزع طحال تنسیق المیم وتمنیق الحاء المهمله
تسلح ع بکسر اول وسکون میم یاسین مهمله والف وخار مهمله ف نهنگ ه مگر مچه
تمنیق الراء المهمله ترع بفتح اول وسکون ثانی باصطلاح عبریان هندنامهم اردواول در طلع
گویند دوم اوراخلاتل تا سند وسوم ابلج وچهارم اولبیر پنجم اوراطب وبعد مرتبه ششم ترخوانند
ف خرماه کلبورطح راگویند مجلی بلبی خ فربه صادق الحلاوة ص بادام وخشخاش
ل کشمش تمنیق اللام تمول بفتح اول وسکون ثانی وضم لام وسکون واو م قتاد بر
تمنیق المیم تمتم بکسر هردو فوقانی وسکون هردو میم م سماق ربضم هردو فوقانی
ف دم گاو کوهی م قسطاس تمنیق الواو تمروة تنبد وتمنیق التحتانی تمرهندی
ع ف خرمای هندی ه انبلی طب ۳ گویند ۲ گویند ب ی ۳ گویند ب دق قابض
مره ومقوی وسفرح دل خ زرد شیره دار بغایت ترش از طبیخ او اسکرچه وگویند
پاشنده درم وگویند نیم طل ص شراب بنفشه وشراب خشخاش ل درجلاب اجاص
تنسیق النون وتمنیق الموحده تنوب رومی بفتح اول وضم نون وسکون
واو م صنوبر کوچک که از وقطران برزفت سازند ه درخت پیچیده طح ی ۲ ق
قابض ش از صمغ او یکمثقال ص بادام شیرین ل سرو تمنیق الراء المهمله تکاوف
بفتح اول وسکون ثانی وکاف ع بورق ه سهاگه تمنیق اللام تنبول ف بفتح
اول وسکون ثانی وضم موحده وسکون واو م برگ پان ه ناک بیل تمنیق النون
تن ه بضم اول وسکون نون گل نرد لیست که صباغان از ورنگ میسازند ودرخشش
بعینه چون درلعنت نیبست وبارش چون بارنیب تمنیق الواو تند وفتح اول

وسکون ثانی وضم دال مهمله ع عنکبوت تمیق الهاء تنسته ف بفتح اول وثانی و
سکون سین مهمله وفتح فوقانی م بافته عنکبوت تنسیق الواو وتمیق الالف
توتیا بضم اول وسکون واو وکسر فوقانی باتحتانی والف انواعیست بهترینش
هندیست که آنرا توتیای سبز گویند وبهندی نیلا تهوتهه وهریا تهوتها نامند
بعد ازان کرمانی که بیاریسی توتیای سفالک وبهندی کهریه گویند طب ای ۲
ل شادنج تمیق الجیم توج ف بضم اول وسکون وادم بهی توبج ف بضم
اول وثانی مجهول وفتح تحتانی بیاره ایست که بر بهر درخت که پیچد آنرا خشک
کند ع عشقه تمیق الدال المهمله توبال الحدید بضم اول وسکون ثانی و
موحده فارسی والف وضم لام وسکون لام ثانی وفتح حاء مهمله وکسر دال مهمله و
سکون تحتانی ف برادهٔ آهن توتیا وزرد ف سنگ بصری ه کهربا یاقی یاس
قروح طب ای ۲ گویند ب ی ۲ توذ ف بضم اول وسکون وادم توت ۹۷
تمیق الراء المهمله تورف بضم اول وسکون ثانی گیاهیست ترش مزه م
ترشه ساگ هیو کا تمیق الزاء المعجمه توتیا وسبزه ف نیلا تهوتهه تمیق الواو الفاد
توژف بضم اول وثانی مجهول وژاء فارسی پوست درختیست که برکمان وتلوار
شیر وحنای زمین وامثال آن بکشند تمیق السین المهمله توبال النحاس بضم
نون مشدد وحاء مهمله والف وسین مهمله ف برادهٔ مس طح ی ۳ تمیق الضاد
المعجمه توت حامض ع بضم اول وسکون ثانی ف توت ترش وسیاه طب
ی ۲ گویند ر گویندی اق الملین خ سیاه بزرگ ش ازرب اویکوقیه ص
جلنجبین ل اجاص تمیق الغین المعجمه توغ ف بضم اول وسکون ثانی
چیزیست که آتش آن دیر بماند م تاغ وتاج تمیق الکاف توتک ف بضم
اول وثانی مجهول وفتح فوقانی ثانی جانوریست که سخن آموزد ع طوطی

تو نیای خالک ف سنگ بصری ه کهاپریا تورک ف بضم اول وفتح ثانی وراء مهمله
م خرفه ه تو نیا تو شک ف بضم اول وسکون ثانی وشین معجمه م برجوان تمیق
الکاف الفارسی تو رنک ف بضم اول وثانی مجهول وفتح راء مهمله وسکون نون
وکاف فارسی م خردل صحرائی تمیق اللام تو بال ف بضم اول وثانی باسوحده
فارسی والف ولام م ریزه زر وسیم وامثال آن وآنرا براده نیز گویند تمیق النون
تو باملون بضم اول وسکون ثانی باسوحده والف وضم میم ولام وسکون واو
ثانی لفظ سریانی ۱۲ ازتیوعات یعنی درخت شیردار تو لکن بضم اول وسکون ثانی وکسر
لام وسکون تحتانی وفتح کاف فارسی م غلیواره چیله تون ه گل سنبهالو تمیق الواو تو ت علوع ف تو ت
شیرین وسفید طح ادا گویند ب اق ملین خ بزرگ شیرین از رب وبکوفیه ص جلنجبین ل اجاص
آلو بخارا تمیق الهاء تو درو ف بضم اول وثانی وفتح دال مهمله وراء مهمله طا گویند بزرگ تبه گوشتش
او نهایت لذیذ باشد جز رجال تحرره ف بضم اول وثانی مجهول وفتح دال مهمله م شفال تمیق التحتانی
تو ت حشی علیق تو ت سله گل تمرتی ف بضم اول وسکون ثانی وکسر فوقانی ثانی ع طوطی تو درو م بضم اول وسکون
ثانی وفتح دال مهمله وکسر راء مهمله طح ادی گویند راق مفتح مجلی خ زردش نیم مثقال
تا دو مثقال ل بهمن تورسی ه بضم اول وثانی مجهول وفتح راء مهمله وکسر همزه م بشر
تره هندیست که ریشه سیدارد وبرگهایش به برگ بید انجیر ماند وگلش زرد وبرتمرش
که طول این هست بدانه خطها بود ونانخورش هندست وقسمی ازو پالیده وفربه وخوش
ترست وخطها ندارد وآنرا کهیا نامند بکسر کاف فارسی واظهار ها باتحتانی والف
طب تو نبری ه بضم اول وسکون ثانی وخفاء نون وفتح موحده وکسر راء مهمله ف
کدو تلخ وآن شیرینست وتلخ وتلخ آنکه تخمش نیز تلخ باشد تنسیق الهاء تمیق الکاف
تهک ف بفتح اول وها م خاک تمیق الواو تهوف بکسر اول وثانی م تیهو تنسیق
الیاء التحتانی وتمیق الجیم تیج ف بکسر اول وسکون تحتانی وجیم م تخم ارشیم

دینبه تمنیق الراء المهمله تیرف بکسر اول وسکون ثانی م شکوفه غرماع طلع و
نام نوعی انار و نیز نام نرگس تمنیق الزاء المعجمه تبکوزف بکسر اول وسکون ثانی
وضم کاف و واو مجهول کشک دینو تمنیق السین المهمله تین طب و یابس ع بکسر اول وسکون ثانی و کسر نون
وفتح راء مهمله و موحده و تحتانی و الف و موحده ثانی و سین مهمله ف انجیر تر و خشک ط طبخ ا و یابس ع م
رق مجلی منضج مبهی خ در تری پوست باز کرده بعد ازان انچه میل سفیدی داشته
باشد بعد ازان سیاه یابس ریلی ش ده دانه تا بست دانه و از شراب او دو وقیه
ص از یابس بادام یاگردگان یا کنجبین ل در انضاج حب صنوبر یا زبیب و ثمر
تمنیق اللام تنغال بکسر اول وسکون ثانی با نعین معجمه والف ع سکر العشرق
شکرک کوهی تمنیق الواو تیندوه بکسر اول و ثانی مجهول وخفا رنون وضم دال
مهمله وسکون واو هم ثمر درختی ست هندی که چوب او آبنوس ست تمنیق التحتانی
تیندی ه بکسر اول هندی وسکون ثانی و کسر دال مهمله هندی ف ملخ ع جراد تیرتا
ه بکسر اول و ثانی مجهول و کسر راء معجمه م زنجبیل ترقیم الثاء المثلثه و
تنسیق و تمنیق الالف ثانیا یونانی بمثلثه والف و کسر فاء و سکون سین مهمله
وتحتانی م صمغ سداب کوهی طح محرق ق مفرح ش یکدانگ ص لعابات ل
حرف وچهار دانگ وزن آن کیتراد گویند فرفیون تمنیق الراء المهمله تاقب الحجر
ع بمثلثه والف وکسر قاف موحده وسکون لام وفتح حاء مهمله وجیم م بسفایج تامر
ع بکسر میم م لوبیاه دودهی کی پهلی تمنیق السین المهمله بالسقیس یونانی بمثلثه
والف وکسر لام وسکون سین مهمله وکسر قاف وسکون تحتانی وسین مهمله ثانی
م حرف بابلی تامرع بمثلثه والف وکسر میم م بسفایج تمنیق الخاء المعجمه وتمنیق
الراء المهمله تخیرع بفتح اول وکسر خاء معجمه وسکون تحتانی ف کنجاره ه
کهلی تنسیق الدال المهمله وتمنیق التحتانی ندی ع بفتح اول وسکون

۹۹

دال مهمله ف پستان ه چوچی و چچیانخ از حیوان معتدل تنسیق العین المهمله
وتمنیق الموحده ه ثعلب ع بفتح اول وسکون عین مهمله وفتح لام وسکون موحده
ف روباه ه لوکهری ولوتبری تمنیق المیم ثعام ع بفتح اول وثانی والف ف
درمنه اسپند تنسیق الغین المعجمه وتمنیق الراء المهمله ثفاریع بفتح اول
وغین معجمه والف وکسر راء مهمله وسکون تحتانی وراء مهمله ثانی ف دستنبویه ه کچری
تنسیق الفاء وتمنیق النون ثفان بضم اول وفا والف ونون ف تخم
تره تیزک ه هالون تنسیق اللام وتمنیق الجیم ثلج ع بفتح اول وسکون لام
ف برق ه پالاطب ی تمنیق النون ثلثان بضم اول وسکون ثانی باسلثا
والف ونون ع عنب الثعلب تمنیق التحتانی ثلج چینی بفتح اول وسکون ثانی
وکسر جیم وجیم فارسی وسکون تحتانی وکسر نون وسکون تحتانی ثانی ف سنگ
سفید که در سرمه ها بکار می برند طب ی ق مجلی مش دود انگ ص حلاب
سرطان بحری تنسیق المیم وتمنیق الالف ثمرة الطرفاء بفتح اول و
سکون میم وراء مهمله وضم فوقانی وفتح طاء مشدده مهمله وسکون راء مهمله ثانی وفا
والف م جرمانج وعذبه ف گزمازو ه مائین طرحی اگویندب ای ۲ ق قابض
تازه مش دودرم ص دوقوبا تخم کدو ل جوز السرو یا نیموزن پوست انار یا آمله
تمنیق الراء المهمله ثمرة العرعر ع بفتح اول وثانی وراء مهمله وضم فوقانی وفتح
هر دو عین مهمله وسکون هر دو راء مهمله م جوز ابهل ه مهوه بیر ثمرة الکبر ع بسکون
لام وفتح کاف وموحده ف کوزک طرح ۳ گویند ۴ تمنیق القاف ثمرة العلیق
ع بضم عین مهمله وفتح لام وسکون تحتانی وقاف ف توت سه گل طب ای ۳
تمنیق المیم ثمرة الرمان بضم دال مهمله وسکون واو ومیم م مثقل مکی ه گوگل
تمنیق التحتانی ثمرة الشوک المصری ع ف بفتح اول وثانی وفتح راء مهمله وضم فوقانی

وسین معجمه مشدد وسکون واو وکسر کاف وسکون لام وکسر میم ثانی وسکون سر یائی
صاد مهمله وکسر راء مهمله ف گلنار تنسیق الواو وتمیق الشین المعجمه توس
سیرانی بضم اول وسکون واو وکسر سیم وسکون شین معجمه ف پونه کوهی تمیق المیم
ثوم ع بضم اول وسکون ثانی میم ف سیره لسن طرخی ۴ ق مفرح ملطف خ
سبزک دانه ش سه دانه ص ترشی در روغن وگوشت فرجل ثوم بری تمیق الهاء
ثوم المحیة ع بضم اول وسکون ثانی وضم میم وسکون لام وفتح حاء مهمله وتحتانی
مشدد وخفاء هاء مسقوط دیون ف سیر دشتی تنسیق الیاء التحتانی وتمیق اللام ش
ع بکسر اول وسکون تحتانی ولام م نوعی از خرشف ف بید کیاطب ی اش یکثقال الی
بنفشه ل علیق ترقیم الجیم وتنسیق الالف وتمیق الجیم
جاذر هرج ع بجیم والف وسکون واو
وفتح راء وسکون الجیم ف گاوزبره وآن مجر البقر ست ه گای وعن تمیق الباء المهملة جاالنهر
ع بجیم والف وضم راء مهمله وفتح نون مشدد وسکون ها وراء مهمله ثانی جمار النهر وسلق الماغ
ان نبات ست که در آب روید ونیلوفر ماند واندکی از آب پیدا باشد طب ق
قابض ل بطباط جاغرف بجیم والف وفتح غین معجمه م چینه دانه مرغان ع حوصله
جاوشیر بجیم والف وسکون واو وکسر شین معجمه وسکون تحتانی وراء مهمله ف گاوشیر
وآن صمغ درختی ست طرخی ۳ ق مفتح ملطف مدر محلل مغشی خ زعفران
تازه وتر که رود در آب حل شود واول که شاخ برآید سفید باشد وبعد ازان از
خشکی زرد گردد وهنگام گذارش بشیر اندش نیم درم ص مرمامرزل سکنجبین ودرن
وبازد ویکنیم وزن بالین التین باد ووزن صمغ زیتون تمیق الزاء المعجمه
جادر بجیم والف وکسر دال وسکون تحتانی ه گای روهن تمیق السین المهمله
جاسوس بجیم والف وضم سین مهمله وسکون واو وسین مهمله ثانی ع خشخاش زمینی جابکسر

۱۰۱

بجیم والف وفتح میم وسکون کاف وفتح میم ثانی وسکون سین مهمله ثانی وسکون سین مهمله بهیلی جاورس
ع بجیم والف وفتح واو وسکون را مهمله وسین مهمله ف کاورس ه باجراط ای ۲ ق قابض
مجفف ص روغن بام یا شیر یا روغن کنجد یا روغن گاؤل از رخن تمنیق الشین المعجمه جاش
ف تخم کتان تمنیق الکاف جامه غوک ف سبزی که شبیه بابریشم درمیان آب
بهم رسد تمنیق اللام جال ف ع اراک وبجیم فارسی م قسمی از طائر جابی پهل
ه بجیم والف وبکسر تحتانی وفتح موحده فارسی واظهار هام جوز بوا تمنیق النون
جامن بجیم والف وبضم میم وسکون نون م ثمر درخت هندیست سطبر تخم مانند
بانگور سیاه گرد باشد ودرازه وبالیده ه بهلیند اطی ق قابض تمنیق الواو جان ادرد
ف بسکون نون ودال مهمله والف وضم راء مهمله وسکون واو ع تریاق تمنیق الهاء
جاسه ع بجیم والف بکسر میم وفتح سین مهمله وخفاء هام با قلای قبطی ودر مصر بسیار
باشد تمنیق التحتانی جادی ع بجیم والف وبکسر دال مهمله وسکون تحتانی م عفران
جالی ف بجیم والف وکسر لام ع اراک ه درخت پیلوق ملین جابی تیری ه بجیم والف
وبکسر تحتانی وفتح موحده فارسی وفوقانی مشدد وکسر راء مهمله م بسباسه جابی ف
بجیم والف وتحتانی مجهول ه گل چنبیلی وبجیم فارسی خیشش خشکی ست که از جانب خطا
می آرند وآنرا د. آب جوشانیده چون قهوه میخورند وآنرا صالی بصاد مهمله نیز
گویند تمنیق الباء الموحده وتمنیق الجیم یعنی آشامند جبلهنج بکسر اول وسکون موحده
وفتح لام وهاء وسکون نون وکسر جیم ثانی م جبلاهنک جبلهنک ف جبرهنک
وآن ثمر تخم زرد خارست بیخ وی تربد زرد ست وگویند تخم تربد سیاه ست
س نمیدرم تا بکدرم ل خربق تمنیق القاف جبن طب وعتیق ع بضم اول و
ثانی وکسر نون ف پنیر ترو کهنه طب یعنی ترب ای عتیق یعنی کهنه
ج ی ۳ ق تراو مغذی ص عسل یا قند یا نعنع تمنیق النون جبسین ع بکسر

وسکون ثانی وکسر سین مهمله وسکون تحتانی ع جص ف گچ تمنیق الهاء حبه
ف بفتح اول وثانی وخفاء هام رب ترنج وامثال آن تلنسیق وتمنیق الثاء
المثلثه جبیثه ع بفتح اول وکسر ثلثه وسکون تحتانی ومثلثه ثانی ف درخت جوز وخرما
تلنسیق الخاء المعجمه وتمنیق الجیم الفارسی نجم فارسی بفتح اول وسکون
خاء معجمه وجیم فارسی م شب پره کلان که مانند غلیواز می باشد وسرنگون خود را
از درختان آویزد م خوبیوارد ه بربا گرد تمنیق النون جحجن ف بفتح اول وکسر ثانی
وسکون جیم م چاکسر تلنسیق الدال المهمله وتمنیق الموحده جدب
ع بفتح اول وسکون دال مهمله حمار النجد ع ف خرکره تمنیق الراء المهمله جدار
ع بفتح اول وسکون دال مهمله واو والف راء مهمله م زردار وماه فرفین وماه پرین ه
نرلسبی طح ی ۳ ق تریاق ومقوی مفرح دل خ خطائی که بعد از سون بنفسجی نمایدش
نیمدرم تانیم مثقال ص کشنیز خشک ل در تریاق مسهن زرنباد تمنیق التحتانی جد
ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح تحتانی ف بزغاله یعنی جلوان تلنسیق الراء المهمله
وتمنیق الالف جراسیاع بفتح اول وثانی والف وکسر سین مهمله وتحتانی والف ف آلوبالو
جرجیر الماع بکسر سه ر دوجیم وتحتانی وسکون راء مهمله اول وضم راء مهمله ثانی وسکون لام میم والف وهمزه
ع قرة العین ف کرفس آبی تمنیق الموحده جرب ف بضم اول وفتح ثانی م واج تمنیق الفوقانی
جرنوت بفتح اول وسکون ثانی وضم نون وسکون واو ف بادنجان کوتی تمنیق
المثلثه جریث ع بکسر اول وثانی مشدد وسکون تحتانی ف ماراهی تمنیق
الدال المهمله جراد ع بفتح اول وثانی والف ف ملخ ه ٹیڈی طح ی ۲ ق
مدر عرق خ فربه ص خس وخیار تمنیق الواء المهمله جراد البحر ع بسکون لام
وفتح موحده وسکون حاء مهمله وراء مهمله ثانی اریبان در بیان ف ملخ دریائی
جرجرع بکسر سه ر وجیم وسکون هر وراء مهمله ع باقلا جرجیر ع بکسر اول وسکون ثانی

۱۰۳

وکسر جیم ثانی وسکون تحتانی که ترمز او گویند کف عایشه طح ی ۲ گویند ۳ ق
ملطف مهی خ بستانی کم حدت ش دو درم ص کاسنی وکافور خرفه وسرکه ل
خردل بارشاد تمیق القاف جرمانق ع بکسر اول وسکون ثانی ومیم وفتح دال
مهمله والف وفتح نون ف کرم دانه تمیق الکاف جرداسک ف بضم اول آن
وسکون ثانی ودو او ودال مهمله والف وفتح شین مهمله ع سرصره که بهینگر تمیق النون جرداد
ع بفتح اول وسکون ثانی ودال مهمله والف ف موش که چوها تمیق التحتانی
جرجر المصری ع ترمس تنسیق الزاء المعجمه وتمیق الجیم جرمازج ع بکسر اول
وسکون زاء معجمه بامیم والف وفتح زاء معجمه بامیم والف وفتح زاء معجمه ثانی ع تمرة الطرفا
ف گزمازو که مائین تمیق الواء المهمله جزراع بفتح اول وثانی ف گزر وزرک
که گاجر طح ۳ دراق منضج مهی خ زرد شیرین ش ده درم ل شلغم تمیق التحتانی
جزراقلیطی وجزربری بکسر اول وراء مهمله وهمزه وسکون قاف وکسر لام وسکون
تحتانی وکسر طاء مهمله وسکون تحتانی ثانی در لغة اول مع فتح موحده وکسر راء مهمله ثانی
در لغة ثانی م شقاقل ف زردک دشتی تنسیق السین المهمله وتمیق
الفوقانی جست که بفتح اول وسکون سین مهمله ف توتیا تمیق الدال المهمله
جساد بکسر وفتح اول وثانی ف زعفران تمیق الواو جسبرودار وبفتح اول وسکون
ثانی وفتح راء مهمله وسکون واو باو دال مهمله والف وضم راء مهمله ثانی م خولنجان
ف خسروار که کلیجن تمیق التحتانی جسمی بفتح اول وسکون ثانی وکسر میم ف
خسک که گوکهرو تنسیق وتمیق الشین المعجمه جش ف بفتح اول وسکون
شین معجمه مهره ایست کبود که از آبگینه سازند ودر نگین نشیمه بزنگ فیروزه باشد
تنسیق وتمیق الصاد المهمله جصمغ بفتح اول ف گج طب ی
ف قابض مخفف خ سفید براق ص شوربای جرب ل طین قیمولیا تنسیق الصین

از تا بریک ربع
وزن آن
سنگدان
عصاره آبله و
نعیست از
عطر دلرنشک
در ادک ترکیب
کنند والوریان
گوید که فرمای
نبز نوشیده

۱۰۴

المهمله وتمیق الهاء جده بضم اول وسکون عین مهمله وفتح دال مهمله ونون
کبیر وصغیر کبیر دیراف عنبر بید گویند وصغیر دیرا شبیه ازی گل اربه خوانند وگویند
نوعی از درمنه است طح ۳ ی ۲ ق منضج ملطف مدر محلل قاطع دیدان خ
شامی صغیر تازه سفید مش یکدرم ص حماما یا کز برهل در اخراج دود وادرار
حیض پوست جوف انار تریا فوه مخ جبلی باشیم تنسیق الغین المعجمه وتمیق
الفوقانی جغرات بضم اول وسکون غین معجمه باراء مهمله والف م ماست
ع صقراط جغشت ف بفتح اول وثانی وسکون شین معجمه تره ایست که در
ابتدای بهار بیشتر از جمیع سبزیها بروید وآنرا باسرکه نانخورش سازند تمیق الطاء
جغاره ف بفتح اول وثانی والف وفتح راء مهمله وخفاء هم بیخ جغشت ونان
ارزن تنسیق الفا وتمیق الطاء المهمله جفت البلوط ف پوست
بیرون بلوط طب ی ا تمیق الکاف جفتک ف بضم اول وسکون
ثانی وفتح فوقانی مرغیست که در آن یک بال دارد وبر جانب دیگر قلابه مانند آن
نیز یک بال دارد وبر جانب دیگر حلقه هرگاه که فرود آیند از همدیگر جدا شوند وبجرا
مشغول گردند وهمین که میل پرواز کنند در آن قلابه را در حلقه بال یاد اندازند و
باهم پرواز کنند ع لاینفک وبفتح اول فارسی وثانی طائر کاردانک تمیق التحتا
جفری ع بفتح وضم اول وسکون وکسر اء مهمله ف کفری یعنی پوست بیخ مارباده
خ خوشبول سورنجان پوست انار ونمونرن گلسرخ بادنبال خود ویا جلنا
تنسیق الکاف الفارسی وتمیق الهاء بگیرنه ف بفتح اول وکاف فارسی و
سکون راء مهمله وفتح نون وخفاء هانوعی از کلنگ که کوچک تر باشد وبر گردنش
پرهای سیاه باشد که آنرا مردم بر سر گذارند تنسیق اللام وتمیق الالف
جلتا تاسریانی بفتح اول وسکون لام بامیم والف وثلثه ف خیار بالنگ یعنی

مسکر العشق
نوعی از شک
است که در خشت
عسر فرود آید
چنانکه بر انگیزی
بر نوعی دلاز فار
ونوعی او را از
مجلز باطراف
برند بهار هانند
ملند مشابه

بادرنگ تمیق الموحده ه جلبوب بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده وسکون
واو وم لبلاب تمیق الدال المهمله جلدع بکسر اول وسکون ثانی ودال مهمله
ف پوست ه چمڑا طمع ق مغربی ومدبل وحابس ومخ پوست حیوان شیر خوار
ص سرکه وکرم دار ول اکارع جلیدع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف
برف ه پالاطابی تمیق الراء المهمله جلنارع بضم اول ف گلنار ول آن
گل انار بری ست که بغیر ازان ثمری ندارد ب ای ۲ گویند ب ی ۳ ق قابض
خ فارسی یا مصری ش از یک نیم درم تا دو درم ص کثیر ابار وغن بادام ل جهت بلیط
یا شکوفه انار یا طراثیث تمیق الزاء المعجمه جلوز بکسر اول وفتح ثانی وسکون واو
ف چلغوزه وگویند بادام کوهی طح اگویند ۲ ی ۱ تمیق الشین المعجمه جلبیش
ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وشین معجمه ف حلبه تمیق القاف جلباق
ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون معجمه یا موحده والف ف بیخ حماض بری تمیق الکاف
جلونک ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وفتح نون درخت خربوزه تمیق الکاف
الفارسی جلبینگ بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده ویا وسکون نون وکاف فارسی
م ببانهک جلنگ ف بکسر اول وثانی وسکون م م جلونک وملخ آبی که بهندی جهینگ گویند
تمیق اللام جلع بضم اول وسکون لام ف گل ه کلال وبفتح اول در هندی
آب را گویند وبفارسی پرنده ایست که چون بلبل خوش آواز بود تمیق النون
جلجلان ع بضم اول وسکون ثانی وضم جیم ثانی ولام والف ونون ف کشنیز خشک
جلنجبین ع بضم اول وفتح ثانی وسکون نون وضم جیم وکسر موحده وسکون تحتانی
ف گلقند عسلی جلنسری بضم اول وسکون ثانی وفتح نون ان وسکون سین مهمله و
کسر راء مهمله وسکون تحتانی ف بدروچینی جلیلان بضم اول وسکون ثانی با تحتانی
والف ونون ف غله ایست مانند عدس بشیرازی مشو خوانند تمیق الواو جلبوف

بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده وسکون واو سبزیست شبیه به نعناع جلبدار او
بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ودال مهمله والف وضم راء مهمله وادام سرس
تمنیق الهاء جلفوزه ف بکسر اول فارسی نارسی وسکون ثانی وضم غین معجمه وسکون واو
وفتح زاء معجمه وهام حب الصنوبر الکباره جلکوجا بفتح اول وسکون ثانی وضم کاف فارسی
وواو مجهول باجیم ثانی والف جلنجوجه سریانی بفتح اول وثانی وسکون نون وضم
جیم ثانی وسکون واو مجهول وفتح جیم ثالث وهاء پودنه بری جله بضم اول وفتح
ثانی مشدد وخفار هانباتی ست که درجای نمناک وید سپیده دام وکدر وتخم و
برگ ندارد دم سمار دغ ه کهنه رس وبفتح اول سرگین شتر تمنیق التحتانی جلجلا
حبشی بضم اول وسکون ثانی وضم جیم ثانی باللام ثانی والف وضم نون وسکون
لام ثالث وفتح حاء مهمله وموحده وکسر شین معجمه وسکون تحتانی ف خشخاش سیاه
وگویند پودنه بری ست جلجلان مصری ف بنیش تنسیق المیم وتمنیق الفوقانی
بست ف بفتح اول ومیم وسکون سین مهمله وفوقانی سنگی بنفسج ست گویند که
چون در ظرف جست هر چند شراب خورند مست نکنند واگر پاره جست در قدح
اندازند همین عمل کند وچون در زیر بالین نهند خواب نیکو بیند تمنیق الدال المهمله
جمدع بفتح اول وثانی وسکون دال مهمله فتح ه پالا تمنیق الواء المهمله جمار النخل
ع بفتح اول وثانی مشدد والف وضم راء مهمله وفتح نون مشدد وسکون ها وراء
مهمله ثانی م جار النهر ل بطباط جماع بفتح اول وثانی مشدد والف ف مغز سیر
درخت خرما که پنیر خرما گویند طب ی اگویند ب ۲ خ تر وشیرین ص خرما
یا عسل ل حماض تمنیق الواء المعجمه جمیز ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی
وزاء معجمه ف انجیر اوم ه گولر تمنیق اللام جمل ع بفتح اول وثانی وسکون لام
ف شتر ه اونث تمنیق المیم جمجم بربری بکسر هر دو جیم وسکون هر دو میم

۱۰۷

ف بنجی ست که بشتقاقل ماند در رنگ و گویند که از زمین نه خیزد و از آبسون زرین از زمین برکشند و در میان اهل چین عزیز دارند و گویند که از ترکستان خیزد و معروف بود و بیجم خطائی جمسفرم بفتح اول و ثانی و سکون سین مهمله و فتح فاء را مهمله و سکون میم ف بحان سلیمانی مرزنجوش یا نیموزن شیح و نیموزن عنب الثعلب تمنیق النون جمان بضم اول و ثانی و الف و نون م جلبیدار و تمنیق الواو جمبلف بفتح اول و سکون ثانی و فتح ها و ضم لام و سکون واو م سنگ تمنیق الهاء جمعیره بفتح اول و سکون ثانی و کسر عین مهمله و سکون تحتانی و فتح راء مهمله و خفار ها ه بهنگرا تمنیق القاف جمدچینی بفتح اول ع ثلیخ چینی جمهوری ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم ها و سکون واو و کسر راء مهمله و تحتانی ف شراب مثلث تنسیق النون و تمنیق الالف جنطیانا یونانی بکسر اول و سکون نون و کسر طاء مهمله باتحتانی و الف و نون و الف ثانی بیخ سرخ رنگ ست باندازه انگشت مطبر تر و بنام بادشاهی خوانند که او را شاه جنطی گفتندی لا پکان بید و گویند درخت سنبل رومی طح ۲ ی ۳ ق مفتح مفرح خ رومی بسیار سرخ خوشبوش نیم مثقال ص اسقولوقندریون یا ریوند ل یک نیموزن اسارون و نیموزن پوست بیخ کبر و زراوند مدحرج تمنیق الدال المهمله جنبید بضم اول و سکون ثانی و کسر موحده و سکون تحتانی م صعتر تمنیق الواء المهمله جناح الشرع بفتح اول و ثانی و الف و ضم خاء معجمه و فتح نون مشدده و سکون سین مهمله م باقلا جنجر بضم اول و سکون ثانی و ضم جیم ثانی ف کشته جندبیدستر بضم اول و سکون ثانی و دال مهمله و کسر موحده و تحتانی مجهول و فتح دال مهمله ثانی و سکون سین مهمله و فتح ثانی ف آش بچگان و کندبیدستر و خسایه حیوان بحری و خصیه سگ آبی لا خایه او و بلا و طح ی ۳ گویند ۲ ق ملطف مدرج هر دو خصیه بهم کشیده و رفیق پوست که بعد از شکستن بر نگش سیاه بود و در رفت

دسبکی میانه بلشد و بولیش قوی و جریش مرتفع نشسته باشد ش ربعدرم تا یکدرم و گویند
یکمثقال یا دومثقال ل وج و یکنیم وزن فلفل تمیق الشین المعجمه جناح ایش
ع بفتح اول و ثانی و الف و ضم حاء مهمله و سکون لام و کسر موحده و سکون تحتانی
م کنکر تمیق القاف جناح مطلق ع بضم میم و سکون طاء مهمله و فتح لام و سکون
قاف م راسن و گویند پیلگوش تمیق اللام جندل ع بفتح اول و سکون ثانی
و فتح دال مهمله ف سنگ و بفتح اول فارسی ف صندل سفید تمیق النون جنبر
ع بضم اول و سکون ثانی و کسر موحده و ضم دال مهمله و راء مهمله مشدد و میم مشدد و الف
و نون ف گل انار بستانی بشیرازی کلک انار گویند ه انار کی کلی جنطان بکسر اول
و سکون ثانی م جنطیانا تمیق الهاء جنظوریه بفتح اول و سکون ثانی و ضم طاء
مهمله و سکون واو و کسر راء مهمله و فتح تحتانی ام هام قنطوریون تمیق الواو و
تمیق الالف ه جوانسا بفتح اول و واو و الف و خاء بنون با سین مهمله و الف
ثانی ف خارشتر جوزبوا بفتح اول و سکون ثانی و زاء معجمه و فتح موحده و واو و الف
ه جای پهل طح ی ق ملطف و مقوی کبد و معده خ سرخی فربه ش دو درم
ص عسل با صندل ل یک نیموزن سنبل الطیب یا لبسباسه تمیق الموحده
جوز الطیب ع بکسر طاء مهمله و سکون تحتانی م جوزبوا تمیق الفوقانی جوت
بضم اول ثانی مجهول و فوقانی کهونگی تمیق الجیم جوز المرخ بفتح اول و سکون
ثانی و ضم زاء معجمه و سکون لام و فتح میم و راء مهمله و سکون میم م حب کاکنج تمیق الراء
المهمله جواره بضم اول و فتح ثانی و الف و راء مهمله غلا لیست ف زرج جواکهار
ه بفتح اول و ثانی و الف و فتح کاف و اظهار ها و الف ثانی م نطرون تمیق الزاء
المعجمه جوزع بفتح اول و سکون ثانی و زاء معجمه ف گردکان ه اخروط طح
گویند ح ی ق محلل مبهی خ رقیق پوست ش پنجدرم تا ده درم ص سنجبین

۱۰۹

بیاشامانند
مقدار ده درم
یا پنجدرم با
بول برای
واین
سنبل
بهمان
مانی نیز گویند
سنبل الطیب
همان

یاخشخاش باسرکه وسماق ل جنة الخضرا یا جوز هندی یا فندق تمیق العتق المهمل
جوز الرفع بفتح راء مهمله مشدد وسکون فا وعین مهمله م جوز القی تمیق الکاف
جوبنیک ف بضم اول وثانی مجهول وکسر موحده وسکون تحتانی وفتح نون م طائر کاوو انکه جولاهک
بضم اول وثانی مجهول ولام الف وفتح ها م عنکبوت تمیق اللام جوز الاهبل ع بسکون لام وفتح همزه
وسکون موحده وفتح ها وسکون لام ثانی ه هوبیر جوز الکوثل بفتح کاف وسکون واو وفتح مثلثه م جوز القی
جوز ناثل ع بمیم والف وکسر مثلثه ف کوز کیاه وهانوره طب ی ۴ ق مخدر مغشی مقی منوم
ش یک قیراط ص قطن جول ف بضم اول وسکون ثانی م غلیواز تمیق الجم
جوز جندم بکسر زاء معجمه وفتح جیم وسکون نون وضم دال وسکون میم همین نام مشهور است
ف بشیر از کل گندم گویند تمیق النون جودان بفتح اول وسکون ثانی با دال
مهمله والف نوعی از کافر وچینه دان مرغان ونوعی از بید ونوعی از انار که دانه
آن خشک بی آب ست تمیق لواو جوز السرو ع بفتح سین مهمله مشدد وسکون راء
مهمله وواو مجهول ف کوز کلاغ کشنر وخت سرو ست طح ای ۳ گویند ب ی
ق قابض وحابس خون خ تازه ش نیمدرم تا نیم مثقال ص عسل ل نیموزن
پوست انار با نیمه زن کوز ونیموزن اهبل ونیموزن گزنازک تمیق الهاء جودانه
ف بفتح اول وسکون ثانی با دال مهمله والف وفتح نون م جودان جوز الرته
بکسر راء مهمله مشدد وفتح فوقانی مشدده ه ریتها جولاه ف بضم اول وثانی مجهول
ولام الف وانهار ها جولاهه بفتح لام والف وها اول وجوله ف بفتح لام وانهار ها
وجولهه بفتح لام وها اول م عنکبوت تمیق التحتانی جوز القی ع بضم نا ومعجمه
وسکون لام وفتح قاف ومین هیل طح ی ۲ ق مقی ش یکدرم تا دودرم در
قالج ولقوه ص رب السوس وصمغ نال خربق سفید جوبند بکسر ها وسکون نون
وکسر دال مهمله ف نارگیل ه ناریل کهوبرا تنسیق الهاء تمیق الواو جباوه

بفتح اول واظهار ها والف وضم همزه وسکون واو ع طرفاف گز تمیق الهاء جوانه
ف بضم اول وثانی وسکون واو با دال مهمله والف وفتح وخفا رها درختی ست که
صمغ آنرا کلک وکوزه گویند وجرب دوه تنسیق التحتانی وتمیق الالف جینیا بکسر
اول وسکون تحتانی وخفا نون وموحده والف ف زرد چوبه تنسیق الکاف
چیوک بکسر اول وسکون تحتانی وفتح واو وسکون کاف ه گهونگچی تمیق اللام
چیپال ه بفتح اول وسکون ثانی باموحدهٔ فارسی والف ولام ع حب السلاطین
م جمال گوته تمیق الواو چبلدار وبکسر اول وسکون ثانی ولام با دال مهمله والف
وضم راء مهمله م سرخس ل در اخراج دود برنگ کابلی یا قنبیل تمیق الهاء جیوه ف
بکسر اول وسکون ثانی وفتح واو وخفا رها م سیماب ترقیم الجیم الفارسی وتمیق
الموحده چاب ه بجیم فارسی والف وبی الف نیز وموحده م دوای هندیست
که کج بلیل ثمر اوست تمیق الکاف چاوک ف بجیم فارسی والف وفتح واو م
چکاوک ه طایر جل تمیق اللام چال ف بسکون لام قسمی از مرغ چرزع خارای
ه نوعی از ماهی تمیق النون چارکون بسکون راء مهمله وضم کاف فارسی وسکون
واو ونون م بربازه جای تیری تمیق الواو چاکسوه بسکون کاف وضم سین
مهمله وسکون واو م تشمیر ج ف چشمک تمیق التحتانی چای تحتانی مجهول آ
حشیش خسکی ست که از جانب خطای آرند ودر آب جوشانیده چون قهوه
می آشامند وآنرا صای بصاد مهمله نیز گویند تنسیق الموحده الفارسی وتمیق
المعجمه چیش ف بفتح اول فارسی وضم ثانی فارسی م برنگ سالهٔ تمیق الغین المعجمه
چیاغ ف بکسر اول فارسی با فارسی ثانی والف م نوعی از ماهی تمیق الکاف
چیوک ف بضم اول فارسی وثانی وسکون واو وکاف م گنجشک تنسیق التاء
الفوقانی وتمیق الالف چتیچره ه بکسر اول فارسی وسکون فوقانی هندی

111

جنگلی دارد نش
دیرو نش سفید
باشد قابض
خشک کرد
دست در
دو درجه وگویند
گرم ست
در اول در
خشک ست

بدل ان دو اول دوم

و فتح جیم فارسی ثانی و راء مهمله و الف ف خاروار گونه تمیق الجیم الفارسی و تمیق
الالف چچینڈاه بفتح اول و کسر جیم فارسی ثانی و تحتانی مجهول و خفا و نون و دال
هندی ف سایه پرور ثمر تره هندلیست بدرازی خیار و راز و بهیات توری ناخوا
ست تمیق الواو چچوف بضم اول و ثانی فارسی لیستان تلنسیق الدال المهمله
و تمیق الالف ف چدرو البضم اول فارسی و دال مهمله و سکون راء مهمله با و الف
م رستنی صبر تلنسیق الواء المهمله و تمیق الالف چراتیاه بکسر اول فارسی با را
مهمله و الف و کسر تحتانی و فوقانی ع قصب النهریر و تمیق الدال المهمله
چرغندف باول فارسی رودهٔ گوسپند را گویند که بگوشت پر کرده باشند م کلمه تمیق الواء المعجمه
ف چرز بفتح اول فارسی و سکون ثانی و زاء معجمه م خبار تمیق الشین المعجمه ف
رش بفتح اول فارسی و سکون ثانی و کسر موحده و سکون شین معجمه م چرب
تمیق العین المعجمه چرخ ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی م جانور پرنده شکاری
تمیق الکاف چریک ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح موحده و سکون کاف
م شیر و قیماغ ه ملائی چرک ف بفتح اول و سکون ثانی مرغیست که خود را از درخت
آویزد چروک ف بفتح اول فارسی و ضم ثانی و سکون واو م نان تمیق اللام چ
ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و ضم فین معجمه و سکون واو ع لسان الحمل تمیق العاء
چربوف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو م جربش تمیق الهاء
چراغلف بفتح اول فارسی و ثانی و الف و سکون غین معجمه و فتح لام م کرم شب تاب
چرغنده ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح فین معجمه و سکون نون و فتح دال
مهمله رودهٔ گوسفند که بگوشت پر کرده باشند م کلمه تمیق التحتانی چرنجی ه بکسر
اول فارسی و فتح ثانی و سکون واو و خفا و نون و کسر جیم ف نقل خواه تمیق
الزاء المعجمه و تمیق الدال المهمله ف چزد بفتح اول فارسی و سکون ثانی جانور

مانند بلخ که در تابستان وهوای گرم بیشتر بهم رسد بسیار فریاد کند تمیق الزاء المعجمه
چرف بفتح اول فارسی وسکون ثانی م میمون تمیق الغین المعجمه چرغ ف بکسر اول
فارسی وسکون ثانی م خارپشت تمیق الکاف چرک ف بکسر اول فارسی وسکون
ثانی م خارپشت تلنسیق وتمیق الشین المعجمه چشم گاو میش ف بفتح اول
فارسی باکاف فارسی م بابونه تمیق الکاف چشمک ف بفتح اول فارسی وسکون شین
معجمه وفتح میم م چاکسو تمیق المیم چشام ف بفتح اول فارسی وثانی والف وشین
ف م باضافت خاء معجمه مابین شین والف وچشم ف بحذف الف م چاکسو تمیق الواو
چشم گاو ف بفتح اول فارسی باکاف فارسی م بابونه تلنسیق الغین المعجمه وتمیق
الدال المهمله چغد ف بضم اول فارسی وسکون ثانی پرنده ایست شبهه معروف که بخو
اشتهار دارد وه الو تمیق الراء المهمله چغندر ف بضم اول فارسی وفتح ثانی وسکون
نون وفتح دال مهمله سلق تمیق الزاء المعجمه چغر بفتح اول فارسی وثانی وسکون
زاء معجمه م گیاه ژاژ غوک تمیق الغین المعجمه چغ ف بضم اول فارسی حیوانیست
تمیق الکاف چغک ف بضم اول فارسی وثانی وچغوک ف بفتح اول وثانی و
سکون واو م کنجشک تمیق الهاء چغر داره ف بفتح اول فارسی وثانی وسکون
زاء معجمه بادال مهمله والف وفتح راء مهمله م جل بک ه سوال چغنه ف بضم اول فارسی
وسکون ثانی وفتح نون م کنجشک تلنسیق وتمیق الکاف چکاوک ف بفتح
اول فارسی وکاف والف وفتح واو وسکون کاف ثانی پرنده ایست از کنجشک
اندک بزرگتر وخوش آواز بود م جل ع قبره وابو الملیح ودرعراق هندباسند و
سرخاب را نیز گویند تمیق الهاء چکاسه ف بفتح اول فارسی وثانی والف وفتح
سین مهمله م خارپشت تمیق التحتانی چکری ف بضم اول فارسی وسکون ثانی
وکسر راء مهمله نوعی از زیواش تلنسیق الکاف الفارسی وتمیق الراء المهمله

چکندر ف بضم اول وکاف فارسی وسکون نون وفتح دال مهمله م چقندر تمیق الکاف
چکک ف بفتح اول فارسی وضم ثانی فارسی م کنجشک وچکوک ف بفتح اول فارسی
وضم ثانی فارسی وواو مجهول م کنجشک وخرفه را نیز گویند تمیق التحتانی چکانی ف
بفتح اول فارسی وثانی مشدد فارسی والف وکسر نون م نوعی از خربزه تنسیق
اللام وتمیق الکاف چلانک ف بضم اول فارسی ولام والف وفتح نون م
سرگین کردانک ع جعل تمیق الهاء چلیاسه ف بکسر اول فارسی وسکون ثانی
باموحده فارسی والف وفتح شین مهمله وخفاء ها وسپکلی وچپکلی چلچله ف بکسر اول فارسی و
سکون ثانی وکسر جیم فارسی ثانی وفتح لام م لاک پشت ه کچهوا تنسیق المیم و
تنسیق الشین المعجمه چمش ف بفتح اول فارسی وسکون میم م چاکسو تمیق المیم
چم ف بضم اول فارسی وسکون میم م تلف انگور که تنیده آن گرفته باشند وبکسر اول
چاکسو م جل بک ه سوال تنسیق النون وتمیق الالف چنبا ه بفتح اول
فارسی وسکون نون وموحده فارسی شجر هندیست که گلش خوشبو بوی صنوبر است
وتخمی هست درمیان گل وی که مسکر است طب نی تمیق الفوقانی چندر کانت
ه بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح دال مهمله وسکون راء مهمله وکاف والف وخفاء
نون ثانی ع حجر القمر تمیق الراء المهمله چندر ف بضم اول فارسی وسکون ثانی و
فتح دال مهمله م چقندر چنگار ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وکاف فارسی والف
م خرچنگ ع سرطان تمیق الکاف چنبک ف بضم اول فارسی وسکون ثانی
وفتح موحده م سنگ آهن رباع مقناطیس تمیق النون چندن ه بفتح اول فارسی
وسکون ثانی وفتح دال مهمله وسکون لام ع صندل سفید چنگلاهی ف بفتح اول
فارسی وسکون ثانی وکاف فارسی بالام والف وکسر ها وسکون تحتانی م غلیواج
تنسیق الواو وتمیق الالف چوره باف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح راء

فارسی وخفار ها وضم راء مهمله با موحده والف وچوزه لواف بضم لام با واو م علیوا از
تمنیق الواء المهملة چونخوارف بضم اول فارسی وثانی مجهول وسکون موحده
وضم خاء معجمه واو معدوله والف وراء مهمله بلوک ع ارضه چورپورف بضم موحده فارسی
وواو مجهول ثانی وچورف بضم اول فارسی وثانی مجهول م تدرو تمنیق الکاف
چوک ه بضم اول فارسی وسکون ثانی وکاف ع حماض نودر فارسی جانوریست که
خودرا از شاخ درخت آویزد وحق حق میگوید تا زمانیکه قطرهٔ خون از حلق او بچکد ومعنی
آلت تناسل هم آمده وبواو مجهول ع اشنان چولک ف بضم اول فارسی وسکون ثانی
وفتح کاف م طائر یوم تمنیق النون چوبین ف بضم اول فارسی وثانی مجهول وکسر
موحده وسکون تحتانی م طائر کاردانک تمنیق الهاء چوبانه ف سنجدع بغیرا
چوبنیه ف بضم اول فارسی وثانی مجهول وکسر موحده وسکون تحتانی وفتح نون و
خفار ها م چوبین تمنیق التحتانی چولائی ه بفتح اول فارسی وسکون ثانی باللام والف ۱۱۵
وکسر همزه وتحتانی ف سبزی مشهور هندیست که تانخورش سازند تنسیق الهاء وتمنیق
الالف چهرا ه بفتح اول فارسی واظهار ها وکسر راء مهمله وسکون تحتانی با راء مهمله
والف م اشنه تمنیق الدال المهملة خمیر کنده بکسر اول فارسی م اظهار ها وسکون تحتانی
وراء مهمله دوای هندیست که قسم ثانی او که سفیدست ه بداری کند گویند تمنیق الواء
المهملة چهره بفتح اول وفارسی واظهار ها وثانی وسکون ارمهملة ع سنبل الطیب تمنیق التحتانی
چمنا ماشی ه بفتح اول فارسی واظهار ها وفوقانی هندی والف ومیم والف ثانی وخفار نون و
سین مهمله وتحتانی م سنبل تنسیق التحتانی وتمنیق الالف چیتاه بکسر اول فارسی
وسکون تحتانی با فوقانی والف م خیطرح تمنیق الهاء چیده ه بکسر اول فارسی وسکون
وفتح دال هندی وهاء هندی م صنوبر صغار توقیم الحاء المهملة وتنسیق
وتمنیق الالف حاشا یونانی بجاء مهمله والف وشین معجمه والف ثانی نوعی از پودنه

یودنه گویی و گویند برگ سپندان دشتی طح ی ۳ گویند ۲ ق ملطف مفتح
محلل مقطع خ تازه و ترش تا دو درم ص لغناع باطبا شیرل حالوما سریانی بضم
لام و سکون واو و با بیم م شنکار تمیق الجیم حاج ع بجار مهمله و الف ف خارست
که تر بجبین ازان حاصل میشود تمیق الواء المهمله حافر الحماع ف سم خرحافر
ع بجار مهمله و الف و کسر قاف سم ه کهرطب ی ق مجفف خ از حیوانیکه منجورند
ص روغن ل قرن حافر المهرع بفتح میم و سکون ها م سونجان و لعبت بربری
ل سیسالیوس تمیق الشین المعجمه حافر حمار الوحش ع ف سم گورخر تمیق
اللام حافظ الاطفال و حافظ النحل ع م فرنیون تمیق النون حافر البردون
ع ف سم خچر تمیق الموحده و تمیق الالف حبا قاسریانی بفتح اول و سوحده
و الف و قاف و الف ثانی م جند قوقی حب النرسا بضم نون قانی و سکون راء مهمله
با شین معجمه ف تخم ترشبنک ه چوکه کبیچ حبة الخضراع بفتح خاء معجمه و سکون ضاد
معجمه با راء مهمله م تمر و خرست بطرفون و بن طح ی ۲ گویند ۳ گویند ۴ ق مدر
بهی خ بزرگ سبز تازه ص کثیرال مغز لسته و مغز بادام حبة السوداع بفتح اول
و ثانی مشدد و ضم نون قانی و فتح سین مهمله مشدد و سکون واو و با دال مهمله ف
سیاه دانه حب جلجلا بفتح جار مهمله و سکون نون و فتح کاف با لام و الف م حب السمن
حبق القناع بفتح اول و سکون ثانی و ضم قاف و سکون لام و فتح فا و نون قانی
م مرزنگوش حبق القناع بفتح فا و نون ف رو باه تریک حبق الماوع با میم
مفتوحه و الف ممدوده ف پودینه آبی تمیق الموحده حب الزبیب ع
بفتح زا و سجمه و کسر موحده و سکون تحتانی ف تخم مویزه دا کده کبیچ طب ای ۲
بتن پنجدرم ص کثیر اخب المحلب ع بکسر میم و سکون حا مهمله و فتح لام ف
بیوندمریم ه کهیلا طح ی ۲ گویند مع گویند ب ل مغز بادام تلخ تمیق الفوفل

حب القلت ع بکسر قاف وسکون لام ف ماش هندی که کلتی و گویند بنواول
تخم بلبوس تمیق الجیم حب الکاکنج ع ف عروس دریده طب مع
گویند ب ی ا گویند ۳ خ بزرگ سرخ کوهی یا بستانی ص ورق گل سرخ
ل عنب الثعلب تمیق الحاء المهملة حق التمساح ع بکسر قاف وسکون میم وسین مهمله و الف
ف یهودینه ای تمیق الخاء المعجمه حب البطیخ ع ف تخم خربوزه ل شویز یا حب صنوبر حق الشیوخ ف
مرر شک تمیق الدال المهملة حب الرشاد ع بفتح راء مهمله مشدد و شین معجمه و الف و دال مهمله ف تخم ترهٔ تیز طرخ ی ۱۳
ق مفتح ملطف مقطع مسهل بلغم و مرهٔ صفرا خ بابلی نوشادر و مثقال ص شکر ل
جرجیر و خردل و تخم ترب و در رضماد عرق النسا تیطرج حب الفقد ع بفتح فا و قاف و سکون دال مهمله
ف تخم پنجنگشت حب الیهود ع بفتح تحتانی و ضم ها و سکون واو و دم حب کاکنج تمیق
الراء المهملة حب الصنوبر ع فارع بفتح صاد مهمله مشدد و نون و سکون واو
و فتح موحده ثانی و کسر او مهمله و صاد مهمله ثانی باغین معجمه و الف و راء مهمله ثانی ف ۱۱۷
تخم کاج و تاژوه جنده کزبیج طرخ ی ۲ حب الصنوبر بکنبارع بکسر کاف و فتح با
موحده و الف ف چلغوزه که چلگوجا و نوجا طرخ دا گویند ۲ گویند مع حب ب
ق بهی مش ۳ درم تا پنجدرم ص با قند خوردن ل حب محلب یا مقشر یا نیموزن
بادام مقشر یا مغز تخم خربزه یا مغز جوز هندی یا مغز بادام کوهی یا حب صنوبر صغار
حب العرعر ع بفتح هر دو عین مهمله و سکون هر دو راء مهمله ف تخم دبل که هوه بیر
حب العصفر ع بفتح عین مهمله و سکون صاد مهمله و فتح فا و سکون راء مهمله ف سکدانه حب القارع
بغین معجمه و الف و راء مهمله مشدد و بین تاء مثناه فوقانی ست طرخ ی ۳ ل حب محلب یا مغز بادام تمیق الق
ع بسکون لام و فتح موحده و قاف ف بابونه تمیق الزاء المعجمه حب الغرز ع
بفتح عین مهمله و کسر او معجمه و سکون تحتانی و زاء معجمه ثانی ص حب الزلم ف تخم کنکر حب لوز ا
بفتح واو و سکون زاء معجمه شد ع لسان العصافیر تمیق السین المهملة حب الاس

ع بکسر همزه وسین مهمله ف تخم مورد طب ی ۲ خ بستانی قریب سیده تازه بهن
سه درم تا پنجدرم ص صمغ عربی ل آب ورق ان یاصعتر حب الابر بارسی ع
بفتح همزه وسکون نون وفتح موحده وسکون راء مهمله بموحده ثانی والف وکسر راء
مهمله ثانی وسکون تحتانی وسین مهمله ف زرشک حب البرباس ع بکسر اول مهمله مشدد
وسکون تحتانی باموحده ثانی والف ف تخم ریباس طب ی خ تازه ل حاضر
بستانی تمیق الطاء المهمله حب الضراط ع بکسر ضاد معجمه مشدد وبا راء مهمله والف
وطاء مهمله م مست ودماریون تمیق العین المهمله حب الخروع ع بکسر خاء معجمه
وسکون راء مهمله وفتح واو وسکون عین مهمله ف تخم بیدانجیر ۲ ازندی طح ش ۲ دانه مقشر
مغز پسته ونیموزن تخم تربز ونیموزن مغز چلغوزه حب القرع ع بفتح قاف وسکون
راء مهمله ف تخم گدو طب ۲ خ ماخوذ از کدوی که باب شیرین پرورش
یافته باشد ش تکه درم ص تخم کرفس ل کثیرا بامغز تخم هندوانه تمیق القاف
حب العلیق ع ف تخم توت سه گل ط خام وروغن او ب ی ۳ جبق ع بفتح
اول وثانی وسکون قاف ف پونه تمیق الکاف حب الملوک ع م ماهوانه جا الگوه تمیق
اللام حب الآس ع بفتح همزه وسکون مثلثه ولام ف گزمازج حب السفرجل ع
بفتح سین مهمله وفاء وسکون راء مهمله وفتح جیم ف بهدانه کبی بیخ طب د
۲ خ ماخوذ از به ترش ش دودرم ص قندل بزرقطونا حب القلقل ع بکسر اول
قاف وسکون هر ولام ف تخم انار دشتی طح د ۲ گویند ی ق مرطب ش
دودرم ص مسهل یا قندل مغاث وحب الصنوبر تودری سفید وچهار دانگ
وزن آن مغز تخم خیارین ونیموزن آن بهل دگویند نارجیل حب النیل ع بکسر نون
وسکون تحتانی ولام ه تخم کنکوا وکواددی طح ی ۲ گویند ۳ گویند ق مسهل
بلغم خ بستانی ش ازنیدرم تا یکدرم دو درمطبوخ تا هفتدرم ص مالیدن

بروغن گردگان با لیله و گویند ورد ل سقمونیا و اسهال م دفع سوداء نیمون زن پنج نخل
و دانگ و زن آن حجر ارمنی حب الفیل ع بفتح اول و ثانی و ضم قاف و سکون لام
و کسر فا و سکون تحتانی م مرزنگوش تمیق الجیم حب النزلم ع بفتح زاء معجمه
مشدد و لام و سکون سیم ف تخم کنکر طح ۳ د ا گویند ح ی ق بهی خ تازه
ش دو درم ص شکر ل خشخاش و ناجیل و شقاقل حب المنشم بضم میم و سکون
نون و کسر شین معجمه ف نقل خواجه حب النوم ع بفتح نون مشدد و سکون واو م
حب الکنج تمیق النون حب البان ع بموحده و الف و نون ف پسته غالیه
ه بکائن کبیج طح ی ۲ گویند ۳ گویند د ا خ بزرگ خوشبوی ش دو درم
ل قشور سلیخه یا فوه دوده یک آن بسباسه حب البلسان ع بسکون لام و فتح موحده
ثانی و لام و سین مهمله و الف و نون ف تخم بلسان طح ی ۲ ق ملطف و مقوی
کبد و مجلی و مسانخ قروح ش دو درم کشیراز ع عود بلسان دیگر زن سلیخه دوده یک
آن بسباسه حب الراس ع براء مهمله مشدد و الف و فتح سین مهمله م رابع و حب الریان
ع بضم راء مهمله مشدد و بامیم مشدد و الف ف انار دانه طب ی خ ترش و قبرص ل
سماق حب السلاطین ع بفتح سین مهمله مشدد و لام الف و کسر طاء مهمله و سکون تحتانی
ف دنده جمالگوٹا و م جیپال حب القطن ع بضم قاف و سکون طاء مهمله ف
پنبه دانه ه بنولاطح د ۲ گویند ب خ بزرگ مغزش هفتدم ص خمیره بنفشه ل
حب الحرشف نیمو زن حب المساکین ع بفتح میم و سین مهمله و الف و کسر کاف و سکون
تحتانی و نون م تخم لبلاب تمیق الهاء حب السمنه ع بکسر سین مهمله مشدد و سکون میم و فتح
نون و خفاء ها ف نقل خواجه ه چرونجی طح د ا گویند ۲ ق مسمن خ انچه از بلاد
نبود ش بکمشقال و گویند خشک او ده درم ص قند و پسته ل نیمو زن مغز بستیه
و نیمو زن مغز بادام و نیمو زن کنجد مقشر ا حب المحلب حب خلوه بضم خاء معجمه و سکون

سیاه دانه
گویند دانه ایست
طیب و گرد و بعضی
گویند مغز سیاه دانه
گویند مغز دانه که
در کشمکش گذارند
سیاه و عرب
آنرا سوداء گویند
گرم و خشک است

لام وفتح راو وہاء انیسون جسع بفتح اول وثانی مشدد وہاء سرخ کہ گہو نیچی ورتی تمیق
التحتانی خبازی ع بضم اول باموحدہ والف وکسر زاء معجمہ وسکون تحتانی بافتح
راء مہملہ والف مقصورہ طائر لیست فہ جرنط گوشت اوح وحب الکشری ع
بسکون لام وضم کاف وسیم مشدد وفتح شلثہ وراء مہملہ والف مقصورہ ف تخم امرود
طح ی خ بزرگ زردی مائل بسیاہی چہار درم ص عناب یا بزرقطونا حب بحیبنانی
ع بکسر سین مہملہ وجیم وسکون سین مہملہ ثانی بافوقانی والف وکسر نون ثانی م
ف دانہ قاقلہ الایچی کہ دانے حبق الراعی ع براء مہملہ والف وکسر عین مہملہ وتحتانی م
برنجاسب حبق تربخانی ع بضم فوقانی وراء مہملہ وسکون نون یاجیم والف وکسر نون
ثانی وتحتانی ف بالنگو حبق خراسانی ع بضم خاء معجمہ وراء مہملہ والف وسین مہملہ والف
وکسر نون ف تخم خراسانی حبق مغربی حبق کرمانی بضم صاد مہملہ وسکون عین مہملہ وفتح تحتانی
وکسر راء مہملہ وشاہسفرم ف تخم ریحان لاخیاز بکسر حبق نبطی بفتح نون وسکون موحدہ ثانی وکسر طاء مہملہ
ف بونہ بستانی تمیق الثاء المثلثہ وتمیق الالف حشر ماسرہانی بفتح اول
وسکون ثانی وفتح راء مہملہ وسیم والف ف بونہ تلتسیق الجیم وتمیق الالف
حجر الرعاع بفتح اول وجیم وضم راء مہملہ وکسر راء مہملہ مشدد ثانی باحاء مہملہ ثانی والف
ف سنگ آسیا تمیق الموحدہ حجر الیشب ع بفتح تحتانی وسکون ثین معجمہ ف
سنگ لشیم ہ سبز تمیق الفوقانی حجر اہتت ع بضم ہمزہ وفتح موحدہ مشدد وہاء وسکون
فوقانی ہ کہربا حجر الحوت ع بسکون لام وضم حاء مہملہ ثانی وسکون واو ف
سنگ سرماہی وآن سنگیست کہ در سرماہی یابند در جائیکہ دماغ ست تمیق الجیم
حجر الاسفنج ع بکسر ہمزہ وسکون سین مہملہ وفتح فاء وسکون نون وجیم ف سنگیست

که درمیان آبگنج یابند حجر الافروج ع بفتح همزه وسکون فا وضم راء مهمله وسکون واو و
جیم ف سنگی ست که از بلاد روم خیزد و سنگی بود که بر روی آب بایستد حجر الفضه
تمیق الدال المهمله حجر الیهود ع بفتح تحتانی وضم ها وسکون واو ف
سنگ جهودان که بر زیتون ماند و خطوط بسیار بر دست طامع گوید ب ای
ق مفتت خ زیتونی شکل ش نیدرم ص سنگیست بین سفر جلی ل جهت نقرس مس
حجر لازورد ع باللام والف وسکون زاء معجمه وفتح واو وسکون راء مهمله ف سنگ لاجورد
تمیق الواء المهمله حجر الاحمر ع بفتح همزه وسکون حاء مهمله وفتح میم ف سنگی ست
بلون بسد واز جمله شموم قتاله ایست حجر البقر ع بفتح موحده وقاف ف سنگی ست
که در زهره گاو بهم رسد وآن پازهر ست ع جاد زهر ج ف گاو زهره گاو زهر ه گاو
ع بضم موحده ولام ثانی وسکون واو ف سنگ بلور حجر الطور ع بضم طاء مهمله شدید
م حجر الدم حجر القمر ع بفتح قاف وسیم دم براق القمر چندرکانست که بشب در آفتاب
ماه یابند در بلاد عرب حجر القیشور ع بفتح قاف وسکون تحتانی وضم شین معجمه وسکون
واو وراء مهمله ف نوعی از کف دریا حجر النسر ع بفتح نون مشدد وسکون سین مهمله وراء مهمله
م الکتمکت ه کرنجوا حجر النمر ع ف بفتح نون مشدد وکسر میم ف سنگی ست که در پادهٔ پلنگ
بهم رسد حجر التار ع بفتح نون مشدد والف ف سنگ چقماق رومی مختلف الالوان
می باشد طب ای ۳ ق وزن ۳ مجفف خنازیر وسندیل قروح عسر الاندمال
جمله اعضا بتعلیق در لته بسته بزنان حامله نافع عسر الادت حجر النوع بفتح
نون مشدد وسکون واو م قرشیشا تمیق السین المهمله حجر انا غاطس
یونانی بفتح همزه ونون والف وغین معجمه والف ثانی وکسر طاء مهمله ف سنگی ست
که چون بسایند بر زنگ خون ماند حجر النیس ع بفتح نون ثانی مشدد وسکون تحتانی
ف پازهر شبانکاره وبازهر حیوانی دان از بز صحرائی حاصل میشود که خورش

نمک را با هم
چندان صابون
بیامیزند
ورنا نوطلا کنند
صورت نور اساکن
کند واگر بر مشتر
طلا کنند او را هم
زود زائل
کند حجر سبز
چون در

مخلصه ست از زهر مهر احجر المغناطیس ع بکسر میم وسکون قاف وفتح نون والف
وکسر طاء مهمله وسکون تحتانی وسین مهمله سنگ آهن ربا چمک پتهر تمیق الطاء المهملة
حجر السطرلاب ع بفتح سین مهمله مشدد وسکون طاء مهمله وکسر جاء مهمله وتحتانی وطاء مهمله ثانی و
سنگ مرمر تمیق اللام حجر الخطاطیفع بفتح خاء معجمه وطاء مهمله والف وکسر طاء مهمله ثانی و
وسکون تحتانی وفاء سنگ پرستوک چون بچه نخستین پرستوک درافزونی ماه
بکشی وشکش بشگافی دو پاره سنگ برآید یکی یکرنگ ودیگری برنگ مختلف
حجر الشفاف ع بفتح شین معجمه مشدد وفا مشدد والف م حجر قیشور تمیق القاف
حجر مشنق ع بضم میم وفتح شین معجمه وقاف مشدد وسکون قاف ثانی ف سنگیست
زرد از بلاد مغرب بگیرد وتو بر تو بود چو زعفرانی زود ریزنده شگافته تو بر تو تمیق
الکاف حجر الدیک ع ف سنگی ست که در شکم خروس یابند حجر الکرک بفتح کاف
وراء مهمله وسکون کاف ثانی ف سنگی ست بغایت سفید بر ساحل بحر هند ببر سد طب ع
تمیق اللام حجر الحمل ع بفتح حاء وسکون ثانی ولام ف کبک آتش خوار تمیق المیم حجر الحمار ع
بفتح حاء مهمله با میم والف ومیم ثانی ف سنگی ست که در کبوتر یابند حجر الدم ع
بفتح دال مهمله مشدد ف شاذنج حجر الرخام ع بضم راء مهمله مشدد وثانی باخاء معجمه
والف م طین قیمولیا سنگی سفید مشهور ست ودوی اقسام باشد خ سفید طب
۲ ی ف قاطع نزف الدم ومدمل جراحات باسر که ومحلل اورام وذرور اقاطع لبواسیر
تمیق النون حجر الزیتون ع بفتح زاء معجمه مشدد وسکون تحتانی وضم فوقانی و
سکون واو ونون م حجر الیهود حجر المسن ع بکسر میم وفتح سین مهمله وسکون نون ف سنگ سان
تمیق الهاء حجر الاکفع بفتح همزه باسین مهمله والف وکسر کاف وفتح فا وخفا
ف سنگی ست که کفشگران آوزار بدان تیز کنند حجر الحیه ع بفتح جاء مهمله وتحتانی
مشدده وهاء سنگ مار وپازهره سانب کامن وآن معدنی ست وحیوانی حیوانی را

از افعی گیرند و آنرا پادزهر و باد مهره و مار مهره خوانند و آن بلون ماربود و امتحانش
آنست که چون در آب لیمو اندازند در حرکت آید حجر مثانه ع بفتح میم و مثلثه و الف
و فتح نون ف سنگی ست که در مثانه آدمی بهم رسد و پتهری حجر مشوبه ع بفتح میم و
سکون شین معجمه و کسر واو و فتح تحتانی مشدد ف گلس و نوره چونه گلی تمیق التحتانی
حجر ارمنی ع بفتح اول و ثانی و سکون راء مهمله و فتح همزه و سکون راء مهمله ثانی و فتح میم
و کسر نون ف گل ارمنی ط بی اق مسهل خ سبز مائل بسفیدی باندک کبودی
و پس از شکستن چشمها درخشند و مانند و میخ باشد و بعد از تر کردن بوی طفل یا بوی گل خوش
دهد شش نیمدرم تا نیم مثقال ص مغسول ل یکنیم وزن حجر لازورد حجر اعرابی بفتح
همزه و سکون عین مهمله بار اء مهمله ثانی و الف و کسر موحده ف شکر سنگ بشیرازی
سنگ زخم حجر اللبنی ع بفتح لام مشدد و موحده و کسر نون ف سنگ شیرین چون
او را آب بساید بشیر ماند حجر بحری ع بفتح موحده و سکون حاء مهمله ثانی و کسر راء مهمله
م مرجان و سنگها و پر بال حجر حبشی ع بفتح حاء مهمله ثانی و موحده و کسر شین معجمه
ف سنگیست سبز رنگ مانند پشم حجر حدیدی ع بفتح حاء مهمله ثانی و کسر دال مهمله
و سکون تحتانی و کسر دال مهمله ثانی ف خاهن آهندل حدیدی حجر خزفی ع بفتح خاء معجمه و زاء معجمه
و کسر فا و تحتانی ف سنگ مصریست مانند خزف و زود از هم بشکافد و صفایح بر یکدیگر دارد
حجر رشنائی ع بضم راء مهمله ثانی و واو مجهول و سکون شین معجمه با نون و الف و کسر
همزه م مرقشیشا حجر عسلی ع ف سنگی ست که چون بسایند رطوبتی بغایت
شیرین بود و بقوت شبیه نباشد حجر قبطی ع بکسر قاف و سکون موحده و کسر طاء
مهمله ف سنگی ست مصری بغایت سست و در آب زود حل شود و گاذران
مصر کنان بدان شویند حجر هندی ف نوعی از شاذنه هندیست تلنسیق الدال
المهمله و تمیق الفوقانی حدأت ع بضم اول و دال مهمله و الف و فوقانی ف

سوش گیره چوبی مار وحیلیه تمنیق المجمیر حدیج بفتح اول ودال مهمله م
خطل خشک حدید ع بفتح اول وسکون تحتانی ودال مهمله ثانی ف آهن
ه لوهاطب ی ق مجففخ فولاد ص مرطبات ل نحاس تمنیق القاف حدق
ع بفتح حا مهمله ودال مهمله وسکون قاف ف بادنجان ه بیگن تلنبیق الراء
المهمله وتمنیق الالف حرا بضم اول وفتح را مهمله والف م سداب کوهی
وبشیرازی گورخرخوانند طح ی وحراة بزیادتی تا رفوقانی بعد الف نیز آمده حرشا
رومی بفتح اول وثانی مهمله والف وشین معجمه والف ثانی ف خردل بری ه جنگلی
رائی حربا سریانی بکسر اول وسکون ثانی وموحده ف آفتاب پرست وبوقلمون
ه گرگیت حرف المارع بضم اول وسکون ثانی وضم فا وسکون لام بامیم والف
ممدوده حرفیست که در آب روید مانند قرة العیون طح ی ۲ گویند ۳ تمنیق
الموحدة حرب بکسر اول وسکون ثانی ع طلع ف بهار خربا تمنیق الراء المهمله
حریرع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف ابریشم تمنیق الشین المعجمه
خریش ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف ماریکه بریوست او نقطهای
سیاه وسفید باشد وگویند کرگدن تمنیق الضاد المعجمه حرض ع بضم اول وثانی
وسکون ضاد معجمه م اشنان تمنیق الفاء حرشف ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح
شین معجمه وسکون فا م کنگر طامع ح رگوینج د ۲ گویند ج ۲ قاسد رضرخ
خ تر وتازه ش از صمغ او یکدرم ص سرکس هلیلون حرف ع بضم اول وثانی ع
حب الرشاد ف تخم ترة تیزک تمنیق اللام حرحل یونانی بفتح اول وسکون ثانی
وفتح جیم ف ملخی ست که بال ندارد وسبز بود حرمل ع بفتح اول وکسر نیز وسکون
ثانی وفتح میم وبضم نیز آمده ف تخم سپندان ه اسپند سوختنی طح ی ۲ گویند
۳ ق ملطف خ فربه ش نیم مثقال ص لعوق ربوب فواکه ل تخم سداب

فرهنگ رشیدی

یا قردمانا یا تخم ترب و فوتنج تمیق النون خرجوان یونانی بفتح اول وسکون ثانی
وفتح جیم وواو والف م حرجل خردون سریانی بکسر اول وسکون ثانی وضم دال مهمله
وسکون واو ف حیوانی ست مانند سوسمار که بیونانی سالامندرا خوانند واز جمله
سموم قتاله ست حزالشیاطین ع بکسر اول وسکون ثانی وضم زاء معجمه وفتح شین
معجمه مشدد وباتحتانی والف وکسر طاء مهمله وسکون تحتانی ثانی م آطریلال حرقفان
رومی بفتح اول وسکون ثانی وفتح فاء وقاف والف ع سم الفار تنسیق الزاء المعجمه
وتمیق الراء المهمله خراز الصخر ع بضم اول وفتح تیر وزاء معجمه والف وضم زاء معجمه
ثانی وفتح صاد مهمله مشدد وسکون خاء معجمه وراء المهمله ع زهر الحجر ف گل سنگ وآن
چیزیست مانند سبزی روی آب بر سنگ پیدا شود طب ی ا تنسیق السین
المهمله وتمیق الکاف خسک ع بفتح اول وسین مهمله ف خارخسک ه گوکهرو
چنگهار طب ی ا گویند مع ح ب گویند مع ی ۲ ق مقی مفتح مفتت
سفوط خ بستانی سبز تازه ش هفتدرم تا ده درم وگویند دو درم ثابست درم برا
حقنه ص روغن بادام یا کنجد وگویند وردل عصی الراعی تمیق اللام خسل ع
بفتح اول وثانی ف بچه نوزاد ضب تنسیق الشین المعجمه وتمیق الالف
خشیش بزرقطونا ع ف گیاه بنگ وط ب رخ تازه وتر تمیق الفوقانی
خشیش الغافث ع م برگ بنافث تمیق الجیم خشیشة الزجاج ع بضم زاء
معجمه مشدد وفتح جیم والف ف گیاه آبگینه نباتی ست که در آبها روید طب
ی ۲ ق را دع ش از عصار کاوده درم ص فوتنج ل لسان الحمل تمیق الصاد
المهمله خشیش البرص ع بفتح موحده وراء مهمله م آطریلال تمیق اللام
خشفیل ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر فاء وسکون تحتانی وضم فاء ثانی م
شقاقل خشیش الطحال ع بکسر طاء مشدد مهمله وحاء مهمله والف ولام م

اسقولوفندریون ف زنگی ارد تمیق الهاء حشیشه دودیه بضم دال وسکون واو
وکسر دال مهمله ثانی وفتح تحتانی مشدد ثانی وخفا رهام اسقولوفندریون تمیق
التحتانی حشیش خراسانی ف درنه خراسانی تنسیق الصاد المهمله
وتمیق الجیم حصاة الاسفنج ع بفتح اول باصاد مهمله والف ونم فوقانی
وسکون لام وکسر همزه وسکون سین مهمله وفتح فا وجیم م حجر الاسفنج تمیق المیم
حصرم ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر را مهمله ف غوره انگوره کچی داکه ط ب ا
ی ۳ ق قابض خ صادق المحموضه ش دواوقیه ص انبسون وعسل یا گلنگبین
ل حماض اترج یاریباس تمیق الهاء حصرمیه ع بکسر میم وفتح تحتانی مشدده ف
نام طعامی ست تلنسیق وتمیق الضاد المعجمه حضض ع بضم اول وفتح ضاد
معجمه وسکون ضاد معجمه ثانی ف بلل کرسوت ط مع ح ب گویند ح ۲ ب ا ق
محلل باندک قبض وحابس د م خ جهت ورمهاکی وجهت موی هندی ص برجس
ل فیلزهرج بانوفل وصندل سماوی یاماهیثا یا اقاقیا وزعفران تلنسیق الفا
وتمیق الالف جفاء ع بضم اول بافا والف ممدوده م پروی ولوح تلنسیق
اللام وتمیق الموحدة حلبلاب ع بفتح اول وسکون لام وفتح موحده بالام
ثانی والف وموحده ثانی م لبلاب حلبیب ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر موحده
وسکون تحتانی م سوسنجان هندی طح ی ۲ گویند ۳ تمیق المثلثه
حلتیت ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی ومثلثه بافوقانی
ف انگوزه ره هینگ طح ی ۴ گویند ۳ ق ملطف مبهی خ منتن وسفید که
زود حل شود ش نیم مثقال ص اشق دجوزبوا گویند انبر باریس ل محرش
که بسیار جوشانیده باشند یاجاوشیر وسکینج تمیق الراء المهمله حلاق الشعر
ع بفتح اول ولام مشدد والف وضم قاف وفتح شین معجمه مشدد وسکون عین مهمله

ف آهک و نوره تمیق اللام حلاحل و حلحل بفتح اول و ثانی و الف و کسر حا مهمله
ثانی و سکون لام ثانی در لغت اول و بکسر هر دو لام در لغت ثانی م پیاز بلبوس
تمیق الیم حلمع بضم اول و ثانی مشموف کنه قراد کلی کرمی ست که اکثر بگوش
سگ و دیگر حیوانات می چسپد تمیق النون حلزون بفتح اول و سکون ثانی و ضم زا
معجمه و سکون واو و نون ف نوعی از صدف م شنج بهنکهطب ی و خاکستر بری
اوح اق مجفف ص فواکه قابض ل صدف تمیق الواو حلیموع بفتح اول
و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم میم و سکون واو و ف بیخ حماض بری تمیق الها
حابه ع بضم اول و سکون ثانی و فتح موحده و خفای ها هم سمینه و شملیت ه میتهی
طح ی اگویند ح س ق منضج ملین ش د و درم و در حقنه تابست درم
س ر و غن قسط تلخ ل بزرگتان و اکلیل الملک حلیفه ع بضم اول و فتح ثانی
و سکون تحتانی و فتح فا و ها م حراف کوخرد سداب کوهی تلنسیق المیم و تمیق
الف حلماع بفتح اول و میم و الف و میم ثانی و الف ثانی م ماهلوج طح ی ۲
گویند ق منضج مفتح مغثی و مقوی کبد و منوم خ ارمنی ذهبی خدشوش د و درم
س د و رسل تمام یا یاسمین خشک و گویند اشنه و سنبل حمیراع بضم اول و فتح ثانی و
و سکون تحتانی بار او مهمله و الف م شنکار تمیق الموحده حماض الارنبع بکسر اول
با میم و الف و ضم ضاد مهمله و سکون لام و فتح همزه و سکون را مهمله و فتح نون
و سکون موحده هم کشبوث تمیق الجیم حماض الاترج بضم همزه و سکون فوقانی
و ضم را مهمله ف ترشه ترنج طب ی ۳ ص شراب خشخاش ل حماض لیمو تمیق
الواء المهمله حماض البقر ع بفتح موحده و قاف ف حماض بری حماض نهر
بفتح نون و سکون ها م حماض بستانی حمرع بضم اول و سکون ثانی و را مهمله ف خارهندی
ه انبلی حمص الابیرع بکسر اول و فتح ثانی مشدد و ضم ضاد مهمله و سکون لام و

طحال بهندی
گویند
که از حیوان نر
گیرند گرم است
در اول و گویند
خشک در
دوم
ازدو تولد

وفتح همزه وکسر میم وسکون تحتانی ف خارخسک تمیق الصاد المهمله حمص ع
بفتح اول وکسر ثانی مشدد وسکون صاد مهمله ف نخودهٔ چنی طح ۱ گویندی گویند ۳ مع ح
ق مدر مسهی قابض طبع خ سفید بزرگ ص خشخاش ل باقلا تمیق الضاد المعجمه
حمر الارض ع بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وسکون لام وفتح همزه وسکون راء
مهمله ثانی م خراطین حمص ع بفتح اول وثانی وسکون ضاد معجمه م اشنان تمیق الطاء المهمله
حماط ع اول وکسر ثانی والف وطاء مهمله م نوعی از حمیر تمیق اللام حمل ع بفتح اول وثانی وسکون
لام ف بره ۲ حلوان تمیق المیم حمام ع بفتح اول وثانی والف وکسر حاء مهمله ثانی
وسکون میم ثانی ف بستان افروز طح ی ۲ حمام ع بفتح اول وثانی با الف وسیم ف کبوتر
۲ پریوا طح ی ۲ حمیم ع بضم هر دو حاء مهمله وسکون هر دو میم ف گاو زبان تمیق التحتانی
حمار الحی ع ف خره گدها طح الحمش ح ی ۲ حمار وحشی ع ف گورخر طح ی ۳ حماض
بستانی ع بفتح اول وثانی مشدد والف وضاد معجمه ف ترشینک وچقندر صحرائی
۲ ساگ چوکا طب ی ۲ ق قابض ولطف خ بستانی ترش ص شراب عناب
ل تخم حماض وتخم ریباس یا بارتنگ یا تخم مورد تمیق النون وتمیق الالف
حناء ۲ مهندی طب ای ۲ ق قابض خ بغایت سبز که در حال خورد وکرده
باشندش جهت قولنج نیم مثقال واز تخم این بهت دماغ دو مثقال ص ب السوس
یا کیترال آس تمیق الشین المعجمه حناء قرلیش ع بکسر اول با ثانی والف وکسر
همزه وضم قاف وفتح راء مهمله وسکون تحتانی وشین معجمه م خراز الصحر تمیق اللام
حنظل ع بفتح اول وسکون نون وفتح طاء معجمه وسکون لام ف خربزهٔ تلخ ۲ اندراین کاپهل طح
۳ ی ۲ گویند ج ی ۲ ق مسهل محلل بش تازه زرد رسیده هندی بش از یک
قیراط تا یکدرم واز تخم او نیمدرم واز عسل او یکدانگ تا نیم دانگ ص کیترا با مصطکی وصمغ
ودنشاسته ل حرمل وچهار دانگ وزن آن قثاء الحمار یا حب الخروع وچهار دانگ

وزن آن فند وگویند دو وزن احب النیل ونیموزن ملح نفطی ونیموزن محموده
تمیق النون خیار مجنون بفتح میم وسکون جیم وضم نون وسکون واو ف
وسمه یعنی ورق نیل تمیق الهاء خیار الغوله ع بضم همزه وسکون لام وضم غین
معجمه واو مجهول وفتح لام م البوغلسا وشنکار حنظه رومیه بکسر اول وسکون ثانی
وفتح طاء مهمله وخفاء ها وضم راء مهمله وسکون واو وکسر میم وفتح تحتانی مشدده میم
خندروس ف کاکل وجو برهنه حنطه ع ف گندم ه گیهون طرح مع ی
ق منضم خ میان سرخ وسفید نرم بسیار فربه تمیق التحتانی جند قوتی ع بفتح اول
وسکون ثانی وفتح دال مهمله وضم قاف وسکون واو وکسر قاف ثانی ق اندوه
قوقو ودیو اسپست وآن سبزه ایست بری طرح ی ۲ گویند ۳ ق. اطلف مدرخ
بستانی ش و دورم ص هندبال رطبه تنسیق الواو وتمیق القوقانی حوت
ع بضم اول وسکون ثانی ع سمک ف ماهی ه مچهلی تمیق الواء المهمله حورسنه
ف بضم اول وسکون ثانی وکسر راء مهمله وهمزه وسکون سین مهمله وفتح فا وسکون
نون باول مهمله والف وراء مهمله ثانی م نسترن افروز حومر بفتح اول وسکون ثانی وضم
میم وسکون راء مهمله ف تمرهندی تمیق الکاف حوک بفتح اول وسکون ثانی وکاف م باه وج
تمیق المیم حوجم بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون میم ف گلسرخ ه کلال کاهل
تمیق الهاء حومانه بضم اول وسکون ثانی با میم والف وفتح نون وهاء ذوثلاثه
اوراق وطرفین ه سمنس کوهی تمیق التحتانی خواری ع بفتح اول وثانی
والف وکسر راء مهمله وتحتانی ف آرد گندم از جریز نجیته ه نمیدا جوزردی بفتح اول وسکون
ثانی وزاء معجمه م جوزردی که گویند کهربا صمغ اوست طب ی ق) مجفف مش
یکمثقال ل ولب تنسیق الیاء التحتانی وتمیق اللام حیظل بکسر اول وسکون
تحتانی وفتح ظاء معجمه وسکون لام م حدق تمیق المیم حی العالم ع بفتح اول وضم ثانی مشدد

وسکون لام باعین مهمله والف وفتح لام ثانی گویند نوعی از سرخ مروست وآن دو
وماکه از جمیع وان بر روی کار آید و بتجربه رسیده و بزبان هندی شهدئی زرد گل ست طب
۳ ی اق ماده خ بستانی ش از آب و پنجبدم ص طین ارمنی یا پودنل عصاره
کاهو یا عنب الثعلب تمیق الهاء حیه ع بفتح اول وثانی مشدد وخفاء ها ف مار
سانپ وناگ طح ی ۲ ق ملطف خ افعی تمیق التحتانی حیات الموتی ع بفتح
اول وثانی والف وضم فوقانی وسکون لام وفتح میم وسکون واو وفتح فوقانی
ثانی والف مقصوره م قطران توفیم الخاء المعجمه وتنسیق وتمیق الالف
خاراف نجاء معجمه والف وراء مهمله م سنگ سخت خامالاء ف بیم والف ثانی ولام
وفتح الف ثالث ممدود م مازریون تمیق الموحده خانق الذئب ع نجاء معجمه وبکسر نون
وضم قاف وکسر ذال معجمه مشدده وسکون تحتانی وموحده م خربق سیاه فخال رنگی وآن
کشنده گرگ ست ه کتکی طح ی ۳ خانق الکلب ع بسکون لام وفتح کاف
وسکون لام ثانی ف فلوس ماهی ه کچلا تمیق الموحده الفارسی خاسپ ف
بکسر سین مهمله وسکون موحده فارسی م سیب تمیق الفوقانی خارپشت
ف بسکون راء مهمله وضم موحده فارسی وسکون شین معجمه م سفنده ساهی
تمیق الدال المهمله خاوف بسکون دال مهمله م غلیواز تمیق الواء
المهمله خارشتر ف بکسر راء مهمله وضم شین معجمه وفوقانی وسکون راء مهمله ثانی
جنسے از خار که شتر آنرا بر غبت بخورد وآنرا شتر خار نیز گویند خانق النمر ع بکسر نون
وضم قاف وفتح نون ثانی مشدد وکسر میم نوعی از مازریون وآن کشنده پلنگ
وگرگ وسگ وخرگ ست ومانند آن طح ی ۲ گویند ب ی ۲ خایه گیر ف
بفتح تحتانی وخفاء ها وکسر کاف فارسی وسکون تحتانی ع ریتلا تمیق الزاء المعجمه
خایه زین ف بفتح تحتانی وخفاء ها وکسر راء مهمله وتحتانی مجهول وزاء معجمه خایکینه

باب الظاء

اظفار الطیب

مرقوم ظلف

سم چار پایه

که نشگافته باشد

عرب آن را

ظلف گویند

خامه سم

اهل کیمیا بسیار

ع عجه تلنسیق السین المهمله خاماذریوس ف ویونانی بمیم والف ثانی وفتح
دال مهمله وسکون راء مهمله وضم تحتانی وسکون واو وسین مهمله م کماذریوس ف
ازنام واروی تلخ خاماالاون لوقس یونانی بمیم والف ثانی ولام والف ثالث
وضم واو وکسر نون وضم لام وسکون واو ثانی وکسر قاف م ماذریون سفید تخم
یونانی سفید خاماالاون مالس یونانی بمیم ثانی والف سابع ولام ثانی مالس یونانی
سیاه م ماذریون سیاه ونیز هم حرباست خاماتیطس یونانی بمیم والف ثانی وکسر
نون وسکون تحتانی وکسر طاء مهمله م کمافیطوس ف ماش دارو خاید پس ف
بفتح تحتانی وخفاءها وکسر دال مهمله وسکون تحتانی وسین مهمله م کمات تمیق الشین
المعجمه خاوش ف بضم واو وسکون شین معجمه م خیاری که برای تخم نگاهدارند
خانه ریش بفتح نون وخفاءها وکسر راء مهمله وتحتانی مجهول ف کلاه ماران ه سنا
کی رومی تمیق العین المهمله خالع ع بکسر لام وسکون عین مهمله ف خرماهای
تمام پخته تمیق الکاف خانق الملک ع بکسر نون وضم قاف وسکون لام وفتح میم
وکسر لام ثانی وسکون کاف سادا وزان ک بمیک وادران خانه ایرک ف بکسر کاف فارسی
وسکون تحتانی وفتح راء مهمله ع ریتلا تمیق اللام خادل ف بضم واو وسکون لام
م سورچه تمیق المیم خالم ف بضم لام وسکون میم م فارخام شراب تمیق النون
خالاون یونانی بخاء معجمه والف ولام والف ثانی وضم واو ونون ع حنظل دیه خندروس ف کاکل
وجوبرهنه خالیدونیون یونانی بخاء معجمه والف وکسر لام وسکون تحتانی وضم
دال مهمله وسکون واو وکسر نون وضم تحتانی ثانی وسکون واو ثانی دونوع ست
بزرگ آنراف زرد چوبه گویند وکوچک آن ام باسیلان خاماالاون یونانی بمیم
والف ثانی ولام والف ثالث وضم واو م ماذریون ف ست ودگویند
نام حرباست خاماسیلن یونانی بمیم والف ثانی وکسر میم ثانی وسکون تحتانی و

وکسر لام ف بابونه خان ف بسکون نون شان عسل وشان نبور جانوران
ع بخار معجمه والف وفتح واو وکسر لام وسکون نون چهتر باجیم والف ثانی ف خسر واو
ه کلیجن خایه غلامان ف بفتح تحتانی وهمزه واظهار ها وضم غین معجمه بالام والف
ثانی ویم والف ثالث نوعی انانکور سیاه بزرگ ست تمیق الواو خاکشوف
بسکون کاف وضم شین معجمه وسکون واو تخمی ست که سرخ میگون بود وبغایت
ریزه باشد م خاکسی وشفترک ع بزرالخمخه خوب کلان طرح تمیق الهاء
خار واژگونه ف بکسر اء مهمله باواو والف وسکون زاء فارسی وسکون واو
وفتح نون م چرچرا خاشه بضم میم وفتح شین معجمه م شیطرج خ سرخ زعفرانی مائل
خروشیرین ه چیتیه خایه ف بفتح تحتانی ف تخم هرجانور ع بیضه تمیق التحتانی
خاکشی ف بسکون کاف وکسر شین معجمه وسکون تحتانی م خاکشو خلاء قطعی
یونانی بخار معجمه والف باسیم والف ثانی وکسر همزه وفتح همزه ثانی وسکون قاف
وکسر طاء مهمله م بل تنسیق تمیق الباء الموحده خبز الغراب ع بضم اول
وسکون موحده وضم زاء معجمه وسکون لام وغین معجمه باراء مهمله والف وموحده
ثانی م اقحوان ف بابونه تمیق الحاء المعجمه خبز المشایخ م اشنان تمیق
الدال المهمله خبث الحدید ع بفتح اول وثانی وضم مثلثه وسکون لام وفتح
حاء مهمله وکسر دال مهمله وسکون تحتانی باداء مهمله ثانی ف ریم آهن ه لوه سنکهان
وکیت طرحی ۳ گویند ب ق بمعنی خ یولادی املس ریزه های کوچک
بی خشونت ش یکمثقال ص روغنها ل اگرم بربود اطریفل کوچک واگر
غیر بدبرحرف ود راقراص چشم پوست تخم مرغ تمیق الزاء المعجمه خبز ع بضم
اول وسکون ثانی وزاء معجمه ف نان ه روتی طرح امع ق مغذی خ ماخوذ از گندم
آفت نارسیده فربه پاک صلب ص باب شستن تمیق السین المهمله

خبث النحاس ع بضم نون وحاء مهملة والف وسين مهملة م تو بال النحاس ف یم مسطاح
ی ۳ ق قابض مجفف اکال خ بسیار تنگ ش بندرم در اکحال ص کیترا وضع ل رقیح
تمیق الصاد المهملة خبث الرصاص ع بکسر اء مهملة وصاد مهملة والف ف
صاد مهملة ثانی ف یم قلعی طب بحال سفید ارزیز تمیق الکاف خبز دوک ف بفتح اول
وثانی وسکون زاء معجمة وضم دال مهملة وسکون واو وکاف جانوریست شبیه
بجعل که آنرا اهل شیراز خزوک گویند تمیق الواو خبز دوف بفتح اول وثانی
وسکون زاء معجمة وضم دال مهملة م خبز دوک تمیق الهاء خبث الفضة ع
بکسر فا وفتح ضاد معجمة مشدده وخفا رها ف چرک نقره خ سبز تنگ تمیق التحتانی
حمازی بضم اول وثانی مفتوح والف وکسرة زاء معجمة وسکون تحتانی ف نوعی
از خطمی طب را گویند مع ح ب ق ملین خ بری ش جهة سعال وشقال
ال خطمی تلنسیق الباء الموحدة الفارسی وتمیق الکاف خنک ف بفتح
اول وموحده فارسی وسکون کاف م نان بزرک تلنسیق الثاء الفوقانی و
تمیق الجیم خثفرج ف بفتح اول فوقانی وسکون فا وفتح زاء مهملة م خرف
تمیق القاف خترق بفتح اول وسکون فوقانی وفتح راء مهملة م فستین تمیق
الکاف ختم للملک ع بفتح اول وسکون ثانی وضم میم وسکون لام وفتح میم ثانی
وکسر لام ثانی ف گل مختوم تلنسیق الثاء المثلثة وتمیق الراء المهملة
خثاء البقر ع بکسر خا وثاء مثلثة والف وضم همزه وسکون لام وفتح موحده وقاف
ف سرگین گاو ه گوبر طح لق منضج محلل ش یکقیراط تلنسیق الدال المهملة
وتمیق القاف خدرنق بفتح اول ودال مهملة وسکون راء مهملة وفتح نون وسکون
قاف ع عنکبوت تمیق اللام خداع الرجال ع بضم اول وفتح ثانی والف و
ضم عین مهملة وکسر راء مهملة مشدده باجیم والف م بزر البنج تلنسیق الواو المهملة

وتمیق الالف خرس گیاف بکسر اول وسکون ثانی ومهمله وسین مهمله وکسر کاف فارسی
باختانی والف نباتی ست که بیخ آن شقاقل ست خرماف بضم اول وسکون
ثانی بامیم والف ه کهجور طلح رص بادام وخشخاش وسکنجبین وکاهو تمیق الفوقانی
خربت ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده م بطکلان ق قابض خرنوت ف
جنسی از نوت باشد زبون وبی مزه تمیق الجیم خرزهرج بفتح اول وسکون
ثانی وفتح زاء معجمه وسکون ها وفتح راء مهمله وسکون جیم ف خرزهره کثیر خرنج ف
بفتح اول وسکون ثانی وضم میم وسکون نون م خرمگس خرر والدیک والد حاج
ع ف سرگین خروس وماکیان ه بیت مرغی کی تمیق الجیم الفارسی خروج
ف بضم اول وثانی وواو مجهول م خروس تمیق الحاء المعجمه خربزه تلخ ف
ه اندرائن کابیل تمیق الدال المهمله خراوف بفتح اول وثانی والف م
غلیواز خربق اسود ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وسکون قاف ه
کنگی طح ی ۳ ق مسهل خ متوسط ذ فربهی ولاغری وگره دار مجوف وسیاه
سفر مانند که در بن او ریشه های باریک باشد ش نیدرم ص بادام وکثیرا وکندش
وپوست بیخ گز مسهلی یا نیموزن مازریون وچهار دانگ آن فاریقون ونیموزن
ماهیزهرج یا کبیکج خرند ف بفتح اول وثانی وسکون نون گیاهی ست مانند
اشنان تمیق الراء المهمله خرورف بفتح اول وسکون ثانی وفتح واو مهمله
ف م غلیواز ه جیل خرف ع حماره گدها خروع الفارع بکسر اول وسکون ثانی
وضم واو وسکون لام بافا والف ف بشکل موش ه چهچه گی مینگنی تمیق
الزاء المعجمه خربوز ف بضم موحده فارسی وسکون واو م شیرک کلان
خربیواز ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر موحده ونحتانی مجهول باواو والف
وزاء معجمه م شیرک کلان بمقدار غلیواز که خود را سرنگون کرده از درختها بیاویزد

ه بڑ باگڑ تمیق الشین المعجمه خرگوش ف بضم کاف فارسی و واو مجهول
م ورق بارتنگ وارنب خرموش ف موشی ست که اندک از خرگوش کوچکتر
بود ه گهونس تمیق الضاد المعجمه خربق ابیض ع گویند بیخی ست که پوست
وی سمّ قتل ست و بیخ کبر اند و بطعم از خربق سیاه تلخ تر بود ه بتیس طرح ی ۳
گویند ۲ ق مقی خ سفید زود شکنند و رچون بجایند لعابی ظاهر شود و زود زبانرا
نگزد بعد ازان سخت بگزدش و رتی نیم درم ص مصطکی ل جوز القی ماهیزهرج
خردل ابیض ع م اسفند سفید تمیق العین المهمله خرفع ع بکسر اول و سکون
ثانی و فتح فا و سکون عین مهمله م ثمر درخت عشر ه آگهه کابل خرد الضفادع ع بکسر
اول و سکون ثانی و ضم واو و فتح ضاد معجمه مشدد با فا و الف و کسر دال مهمله مشدد
ف جامه خواب بک و بیزره سوال خردع ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح واو
ف بید انجیر ه ارنڈ طرح ی ۲ ق محلل بلین خ بحری مغ ده دانه مقشر ص
لیترا با صمغ ل تخم ترب خردع ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی م حلوا و
تمیق الفا خرگوف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف و سکون واو و فا مهمله
از بوم که بغایت بزرگ باشد تمیق القاف خرفق ع بفتح اول و سکون ثانی
و فتح فا و سکون قاف ف تخم سپندان خرفق بکسر اول و سکون ثانی و کسر نون
ف بچه خرگوش تمیق الکاف خرچلوک ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح
جیم فارسی و ضم کاف و سکون واو و کاف ثانی م و ستنبویه کاچری خرک
ف بفتح اول و ثانی م خرما خشک م خارک خرگوشک ف م ورق بارتنگ
خردبک ف بضم اول و ثانی و سکون واو و فتح با م مرجان کاپر بال و مونگا
تمیق الکاف الفارسی خرچنگ ف بفتح جیم فارسی و سکون نون م
پنجیا یه کیکڑا تمیق اللام خرچال ف بفتح اول و سکون ثانی با جیم فارسی

والف م جزر بزرگ خردل ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله ورائی ط
ح ی ۴ ق محرق کاوی ملطف بستانی تازه فربه سرخ که بعد از کوفتن زرد باشد
ش دو مثقال وگویند نیم درم ص صندل وگلاب وکافور ونمک هندی ل دو دانگ
حب الرشاد دو وزن تخم شلغم خرغول ف بفتح اول وسکون ثانی وضم غین معجمه
و واو مجهول م گیاه با تنگ وریم آهنج وبزبان سعدی سمرقندروف نامند ع
لسان الحمل ه خوب کلان خربای ابوجهل ه کرنج تمنیق النون خراطین ع بفتح
اول وثانی والف وکسر طاء مهمله وسکون تحتانی ف زغازه کینچواطح ای ۲
ق ملحم ش جهته یرقان دو درم ص روغن بادام یا زیت ل زلوخ آهن ف
بفتح اول وسکون ثانی ومد همزه وفتح ها نوعی از علف ه لوها خراطین ع بفتح اول
وثانی والف وکسرها وسکون تحتانی ف زلوه جونک وگویند خراطین خرفطان
بفتح اول وسکون ثانی وفتح فا وطاء مهمله والف م بنبتوسه ه اکاسن بیل ل سنبل
خرمیان بفتح اول وسکون ثانی وکسر میم با تحتانی والف م چند بیدستر تمنیق الوا
خرچکو بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وفتح جیم فارسی وضم کاف ه تخم گوانج
خرد بکسر اول وضم ثانی م گل خیر وتمنیق المعا خربته ف بفتح اول وسکون ثانی و
فتح موحده وفوقانی وخفا رها م خربت خرزهره ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمه
وسکون ها وفتح راء مهمله ثانی ع دفلی ه کنیر خرسته ف بکسر اول وثانی وسکون
سین مهمله وفتح فوقانی م جونک خرغوله ف بفتح اول وسکون ثانی وضم غین معجمه
و واو مجهول وفتح لام م خرغول خرفه ف بضم اول وسکون ثانی وفتح فام تورک
خرمهره ف بفتح اول وسکون ثانی وضم میم وسکون ها وفتح راء مهمله م سفید مهره ه
سنکه خروسه ف بضم اول وثانی و واو مجهول وفتح سین مهمله م تدرو خروه ف
بضم اول و واو مجهول واظهار ها م خروس خره ف بفتح اول وثانی م گنجار ه

تمیق التحتانی خرامی بکسر اول وثانی والف وکسر میم وسکون تحتانی فگل خیری
بری طح ی ۲ ق محلل ص بنفشه ل مزرنجوش وبابونه خردل فارسی بفتح اول
مهمله وکسر لام با فا والف وراء مهمله وسکون سین مهمله ف تخم سپندان خرمای هندی
بضم اول وسکون ثانی والف وکسر تحتانی وها وسکون نون وکسر دال مهمله ف مر هندی
خرنوب شامی بفتح اول وسکون ثانی وضم نون وسکون واو وکسر موحده باسین
وکسر میم ف کسرگاذرونی طاب ی ۲ گویند ح ق قابض خ خشک شیرین فربه
ش پنجدرم تا ده درم ص عسل ل شاه بلوط خرنوب مصری بکسر میم وسکون صاد
مهمله وکسر راء مهمله م قرط خرنوب نبطی بفتح نون ثانی وسکون موحده وکسر طاء مهمله
ب ی ۲ ق قابض خ بزرکش تله درم ص چربی ل عذبه یا مازوی بی سوراخ
یا طرانیث یا قرط خرنوب هندی بکسر ها وسکون نون وکسر دال مهمله ف خیارچنبر
خرمی ف بکسر اول وثانی گلی ست زرد رنگ که میان آن سیاه باشد م خیری
وهمیشه بهار خرقه بفتح اول وسکون ثانی وفتح فا وسکون ها کورنج تمیق الف
خرف بفتح اول وثانی وسکون فاء پیشکری طاب ی ق مخفف خ خرف تنو
ص جلاب ل قیشور تمیق الکاف خروک ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو
وکاف م سرگین گردان ع جعل تمیق النون خرمیان بفتح اول وسکون ثانی
وکسر میم باتحتانی والف ونون م جند بیدستر تمیق الهاء خرندف بفتح
اول وثانی وسکون نون وفتح دال مهمله وخفا رها ع حشرات الارض تمیق
السین المهمله وتمیق الالف خسته خرماه گرگ تمیق الراء المهمله خس الحمار
بفتح اول وضم ثانی مشدد وسکون لام وکسر ها مهمله بامیم والف وراء مهمله م
شنکار تمیق السین المهمله خس ع بفتح اول ف کاهو طب د ۳ گویند
۲ ق منوم خ تازه بستانی سبزپهن ورق ش ودشقاق ص کرفس ولعناع

ل هندیا و بفارسی جانوریست که پایهای باریک دارد و بر روی آب میرود و خسته
او شبیه بدانه جو باشد کوچک تر از جو و گویند مرغیست سفید رنگ که بزرگ تر
از کلنگ باشد تمیق الفا خشف ع بفتح اول و ثانی و سکون قاف ف گردگان ه
اخروط تمیق القاف خسق بکسر اول و سکون ثانی م معصفر تمیق الکاف
خسک ف بفتح اول و ثانی ع خسک ه گوگرد بکسر اول و سکون ثانی م گل معصفر
تمیق الواو خسوف بفتح اول و سکون ثانی و ضم واو مجهول م خسته خسر و دارد
بضم اول م خولنجان تمیق الفا خشت ف م تخم سیوها مانند شفتالو و خرما خسکدانه
ف بکسر اول و سکون ثانی و کاف با دال مهمله و الف و فتح نون م تخم معصفر تمیق
التحتانی خسروی ف م نوعی از شراب چکیده تمیق الشین المعجمه و تمیق
الفوقانی خشک پشت ف لاک پشت تمیق الزاء المهمله خشکار بضم اول و
و سکون شین معجمه با کاف و الف ف آردی که از وی نخاله نگرفته باشند ه بن چنا آمده
خشیسار ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و نون با سین مهمله و الف نوعی
از مرغابی که پشت آن سیاه و میان سرش سفیدی باشد تمیق الزاء المعجمه
خشب الشونیز ع بفتح اول و ثانی و ضم موحده و شین معجمه مشدد ثانی و واو مجهول
و کسر نون و سکون تحتانی چوب سیاه دانه گویند سیسارون تمیق الشین
المعجمه خشخاش ع ف کوکنار ه جهوتراط ابیض یعنی سفید بی ای و اسود
یعنی سیاه بی ای گویند م گویند تخم سفید تازه فربه بنش از سفید او دودم
تا پنجدرم و از سیاه نیمدرم ص عسل با قند یا عصاره لسان الحمل یا از زیانه ل از تخم وی
یا وام مقشر تمیق الفا خشیف ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف برفنا
تمیق اللام خشل بفتح اول و ثانی م مقل تمیق النون خشکنجبین بضم اول و سکون
ثانی و فتح کاف و سکون نون و ضم جیم و کسر موحده و سکون تحتانی م عسل خشک

کبریت نیلوفر هندیست و عاشوریان این قول را تخطیه کرده اند و ابو حنیفه گوید فاعیده خوشه گل عناب یزدن آمده، گویند خاصیتش مولد

که از کوهستان فارس خیزد طاح ی ل بکنیموزن عسل تمیق الواو خشوع بفتح
اول وضم ثانی م خرمای زبون تمیق الهاء خشکنانه ف بضم اول وسکون ثانی
وکاف بانون والف وفتح نون ثانی نان بی نانخورش تلنسیق الصاد المهمله
تمیق الموحده خصی الکلب ع بضم اول بیخی ست مانند خصیة الثعلب خصیة الثعلب
ع بضم اول وسکون ثانی طاح را گویند مع ق میوه خ شیرین فربه که از دو بوی میخا
آیدش یکمثقال تا دو مثقال وگویند پنجدرم ص آماس بوزیدان باتخم تربوز یا تخم
جرجیر یا تخم انجیر یا تخم اسپست یا استفنقور یا شقاقل تمیق الراء المهمله خصیة الحجر
ع م جند بیدستر تمیق السین المهمله خصی الفرس م جابوب تمیق اللام
خصیة الایل ف خایه بزکوهی خصیة العجاجیل بفتح عین مهمله وجیم والف وکسر جیم ثانی
وسکون تحتانی ف خایه گوساله تمیق الهاء خصیة ع بضم اول وسکون ثانی وفتح
تحتانی ف خایه پیلری طاح گویند ب ی خ خایه خروس فربه تلنسیق
الضاد المعجمه وتمیق الفاء خضف ع بفتح اول وضاد معجمه ف خربزه نارسیده
وخربزه خورد خضلاف بفتح اول وسکون ثانی باللام والف م درخت تقل
تلنسیق الطاء المهمله وتمیق الراء المهمله خطر ع بکسر اول وفتح طاء مهمله
م وسمه تمیق الفا خطاف ع بضم اول با ثانی مشدد والف ف پرستوک کنهیاه
بت دیوری اح ی اق مفتت حصاة ل سرگین گاو تمیق النون خطبان
بفتح اول وثانی باتوحده والف م جنطیانا تمیق القتانی خطمی بفتح بفتح الب
وسکون ثانی وکسر میم گل مشهوست طب د گویند ق ملین منضج مسهل خ سبز
تازه کوبی سفید گل ص عسل با کنار ل نیلوفر یا خبازی تلنسیق الفا وتمیق الجیم
خفج بفتح اول وسکون فا وجیم م خردل بری خفرف بفتح اول وسکون ثانی و
ار مهملع بقله الحمقا تمیق النشین المعجمه خفاش ف بفتح اول وثانی مشدد

۱۳۹

مقوی باه بود
دچون مصور
بخارات ست
مضر چشم زباغ
بود فرامیرسون
بزبان فارسی
کور یاد کنند
ناکو
گویند در بعض
اور التفسیر

والف م شیرو هندی چیگاڈ طح درخ بزرگ ص خشخاش تمیق الغلاف
ف بفتح اول گیاهی ست که آتش زود گیرد و گمزا بر زیر سنگ آتش زنه نهاد
بخار خ برنند تا آتش بگیرد م پده ع مرخ تنسیق اللام و تمیق الدال المهمله
خلدع بفتح اول و سکون لام ف سوش کور و انگشت برگ که چکچوندر تمیق الواو
المهمله خلر بضم اول و فتح ثانی مشدد م جنسی ست مانند کرسنه تمیق الفاء
خلاف ع بکسر اول ف درخت بیطب ی ق مجفف خ کنار چشمه رسته باشد
ش از آب او بست مثقال ص کلاب یا مرزنجوش ل گل حنا و گل کرم تمیق
القاف خلوق ع بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو م زعفران تمیق اللام
خلال خلیل بکسر اول م درخت آاطر بلال خلال ع بفتح اول ف غوره خرما
خل العنصل ع ف سرکه پیاز دشتی خل ع بفتح اول و ثانی مشدد ف سرکه طب
ی ۳ گوزینب ای ۳ ق ملطف مقطع خ خل خمر ص سکر و روغن بادام بضم اول
و سکون ثانی ف خاکستر تمیق الواو خلوف بضم اول و ثانی م آلو تمیق
اللام خلع ع بفتح اول و ثانی مشدد و خفاء ها ف شراب ترش تمیق التحتانی خلال
ماسولی بکسر اول ع اذخر خلبای بفتح اول و ثانی با موحده و الف و کسر تحتانی مجهول
م قته ف بیرزد تنسیق المیم و تمیق الفوقانی خمسة انگشت ف بفتح
اول و سکون سیم و کاف فارسی و سینها لو تمیق الراء المهمله خمر الحمارع بفتح اول
و سکون ثانی و ضم را مهمله م اشنخار خمرع بفتح اول و سکون ثانی ف شراب انگوری
که دانه مدطح ی ۲ ق ملطف خ ریحانی معتدل القوام زرد رنگ خوشبوی که
او و به در و کنند و میان نو و کهن ش هفتاد و د مثقال ص فواکه ترش ل انبه
نمیع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی م فطیرطب ۲ دانق منضج خ معتدل
ملح ص جلجبین تمیق القاف خمسة اودانق ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله

وضم فوقانی وفتح همزه وسکون واو برا مهمله والف وقاف وبعنها لو تمیق اللام
خمل بفتح اول وسکون میم وللام م سونجان تمیق النون خمان بفتح اول وثانی و
الف م خاما را قطی خماهن ف بضم اول وسکون ثانی ومد همزه وفتح ها سنگی ست
حدید سیاه و آن دو نوع ست یکی نرومادہ و نر آن بغایت سخت و تیره رنگ بود چون
بآب سایند سرخ شود مانند شنگرف وگویند در ظرف آن هر چند شراب خورند مستی
نیاورد ع صندل حدید تمیق النون وتمیق الواء المهملة خنگسارف بکسر
اول وسکون نون وکاف فارسی باسین مهمله والف م شوره که جز و بارد و شیخ و
تمیق السین المهملة خندروس ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وضم را
مهمله وسکون واو ع حنظروس ف کاکل دکندم صحرائی وجوبرمنطحی گویند
ح تمیق الکاف خنجک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم م درمنه دیگر اول
درخت بن تمیق اللام خندریل بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وکسر را مهمله
وسکون تحتانی ف کاسنی تبری تمیق النون خندیقون بفتح اول وسکون ثانی
وکسر دال مهمله وسکون تحتانی وضم قاف وسکون واو ف شرابست که از مسل
وشراب کهن یا شلث سازند طحی تمیق الها خنجره بفتح اول وسکون ثانی
وفتح جیم وراء مهمله ف خربار هندی تمیق التحتانی خنثی ع بضم اول وسکون ثانی
وفتح ثلثه والف مقصوره ف بیخ گیاه سیرش طحی ۳ گویند ب رق مجلی و
محلل ش پنجبررم واثمر وشگوفه او دودرم ص شوربای جرب ل فوه ومغات
تنسیق الواو وتمیق الالف خواف بفتح اول باواو والف م گوشت خوک
بضم اول وسکون ثانی ومهمله وفتح کاف ف تخم بارتنگ تمیق الفوقانی خو
بفتح اول وثانی وسکون سین مهمله ف خربزه تمیق الحمیر الفارسی خوج ف
بضم اول وسکون ثانی م گل بستان افروز تمیق الخاء المعجمة خوخ ع بفتح و

وسکون ثانی ف شفتالوه الو وطب ر۲ گویند ق قامع مروخ آنچه استخوان
زود از جدا شود ش یک کف ض بخیل مر بی عیال ل شمش تمیق الراء المهملة خوش نظر
بضم اول وثانی مجهول وسکون شین معجمه وفتح نون وظاء معجمه م کلگه وگویند سرخ مر
تمیق الصاد المهملة خوص بفتح اول م ورق بقل و ورق نخل و ورق نارکیل
را بدین نام خوانند تمیق العین المهملة خوخ اقرع بفتح اول وسکون ثانی وکسر
خاء معجمه ثانی وفتح هنو وسکون قاف وفتح راء مهمله م سازج هندی تمیق الکاف
خواتیم الملک ع ف گل مختوم ونیز ختم الملک گویند بخذف واو وياء تحتانی خوزدو
ف بفتح اول وثانی وسکون زاء معجمه وضم دال مهمله وواو مجهول م خبز دوک خوک
ف بضم اول وسکون ثانی ع خزیر تمیق اللام خوال ف بفتح اول وثانی
والف م دودهٔ که از چراغ حاصل میشود ع مرکب تمیق النون خولان ع بفتح اول
وثانی والف ونون م حفض خولنجان بضم اول وثانی مجهول وکسر لام وسکون
نون باجیم والف که کلیجن طرحی ر۲ گویند ق ملطف مبهی خ سرخ سطبر
کم گره ش نیمدرم تا یکدرم ص کتیرا و چیزهای چرب وصندل وکافور یا ابریشم
ل قیر نفل یا قرفه و در درد گرده وقوت باه یک نیموزن دارچینی ونیموزن برگ
قریض خون سیاوشان بضم اول وسکون ثانی وکسر نون وسین مهمله باتحتانی
والف وضم واو وباشین معجمه والف ثانی ع دم الاخوین وگویند بقم ودوجه بتسمیه آنکه
خون از اسباب سیاوشن اکشت جائیکه خون او ریخته و در آنجا این نبات رسته
که هیلو وکبی تمیق الواو خولنجان ف بضم اول وثانی مجهول وفتح لام وضم لام
ثانی وسکون واو ثانی را زیانه بری تمیق الهاء خواجه گیاه بضم اول باثانی
معدوله والف وفتح جیم فارسی وخفاء باء وکسر کاف فارسی باتحتانی والف که
بالسا خوجه ف بضم اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی م گل بستان افروز خوخ

فلیق استه بفتح اول وسکون ثانی وکسر خاء معجمه ثانی وفتح قاف وکسر لام و
سکون تحتانی وقاف وفتح همزه وسکون سین مهمله وفتح فوقانی م قاقله خودخرد
ف بضم اول وثانی مجهول وکسر دال مهمله وضم خاء معجمه ثانی وراء مهمله واو مجهول ثانی و
اظهار هم گل تاج خروس تخوی ناه ف بضم اول وثانی مجهول وتحتانی بانون والف
واظهار هم خراطین تنسیق الیاء التحتانی وتمیق الالف خیربو بالفتح اول و
سکون تحتانی وکسر راء مهمله وفتح موحده وواو مشدده والف ع قاقله صغا تمیق الجیم
خیروج بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وسکون واو وجیم م خبازی خیشفوج
بکسر اول وسکون ثانی وشین معجمه وضم فا وسکون واو ف پنبه دانه تمیق الدال المهمله
خیدف بکسر اول وسکون ثانی ودال مهمله م خویدکه عبارت از جو وگندم ونخود وسبز
باشند تمیق الراء المهمله خیارچنبر وخیارشنبر بکسر اول باثانی والف وراء مهمله وفتح
جیم فارسی وسکون نون وفتح موحده وسکون راء مهمله ثانی در لغت اول وفتح شین
معجمه در لغت ثانی ه گریالا وامليتاس در هن بهیڑا وبانده پوری وبانده لگڑی
طمع ح ب ق محلل وملین ومسهل صفراخ هندی سطبر سیاه رسیده بر عسل
وفلوس وپوستش براق ورقیق باشد در وقت استعمال از قلم بیرون آرند ش
پنجدرم تا پانزده درم ص روغن بادام ومصطگی وانیسون وعناب یا آب تمر هندی
ل تربخبین وسه وزن آن سونیز بی دانه واندکی ترید تمیق الراء المهمله خیارف
بکسر اول باثانی والف وراء مهمله باورنگ ه کبیر اطب در۲ تمیق النون خیرزان
ف بکسر اول وسکون ثانی مجهول وضم زاء معجمه باراء مهمله والف ونون ه چوب نیب
طح در۲ مع ی ق مفتت حصاة ش دودرم ص افتیمون بنج غلیق تمیق
الواو خیارکدو ف بکسر اول باثانی والف وکسر راء مهمله وفتح کاف وضم دال مهمله
وسکون واو ع هندوانه ه تربوزب رخطمی خیلوف بکسر اول باثانی وضم لام

اصل الفلفل بیله یا دراز طبیعت آن گرم وخشک بود فلفل خشک در زبان پارسی فرفل بستانی وبزبان هندی سلد دیسی وباتری خوانند بالکنو خورد وگویند

وسکون میم ف انار تمنیق النون وانون بالفتح فوقانی وسکون واو ونون ف
بخ حب السلاطین م حوال گوله کی جڑ دار پرنیان ف بکسر اول مهمله وفتح موحده فارسی
وسکون راء مهمله ثانی وکسر نون بانحتانی والف غ چوب بقم دار شیشعان بکسر
راء مهمله وشین معجمه وسکون تحتانی وفتح شین معجمه بانانی عین مهمله والف ثانی وکاف مهمله
طح ای ۲ ق قابض بخ گران سرخی مائل خوشبو سطبر اندک تلخ مش یکدرم تا دودرم
ص دو قو یا ۲ زیانه ل اسارون یا ثمرة الطرفا یا چهار دانگ دزن آن زراوند
تیموزن آن در وبخ یا ۲ مثقال سعد دارتن بکسر اول مهمله وفتح قاف ف شقتا التمنیق
الهاء دار پرزه ف بالفتح موحده فارسی وسکون راء مهمله وفتح زاء معجمه وخفاء هاء
فراشترک دار کیسه بکسر اول مهمله وکاف وسکون تحتانی وفتح سین مهمله م بسبا
وگویند طاکیسفر والکه بالفتح کاف واظهار هاء عنب ف انگور دالپوزه ف
بسکون لام وضم موحده فارسی وواو مجهول وفتح زاء معجمه هم فراشترک تمنیق
التحتانی واو رومی بکسر اول مهمله ثانی وتحتانی وضم راء مهمله وسکون واو وکسر سیم و
سکون تحتانی ثانی م هو فاریقون دارپوی ف بسکون راء مهمله وضم موحده
وواو مجهول ع عود دارچینی ع بکسر اول مهمله وصاد مهمله وسکون تحتانی وکسر نون ه
وال چینی طح ی ۳ گویند ۲ ق ملطف مفتح مدر قوی ل وکبد ومعده ومبی خ
سیلانی خوشبو سرخ تیز طعم شیرینی آمیزش یکدرم ص اسارون ل پوست سیلخه نیموزن
کبابه یا ابهل یا زرنب یا خولنجان تمنیق الباء الموحده وتمنیق الالف وباع بضم
اول باسوحده مشدد والف ف کدو تمنیق الموحده ودباب بضم اول باثانی والف
وموحده ثانی م سنبل سنبر تمنیق الراء المهمله ویوهار بالفتح اول وضم ثانی وسکون واو
باول مهمله ثانی والف وراء مهمله م تمنیق السنین المهمله ودبس ع بکسر اول
وسکون ثانی وسین مهمله ف عدد شاب نعمانی طح بخ بمری آتش ندیده که

از طب فارسی گرفته باشند ص بادام وکاهو وخشخاش وسکنجبین تمنیق القاف
وبق بکسر اول وسکون ثانی وقاف م سویزج عسلی طح ۲ ی ۳ ق محلل ملین
نخ تازه الس که درونش کرانی وبرونش سیاه سرخی مائل ص زرنباد اول نیمون
عاقرقرحا دچهار دانگ زن آن جوزالسرو ونیموزن آن اهل تمنیق اللام
دبول بفتح اول وضم ثانی وسکون واو ولام ف روغن کتان
تمنیق الهاء بالف بفتح اول وثانی والف وفتح لام وخفاء ها م
ترنج وتلبه بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام ف باردرخت کریره
تثنیث تلنسیق وتمنیق الجیم دجاج ع بضم اول باجیم والف وجیم ثانی
ف ماکیان ه کوکڑی وبزبان شاهجهان آباد مرغی طمع ح ق گوشت او
مغذی ومقوی دماغ خ آنکه بیضه ندارد ه باشد ص نان پاک ل دراج دج ع بفتح
اول ف مرغ بری ه طیخام بزبان دهلی مرغا تمنیق الراء المهمله وجرع بفتح اول
وکسر ثانی ف لوبیا تلنسیق الخاء المعجمه وتمنیق الالف دخسیسا بضم
اول وسکون خاء معجمه وکسر سین مهمله وسکون تحتانی باسین مهمله ثانی والف ف
روغن بلسان تمنیق الخاء المعجمه دخ ف بضم اول وسکون خاء معجمه م گیاهست
که ازسیان آب بروید وازان حصیر بافند م لوخ تمنیق المیم دخت مریم بضم
اول وسکون ثانی وکسر نونانی وفتح میم وسکون راء مهمله وفتح تحتانی وسکون میم
ثانی ف پوست درخت سنبهالو ه بهال سنبهالو کی تمنیق النون دخان ع بضم
اول باثانی والف ونون ف دودهٔ دهنوان طح ی ق ملطف مجفف ص
شراب خشخاش دخن ع بضم اول وسکون ثانی ف ارزن ه چینا طب ی
گویند ۳ گویند ص قند مصطگی ل برنج تلنسیق وتمنیق الدال المهمله
دوف بفتح اول وسکون واو مهمله ثانی م جانوران درنده چون شیر وببر وگرگ

واشال آن تمیق الهاء دده ف بفتح هر دو دال مهمله وخفاء ها بمعنی دو مذکور
تنسیق الراء المهمله وتمیق الالف درخت ریشاف بفتح اول وثانی وسکون
خاء معجمه وکسر فوقانی وراء مهمله ثانی وتحتانی مجهول باشین معجمه والف ه درخت برط
درختک داناف بفتح اول وثانی وسکون خاء معجمه وفتح فوقانی وکسر کاف والف
مهمله ثانی بانون والف درختی هست که بهر جانب که آفتاب بگردد برگهای آن
رو بجانب آفتاب کنند وگویند درخت وقواق ه سورج مکهی تمیق الموحده ه
درداب ع بفتح اول وسکون ثانی باداال مهمله ثانی والف وموحده ف وتنبوه
ه کجری تمیق الفوقانی درخت آفتاب پرست ف بفتح اول وثانی وسکون خاء معجمه
وکسر فوقانی دیدهمزه وسکون قاباقوقانی ثانی والف وموحده ساکنه وفتح موحده
فارسی وراء مهمله ثانی وسکون سین مهمله وفوقانی ثالث ه مهمل تمیق الجیم
دراج ع بضم اول وثانی مشدده باالف وجیم ف تراج ه تیتر طمع ف گوشت
او تموی دماغ دراشیج بفتح اول وثانی والف وفتح شین معجمه م نوعی از لبلاب
درنج ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی م دراج تمیق الخاء
المعجمه درانخ بفتح اول وثانی والف وکسر راو وسکون تحتانی وخاء معجمه ف چوب
تمیق الراء المهمله دردار بفتح اول وسکون ثانی باداال مهمله ثانی والف وراء مهمله
ثانی ف درخت پسته وسپیدار وطرق اوب ی ۲ ق قابض مجلی ردی الخمر
ع بضم اول وسکون ثانی وکسر دال مهمله ثانی وضم تحتانی مشدد وسکون لام و
وفتح خاء معجمه وسکون میم وراء مهمله ثانی ف دردی شراب طرح ی خ از شراب
کهن ورد وبطار بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وفتح موحده باطاء مهمله والف ف
توت سکل تمیق السین المهمله درافس شتامی بفتح اول وثانی والف وکسر فاء
وسکون سین مهمله ف شفتالو تمیق الشین المعجمه درش ف بفتح اول وثانی

قاف بضم اول وکسر
قاف ثانی وفوقانی
در زبان اهل
لکری اود رغلن
کلهکری گویند
سرد درختک است
قتاء الحمار
خیار درختی را
گویند در زبان

وسکون شین معجمه م نوعی از خیار که آنرا کلوندہ و درشتی نیز گویند تمیق العین
المهمله درجع ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون عین مهمله ف
شاخل ع لاهر تمیق الفاء درخف ف بضم اول وسکون ثانی وضم خاء معجمه
م زنبور سیاه تمیق اللام درازدنبال بفتح اول وثانی والف درزاء معجمه ونم
دال مهمله وسکون نون با موحده والف ثانی ولام ف گاؤ وگاؤمیش درروی انحل
ع بضم اول وسکون راء مهمله وکسر دال مهمله ثانی وضم تحتانی مشدد وسکون لام
وفتح خاء معجمه ف دردی سرکه طح ی ق مجفف نخ کهنه ص وغن کل ل
شب باسرکه یا شراب تمیق المیم درازدم ف بفتح اول وثانی والف درزاء معجمه
وضم دال مهمله ثانی وسکون میم ف م سگ ه کته تمیق النون درخت گلچکان
ف بفتح اول وثانی وسکون خاء معجمه وکسر نون ثانی وضم کاف فارسی وسکون
لام وفتح جیم فارسی با کاف والف ونون ه درخت مهوا درون بفتح اول وثانی وسکون نون
م زالو ع جونک تمیق الهاء درخت اسبنه ف بضم سین مهمله وسکون نون و
فتح موحده وخفاء ها جانوریست که درخت باسوراخ کند وسبز رنگ باشد م
سبزک ه کنتاس دردہ ف بضم اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله ثانی م درد
شراب وآب درغن واشال آن درکاله ودرکلاله ف بفتح اول وسکون
ثانی با کاف فارسی والف وفتح لام درلغت اول وضم کاف فارسی با لام والف
وفتح لام ثانی درلغت ثانی م نخ درمنه ف بفتح اول وثانی وسکون میم وفتح نون
وخفاء ها جوهری اجابین درونه ف بفتح اول وضم ثانی وواو مجهول وفتح نون
گیاهی ست که شبیه بگندم باشد م درونج عقربی درده ف بفتح اول وثانی مشدد
ومخفف وم شکنبه تمیق التحتانی درونج عقربی غ بفتح اول وضم ثانی وسکون
واو وفتح نون وسکون جیم وفتح عین مهمله وسکون قاف وفتح راء مهمله وکسر موحده

بقول دراونه
قول ست
دارنول تبدل
حنظل ست
قباء هندی
خیارشنبر درقوم
قباء الثمام
حنظل ست
گفته شد
قدیمی گوشت

وسکون تحتانی ه اتوس طرح ی ۳ ق ملطف ومفرح ومقوی دل خ روی مت
نیمدرم تا یکدرم ص رازیانه یانشاسته ل زرنباد دو دانگ مزن آن قرنفل و
گویند عاقرقرحا دو وزن سورنجان دری ف بفتح اول وکسر ثانی هم نوعی از
کبک تلنسیق وتمنیق السین المهمله دس ف بضم اول وسکون سین مهمله
هم گل بخته تمنیق الهاء دستنبویه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وسکون
نون وضم موحده وواو مجهول وفتح تحتانی وخفاد باع شتمامه کجری تلنسیق الشین
المعجمه وتمنیق الراء المهمله دشمرف بفتح اول وسکون شین معجمه وفتح میم
وسکون راء مهمله م شاخل ع درجع ه ارهر تمنیق التحتانی دشتی ف بضم اول
وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی هم زلوه جونک تلنسیق الفاء وتمنیق
الراء المهمله دفار بفتح اول با فا والف وراء مهمله ه گنوار تمنیق التحتانی دفلی ع
بکسر اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی ف خرزهره ه کنیر طرح ی ۳ ق
محلل خ سطبهندرگ ورق اسپیر تلخ سرخ گل سخت ثبرتن نیمدرم تلنسیق القاف
وتمنیق النون وقطا نون بفتح اول وسکون قاف با طاء مهمله والف ویم
والف ثانی وضم نون وسکون واو ونون هم مشکطر اشیع تلنسیق اللام و
تمنیق الموحده دل آشوب ف بکسر اول وسکون لام وهمزه وضم شین معجمه
وسکون واو وموحده م پنج انگشت ه سبنها لو ولبلاب ع بضم اول وسکون ثانی
ف درخت چنار طجوز وپوست اوی اگویند ۲ ب ا وچوب اوب ورق
بجف خ تازه ص عود یاد اچینی ل قشور سان تمنیق المثلثه ولبوث
بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده وسکون واو ومثلثه ف نوعی از سوسن بره
تمنیق السین المهمله ولینسر بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وکسر وفتح
نون وسکون سین مهمله ف نوعی از صدف کوچک تمنیق العین المهمله ولاع

ع بضم اول باثانی مشدد و الف و عین مهمله ف هندوانه تمیق الکاف ولک
ف بفتح اول و ثانی و میم و سکون کاف م پنیر تر و لیک بفتح اول و کسر ثانی و سکون
تحتانی ف تر گل چون گل بریزد آن ثمر حاصل شود تمیق الکاف الفارسی و لنک
ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و کاف فارسی م غلاف خوشهٔ خرما تمیق اللام
و لدال بفتح اول و سکون ثانی با دال مهمله ثانی و الف و لام ف خار پشت ه سنا
تمیق النون و لفین بضم اول و فتح ثانی و کسر فا و سکون تحتانی و نون ف ماهی
بزرگ سیاه رنگ که سرش بخوک ماند ع خنزیر البحر ف خوک ماهی تمیق الهاء و لم
ف بفتح اول و ثانی و میم و خفاء ها م پنیر تر و له ف بفتح اول و ثانی م گربهٔ صحرائی
و بکسر اول م دل تنسیق المیم و تمیق الجیم دم الدجاج ع بفتح اول و ضم
میم مشدد و دال مهمله مشدد و ثانی با جیم و الف و جیم ثانی ف خون ماکیان خ ماخوذ
از طایر سلیم تمیق السین المهمله دم التیس ع بفتح اول و ضم میم مشدد و کسر نون ثانی
مشدده و سکون تحتانی و سین مهمله ف خون بز کوهی خ ماخوذ از بز کوهی چهار ساله
در وقتیکه انگور رنگ گیرد و حلقش ببرند و خون اول و آخر بگیرند و آنچه متوسط باشد
بستانند و در ریگ سنگین کنند تا سرشود پس قرصها ساخته خشک سازند و از غبار
محافظت نمایند و در جای نمناک نهند تمیق العین المهمله دم الضفدع ع
بفتح اول و ثانی مشدد و فتح ضاد معجمه مشدد و سکون فا و فتح دال مهمله ثانی و سکون
عین مهمله ف خون غوک خ از ضفدع زرد و سبز تمیق الغین المعجمه دماغ ع
بکسر اول با ثانی و الف و غین معجمه ف مغز سر ه بیجا طب دق ملین و مقوی
دماغ و مبهی خصوصاً مغز سر دماغ کنجشک و بره بسیار مبهی ست خ ماخوذ از مرغهای کوهی
و از مواشی مغز بره و گوساله ص پودنه و فلفل و خردل و دارچینی و سرکه ل مغز ساق
تمیق القاف و مسق ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله و سکون قاف

وقسط بکسر قاف نوعی از کرات ای کرنب باو بفتح اول و ثانی ترکیب و آن ثمر درخت خارد راست اقاقیا عصاره اوست قرع

ف ابریشم سفید تمیق المیم و دم دم بفتح اول و ثانی و الف و فتح دال مهمله ثانی و
سکون میم ثانی ع مجر الدم و دم الحمام ع بسکون لام و فتح حا و مهمله با میم ثانی و الف
و میم ثالث ف خون کبوتر خ خون طائر سلیم دم ع بفتح اول و سکون ثانی ف
خون ه لوهوط طح رق مغذی ص نا نخواه ل جگر تمیق النون دم الاخوین ع
بسکون لام و فتح همزه و خاء معجمه و واو و سکون تحتانی و نون ف خون سیاوشان
ه هیراود کهی و گویند بقم طب ۱ ی ۲ گویند ح ای ۲ ق قابض طبع و مجفف حابس
دم و مدل خ چکیده صافی که اصلا چوب و رگ و نباشد ش نیمدرم ص صمغ عربی کیترا
یا پودینه ل حصاره او باخس الحمار یا اقاقیا دم الانسان ع بفتح اول و ضم ثانی
مشدد و سکون لام و کسر همزه و سکون نون با سین مهمله و الف ف خون آدمی
دم الثعبان ع بضم مثلثه مشدد و سکون عین مهمله با موحده و الف م دم الاخوین
تمیق الهاء دسرف بکسر اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله و خفا راهام ابریشم
سفید ع دسق دسیجه ف بضم اول و سکون ثانی و کسر سین مهمله و سکون تحتانی
و فتح جیم فارسی م کازرگ ع صعوه ه ممولا تلنسیق النون و تمیق الدال المهمله
و ندف بفتح اول و سکون نون و دال مهمله ثانی م با توع حب السلاطین ه مجال گوله
طح ی ۴ ق مسهل خ چینی بعد از و سبزی بعد از و هندی ش یکمیم حبه تا دو حبه
و گویند دو دانگ تا نیمدرم ص نشاسته و بضم اول ف نوعی از زنبور تمیق الراء
المهمله و نقر بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون را مهمله ف شوره ه
باجی طح ی تمیق الهاء و نقه بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و خفا و هاف
یاسمین ه چنبیلی تلنسیق الواو و تمیق الالف دوپاف بضم اول مهمله و واو مجهول
با موحده فارسی و الف کرم سرخیست که در درخت پلوط یا بند و نان ابریشم امثال
آن رنگ کنند تمیق الهاء المهمله دوبا روح بضم اول و ثانی مجهول با موحده

ف ابریشم سفید تمیق المیم و دم دم بفتح اول و ثانی و الف و فتح دال مهمله ثانی و
سکون میم ثانی ع مجر الدم و دم الحمام ع بسکون لام و فتح حا و مهمله با میم ثانی و الف
و میم ثالث ف خون کبوتر خ خون طائر سلیم دم ع بفتح اول و سکون ثانی ف
خون ه لوهوط طح رق مغذی ص نا نخواه ل جگر تمیق النون دم الاخوین ع
بسکون لام و فتح همزه و خاء معجمه و واو و سکون تحتانی و نون ف خون سیاوشان
ه هیراود کهی و گویند بقم طب ۱ ی ۲ گویند ح ای ۲ ق قابض طبع و مجفف حابس
دم و مدل خ چکیده صافی که اصلا چوب و رگ و نباشد ش نیمدرم ص صمغ عربی کیترا
یا پودینه ل حصاره او باخس الحمار یا اقاقیا دم الانسان ع بفتح اول و ضم ثانی
مشدد و سکون لام و کسر همزه و سکون نون با سین مهمله و الف ف خون آدمی
دم الثعبان ع بضم مثلثه مشدد و سکون عین مهمله با موحده و الف م دم الاخوین
تمیق الهاء دسرف بکسر اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله و خفا راهام ابریشم
سفید ع دسق دسیجه ف بضم اول و سکون ثانی و کسر سین مهمله و سکون تحتانی
و فتح جیم فارسی م کازرگ ع صعوه ه ممولا تلنسیق النون و تمیق الدال المهمله
و ندف بفتح اول و سکون نون و دال مهمله ثانی م با توع حب السلاطین ه مجال گوله
طح ی ۴ ق مسهل خ چینی بعد از و سبزی بعد از و هندی ش یکمیم حبه تا دو حبه
و گویند دو دانگ تا نیمدرم ص نشاسته و بضم اول ف نوعی از زنبور تمیق الراء
المهمله و نقر بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون را مهمله ف شوره ه
باجی طح ی تمیق الهاء و نقه بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و خفا و هاف
یاسمین ه چنبیلی تلنسیق الواو و تمیق الالف دوپاف بضم اول مهمله و واو مجهول
با موحده فارسی و الف کرم سرخیست که در درخت پلوط یا بند و نان ابریشم امثال
آن رنگ کنند تمیق الهاء المهمله دوبا روح بضم اول و ثانی مجهول با موحده

والف وضم راء مهمله وسکون واو ثانی وحاء مهمله کا کنج تمنیق الخاء المعجمه دوخ ف
بضم اول وسکون ثانی وخاء معجمه م لخ ودخ تمنیق الراء المهمله دو والحریع
بضم اول وسکون ثانی وضم دال مهمله ثانی وسکون لام وفتح حاء مهمله وکسر راء مهمله
وسکون تحتانی وراء مهمله ثانی ف کرم ابریشم دوسر بضم اول وثانی مجهول وفتح
سین مهمله م کاکل وجو برهنه وگندم صحرائی طرح رای ۲ گویند ب ق مسل
خ سیاه ش دودرم ص کیتر استقل ل نیموزن حب النیل تمنیق الزاء المعجمه
دو والقرمزع بضم اول وسکون ثانی وضم دال مهمله ثانی وسکون لام وکسر قاف
وسکون راء مهمله وکسر میم وسکون زاء معجمه ف کرم ابریشم سرخ طب ی تمنیق
الصاد المهمله دوص ع بضم اول وسکون ثانی وصاد مهمله ف آبی ست که آهن
تافته در و اندازند دوقص بضم اول وسکون ثانی وکسر قاف ع بصل تمنیق الغین
المعجمه دوغ ف بضم اول وسکون ثانی مجهول ونون معجمه چهاجهه تمنیق الکاف
دوالک ف بضم اول باثانی والف وفتح لام وسکون کاف ع اشنه کاچهر بلا
دلک بضم اول باثانی والف وفتح لام ف فلفل سویه تمنیق اللام دوال ف
بضم اول باثانی والف ولام م زمرد وبعضے گویند الیسفرف پوست بیخ ریتون وبال
ف بضم اول وثانی مجهول باسوحده والف ولام م زمرد دویل ف بضم اول
وکسر ثانی وتحتانی مجهول م ابریشم کنده که از پیله حاصل شود که دو کناء دهان
او باشد تمنیق للیم دوم ع بضم اول وسکون ثانی وسیم م درخت مقل تمنیق
الواو دوقرع بضم اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون واو ف تخم جزبری
که بیخ وی رشتا مل است وگیاه وی خرس گیاه ۴ لالاکاطرح ۳ ی اق منفج باطف
خ تازه در روشن یکدرم ص تخم مورد یا ملبوط یا مصطکی یا طباشیر لدو وزن تخم گذ
یاوه وزن تخم کرفس وبالنخواه تمنیق الهاء دوالحمیع بفتح اول وثانی والف وضم

همزه وسکون لام وفتح حا مهمله وتحتانی مشدده وخطا ها هم جنطیانا دو الف بضم
اول ها ثانی والف وفتح لام وم اشنه دودوه ف بضم اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله
ثانی م دو دچراغ ه کاجل دودوره ف بضم اول وثانی مجهول وفتح زا معجمه خطا وا زکو
تمیق التحتانی دوا را لخطافی بفتح اول وثانی والف وضم همزه وسکون لام وضم
خا معجمه با طا مهمله والف ثانی وکسر فا وسکون تحتانی م ها میران دو دهی ه بضم و
وسکون ثانی وکسر دال مهمله ثانی وا ظهار ها دوای هندیست م سوسپند وشیر کیاه
وقسم خورد او م نکا ارجنی دورحونی بضم اول وسکون ثانی وراء مهمله وضم حا مهمله
وسکون واو وکسر نون ف نوعی از سوسن بر لیست دونه مترکی بفتح اول وسکون
ثانی وفتح نون وهمزه سکینه ها وضم فوقانی وسکون راء مهمله وکسر کاف ه جوهری
اجوائن تلنسیق الهاء وتمیق الالف وهنبا ه بفتح اول وا ظهار ها وسکون
نون با تحتانی والف ف کشنیز تمیق الفوقانی دمست ف بفتح اول وسکون
ثانی وفتح تیم وسکون سین مهمله وفوقانی م درخت غار گویند نخسته تریاق همین بعد
کله بسل می پزد روا نطح ۳ ی ۲ خ ثمر وبرگ او تمیق الجیم دهنج ع بفتح
اول وسکون ثانی وفتح نون وسکون جیم سنگیست بسرف وبانه طب ی ۲ خ
قرنگی شیرین چون آنرا بسایند وبر روی آینه بگذارند تا خشک شود اگر آینه نمک
بردارد تلخ ست والا شیرین تمیق الدال المهمله دهن ماهورو ع بفتح اول وسکون ثا
وضم نون وسکون لام وفتح واو وسکون راء مهمله ودال مهمله ثانی ف روغن گل
طب را تمیق الراء المهمله دهن اصفرغ بکسر نون وفتح همزه وسکون همزه
مهمله وفتح قاف روغن زردی بیضه مرغ ه الله یکا تیل دهن الغارغ بسکون لام
یا غین معجمه والف ف روغن فارل زفت تر تمیق الزاء المعجمه دهن الجوغ بسکو
لام وفتح جیم وسکون واو وزا معجمه ف روغن گردکان طی ۲ دهن اللوغ

۵۳

بفتح لام مشدد وسکون واو ف روغن بادام اصل روغن است شفتالو تمیق
السین المهمله دهن النرجس ع بفتح نون مشدد ثانی وسکون راء مهمله وکسر جیم
وسکون سین مهمله ف روغن نرگس ق مقوی دماغ ل روغن یاسمین تمیق یعنی
المهمله دهن الخروع ع بسکون لام وکسر خاء معجمه وسکون راء مهمله وفتح واو وسکون
عین مهمله ف روغن بید انجیر ل روغن بادام تلخ بید روغن خسکدانه تمیق القاف
دهن الزنبق بفتح زاء معجمه مشدد وسکون نون وفتح موحده ف روغن گل زنبق
ل روغن یاسمین یا روغن بهوسن دهن الخلوق بفتح خاء معجمه وضم لام ف روغن
زعفران تمیق اللام دهن الحل ع بفتح حاء مهمله ف روغن کنجد روغن شیرین
تلون کا تیل وسیٹھا تیل طح زا دهن السفرجل بفتح سین مهمله مشدد وفا وسکون
راء مهمله وفتح جیم ف روغن آبی ل دهن التفاح وبدل دهن تفاح دهن سفرجل
باشد دهن الفجل ع بضم فا وسکون جیم ف روغن ترب ہ مولی کا تیل طح ی ل
ل روغن بیت کمنه دهن البرسیل بروزن مشد وثانی والف وسکون راء مهمله
وکسر جیم وسکون تحتانی ف روغن جوز ہندی ل روغن گردگان تمیق المیم
دهن القرطم بسکون لام وضم قاف وسکون راء مهمله وضم طاء مهمله ف روغن خسکدانه
ل روغن انجیر تمیق النون دهن سمسم ہ بفتح اول وانهار ثانی والف وکسر میم وسکون
نون ہم درخت مشهور ہندیست ونیز نام مازو سیاه دهن البان بسکون لام وباء موحده
والف ہم روغن بکائن ل روغن بندق دهن البلسان بسکون لام وفتح موحده
ولام ثانی وسین مهمله والف ف روغن بلسان خ تازه قوی بوی ل بروزن آن
دهن واوی یا نیموزن دهن ناجیل وانگ ونیموزن آن زیت کمن گویند که
حب بلسان کوفته ورروغن سازند بجوشانند بید روغن گاویکه دران می ریخته باشند
پانزده درم روغن نیت دوده درم روغن ناجیل وپنجدرم عصاره ترب باهم مخلوط کرده

ساکنان
همسایگان
دفاعیستان
مشکست
قیفل
بیماری
وبلغت

بجوشانند تا بر روغن آید در ظرف آبگینه نگاهدارند و گویند که زیر هر گوشش نیشتر شگافته
نزدیک شگافش شیشه آویزند که در و بچکد طاح ی ۲ گویند ۳ دهن السوسن بضم سین
مهمله مشدده و واو مجهول و فتح سین مهمله ثانی م روغن سوسن ل روغن بنفشه از دهن النسرین
بفتح نون مشدد و سکون سین مهمله و کسر راء مهمله و سکون تحتانی م روغن نسرین ل
روغن بادام دهن بضم اول و سکون ثانی ف روغن طاح دق بلین خ تازه بتمیق
الهاء دهنان ف بفتح اول و اظهار ثانی و الف و فتح نون و خفا رها و بی الف نیز م زنجا
نوعیست سبز رنگ و تلخ و از کان بمن حاصل شود ع دهنج دهن الانجره ف بسکون
لام و فتح همزه و سکون نون و کسر جیم و فتح راء مهمله ف روغن کنزنه ل روغن خشکدانه
تمیق الفوقانی دهاتکی ه بفتح اول و اظهار ثانی و الف و فوقانی و کسر کاف و سکون
تحتانی م گل دهاوی دهن الخیری بکسر خاء معجمه و سکون تحتانی و کسر راء مهمله ف
روغن خیری ل روغن حناء دهن السوالی بکسر سین مهمله مشدد و باو او و الف و کسر لام
ف روغن کتان دهن العسلی بفتح عین مهمله و سین مهمله و کسر لام م او مالی تمیق الفوقانی
و تمیق الالف دیاقود ایونانی بفتح اول و کسر آن با تحتانی و الف و ضم قاف
و سکون واو و با دال مهمله و الف ثانی ف شراب خشخاش کرپاپوست بنیزند دیوپالا
ف بکسر اول و ثانی مجهول م واو با موحده فارسی ع عنکبوت و گیاهی ست که بعربی
آنرا جندقوقی خوانند تمیق الفوقانی دیوا سپست بکسر اول و ثانی مجهول و واو
مجهول و کسر همزه و سکون سین مهمله کسر موحده فارسی سکون سین مهمله ثانی و فوقانی
م جندقوقی تمیق الراء المهمله دینار بکسر اول و سکون ثانی با نون و الف و راء
مهمله م تخم کشوث دیوودار بکسر اول و تحتانی مجهول و واو مجهول بادال مهمله ثانی و
الف و بیدارست و آن صنوبر هندی ست ف درخت مانده جندقوقی طاح ی
تمیق السین المهمله دیفروجس یونانی بکسر اول و سکون ثانی و ضم فا و راء مهمله

وسکون واو وکسر جیم وسکون سین مهمله م سه نوع ست اول معدنی که در جزیره
قرس از جائی بهم رسد نوعی از طین ست لیکن چون آفتاب خشک کنند بصلبی
سنگ بود و دوم بقلی که از مس میگیرند چون نحاس بگدازند و آب بروی میزنند
واز بوته بیرون آورند و خبث او پاک کنند سوم مرقشیشاست که میسوانند مانند کبریت
ولون وی بنفره ماند دیوسقوریدس ه بکسر اول هندی وثانی مجهول وخفا رنون وفتح
دال هندی ثانی شجره ترة هندیست بکلانی مانند باونجان لیکن اکثرش کمر و زمان
مورشی ست خوب طرح دیوباقونیطس یونانی بفتح اول ونهم ثانی وسکون واو وباسه
والف وضم قاف وسکون واو ثانی وکسر نون وسکون تحتانی ثانی وکسر طا مهمله م
پیلکوش تمیق الکاف ویگ بردیگ بکسر اول وسکون ثانی وکاف وفتح موحده
وسکون راء مهمله وکسر لام مهمله ثانی وسکون تحتانی ثانی وکاف ثانی ف مرگ موش
عملی وگویند زنبخ مصعد دیگ ع بکسر اول وسکون ثانی وکاف ف خروس ه
گگرطاط گوشت اوح دگویندی خ نردیمک ف بکسر اول وثانی مجهول وسکون
لام وفتح میم ع رتیلا دیوک ف بکسر اول وثانی مجهول وفتح واو وسکون کاف ع
ارضف دیوجه تمیق المیم ویسم بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله ف
بستان افروز دیوگندم بکسر اول وثانی مجهول وواو مجهول وفتح کاف فارسی وسکون
نون وضم دال مهمله ثانی ف بجسی از گندم که دو دانه در یک غلاف باشد وگویند
بزرگ بی دانه تمیق الواو ویخو بکسر اول وسکون ثانی وضم خا معجمه غمروحت کبریت
ه ٹمینٹ دیگاگوف بکسر اول م بابونه تمیق الها وسیمه بفتح اول وسکون ثانی وفتح
سین مهمله وسیم م سورچه دیوجه بکسر اول وثانی وثالث مجهولین وفتح ذال معجمه مشدده ثانی
با و واو والف مجهولین وجیم فارسی ف زالوه جونک توضیح الذال المعجمه تمیق
الالف وتمیق الوحدة ذات الذوائب ع بذال معجمه والف وضم نون ثانی والف

وکسر موحده وسکون موحده ثانی ه درخت بزر تنسیق وتمیق الموحده ذباب ع
بضم ذال معجمه با موحده والف وموحده ثانی ف مگس ه مکی طرح ق مگس ه تمیق
اللام ذبال ع بضم اول با ثانی والف ولام ف کاسه پشت وسنگ پشت تنسیق
الراء المهمله وتمیق الفوقانی ذرع ع بضم اول وفتح زاء معجمه مشدده وسکون فوقانی
ه غلجوای طب ی تمیق الجمیم ذرایح ع بفتح اول وثانی والف وکسر اء مهمله
ثانی وسکون تحتانی ف حیوانی ست از مگس بزرگتر بقدر زنبور سرخ لیکن باریکتر و
نقطهای سیاه بر اعضای آن هم قاتل ست ه بندل طرح ی خ ذهبی رنگ ق مفسرح
ش یک طسوج ص شیر تازه درو غن بادام وعلاب وطین مختوم وباید که آنها را در کوزه
کنند وسر کوزه به لته کتان بسته سرنگون بر بخار سرکه جوشان گذارند تا مخنوق شده
بگیرند طین ه یا گرم سبز که در درخت صنوبر می باشد تمیق القاف ذرق الحطاف
بفتح اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون لام وفتح خاء معجمه وظاء مهمله والف وکسر طاء
مهمله ثانی وسکون تحتانی وقاف بسرگین پرستوک تمیق القاف ذروق بفتح اول
وثانی م جند قوقی ونیز اطلاق می کنند بر پشکل وسرگین تمیق التحتانی ذرانی
ع بفتح اول وثانی والف وکسر نون ف نمک سفید تنسیق الفاء وتمیق الواء
المهمله ذفکر بفتح وکسر اول وسکون فا وفتح کاف تخم کرفس کوهی تمیق التحتانی
ذفری رومی بکسر اول وسکون ثانی وکسر اء مهمله م نوعی از سداب بری ست تنسیق
اللام وتمیق الواو ذلو بضم اول ولام وسکون واو ه جونک تنسیق النون
وتمیق الراء المهمله ذنب الضفدع بفتح اول ونون وضم موحده وسکون نام
با فا والف ف بارتنگ تمیق اللام ذنب الخیل ع بسکون لام وفتح خاء معجمه و
سکون تحتانی ولام م لحیة التیس تنسیق الواو وتمیق الفوقانی ذوثلاث
حبات ع بضم اول وسکون واو وفتح مثلثه ولام والف ومثلثه ثانی وفتح حاء مهمله

۱۵۷

وسوحده مشدد والف ثانی وفوقانی م زعرور ذ ثلاث مثلثه ع بفتح شین معجمه
وسکون واو وبا کاف والف ثانی م شکاعا تحتانی العین المهمله ذ خمسته اصابع
ع ف پنجنگشت تحتانی القاف ذ خمسته اوراق ع بفتح همزه وسکون واو وبا مهمله
والف ثانی وقاف ف پنجنگشت تحتانی الهاء وتحتانی الموحده ذهب ع بفتح
اول وهاء ف زرسونا طح مع ق وقش مقوی دل ش یک قیراط ص عسل
ومشک تحتانی الیاء الفوقانی وتحتانی الموحده ذنب ع بکسر اول وسکون
تحتانی وموحده ف گرگ ه بیتر یا تحتانی النون ذ بفان ع بکسر اول وسکون
ثانی بافا والف ونون ف زهر قاتل تر قلیم الواء المهمله وتحتانی الواو
تحتانی الالف رانا یونانی براء مهمله والف ونون والف ثانی ف انار ریا وزن ان
سکون واو وبا براء مهمله ثانی م خار پشت تحتانی الجیم اتینج رومی بکسر فوقانی وسکون
تحتانی وفتح نون وسکون جیم م صمغ درخت صنوبر ف زنگباری طح ی ۲ ق
مُنبت اللحم مجلی قروح خ سفید زردی مایل کهبوی صنوبر باندص اسفیداج وغنگل
ال قنه وعلک البطم بازفت کهن رانیانج ع براء مهمله والف وسکون زاء معجمه با تحتانی
والف ثانی وفتح نون م مازریانه ف بادیان ه سونف طح ی ۱ ق مفتح مدر مفتت
خ بستانی ش ۱ ریوست او یکمثقال تا دو درم ص صندل وکافور یا زعرور ل تخم
کرفس رامخ بفتح نون ف نارکیل تحتانی الحاء المهمله راح ع بسکون هاء مهمله ف
شراب تحتانی الدال المهمله راوند ع بفتح اول والف وفتح واو وسکون نون ودال مهمله
ف بیخ ریباس ست م ریوند ه ریون چینی طح گویند مع گویند ح ۳ ی ۱ گویند
ح ی ۳ ق مقوی خ چینی که بعد از سحق زعفرانی شود وبعد از شکستن رویش
بکبودی گاو ماند و دیر آریوند لحمی میخوانند ومانند سم اسپ باشد که اصلا سوراخی در
نباشد ش نیم سم تا دو درم وگویند دانگی تا یکدرم ص صمغ عربی یا انار الهندیال یموز

زراوند مدحرج و بوزن وی ورق گل سرخ سنبل بعضی گویند زرشک و طباشیر و زعفران
تمیق الزاء المعجمه راز ف بسکون زا معجمه م خارپشت را و یز ف بکسر او و سکون
تحتانی م درخت اشترغار تمیق السین المهمله ارس ع بفتح اول و همزه ساکنه ف
سرخی مونث تمیق الفاء راف ف ع بسباسه تمیق الکاف رامک ه بفتح میم و
سکون کاف م مرکبی ست از مازو و پوست انار و زاج سیاه و صمغ دود و شاب با عسل
و گویند از مازو و پوست انار و زبیب و ورد و دارچینی طب ی گویند ح ق قابض
خ انچه سرخی زند شش نیم مثقال ص عسل ال اقاقیا یا سواد القضبات یا جلنار یا آمله او
ف بفتح واو و سکون کاف م شراب صاف ع راوق تمیق الکاف الفارسی رانک
ه بخفا و نون ف ارزیز تمیق اللام رال ه م قیر تمیق المیم راز باف م بسکون
راء معجمه با تحتانی و الف و میم م راز یانه تمیق النون راژن بکسر ال مهمله ف زعفران
راسن ف بفتح سین مهمله م زنجبیل شامی و گویند فیلکوش ه راسناطح ی ۲ گویند
۲ ق مقطع ملطف مفرح خ سبز تازه مش یک مثقال ص مصطگی و حمامایا سرکه یاس
ال یرسایاوج ران ف درخت انگوزه رالیسن ه بکسر تحتانی و سین مهمله م نام درخت
هندلیست تمیق الواو رابوف بضم موحده نام گلی ست راسوف بضم سین مهمله
م موش خرماع ابن ع رس ه نیولا تمیق الهاء راقه ف بفتح خفاء هم گیاهی بود
مانند سیر که آنرا بریان کرده بخورند راوجه ف بسکون واو و فتح جیم فارسی م نوعی
از انگور راوسه بسکون واو و فتح سین مهمله م اشترغار راوماده ف بسکون واو
با میم و الف و فتح دال مهمله م انگوزه ع حلیت تمیق التحتانی رادبوی ف بسکون
دال مهمله و ضم موحده و واو بمجهول و تحتانی مجهول ع عود رازقی بکسر اول معجمه و قاف
گل نبق رازیانج شامی رومی بسکون زا معجمه با تحتانی و الف و فتح نون و کسر جیم
با شین معجمه با الف و کسر میم و سکون تحتانی و فتح واو و ضم راء مهمله ثانی و سکون واو و ثا

وکسر میم ثانی م انیسون رطینی بکسر طاء مهمله وسکون تحتانی ونون م همه علفهارا
بدین نام خوانند وعلک یعنی آنچه توان خائید وفرو توان برد مثل مصطکی وسقرائی
ه بکسر همزه وف خرد تنسیق الباء الموحده وتمنیق الالف بیتاع بفتح اول
وکسر موحده وسکون تحتانی با فوقانی والف ف ماهی کوچک طح تمنیق السین المهمله
ر ب السوس ع بضم اول وثانی مشدد وسین مهمله مشدد وسکون واو وسین مهمله ثانی ف
عصاره مهک تمنیق القاف رق سرطانی بکسر اول وسکون ثانی وکسر اء مهمله ثانی
وسکون قاف م عنب الثعلب تمنیق اللام ربل وهی بفتح اول وسکون ثانی و
لام م فستقین کوهی تنسیق الموحده الفارسی وتمنیق الدال المهمله ربد وریو
ف بفتح اول وموحده فارسی وسکون دال مهمله ر لغت اول وضم ثانی فارسی وسکون
واو در لغت ثانی م گیاهی ست که چرنده را مست کند تنسیق الفوقانی وتمنیق
الالف رتیلاه ویونانی بضم اول وفتح فوقانی وسکون تحتانی بالام الف حیوانیست نامه
عنکبوت ف خانه گرک وولد وآن از سموم قتاله ست تمنیق الکاف رنگ ف بضم
اول وفتح ثانی م پودنه بری تمنیق الهاء رته ف بفتح اول وثانی مشدد وخاء مهمله ریشها
تنسیق الجیم وتمنیق الموحده رجل العقاب ع بکسر اول وسکون ثانی وضم
لام وسکون لام ثانی وضم عین مهمله باقاف والف وموحده م الاطریلال رجل الغراب
ع بسکون لام ثانی وضم غین معجمه بباء مهمله والف حشیشی ست که ف سبزی پای
کلاغ گویند وگویند آن آطریلال ست طبخ وی ح ای ۲ تمنیق الدال المهمله
رجل الجراد ع بکسر اول وسکون ثانی وضم لام وسکون لام ثانی وفتح جیم باء مهمله
والف ودال مهمله م زرنب ف سرو ترکستانی تمنیق الراء المهمله رجل الطیر
بفتح طاء مهمله مشدد وسکون تحتانی وراء مهمله م رجل الغراب تمنیق السین رجل الحمام
ع بسکون لام ثانی وفتح حاء مهمله بامیم والف ویم ثانی ف شکار تمنیق الهاء رجل

دریا میرویده
معروف است
گز گز دهره
همنوی گوده
گویند گرم
وخشک است
گز بزرگ بیار
گشنیز دهنده
همینان گویند

۱۴۰

بکسر اول و سکون ثانی و فتح لام و خفا ر ہاف تورکم بقلة الحمقا و بفتح اول ف
سمار و غ تنسیق و تمنیق الخاء المعجمه رخ ف بضم اول و سکون خا ر بجمه جانوریست
مشهور که مانند عنقا وجود خارجی ندارد چنانچه در قسطرنج نامه بنام او موسوم ست
تمنیق المیم رخامع بضم اول و فتح ثانی و الف و یم ف سنگی ست سفید طبی
گویند ح ق مجلی خ سفید ص روغن گل ل شاخ ایل سوخته تمنیق النون پ پسین ف بضم
اول و سکون ثانی و کسر موحده فارسی و سکون تحتانی و نون م قروت طرح ی ۲ و
گویند یعنی دوغ تمنیق الهاء رخمع بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و خفا ر ہاف مرغ
مردارخوار دخنه ف بضم اول و سکون ثانی و فتح نون م کاغذ رضینه بفتح اول و کسر ثانی
و سکون تحتانی و فتح نون م رنگباری تنسیق الدال المهمله و تمنیق الواو ر و نحو
بفتح اول و دال مهمله و سکون نون و نم جیم و سکون واو ف کرم دیو کع ارضه تمنیق الهاء
رده ه بکسر اول و فتح ثانی مشدده و اظهار ہاء و ای ہندیست تنسیق و تمنیق الزاء المعجمه
زرف بفتح اول و سکون زا و عجمه م پیاره انگور و انگور و زہر را نیز گویند تمنیق الهاء
زره ف بفتح اول و ثانی و خفا ر ہام عنب الثعلب ه مکو تنسیق السین المهمله
و تمنیق الفوقانی رسوت ه بفتح اول و سکون سین مهمله و فتح واو و سکون فوقانی
داروی ہندیست که در امراض چشم بکار دارند م حضض تمنیق السین المهمله
رس ف بفتح اول و سکون سین مهمله م طلا و نقره و مس م آہن و سیماب و دیگر فلزات
کشته تمنیق الهاء رسته ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی م شیرینی ست
شبیه بقیروت ع کعب الغزال ه بتاشا تنسیق الشین المعجمه و تمنیق الفوقانی
رشت ف بفتح اول و سکون شین معجمه و فوقانی م خاک تمنیق الدال المهمله رشاد
ع بفتح اول و ثانی م تره تیزک طرح ی منضج محلل خ سبزی بستانی ش د و شقال
ص ہندبا و تخم کرفس ل جرجیر تمنیق الشین المعجمه رش ف بفتح اول و سکون

ثانی م قسمی زخرما که بالیده وسیاه رنگ بود ونوعی از انجیر وسیماب تمییق الکاف رشتاب
ف بضم اول وسکون ثانی وکاف ع عقرب ه بجهو تمییق الهاء شینه بفتح اول و
ثانی وسکون تحتانی وفتح نون م زنگباری تنسیق وتمییق الصاد المهمله
رصاص ع بکسر اول وفتح صاد مهمله والف وصاد مهمله ثانی ف قلعی وآرزیزه رانگا
ورانگ طاب ر گویند ی ق سوخته ومندیل خ انچه نرم تر باشد دل اثمد تنسیق
الطاء المهمله وتمییق الموحده رطب ع بضم اول وفتح ثانی ف خرمای تر ه
پندکهجور طح ر داخ چینی ص بادام وخشخاش بادی خوردن وبعد ازان مغز کاهو
یاخیار بسکر یا سکنجبین خوردن تمییق الهاء رطبع بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده
ف اسپست ترطح ر دق منضج خ سبز تازه ص خرنوب ل جند قوقی تنسیق العین
المعله وتمییق الدال للمهمله رعادع بضم اول باعین مهمله والف ودال مهمله م
عیسوانی ست زریائی ونماهی رعاده تمییق المیم رعی الحمام ع بفتح اول وسکون
ثانی وضم تحتانی وسکون لام وفتح حاء مهمله بامیم والف ومیم ثانی غله الیست غالب
ه غله اره تنسیق العین المعجمه وتمییق الثاء المثلثه رغث بفتح اول وسکون
ثانی ومثلثه ف گلنار تمییق الحاء المهمله رغوة الملح بکسر اول وسکون ثانی وفتح
واو وضم فوقانی وسکون لام وکسر میم وسکون لام ثانی وطاء مهمله ف کف آنگ
تمییق الراء المهمله رغوة القمر ع بسکون لام وفتح قاف ومیم م مجر القمر تمییق
النون رغوة الجامین ع بسکون لام وفتح جاء مهمله باجیم مشدده والف وکسر میم و
سکون تحتانی ف ابریشم ده تنسیق القاف وتمییق الالف رقا بفتح اول و
سکون قاف وفتح عین مهمله م مرس تنسیق السین المهمله رقاقس بضم اول
وفتح ثانی والف وکسر قاف ثانی م خصی الثعلب وگویند لعبت بربر
تمییق القاف رق ع بفتح اول وسکون قاف ف پوست سنگ پشت

تمیق النون رقون ع بفتح اول وضم ثانی وسکون واو ونون م حنا تمیق الهاء
رقعه بضم اول وسکون ثانی وفتح عین مهمله م اسم بخی ست سرخ رنگ وهر دارو ے
که جبر کسر کند آنرا رقعه خوانند مثل انجبار ونبویه وخاماء اقطی تنسیق الکاف
وتمیق الموحدة الفارسی رکت بهپه ه بفتح اول وکاف وسکون فوقانی
وضم موحده فارسی وانظهار ها وسکون موحده فارسی ثانی ف خرزهره سرخ م
لال کیز تمیق الهاء کاسپه ف بضم اول وفتح ثانی والف وفتح سین مهمله وعجمه م
خاریشت تنسیق المیم وتمیق الدال المهمله رماد ع بفتح اول ومیم والف
ف خاکستره راکه طرح ی ق مجفف خ خاکستر بلوطش نیمدرم ص جلاب
وروغن گل تمیق الواء المهمله رمان البزع بضم اول وفتح ثانی مشدد والف
وضم نون وسکون لام وفتح موحده وراء مهمله مشدد درختی ست که بدرخت انار
ماند کوچکتر ازو وحب فلفل دانه ویست مغاث بیخ اوست تمیق السین المهمله
رماس ف بفتح اول وثانی والف م مصطگی تمیق الضاد المعجمه رمان حامض
ع بضم اول وثانی مشدد والف وکسر نون باحاء مهمله والف ثانی وکسر میم ثانی
وسکون ضاد معجمه ف انار ترش طب ی گویند مع ی خ بزرگش دفاوقیه
از شراب اوص رمان حلو یا زنجبیل مربا یا حلوای عسل یا قندل حصرم تمیق اللام
رمان السعال ع بضم سین مهمله مشدد باعین مهمله والف م خشخاش رمل ع
بفتح اول وسکون ثانی ف ریگ ماهی ه ریت تمیق المیم رمع بکسر اول ف
مغز وخاک تمیق الواو رمان حلو ع بضم حاء مهمله ف انار شیرین طب وگویند
مع ح ق مقوی مال خ رسیده الملسی ش دو وقیه از شراب اوص رمان حامض
با او یا عبدا زو تنسیق النون وتمیق الالف رنگینیا ف بفتح اول وسکون نون
وکسر کاف فارسی وسکون تحتانی بانون ثانی والف م شنگرف تمیق الدال المهمله

خوانند کنند
دعلک ربی را
گویند بعضی
مصطگی گویند
درسه درد و خشکی
خفقان را نفع
ست وخاطر را
قوت گرداند
وقی را بازدارد
کستل
مصطگی گویند

رند بفتح اول وسکون ثانی م مورد زلف بفتح اول وسکون ثانی ف بید مشک
تمیق الکاف الفارسی رنگ بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی برکوهی
تنسیق الواو وتمیق الالف روپاه بضم اول وسکون واو باموحده فارسی
والف ف نقره وبموحدة تازی م روباه تریک روجناه بضم اول وسکون ثانی
وفتح جیم بافوقانی بهم کیس روح توتیاه بضم اول وسکون ثانی وحاء مهمله وضم فوقانی
وسکون واو ثانی وکسر فوقانی باتحتانی والف ه جست روهینا ف بضم اول
وثانی مجهول وکسرها وسکون تحتانی بانون والف م پولاد جوهردار روی توتیا
بضم اول وسکون ثانی وتحتانی مجهول وضم فوقانی وسکون واو ثانی وکسر فوقانی
ثانی باتحتانی ه جست تمیق الجیم روسنجتج ع بضم اول وسکون ثانی وفتح
سین مهمله وسکون خاء معجمه وفتح فوقانی وسکون جیم ف مس سوخته طح ی ۳
ق مجفف اکال مجلی خ رقیق سش نیمدرم ص صمغ وکتیرا ل توبال روغ بضم اول
وسکون ثانی وفتح نون م ریوند تمیق الخاء المعجمه روخ ف بضم اول وسکون
ثانی وخاء معجمه گیاهی ست که ازمیان آب برویدوازان حصیر بافند م لوغ
تمیق السین المهمله رموس ع بضم اول وهمزه وسکون واو ف سرباط
ح رق مغذی خ سرهای حیوانات معتدل الرطوبت ل اکارع وبضم وسکون
واو ف روباه روناس ف بضم اول وثانی مجهول بانون والف ع قوه باه
روهنس ه بضم اول وثانی مجهول وفتحها وسکون نون م کندهیل ع اذخر
تمیق الشین المعجمه روشالحمار الوحش ع بفتح اول وسکون ثانی وضم ثالث
وسکون لام وکسر حاء مهمله بابهم والف وکسر اء مهمله ثانی وسکون لام ثانی وفتح
واو وسکون حاء مهمله ثانی ف سرگین گورخر تمیق الکاف روباه تریک ف
بضم اول وسکون ثانی مجهول باموحده والف واظهارها وضم فوقانی وسکون اء مهمله

ثانی وفتح موحده ثانی وسکون کاف ع عنب الثعلب روذک ف بضم اول و
ثانی مجهول وفتح دال مهمله جانوریست که هرچندش بزنند فربه شود وآنرا ابترکی
وشف خوانند واز پوستش پوستین سازند روشنک ف بضم اول وثانی
مجهول وفتح شین معجمه ونون دار وئی ست هندی مانند کمات خشک م شاطل
تمیق النون روبیان ع بضم اول وثانی مجهول بکسر موحده باتحتانی والف
ونون م اربیان ف ملخ دریائی ه جهینگار وین ف بضم اول وثانی مجهول باتحتانی
مفتوحه ه مجیطه تمیق الواو روغجوف بفتح اول وثانی وسکون نون وضم جیم و
سکون واو ثانی ع ارضة تمیق الهاء روچه ه بضم اول وثانی مجهول وفتح جیم
واظهار ها ف نیله گاو روس انگزده ف بضم اول وسکون ثانی وسین مهمله و
فتح همزه وسکون نون وضم کاف فارسی وسکون زاء معجمه وفتح دال مهمله ع
عنب الثعلب چه روس روباه وانگزده دانه انگور روین پیچیده بضم اول وثانی
مجهول وفتح تحتانی وکسر نون وموحده فارسی وسکون تحتانی ثانی ومکسر جیم فارسی
وسکون تحتانی ثالث وفتح دال مهمله ه ناگیسر تمیق التحتانی روباه ترکی باظهار ها
وضم فوقانی وسکون راء مهمله وکسر کاف م خاریشت روئی ف بضم اول وسکون
ثانی ع صفره کالنسی تنسیق الهاء وتمیق الواء المهمله رهج الفار بفتح اول و
سکون ثانی وضم جیم وسکون لام باء والف م سم الفار ف مرگ موش ه
ه سنکهیا تمیق التحتانی رهشی ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر شین معجمه ف
آرده که از کنج سازند طح رتنسیق الیاء التحتانی وتمیق الالف ریهاه
بکسر اول وسکون تحتانی وفتح فوقانی هندی واظهار ها ع بندوق هندی ه نکا
ه بکسر اول وسکون ثانی وضم نون باکاف والف ف تخم چینکشت تمیق
الفوقانی رمیعت یونانی بکسر اول وسکون ثانی وفتح میم وسکون سین مهمله

باب اللام
بیان
گویند درین
بود دوی
شود
گرم
در
در درجه اول

وفتح عین مهملہ م سعد تمیق الجیم ریباخ بکسر اول وسکون ثانی باموحدہ والف
وفتح نون ف نوعی از سرطان بحری طب د ۲ ریتاخ بکسر اول وسکون ثانی
بافوقانی والف وفتح نون م رانینج ریاج ف بکسر اول وثانی مجہول باواو والف
م ریباس تمیق الدال المهملہ ریحان بواو بفتح اول وسکون ثانی باجار مهملہ
الف وکسر نون ل دال مهملہ والف ثانی وضم ہمزہ وسکون واو ودال مهملہ ثانی ف مرزنگوش تمیق الراء المهملہ
ریخرف بکسر اول وثانی مجہول وفتح خا معجمہ ہر نوعی از پارہ تمیق السین المهملہ ریباس ع وبکسر اول
ثانی مجہول با موحدہ والف ف ریواس ریباج ریوند چینی بیخ او ست طب ی ۲ ق قامع مرہ ومفرح
ومقوی دل خ فارسی ش از شرابہا یکوقیہ ص اترج مربا ل حامض اترج یا غورہ
تمیق الشین المعجمہ ریش ع بکسر اول وسکون ثانی وشین معجمہ ف پرہ پنکہ
تمیق النون ریحان سلیمان بفتح اول وسکون ثانی وحاء مهملہ والف وکسر نون
وضم سین مهملہ ون فتح لام وسکون تحتانی ثانی وفتح میم والف ثانی ونون ثانی م
مرزنجوش ریحان ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح حاء مهملہ با الف فنازبوہ
کالی تلسی طح ی ۲ ق محلل خ خوشبوش از تخم او دو درم ص گلاب وکنیز
وخیارین تخم مرو ریم آہن ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر میم ومد ہمزہ وفتح ہا ف
جرک آہن ہ لوہ کسنکہان وکیت ریہقان بفتح اول وسکون ثانی وفتح ہا باقاف
والف ف زعفران تمیق الواو ریلوف بکسر اول وسکون ثانی وضم لام م
شنجار ریونجوف بکسر اول وسکون ثانی وفتح واو وسکون نون وضم جیم وواو
ولوک ع ارضہ تمیق الہاء ریکاسہ ف بکسر اول وثانی مجہول باکاف والف
وفتح سین مهملہ م خارپشت ریگ زادہ ف بکسر اول وثانی مجہول وکاف فارسی
بازاء معجمہ والف وفتح واو مهملہ م ریگ ماہی ع شقنقور ریہ ع بکسر اول وفتح
ثانی ف شش ہ پھیپھڑا طح د ق قلیل الغذا ش دو درم ص نان میدہ

وثانی مجهول واظهار با خاک شور تمیق التحتانی زسی ف بکسر اول وثانی مجهول
وکسر سین مهمله وسکون تحتانی م نوعی از انگور ست ترقیم الواء المعجمه
وتنسیق الالف وتمیق الجیم زاج ع نراد معجمه والف وجیم ف زاک ه
بهشکری وآن انواع باشد سفید راشب وقلقدیس وسرخ راسوری وسبز را
قلقند وزرد را قلقطار وسبز راز اک سیاه نیز نامند وبه هندی کسیس خوانند
وزاک زرد را بهندی هیرا کسیس م زاک لک وزاک ترکی را نیز هندی کسیس خوانند
طلح ی ۳ ق قابض محرق مفرح خ مصری براق زود ریزنده وپاک ونوص شیر
تازه زنان وسکه باشکرل شحاذ زاج ف بکسر اول مهمله زرشک تمیق الجیم
الفارسی زاغج ف بکسر غین معجمه وسکون جیم فارسی م زاغ تمیق القاف زاق
بضم همزه وسکون واو ف سیماب تمیق اللام زاخل بکسر خاء معجمه ف درخت
زقوم گویند که درخت آک زازال ف بهم دو زای معجمه وهر دو الف م مرغی سیاه
پای که تا که بر زمین نشیند نتواند برخواست وبصر سیوک با خ تمیق الهاء زاف
ف بفتح اول والف وفتح فا وخفا رهام خار شت تنسیق وتمیق الموحده
زبل الذئب ع بفتح اول موحده وضم لام وکسر نون ال معجمه مشدده وسکون تحتانی
وموحده ثانی ف سرگین گرگ خ که از بالای خار بگیرند وسفید وورد استخوان
وموی یابند واز زبل سگ که از استخوان خورده باشد زبل کلب بیبع
بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وب موبزم کشمش ط گوشت اوج راودانا او
ب ی ۲ ق ملین منقیح ش دهدرم ص خیار الثعلب سبز یاخسل عناب یابیز
منقی تمیق الدال المهمله زیادع بفتح اول وثانی والف ف تراوش خصیه
ستی جانور نیست گربه آسا زباب وسیده وشاخ طلح ۳ مع ری خ قدری
از وبه سرجوالدوذی کرده قیرین آتش وامند اگر روان نشود جید ست الا شوش

زبدع بفتح اول وثانی ف سکه دشیلزی نمشک م مکهن طح راق منضج محلل
مرخی تازه ماخوذ از شیر میش ص شکر یا یوب حامضل . روغن شسته زبرجد
ع بفتح اول وثانی وسکون راء مهمله وفتح جیم م بهمین نام سنگی ست تمیق الواع
المهمله زبدالبحر ع بفتح اول وثانی وضم دال مهمله وسکون لام وفتح موحده وسکون
حاء مهمله وراء مهمله ف کف دریاء سمندر بهمین طح ی ۳ گویند ه گویند ف مجلی
خ در وی زردی مائل بش یکدانگ تا دو دانگ ص کیتر اور وغن کدو ل
محر القیشور یا بورق ارمنی زبدالبحر ع بسکون لام وفتح موحده وکسر حاء مهمله
وسکون تحتانی ف چیزیست که گرد بر گردنی جمع میشود مانند خ درمیان میستان
وگیاه یابند مانند حجر السیوس بود بشکل زبدالبحر ست بسیار سوراخ زبدالقمر ع بفتح قاف
وسیم م حجر القمر زبدالقوارع بسکون لام وفتح تاف وواو والف وکسر راء مهمله
وسکون تحتانی ف کف آبگینه ه کاچ لون تمیق اللام زبل ع بکسر اول وسکون
ثانی ف سرگین ه لید طح دق معفن زبیب الجبل ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون
تحتانی وضم موحده ثانی وسکون لام وفتح جیم وموحده ثالث م میزج تمیق الواو
زبان گاو ف بفتح اول وثانی والف وکسر نون باکاف فارسی والف وواو
مجهول م گاوزبان تمیق الهاء زبان بره ف بفتح موحده ثانی وراء مهمله وخفاء ها
م بارتنگ زبوده ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وفتح دال مهمله ع کراث
م گندنا تنسیق وتمیق الجیم زجاج ع بضم اول باجیم والف وجیم ثانی ف
آبگینه وشیشه ه کاچ طح ای ۲ گویند اق مذابین مجلی خ سفید شفاف صاف
ش نیمدرم زنج ف بضم اول م قراقروت تمیق اللام زجمول بفتح اول وسکون
ثانی وضم میم وسکون واو ولام م تخم کشوث تنسیق الدال المهمله وتمیق
الواء المهمله زدوارع بفتح اول وسکون دال مهمله باواو والف وراء مهمله م جدار

ف ماه پروین ه زرسبی تلنسبق الراء المهمله وتمنیق الالف زیر اسرپانی
بفتح اول وکسر ار مهمله وسکون تحتانی بار ار مهمله ثانی والف بقلة الحمقا تمنیق
الموحد ه زرنبج بفتح اول وسکون ثانی وفتح نون وسکون موحده ف
سرو ترکستانی ه برنهی سپنتی طرح ی ۲ ق ملطف خ تازه خوشبوش نیم درم ص
حلاب نیمگرم یا صندل ل دارچینی یا کبابه یا هال یا قشر اترج تمنیق الفوقانی
زرین درخت ف بفتح اول وکسر ثانی مشدد وسکون تحتانی ونون وفتح دال مهمله
وراء مهمله ثانی وسکون خاء معجمه وفوقانی م درخت اترج وگویند درختی ست در
ولایت گازرون مشهور بهمین نام ص حب الآس ل قنطوریون باریک یا تخم
خیارزه یا حب لاترج یا نیموزن زعفران تمنیق الجیم زراج ف بفتح اول وثانی
والف م زرشک زراوند مدحرج بفتح اول وثانی والف وفتح واو وسکون نون
وکسر دال مهمله وضم میم وفتح دال مهمله ثانی وسکون حاء مهمله وفتح راء مهمله ثانی زم راوند
طرح ی ۲ گویند ۲ ق ملطف مفتح مقطع خ قرنفل زعفرانی نش یکمثقال تا دو درم
ص عسل یا انبار بیس ل زرنباد وقسط دو دانگ وزن آن بساسه نیموزن
ریوند وگویند یکنیموزن زراوند طویل زرنجف ف بفتح اول وسکون ثانی وضم نون
معجمه وسکون نون م حلبه چینی گیاهیست بغایت بدبو که از صین دسته دسته
بیارند ودر گرمسیر برگ سداب ماند طب دزنگنج ف بفتح اول وسکون ثانی
وضم کاف فارسی وسکون نون م زرنیخ زرنج ف بکسر اول وثانی وسکون نون ع صمغ
زرنیلر بفتح اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی وفتح لام م ساسن تمنیق الجیم الفارسی زرنج ف بفتح اول
وسکون جیم فارسی م کبک تمنیق الخاء المعجمه زرنیخ سرخ بفتح اول
وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی وکسر خاء معجمه وضم سین مهمله
وسکون ج او مهمله ثانی وخاء معجمه ثانی ه مینسل تمنیق الدال المهمله زرسوم

قول حکما بهند
بود درازی
گویند از قول
جالینوس که
حرارت وی
زیادت نبود
بر بیرودت
بیرودت زیاده
نبود بر حرارت
وصالح بن

بفتح اول وسکون ثانی وضم سین مهمله وسکون واو ودال مهمله ف زردچوب
زرنباد ع بضم اول وثانی وسکون نون باموحده والف ه کهجورطح ی ۲
ق ملطف بغشی مفرح مقوی ل ومعده ومبهی خ انچه درتری بکار وپاره نکرده باشند
تاختر ش یکدرم ص فوتنج وسنبل یاصندل ل یک نیموزن درونج وچهار دانگ
وزن آن طرحشقوق بری ونیموزن حب الاترج یاشیطرج ورأس بانیموزن
سنبل زرنبج زرد بفتح اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی وکسر خارمعجمه
وفتح زاء معجمه ثانی وسکون راء مهمله ثانی ه هرمثال طح ی ۳ ق معفن مقرح
قاتل خ ارمنی توبتوش یکدرم ص قی کردن بآب گرم وروغن وشیرتازه ل
لوزه تمیق الواء المهمله زرپرف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وراء مهمله
ثانی فاسپرک تمیق الکاف زرشک ف بکسر اول وثانی وسکون شین معجمه وکاف
ع ابربارپس ونیز گلیست خوشبو زرک وزریک ف بکسر اول وسکون ثانی
ودرلغت اول وکسر ثانی وسکون تحتانی درلغت ثانی م زرشک تمیق الکاف
الفارسی زرنگ ف بفتح اول وثانی وسکون نون وکاف فارسی م زرد آب
گل کازیره ونیز درختی ست کوهی وچوبش بسیار سخت باشد وازان تیره وتیر
ودهنای زین واشال آن سازند گویند که چون چوب درادر گیرانند آتش او
قریب بده روز بماند ونیز نام زرشک وزردچوبه وخرول تمیق اللام زراوند
طویل بفتح طاء مهمله وکسر واو وسکون تحتانی ولام م زراوند دراز طح ی ۲
ق مفتح محلل مغشی مدمل خ زعفرانی سطبر ترازانگشت نرش یکدرم تادودرم
ص مسل یاابربارپس ل شیطرج یازرنباد وقسط ونیموزن فلفل ودودانگ
وزن آن لسفایج ونیموزن انزروت تمیق النون زرقون سریانی بفتح
اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو ونون م سریخ ه سندروزربون ف

بفتح اول وسکون ثانی وضم تحتانی وسکون واو م گل شقایق تمیق الواو زرد خوف
بفتح اول وسکون ثانی ودال مهمله وفتح خا معجمه وسکون واو م گیاهی ست که گلش
زرد وخوشبوست زروف بفتح اول وضم ثانی م زالو تمیق الهاء اندام قوع بضم اول
وثانی والف وفتح فا وخفاء ها ف شتر گاؤ وپلنگ زرده ف بفتح اول وسکون ثانی
وفتح دال مهمله م زردی میان تخم مرغ زرنبله ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر نون
وسکون تحتانی وفتح لام م ریواس تمیق التحتانی زرجامی ف بفتح اول وسکون
ثانی باجیم والف وکسر میم وسکون تحتانی م نوعی از انگور زردک ریکی ف بفتح
اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وکسر کاف وراء مهمله ثانی وتحتانی
مجهول وکسر کاف فارسی م شقاقل زرقوری رومی بفتح اول
وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو وکسر راء مهمله م رجل الغراب تمیق العین
المهمله وتمیق الدال المهمله زعفران الحدیع بفتح اول وسکون عین مهمله وفتح فا وراء
مهمله وضم نون وسکون لام وفتح عا مهمله وکسر دال مهمله وسکون تحتانی ودال مهمله
ثانی ف یم آهن طرح ی تمیق الراء المهمله زعرورع بضم اول وسکون ثانی وضم
راء مهمله وسکون واو وراء مهمله ثانی ف کیل طب ی ۲ ق قابض خ سرخ رسیده
ش شه درم تا پنجدرم ص رازیانه ل بخیر اتمیق النون زعفران بفتح اول وسکون
ثانی وفتح فا وراء مهمله والف ونون ه کیسر طرح ۲ ی ۱ ق محلل مفتح منضج مفرح
مقوی ل منوخ خ تاره سرخ تیز بوی ش پنجدرم تا یکدرم ص انیسون وزرشک
یا جوارش سفرجل ل قسط بوزن دی وکینمورث آن پوست سیلخه تمیق الغین
المعجمه وتمیق الراء المهمله زعفران بفتح اول وغین معجمه والف وراء مهمله م شاخ
درخت انگور زغیرع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف مروسفیده وتخم کتان
لاسی تمیق الکاف زغاک ف بفتح اول وثانی والف وکاف م شاخ درخت انگ

۱۷۱

استعمال کند
لین المجمل
یا مسهل
شتر گاو پلنگ
سه بلک
دیگر ساتله
تمیق الغین
دو بوما نافع
بول لین المعین
یا مسهل
شتر

تمنیق اللام زغال بضم اول و فتح ثانی و الف و لام ه کویله تمنیق النون زغن ف
بفتح اول و ثانی و سکون نون م غلیواز ه جیل تمنیق الفا و تمنیق الفوقانی زفت
ف بضم اول و سکون فا و فوقانی دوائی ست چسپنده که از صنوبر بل برحال
شود و آن بر سه قسم ست رومی و یابس و رطب طح ی ۲ ق محلل ملحم مجلی قروح خ
براق صاف یاکاسش از رومی یکدرم تا دو درم ص کثیرا یا اسفیداج و کافور ل
جاوشیر و علک البطم و سوم و قطران تمنیق الفا زفیرف اندلسی بکسر اول و ثانی و
سکون تحتانی و بغیر تحتانی نیز آمده و فتح راء عجمه ثانی و فا ثانی ف عناب تمنیق القا
و تمنیق المیم زقوم بفتح اول و ضم قاف و سکون واو و میم ه سیندهٔ و تنور تمنیق
الکاف و تمنیق الموحده زکاب ف بفتح اول و کاف و الف و موحده م سیاهی
دوات مداوع مرکب تمنیق الکاف الفارسی و تمنیق الموحده زگالاب ف
بضم اول و کاف فارسی و الف و لام و الف ثانی و موحده م زکاب تمنیق اللام
زکال ف بضم اول و کاف فارسی الف و لام م انگشت نا افروخته ه کویله بن سلگا
تمنیق الهاء زکاه ف بضم اول با ثانی فارسی و الف و فتح لام و خفاء ها ع مداد
تلسیق اللام و تمنیق الکاف زلوک بفتح اول و ضم لام و سکون واو و کاف م
زالو تمنیق الواو زلوف بفتح اول و ضم لام و سکون واو م زالو تمنیق الهاء
زله ف بکسر اول و فتح ثانی مشدد و خفاء ها م جانوریست مانند ملخ که در هوای گرم
بخانه و صحرا فریاد کند تلسیق المیم و تمنیق الجیم الفارسی زنج بفتح اول و
سکون سیم و جیم فارسی ه پیشکری و بکسر اول و فتح ثانی مشدد م زنیست که آنرا چرغ
گویند تمنیق الدال المهمله زمرد بضم اول و ثانی و راء مهمله مشدده و سکون میم مهمله
ه پتان ط ب ی ۲ ق مجفف خ سبز شفاف کهنه ش یکقیراط ص مشک ل
مرجان تمنیق الغین المعجمه زاغ ف بفتح اول و ثانی و الف و ضم راء مهمله و سکون

واو وضمین معجمه م سمارو غ تنسیق النون وتمیق الموحده زنجبیل الرطب ع بفتح
اول وسکون نون وفتح جیم وکسر موحده وسکون تحتانی وضم لام وفتح راء مهمله مشدده
وسکون طاء مهمله وسوحده ثانی ه ادرک وآدا تمیق الدال المهمله زندفن بفتح
اول وسکون ثانی ودال مهمله م درخت مورد تمیق الواء المهمله زنبرف بفتح
وسکون ثانی وضم موحده وسکون راء مهمله ع انبر باریس زنجار بفتح اول وسکون
ثانی وفتح جیم والف ف زنگار طح ی ۴ ق حادا کال خ ماخوذ از معدن مس سیاه
سبز صاف کردن باب گرم وشیر تازه و روغن وشوریای چرب ل اقلیمیا ونیموزن
زنجرف یا رسنجنج زنجفر بفتح اول وسکون نون وفتح جیم وسکون قاف شنگرف ه
اینکر طح ی ۲ گویند ب اق مغسل ص روغن زرد وآب گرم ل مرداسنج یا باسلیقه
زنگبار بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی باسوحده والف ه نیلا نتوتیا زنجرف
بفتح اول وضم ثانی وسکون وادم بن خوشه خربا وحیوان والو تمیق النا زنجرف ۱۷۳
بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون راء مهمله وفام شنگرف تمیق القاف
زنبق بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وسکون قاف م گلیست که آنرا سوسن سفید
گویند طح ۲ مع ی تمیق اللام زنبرف بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده
وسکون لام م انبر باریس زنجبیل ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وکسر موحده
وسکون تحتانی ولام ه سونتله وسندهی طح ۳ ی ۲ ق منشی ومقوی با
وسبی خ چینی زردی نایل ش دودرم ص عسل یا تیرص کافور ل دارفلفل وفلفل
عاقرقرحا تمیق المیم زنجبیل العجم بسکون لام ثانی وفتح عین مهمله وجیم م اشترغار
زنم بفتح اول وسکون ثانی وسیم م مصطکی تمیق النون زنیان ف بکسر اول
وسکون ثانی وتحتانی والف ونون ثانی م بانخواه ه اجوان زن بضم اول م
خندروس تمیق الواو زنجروف بفتح اول وسکون ثانی وضم جیم در او مهمله

وسکون واو م صمغیست که در رو سیم بد و حل کنند تمیق الهاء زنبوره ف بفتح اول
وسکون ثانی ولنم موحده وسکون واو وفتح راء مهمله وخفاء با م زنبور بزرگ زنبه
ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده م گلیست دراز بغایت خوشبوی ع زنبق
تمیق التحتانی زنجبیل شامی بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وکسر موحده وسکون
تحتانی وکسر لام باشین معجمه والف وکسر سیم وسکون تحتانی ثانی م راسن زنگار معد
ف بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی والف وکسر راء مهمله وفتح میم وسکون عین مهمله
ومثناة دال مهمله وکسر نون وسکون تحتانی م توتیاء سبزه نیلا تهو تهاز نگباری ف
بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی بموحده والف وکسر راء مهمله م صمغ صنوبر
ع راتیانج ه رال تنسیق الواو وتنیق الالف زوفراع بضم اول وسکون واو
وفتح فا بار راء مهمله والف ف سیر کسگاذ دنی طح ی ۲ ق ملطف خ نوش نیدرم ص
شقاقل ل زیره کرمانی تمیق الوحدة زوفار طبع بضم اول وسکون ثانی
با فا والف وکسر همزه وفتح راء مهمله وسکون طاء مهمله وموحده چرکیست که بر دمهای میش
ارسن جمع میشود بسبب گیاهی که شیر دارد وآن از نیوعات بود چون بچرند بسبب مدت
وقوت آن شیر وسنج بر دنبه میشان جمع شود وباشد که روان بود وآنرا بپزند وبعوام
آورند وگویند هرگاه که ایل افعی را بخورد قوت طبیعت ایل دافع سموم ست حرکت کن
تا دفع ضرر سم کند عرق بسیار بر پیشانی او جمع شود وکثیف گردد وآنرا زوفای
تر خوانند وآن در غایت قوت بود طح ۳ ق منضج مجال بلیس خ بسیار چرب
ص ورول متر ساق گاؤ یا موم رزن دلادن تمیق الجیم زوبخ ف بفتح
اول وثانی وسکون نون وجیم رده هار گوسفند که بگوشت دنبه گرده قاق کنند
م کلمه تمیق السین المهمله زوفا ریا بس ع بکسر همزه وفتح تحتانی والف وکسر موحده
ف گیاهی ست که بیرگ خاماند و بزوفا مصری مشهور طح ی ۳ ق ملطف منضج

مدر قاطع کرمهای مصری که از کوه بیت المقدس گیرند تق چهار درهم صمغ عربی یا
عناب ل فودنج و پرسیاوشان و تیموزن مز زنجوش تمیق القاف زواوق
بضم اول با ثانی و الف و ضم نمره و سکون واو ثانی و قاف ف سیماب ورق
بضم اول و سکون ثانی ف تخم خرمای جنگلی تمیق النون زوان بفتح اول و ثانی
و الف و نون م یاهین تمیق التحتانی زونی ف بضم اول و سکون ثانی و کسر
نون و سکون تحتانی م زالو تمشیق الهاء و تمیق الالف زهر گیاف بفتح
اول و سکون ثانی و راء مهمله و کسر کاف فارسی با تحتانی و الف م گیاهی ست
که هرگاه ورق او آدمی بخورند بمیرند تمیق الحاء المهمله زهرة الملح ع بفتح اول
و سکون ثانی و فتح راء مهمله و ضم فوقانی و سکون لام و کسر میم و سکون لام ثانی
و حاء مهمله ف نباتی ست که در نیل مصر بر روی آب پیدا شود و در آبهای ایستاده
و نهرها نیز سبز یخ زعفرانی منتن شود گزنده تمیق الراء المهمله زهر الحجر ع بسکون
لام و فتح حاء مهمله و جیم و سکون راء مهمله م عراز الصخر زهرف بفتح اول و سکون
ثانی ع سمه بس تمیق السین المهمله زهرة النحاس ع بضم فوقانی و فتح نون
مشدد و با حاء مهمله و الف ف چیزیست که چون مس بگدازند و آب بران زنند کفی پیدا
گردد و آنرا بدین نام خوانند خ سفید تمیق الکاف زبک ف بفتح اول و سکون ثانی
و کاف م شیر زنان و شیر ماده حیوان نوزائیده پیوی تمیق المیم زهم بضم و
فتح اول و کاف و ثانی و میم م زرنباد تمشیق الیاء التحتانی و تمیق الالف
زیراه بکسر اول و سکون تحتانی با راء مهمله و الف ع کمون تمیق المهملة زیتون الکلب
ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و سکون واو و ضم نون و سکون لام
و فتح کاف و سکون لام ثانی و موحده م زیتون بری تمیق الفوقانی زیت
ع بفتح اول و سکون ثانی و فوقانی ف روغن زیتون طح رخ ترص

عسل ل زرنب کهن روغن خروع یا روغن ترب و در ادویه قتاله زیت البحر تمیق
الجیم الفارسی زنج ف بکسر اول وسکون ثانی وجیم ف م نوعی از زانگور
که بغایت نازک وخوش لذت باشد تمیق الواء المهملة زیتاریع بفتح اول
وسکون ثانی بافوقانی والف وراء مهملة ف ثفل و دردی زیت زیرک ف
بکسر اول وسکون ثانی م اسپرک تمیق الواء المعجمة زیر بکسر اول وسکون
ثانی وضم فوقانی وسکون واو وضم نون وسکون لام وفتح حاء مهملة وموحده
وسکون شین معجمه م زیتون الکلب تمیق الضاد المعجمة زیتون الارض بسکون
لام وفتح همزه وسکون راء مهملة وضاد معجمه م ازریون تمیق الفاف زیبق ع
بکسر اول وسکون ثانی وفتح موحده ف جیوه وسیماب که پاره طبعی محرق
گویند ب د ق مفسد خ زنده که مستعمل نکرده باشند و بغایت جهنده و از
گریاس و در برآید و بلغت کثیریان نامهای بسیار وارد تمیق الکاف زیچک
ف بکسر اول وسکون ثانی و فتح جیم فارسی وسکون کاف م روده گوسپند که بریخ
و گوشت با مصالح پر کرده قاق سازند م کلمه زیرک ف بکسر اول وسکون ثانی
وفتح راء مهملة م فولاد جوهردار تمیق الکاف الفارسی زیگ ف بکسر اول و
سکون ثانی وکاف فارسی م جانوری حقیر جثه خاکستری رنگ که زیر سنگ و دیوار
سرخ مست و کوچکتر از گنجشک نامش معلوم نبود آوازش بغایت خوش وحزین تمیق
النون زیت السودان ع بفتح اول وسکون ثانی وضم فوقانی وفتح سین مهمله
مشدد وسکون واو دال مهمله والف ن روغن بحرک یعنی روغن بادام کوهی
نت الریحان بفتح نون وراء باجیم والف م زیت السودان زیتون ع بفتح اول و
سکون ثانی وضم فوقانی وسکون واو درختیست مشهور طرسیده او مع ح
ی دنار سیده ب می او گویند اطراف برگ او د ق وانچه از سبز دنار سیده است

آنرا زیت الانفاق گویند زیتون بکسر اول وسکون ثانی وزای معجمه ثانی وضم قاف
وسکون واو ف نوعی از درخت سنجد که برنشید هد زیتان بکسر اول وثانی بانون و
الف ه اجوائن تمیق التحتانی زیت بکای بفتح اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وزای
مهمله وکاف وکسر موحده وسکون تحتانی آسانی م زیت شامی ترقیم الزاء الفارسی
وتنسیق الالف وتمیق الزام الفارسی تراژف بهروزای فارسی گیاهیست که
بی تخم روید ودر غایت بیمزگی باشد وچندانکه آنرا بیشتر نخایند نرم شود تراپیژف بکسر
موحده وسکون تحتانی وزای فارسی ثانی م لوبی مادران تمیق الکاف تراژ ودک
ف بضم زای معجمه فارسی ثانی وسکون واو وفتح میم وسکون کاف م لوبیاع لبا
تمیق الهاء تراژه ف بفتح زای فارسی ثانی وخفا رهام تراژ تراله بفتح لام م تگرگ وشنیم
تنسیق الغین المعجمه وتمیق الهاء زغار وزغاله ف بفتح اول وفارسی وغین معجمه
والف وفتح راء مهمله در لغت اول وفتح لام در لغت ثانی م ثان ارمن وسرخی که زنا
بر روی خود مالند تنسیق الواو وتمیق الزاء الفارسی ژروژرف بضم اول فارسی
وسکون واو وزای فارسی ثانی م خارپشت تمیق الکاف ژروژک ف بفتح اول
فارسی وسکون ثانی وفتح زای مهمله وسکون کاف پرنده ایست سرخ فام بقدر گنجشکی
تنسیق التحتانی وتمیق الهاء ژیوه بکسر اول فارسی وتحتانی مجهول وفتح واو وخفا رها
م سیماب ترقیم السین المهمله وتنسیق وتمیق الالف سا لاسند بسین
مهمله والف ولام والف ثانی وفتح میم وسکون نون وفتح دال مهمله باراء مهمله والف
ثالث م نوعی از عظا ماست که چهار پای دگر دود رکان نوشادر بسیار بود ودنب
وی کوتاه بود وسیر وش وآن بزرگتر وبهین تر از سام ابرص باشد وگردن وی
باریک بود ولون وی ابلق زرد وسیاه بود وگویند چون در آتش اندازند نشود
وچون او را بسنگ زنند کارگر نشود واز جمله سموم قتاله است مانند زرنیخ تمیق الفوقانی

ساسا کشت سریانی بهر دو سین مهمله و جر و الف و را مهمله و کسر کاف و سکون شین
معجمه و فوقانی ف تخم انجره تمیق الجیم سابیرج ف بکسر موحده و سکون تحتانی
و فتح زا معجمه و سکون جیم ف مردم کیاع تفاح ساج ف بسکون جیم م مادهٔ مرغ کنج
عربی اره ه درخت سال طب ی ۳ ساج ع بکسر دال مهمله گویند برگ و نفل است
و گویند برگ درختیست که دارچینی پوست اوست و کبابه ثمر او و گویند برگ درخت
صندل ست ه تیج طح ی ۲ گویند ح ۲ ق ملطف و مقوی معده خ تازه که
گیرویش بزردی مائل بود و روی بسبزی مائل باشد و قوی رایحه سیاه مانند نفل
مانند و زود شکننده نباشد تش یکمثقال ص مصطگی یا شراب به یا صندل ل
سنبل الطیب یا سلیخه یا طالیسفر ساج ف بکسر را مهمله جانوریست خوش آوازم
شارساز نج ف بفتح را مهمله و سکون نون مرغی ست کوچک ضعیف سیاه رنگ
که در آذربایجان سوران گویند و سارنگ و سابیج نیز خوانند تمیق الدال المهمله
سارف بسکون را مهمله م خوک سارو ع بکسر را مهمله ف کنه که در بدن حیوان
می پسید تمیق الراء المهمله سابره بفتح موحده حیوانیست هندی که از چرم او شلوکه
سازند و بند کمر و بند شمشیر نیز ط گوشت اوج ی سارخکدار و سارشکدار ف بفتح
را مهمله و سکون خا معجمه و کاف با دال مهمله و الف در لغت اول و سکون شین
معجمه در لغت ثانی شجرة البق سارف جانوریست پرنده سیاه رنگ که خالها سفید
دارد و خوش آواز بود و بیشتر شکار ملخ کند و نیز شتر را مانند سار ف بفتح سین مهمله
و ثانی م شارک ه سارو و بضم سین مهمله ثانی نی که از و قلم سازند سامندر ف بفتح
میم و سکون نون و فتح دال مهمله م جانور سمندر که در آتش نشکون شود سامور
بضم میم و سکون واو و ها لماس سایه پرورده بفتح تحتانی و خفا رها و فتح موحده فارسی
و سکون کاف را مهمله و فتح واو و جیم چنیدا تمیق الزاء المعجمه سانیر ف بکسر میم و سکون تحتانی

ازبرگ سپیول درست ... از گلبرگ و گل و برگ انواع سپیول ست از دانه و میوه ... از خانه و باغ نگاه بانان بره

دلبقدار خورد
درست و
بزبان هندوانرا
کلپی خوانند و
طبعش سرد و
خشک ست
در دوم در
دبیل آن بورنیه
آن حماض لسانی
بوده لسان

وزاء معجمه م سنگی که بدان کارد و شمشیر تیز کنند تمنیق السین المهمله سارس ه بفتح را
مهمله وسکون سین مهمله ثانی م جانور مشهور هندیست ساسالیوس بسین مهمله ثانی و
الف ثانی وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو م انجدان رومی وکاشم رومی ط
ح ی ۲ ل خردل سفید یا انجدان طیب ساس ف بسین مهمله والف ه
کهتمل کرمیست خورد که خون آدمی بخورد ساویس ف بکسر او وسکون تحتانی م
نخاله سایوس ف بضم تحتانی وسکون واو م اسبغول تنسیق الشین المعجمه
سایه خوش ف بفتح تحتانی وخفار ها وضم خاء معجمه وواو معدوله وشین معجمه درخت بان رو
تمنیق الصاد المهمله سام ابرص ع بکسر سیم وفتح همزه وسکون موحده وفتح
راء مهمله وسکون صاد مهمله ف ماترنگ وچلپاسه سپکلی وچپکلی ونکتکی ط ح
ی ق مفسدخ انچه در بساتین باشد ص روغن زرد وعسل وآب گرم ل وزغ تمنیق
الغین المعجمه ساغ ف بسکون غین معجمه نام مرغیست مانند سار تمنیق الکاف
سابیزک ف بکسر موحده وسکون تحتانی وفتح زاء معجمه وسکون کاف م سابیز ج
سارخک وسارشک ف بفتح راء مهمله وسکون خاء معجمه در لغت اول وسکون
شین معجمه در لغت ثانی م پشه سارک ف بفتح راء مهمله م سار وستابه برک ف
بفتح تحتانی وخفار ها وفتح موحده وراء مهمله م گیاهیست که چون شتر بخورد بخواب
رود تمنیق اللام سال ه بسکون لام ع سازج تمنیق المیم ساسم ف بفتح
سین مهمله ثانی وسکون میم م آبنوس سام ف م آتش تمنیق النون ساسن
ف بکسر خاء معجمه وسکون نون ع صاروج ساده وران بدال مهمله والف ثانی
وفتح واو وراء مهمله والف ثالث م سواد القصاة وسیهک وهاوران گویند چیزیست
مانند صمغ که در اندرون بیخ گردکان که مجوف شده باشد یا بند گویند درمیان
درخت بطم کهن میباشد واو را بن آب خوانند ط ب ۲ می ۳ وت قابض خ

۱۷۹

ان بهنه الفح سرکی والعلی
لک بزبان
هندی ۱۱ ل
گویند صمغ درختی
ست وان درخت
بلم بسیار شکوفه
زمین هندوستان
بسیار باشد خاصه
گرمسیر ۱۱ در درجه
اول وخشک
ست در درجه

مائل بسرخی شش و دو دانگ ص زعفران ل فیلزهرج یا دو دانگ وزن آن بیخ نی
یا آملہ و اتاقیا ساطریون بفتح طا مہملہ و سکون را مہملہ و ضم تحتانی و سکون واو
م خصی الثعلب ساگون ہ بفتح کاف فارسی و سکون واو درخت مشہور ہندیست
کہ برگہاش گوش فیل ماند و درشتی ملمس برگش چون بسوہان سالیون ف بکسر لام
و ضم تحتانی و سکون واو م تخم کرفس کوہی سانبہلون ہ بسکون نون و فتح موحدہ
و اظہار ہا و سکون را مہملہ و ضم لام و واو مجہول ع ملح عجمین و اندرانی سان ف
سنگ و سنگی کہ بدان کارد وغیرہ تیز کنند کہ آنرا فشان نیز خوانند ساوان ہ باواو و الف
ثانی غلہ ایست مشہور ف شاماخ تمیق الواو سارو ف بضم را مہملہ و سکون واو
م صاروج و بواو مجہول م جانوریست سیاہ رنگ کہ در ہند بہم رسد و مانند طوطی سخن
گوید و آنرا شادر و شارک نیز گویند ساوف زر خالص کہ شکستہ و ریزہ ریزہ باشد
ع قراضہ و نیز جوشہ خار دار سفید رنگ کہ در ایش یک گز باشد و آنرا چون ہیمہ
بسوزند و نیز بمیان گرم پیلہ بگذارند تا پیلہ بران تند تمیق الہا ساده ف بفتح
وال مہملہ و خفار ہا ع ساوج سارونہ ف بضم را مہملہ و سکون واو و فتح نون م نرانگ
سانقہ بکسر نون و فتح قاف پرسیاوشان تمیق التحتانی ساٹھی ہ بکسر فوقانی
ہندوی اظہار ہا و سکون تحتانی ف قسمی از شالی سرخ ہندیست ساجی ہ بکسر جیم
ف شخار ساری ف بکسر را م سارسالی بکسر لام م انجدان رومی و کاشم رومی
تمیق الموحدة البلہ و تمیق الالف سبع الشعرا بفتح اول و سکون موحدہ
و ضم عین مہملہ و شین معجمہ مشدده و فتح عین مہملہ ثانی بارا مہملہ و الف م افتیمون
تمیق الفوقانی شبلت ف بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون فوقانی
م سرشیش تمیق الجیم سبنج ع بفتح اول و موحده و سکون جیم ف شبطرف
تمیق الخاء المعجمہ سنج ف بکسر اول و فتح ثانی و سکون خا معجمہ م نمک

تمیق الدال المهمله سبوسپندف بفتح اول وفتح ثانی وسکون واو وکسر سین مهمله ثانی
وفتح موحده فارسی وسکون نون ه جرانسا تمیق الشین المعجمه سبیوش ف بکسر
اول وسکون ثانی وضم تحتانی وسکون واو م تخم اسبغول تمیق الضاد المعجمه
سبع الارض ع بفتح اول وثانی وضم عین مهمله وسکون لام وفتح همزه وسکون راء
مهمله ف پرسیاوشان تمیق الکاف سبزک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح
راء معجمه م جانور کاسکینه سبک ف بکسر اول وفتح ثانی م جانوریست پرنده که بخلاف شپره عاشق نور آفتاب
باشد تمیق اللام سبزبال ف بفتح اول وسکون ثانی وزاء معجمه بامیم الف لام م نوعی ازانگور تمیق الخاء المعجمه
بضم اول وثانی والف وفتح دال مهمله وخفاء هاء سنگی که ازان فسان سازند وهکاکان بگیرند بان تبر آسند
وجلاد هند م سنباده سبوسه ف بفتح اول وضم ثانی وواو مجهول وفتح سین مهمله ع کرم
گندم خوار سبوس آرد تمیق التحتانی سبزبالی ف بفتح اول وسکون موحده وزاء
معجمه بامیم والف وکسر لام وسکون تحتانی م نوعی ازانگور تنسیق الموحده الفارسی
وتمیق الفوقانی سپست ف بفتح اول وکسر موحده فارسی وسکون سین مهمله ثانی
وفوقانی م سپست تمیق الخاء المعجمه سپاناخ ف بکسر اول وبا ثانی فارسی
والف بانون والف ثانی وخاء معجمه ه ساگ پالک تمیق الضاد المعجمه سپندیان
الارض بکسر اول وفتح ثانی فارسی وسکون نون وفتح دال مهمله بانحتانی والف وضم نون
ثانی وسکون لام وفتح همزه وسکون راء مهمله م نرسیون تمیق الکاف سپارواک
ف بفتح اول وثانی فارسی والف وضم راء مهمله وسکون واو وکاف م کبوتر سپرک
ف بکسر اول وسکون ثانی فارسی وفتح راء مهمله م سپرک تمیق اللام سپل ف
بفتح اول وثانی فارسی م سمشتر تمیق المیم سپرغم ف بکسر اول وفتح ثانی فارسی
وسکون راء مهمله وفتح غین معجمه وسکون میم ع ریحان وخمیران وبادرنج ه بهری سپرم
وسپرهم ف بکسر اول وفتح ثانی فارسی وراء مهمله وفتح اول وسکون راء مهمله

وفتح ها در لغت ثانی م سپرغم تمنیق النون سپستان بکسر اول و ثانی فارسی وسکون سین
مهمله ثانی با فوقانی و الف و نون ف سنگ پستان ه لسوڑا طمع گویند رق
ملین منضج خ پرگوشت سق پانزده تاسی عدد ص آملد عناب سپیدان بکسر اول
وفتح ثانی فارسی وسکون نون با دال مهمله و الف ه اسبند تمنیق الواو سپید سرو
بفتح اول و کسر ثانی فارسی و تحتانی مجهول و دال و فتح میم وسکون را مهمله و واو مجهول
نباتی ست مانند بستان افروز که ساق آن سپید بود تمنیق الها سپارو ف بفتح اول
و ثانی فارسی و الف و فتح را مهمله م سنباده تمنیق التحتانی سپاری ه بضم اول با ثانی
فارسی و الف و کسر را مهمله ع فوفل سپیدوی ف بفتح اول و کسر ثانی فارسی و تحتانی
مجهول و دال مهمله و ضم را مهمله و سکون واو م قلعی تمنیق التاء الفوقانی و تمنیق
الواء المهملة ستاوره بفتح اول و فوقانی و الف و فتح واو و دای مشهور هندیست
ستور ف بضم اول و ثانی وسکون واو بطریق عموم هر جانور چهارپای و بطریق خصوص
اسپ و شتر تمنیق الکاف ستبناک ف بفتح اول وسکون ثانی با موحده و الف و کاف
م سپند سوختنی تمنیق الکاف الفارسی ستنگ ف بفتح اول وسکون فوقانی و فتح
مهمله وسکون نون و کاف فارسی نباتیست شبیه بآدمی که در زمین چین و بد گویند که
تخمش نسا بود چنانچه ریشه اش بتر که سوی سر باشد و نر ماده دستها در گردن هم آورده باشند
و پاها در هم محکم ساخته و نر را پای راست بر پای چپ ماده افتاده و ماده را برعکس آن
و هر کس که آنرا بکند در زمان بمیرد و یا بعد از سالی بمیرد و هر گاه که این را بکنند از اطراف
بوته آن خاک را خالی کنند چنانچه باندک قوت کنده شود پس بر سیمان گاو یا سگ
بنمایند تا بجانب طعمه بدوند و آن با بیخ برآید م استرنگ مردم گیا و سگ کن ع پیرنج
الصنم تمنیق الهاء سته ف بفتح اول و ثانی و خفا و هم انگور تمنیق الصیه و تمنیق
الطاء المهملة سجلاط یونانی بفتح اول وسکون جیم بلام و الف و طا مهمله ف یاسمین

تمیق الکاف سنجک ف بفتح اول وضم ثانی م شیر دوغ که با هم بیامیزند و شبت بریزه ریزه
کرده دران بریزند و آنرا در دناغ و شیراز نیز خوانند تمیق اللام سنجبل ع بفتح اول
و ثانی وسکون نون و فتح جیم ثانی و لام ف زعفران تمیق المضاء المعجمه و تمیق
السین المهمله سنجینوس بفتح اول و کسر ثانی وسکون تحتانی وضم نون وسکون واو
و سین مهمله ثانی م اذخر تمیق الدال المهمله و تمیق الموحده سداب بضم اول
و دال مهمله و الف و موحده ه سانول م ساتری ط ترآنج ی ۲ و خشک آن ۳ گویند
تراوه ۳ گویند ۴ ق مقطع محلل و ملطف مدر بغشی مفرح خ بستانی سبز تیز بوی که نزدیک
درخت انجیر رسته باشد بش سه درم ص انیسون یا بقله الحمقا ل نعناع و فوتنج
یا سیر تمیق الواو المهمله سدیع بکسر اول وسکون ثانی و راء مهمله ف درخت کنار
ه بیرکار و کهه طب ی ۱ ق قابض خ سبز پین ورق ش سه درم ص کیتر اتمیق الهاء
سنپایه ف بفتح اول وسکون ثانی با موحده فارسی م الف و فتح تحتانی و خفا و یا چربیده است ۱۸۳
که در گوش و درم هزار پایه سده ف بفتح اول و ثانی و جیم ست که در دار المرز و ماوراء النهر
از دیگر بلاد ایران و توران بیشتر شود بمثابه بزرگ باشد که تنه او بدشواری در بغل حیاط
کس در آید و برگهایش بمرتبه ایست که باران ازان نگذارد و تا دو بیست سوار در سایه
آن درخت آرام توانند گرفت و بحدی مدور بود که برگی از دیگر برگهای آن بلندتر نباشد
و ساقش بغایت موزون بود و بران درخت چیزی گرد مانند خریطه که از چرم ساخته
باشند بهم رسد و پر از پشه باشد و در ایام بهار در میان آن خریطه آبی بهم رسد و در آب
منجمد گردد مانند صمغی که آنرا بعوض صمغ در سیاهی کنند سیاهی مازنگین و شفاف
سازند و آنرا پشه خانه و پشه دار و پشه غال و سار خلدار و سار شکدار و بازبن کژم و الا
مشکر و اغال پشه و کنجشک و کنجک و در دار نیز خوانند ع شجر البق تمیق التحتانی
سدی ف بفتح اول وسکون ثانی و تحتانی مجهول بلغت اهل مدینه خلال و غوره خرما

وفتح ها در لغت ثانی م سپرغم تمنیق المنون سپستان بکسر اول و ثانی فارسی وسکون سین
مهمله ثانی با فوقانی و الف و نون ف سنگ پستان ه لسوط اطمع گویند رق
ملین منضج خ پرگوشت ش پانزده تا سی عدد ص آملک عناب سپندان بکسر اول
وفتح ثانی فارسی وسکون نون با دال مهمله و الف ه اسبند تمنیق الواو سپید سرو
بفتح اول و کسر ثانی فارسی و تحتانی مجهول و دال و فتح میم وسکون را مهمله و واو مجهول
نباتی ست مانند بستان افروز که ساق آن سپید بود تمنیق الها سپارهف بفتح اول
وثانی فارسی و الف وفتح را مهمله م سنباده تمنیق التحتانی سپاری ه بضم اول با ثانی
فارسی و الف و کسر را مهمله ع فوفل سپیدوی ف بفتح اول و کسر ثانی فارسی و تحتانی
مجهول و دال مهمله وضم را مهمله وسکون واو م قلعی تمنیق التاء الفوقانی و تمنیق
الواء المهملة ستاوره بفتح اول و فوقانی و الف وفتح واو و دای مشهور هندیست
ستورف بضم اول و ثانی وسکون واو بطریق عموم هر جانور چهارپای و بطریق خصوص
اسپ و شتر تمنیق الکاف ستباک ف بفتح اول وسکون ثانی با موحده و الف و کاف
م سپند سوختنی تمنیق الکاف الفارسی ستنگ ف بفتح اول وسکون فوقانی وفتح
مهمله وسکون نون و کاف فارسی نباتیست شبیه بآدمی که در زمین چین رسد گویند که
انگونسار بود چنانچه ریشه اش بتر لئه موی سر باشد و نر و ماده دستها در گردن هم آورده باشند
و پایها در هم محکم ساخته و نر را پای راست بر پای چپ ماده افتاده و ماده را برعکس آن
و هر کس که آنرا بکند در زمان بمیرد یا بعد از سالی بمیرد و هر گاه که این را بکنند از اطراف
بوته آن خاک را خالی کنند چنانچه باندک قوت کنده شود پس بر سیمان گاو یا سگ
بنمایند تا بجانب طعمه بدوند آنرا بزنند برآیند مستر نگ مردم گیا و سگ کن ع پیرزج
الصنم تمنیق الهاسته ف بفتح اول و ثانی و خفاء هام انگور تشیق الصیم و تمنیق
الطاء المهملة سجلاط یونانی بفتح اول وسکون جیم بلام و الف و طاء مهمله ف یاسمین

تمیق الکاف سنجک ف بفتح اول وضم ثانی م شیر و دوغ که با هم بیامیزند و شب پاره ریزه
کرده دران بریزند و آنرا در دزاغ و شیراز نیز خوانند تمیق اللام سنجبل ع بفتح اول
و ثانی و سکون نون و فتح جیم ثانی و لام ف زعفران تمیق الخاء المعجمه و تمیق
السین المهمله سنجینوس بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم نون و سکون واو
و سین مهمله ثانی م اذخر تمیق الدال المهمله و تمیق الموحده ه سداب بضم اول
و دال مهمله و الف و موحده ه سانول م ساتری ط تر آن ج ی ۲ و خشک آن ۳ گویند
تراو ۳ گویند ۴ ق مقطع محلل و ملطف ه بغشی مفرح خ بستانی بهتر نیروی که نزدیک
درخت انجیر رسته باشد ش سه درم ص انیسون یا بقله الحمقا دل نعناع و فوتنج
یاسمیر تمیق الراء المهمله سدع بکسر اول و سکون ثانی و راء مهمله ف درخت کنار
ه بیرکار و کهه طب ی ۱ ق قابض خ سبز پن ورق ش سه درم ص کبیر تمیق الهاء
سنپایه ف بفتح اول و سکون ثانی با موحده فارسی م الف و فتح تحتانی و خفا و پا چربیده است
که در گوش و دهم هزار پایه سده ف بفتح اول و ثانی درختی ست که در دارالمرز و ماوراءالنهر
از دیگر بلاد ایران و توران بیشتر شود منبا به بزرگ باشد که تنه او بدشواری در بغل حمایل
کس در آید و برگهایش بمرتبه ایست که باران ازان نگذارد و تا دو یست سوار در سایه
آن درخت آرام توانند گرفت و بحدی مدور بود که برگی از دیگر برگهای آن بلندتر نباشد
و ساقش بغایت موزون بود و بران درخت چیزی گرد مانند خریطه که از چرم ساخته
باشند بهم رسد و پر از پشه باشد و در ایام بهار در میان آن خریطه آبی بهم رسد و در آن آب
منجمد گردد مانند صمغی که آنرا بعوض صمغ در سیاهی کنند سیاهی بارنگین و شفاف
سازند و آنرا پشه خانه و پشه دار و پشه غال و سار خلدار و سار شکدار و بازبن کرم و الا
مشکر و اغال پشه و کنجشک و کنجک و در دار نیز خوانند ع شجر البق تمیق التحتانی
سدی ف بفتح اول و سکون ثانی و تحتانی مجهول بلغت اهل مدینه ع خلاف و غوره خرما

تنسیق الواء المهمله وتمنیق الالف سرپوشکاه بفتح اول وسکون راء مهمله
وضم سوحده فارسی واظهار ها وسکون واو ونون باکاف والف قسمی از چرچر تمنیق الواو
سراج القطرب ع بکسر اول باثانی والف وضم جیم وسکون لام وضم قاف وسکون
طاء مهمله وضم راء مهمله ثانی وسکون سوحده گویند که این نام مشتق از دو چیز است
یکی سراج وآن چراغ ست دوم قطرب وآن جانوریست که آن را طیتوت گویند
ودر شب رشینیست وچون این گیاه بشب روشنست ماه میکه ترست پس مشابهت
بسراج وقطرب هر دو که در شب روشن اند وگویند که قطرب این گیاه را دوست دارد
ودر شبها طلب کند طاح ی اق قابض مخدرخ نوش نیدرم ص کیشال زوفا
یا داورد سرب ف بضم اول وسکون ثانی ه شیشا سرخاب بضم اول وسکون ثانی
یا خاء معجمه والف م مرغابی سرخ رنگ مادهٔ آن حیض کند وسرخی که زنان باسفید آب
بهبت خوش آیند رنگی بر رخساره بمالند وشراب تمنیق الجیم سرنج ف بکسر اول
وثانی وسکون نون وجیم ه سنهدر تمنیق الدال المهمله سراد بفتح اول و
ثانی والف ودال مهمله ع خلال ف غوره خرما سرخ مرو بضم اول وسکون ثانی
وخاء معجمه وفتح میم وسکون راء مهمله ثانی رستنی باشد که برگش شبیه ببرگ بستان افروز
بود وساق آن سرخ خوش رنگ وخوش آینده وآن را نازک بدن نیز خوانند
سرمساد بفتح اول وسکون ثانی بامین مهمله ثانی والف ف پنجنگشت سرند
بکسر اول وثانی وسکون نون ف جامسبک ه سوال وعشقه را نیز خوانند تمنیق الزاء
المهمله سرف بفتح اول وراء مهمله ع اُس بضم اول شرابیکه از برنج سازند ونام نوعی
از ماهی که طول آن یک گز ست وخرطومی بزرگ دارد مانند پیکان واکثر حیوانات
را بدان گزند رساند سرمورد بفتح اول وسکون ثانی وخاء معجمه وفتح میم وسکون
واو م ساگ چوک تمنیق الزاء المعجمه سرخ مزف بضم اول وسکون ثانی خاء معجمه

وفتح میم وسکون راء مهملة ثانی وزاء معجمه م سرخ مرو سرو ناز ف بفتح اول وسکون ثانی
وکسر واو ونون والف م سرو نورسته تمیق السین المهملة سرخس ع بفتح
اول وثانی وسکون خاء معجمه وسین مهملة ف کیل دارد وآن چهل بیست سیاه رنگ
که بر ساحل دریای خرزیابند وآن نر ماده است ه گویند بشور اطرح ی ۲ ق بفتح
بصفه خ سیاه بزرگ که بعد از شکستن فستقی بودش نیم مثقال تا دو درم ص
شیخ ارمنی پادشاه بلوط وشکر سرخ ل تخم شبرم یا کشوث سرخیوس یونانی بفتح
اول وسکون ثانی وکسر خاء معجمه وسکون تحتانی وضم نون وسکون واو م شبطرج
سرس ه بکسر اول وسکون ثانی درخت مشهور هندی پر منفعت ست ع لجیة التیس
تمیق الشین المعجمه سرشس بکسر اول وسکون ثانی وکسر میم وسکون شین معجمه ه
خوبانی تمیق الفاء سرشف ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح شین معجمه وسکون فا
ه سرسون تمیق القاف سرسع بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم وسکون قاف
ه ساگ بتهواطب ر ۲ ق ملین ص نمک وابازیر السپاناخ تمیق الکاف
سرنگ ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم وسکون کاف م اسفاناخ رومی ع سرنج
تمیق الکاف الفارسی سرنگ بفتح اول وثانی وسکون نون وکاف فارسی
م آزاد درخت تمیق النون سرسون ه بفتح اول وسکون ثانی وضم سین مهملة ثانی
وسکون واو ونون ف سرشف سرگین گردان ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر
کاف فارسی وسکون تحتانی ونون وفتح کاف فارسی ثانی وسکون راء مهملة والف
مهملة والف م جعل سرون ف بفتح اول وضم ثانی وسکون وارم شاخ حیوان سیرشو
سیرپانی بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وضم قاف وسکون واو ه سند درتمیق
الواو سرو بفتح اول وسکون ثانی وواو مجهول ف درختیست مشهور طبع ح
ب دی ۲ گویند ف گویند ح ی ۲ ق قابض خ سبز تازه ص مسوغ ل نیلوفر

پوست انار و گویند قرمانا و انزروت و بضم را مهمله م شاخ حیوان تمیق الحاء
سرکه بضم اول و سکون ثانی و فتح لام و خفا رها م شقاقل سر و الف بضم اول و
سکون ثانی با واو و الف و فتح لام م علفی ست که بر سرش خارهای تیز بوند و هر کا بجا
رسد در جا به فرورود و وجد انشود سرو سیاه ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر او و سین
مهمله ثانی با تحتانی و الف و اظهار ها م درخت تازوع صنوبر صغار سریچه ف بفتح
اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح جیم فارسی م مرغ فاطرع صعوه ه مولا تمیق التحتانی
سرخ پای ف بضم اول و سکون ثانی و خا معجمه یا موحده فارسی و الف و تحتانی م سرخه
ترش ع حامض ه چوکا سرطان بحری و نهری و هندی ع بفتح اول و سکون ثانی با
مهمله و الف و کسر نون و فتح موحده و سکون حا مهمله و کسر ا مهمله ثانی و سکون تحتانی
ف خرچنگ ه کیکڑا ط بحری یعنی دریائی ب ی و نهری یعنی جوئی ب د و هندی
ب د و محرق ا ی ۳ ق بحری محلی خ نهری از جوی بزرگ شیرین آبش یکدرم تا
پنجدرم ص باشد خ تین بالین قبرسی ل ۱ بحری و ز ع یا سرطان خشک یا صدف
یا خذف چینی سرکه هندی بکسر اول و سکون ثانی و فتح کاف و همزه ملینه ها و ها ثانی و سکون
نون و کسر دال مهمله ف آبکاسه کانجی سرو جبلی م درخت عرعر سروسی بفتح سین
مهمله ثانی و کسر ها م سروی که راست باشد تمیق السین المهمله و تمیق الدال
المهمله سسعد یونانی بفتح اول و سکون سین مهمله و فتح عین مهمله و سکون نون و
دال مهمله م عود بلسان تمیق السین سیسالیوس بفتح اول و ثانی ها و الف و کسر
لام و ضم تحتانی و سکون واو و سین مهمله ثالث م انجدان کاشم رومی تمیق النون
سسطیون سریانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر طا مهمله و سکون تحتانی و ضم عین
و سکون واو و نون ف عصیر کاغذ رونی تمیق الطاء المهمله و تمیق الالف
سطرکا رومی بالفتح اول و طا مهمله و سکون را مهمله با کاف و الف م اصطرک

تمنیق الحاء المهمله سطاح ع بفتح اول وثانی والف وحاء مهمله م هر نباتیکه بر روی
زمین گسترده شود واورا بدین نام خوانند تمنیق السین المهمله سطراطیوس یونانی
بفتح اول وسکون ثانی باراء مهمله والف وکسر طاء مهمله ثانی وضم تحتانی وسکون واو
وسین مهمله ثانی فنباتی ست که او را بیخ نیست وبر روی آب پیدا شود وقرص
مانند ورق بادرنجبویه بود وکوچک تر از وواز نفناع بزرگتر طب دسطیوس یونانی
بضم اول وسکون ثانی وضم تحتانی وسکون واو م گلنار تمنیق الکاف سطراک
وسطواک سریانی بفتح اول وسکون ثانی باراء مهمله والف وکاف در لغت اول
وباواو در لغت ثانی م زرنباد تمنیق النون سطر ونیون یونانی بفتح اول وسکون
ثانی وضم راء مهمله وسکون واو وکسر نون وضم تحتانی وسکون واو ونون ثانی ف
چوبک اشنان تنسیق العین المهمله وتمنیق الدال المهمله سعدع بضم اول
وسکون عین مهمله ودال مهمله وموحده طع ا گویند ق مجفف مدر مفتت نفشی و
مقوی ماغ ودل ومعده خ کونی فربه خوشبوی بستانی سفید بعد از ان شیرازی
بعد ازان هندی که چون سیاهی از وبخراشند سفید وفربه بودش یکدرم ص قمند
وصندل وانیسون وگویند خس وخیارک دارچینی وزوج تمنیق الواء المهمله
سغرف بضم اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وسکون راء مهمله سانهر تنسیق الغین
المعجمه وتمنیق الدال المهمله سغوودف بضم اول وغین معجمه وسکون واو ودال مهمله
م مزع سنگخوار تمنیق الواء المهمله سغبر رومی بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده
م سرخس سغرف بضم اول وفتح ثانی جانور نیست که سیخهای الیق بر پشت ان
باشد وچون کسی قصد گرفتن آن کند خود را چنان بجنباند که آن سیخها بر انگشت
وساهی تنسیق الفا وتمنیق الجیم الفارسی سغرف بفتح اول وسکون فا
وجیم فارسی م خربزه نارسیده تمنیق الدال المهمله سغرودف بفتح اول وسکون فا

وضم بار مهمله و واو مجهول و دال مهمله مرغ سنگ نواع قطاه سفند سفید بفتح اول
وثانی وسکون نون وکسر دال مهمله وفتح سین مهمله ثانی وکسر فا ثانی وتحتانی مجهول
ه اسپند تمنیق الراء المهمله سفرف بضم اول وثانی وسکون را مهمله ومیم مجهول
ه ساهی تمنیق السین المهمله سفادیکوس یونانی بفتح اول وثانی والف وکسر
دال مهمله وسکون تحتانی وضم کاف وسکون واو وسین مهمله ثانی ف نوعی
از پیاز بری طح ی تمنیق اللام سفال ف بکسر اول وفتح فا بالف ولام م گل
ه شنبری وپوست گردگان وبادام وپسته وفندق وپوست انار خشک شده
وامثال آن را نیز گویند سفرجل بفتح اول وثانی وسکون را مهمله وفتح جیم وسکون
لام ف آبی ه بهی طب ی ۲ ق قابض وحابس خون ومقوی دل ومعده خ
بزرگ رسیده س ده درم از آب ا وص طب یا عسل ل کشری تمنیق النون
سفند ولیون یونانی بفتح اول وثانی وسکون نون وضم دال مهمله وسکون واو
وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو ونون ثانی ف زیره بری تمنیق الهاء سفی
ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی وخفا رها م خربزه نارسیده تنسیق
القاف وتمنیق الالف سقمونیا ع بفتح اول وسکون قاف وضم میم وسکون
واو وکسر نون با تحتانی والف صمغی ست مسهل از تیوعا است ف معموده ط
ح ی ۳ گویند ۲ ق مسهل صفراخ انطاکی صافی سبک برنگ ابریشم وبمالیدن
دست خورد شود وسفید بود وچون در آب حل کنند مانند شیر بماند ش یکقیراط
تا دو دانگ ص معجون ساختن بآب به ترش وسیب وگلاب که در وی نقیع کرده
باشند سماق واز وقرص تنک سازند ودر سایه خشک کنند وقدر شربت بیشتر
از معجون ندانند وبعد از آنکه در به سیب یا پیاز یا زردک مشوی کرده باشند ص
کثیرا با مصطکی وانیسون ونشاسته بروغن بادام دود وقود واگر معموده را با نفش

بیماری اورا
باش گویند
طبیعت مصطکی
گرم خشکست
در دوم درجه
مقل عصاره
قسطرا گویند
من قسطرا یزند
داب آن بدین
کنند آن را

صلایه کنند کار سوی کندل سه زن حب الخروع یا ماهودانه تمیق الواو المهمله
سقار بضم اول وفتح ثانی والف ساجی سقنقور بفتح اول وثانی وسکون نون وضم
قاف ثانی وسکون واو ریگ ماهی گویند از نسل تمساح ست وآن چنانست
که نهنگ بر ساحل رود نیل خایه می نهد و بچه می ود هرچه در آب رود نهنگ ست
وانچه بر ریگ میماند سقنقور ست طبیعتش تازه بود ح ر ۲ وچون نمکسود کنند خشک
گردد وحرارت از رطوبت زیاده تر شود وگویند ح ۲ ی ا ق مبهی خ ترکه در وقت
بهار ودر موسم هیجان ایشان صید کرده باشند شش از گوشت وی یکمثقال تا سه
مثقال ص عسل یا شوربای عدس ا خصی الثعلب تنها یا با خردل یا ذکر گاو خشک
سوده ونیموزن زردک تمیق الزاء المعجمه ستفر بفتح اول وکسر ثانی مشدد و
سکون زا ی معجمه ع علک لانباط وعلک البطم ف صمغ درخت بن تمیق السین
المهمله سقنقس بفتح اول وثانی وسکون نون وضم قاف ثانی وسکون سین
مهمله ثانی م سقنقور تمیق اللام سقاقل بفتح اول با ثانی والف وضم قاف
ثانی وسکون لام م شقاقل تمیق النون سقمونیا سقمنیا سقمن ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون
نون ع دبس ف سیلان یعنی عسل رطب سقوردیون یونانی بضم اول وثانی و
سکون واو ودر او مهمله وفتح دال مهمله وضم تحتانی وسکون واو ثانی م سیریی
وسیریو سقولوقندریون یونانی بضم اول وثانی وسکون واو وضم لام وسکون
واو ثانی وفتح قاف ثانی وسکون نون وفتح دال مهمله یا معجمه وسکون را مهمله وضم
تحتانی وسکون واو ثالث م سقولوقندریون ف زنگی ار وطرخای ا گویند
مع ق ملین مش دو درم ص در دیا مصطکی یا عسل ل غافث یا کماد یوس
یا پوست کبر یا نیموزن آن تخم کرفس تنسیق الکاف وتمیق الالف سکیبا
یونانی بفتح اول وکسر کاف وسکون تحتانی وفتح را مهمله وسکون عین مهمله بالام

۱۸۹
سوختنی
بنکوترین آن
بود که نمک را
بشوینند بکبار
در ها کنند
یا خشک شود
پس رویگی منز
دزدیک منز
دوم آتش
منند و آتش

والف م بسفایج تمیق الجیم سکبینج یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده
و سکون تحتانی و فتح نون و سکون جیم ف صمغی ست مثل انکوزه کندل طرح
ی م ق محلل ملطف مفتت خ صافی بیرون سرخ اندرون سفید زود گذارنده
و بوش میانه حلتیت وقنه و تیز بوی ش یکدرم تا یکمثقال ص السوس ل
بارزد سفید یا نیمون جاؤشیر از هر یک دو انگ نیمون آن سنگج ف بفتح اول و کسر
ثانی م سونیر سکوبنج ف بضم اول و ثانی و واد مجهول و فتح با و سکون نون م خار خسک
تمیق الواء المهمله سکر العشر بضم اول و فتح ثانی مشدده و ضم راء مهمله و سکون لام
و ضم عین مهمله و سکون شین معجمه و راء مهمله ثانی ف صمغیست که از درخت عشر یعنی
آک بیرون می آید در موضع گل وی که خشک گردد و جمع بیشود و آنرا بدین نام خوانند
م تبغال و شکرک کوهی ط ص سکرج بضم اول و فتح ثانی مشدد ف شکرطرح را
گویندی ف مجلی بلین خ سفید شفاف هندی ش بست درم ص زمان رش سائر
حمونات یا جه و طباشیر آلوی سیاه یا سونیر خراسانی با عسل من تمیق الزاء المهمله
سکز ف بفتح اول و کسر ثانی و زای معجمه م منطقی و گویند سقر تمیق الکاف
سک السک بضم اول و کاف مشدد و سکون لام و کسر سیم و سکون سین مهمله ثانی و
کاف ثانی ف مرکبی ست از مازو و فاغره و فلنجه و بسباسه و صندل مقاصری
و سنبل الطیب و عسل طرح ی ۲ سکسک ف بضم اول و سکون ثانی و ضم سین مهمله
ثانی م درخت تاخ سک بضم اول ع مرکبی ست و گویند عصاره آمله طرح ی ق
مقوی دل خ خوشبوش نیم درم ص صندل ل آمله و گویند سنبل بفارسی کاسر اول
م سرکه تمیق النون سکاهن ف بکسر اول و سکون ثانی و مد همزه و فتح ها و سکون
نون م رنگ سیاهی که از سرکه و آهن سازند و بدان جامه و چرک رنگ کنند سکنجبین ع
بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون و ضم جیم و کسر موحده و سکون تحتانی ف سرکه و انگبین

مساوی ممزوج کنند ق منفی سکنگبین ف بکسر اول وفتح ثانی وسکون نون و
ضم کاف فارسی وکسر موحده وسکون تحتانی م سکنجبین تمنیق الهاء سکاسته وکاشه و
سکاشته سکاسه بضم اول وثانی والف در همه لغات وسکون سین مهمله ثانی وفتح فوقانی
وخفاء ها در لغت اول وفتح سین مهمله در لغت ثانی وسکون شین معجمه وفتح فوقانی در
لغت ثالث وفتح شین معجمه در لغت رابع م رکاسه سکسنبویه ومی بفتح اول وسکون
ثانی وفتح سین مهمله ثانی وسکون نون وضم موحده وسکون واو وفتح تحتانی ف
تخم سپستان وگویند بیخ پنجکشت تمنیق الکاف الفارسی وتمنیق الموحده
سکلاب ف بفتح اول وسکون کاف فارسی بالام والف موحده حیوانیست شبیه
بسگ که در دریا بسر برد جند بیدستر ه او دبلا وتمنیق الراء المهمله سگرف
بضم اول وثانی م رکاسه سکنکور ف بفتح اول وثانی فارسی وسکون نون وضم
کاف فارسی ثانی وسکون واو ع عنب الثعلب تمنیق الکاف سگک ف بفتح
اول وثانی فارسی وسکون کاف ه چنچراسک ف بفتح اول ع کلب ه کتا تمنیق
الواو سکلاو ف بفتح اول وسکون ثانی فارسی بالام والف ند واو مجهول م
سکلاب تمنیق الها سکاله ف بفتح اول وثانی فارسی وفتح لام وخفاء ها م سگرین
سگ سکرنه ف بضم اول وثانی فارسی وسکون راء مهمله وفتح نون وها م رکاسه
تمنیق التحتانی سگ آبی وسکلابی وسکلادی بفتح اول وسکون ثانی فارسی در
در هر سه لغت ومد همزه وکسر موحده وسکون تحتانی در لغت اول ولام والف و
کسر موحده در لغت ثانی وکسر او در لغت ثالث م بیدستر تنسیق اللام وتمنیق
الالف سلق الماء ع بکسر اول وسکون لام وضم قاف وسکون لام ثانی با میم
والف ممدود وهم جارالنهر تمنیق الفوقانی سلاجت ه بفتح اول وثانی والف
وکسر جیم وسکون فوقانی م قسمی از سلاریس سلت ع بکسر اول وسکون لام ف

جو برهنه سلخفات بضم اول وفتح ثانی وسکون حا مهمله با فا ر والف ف سنگ پشت
ه کچهوا طمع ق مرطبخ بزرگ ص ور وتمیق الدال المهمله سلسده بفتح
اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله ثانی وسکون دال مهمله م سلسی تمیق الواء المهمله
سلور بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وراء مهمله ف نوعی از ماهی ست در نیل مصر
تمیق السین المهمله سلارس ه بکسر اول وثانی والف وراء مهمله وفتح راء مهمله ثانی
وسکون سین مهمله ثانی م میغه سایله تمیق الطاء المهمله سکیط یونانی بفتح اول
وکسر ثانی وسکون تحتانی وطاء مهمله ف روغن زیت تمیق القاف سلق ع بکسر
اول وسکون ثانی وقاف ف چقندر طح ی اق محلل ملطف مجلی خ شیرین
سفید ص سرکه ل شلغم سلمق بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم ه کهیتر اتمیق الکاف
سلک ع بضم اول وفتح ثانی وسکون کاف ف کبک بچه نر تمیق المیم سلجم ع بفتح
اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون میم ف شلغم طح ر ۲ ق مدرخ بستانی تازه کهن
توابل ل جزر سلم بفتح اول وثانی م درخت سفیدالان تمیق الها سلاحه بفتح اول
وثانی والف وفا حا مهمله وخفا ر ها ف بول بزکوهی ست که بهنگام تهیج بر سنگ
کرده باشد وسنگ سیاه گردد مانند قیر تنک سلافه بفتح اول وثانی ولام والف
وفتح قاف شیره انگور د گویند مثروبه سلخ الحیه ع بفتح اول وسکون ثانی وضم خا معجمه
وسکون لام وفتح حا مهمله وتحتانی مشدد ف پوست افگنده مار ه کینچلی طب ی
خ ماخوذ از مار ز سفید سلیخه بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح خا معجمه ف پوست
درختی ست ه کهیلا طح ی ۲ گویند ۳ ق مجفف ملطف مدر مفرح وسقوی
اول وسعده خ سرخ سطبراند کسی تلخ تمام عفص وچون بشکنند بریوند لحمی ماند ودرانا
قصبه وسورخش مانند قرفه پیچیده ش یکدرم ص کثیرا مالکسل وارچینی بالاسارون
تمیق النحتانی سلق بری ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر قاف وفتح موحده

وکسر را مهمله مشدده وسکون تحتانی م نوعی از حماض سلق جبلی ع بفتح جیم وسوحده
وکسر لام م حلیموطح رتنسیق المیم وتمنیق الالف سمک صیداع بفتح
اول وتیم وکاف وهمزه ملینه ها وفتح صاد مهمله وسکون تحتانی بادال مهمله والف
درچشمه بود نزدیک بمدینه صید از زمین خام ومانند ریگ ماهی کوچک بود وبجز
فصل بهار که هنگام هیجان آبهاست صیدش نتوان کرد نخ نرش نیدرم سمیکا
ع بضم اول وفتح ثانی وسکون تحتانی باکاف ف ماهی خورد تمنیق الخاء المعجمه
سمار وخ ف بفتح اول وثانی والف وضم را مهمله وسکون واو وخا معجمه م سمار وغ
تمنیق الراء المهمله سمم الخمارع بفتح اول وضم ثانی مشدد وسکون لام وکسر جا
مهمله بامیم ثانی والف وراء مهمله ف خرزهره سمم الفاسع بفتح اول وضم ثانی مشدد و
سکون لام بافا والف ف مرگ موش ه سنبل کهار سمندر وسمندور ف بفتح اول
وثانی وسکون نون وضم دال مهمله در لغت اول وسکون واو در لغت ثانی حیوان
مشهور که در آتش تولد کند سمور بفتح اول وضم ثانی وسکون واو جانوریست مشهور
که در تبرستان بسیاری باشد م طنطنک طح ي تمنیق الغین المعجمه سمار وغ
بفتح اول وثانی والف وضم را مهمله وسکون واو ف کلاه ماران ه گگن وهول
وکبنی تمنیق القاف سماق ع بضم اول با ثانی والف وقاف ف تتری وتتنم ه
تمالپتر ط ب بگویندای ۲ ف قابض مقوی معده خ تازه وسرخ ص سطکی ل
حماض واترج یا زرشک یا خطمی وپرسیاوشان وبفتح اول ه غله کنکنی سمسق بفتح
اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله ثانی ع آذان الفار تمنیق الکاف سماوک
ف بفتح اول وثانی والف وضم را مهمله وسکون واو وم کبوتر صم السمک بفتح اول
وضم ثانی مشدد وفتح سین مهمله مشدد ثانی ویم ثانی م ماهیزرج سمک ع بفتح اول
وثانی ف ماهی ه بمبلی زمین ط تازه اوب ۲ گویندی ۲ ونمکسود ج ی ف

۱۹۳

نفروذن ابروی کرج
همچنین ذکر کرده
دریافتن الادویه
دگویند همدش
جوا کهار گویند
گرم وخشکست
در چهار درجه
فتاع
بود زرا گویند
بفتح ۵ بود

مغذی و سبی خ صحوی رقیق پوست کوچک فلوس متوسط درخوردی و بزرگی
و لاغری و منزه از بدبوی و مسکنش آب شیرین سنگریزه یا ریگی و برتابه بریان کرده
ص عسل و روغن بادام و فلفل و بعد از و زنجبیل مربی و شراب ل لهم تمنیق اللام
سماقیل بفتح اول و ثانی و الف و کسر قاف و سکون تحتانی و لام م سماق سمند
و سمندول ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم دال مهمله در لغت اول و سکون
واو در لغت ثانی م سمندر تمنیق المیم سمسم ع بکسر هر دو سین مهمله و سکون هر دو میم
ف کنجده تل طاح را گویند ۲ ق محلل بلین سبی خ تازه بزرگ دانه اش یک کف ص
بریان کرده و بعسل خوردن ل بزرکتان و در تملیس و در معاجین مغز بادام باخشخاش سفید
و عسل سم ع بفتح اول و سکون ثانی ف نهر و بیشتر ن ه بس تمنیق النون سمندر بین ه
بفتح اول و ضم ثانی و سکون نون و ضم دال مهمله و سکون راء مهمله و کسر موحده فارسی
و اظهار ها و تحتانی مجهول و نون ف کف دریا سمندر لون ه بفتح اول و ضم ثانی و
دال مهمله مشدده و سکون راء مهمله و ضم لام و واو مجهول ع ملح محیط ف نمکدریا سمقون
بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون سین مهمله ثانی و فتح میم ثانی و ضم حاء مهمله
و سکون واو م آذان الفار سمن ع بفتح اول و ثانی ف روغن گاو ه گیو طاح د
اق منضج محلل بلین خ تازه ص جمیع مقویات معده انار منزل مسکه و بضم اول و فتح ثانی
ف گل سه برگ سمور بیون یونانی بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و راء مهمله و کسر موحده
و ضم تحتانی و سکون واو ثانی ف کرفس بری سمین ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون
تحتانی ف چربی گوشت طاح بر خ ماخوذ از حیوان مستکمل ص زنجبیل محلل سمیون
بفتح اول و سکون ثانی و کسر نون و ضم تحتانی و سکون واو م سمنه و هر ترکیبی که
بدن را فربه کند آنرا سمنه خوانند تمنیق الهاء سمانه ع بفتح اول و ثانی و الف و فتح
نون و خفاء ها م جانوری حقیر سمنه ع بضم اول و سکون ثانی و فتح نون م حب السمنه

نمک سیاه سوبرچ لون

ف نقل خواجه چرونجی سمه ف بکسر اول و فتح ثانی م رنگ سبز که بر روی آب
بهم رسد تمیق التحتانی سمانی بفتح اول و ثانی و الف و کسر نون ف مرغلیست
دریایی گما و را قتیل الرعد خوانند بدان سبب که چون آواز رعد بشنود بمیرد تکسم
بری بکسر هر دو سین مهمله و سکون هر دو میم و فتح موحده و کسر راء مهمله مشدده م حیلهنگ
ف تخم زرد خار تنسبق النون و تمیق الالف سناع بفتح اول و نون و الف
و بهون ترو رطاح ی ق مسهل سواخ مکی و حجازی که با برگهای سورد ماند و برگش
از هر دو طرف املس و خضرتش مائل بزردی و پاک از چوب و خس و ش در مطبوخ از
چهار م تا هفت درم و کوفته تا سه درم ص بلیله زرد و بنفشه و ورق گل و صمغ عربی
و کتیرا با اجاص و تمر هندی ل از هر یکی یکوزن و نیم سناء نجدی یا مصری یا دو و نیم
سناء دیگر و گویند بسفایج و شاهتره سنگهاڑا ه بکسر اول و خفا و ثانی و فتح کاف فارسی
و اظهار ها و الف و راء مهمله ثمریست خاردار هندیست بشکل فندق که در آبهار و بیدا
و بالای تمر او سه خا باشد تمیق الموجدة سنبل الطیب ع بضم اول و سکون
ثانی و ضم موحده و لام و کسر طاء مهمله مشدده و سکون تحتانی و موحده ثانی ه چهار طاح
ی ۲ گویند ۳ ق مفتح محلل مقوی باغ و دل خ سوی تازه سبک خوشبوی چون
سعد و اشقر کوچک خوشه مجفف زبان چون بخایند بویش در دهان و رنگ کند
ش نیم درم ص کتیرا یا طباشیر ل دو وزن آن از خربا یکوزن سازج هندی یا
مصطکی سنبل الکلب ع بضم اول و سکون ثانی و ضم موحده و لام و سکون لام
ثانی و فتح کاف و سکون لام ثالث ف میوه درخت سپیدار و گل لسان العصافیر
سنجاب ف بکسر اول و سکون ثانی با جیم و الف جانوریست مشهور که اندک
از موش کلان تر باشد و از پوستش پوستین سازند گرمی وی کمتر از سمور است
طاح ی تمیق الفوقانی سنبوت بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو

وفو قانی ه زیر آشک پشت بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی وضم موحده
فارسی وسکون شین معجمه م لاگ پشت ه کچوا تمنیق الجیم سنباوج بضم
اول وسکون ثانی باموحده والف وفتح دال مهمله وسکون میم ف سنباده ه کرند
که بر واقراز ها نیز کنند ط ب ۲ ی ۳ ق مفرح تمنیق الخاء المعجمه سنخ ف بفتح
اول وثانی وسکون خاء معجمه م نمک تمنیق الدال المهمله سنجی ف بکسر اول
وسکون ثانی وکسر جیم وسکون دال مهمله م غیر اسنسا د بفتح اول وسکون ثانی
باسین مهمله ثانی والف ف حای تیری تمنیق الراء المهمله سنجفر بفتح اول
وسکون ثانی وفتح جیم وسکون فاء وراء مهمله م زنجفر سندر ف بفتح اول وسکون
ثانی وضم دال مهمله م سندروس سندوره بکسر اول وخفاء ثانی وضم دال مهمله وسکون
واو م سرنج سنکبر ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف فارسی وکسر میم وتحتانی
مجهول جانوریست پرنده سنگین سارف بفتح اول وسکون ثانی وکسر کاف فارسی
وسکون تحتانی ونون ثانی باسین مهمله ثانی والف نام طایریست سیاه رنگ
که بر پشتش نقطها سپید باشد م سارو سنوع بکسر اول وفتح ثانی مشدد وسکون
واو ف گربه بلی طاح تمنیق الواء المعجمه سنور ف بضم اول وکسر ثانی وزاء معجمه
م سیاه دانه سنکوبز بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی وکسر واو وسکون تحتانی
غ زنجبیل ه سونهٔ تمنیق السین المهمله سندوس ف بفتح اول وسکون ثانی
وفتح دال مهمله وضم واو مهمله وواو مجهول وسین مهمله ثانی م صمغیست شبیه بکهربا زرد رنگ
روغن کمان از وسازند طاح ی ۲ گویند اق مجفف خ صانی ش نیم مثقال
ص بوزیدان ل کهربا ولک سندوقس یونانی بفتح اول وسکون ثانی وضم
دال مهمله وسکون واو وکسر قاف م سرنج سنکرک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح
کاف فارسی ودار مهمله وسکون کاف ثانی م تکرگ تمنیق اللام سنبل ف بضم اول وسکون ثانی

وضم موحده ع سنبل الطیب تمیق المیم سنگم ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح
کاف فارسی م طائریست تمیق النون سندهان بفتح اول وسکون ثانی وکسر دال
مهمله وانظهار ها والف ونون ثانی ع عود هندی ه اگرطاحی ۳ سنگ انغلی ف
بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی وکسر همزه وسکون شین معجمه وفتح کاف ه
کلتهی نام غلهایست ونوعی از خرماست ه بفتح اول نباتی ست مشهور که در میندازد
ریسمان سازند ع قنب ه انباری تمیق الواو سناؤ ف بفتح اول باثانی والف
و واو مجهول م سونش سنبالوف بفتح اول وسکون ثانی باموحده والف وضم
لام م بوزنه تمیق الهاسنباده ف بضم اول وسکون ثانی باموحده والف وفتح
دال مهمله وخفا ر هام سنگی ست که بدان کارد وشمشیر وغیره تیز کنند وگینها تبر اشند
واز جزایر چین خیزد سنسه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله ثانی م زنبور
سیاه وانگور سیاه سنکهه ه بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف وانظهار ها م سفید
سنکچه ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر کاف وجیم فارسی م تگرگ سنکسبویه رومی
بفتح اول وسکون ثانی وکسر کاف وسین مهمله ثانی وضم موحده ه واو مجهول وفتح
تحتانی ف بنجنگشت ل قصب الذریره سنگ شانه ف بفتح اول وسکون ثانی
وکسر کاف فارسی وفتح میم وشلشه والف وفتح نون ه تیری که از شانه آویزان بیرون
می آید تمیق التحتانی سنبل رومی بکسر لام وضم راء مهمله وسکون واو وکسر میم م
نارد ین سنبل هندی بکسر لام وها وسکون نون ثانی وکسر دال مهمله م سنبل الطیب
وگویند دارشیفه ان سنبهلی بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وانظهار ها وکسر
لام ه منڈی سنجدبوی ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون دال مهمله
وضم موحده وسکون واو نام گلی ست سندهی ه بکسر اول وسکون ثانی وکسر دال مهمله
وانظهار ها غ زنجبیل سنکهاهولی ه بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف وانظهار ها

والف وضم ها ثانی وواو مجهول وکسر لام ه وای هندیست طح ق ملیین
سنگ بصری بفتح اول وسکون ثانی وکسر کاف فارسی ف فتح موحده وصاد مهمله
وکسر او مهمله ف توتیا سفالک ه کهیر یا سنی ف بکسر اول وثانی م ریم آهن
تنسیق الواو وتمیق الالف سوناه بضم اول واو مجهول بانون والف
ف زر وطلا تمیق الموحدة الفارسی سوپ ه بضم اول وسکون واو وموحده
فارسی ف آب تمیق الفوقانی سوادالقضات ع بفتح اول وثانی والف وضم
دال مهمله وسکون لام وضم قاف وفتح ضاد معجمه مشدد والف فوقانی م مازو ه
ماجوپیل تمیق الجیم سوج بضم اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله وسکون جیم
ف نوعی از کفدریا تمیق الخاء المعجمه سوخ ف بضم اول وسکون ثانی وخاء معجمه
م پیاز تمیق الدال المهملة سوادالسند وسوادالهند بفتح اول وثانی
والف وضم دال مهمله وکسر سین مهمله مشدد وثانی وسکون نون باول مهمله در لغت
اول وکسر بآ در لغت ثانی نوعی از سلیخه ست کیاز سلیخة السواد گویند دل صدف
سوسپند ف بفتح اول وسکون ثانی وسین مهمله ثانی وفتح موحده فارسی وسکون
نون م شیر گیاه ه دودهی تمیق الراء المهملة سوادالنهر بفتح اول وثانی والف
وضم دال مهمله وفتح نون مشدد وسکون ها وراء مهمله م کشت برکشت سوسما
بضم اول وسکون ثانی وسین مهمله ثانی با میم والف م جانوریست مثل شکل
اسوع ضبه گوه سویق الشعیر بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وضم
قاف وفتح شین معجمه مشدد وکسر عین مهمله وسکون تحتانی ثانی حف لیست جو
ه ستوجوکی طب ی اص قند سفید تمیق السین المهملة سوس ع
بضم اول وسکون ثانی وسین مهمله ثانی ف مهک ه مرهٹی طح ی گویند مع
گویند اب ق مقوی دل ومحلل ومسطف ومجلی خ بیخ زرد تنک ش یکمثقال

ص در دل تمین و بدر رجله و نیز بزبان هندی جانوریست مشهور بصوت خوک
و مشک بود و در عربی نیز کرم کندم خوانند که در غله خورد و نیز بیفتد و اثر اتباه کند و نیز
فارسی کرمیست که در جامهای ابریشمی افتد و تباه سازد و نیز سوسمار تمیق الشین المعجمه
سوشش ع بضم اول و سکون ثانی و کسر نون و سکون شین معجمه ف برادره هر چیز
را بدین نام خوانند تمیق الفا سولف ه بفتح اول و سکون ثانی و خفا نون ف
بادیان تمیق القاف سوویق ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ه بیست
و تلقان ه ساتو و آنرا از گندم و جو و برنج و نخود بریان سازند ط از گندم حی ا
و از برنج مع خ باعتدال بریان کرده و کم نخاله تمیق الکاف سوسک ف بضم
اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله ثانی ف تیهو و جانور تدرو تمیق النون سونجان
بضم اول و سکون ثانی و کسر را مهمله و سکون نون با جیم و الف ف لعبت بربر
ه سنگهاڑه جنگلی طح ۳ ی ۲ ق مهی خ مصری که در دنش و پیر دنش سفید در شکستن
صلب باشد ش نیم مثقال تا یکمثقال ص کبیرا شکر و زعفران و فلفل و زنجبیل
یا بیخ سورنجان ل تربد دو دانگ وزن آن فتیمون و دو یک آن خربق سفید
و در وجع مفاصل بوزن آن ورق سنا و نیموزن مقل الیهود و گویند بوزبدان سورن
ه بضم اول و سکون ثانی و فتح را مهمله بیخ مشهور هندیست م بجر کند سوسن بضم اول
و ثانی مجهول و فتح سین مهمله ثانی ف گلیست مشهور طح ی ۳ گویند مع ق نیلین
محلل مدر حیض خ آسمانگونی و گویند سفید از وش یکمثقال تا سه مثقال ص کافور
یا نیلوفر ل نرگس سوقطیون یونانی بضم اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون
طا مهمله و ضم تحتانی و سکون واو ثانی م خضی الثعلب سوپخرلون ه بضم اول و ثانی
مجهول و خفا و نون و فتح جیم فارسی و سکون را مهمله و ضم لام و واو مجهول ثانی ف
تلکسیاه تمیق الها سوسه بضم اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله ثانی م کرم گندم

دربرشانه و سینه آدمی
ایم گوش را
گویند شقاق
لبیدا سود مند
آید و حبس را
نیک بود و دفع
دهد و گزیدگی
افعی را نهایت
نافع بود خون

خوارک سوسمله بضم اول و ثانی مجهول و خفا و نون و فتح فوقانی هندی و اظهار ها
ع زنجبیل تمیق التحتانی سوبدی ف بضم اول و سکون ثانی و موحده و کسر دال
مهمله م سارع زرد رو و آن طائریست سورکی بضم اول و سکون ثانی و کسر را
مهمله ف نوعی از زاج سرخ ست که زاج کفشگران خوانند طرحی سوم بلیله
بضم اول و ثانی مجهول و میم و فتح موحده و کسر لام دوای مشهور هندیست سون بضم
ه بضم اول و ثانی مجهول و نون ساکن با میم و الف و کسر کاف و اظهار ها هم بر قیاس
تنسیق الهاء و تمیق الالف سهاگاه بضم اول و اظهار ها و الف با کاف فارسی
و الف ثانی ف تنکار سهجنا ه بفتح اول و کسر ثانی و سکون نون و فتح جیم با نون و الف
م درخت هندیست و کونید فلفل سفید تخم اوست سهوراه بفتح اول و ضم ثانی
و واو مجهول با راو مهمله و الف درخت مشهور هندیست که بانی صیته مارکرد چوب
گمرد و تمیق الزام المهمله سهرف بکسر اول و سکون ثانی م گاؤ تمیق الکاف
سه کوبک ف بکسر اول و خفا ر ثانی و ضم کاف و واو مجهول و فتح ها و سکون کاف
ثانی م خارخسک ه گوکهرو تمیق اللام سگل ف بفتح اول و خفا ر ثانی و ضم کاف فارسی
م درختیست که چون میوه پخته شود سرخ گردد ف قابض تمیق التحتانی سهدئی ه
بفتح اول و سکون ثانی و کسر دال مهمله و تحتانی مجهول و کسر همزه و سکون تحتانی
م دوای هندیست طاب ر ق دافع حرارت اگر بخیس السائیده بر قضیب طلا کنند
باهر زنیکه مقاربت نمایند فربه گردد و چون کوفته پارچه بیز نموده با بول انسان سرشته
تعرص ساخته بر دهن عرق مدنی بر بندند از یخ برآرد تنسیق التحتانی و تمیق الالف
سیا بفتح اول با تحتانی م سنا سیبیا بکسر اول و سکون ثانی و کسر موحده با تحتانی
ثانی ف نام ماهی مشهور ست در نواحی بیت المقدس سیساه بکسر اول و سکون ثانی
و سین مهمله ثانی ف سرب تمیق الموحده سیاب بکسر اول با ثانی و الف و موحده

بلغت وادی القرن م خلال سیف الغراب ع بفتح اول وسکون ثانی وضم فا وسکون
لام وضم غین معجمه یا وادی مهمله والف م نوعی از سوسن م ولبوس سیماب ف بکسر اول
وسکون ثانی با میم والف ه یا اسپند به بکسر اول وثانی مجهول خفا ونون
ف قسمی از باقلای هندیست تمنیق الفوقانی سیکران الحوت ع بکسر اول وسکون
ثانی وفتح کاف وراء مهمله والف وضم نون وسکون لام وضم حا مهمله وسکون او
ونون فوقانی م ماهیزهرج تمنیق الجیم سیج ف بفتح اول وسکون ثانی وجیم م مرغ
تمنیق الخاء المعجمه سیالخ ف بفتح اول وسکون ثانی والف وکسر لام وسکون
خا معجمه م خارخسک تمنیق الدال المهمله سیتهد ه بکسر اول وثانی مجهول وضم
ها وخفا ونون دال هندی م رقوم تمنیق الراء المهمله سیارف بکسر اول با ثانی
والف م کشکینه وآن نانی ست که از جو پزند سیخ پر ف بکسر سین مهمله وسکون ثانی
وخا معجمه وفتح موحده فارسی م بچه جانوران پرنده که نو پر برآرند سیر ف بکسر اول
وسکون ثانی ه لهس سیسنبر بکسر اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله ثانی وسکون
نون وفتح موحده م سی سنبل وسیسنبل وتمام سبزی باشد میان نعناع وپودنه
زیرا که پودنه چون در کنزه دست نشان نمایند سیسنبر روید وچون باز بکنزه
دیگر نقل کنند نعناع برآید وبویش تیز باشد طی ۳ ل در تحلیل وتلطیف نافع
تمنیق الزای المعجمه سیاکیز ف بفتح اول وثانی والف وکسر کاف وسکون تحتانی
ثانی م نمد تمنیق السین المهمله سیسالیوس بکسر اول وسکون ثانی با سین مهمله
ثانی والف وکسر لام وضم تحتانی ثانی وسکون واو ف نوعی از صمغ ست مثل
انگوزه وآن انجدان رومی وکاشم رومی ست وگویند تخمی ست مثل کمون کرمانی
که بوی تربخ دهد طح ی ۳ ف محلل وملطف رومی کوچک ورق وبخیش خوشبوی
ومغش طلیت وتخم کاشم شش نیدرم ص برطانیقی ل خردل سفید یا انجدان

۲۰۱

از دزدو او را
نارسیده از درخت
بار کنند دوم
دوم با لیله سیاه
همدلیست و
این آنست
که از دزد رخت
رسیده بار کنند
و فریب دلش
بود دوم سوم
لیله کابلی

یا خطر اسالیون تمیق الکاف سیسرک و سیسک و سبلک و سیلک ف بکسر اول
و سکون ثانی و کسر سین مهمله ثانی و سکون راء مهمله و کاف و لغت اول و کسر
سین مهمله ثانی و لغت ثانی و کسر کاف اول و لغت ثالث و کسر لام و لغت
رابع م کرم گندم خوار تمیق الکاف الفارسی سماهنگ ف بکسر اول و سکون
ثانی با میم و الف و فتح ها و سکون نون و کاف فارسی م قتار بری تمیق اللام
سنبال بفتح اول و ثانی و الف و لام ف یاسمین و بکسر اول اسم هندی ست
ف شغال سیخول بکسر اول و سکون ثانی با میم و الف و فتح ها و سکون ثانی و ضم خاء معجمه
و سکون واو ع تشی ه ساهی سیه سینبل ف بکسر اول و فتح ثانی و اظهار ها و ضم سین
مهمله ثانی و سکون نون و ضم موحده م سیسنبر تمیق النون سیبوس ف بفتح
اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو و فتح سین مهمله ثانی و سکون نون
م اسبغول سنسیاردن بکسر اول و سکون ثانی با سین مهمله ثانی و الف و ضم راء
مهمله و سکون واو ف چوب سیاه دانه طرخی ۲ سیسبان بکسر و فتح اول و سکون
ثانی و فتح سین مهمله با ثانی با موحده و الف م حب الفقد سیسیون بکسر اول و
سکون ثانی و ضم سین مهمله ثانی و سکون واو م درخت هندیست مشهور که در تصفیه
خون دوای تو ست سیکران بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و راء مهمله و الف
ع بزر البنج سیلان ف بکسر اول و ثانی مجهول با لام و الف شیره که از خربار رسیده
بچکد سیندها لون ه بکسر اول و ثانی مجهول و خفار نون و فتح دال مهمله و اظهار ها
و الف و ضم لام و واو مجهول م نمکسنگ تمیق الواو سیسرو ف بکسر اول و فتح
ثانی و سکون سین مهمله ثانی و ضم راء مهمله و سکون واو م کرم گندم خوار سیوف
بکسر اول و ثانی مجهول و واو مجهول م سیب سیاه دانه ف بکسر اول با ثانی و الف
و اظهار ها با دال مهمله الف ثانی و فتح نون ه کلونجی سیچنه ف بکسر اول و سکون ثانی

هلیون ماروی مسطور هندی هندیا پاری کلرسنه دکشاح دکسیج نر گوهند کاسنی دشتی سرمای حس را دیوتانی طلخوف گویند طبیعت

معده بهت بلغم دماغ جمیع انواع درد در پهلو اول و شکم درد در پهلو بلغم هر دو نوع بلغم صفرا بارد

وکسر جیم فارسی وسکون عین معجمه وفتح نون م جانور باشه که شکار یست تمیق التحتانی
سینی ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی ثانی م ریم آهن سی
ف بکسر اول م سنگ ترقیم الشین المعجمه وتنسیق الالف وتمیق الفوقانی
شاه درخت ف بفتح اول وسکون ثانی وانظهار ها وفتح دال مهمله وراء مهمله وسکون
خاء معجمه وفوقانی م درخت صنوبر تمیق الجیم شادنج بفتح دال مهمله ونون
وسکون جیم م شادنه وحجر الدم طاناشسته اوح ای ۲ وشسته اوب گویند
۲ ف قابض بخف حابس خون زخم عدسی که از عدس پهن تر باشد وبسیار سرخ سیاه
مایل وشکن ومغسول مش نیم مثقال حن عصاره زرشک ل نیموزن آن روی
سوخته وچهار دانگ وزن آن توتیای کرمانی یا حجر مقناطیس سوخته شاهتره ع
بسکون ها وفتح فوقانی وراء مهمله ف شاهره بیت پاپڑه طح ای ۲ گویند
ب اق مفتح منقی ومسهل صفراخ سبز تازه تلخ مش از آب او نیم طل تا دو ثلث
طل وخشک در مطبوخ تا ده درم ودر غیر مطبوخ تا هفت درم ص کیموس عسل
ل نیموزن سنا رکی وچهار دانگ وزن هلیله زرد در تهای کهنه شاهلوج ع
بشین معجمه والف وها وضم لام وسکون واو ف شاه آلوزرد رسیده تمیق
الخاء المعجمه شلخ ف بسکون خا درخت وشاخ حیوانات وعطر یست کبار گرد
حاصل شود ع زیاد شاماخ ف بمیم والف ثانی ه غله سانوا تمیق الدال المهمله شامکند
ف بسکون کاف وفتح میم وسکون نون وبدال مهمله م نمد تمیق الراء المهمله
شارف بسکون راء مهمله م شغال وجانوریکه مانند طوطی سخن گوید وآنرا شارک
وشلد ونیز گویند شانه سرف بفتح نون وخفاء ها وفتح حاء مهمله ع هدهد شاه انجیر
ف بانظهار ها وفتح همزه وسکون نون وکسر جیم وسکون تحتانی م انجیر وزیری
تمیق الطاء المهمله شاه بلوط بانظهار ها وضم موحده ولام وسکون واو و

طا مهمله م بلوط الملک و آن شیرین تر از بلوط است بند ط مع ی اق قابض
خ رسیده و ترش دو درم ص شکر یا عسل ل خرنوب یا بلوط یا مغره تمنیق القاف
شادانق بدال مهمله و الف ثانی و فتح نون م شهدانج ف تخم بهنگ تمنیق الکاف
شارک ف بفتح راء مهمله و سکون کاف م جانور سار و که سنجنگوست شاسک
ف بفتح سین مهمله م تیهو شالوک ه بضم لام و سکون واو ف بیخ کول شانک
ف بفتح نون م سنگدانه مرغان شانه سرک ف بفتح نون و خفار ها و فتح سین
مهمله و راء مهمله م هدهد شاهبانک ف بسکون ها با موحده و الف و فتح نون
م تس سگ غ بنفسج الکلاب شاهیانج تمنیق الکاف الفارسی شاشک ف
بفتح شین معجمه ثانی و سکون نون و کاف فارسی م تیهو تمنیق اللام شاخل ف بفتح
خاء معجمه و سکون لام م غله الیست ه اره شاطل بسر طاء مهمله و دو ائی ست هندی
مانند کمات خشک ه ساهنل طح ی ۳ ش نیم درم تمنیق المیم شاه اسپرغم و
و شاه اسپرم و شاه اسپرهم و شاهسپرم و شاه هسپرم و شاسقرم ف با نلهار ها
و کسر همزه و سکون سین مهمله و فتح موحده فارسی و سکون راء مهمله و فتح نلین معجمه و سکون
میم در لغت اول و سکون راء مهمله در لغت ثانی و فتح ها ثانی در لغت ثالث و فتح
ها اول و سکون سین مهمله در لغت رابع و سکون ها اول و فتح ها ثانی در لغت خامس
و فتح فا در لغت سادس گویند در عهد کسری یعنی نوشیروان ماری بنزدیک سر آمد
و از دهن قدری تخم سیاه خورد بیفتاد کسری فرمود تا این تخم را بکشتند از آن
این رست ع ریحان طح ای ۳ ق تخمش قابض و منوم خ سپستر کی که کرمانی و
ریحانی خوانند ص نیلوفر تمنیق النون شابرن و شابورکان و شابورن و شادران
ف بضم موحده و فتح راء مهمله و سکون نون در لغت اول و واو مجهول و فتح راء مهمله
با کاف و الف در لغت ثانی و فتح راء مهمله در لغت ثالث و ضم دال مهمله با راء مهمله

والف در لغت رابع م فولاد معدنی شان ف بسکون نون م خانه زنبور عسل که
دران عسل باشد م گواره شاهین ف بکسرها وسکون تحتانی جانوریست شکاری
تمیق الواو شاه دار وف بانظهارها ودال مهمله والف ونیم راء مهمله وسکون واو
م شراب گویند جمشید خواست که اکثر اوقات خلق از انگور منتفع شوند آب انگور
بگرفت ودر ظرفی نهاد چون بجوشید وصاف شد هر روز بچشید چون از جوشیدن
باز ایستاد تلخ شد گمان برد مگر زهر قاتل گشته وآنرا در گوشه نهاد جمشید را
کنیزکی بود که معشوق او بود ناگهان بدرد شقیقه مبتلا آمد واز درد بیطاقت گشته
بمرگ تن داد وباخود اندیشید که ازان زهر مقداری بخورم تا یکبارگی خلاص شوم
قدحی برداشت وبخورد اثری بران شربت ننگشت قدحی دیگر بخورد اهتزازی در
یافت پس چند قدحی پی در پی بخورد ومدتی بود که نه غنوده بود سر ببالش نهاد
ویکشبان روز بخفت چون بیدار شد ازان بیماری اثری نمانده بود واقعه را
بعرض جمشید رسانید جمشید آنرا شاه دارو نام نهاد تمیق الهاشاد نه ف بفتح
دال مهمله یا معجمه ونون وخفار ها ع شاذنج سنگ سرخیست که بسیاهی زند
وزود بشکند وآن عدسی ست وگاه ورسی وازدیار هند وطور سینا آورند شاله
ف بفتح نون وخفار ها م شان شاه بسه ف بانظهارها وضم موحده وفتح سین مهمله
ع الکلیل الملک شاهتره ف بانظهارها وفتح فوقانی وراء مهمله مشدد ع شاهترج
شاه دانه ف بانظهارها ودال مهمله والف وفتح نون م تخم هنگ شایه ف بفتح
تحتانی م میوه تمیق التحتانی شاب ومنی بکسر موحده وضم راء وسکون واو وکسر
سیم وسکون تحتانی ف فلفل سفید شانه وشتی ف بفتح نون وهمزه ملینه ها وفتح
دال مهمله وسکون شین معجمه ثانی وکسر فوقانی ه کنگنی شاه بوی ف بانظهارها وضم جیم
وواو مجهول م عنبر شاه چینی ف بانظهارها وکسر جیم فارسی وسکون تحتانی و

۲۰۵
آنست که در آب
اندازند که در آن
ها بود برارد
آب و بین و
سوی را البرد
اگر بیان لطوخ
کنند خاصه در
آفتاب آبکه
بعد ازان روید
ضعیف بود و
اگر مکرر کنند

وکسر نون م حنا تنسیق و تمیق الموحدة ه شبع بفتح اول و موحدة مشدده
ف زاج بلور و زاک سفیده پهٹکری طح ی ۳ گویند ۲ ق قابض مجفف
خ یمانی سفید مائل بزردی ص مسکه و شیر تازه و شکر و لعابات ل نمک تلخ و نمک سیاه
نیموزن شبان قریب ف بضم اول و ثانی و الف و نون و کسر فا و راء مهمله و سکون
تحتانی و موحده ثانی م مرغ کوچک شبیه بابا شه و هرگاه بزمین نشیند چنان معلوم
شود که قوت برخاستن و پریدن ندارد و همین که کسی قصد گرفتن او کند پریده اند ک
دور تر نشیند و هر چند که بیشتر روند و بیشتر رفته بنشیند شتاب ف بفتح اول و سکون ثانی
با فوقانی و الف م گریکی که در شب و شن نماید از طرف دنب که هندش جگنو گویند تمیق الفوقانی
شبت ع بکسر اول و ثانی ه سلوط منضج سنوم خ سبز تازه شگفته گل ش دودم ص اجینی یا
قرنفل الیمو عسیال یا شکنم ل نیمون تخم همان یا بابونه تمیق الراء المهمله شبانو ف بفتح اول
و ثانی و الف و خفاء نون و فتح واو و سکون راء مهمله م شب پره شبیار ف بفتح اول و سکون ثانی
با تحتانی و الف م ستنی صبره گهیکوار طح ی ق مسهل صفرا تمیق الزاء المعجمه شباز ف بفتح اول
و ثانی مشدد و الف و زاء معجمه م شیره شب فروز ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح همزه و سکون فا و ضم راء
مهمله و واو مجهول و زاء معجمه م کرم شتاب شب انگیز ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح همزه و سکون نون و کسر
کاف فارسی و تحتانی مجهول م بنجد خشت بزر البنج ه خراسانی اجوائن کی جڑ و برگ آن سبی ست شب آویز
ف بمد همزه و کسر او و تحتانی مجهول مرضی ست که شبها خود را بپا از شاخ درخت آویزد و حق تعالی
و با دامی که چند قطره خون از گلویش نچکد خاموش نشود تمیق الطاء المهمله
شبطباط بفتح اول و کسر ثانی و طاء مهمله با موحده ثانی و الف و طاء مهمله ثانی
ف کشته شبوط بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و مجهلی رو هو تمیق الغین
المعجمه شب چراغ ف بفتح جیم و راء مهمله و الف و غین معجمه گوهری که در شب
روشنائی رود گویند گاوی از دریا برمی آید شبها و گوهر ازو بمن برآورده

برزمین می نهد و بر دشمنی آن چرا می کند تمیق الکاف شبان فریک و شبان فریکو
ف بفتح اول و ثانی با الف و نون و کسر فا و راء مهمله و تحتانی مجهول و فتح موحده ثانی
و سکون کاف در لغت اول و فتح واو در لغت ثانی م مرغ شبان فریب شب پره علک
بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و راء مهمله و الف و فتح غین معجمه ف کرم شب تاب
شب خیزک بکسر خاء معجمه و تحتانی مجهول و فتح زاء معجمه ف تره تیزک ع رشاد تمیق
الکاف الفارسی شبرنگ ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله و خفا، نون و
کاف فارسی م کلی ست خورد و سیاه رنگ با ندک زردی در رود و سنگ سیاه براق که
آنرا شبه نیز خوانند طب ی تمیق المیم شبرم بکسر اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله
و سکون میم منعی از یتوعات ست ه بسولاطح ۱ ی ۳ ق مسهل سفراخ سبک
که رنگ ساقش مائل بسبزی باشد شش دانگی و گویند نیمدرم تا یکدرم ص در سرکه
یا در شیر تازه خیسانیدن ل نیموزن مازریون یاقتا الحمار تمیق النون شکون ف
بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی و سکون واو و نون م شب چراغ تمیق الواو
شبان فریو ف بفتح اول و ثانی و الف و نون و فتح فا و کسر راء مهمله و تحتانی مجهول
و واو مجهول م شبان فریک تمیق الهاء شباره ف بفتح اول و ثانی مشدده و الف
و فتح راء مهمله و خفا، هاء شپره شب الاشکافه بفتح اول و ضم ثانی مشدده و سکون
کاف و فتح همزه و سکون سین مهمله با کاف و الف و فتح قاف قلیه ه تنانخی شیوقه بفتح اول
و ضم ثانی و سکون واو و فتح قاف م خماهن شبه ف بفتح اول و ثانی م سنگ شبرنگ
شب یازه تحتانی و الف و فتح زاء معجمه چمگاذر تمیق التحتانی شبوی ف بفتح اول
و ضم ثانی مشدده و واو مجهول و تحتانی مجهول م گلیست کبود و سفید و دیگر الوان
که شب بوی دهد شبیبی ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و کسر موحده ثانی
ف برگ بزالبنج ق مخدر کیف تنسیق الموخذة الفارسی و تمیق الزاء المعجمه

شپوزف بفتح اول وضم موحده فارسی مشدده وواو مجهول وزاء معجمه شپره تمنیق
الکاف شپرک ف بفتح اول وثانی فارسی مشدد وراء مهمله چمگادڑ تمنیق الهاء
شپره ف بفتح اول وثانی فارسی مشدده وراء مهمله وخفاء ها چمگادڑ شپشه ف بفتح
اول وکسر ثانی فارسی وفتح شین معجمه ثانی کرمیست که اکثر درتابستان درجاها
پشمین وگندم ودیگر غله ها بیفتد وآنرا تباه سازد تمنیق التاء الفوقانی وتمنیق الواو
المهمله شتر خارف بضم اول وفوقانی وسکون راء مهمله باخاء معجمه والف وراء مهمله ثانی
جنسی از خار که شتر آنرا بر غبت تمام چراکند شتر موزف بضم میم وسکون واو وم
اشتر موز تمنیق الزاء المعجمه شتر غازف بغین معجمه والف وزاء معجمه درخت انکدان
تمنیق النون شتر وندان ف بفتح دال مهمله وسکون نون باوال مهمله ثانی والف
ونون ثانی نوعی از زاج مصریست تمنیق الواو شترگاؤ ف بکاف فارسی والف
وواو مجهول هم ذراقه که سر آن بسر شتر ماند وگویند بسرگاؤ گوهی ماند وسینه وسم شاخ
همه بگاؤ ماند شاخش از شاخ گاؤ کوچکتر ست وریگتر ودستش چون پوست پلنگ
پرخال ودم بدم آهو ودندان بدندان خرمانند وگردن ودستها بسیار دراز و
پایها کوتاه وگویند زانو ندارد وگویند که چون نافه جشنے باگاؤ گوهی جمع شود این
تولد شود ودر ولایت تو به بهرسد تمنیق الهاشته ف بفتح اول وثانی وخفاء ها
انگور تمنیق التحتانی شترپای ف بموحده فارسی والف تحتانی مجهول م گیاهیست
که برگش چون پای شتر ماند تمنیق الجیم وتمنیق الموحده شجرة الدب بفتح
اول وسکون جیم وفتح راء مهمله وضم فوقانی ودال مهمله مشدده م درخت زعرور
تمنیق الفوقانی شجرة الحیات بسکون لام وفتح حاء مهمله وتحتانی مشدده والف م
درخت سرو تمنیق المثلثه شجرة البراغیث بسکون لام وفتح موحده وراء مهمله والف
وکسر غین معجمه وسکون تحتانی م درخت غافث تمنیق الزاء المعجمه شجرة الوز

بسکون لام وفتح حا وف درخت اسهر که ثمر آن لسان العصافیر ست
تمنیق الغین المهمله شجرة الضفادع بفتح ضاد معجمه مشدد وبا فا والف
وکسر دال مهمله م کبیکج ف کس دیران تمنیق الفا شجرة الخیط طیف
بسکون لام وفتح خا معجمه با طا مهمله والف وکسر طا مهمله ثانی
وسکون تحتانی م مامیران تمنیق القاف شجرة البق بسکون
لام وفتح موحده م سفیدار ف درخت پشه شجرة البهق بسکون
لام وفتح موحده وهام قثاء بری ف شوره شجرة الدبق بکسر
دال مهمله مشدده وسکون موحده م درخت سپسنان شجرة البنوع
ع بکسر نون مشدد وسکون موحده ف درخت کنار تمنیق
الکاف شجره آبی مالک وبمزه ملینه ها وفتح همزه وکسر موحده
وسکون تحتانی با میم والف وکسر لام ف نوعی از اشنان تمنیق المنیم شجره ابراهیم
بکسر همزه وسکون موحده با راء مهمله والف وکسر ها وسکون تحتانی ف پنجنگشت شجرة الدم
بفتح دال مهمله مشدد ف شنکار شجرة رستم بضم راء مهمله ثانی وسکون سین مهمله وضم فوقانی
م زراوند طویل شجرة مریم بفتح میم وسکون راء مهمله وفتح تحتانی م بخور مریم تمنیق الطاء
شجرة اکله بمد همزه وکسر کاف وفتح لام م شجرة الله شجرة الله بفتح اول وثانی وراء مهمله
وضم فوقانی ولام مشدد وبا الف تقدیری واظهار ها ف درخت دیودار شجرة بارد
با موحده والف وکسر راء مهمله ثانی وفتح دال مهمله م لبلاب شجره حره بضم حا مهمله وفتح را
مهمله مشدده ثانی ف آناد درخت نیب تمنیق التحتانی شجرة موسی بضم میم وسکون
واو وباسین مهمله والف مقصوره ف درخت سرگل بدان سبب بموسی علیه السلام
نسبت کرده اند که گویند که موسی علیه السلام آتش ازان درخت بدید تمنیق
الحاء المهمل وتمنیق الموحدة شحم الذئب ع بفتح اول وسکون ثانی وضم میم و

و دال مهمله مشدد و سکون موحده ف پیه خرس ل پیه سگ تمیق الحاء المهمله
شحم المرح بسکون لام و فتح میم و سکون راء مهمله و حاء مهمله م خطمی بری تمیق الواء
المهمله شحم البقع بسکون لام و فتح موحده و قاف ف پیه گاؤل لبط شحم التحتر
ع بسکون لام و کسر خاء معجمه و سکون نون و کسر زاء معجمه و سکون تحتانی ف پیه
خوک خ ماخوذ از خنزیر جوان ل پیه سگ تمیق الضاد المعجمه شحم الارض ع بسکون
لام و فتح همزه و سکون راء مهمله ف پنبه دانه تمیق الطاء المهمله شحم البط بسکون
لام و فتح موحده و سکون ظاء مهمله ف پیه قازق مسکن اوجاع تمیق الکاف شحم حنظل
بکسر میم و فتح حاء مهمله ثانی و سکون نون و فتح ظاء معجمه و سکون لام م مغز تلخ اندرین
ق مسهل بلغم ش از یکدانگ تا دو ثلث درمی یا نیم درم ص اگر از نکایت سجح او بتر
پس سحق کن با مثل او کتیرا و از و قرص تنک ساز و در سایه خشک کن تمیق المیم
شحم ع بفتح اول و سکون ثانی و میم ف پیه چربی طح دگو نیدب ق بلعین
خ از حیوان کابلی ص لیمون و زنجبیل مربا سمین تنسیق الخاء المعجمه و تمیق
الراء المهمله شخار بضم اول و خاء معجمه و الف و راء مهمله م قلیه سجی تمیق الهاء
شخکاسه ف بفتح اول و سکون ثانی باکاف و الف و فتح سین مهمله و خفا ر هاء م الله
شخیره بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح راء مهمله م شخار تمیق التحتانی
شخلی ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر لام م خارگیاه تنسیق الراء المهمله
و تمیق الموحده شراب بفتح اول و راء مهمله با الف ع خمر و نیز اطلاق کنند
بر شربتها تمیق المثلثه شربت خ و شربانی بفتح اول و سکون راء مهمله و فتح
موحده و سکون ثلثه م فراسیون ف کندنای کوهی تمیق الفاء شیر
ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح زاء معجمه و سکون فام شیر فغاش تمیق الکاف
شترزک ف بکسر اول و ثانی و سکون زاء معجمه و فتح دال مهمله م آلوی کوهی و آن

زردست ع زعرور تمنیق الکاف الفارسی شرنگ بکسر اول وثانی وسکون
نون م خربوزه تلخ ع حنظل تمنیق النون شربین بفتح اول وسکون ثانی و
کسر موحده وسکون تحتانی ونون ف درخت قطران جنسی ست از شجره صنوبر
طرح ی ۲ ق قابض نش یکمثقال ص اشنل اهل تمنیق التحتانی شربتی ف
بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وکسر فوقانی وسکون تحتانی م تخم ریحان
کوچکتر شری بفتح اول وکسر ثانی ف درخت حنظل تمنیق الشین المعجمه
وتمنیق اللام شمشقاقل بفتح اول وسکون شین معجمه ثانی باقاف والف وضم
قاف ثانی وسکون لام م شقاقل تمنیق الهاء ششتره بفتح اول وسکون ثانی
وکسر فوقانی وفتح راء مهمله م فوه مجبیثه تمنیق الطاء المهمله وتمنیق الهاء
شطریه بکسر اول وسکون طاء مهمله وکسر راء مهمله وفتح تحتانی م نوعی از صعتر
تمنیق العین المهمله وتمنیق الراء المهمله شعاریرع بفتح اول باء موحده
والف وکسر راء مهمله وسکون تحتانی وراء مهمله ثانی ف خیارزهره کلکری شعرالجبا
ع بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وسکون لام وکسر جیم باموحده والف ف
پرسیاوشان شعرع بفتح اول وسکون ثانی ف موی ه بال طی ح ۳ ق مخفف
خ موی آدمی معتدل که سوخته باشند ل صوف شعیرع بفتح اول وکسر ثانی وسکون
تحتانی ف جوطب ی اگویند ۲ ق محلل مجلی خ سفید تازه بزرگ دانه فربه
ش از آب جوصدرم ص ابازیر کرمل باش تمنیق النون شعرالجن بفتح اول
وسکون ثانی وضم راء مهمله وسکون لام وکسر جیم وسکون نون ف پرسیاوشان
تمنیق الهاء شعوبا لصفالیع بفتح اول وثانی وسکون واو وضم راء مهمله مشدد
باقاف والف وکسر لام وفتح موحده ف زعفران تمنیق التحتانی شعیر رومی بفتح
اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وکسر راء مهمله وضم راء مهمله ثانی وسکون واو وکسر میم

۲۱۱
بعض نسخها
ابنار گویند
بترین آنکه
بسیار بزرگ
شکنده وبزرگ
باشد واصلی
درخت
رویده باشد
درکتب هند
می نویسد

وسکون تحتانی ثانی م خندروس تنسیق الغین المعجمه وتمیق التحتانی
شغالی ف بکسر اول باغین معجمه والف وکسر لام م نوعی از انگور تنسیق الفا
وتمیق الجیم شفلح بفتح اول وسکون فا وفتح لام وسکون حیم م مرکب تمیق
الکاف الفارسی شفترک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وراء مهمله
وسکون نون وکاف فارسی م میوه سرخ وسفید شبیه بشفتالوم شلبر وشلبل
تمیق الواو شفاداروف بکسر اول باثانی والف ودال مهمله والف ثانی وضم
راء مهمله وسکون واو م پازهر تمیق التحتانی شفنین برع بفتح اول وکسر اول وسکون
ثانی وکسر نون وسکون تحتانی وکسر نون ثانی وفتح موحده وکسر راء مهمله مشدده
ف مرغ بوتیمار خ کوچک تنسیق القاف وتمیق الراء المهملة شقار بضم
اول باقاف والف وراء مهمله ه ساجی شقر بفتح اول وثانی م شقایق تمیق القاف
شقراق ع بفتح اول وسکون ثانی باراء مهمله والف وقاف ثانی ف مرغیست
که کاسه شکنک گویند وآن کلاغ سبزست تمیق اللام شقاقل ع بفتح اول
وثانی والف وضم قاف ثانی ف گزر دشتی ه پهاڑکی گاجر وبرالی ودودهالی وسوالی
وکاکولی وسیالی طلح دا گویند ۲ ف مبهی ومفرح ومقوی دل خ زردهندی ه ت
ودرم ص آمله یا عسل ل بوزیدان یا چلغوزه یا اچینی یا تخم زردک تمیق النون
شقایق النعمان بفتح اول وثانی والف وکسر تحتانی وضم قاف ثانی وکسر نون
مشدد وسکون عین مهمله با میم والف ثانی ف گل لالطاحی ا گویند ۲ گویند
ح راق مجلی جاذب منوم ش نیمدرم ازگل او ص بعیرال شیخ شقردیون رومی
بفتح اول وثانی وسکون راء مهمله وفتح دال مهمله وضم تحتانی وسکون م اشقودیون
ه ، سرمو تنسیق الکاف وتمیق الالف شکوکا بضم اول وکاف وسکون
واو باشلشه والف ف تخم کشوث تمیق الموحده شکبج بفتح اول وسکون ثانی

مرگ موش تمنیق الجیم شکنج ف بفتح اول وثانی وسکون نون وجیم م نوعی از ما
شکو جنبج بکسر اول وضم ثانی وواو مجهول وفتح ها وسکون نون هم خارخسک تمنیق
الدال المهملة شکندف بفتح اول وثانی وسکون نون ودال مهملة ع خراطین
تمنیق الکاف شکانک ف بفتح اول وسکون ثانی والف وفتح نون م سنگدانه
مرغان شنگ ف بفتح اول ع سم الفار ف مرگ موش کانی ونیز طائر عکه تمنیق
الکاف الفارسی شکربرک ف بفتح اول وثانی وسکون راء مهملة وفتح موحده
وسکون راء مهملة ثانی وکاف فارسی جنسی از شکرها صافی ع عبیر هره تمنیق المیم
شکربادام ف بفتح اول وثانی وسکون راء مهملة با موحده والف ودال مهملة والف
ثانی م خوبانی تمنیق التحتانی سکاعی ع بضم اول وثانی والف وعین مهملة والف
مقصوره ف باد آورد طاح ی ۳ گویند ای ۲ ق محلل خ سبز تازه ش ودرم
ص سل تمنیق الکاف الفارسی وتمنیق الراء المهملة شکارف بفتح اول
وکاف فارسی والف م شغال وبضم اول م زکال تمنیق اللام شکال وف بفتح اول وثانی
والف ولام م شغال وبضم اول م زکال تمنیق اللام وتمنیق الالف شلکا بفتح اول وسکون
لام باکاف والف م زلوه جونک تمنیق الراء المهملة شلغفا بفتح اول وثانی وسکون غین
معجمة فا والف وراء مهملة ع اصل السوس ه ملتهی مده شلیر ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی
تسمی از شفتالو م شفترنگ تمنیق الکاف شلوک ف بفتح اول وسکون ثانی وضم فوقانی وواو مجهول
وکاف م شالی بدهان شلک وشلوک ف بفتح اول وسکون ثانی در لغت اول وضم فوقانی وواو مجهول در لغت
ثانی م زلوه جونک تمنیق اللام شل ف بفتح اول وسکون ثانی تر است هندی
مانند بهی بطعم تلخ وتند فی الجملة آنرا شنجرمل هندی خوانند م نیل ه بیل گویند پوست
شنجرمل ست طاح ۳ را شلیل ف بفتح اول وسکون تحتانی م شلیر تمنیق المیم
شلجم ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون میم ف شلغم طاح ۲ را شلم

ف بفتح اول وثانی م شلغم وبکسر اول وثانی ع صمغ تمیق النون شلون ف بفتح
اول وضم ثانی وسکون واو م صبغی اشتغال تمیق الطاء شلاب ف بفتح اول وسکون
ثانی باسیم والف وفتح موحده م شلغمی که در آب جوشانیده باشند تمیق المیم
شمشیر بفتح اول وسکون سیم وکسر شین معجمه ثانی باراء مهمله والف م اذان الفار تمیق
الفوقانی شملیت ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی ه میتهی
ع حلبه تمیق الحاء المهمله شمح بفتح اول باثانی م حلزون ف سفید مهره ه سنکه
تمیق الخاء المعجمه شماخ ف بفتح اول باثانی والف م شاخ شملخ ف بفتح اول
وسکون ثانی وفتح لام م شلغم تمیق الدال المهمله شمشاد ف بفتح اول وکسر اول وسکون
ثانی باشین معجمه ثانی والف م درختی معروفست ه بیری ونیز نام مرزنجوش شملید ف
بفتح اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی ع حلبه ه میتهی تمیق الراء المهمله
شمار بفتح اول وسکون ثانی باثانی والف ف بادیان شمشار ف بکسر اول وسکون
ثانی باشین معجمه ثانی والف م درخت شمشاد شمشیر بضم اول م سکون ثانی وکسر شین
معجمه ثانی وسکون تحتانی م قاقله صغار تمیق الزاء المعجمه شملیز ف بفتح اول وسکون
ثانی وکسر لام وسکون تحتانی م شملیت تمیق العین المهمله شمع ع بفتح اول
وسکون ثانی ف سوم ه مین طمع ق منضج بلین خ زردبی خلط که ببوی عسل ماند
تمیق المیم شمام ع بفتح اول وثانی باالف ف دستنبویه ه کچری تمیق الهاء
شمدانه ف بفتح اول وسکون ثانی بادال مهمله والف وفتح نون م عناب شمه
ف بکسر اول وفتح ثانی م شیره ملائی تنسیق النون وتمیق الفوقانی شنبلیت
ف بفتح اول وسکون نون وفتح موحده وکسر لام وسکون تحتانی وفوقانی م گلیست
زرد رنگ شبکل وقد مانند بهار نارنج وهمچنان شگفته وبوی تیز دارد وآنرا گل راهره نیز
خوانند تمیق الجیم شنج ع بفتح اول وسکون نون وجیم م نوعی از حلزون ف

زبان دیگر او ترجمه پیشانی دفع کردن مشابه شکنده قابلیت کردن بطبیخ موزه

سردست و
متوی اعضا
دمری و دافع
فساد صفرا و
بلغم رطبی و
ثمر او بطبیخ
شیرین بدن
سرد و تر و
گران بگلیت
نفاخ و بلغم افز

کجک گویند قضبک طب ی ۲ گویند تمیق الدال المهمله شنبلید بفتح اول
وسکون ثانی وفتح موحده وکسر لام وسکون تحتانی ف شنبلیت وگویند گل سوسنجان
طح ی خ سفید تازه تمیق الواء المهمله سنجار وشنقار وشنگار بفتح اول وسکون
ثانی باجیم والف وراء مهمله در لغت اول وباقاف در لغت ثانی وباکاف فارسی در لغت
ثالث م البوخلسا گیاهیست که برگش سیاه وبیخش سبز ست تمیق الزاء المعجمه
شنبگیز وشنگویز بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی وکسر موحده وتحتانی مجهول
در لغت اول وکسر واو در لغت ثانی م شرابیکه از درخت خرما حاصل شود وهندی
وبزبان پهلوی زنجبیل راگویند تمیق الشین المعجمه شس ع بضم اول وثانی
وسکون شین معجمه ثانی خرمائیکه دانه آن سخت نشده باشد تمیق الغین المعجمه
شنغ ف بضم اول وثانی م شاخ گاو تمیق الکاف الفارسی شنگ ف
بفتح اول وسکون ثانی م درختیست خوشوضع که تنه اش سفید وراست وملس
باشد وسر آن چتر زند وچوب آن در کمان بکار آید ودر خراسان بنفش خوانند
وبکسر اول ۲ غله مطر وقسمی از خیار که دراز وکج بود ودر شیراز کلونده خوانند وگیاهیست
که در اصفهان لاله شنگ گویند تمیق اللام شنگال ف بفتح اول وسکون
ثانی وفتح کاف فارسی ولام وسکون لام ثانی م غله شنگ تمیق النون شنان
بضم وکسر اول با ثانی والف م فرسیون شنن ف بفتح اول گیاهیست که از یونانیان
سلیمان سازند تمیق الهاء شنبلیله ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وکسر
لام وسکون تحتانی وفتح لام ثانی م حلبه شنبلیله بضم اول وسکون ثانی وفتح وکسر
دال مهمله وفتح لام م تودری تمیق التحتانی شنگرف زاولی ف بفتح اول وسکون
ثانی وفتح کاف فارسی وسکون راء مهمله وکسر فا بازاء معجمه والف وواو وکسر لام م
سرخ ۲ سندور تنسیق الواو وتمیق الالف شواصر بفتح اول م واو والف

۲۱۵

اصفلو صولانی
دلیر دلاور آزاده
صفرا دبفتح باید
را از بول جدا
کند ودافع
بواسیر ولقوه
ودرد پهلو و
تنگی نفس
مونگ
خاصیت

وفتح صاد مهمله و راء مهمله ف نوعی از بز بجاسپ طب چ ی شوکة بیضاء بفتح اول وسکون
ثانی وفتح کاف وهمزهٔ ملیئه ها وفتح موحده وسکون تحتانی باضاد معجمه ف باد آورد شویلا
بضم اول وفتح ثانی وسکون تحتانی بالام والف م برنجاسپ تمیق الموحدة شوبع
بفتح اول وسکون ثانی م عسل تمیق الفوقانی شوات ف بفتح وضم اول باثانی والف جانوری
است پرنده مانند مرغابی که هم در آب وهم در خشکی زندگانی کند وگویند پرنده ایست سرخ رنگ
که هر زمان برنگے ولونے برآید م بوقلمون تمیق الدال المهملة شوادف بفتح وضم
اول باثانی والف ودال مهمله م شوات تمیق الراء المهملة شوخار بضم اول وثانی
مجهول باغین معجمه والف ورا مهمله ف زاک سفید تمیق الزاء المعجمة شورة گزف
بضم اول وثانی مجهول وفتح را مهمله وخفاء ها وفتح کاف فارسی ع اثل ه درخت جهاؤ
شموشمیر ف بضم اول وسکون ثانی وشین معجمه ثانے وکسر میم وسکون تحتانی ع قاقله صغا
شونیز ع بضم اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی ف سیاه دانه طرحی ٢ ق
سقطع مجلی محلل مدرش نیم مثقال تا دو درم مص کتیرا وکاسنی ل صمغ زیتون یا تخم
شره تیزک تمیق الطاء المهملة شوخط بفتح اول وسکون ثانی وفتح خاء معجمه ف
خوشهٔ ارزن تمیق العین المهملة شوع بفتح اول وسکون ثانی ف درخت بان
تمیق الکاف شوالک ف بفتح اول وثانی والف وفتح لام ه مرغی است که هر زمان
بینگے نماید ع ابو برآس شوشک ف بضم اول وسکون ثانی وفتح شین معجمه ثانے م
جانوریست شوکة العلک ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف وضم نوقانی وسکون لام
وکسر عین مهمله وسکون لام ثانی م نوعے ازماذریون تمیق النون شوکة الدسن ع
بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف وضم نوقانی وفتح دال مهمله مشدده ومیم وسکون
نون م کنکر شوکران بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف وراء مهمله والف م تفت
بیر دوگویند که تخم بنگ رومی ف وورس طب ی ٢ ق مخدر خشیر ے ش نمدم

ص شراب صرف ل بزر البنج وتخم لفاح تمیق الواو شوشون بضم هر دو شین معجمه وسکون
هر دو واو م از زنان تمیق الهاء شوکه ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف م شکاعی
تمیق التحتانی شوی ف بکسر اول وثانی م شبت هر سوا تمیق الهاء وتمیق
الموحده شهاب بفتح اول باها والف م رنگ سرخی که مرتبه اول از گل
گاوزبره کشند ودر عربی شیر نیک باب آمیخته تمیق الجیم شهدانج ع بفتح اول
وسکون ثانی بادال مهمله والف وفتح نون م شهدانه ف تخم سنگ طح ی ۲ ق
مجفف خراسانی ش سه درم ص بریان نمودن ل بوزن آن کنجد ونیم وزن
مغفل تمیق الهاء شهدانه ف بفتح اول وسکون ثانی بادال مهمله والف و
فتح نون ع شهدانج شهنگانه ف بفتح اول وثانی وسکون نون باکاف
فارسی والف وفتح نون م زاله تمیق الیاء التحتانی وتمیق الالف
شیبان بکسر اول وسکون تحتانی باموحده والف م افعی شیرگیاف بکسر اول ۲۱۷
وسکون ثانی وراء مهمله وکسر کاف فارسی باتحتانی ثانی بدودهی تمیق الفوقانی
شیرخشت بکسر اول وسکون ثانی وراء مهمله وکسر خاء معجمه وسکون شین معجمه
ثانی نمیست که در خراسان چون شبنم بر درخت سیاه چوب که در فصل
پی برو بغایت صلب باشد بنشیند ط مع ف ح ق مسهل صفرا خ شفاف
مانند صمغ ش از هفت درم تا سی درم ل یک نیم وزن آن تر بجبین یا یکونه
آن تمیق الجیم شیرآلمج بکسر اول وسکون ثانی وکسر راء مهمله ومد همزه وسکون
میم وفتح لام وسکون جیم ف شیرآلمه چون آلمه را در شیر خیسانیده باشند آنرا
بدین نام خوانند ط ب ی ۳ گویند رخ باید که چند روز آلمه را در شیر خیسانیده
باشند ش یک مثقال شیرخ بکسر اول وسکون ثانی ع فتح راء مهمله ت ر غ
کنجد وشیرین هر میهاتیل ط ح ساق ملین فواکه قابض ص زیت مغسول

شیرزنج بفتح زا معجمه شیرخفاش ط ح ی شیطرنج ع بکسر اول وسکون تحتانی
وفتح طا مهمله وراء مهمله ف شیتره ه چیتا ط ح ی ۳ ق مجلی منقی خ هندی ش
یک مثقال ص مصطگی یاورد یا صندل ل فوه یا بیخکبر یا عقرقرحا تنمیق الحاء
المهملة شیح ع بکسر اول وسکون ثانی وحا مهمله ف رمنه ط ح ی ۳ گویند
ح ۲ ی ۱۲ ق مقطع محلل خ ارمنی ش نیمدرم ص ترمس یا شراب ریباس یا شراب
اترج یا بنفشه ل برنگ یا افسنتین تنمیق الراء المهملة شیر بخشیر بفتح موحده
وسکون خا معجمه وکسر شین معجمه ثانی وسکون تحتانی ثانی وراء مهمله ثانی ف
بیخی ست زرد رنگ که از هندوستان وکشمیر خیزد ه هرنی ط ح ی ش دانگ
تا نیمدرم تنمیق الزاء المعجمه شیبته العجوز ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح
موحده وضم فوقانی وسکون لام وفتح عین مهمله وضم جیم وسکون واو م اشنه
شیراز بکسر اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله با الف ع ریحان شنیز بکسر اول
وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی ثانی م شنوز تنمیق السین المهمله
شیرمکس ف بکسر اول وتحتانی مجهول وراء مهمله وفتح میم وکاف فارسی ع عنکبوت
تنمیق القاف شیرزوق بکسر اول وسکون ثانی وراء مهمله وضم زاء معجمه و
سکون واو وقاف م شیرزنج تنمیق الکاف شیرخشک بضم خا معجمه وسکون
شین معجمه ثانی ف بید خشک وبید انگبین نمیست یعنی نعمتی ست که چون شبنم
در خراسان درخت بید نشیند ط ح گویند مع ب ح ق لبن خ سفید شیرین ش
ده درم ل ترنجبین شیشیک ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر شین معجمه ثانی و
فتح تحتانی ثانی م گویند یکسالگی شیشک ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر شین معجمه
ثانی وفتح تحتانی ثانی م تیهو تنمیق الصاد شیلم ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح
لام وضم آن وسکون میم گویند دانهای صلب گرد است که بعضی سیاه وبعضی

سرخ درمیان کشت گندم روید و گویند یاسمین جنگلی ست ط ح ی ٣ و گویند ح ا
ی ٢ ق ملطف مجلی محلل مسکر ح او کهن فربه ص کزبره خشک ل جند قوتی و در دفع
تو با گندم شیم ف بکسر اول و سکون ثانی ماهی است فلوس دار ع رجیزه
تمیق النون شیان بکسر اول با ثانی و الف ف پرسیاوشان تمیق الواو شیشو
بکسر اول و سکون ثانی و ضم شین معجمه ثانی و سکون واو م تهتو تمیق الهاء شیرابه
بکسر اول و سکون ثانی بارا مهمله و الف و فتح موحده ف خشخاش شیره بکسر اول و سکون
ثانی و فتح را مهمله نوعی از بوزه که بنگ داخل سازند شیلانه ف بکسر اول و سکون
ثانی بالام الف و فتح نون م عناب شیلونه ف بکسر اول و ثانی مجهول و ضم لام و
سکون واو و فتح نون م لاک پشت شیمه ف بکسر اول و ثانی مجهول و فتح میم م خواهر
از انگور تمیق التحتانی شیان خوزنی بکسر اول با ثانی و الف و کسر فا و ضم معجمه و
واو مجهول و کسر زا معجمه و سکون تحتانی م لوبیا در بندی شیخ بتی ف بکسر
اول و سکون ثانی و کسر خا معجمه و فتح حا مهمله ثانی و موحده و کسر شین معجمه ثانی ف
فلفل سیاه ترقیم الصاد المهملة وتنسیق الالف وتمیق الموحدة
عناب بصاد مهمله و الف و موحده م خطل و گویند قثاء الحمار ست و گویند از تیوعا ست
و گویند دیو دار ست تمیق الفاء صابون القاف بضم موحده و سکون واو و ضم
نون و سکون لام با قاف و الف و فام چوبک اشنان تمیق النون صابون
بضم موحده م ط ح ی ٢ ق مقرح محرق خ کهنه ص قے کردن آب گرم و روغن
تنجد و خوردن شوربای چرب با روغن و مرغ ل بوره واشنان تمیق الهاء صابه
بکسر حا مهمله و فتح تحتانی م خرف زردک هـ گاجر تنسیق الباء الموحدة ف
تمیق الراء المهملة صبا بضم اول با موحده و الف و را مهمله م تربندی صبغ
بفتح و کسر اول و سکون موحده هـ ایلوا و مسبر ط ح ی ٢ گویند ٣ ق مجفف مدتل

مسهل خ سقوطرے کہ لونش بجگر ماند و بویش بمرو براق چون صمغ باشد و چون بہ
بالند زود تر خرد شود و مطلقا سنگریزہ در و نباشد بس تا سہ درم و بادیگر مسہلات از
یک نیمدرم تا یک مثقال ص صمغ و کتیرا ل مراحم تمیق التحتانی صبغ بفتح اول و
کسر ثانی و سکون تحتانی م عصارہ سنا یا سنا تنسیق الحاء المهمله و تمیق
الالف صحناع بفتح و سکون حا مہملہ با نون و الف ف ماہیا بطحی ۲ گونیج
ی ۲ ق مقطع مجلی ش یکدرم تا دو درم ص کتیرا و مصطگے و ورد و مقل و اگر در
اسافل شخصے علتی باشد بیامیز و او را با مقل جہت مبرودی و محرور یرا بہ کتیرا
مخلوط سازد و اگر در معدہ و جگر علت باشد با مصطگے و گل سرخ بدہد ل حضض و
در نفخ معدہ فہ ستین تنسیق و تمیق الدال المهمله صد پوند بفتح اول و
سکون دال مہملہ و کسر موحدۂ فارسی و تحتانی مجہول و فتح واو و سکون نون ہ
عصے الراعی صد بد المحدید بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم دال مہملہ ثانی
و سکون لام و فتح حا مہملہ و کسر دال مہملہ ثالث و سکون تحتانی ثانی م زعفران آہن
تنمیق الفا صدف بفتح اول و ثانی و سکون فا سیپے طب ای ۲ ق مجفف خ
سفیدی کہ در آب شیرین باشدش از و یک مثقال و از آب او سہ درم ص عسل
یا عناب ل و زفع یا کہ یا تنسیق الراء المهمله و تمیق الالف صریاع
بفتح اول و کسر راء مہملہ و سکون تحتانی با راء مہملہ ثانی و الف م با در وج تنمیق
الموحدہ ضرب بفتح اول و سکون ثانی ع صمغ ہ گوند تمیق النون صرفان ع
بکسر اول و سکون ثانی با فا و الف م نوعے از خرماء ہندی سرخ فربہ ف خرمک
لکتوم و سرب را نیز بدین نام خوانند تمیق الواو صرو بفتح اول و سکون راء
مہملہ م مشوکران تمیق الہا صرابہ بفتح اول و سکون راء مہملہ و الف و فتح موحدہ
و خفاء با جنگلے کہ زرد خواہد شد صرصروع بفتح ہر دو صاد مہملہ و سکون راء مہملہ

اول وفتح راء مهملهٔ ثانی ف جرواسک ه جهینگرش سه عدد یانج یا هفت جانور
تنسیق العین المهمله وتنمیق الراء المهملة صعترغ بضم اول و
سکون عین مهمله وفتح فوقانی وسکون راء مهمله نوعی از پودنه بری ست ف او شت
وکاکوتی طاهری ۳ ق مفتح وملطف ومغشی خ کوچک ورق ش نیم مثقال
تا یکدرم ص سرکه ل فوتنج تنسیق الغین المعجمه وتنمیق النون صغبین
بفتح اول وسکون غین معجمه وکسر موحده وسکون تحتانی م پیکنج تنسیق القاف
وتنمیق الراء المهمله صقرغ بفتح اول وسکون قاف وراء مهمله طائری ست
شکاری ف چرغ طاهری تنمیق السین المهملة صقالیس بفتح اول وثانی
وکسر تحتانی وسکون سین مهمله ه گربی تنسیق وتنمیق اللام صلصل غ به فتح
هر دو صاد مهمله وسکون هر دو لام م حکه وعقعق ه مهوکا صل غ بکسر اول ف آبست
که افسون نمی پذیرد تنمیق النون صلون غ بفتح اول وضم ثانی وسکون واو
م خرنوب نبطی تنسیق المیم وتنمیق الموحدة صمغ السداب بفتح اول و
سکون میم وضم غین معجمه وسین مهمله مشدد با دال والف ل دو وزن حلتیت است
تنمیق المثلثه صمغ المحروث غ بفتح اول وسکون ثانی وضم غین معجمه وسکون
لام وفتح میم ثانی وسکون حا مهمله وضم راء مهمله وسکون واو م حلتیت تنمیق الدال
المهملة صمغ القتاد بفتح قاف ومثلثه والف ه کتیرا صمغ عسفید بفتح اول
وسکون ثانی وکسر غین معجمه وفتح سین مهمله وکسر فا با تحتانی مجهول ه گوند درخت
کرهری تنمیق الراء المهمله صمغ الصنوبر بفتح صاد مهمله مشدد ثانی ونون وفتح
موحده م رانیج صمغ الکنگر بسکون لام وفتح کاف وسکون نون وفتح کاف فارسی
ل بیخ دارشیشعان ودرقی کردن جوز القی تنمیق الزاء المهملة صمغ اللوزغ
بفتح لام مشدد وسکون واو وضم صمغ بادام خ سفید ماخوذ از درخت جوان ل صمغ عربی

وکثیرا تنمیق الصاد المهملة صمغ الاجاص بسکون لام وکسر همزه باجیم مشدد
والف م صمغ آلوق مفت مدل خ ماخوذ از درخت کهن تنمیق الطاء المهمله
صمغ البلاط بکسر موحده بالام والف ف از سنگ ساخته وآن چیزی ست که از
رخام سنگ سازند وگویند که از معدن بهم رسد ونام مرکبی ست که از صبر ومُنَر
خون سیاوشان وعلک وانزروت وصمغ عربی از هریک جزوی واصل مرجان و
زاج از هریک نیم جزو کوفته بیخته باب صمغ عربی بسرشند وبر دیوار چی زنند وراگنند
تا خشک شود وهرچند کهنه شود نیکو بود تنمیق الغین المعجمة صمغ ع بفتح اول
وسکون ثانی ونمین معجمه صمغ جمع وی ف از دود وشلم ه گویند ط حری گویند مع
ق مغری قابض وحابس خ عربی شفاف سفید صاف بی چوب رود گداخته و
آب تنمیق الفاء صمغ الحرشف بسکون لام وفتح حاء مهمله وسکون راء مهمله وفتح شین
معجمه م کنکری تنمیق المیم صمغ البطم بسکون لام وضم موحده وسکون طاء مهمله و
میم ثانی م سقرطاحری ۲ ش یک درم ص سفرجل وکثیرا ل کثیرا تنمیق النون
صمغ الزیتون بفتح زاء معجمه مشدده وسکون تحتانی وضم فوقانی وسکون واو و
اسطرکل عصاره طرانیث یاشویر تنمیق التحتانی صمغ الجوز الرومی ع بسکون
لام وفتح جیم وسکون واو وکسر زاء معجمه وضم راء مهمله مشدده وسکون واو وکسر میم
وسکون تحتانی ف کهربا صمغ الکمثری بسکون لام وضم کاف وفتح میم مشدد وسکون
مثلثه وفتح راء مهمله والف مقصوره ف صمغ درخت امرود خ از درخت کهن ش
ودشقال صمغ عرفی بکسر غین معجمه وفتح عین مهمله وراء مهمله وکسر موحده ه گویند
درخت کیکر ط م گویند ح گویند ب ی ش ودشقال ص کتیرا وشراب صندل
وگلاب صمغ بادام وحب الآس تنسیق النون وتنمیق الراء المهمله
صندل اسم ع بفتح اول وسکون نون وفتح دال مهمله وکسر لام وفتح همزه وسکون

ما مهمله و فتح میم و سکون را مهمله ف صندل سرخ هـ رگت چندن طب ی ۲ گویند
سل فوفل صنوبر صغار ع بفتح اول و ثانی و سکون واو و فتح موحده و کسر را مهمله و صاد
مهمله ثانی با غین معجمه و الف هـ درخت چیڑه طمع ح ۲ ی گویند ل رفت
صنوبر کبار ع بکسر کاف با موحده و الف ف درخت چلغوزه طح ا س ۲ ق مسمن خ
تازه بزرگ سفیدش پانزده عدد ص هوارش سفرجل ل دو وزن او خشخاش
تنسیق الضاد المعجمة صندل ابیض ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله
و کسر لام و فتح همزه و سکون تحتانی و فتح تحتانی و سکون ضاد معجمه ف صندل سفید
هـ چندن طب ی ۲ گویند ۳ گویند ساق مقوی دل خ مقاصری ش نیم مثقال ص
جلاب شکر طبرزد ل اشنه یا فوفل تنسیق الواو و تنسیق الضاد المعجمة صوف
الارض بضم اول و سکون واو و ضم فا و سکون لام و فتح همزه و سکون را مهمله و
ضاد معجمه م فراسیون تنسیق الفا صوف ع بضم اول و سکون ثانی و فا ف شیم ط
ح ی ۲ ق مسخن مجفف اکال ل شعر تنسیق الهاء صوطا بضم اول و سکون ثانی
و فتح طا مهمله و لام و خفا باف نوعی از چقندر ثر قیم الضاد المعجمة و تنسیق
الالف و تنسیق اللام ضال ع بضاد معجمه و الف و لام ف کنار تنسیق النون ضان
ع بضاد معجمه و الف و نون ف میش هـ بهیدی تنسیق الباء الموحدة و تنسیق الالف
صعبه عرجاع بفتح اول موحده و بین مهمله و همزه لمینه ما و فتح عین مهمله ثانی و سکون را
مهمله با جیم و الف ف کفتا طبگوشت ارح ی ۲ تنسیق الموحدة تمب ع به فتح
اول و سکون ن موحده ف بچه سو سمار که اول سه زاید او را حمل مے گویند و بعد
ازان غیداق خوانند و بعد ازان مطلخ و بعد ازان حصرم و چون بتمامی رسد ضب
گویند طح ی ق بشکل او مجلے خ متوسط ص حصرم تنسیق الراء المهملة ضب
بفتح اول و ثانی و سکون را مهمله م درخت جرز بوا تنسیق الراء المهملة و تنسیق الموحدة

ضرب بفتح اول وراء مهمله وسکون موحده مغسل وگویند جانور خارپشت
تنسیق الزاء المعجمة ضرس العجوز ع بکسر اول وسکون ثانی وضم سین مهمله و
سکون لام وفتح عین مهمله وضم میم وسکون واو وزاء معجمه ف خسک تنسیق
العین المهملة ضرع ع بفتح اول وسکون ثانی وعین مهمله ف پستان غیر
انسان ه چوچی طب ی خ ماخوذ از حیوان که گوشتش نیکو بود ودر وشیر بسیار
بود وضرورع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی فتسباتی ست دریائی که بر ساحل
دریا بندطرحی تنسیق المیم ضرم بفتح اول وسکون ثانی ومیم م اسطوخودوس
تنسیق الواو ضرو بفتح اول وثانی وواو مجهول م نوعی از بنفشه الخضراء طرحی ۳
گویند گویند راق مجفف خ شیر تازه ص سفرجل تنسیق الهاء ضرع الکلمه
ع یمینی بضم اول وثانی وسکون واو وضم عین مهمله وسکون لام وفتح کاف وسکون
لام ثانی وفتح موحده وخفاء یاف درخت زقوم تنسیق الغین المعجمة وتنسیق
السین المهملة ضغابیس ع بفتح اول باتین معجمه والف وکسر موحده وسکون
تحتانی وسین مهمله جمع ضغبوس ست ف خیارزه ه لکڑی ضغبوس ع بضم اول
وسکون ثانی وضم موحده وسکون واو ف خیارزه وگویند خربزه نارسیده تنسیق
الفاء وتنسیق العین المهملة ضفدع ع بفتح اول وسکون فاو فتح دال مهمله و
سکون عین مهمله ف غوک دوبک ه مینداک وواد ر تنسیق النون ضفادع الحبن
ع بفتح اول وثانی والف وکسر تحتانی وضم راء مهمله وسکون لام وکسر جیم ف
پرسیاوشان تنسیق الواو تنسیق الراء المهملة ضومع بفتح اول وسکون
ثانی وفتح میم وسکون راء مهمله م بادروج تنسیق النون ضومران ع بفتح اول و
سکون ثانی وضم میم وراء مهمله والف ونون ف بید مشک وگویند ریحان ل
بدم یا بلخه تنسیق الیاء التحتانی وتنسیق النون ضیمران ع بفتح اول وسکون

تحتانی وضم میم بارا مهمله والف ونون م ریحان ق قیم الطاء المهملة و
تنسیق الالف وتنمیق الراء المهملة طالیسفر بطا مهمله والف وکسر
لام وسکون تحتانی وسین مهمله وفتح فا وسکون را مهمله ف پوست بیخ زیتون
هندی وآن تشور هندی ست طمع گویند ۳ ق قابض شر یک مثقال ص
عسل یارب السوس ل سنبل الطیب ونیموزن سانج یا مقل وابهل مساوی یا
چهار دانگ وزن آن کمون ونیموزن انجبل یا بوزن اوعذبه ونیموزن بسباسه
تنمیق السین المهملة طاوس ع بضم همزه وسکون واو وه مورد گوشت وح ما
تنمیق الکاف ط انک ف بفتح خا معجمه ف بارو رخت نیم ه نبولی تنمیق المیم و
طالم بفتح لام ف زنج زر وتنمیق النون طالقون بکسر لام وضم قاف وسکون
واو ف نوعے ست صنوبری که مدبر کرده باشند تبوبال نحاسے که در کمینگاه وخیسانیده
باشند تنمیق الهاء طارطقه یونانی بسکون را مهمله وکسر طا مهمله ثانی وفتح قاف
م حب الملوک طاریقه یونانی بکسر را مهمله وسکون تحتانی وفتح قاف م بید
تنسیق الباء الموحدة وتنمیق الالف طبقا بفتح اول وسکون موحده با قاف
والف م خندروس تنمیق الخاء المعجمة طبنج ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتا
وخاء معجمه ف خربزه وادویه که باب بجوشانند وبپزند تنمیق الدال المهملة طبرزد
بفتح اول وکسر ثانی وسکون را مهمله وفتح زا معجمه معرب تبرزدست یعنی نبات مصری
از جنس اولی ه ایلوج وسنگ سنگ انیز بدین نام خوانند از جهت سختی وصلبی هر دو
تنمیق الراء المهملة طبار بکسر اول باثانی والف ف نوعے از انجیر سرخ بزرگ
طباشیر ع بفتح اول وثانی والف وکسر شین معجمه وسکون تحتانی ه نبسلوس چلب
ی ۲ گویند ۳ ق قابض مخفف مقوی دل ومعده خ سفید سبک زود خرد شونده
سن دود دانگ ص گلاب وگویند مصطگی وانیسون وگویند رب السوس نیموزن کافور

یا عصارہ لحیۃ الثیس یا سہ وزن ان مغز خیارزہ و چہار وزن بزر قطونا یا گل مختوم یا
کاغذ مصری سوختہ یا تخم کاسنی یا نیم وزن صندل تنمیق القاف طباق بکسر و
ضم اول با ثانی والف و قاف م غافث تنمیق التحتانی طبع ع بفتح اول و کسر ثانی
و تحتانی مجہول ف پستان تنسیق الشاء المثلثۃ و تنمیق الجیم طشرج بفتح
اول و سکون مثلثہ و فتح راء مہملہ ف مورچہ کوچک ہم چیونٹی تنسیق الحاء المہملۃ
و تنمیق الالف طحمار روے بفتح اول و سکون حاء مہملہ با میم م شوکران تنمیق الواو
طحلب ع بضم اول و سکون ثانی و ضم و فتح لام ف جامہ خواب بک و بیزہر سوال
کہ در آبہا روید طاب ۳ س ۲ ق راوع خ انچہ در آبہاے شیرین روید ص مارا رحمان
لاحی العالم تنمیق اللام طحال ع بکسر اول با ثانی والف ف سپرزہ تلی طح
ی گویند ب خ ماخوذ از حیوان جوان فربہ ص و غ مرکب کبر تنمیق الہاء طحینہ ع بفتح
اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح نون ف ارد تنسیق الخاء المعجمۃ
و تنمیق النون طخشیقون روے بفتح اول و سکون خاء معجمہ و کسر شین معجمہ
و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون واو ف دوائی ست کہ اہل ارمن بیکان را بوے
زہر آلود کنند تنسیق الراء المہملۃ و تنمیق الالف طرفاع بفتح اول و سکون
راء مہملہ با فا و الف ف درخت گزہ جہاؤ طاب ی گویند مع خ باق قابض مخفف
خ انچہ از آب دور تر باشد ش پنجد ہم ص روغن بادام یا عسل ل مذبہ یا جلنا
تنمیق المثلثۃ طرآثیث ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر مثلثہ اول و سکون تحتانی
ف ایل شیرین طاب ی ۳ ق قابض خ سفیدش یک مثقال ص کتیرا ل
نیم وزن پوست مرغ سوختہ و شستہ و دانگ وزن آن عفص و دہ یک آن صمغ عربی
یا جلنار یا جفت بلوط طر ثوث بضم اول و سکون ثانی و ضم مثلثہ و سکون واو م درخت
اشق و گویند اشتر غار تنمیق الجیم طرسیوج بفتح اول و ثانی و سکون سین مہملہ و ضم تحتانی

وسکون واو ف ماهی دریائی تمیق الخاء المعجمه طرخ بفتح اول وکسر ثانی وسکون
تحتانی وخاء معجمه ف نوعے از ماهی کوچک م شاه ماهی طرخی ق مقطع خ تازه ص
روغن وسرکه ماهی نیک تمیق السین المهمله طرخوانس یونانی بفتح اول وثانی
وسکون نون وضم جیم وسکون واو وباء موحده والف وکسر نون ثانی ف پرسیاوشان
تمیق الشین المعجمة طراغور یغایش یونانی بفتح اول وثانی والف وضم غین معجمه
وسکون واو وکسر راء مهمله وسکون تحتانی باغین معجمه ثانی والف ثانی وکسر تحتانی ثانی
ف پودنه کوهی تمیق القاف طرخشقوق بفتح اول وسکون ثانی وفتح خاء معجمه و
سکون شین معجمه وضم قاف اول وسکون واو ف کاسنی بری طب ی ق
بفتح شش یک مثقال ص سکنجبین مل مذر او تمیق النون طرخماطیقون یونانی
بفتح اول وسکون ثانی وفتح حاء مهمله یا خاء معجمه وبه میم والف وکسر طاء مهمله ثانی وسکون تحتانی
وضم قاف وسکون واو ونون ف نوعے از سرمه یاوارد ی چشم طرخون ع بفتح اول
وسکون ثانی وضم خاء معجمه وسکون واو م طرخونی ف عاقرقرحا بستانی طرخی ا ق مخدر
خ تازه بستانی ص کرفس ل درتخ پرنم غل طرخیلون رومی بفتح اول وسکون ثانی
وکسر لام مهمله وسکون تحتانی وضم لام وسکون واو م سیسالیوس طرخبین بفتح اول
وثانی وسکون نون وضم جیم وکسر موحده وسکون تحتانی ف ترنجبین طرخثقون یونانی
بضم اول وثانی وسکون واو وضم هر دو قاف وسکون هر دو واو م زعرور طرقون
یونانی بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وضم قاف وسکون واو ثانی ف بستان افروز
طرفیان یونانی بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی باغین معجمه والف ف تخم معصفری
بشیرازی انگریزی گویند طرفلین بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح فاء وضم وفتح
لام ف اسم مشترک است بر جند قوقی وبرنبات خصی الثعلب ه سهنس کوئی ح ی
طریقون یونانی بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وضم قاف وسکون واو بوتیمار

تنمیق الهاء طربلیه بفتح اول وسکون ثانی وکسر موحده وسکون تحتانی وفتح لام و
خفاء وهام طرنطین تنسیق الفاء وتنمیق اللام طفشیل م بکسر اول وسکون فا وکسر شین
معجمه وسکون تحتانی ف عدس مقشر که با سر کنجته باشند تنسیق اللام وتنمیق الالف
طلاع بکسر اول بالام والف ف خمر کهن وتیز بمعنی زرد وارد وئی که بآب رقیق ساخته
مانند طلا سیا بفتح اول وکسر لام وسکون تحتانی باسین مهمله والف ف نوعی از صدف
کوچک تنمیق الحاء المهملة طلع ع بفتح اول وسکون ثانی م موزه کیلا تنمیق
العین المهملة طلع ع بفتح اول وسکون ثانی ف اول میوهٔ خرما که بهارخرما گویند
طاب ای ۲ ق مجفف ممسک ص تمر وعسل ل کشری تنمیق القاف طلق ع بفتح
اول وسکون ثانی م کوکب الارض هـ اهرک وبهوذل طاب ای ۲ ق قابض خ یمانی
تیک براق ص روغن وآب گرم ل طین قیمولیا تنسیق المیم وتنمیق الالف طمرا
روی بفتح اول وسکون میم با راء مهمله والف ف بیدانجیر تنمیق المیم طمطم ع بکسر
هر دو طاء مهمله وسکون هر دو میم م سماق هـ تن تریک تنسیق وتنمیق الموحدة
طوب ع بضم اول وسکون واو بلغت اهل مصر خشت پخته تنمیق الطاء المهملة
طوطع بضم اول وسکون ثانی وطاء مهملهٔ ثانی ف پنبه تنمیق النون طوطاق اغریون
یونانی بضم اول وسکون ثانی باطاء مهملهٔ ثانی والف وقاف وفتح همزه وسکون
غین معجمه کسر راء مهمله وضم تحتانی وسکون واو ثانی ع سلق جبلی م حلیو طولیدون
روی بضم اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی وضم دال مهمله وسکون
واو ثانی ع عنب الثعلب تنمیق الهاء طواره یونانی بفتح اول وثانی والف وفتح
راء مهمله وخفاء وهاء بیش هـ بس تنسیق الهاء وتنمیق الفاء طهف بفتح اول
وسکون هاء وفاء ذرت یا طعامی است که از ذرت سازند تنسیق الیاء التحتانی
وتنمیق الالف طیا یونانی بفتح اول با تحتانی والف ف نوشادر طین قیمولیا بکسر

اول وسکون ثانی وکسر نون وفتح قاف وسکون تحتانی ثانی وضم میم وسکون واو
وکسر لام با تحتانی ثالث ف سنگ رخام لطین مصری تمییق الموحدا کاطیب العربی
ع بکسر اول وسکون ثانی وضم موحده وسکون لام وفتح عین مهمله
و را مهمله وسکون موحده م اذخر تمییق الفوقانی طین الحکمت ع بکسر
اول وسکون تحتانی وضم نون وسکون لام وکسر حا مهمله وسکون کاف وفتح
میم وسکون فوقانی ف گل حکمت وآن مرکبی ست تمییق المثلثه طینوث
ع بفتح اول وسکون ثانی وضم نون وسکون واو ومثلثه ف عروسک وموزه دور
حیوانی ست سرخ که بر وقطهای سیاه بوند واز ذرایج خورد تر واکثر بر خوشه انگور
بود دل ذرایج باکرم سبز درخت صنوبر تمییق الجیم طیموج بکسر اول وسکون ثانی
وضم ها وسکون واو وجیم ف تیموه پودناط مع خ فرهی که در فصل خریف گیرند
تمییق الزاء المهملة طین احمر ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر نون وفتح همزه و
سکون حا مهمله وفتح میم وسکون را مهمله ف گل سرخ که آن را مغره نیز گویند هگیر
طین اخضر ع بفتح همزه وسکون خا معجمه وفتح ضاد معجمه ف نیل طین اصفر ع بفتح همزه
وسکون صاد مهمله وفتح فام طین الضم زرد تیره رنگ که هندوان در قشقه بکار میبرند
هم پیوری تمییق السین المهملة طین ساموس سین معجمه والف وضم میم وسکون
واو وسین مهمله م کوکب ساموس وآن قائم مقام گل مختوم است ط مع ح ب
تمییق المیم طین مختوم ع بفتح میم وسکون خا معجمه وضم فوقانی وسکون واو ف
گل مختوم گل سرخ رنگ است بغایت املس ط مع ح ب ق قابض ومفرح
ومقوی دل وحابس خون ومدمل جراحات ودرد رحم ل در تریاق بدل ندارد ودر
قبض خون سفره یا طین ارمنی که بجون سبز کوهی سرشته باشند تمییق النون
طیطان سرپانی بکسر اول وسکون ثانی با طا مهمله ثمانی والف ف گندنا صحرا

اطیلا میون یونانی بفتح اول وسکون ثانی ولام والف وفتح فا وضم تحتانی
ثانی وسکون واو ف نوعی از حی العالم طین ع بکسر اول وسکون ثانی ف گل ھ
سیمی ط مجموع کلھاب ی ق مخفف ش یک درم ص ھندبال از بعضے بعضے
تنسیق التحتانی طبقے رومے بکسر اول وسکون تحتانی وکسر قاف وسکون تحتانی
ثانے م وادے طین ارمنے بفتح ھمزہ وسکون را مھملہ وفتح میم وکسر نون
ثانے ف گل ارمنے گلی ست تیرہ رنگ طب ی خوردے کہ بی ریل وبعد از
سنجن چون بر زبان نھند بچسپد ص گلاب ل طین لاکے طین فارسی بفا والف
وسکون را وکسر سین مھملہ ف گل سرشوی طب ی خ مائل بسرخے ش دو مثقال
طین قبرسی بضم قاف وسکون موحدہ وفتح را مھملہ وکسر سین مھملہ گلے ست
سرخ گلگون کہ چون در دست بمالند سرخے او در دست بماند وچون بشکنند
در اندرون وے رگہا زرد بود چون بر زبان نھند بغایت بچسپد ل طین
مختوم طین ندیثا پوری بکسر نون وسکون تحتانی باشین معجمہ والف وضم
موحدہ وسکون واو وکسر را مھملہ گل ماکول وگل خراسانے وآن را خام وبریان
کردہ بخورند وبدان تنقل نمایند ش یک درم تا دو مثقال تر قیم الظاء المعجمة
وتنسیق الباء الموحدة وتنمیق التحتانی طبے ع بفتح اول وسکون
موحدہ وتحتانی مجہول ف آہو ھ ہرن ومرگ تنسیق الفا وتنمیق الالف ظفر
بفتح ظا معجمہ وسکون فا با را مھملہ والف ف بودنہ بری تنمیق الظاء المعجمة
ظفیرة العجوز ع بفتح اول وکسر ثانے وسکون تحتانے وفتح را مھملہ وضم
فوقانے وسکون لام وفتح عین مھملہ وضم جیم وسکون واو وف خار خسک
تنمیق الھا ظفیرہ بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح را مھملہ وخفا ر با
ف بودنہ بری تنسیق اللام وتنمیق الفا ظلف ع بکسر اول وسکون لام

و قاف سم ه کهرطب ی ۳ ق بخفف خ سخت ص زبدل شاخ تمیق المیم ظلیم بفتح
اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ثم ف ذکر نعام تنسیق الیاء التحتانی وتمیق النون
طیان ع بفتح اول وتحتانی والف ونون ف یاسمین بری که گل کوچک دارد
ه جائی جوئے طرخ ی ۳ ق نحرق کاوے ص روغن گل ل دفلی وعنصل
ترقیم العین المهملة وتنسیق وتمیق الالف عاقر شمعا بعین مهمله و
الف وکسر قاف وسکون را مهمله وفتح شین معجمه وسکون میم باعین مهمله
ثانی والف م شنگار عاقرقرحا ع بفتح هر دو قاف وسکون هر دو را مهمله باحاء
مهمله ه اکرکرها طرخ ی ۳ ق محلل جاذب ملطف خ تیز محرق گزندهٔ زبان فربه
غلیظ وبعد از شکستن در دوشش سفید باشد ش دو دانگ گویند دو درم تا
سه درم ص موزج یارب السوس ل درغرغره نوزج ودرمرضهار معده
راسن یادارفلفل وعسل وگویند شیطرج تمیق الجیم عاج ع بسکون جیم ف
دندان فیل ه هاتهی دانت طب ی ق بخفف خ سفید پاک ش نیم درم
ازنشارهٔ او ص رب الصنوبر ل نشاخ بر تمیق اللام عاقول بضم قاف
وسکون واو ولام ف درخت ساج ه سال تنسیق وتمیق الباء الموحدة
عنب بفتح اول وموحده وسکون موحدهٔ ثانی ف کچو موعنبعب بفتح وسکون
ثانی وفتح عین مهملهٔ ثانی م ثمر کاکنج ف کچو موتنسیق الراء المهملة عبهر ع بفتح
اول وسکون ثانی وفتح ها وسکون را مهمله ف نرگس عبیر بفتح اول وکسر ثانی
وسکون تحتانی م زعفران تمیق الطاء المهملة عبیط ع بفتح اول وکسر ثانی
وسکون تحتانی وطاء مهمله ف پسته تنسیق التاء الفوقانی وتمیق المیم عتم
بضم اول وسکون فوقانی وميم ف زیتون کوہے طرخ ی ۱ تنسیق الجیم
وتمیق الموحدة عجب بفتح اول وسکون جیم م حب النیل عجم الزبیب ع بفتح

اول وثانی وضم میم وفتح زاء معجمہ مشددہ وکسر موحدہ اول وسکون تحتانی م
دانۂ مویزھہ دالکھہ کے بیچ طب ی ۲ تنمیق الدال المھملۃ عجالد وعجلدبہ فتح
اول وثانی والف وکسر لام وسکون دال مھملہ در لغت اول وضم اول وسکون
ثانی وفتح لام در لغت ثانی ف شیر خرات شدہ تنسیق الدال المھملۃ وتنمیق
الالف عدرنا سہ پانے بفتح اول وثانی وسکون راء مھملہ بانون والف م کندش
عدس الماء بفتح اول وثانی وضم سین مھملہ وسکون لام بامیم والف ممدود ف
سبز بست مانند دانۂ عدس کہ بر روئے آب مثل رنگ پیدا مے شود تنمیق الراء
المھملۃ عدس مر بفتح اول وثانی وکسر سین مھملہ وضم میم وسکون راء مھملہ ف
شنگ تلخ ل بیم وزن دانۂ حنظل ورد وزن عدس یا فونج جوئی تنمیق السین
المھملہ عدس ع بفتح اول وثانی وسکون سین مھملہ ف بنوسرخ ھ مسوط مع
ط ب ی ۲ پوست او ۱ ومقشر ۲ گویند ای ۳ ق قابض انفاخ خ سپید بہین کہ
زود پختہ شود ودر آب سیاہ نشود ص را زیانہ وصعتر ل ماش یا باقلی تنسیق
الذال المعجمۃ وتنمیق الھاء عذبہ ع بفتح اول وسکون ذال معجمہ وفتح موحدہ و
ھاء ہام جزبانج وثمرۃ الطرفاء چھوئی مائین تنسیق الراء المھملۃ وتنمیق
الالف عرطنیثا بفتح اول وسکون راء مھملہ وفتح طاء مھملہ وکسر نون وسکون
تحتانی باشانہ والف ف چوبک انسان ل زداونہ طویل یا فونج یا دانۂ اترج عروق
حمراء بضم اول وثانی وسکون واو وکسر قاف وضم حاء مھملہ وسکون میم بارار
مھملہ ثانی م فرہ در وناس ھ مجیثہ تنمیق الموحدہ ۱ عرطب بفتح اول وسکون
ثانی وفتح طاء مھملہ وسکون موحدہ م خسک تنمیق الراء المھملۃ عرارع بہ فتح
اول وثانی والف وراء مھملہ ثانی م بابونہ عرعر بفتح ہر دو عین مھملہ وسکون
ہر دو راء مھملہ ف سرو کوہی ودرخت دہل ط ۳۶ ی اق ملطف خ سرخ

ش نیم مثقال ص بلوط وجوز السرو عرق الکافور ع بکسر اول وسکون ثانی وضم
قاف وسکون لام باکاف والف وضم فا وسکون واو ف زرنباد عروق الشجر
بضم اول وثانی وسکون واو وضم قاف وفتح شین معجمه مشدده وجیم م کندر
وگویند عرق الصبا غین عروق الصفر ع بضم اول وثانی وسکون واو وضم
قاف وکسر صاد مهمله مشدده وسکون فا دو نوع ست بزرگ او زرد چوبه و
خورد وی ما میران ف وازرد وزرد چوبه هر یکی طاهری ۳ گویند ۲ ق محلل مطعف
مدرخ سخت شکننده ش نیم درم ص قرص کافور نیم وزن ما میران یا نیم وزن
عاقرقرحا تمییق السین المهملة عرق یاسین ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر قاف
باتحتانی والف وکسر موحده وسکون سین مهمله ف زنگباری تمییق الضاد المعجمة
عرمض ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم ف رنگ وسبزی که بر آب بهم رسد
عروق ابیض ع بضم اول وسکون ثانی واو وکسر قاف وفتح همزه وسکون
موحده وفتح تحتانی م بوزیدان تمییق الفاء صمغ بفتح اول وسکون
ثانی وفتح صاد مهمله وسکون فام کما فیطوس ف ماش دارد عرق نحدی
بضم اول وثانی ع قصب ف عروق الآصف ع بضم اول وثانی وسکون
واو وضم قاف وسکون لام ومد همزه وفتح صاد مهمله ف پوست بیخ کنیر ط
ح ی خ بارک ش نیم مثقال ص عسل ل دراوویه سپرزچهار دانگ وزن
آن حلتیت یا سکنجبین تمییق القاف عروق ع بضم اول وثانی وسکون
واو ف بیخها تمییق الکاف عروسک ع بضم اول وثانی وسکون واو وفتح
سین مهمله ه کرم بیربهوتی تمییق المیم عرصم ع بکسر اول وسکون ثانی و
کسر صاد مهمله ف بادنجان عروق دارچینی بدال مهمله والف وسکون راء مهمله
وکسر باء وفتح راء مهمله ثانی ف بیخ مهک عرم بضم اول وسکون ثانی

ف نوعے از ماہے تنمیق النون عرن بفتح اول وثانے ف چیزی ست کہ
زیادہ میشود وظاہر میگردد نزدیک زانو وسم اسپ ع عظم شبق ھ گھوڑے
کا پر عروق الصباغین ع بضم اول وثانے وسکون واو وضم قاف وفتح
صاد مہملہ یا موحدہ مشددہ والف وکسر غین معجمہ وسکون تحتانی ف زرد جوبہ
تنمیق الھاء ع وسک در پردہ ف بضم اول وثانے وسکون واو وفتح
سین مہملہ وکسر کاف وفتح دال مہملہ وسکون راء مہملہ ثانے وفتح موحدہ فارسی
وسکون راء مہملہ ثالث وفتح دال مہملہ ثانی وخفاء ہام کانج تنمیق التحتانی
ع فج بری بفتح اول وسکون ثانی وفتح فا وکسر جیم وفتح موحدہ وکسر راء مہملہ
مشددہ وسکون تحتانی م سانج تنسیق الزاء المعجمہ وتنمیق الراء المہملہ
ع زالصغیر وکبیر بضم اول وفتح زاء معجمہ وسکون تحتانی وضم راء مہملہ وفتح
صاد مہملہ مشددہ وکسر غین معجمہ وسکون تحتانی ثانے وکسر راء مہملہ وفتح واو و
کاف وکسر باء موحدہ وسکون تحتانی ثالث م قنطوریون دقیق وغلیظ
تنسیق السین المہملۃ وتنمیق الدال المہملۃ عسل القصب والطبرزد بفتح
اول وسین مہملہ وضم لام وسکون لام ثانی وفتح قاف وصاد مہملہ وکسر
موحدہ وفتح واو وطاء مہملہ وموحدہ ثانے وسکون راء مہملہ وفتح زاء معجمہ
وسکون دال مہملہ م شیرۂ نیشکر وشیرہ نبات ھ رس ط ح راعسل داؤد بکسر
لام بادال مہملہ والف وضم ہمزہ وسکون واو وم ادتانی تنمیق اللام عسل النحل
ع بفتح اول وثانے وضم لام وفتح نون مشدد وسکون حاء مہملہ م شہد
ھ مہو ومد ط ح ی ۲ ق مدل بمجلے او سانج خ صادق الحلاوۃ خوشبوی سپید
سنج مائل بسبزی بعد ازاں صیقلی شود وادقیہ ودرمعجون دو برابر ادویہ تا سہ
برابر ص انار وربوب فواکہ وحماض انرج وخل ل سفنج شیرین تنمیق التحتانے

ف واین قول صواب نیست زیرا کہ نارسی آں نقل است ۱۲

عسل لبنیع بفتح لام ثانی وموحده وکسر نون م میعه سائله تنسیق السین المعجمة
وتنمیق الیاء المهملة عشر بضم اول وسکون شین معجمه وراء مهمله آرتیو عاست
ه درخت الکه ط ح ی ۴ ق محرق ش از شکراو دو درم ص شستن در آب سرد
ل شبرم تنمیق القاف عشرق بکسر اول وثانی وسکون راء مهمله ف مرده سنگ
تنمیق الهاء عشقه بکسر اول وثانی وفتح قاف ف نوعی از لبلاب تنسیق الصاد
المهملة وتنمیق الالف عصاره مامیثا بضم اول باصاد مهمله والف وفتح
راء مهمله وهمزه ملینه ها بامیم والف وکسر میم ثانی وسکون تحتانی بامثلثه والف
ثالث م سیاف مامیثا ط ب ی اخ زرد سبک ل حضض بابوشن در سپند
تنمیق الموحدة عصاب بضم اول باثانی والف وموحده م شیطرج عصب
ع بفتح اول وثانی ف پی ه نسش تنمیق الفوقانی عصاره غافت بضم اول
باثانی والف وفتح راء مهمله وهمزه ملینه ها باغین معجمه والف وسکون فا وفوقانی
ف فشرده غافت تنمیق المثلثة عصاره طرانیث بهمزه ملینه ها وفتح طاء
مهمله وراء مهمله والف وکسر مثلثه وسکون تحتانی ومثلثه ثانی ف فشرده ل اپل
عصاره قرط تنمیق الجیم عصاره البنج بضم فوقانی وسکون لام وفتح باء موحده
وسکون نون ف افشرده بزر البنج ل عصاره عوسج تنمیق الدال المهملة عصاره
خشخاش اسود بهمزه ملینه ها وفتح هر دو خاء معجمه وسکون شین معجمه اول وکسر ثانی
وفتح همزه وسکون سین مهمله وفتح واو وباء دال مهمله ف افیون تنمیق الباء المهملة
عصفر بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون راء مهمله خس وخسک ط ح
ی ۲ ق مجلخ سرخ نوص روغن بنفشه ل زهرة الملح یا آرد سفرجل عصفور
ع بضم اول وسکون ثانی وضم فا وسکون واو ف کنجشک ه خانگی چڑے و
بکیری ط ح ی ۳ خ قرنبه صیدے تنمیق الزاء المعجمة عصاره شجرة الجوز

بفتح شین معجمه وجیم وراء مهمله وضم فوقانی وسکون لام وفتح جیم ثانے وسکون واو
ف افشرده درخت گردگان ل مرزنجوش تمیق السین المهملة عصارة السوس
بضم فوقانے وسین مهمله مشدد وسکون واو وسین مهمله ثانے م رب السوس
ف انشیرازے آب خشک شده نمک ط مع ح در عصارة انبر باریس بفتح همزه
وسکون نون وفتح موحده وسکون راء مهمله وموحده باالف وکسر راء مهمله ثالث
وسکون تحتانی ف افشرده زرشک ل دو وزن آن زرشک منقے عصارة
تحیة التین بکسر لام وسکون حاء مهمله وفتح تحتانی وضم فوقانی وفتح فوقانے
مشدد وثانے وسکون تحتانے ثانے ف افشرده درخت سرس ح تازه ل اقاقیا
تمیق الظاء المعجمة عصارة القرظ بسکون لام وکسر قاف وسکون راء مهمله
م اقاقیا تمیق اللام عصارة المثل بسکون لام وکسر میم وسکون مثلثه ولام
ثانے م رب السوس تمیق النون عصارة افسنتین بفتح همزه وسکون فاء وفتح
سین مهمله وسکون نون وکسر فوقانے وسکون تحتانی ونون ثانے ف افشرده
افسنتین ص ریوند ل سه وزن آن از ورق آن عصارة شقائق النعمان بفتح
شین معجمه وقاف باالف وکسر تحتانی وضم قاف ثانی وفتح نون مشدد وسکون
عین مهمله بامیم والف ثانے ف افشرده الاالل عصارة بخور مریم تمیق الهاء
عصبه بضم وفتح اول وسکون ثانے وفتح موحده وخفاء هام ریحان سلیمان و
گویند لسلاب مصفیره بفتح اول وسکون ثانے وکسر فاء وسکون تحتانی وفتح
راء مهمله ف خیری زرد تمیق التحتانی عصے الراعی بفتح اول وثانی والف
مقصوره وراء مهمله مشدده والف وکسر عین مهمله ف کته هر الال ساگ ط ب ۲
می ۲ گویند رخ بسنانی سرخ مائل بسیاهی ص صندل ل عنب الثعلب تلسیق
الضاد المعجمة وتمیق الفوقانی عصات بکسر اول وضاد معجمه والف وفوقانے

ف هر وقتیکه خارناک بود بدین نام خوانند تمیق للسین المهملة عضرس بضم اول
وسکون ثانی وکسر راء مهمله وسکون سین مهمله ف خطمی تمیق اللام عضل بفتح اول وثانی
م عضلات مشک وماهیک تمیق الهاء عضایه بفتح اول وثانی والف وفتح
تحتانی م ضب تمیق الطاء المهملة وتمیق الموحدة عطب بضم اول
وطاء مهمله ف پنبه تمیق الدال المهملة عطارد بضم اول باثانی والف وکسر راء
مهمله م سنبل تمیق اللام عطفل بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف ف شبک
تمیق الظاء المعجمة وتمیق السین عظم بکسر اول وسکون ثانی وکسر لام ف
درخت نیل عظم بفتح اول وسکون ثانی ف استخوان ه اوطاب بکسر اول
مجفف نه سخت کاواک ص بزرقطونا نصدف تمیق الهاء عضایه بفتح اول باثانی
والف وفتح تحتانی ف حیوانی ست سام ابرص آسا گوشتر اوراد وذکر ست وماده
اوراد وفرج تمیق الفاء وتمیق الصاد المهملة عفص بفتح اول وسکون فاء
حصاد وعصاف مازو هر با جوپهل طاب ۲ گویند ای ۳ گویند ۲ ق قابض ر حابس دولنا
ت سبز شبه بورانش یک درم ص طب صنوبر بل خفت باط وثمرة الطرفاء
قرط وحب الآس وقشور الرمان وبلیلج اصفر ودولب همه مانند کیه گیاند وطبیعت
تمیق القاف ف تمیق الحاء عقاب بضم اول باقاف والف وموحده ف
ایه کیه طاهری عقرب بفتح اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله کژدم ه
بجوطاب بن تشکننده سنگ مثانه نه زان ضعیف ولاغر از ماده باشد نیش
او سطبرش از سوخته او یک دانق ص دوا ر اطلیت ل جهت حصات خون تمیس
عقصید العنب ع بفتح اول وکسر قاف وسکون تحتانی وضم دال مهمله وسکون لام
وکسر سین مهمله وفتح نون ف خوشاب انگور تمیق الراء المهملة عقاع بضم
اول باثانی والف ف شراب ع خمر تمیق القاف عقق ع بفتح عینین وسکون

قافیہ ف قانچہ ہ مہوکا طرح ی اعقیق ع بفتح اول وکسر ثانے وسکون تحتانے
ف سنگ مشہور طب ی اق مجفف خ مینے بسیار سرخ شفاف مش نیم درم ص
تخم کدو ل کہربا تنمیق المیم عقار آدم بضم اول باثانے وکسر راء مہملہ ومد ہمزہ
وفتح دال مہملہ ع سغات تنمیق النون عقار کوہان روے بضم اول باثانے و
الف وکسر راء مہملہ وضم کاف وواو مجہول باہا والف ثانی م عاقرقرحا عقربان
بفتح اول وسکون ثانے وفتح راء مہملہ وموحدہ والف م اسقولوقندریون
ف سنگے دارد تنمیق التحتانی عقرب بحری بفتح اول وسکون ثانے وفتح
راء مہملہ وکسر موحدہ اول وفتح موحدہ ثانے وسکون حاء مہملہ وکسر راء مہملہ
ثانی ف گزدم دریائے وآن ماہے است کہ بر سر وے خارے بود کہ بدان
مے زند و بگزد و ہر سینگے مچہلے تنمیق الکاف وتنمیق المواحدہ عکوب ع بفتح
اول وضم کاف وسکون واو م کنکر تنمیق القوقانی عکر انزیت ع بفتح اول وثانے
وضم راء مہملہ وفتح زاء معجمہ مشددہ وسکون تحتانی ف روغن زیت خ کہن
تنمیق الراء المہملۃ عکبر ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحدہ ف موم یا
نخالے بشیرازی بر مرد گویند وسخ الکور ہمین است ش یک مثقال تا دو مثقال
تنمیق السین المہملۃ عکرس ع بہ فتح اول وسکون ثانی وفتح راء مہملہ م ارنب
تنمیق الکاف عکک ع بفتح اول وثانے وسکون کاف ثانے م سعد
تنمیق الہاء عکنہ بفتح اول وسکون ثانے وفتح نون وخفاء ہا م سورنجان
تنمیق اللام وتنمیق الموحدۃ علیق الکلب ع بضم اول وفتح لام وسکون تحتانی
وضم قاف وسکون لام ثانے وفتح کاف وسکون لام ثالث ف درخت گل
خ عصارۂ وے کہ در آفتاب خشک کنند ل شوکہ المصریۃ تنمیق المثلثۃ
علت بکسر اول وسکون ثانے ف کاسنی ے تنمیق السین المہملۃ علک بالسریع

بکسر اول وسکون ثانی وکسر کاف بانحتانی والف وکسر موحده م فلفونیا
ست وآن نوعے از راتینج است ف زنگباری علوفس بفتح اول وضم ثانی
وسکون واو وکسر فاء خبازے ہ جزر تنمیق الطاء المهملة علک الانباط ع
بکسر اول وسکون ثانی وضم کاف وسکون لام وفتح ہمزہ وسکون نون و
فتح موحده والف ف صمغ بطم م صنفر صمغ درخت خنجک طرخی ۲ گویند ب ا ق
منضج محلل خزر و معتدل القوام بقدر ملحص مضمضه با آب طبیخ مورد ل مصطگی
تنمیق القاف علق ع بفتح اول وثانی وسکون قاف ف زالو طب رق جاذب
خون خ انچه در آب شیرین میباشد ص پاشیدن خاکستر بران عضو ل خراطین
علبق ع بضم اول وفتح ثانی وسکون تحتانی ف در دوتوت سه گل طب مے
ق قابض خ تر و تازه ش از بیخ او دو درم ص بیخ مهک ل شگوفه انار تنمیق
الکاف علک ع بکسر اول وسکون ثانی ف ہر صمغے کہ توان خائید تنمیق المیم
علقم ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون میم م حنظل وگویند قثاء الحمار
و ہر چہ الم بود آن را علقمہ خوانند علک البطم ع بکسر اول وسکون ثانی وضم
کاف وسکون لام ثانی وضم موحده وسکون طاء مهمله م سقر تنمیق التحتانی
علسے بفتح اول وثانی وکسر سین مهمله م صبر ترعلک بغدادے بفتح موحده
وسکون غین معجمه بادال مهمله والف وکسر دال مهمله ثانی م مصطگی خ سفید
مائل بزرد ہے تنمیق المیم وتنمیق الجیم علیج بفتح اول وسکون میم وفتح لام
وسکون جیم ف نوعے از خربوزہ کہ گوشت او سرخ وسبز او را ہمچنان با تخم
خورند م خربوزہ زمستانی تنمیق الدال المهملة عمز بفتح اول وسکون میم و
فتح زاء معجمه ف کرفس تنمیق الراء المهملة عمار بفتح اول وثانی مشدد والف
ف مورد تنمیق النون وتنمیق الالف عنقا بفتح اول وسکون ثانی با قاف

والف م سیمرغ تمیق الموحدة عناب ع بضم اول وثانی مشدد والف و
موحده ف جیلان وسیلان ه ولایتی بیرط مع گوینده ج دا گویند ب اق طین خ
جه جانی تازه کرم ناخورده شیرین ش ورمطبوخ پانزده عدد ص شکر ل کشمش
یا مویز منقی یک نیم وزن آن سپستان عنب الثعلب ع بکسر اول وفتح ثانی وضم
موحده وفتح مثلثه مشدده وسکون عین مهمله ثانی مشدده وفتح لام ف
روباه تریک ه مکوی و پیوتن طب را گویند ۲ گویند ج راق راوغ خ زرد تازه
ص قند با سل ل ساده وران یا بطباط عنب ع بکسر اول وفتح ثانی ف انگور
ط پوست او ی وگوشت او ح رودانه او ب رق مغذی محلل خ سپید
رقیق شیرین ص جلنجبین ل زبیب عندلیب بکسر اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله
وکسر لام وسکون تحتانی ف مرغ هزار داستان تمیق الفوقانی عنبوت به فتح
اول وسکون ثانی وفتح موحده وضم را مهمله وسکون واو وضم خ دل ه رائی عنبوت ع
بفتح اول وسکون ثانی وفتح زا معجمه وضم را مهمله وسکون واو وضم ا زروت عنکبوت ع
بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف وضم موحده وسکون واو وفتح ب ویرا ه مکوی
ط ق منشف خ آنچه نمیده او مفید بشد ص سرکه م وفرنگیان آنرا سنج
تمیق الدال المهملة عنب ع بضم اول وسکون ثانی وضم جیم وسکون دال
مهمله ف دانه مویز تمیق الراء المهملة عمبر ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح
موحده وسکون راء مهمله عطر ی ست مشهور ط ه ی ق منوی دماغ
دل خ اشهب چرب سفید سست سبک ش ولنگ ص ضبع عربی یا بیدن
کافور خیارل دو دانگ وزن آن مشک دو دانگ مرو دانگ زعفران یا بوزن
آن مشک ومرو زعفران عنقد بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف مرو نگوش
تمیق القاف عناق بفتح اول وثانی والف وقاف بزغاله تمیق اللام عنصل ع

بالفتح اول وسکون ثانی وضم صاد مهملہ اسفیل ف پیاز بوش و پیاز دشتی
و کشنده موش ه کاندُ اسمیق المیم عندم بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهملہ
م بقم عنم بفتح اول وسکون ثانی ف گلنار تنمیق الهاء عنب البحیره ع بکسر اول وفتح
ثانی وضم موحده وسکون لام وفتح حاء مهملہ وتحتانی مشدده وخفاء ها ف ثمر
هزار چشمان وثمر کبر را نیز گویند تنسیق الواو وتنمیق الموحده عود الصلیب
ع بضم اول وسکون واو وکسر دال مهملہ وفتح صاد مهملہ مشدد وکسر لام وسکون
تحتانی م فاوانیا وآنچه نیست که در گردن کودکان آویزند تنمیق الجیم عود الفالوذج
بسکون لام با فا والف وضم لام ثانی وسکون واو وفتح دال مهملہ ف تنکار
عود الهبج ع بسکون لام وفتح واو ف چوب اگر هر بج عوسج ع بفتح اول وسکون
واو وفتح سین مهملہ ف نوعی از علیق ست ونوعی از دام غیلان ست وچون
خشک شود آن را مرلیع خوانند ط ب ۲ ق رابع ۶ بیابانی سبز ورق ص کثیرا
یا مصطگی ل اشنه یا فوفل جهت درمهای گرم یا علیق تنفیس الحاء المهملة عود الریح
ع بکسر را مهملہ مشدده وسکون تحتانی اسمی ست مشترک بزبان شام فاوانیا و
بزبان مصر یا میران ونام تمشر اصل انبار یس که آنرا ببربے وارغیس خوانند وعود الوج
را نیز بدین اسم خوانند عود القرح ع بسکون لام وفتح قاف مهملہ م عاقرقرحا
تنمیق السین المهملة عود العطاس ع بسکون لام وفتح عین مهملہ باطاء مهملہ مشدد
والف م کندش هم کمکنے تنمیق النون عود بلسان ع بکسر دال مهملہ وفتح موحده و
لام وسین مهملہ والف ونون ف چوب بلسان ط ح ی ۳ خ الس اسمر خوشبو
ش نیم مثقال ص کثیرا ل حب بلسان تنمیق الهاء عود الدرقه ع بفتح دال مهملہ
مشدد وسکون راء مهملہ وفتح قاف ف بیخ انگدان تنمیق التحتانی عود سندے
بکسر ها وسکون نون وکسر دال مهملہ ثانی ه اگر که از وچوده سازند ط ح ی ۲ ق

مفتح مدر مقوی دماغ و دل خ مندلی ش نیمدیم تایک سیم درم ص ورق گل سرخ
ل در شکر بستن صندل زرد و در معاجین دو دانگ وزن آن دار چینی و دو دانگ
وزن آن زعفران و دو دانگ وزن آن زراوند مدحرج و گویند مصطگی و سنبل
تنسیق الهاء و تنمیق النون عمن ع بکسر اول و سکون ها و نون ف صوف و پشم
تنسیق الیاء التحتانی و تنمیق الموحدة منسوب ع بفتح اول و سکون تحتانی و ضم سین
مهمله و سکون واو م اذان الفار و بادشاه زنبور و عسل را نیز نام خوانند
عین الدب ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم نون و دال مهمله مشدده م چشم خرس
تنمیق الهاء المهملة عین الهدهد ع بسکون لام و ضم هر دو ها و سکون هر دو واو دال
مهمله اسم نباتی ست با فرفیتکه معروف است با ذان الفار رومی تنمیق
الواو المهملة عیون البقر ع بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم نون و سکون
لام و فتح موحده و قاف و سکون را مهمله نزد اهل مغرب و اندلس اجاص ست
و گویند انگور سیاه کلان که صادق الحلاوت نیست تنمیق الطاء المهملة
عیدان البطباط بکسر اول و سکون ثانی و دو الف و ضم نون و سکون لام
و فتح موحده و سکون طاء مهمله و سکون موحده ثانی و الف و طاء مهمله ثانی ساکن
ف چوب کسته تنمیق المیم صیام ع بفتح اول و سکون ثانی و مثلثه و الف ف
درخت چنار تنمیق النون عیزران بهوری بکسر اول و ثانی مجهول و زای معجمه با
راء مهمله و الف م قسمی از زعرور طبرستانی ق قابض خ انچه بوی سیب دهد
ص عسل ل سفرجل تنمیق الهاء عیون الدیک ع بضم اول و ثانی و سکون واو و
ضم نون و کسر دال مهمله مشدد و سکون تحتانی ثانی و فتح کاف و خفاء ها ف
چشمک خروس و جبه سرخ هگمونگی و رتی ط ی تنقیم الغین المعجمة
و تنسیق و تنمیق الالف غالالوطا یونانی به غین معجمه و الف و لام الف و ضم

لام ثانی وسکون واو باطاء مهمله والف ثانی م باقلدی بسطی تمیق الفوقانی
غافت بسکون فا وفوقانی از کوهستان حوالی شیراز آورند و آن گلیست لاجوردی
رنگ در از شکل باریک شاخ بدرازی یک گز و گل و شاخ و ورق همه تلخ باشد
چون صبر و آنرا گل خلگ گویند طح ای ۲ گویند گویند مع ح ی ق مفتح و مقوی
کبد خ فارسی که از کوهستان حوالی شیراز آرند ش نیم مثقال ص انیسون یا درد
ل اسارون و نیم وزن فستقین تمیق الراء المهملة غا ر بسکون را مهمله مشهور
است بهمین نام طح ی ۳ ق محلل بلطف خ ورق او دبرگ ش نیم مثقال ص
لکباشیر ل برگ سپیدبا شونیز تمیق الزاء المعجمة غا ز ف نوعی از مرغابی بزرگ چشم
تمیق الزاء الفارسی غا ژ ف خا ر تمیق الشین المعجمة غا ش ف خوشه غوره
و خیاری که جهت تخم نگاهدارند غا و ش ف بضم واو و م غا ش تمیق اللام غا سول ع
بضم سین مهمله وسکون واو و م اشنان تمیق النون غا ر یقون م بکسر را مهمله و
سکون تحتانی وضم قاف وسکون واو وطح ای ۳ ق محلل و بنفسه مقطع مسهل ملغم
و سوداخ سپید زود ریزنده ش از یک دانگ تا دو دانگ و گویند از ثلث درم
تا یک مثقال ص سکنجبین یا مصطگی ل در مسهلات ملغمی و سوداوی تر بدود و دانگ
و وزن آن اقتیمون دوده یک وزن آن خربق سفید یا نیم وزن فربیون یا نیم وزن
صبر تمیق العین غا و غ ف بسکون واو و ضم ثین معجمه سکون واو ثانی م غا ش
غا و ف گا و تمیق الهاء غا ز ه ف بفتح زا معجمه سرخی است که زنان بر روی مالند
آن را گلگونه نیز گویند غا ز ه عمانی بفتح ثین معجمه ثانی م فو ز خ غا لیه ف بکسر لام و فتح تحتانی
مرکبی است معطر از مشک و عنبر و کافور و روغن بان همان کیفیت طح ۲ ی اق ملین
و مقوی دماغ ش یک مثقال ص کافور ل لادن و روغن بان تمیق التحتانی فی
غا ز ی ف بکسر زا معجمه و سکون تحتانی م ضرب رودی تمیق الباء الموحدة

وتنسیق الف غبار الرجاع بضم اول وموحده با الف وضم راء مهمله وکسر راء مهمله
مشدده ثانی با جاء مهمله والف ثانی ف گرد آسیا عبیراع بضم اول وفتح ثانی و
سکون تحتانی بار اء مهمله ف نجد طب ای ۲ گویند مع می ساق فابض ۶ آنچه بر گوشت
فربه باشد ص فانیذل بندق تنسیق الموحدة الفارسی وتنسیق الکاف غیک
ف بفتح اول وموحدهٔ فارسی م گیاه لوح که ازان بوریا بافند تنسیق
الدال المهملة وتنسیق الواو حدو بفتح اول وضم دال مهمله ف باد نجان تنسیق
الراء المهملة وتنسیق الالف غرسا بفتح اول وسکون راء مهمله با سین مهمله
والف م راسن تنسیق الموحدة غرب ع بفتح اول وثانی م درختیست کانرا
اطار خوانند وبشیرازی وزک گویند واو را خار ها بود وقطران ازو حاصل شود
درخت پذه است ع اسفل طب ای ۲ گویند پوست سوخته او وبیخ او ح ۲ ی ۳
ق بیخف ۶ صمغ فی ص جلاب ال صفصاغ بیب بفتح اول وسکون ثانی
وکسر موحده وسکون تحتانی ف نوعی از انگور سیاه تنسیق الجیم الفارسی
غرنج ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر میم سیاه دانه تنسیق الدال المهملة
غرالجلوذع بفتح اثنین وضم ثانی مشدد وسکون لام وضم جیم ولام ثانی و
سکون واو ف سرشیم طح ای ۲ غرذع بکسر اول وسکون ثانی م نوعی از کماة
غرقد بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف م نوعی از عوسج تنسیق الراء المهملة
غرر بفتح اول وثانی م نوعی از عصی الراعی که معروف است بادهٔ غرم بکسر اول
م نوعی از سماروغ تنسیق الشین المعجمة غرانوش ف بفتح اول وسکون ثانی با میم
والف وضم نون وسکون واو م ترخون که بیخ خبس کوسه آن عاقرقرحا است
غروشش ف بفتح اول وسکون ثانی با واو والف م زنجبیل شامی ع راسن تنسیق
الکاف غرالسمک ع بفتح اول وضم ثانی مشدد وفتح سین مهمله وسیم ف سرشیم

ماہی طاحی خ سفید حشن تنمیق المیم غرم ف بضم اول وثانی م کبش دشتے
دگوسفند و میش دشتے تنمیق الهاغزه اشمیه ع بفتح اول وسکون ثانی با واو والف
وفتح شین معجمه وخفاء هام زنجبیل شامی دگویند سندهی هکوائچه تنمیق التحتانی غرمی
ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف سرشیم پوست گاو یا گاومیش را در آب
مے پزند وصاف مے نمایند وقرص مے سازند طاحی ملی ف مغربی مجفف خ سفید
صافے شش نیم درم ص طبیخ الاصول ل در رفتن زفت تنسیق الزاء المعجمه
وتنمیق اللام غزال ع بفتح اول وزاء معجمه مشدده والف ولام ف شیر نر دکبر
اول وثانے مخفف ف آهو برده تنسیق الزاء الفارسی وتنمیق الالف غرنماو
غرنگاف بفتح اول وسکون زاء فارسے در لغت اول وکاف فارسے در لغت
ثانے م گاوے کہ در کوہہای مابین ملک خطا وہندوستان پیدا شود وتیز رو
آن را قطاس خوانند هسره گاے تنمیق المهمله غرب ف بضم اول وسکون
ثانی فارسے م دانۂ انگور کہ شیره وتکس یعنے تخم انگور در میانش باشد تنمیق المیم
غرم ف بضم اول وسکون ثانی فارسے م غرب تنمیق الواو غرناو وغرگاو ف
هسره گاے تنسیق السین المهمله وتنمیق الالف غسا بفتح اول وسین مهمله
صآبلخ تنمیق الجیم غسلیج بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام ع طلنشا تنمیق الکاف
غساک بفتح اول وثانی والف م گیاه پیچان کہ عشقه است غساک ف بفتح
اول وثانے م کرم ساس هکهتل تنمیق اللام غسل بفتح اول وثانے ف
خطمی تنمیق الشین المعجمه وتنمیق الهاء غشه ف بکسر اول وفتح شین معجمه خفاء ها
م برگ نی صحرائے تنسیق اللام وتنمیق الالف غلوفیریا یونانے بضم
اول ولام وسکون واو وکسر فا وسکون تحتانی وکسر زاء مهمله با تحتانی ثانی
والف ع اصل السوس هملهنی تلمیذ آغریاسریانی بضم اول وفتح ثانے وسکون

تحتانی وکسر جیم وسکون نون وفتح همزه وسکون عین معجمه وثانے وکسر راء مهمله
باتحتانی ثانی م مشکطر اشیع ف پودنه کوهی غلیجن پودنه واغریا کوه تنمیق الجیم الفارسی
غلفیح بفتح اول وثانی وسکون فا وجیم فارسے م زنبور سرخ تنمیق الزاء الفارسی
غلیواژ بکسر اول وثانے وتحتانی مجهول باواو والف هـ چیله تنمیق النون
غلیجن سریانی ف پودنه بری تنمیق الهاء غلیه ف بضم اول وسکون ثانی و
فتح موحده فارسے وخفاء هام جانور علکه غلیته ف بفتح اول وکسر ثانے وسکون
تحتانے وفتح فوقانی م گیلے که ازان جوال سازند تنسیق المیم وتنمیق
الکاف غمخورک ف بفتح اول وسکون ثانی وضم خاء معجمه واو مجهول وفتح
راء مهمله وسکون کاف م جانور بوتیمار تنمیق اللام غملون بفتح اول وسکون ثانے
وضم لام وسکون واو وفتح باء بری ف سوزه تنمیق المیم غمام بفتح اول وثانی
والف م اسفنج تنسیق النون وتنمیق الواء المهملة غنجار وغنجرف بفتح اول
وسکون نون یا جیم والف وراء مهمله در لغت اول وفتح جیم در لغت ثانے
م غازه تنمیق الشین المعجمة غنجرش وغنجمرش ف بفتح اول وسکون ثانے
وفتح جیم وکسر راء مهمله وسکون شین معجمه در لغت اول وفتح میم وکسر راء مهمله
در لغت ثانی م مرغوک غندناش ف بضم اول وسکون ثانے ودال مهمله با میم
والف م لوبیا تنمیق الکاف الفارسی غنگ ف بفتح اول وسکون ثانی وکاف
فارسے م خرزنه تنمیق اللام غنجال ف بفتح اول وسکون ثانی با جیم والف
مسیوه ترش تنمیق الهاء غنجاره وغنجره ف بفتح اول وسکون ثانے با جیم
والف وفتح راء مهمله وخفاء ها در لغت اول وفتح جیم وراء مهمله در لغت ثانے
م غازه غنده ف بضم اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله ع ریتلا تنمیق
التحتانی غنقیلے بضم اول وسکون ثانی وکسر قاف وسکون تحتانی وکسر لام

وسکون تحتانی ثانی ف تلفظ تنسیق الواو وتنمیق الالف غوشاف بضم اول
واو مجهول باشین معجمه والف م سرگین حیوانات وخوشهٔ انگور وخرما وجو وگندم
وامثال آن تنمیق الدال المهملة غوشاد ف بضم اول وثانی مجهول وشین
معجمه والف ف سرگین حیوانات تنمیق الشین المعجمه غوش ف م سرگین حیوانات
تنمیق الکاف غوشاک ف م غوشاک ف بضم اول وثانی مجهول ف بمعنی
مهینک تنمیق الهاء غوره ف بضم اول وثانی مجهول وفتح راء مهمله وخفاء
ها اول هر میوه غوزه بفتح زاء معجمه ف پنبه ناتگفته که در غلاف باشد وبزاء
فارسی م غنچه غوسته ف وغوشه بضم اول وثانی مجهول وسکون شین معجمه
وفتح فوقانی در لغت اول وفتح شین معجمه وحذف فوقانی در لغت ثانی
م نوعی از کماة وفطر تنسیق الیاء التحتانی وتنمیق القاف غیداق بکسر اول
وسکون تحتانی بادال مهمله والف ف بچه ضب که از مرتبدل فرا ترک شده باشد
تنمیق المیم غیم بفتح اول وسکون ثانی م غمام تنمیق الهاء غیاره بفتح اول وثانی
والف وکسر راء مهمله وفتح تحتانی وخفاء ها م عنب الثعلب تقویم الفا تنسیق
وتنمیق الالف فاشر الیونانی بفاوالف وکسر شین معجمه باراء مهمله والف م
هزار چشمان وهزار افشان وکرمنه البیضا وکرم وشتی ف نجوش طرحی ۳ ل
مورد وبنج وبیم وزن بسباسه فاشره بکسر فاء ثانی وسکون تحتانی وراء مهمله م
بردی فاوانیا یونانی بواو والف ثانی وکسر نون باتحتانی م صود الصلیب
طرحی ۳ گویند مع ح ق قابض بضم فتح مدر قوی دل خروسی مش
بیم مثقال ص کتیرا ل ما یقوان وزراوند مدحرج یا نفت یا پوست انار وفرزه
ومغز ساق آهو وچون هر سه ح شود بدل شود تنمیق الجیم قاچ بفتح
دال مهمله وسکون جیم ف تنگ ست زره که بسر غیدی وسبزی زنند باد زهر کانی

هزهر مهرا تنمیق الدال المهملة فاذ بفتح زا معجمه وسکون دال مهمله هم بانچه
تنمیق الذال المعجمة فانید بکسر نون وسکون تحتانی هم بتاسه طرح راکوبند ح می
خ سفید تنمیق الیاء المهملة فادزهرع بسکون دال مهمله وفتح زا معجمه وسکون
با وراء مهملة فادزهر وهر دارو ے که حفظ روح ودفع ضرر سم کند بدین اسم خوانند
رانچه مخصوص ست حجر التیس وحجر الحیه وبادزهر کانی فارغ بفتح اول وسکون
هر چوبا فاغرف بکسر غین معجمه هر کل ے چنیا تنمیق السین المهملة فالرغوس ع
یونانے بکسر لام وسکون راء مهمله وضم غین معجمه وسکون واو وضم غ تقلق
فاناقس اسقلیبوس یونانے بانون والف ثانی وکسر قاف وسکون سین مهمله
وفتح همزه وسکون سین مهمله ثانی وفتح قاف ثانی وکسر لام وسکون تحتانی و
ضم نون ثانی وسکون واو م نوعے از دوقوی کبیر تنمیق النون المعجمة فاره البیشر
بفتح راء مهمله وضم فوقانی وسکون لام وکسر موحده وتحتانی مجهول وشین معجمه
ف بیش موش کهر فاغوش سریانی بضم غین معجمه وواو مجهول م شیطرج تنمیق
الظاء المعجمة فاظروے بظاء معجمه م حدوار تنمیق النون فارسین به فتح
وسکون راء مهمله وکسر سین مهمله وسکون تحتانی م اسپندان فاوذن بفتح واو
مهمله هم بنواڑ فاشرستین یونانی بکسر شین معجمه وراء مهمله وکسر سین مهمله وسکون
تحتانی یعنے دافع شصت علت ف شپندان وسیاه دارو طرح تی ق مجلے
للطف مث نیم مثقال ص زراوند لوزن او دو پنج ونیم وزن بسباسه فاناقس
ابرا قلیون یونانے بنون والف ثانی وکسر قاف وسین مهمله وفتح همزه وسکون
موحده یا راء مهمله والف ثالث وفتح قاف ثانی وسکون لام وضم تحتانی وسکون
واو ف درخت جاد شیر فاناقس حمر ونتون یونانی بنون والف ثانی وکسر قاف
وسین مهمله وفتح حاء مهمله وسکون میم وضم راء مهمله وسکون واو وفتح نون ثانی

وضم فوقانی وسکون واو ثانی ف نوعی از زر و فراکوچک تنمیق الهاء فاحشه
بکسر حیم و فتح شین معجمه و خفا رهام جند بید ستر فاخته بسکون خا معجمه فتح فوقانی
هر پنڈکے ط گوشت او ح ی فاصیه بکسر صاد مهمله و فتح تحتانی م فلف بیم نیلوفر
ہندے فاغیه ع بکسر غین معجمه و فتح تحتانی ف گل خناط مع ح ب و هر نوے که
خوشبو بود نیز باین نام خوانند و گویند گل رای چنبا فاغره ع بکسر غین معجمه و فتح
راء مهمله ف فاخره و کباب و شگافته تنمیق التحتانی فاشر سنے بسکون شین معجمه
و فتح راء مهمله و سکون سین مهمله و کسر نون م سپندان تنسیق الجیم و تنمیق
اللام م فجل ع بضم اول و سکون جیم و لام ف ترب ه مولی ط برگ او ح ی
و مقطع لمطف و برگ او مغشی خ بستانی سبز تازه هش از مرباهی او ده و رسم ص
مسل تنسیق الخاء المعجمه و تنمیق الهاء فخفره ف بفتح اول و سکون خا معجمه و
فتح فا ثانی و راء مهمله م خله جو تنسیق الراء المهملة و تنمیق الفوقانی فرفت به فتح
اول و سکون ثانی و فتح فا ثانی و سکون فوقانی ف شاهتره و تنمیق الخاء المعجمه
فرخ ع بفتح اول و سکون راء مهمله م چوجه مرغ و فراخ بکسر اول جمع آن فرف بفتح
اول و سکون ثانی و فتح فا ثانی م بقلة الحمقا تنمیق الدال المهملة فرزوف
بضم اول و سکون ثانی و فتح زا معجمه ه سبزه دوب فرصاد ع بکسر اول و سکون
ثانی با صاد مهمله و الف ف توت فرغند ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح غین معجمه
و سکون نون ع عشقه ه امربیل تنمیق الراء المهملة فرغوف بفتح اول و سکون
ثانی و ضم غین معجمه و واو مجهول م تیهو فرفخین بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا
ثانی و کسر خا معجمه و سکون تحتانی م بقلة الحمقا فرفوف بضم اول و سکون ثانی
و ضم فا ثانی و سکون واو م تراتوت و بفتح اول و ضم فا ثانی م پیوند با تهیم
فرفیر بفتح اول و سکون ثانی و کسر فا ثانی و سکون تحتانی ف بنفشه و گویند

پیوند یا تهیو تمیز الهاء المعجمه فرزین بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی مجهول وزا معجمه م فیروزه
تمیز الهاء الفارسیه فوژرف بضم اول وثانی م موج یا ریوند تمیز الشین المعجمه فرش
ف بضم اول وسکون ثانی وشین معجمه م شیر حیوان نوزائیده فرشیف بفتح اول وکسر
ثانی وتحتانی مجهول م گوشت بریان تمیز الکاف فرلوک ف بفتح اول وسکون ثانی
وضم فوقانی وسکون واو م پستوک فرستوک ف بکسر اول وثانی وسکون سین مهمله
وضم فوقانی وسکون واو م مرغ فراشتروک فرسک ف بکسر اول وثانی وسکون سین
مهمله م شقتالو فرنجشک بفتح اول وثانی وسکون نون وفتح جیم وکسر میم وسکون
شین معجمه م ریحان قرنفف بالنگوی خورد م تلسی ط ۷ ی ۳ ق مقوی
مل وملطف خ سپیدوش از تخم او نیم مثقال ص صندل وکلاب ل بادرنجبویه یا
نیم وزن قرنفل یا تمام فرلوک بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی مجهول وفتح واو م خربوزه
تمیز المیم فراخ احمام ع بکسر اول باتانی والف وضم خا معجمه وسکون لام وفتح
حا مهمله با میم والف ثانی ونیم ثانی ف کبوتر بچه ط گوشت او ح ی اگو بند ص
سرکه وکشنیز تمیز الشین فراسیون سرپانی بفتح اول وثانی والف وکسر سین مهمله و
ضم تحتانی وسکون واو ف گندنای کوهی ط ۲۷ ی ۳ ق بفتح مقطع مدر خ روغن
مرغ تلخ بش نیم درم تا یک درم ص سنبل الطیب یا صمغ اسارون وچهار دانگ
وزن آن لبان یا انیسون یا فتیمون یا وزن آن لاذنیه مازو فا فرسیون بفتح اول و
سکون ثانی وکسر سوحده وضم تحتانی وسکون واو ف شیر درخت زقوم ط ۷ ی ۳
گویند ۳ ق مقوی ملطف مسهل بلغم خ زرد صافی حاد الرائحه مریف بش یک قیراط
تا دو دانگ ص بادام شیرین وکشنیز ولعابات ورد وغنهال اذریون نیم وزن دو
دانگ وزن آن جند بیدستر فرسیون بفتح اول وسکون ثانی وکسر سین مهمله وضم لام وسکون
واو م طلق فرسیون بفتح اول وسکون ثانی وکسر فا ثانی وضم تحتانی وسکون واو م

فرمیوفرقین بفتح اول وسکون ثانی وکسر فا ثانی وسکون تحتانی ف تخم ترک وخرنه
تمیز الواو وتراشتو وفرستو بفتح اول وثانی والف وسکون شین معجمه وضمه فوقانی و
سکون واو ودر لغت اول وکسر اول وثانی وسکون سین مهمله ودر لغت ثانی م مرا شتر وگا
فروع بفتح اول وسکون ثانی وواو مجهول ف پوستین گرمترین پوستین روباه پس
سمور پس پلنگ پس قاقم بعد ازآن برة تمیز الهاء فرزه ف بفتح اول وسکون
ثانی وفتح زا معجمه وخفا ر ها سنبری وروب فرشه ف بضم اول وسکون ثانی و
فتح شین معجمه م شیر حیوان نوزائیده ه موسی فرغنده ف بفتح اول وسکون ثانی و
وفتح غین معجمه وسکون نون وفتح واو مهمله ع عشقه ها مریل فرمه بفتح اول وسکون
ثانی وفتح میم ف غفشه فریقیه یونانی بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح
قاف ف مکابه بتلیث السین المهملة وتمیز العین المهمله فسوة الضبع بضم اول و
سین مهمله وفتح واو وضمه فوقانی وفتح ضاد معجمه مشدده وضمه موحده وسکون عین
مهمله م سمار وغ تمیز القاف مشق ع بکسر اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وسکون
قاف ف پسته ط ۳ ی گویند ۳ ق بفتح نون خ تازه فربه بزرگ ش از پوست
بیرون او نیم درم ص زرد آلوی خشک یا تخم خیارل مغز بادام ومغز مرمی یا نیموزان
مغز خوز ونیم مغز بن یا فندق تمیز النون فستقیون بفتح اول وسکون ثانی وکسر لام
وضمه تحتانی وسکون واو م اسبغول تمیز الهاء فستق الهادیه ع بکسر اول وسکون
ثانی وضمه فوقانی وقاف وسکون لام با واو والف وکسر واو وفتح تحتانی وخفا ر ها ثانی
م حب البان ه حمکاین فصفسب بفتح اول وسکون ثانی وفتح فا ثانی وسین مهمله ثانی
م اسپست تر تلیث الشین المعجمه وتمیز العین المهملة قشاع ع بکسر اول با شین معجمه
والف وعین مهمله ف شرم نباتی ست که چون بر شاخهای انگور پیچیده شود مفسد وی بود
تمیز الصاد المهملة وتمیز الباء مفتوحه ه بفتح اول وسکون صاد مهمله وفتح فا ثانی

فصل پنجم
در لون
وبوی
وطعم
وشکل
وقوام
وسکون
وحرکت
وغیر
ذلک

وصاد مهمله ثانی م اسپست چون تربور فصفصه رطبه گویند وچون خشک گردد وقت
عاف گویند ف بجف تنسیق الضاد المعجمه وتنسیق الالف فضا بکسر اول با ضاد معجمه و
الف ف دانه مویز تنسیق الهاء فضه ع بکسر اول وفتح ثانی مشدد ف نقره هر رو با
ط ب ۲ ق ورق ادقوی دل خ خالص ث یک دانگ ص مقل ل فیروزه تنسیق
الطاء المهمله وتنسیق الراء المهمله فطر ع بکسر اول وسکون طا مهمله وراء مهمله بیمار وغ ط ب ۳ سا گویند
او واو انواع است یک نوع فقع که بفارسی بیکل خوانند ودیگر نوشته ویک نوع فقیل
ومجموع انواع را کمات خوانند وبدترین همه فطر بود ونوعی در شیب سرگین روید ونوعی
در شیب خم شراب وانچه سرخ بود زهر بود وانچه سفید بود پادزهر وانچه در زیر خم شراب بود
پوست او نیز زهر است وگویند قسمی از وست که در کشمیر اورا کنه گچهو گویند بفتح کاف ونون
وخفاء ها وفتح کاف فارسی وضم جیم فارسی وها وسکون واو خ سفید تنسیق النون
فطراسالیون یونانی بکسر اول وسکون ثانی بارا مهمله والف وسین مهمله والف ثانی
وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو م فطراسالیون ف تخم کرفس کوهی تنسیق العین
المهمله وتنسیق السین المهمله فعیلاسوس یونانی بفتح اول وکسر عین مهمله وسکون
تحتانی بالام والف وضم سین مهمله وسکون واو وسین مهمله ثانی ف چوبک اشنان
تنسیق النون فعولیون روسی بضم اول وثانی وسکون واو وکسر لام وضم تحتانی و
سکون واو ثانی م حنا تنسیق القاف وتنسیق الحاء المهمله فقاح الملح بضم اول باثانی
والف وضم حا مهمله وسکون لام وکسر میم وسکون ل ثانی م زهرة الملح فقاع ع
بضم اول وثانی والف ف گل وشگوفه تنسیق الدال المهمله فقد بفتح اول وسکون
ثانی ف تخم خنجشت تنسیق الراء المهمله فقاح الاذخر ع بضم اول باثانی والف
وضم حا مهمله وسکون لام وکسر همزه وسکون ذال معجمه وفتح خا معجمه م گل اذخر
خوشبوی بارزول قصب الذریره تنسیق العین المهمله فقاع ع بضم اول

باثانی والف وعین مهمله بوزه وبکنی ق ملطف ص مسل وافادیل رایب
تنمیق المسیو فقاح الکرم ع بسکون لام وفتح کاف وسکون را مهمله ومیم ف
دل وآن شگوفه انگور بود طب تنمیق النون فقلامینون بفتح اول وسکون
ثانی باللام والف وکسر میم وسکون تحتانی وضم نون وسکون واو ف چوبک استان
تنمیق اللام وتنمیق الدال المهمله فلخود وفلخیت بفتح اول وسکون لام و
ضم خاء معجمه وسکون واو ودال مهمله ولغت اول وکسر خاء معجمه وسکون تحتانی ولغت
ثانی ص مغیبه دانه فلفل اسود ع بکسر هر دو فا وسکون لام اول وکسر لام ثانی وفتح همزه وسکون
سین مهمله وفتح واو وضم فا فلفل سیاه هکالی مرع ط ح ۳ ق ملطف اشتی ش نمدم
ص مسل یا دارالقرءل یک نیم وزن فلفل سفید یا نکهبیل فلفل الغرود بسکون لام
ثالث وضم طاء معجمه ا مهمله وسکون واو وضم وسمه تنمیق الزاء معجمه فلفل دراز ف
۲۵۳ بفتح دال مهمله وراء مهمله الف ز بجیل تنمیق الهناد المعجمه فلفل ابیض ع بفتح همزه و
سکون موحده وفتح تحتانی ف فلفل سفید ط ح ۳ ی ۳ خ سنگ شده از تسوج
تا نیم مثقال ص مسل ل زنجبیل تنمیق الکاف فلنجشک بفتح اول وثانی وسکون
نون وفتح جیم وکسر میم وسکون شین معجمه کاف ف بالنگوی خرد تنمیق اللام
فل ع بضم اول وسکون لام ف بنج تیلوفر هندی ط ح ی ۳ ص مسل ل تفاح ع
تنمیق النون فلفلمون بکسر فا ومیم وسکون لام ومیم وضم میم وسکون واو ف اپوا
کوهی ط ح ی تنمیق الهاء فلفل احمر قالبه بفتح صاد مهمله وسکون راء وقاف والف
وکسر لام ثالث وفتح موحده وخاء معجمه وثاء مثلثه فلفلوبه بکسر فا ومیم وسکون لامین و
وضم میم وسکون واو وفتح تحتانی ف بیخ درخت فلفل وزازه هیلا معول ط
ح ی اشتی یک مثقال تا دو مثقال ص مسل ل وا فلفل یا دشنک یا دوفاسه
وزن آن سورنجان ونیم وزن مغز حسک دانه فلنج بفتح اول وثانی وسکون نون

وفتح جیم م افلنجه فلاف بفتح اول وثانی مخفف وشدده پیوسی فلیفله به فتح اول و
کسر ثانی وسکون تحتانی وفتح فا ثانی ولام ثانی ف تخم عود بزبان اندلسی ناخواه
وگویند تخم بیخگشت تنمیق التحتانی فلفل بزی بفتح موحده وکسر را مهمله مشدده تخم
سنبها لوتنسیق النون وتنمیق الالف فنا بفتح اول وثانی ف روباه تریک
تنمیق الکاف فنک ف بفتح اول وثانی م جانوریست که از پوست او پوستین
سازند فنطافلون بکسر اول وسکون ثانی وطا مهمله با الف وفتح فا ثانی وضم لام
وسکون واو ف بیخگشت تنسیق الواو وتنمیق الدال المهمله فواد بفتح اول و
واو والف هرسه نگر اتنمیق اللام فوفل ع بضم اول وسکون ثانی وکسر فا ثانی ه
سپیاری طب ی ۳ گویند ح ی ۳ ق قابض را دع خ زرین ش نیم درم ص
صمغ ل صندل سرخ دو دانگ ونیم وزن آن بدر النبج فول ع بفتح اول وسکون
ثانی م باقلا فول بضم اول وسکون واو وفتح لام شوره تنمیق المیم فوم ع بضم اول
وسکون ثانی ف گندم تنمیق الواو وفویونانی بضم اول وسکون واو نجی است
باریک خوشبو مانند سنبل الطیب بلکه قسمی از سنبل الطیب است هر جال کرمے ط ح
ی ق بفتح خ تازه خوشبوش نیم ص را زیانه یارب السوس ل سنبل یا کبابه یا
فلفل سیاه تنمیق الهاء فوده ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله م خمیر خشک
که از آن آکامه سازند فوشنه بضم اول وثانی مجهول وکسر شین معجمه وفتح نون م نوعی از فطر
فوه ع بضمه وفتح اول وفتح ثانی مشدد ف روناس هم مجیثه ط ح ی گویند ب ق
مدر خ ارمنی تازه سرخ باریک ش نیم مثقال ودر مطبوخ دو درم ص انیسون با تخم
بارتنگ ل یک نیم وزن سلیخه با شیطرج در طلا تمیق التحتانی فوتنج جبلی بضم اول و
ثانی مجهول وسکون فوقانی وفتح نون وکسر جیم وفتح جیم ثانی وموحده وکسر لام و
سکون تحتانی ف پودنه کوهی ط ح ی ۴ خ خشبه ی تازه سبز کوچک ورق ش

یک نیم درم ص کتیرا ل یک نیم وزن فوفنج نهری فوفنج نهری بفتح نون وسکون
ها وکسر را مهملة ف لپودنه جوئی ط ح تی ق ماطف مغلاح مبسز وترش یک درم تا یک مثقال
ص کتیرا یا ریب السوس ل نعناع یا جعده تنسیق التحتانی وتمیق الجیم فیروزج
بکسر اول وسکون تحتانی مجهول وضم را مهملة وواو مجهول وفتح زا معجمة وسکون جیم ف پیروزه
ط ب ی اخ نیشاپوری کمنة فیلزهرج بکسر اول وسکون ثانی ولام وفتح زا معجمة وسکون
ها وفتح را مهملة گویند در خفیف قص است وثمر وی مثل فلفل است وحضض عصاره اوست
ط مع تمیق الدال المهملة فیدع بفتح اول وسکون تحتانی ودال مهملة ف زعفران
سوده تمیق النون فیجن م بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون نون م
سداب ترقیم القاف وتنسیق وتمیق الالف قا اسیاع بقاف و
الف وراء مهملة والف ثانی وکسر سین مهملة بتحتانی والف ثالث ف الوبا بالوقا قیا
بکسر قاف ثانی بتحتانی ص اقاقیا تمیق الموحدة قا قل الذئب ع بکسر فوقانی
وضم لام وکسر ذال معجمة مشدد وسکون تحتانی وموحده م خربق سیاه قا قل الکلب ع
بکسر فوقانی وضم لام وسکون لام ثانی وفتح کاف وسکون لام ثالث ه حلا
تمیق الحاء المهملة قا قل النمر ع بکسر فوقانی وضم لام وفتح نون مشدد وکسر
میم م ماذریون قا م قیرهال قا قلة صغار ع بضم قاف ثانی وفتح لام وهمزة
ملینه ها وکسر صاد مهملة بتحتین معجمه والف ف پیل هـ الایچی خرد ط ح ی گویند
معق ماطف ومقوی دل ومعده خ تبزلونی ش یک درم ص قند یا طباشیر
با شیره تخم خرفه یا سلنجبین ل قرنفل یا کبابه وسنبل قا قلة کبار بضم قاف ثانی وفتح لام
وهمزه ملینه ها وکسر کاف بموحده والف ثانی هـ الایچی کلان ط ح ی گویند
معق ملطف ومقوی دل ومعده خ گزنده زبان وتیزی بوی فربه بش یک درم ص
قند یا طباشیر ل یک نیم وزن قا قلة صغار یا یک نیم وزن کبابه ونیم وزن سنبل یا

یم وزن قرنفل تنمیق القاف قاتل العلق ع بفتح عین مهمله و لام وسکون قاف م
نوعی از مرزنگوش قاق ع ف گوشت خشک و هر چیزی که خشک سازند بدین
نام خوانند تنمیق اللام قاتل النحل ع بفتح نون وسکون حاء مهمله و لام ف
نیلوفر تنمیق النون قاطون بضم طاء مهمله وسکون واو و فتح نون شاد تنمیق الهاء
قاتل اخیه ع بفتح همزه و کسر خاء معجمه و سکون تحتانی و اظهار هام خصی الثعلب قاتل نفسه
بکسر فوقانی و لام و فتح نون وسکون فاء و کسر سین مهمله و الهاء هام نوعی از آشق
قاتوله ع بضم فوقانی وسکون واو و فتح لام ه دباتوره قانصه ع بکسر نون و فتح صاد مهمل
م سنگدانه مرغان ه چهری طرخ رق مقدمی خ از طائر فربه ص سرکه و ابازیر
تنمیق التحتانی قاقلی بضم قاف ثانی و کسر لام وسکون تحتانی نباتی است مانند
اشنان و گویند مانند کشوث طرخی اق مسهل مش از آب او نیم طل ص کشوثا ایرسا
تنسیق الباء الموحده و تنمیق الجیم قبج ع بفتح اول وسکون موحده ف کبک
م الشنخواره ط گوشت او رخ تنمیق الراء المهملة قبارع بفتح اول و ثانی
والف و کسر موحده ثانی وسکون راء مهمله ف چکاو کیا طرخی خ فربه بریان کرده
تنمیق القاف قباق بفتح اول و ثانی والف و قاف ثانی ف کدو تنسیق و
تنمیق التاء الفوقانی قت ع بضم اول وسکون فوقانی م آسمی است تنمیق الدال
المهمله قتاد ع بفتح اول و ثانی والف م درخت خاردار سست که صمغ وی
کتیرا است بشیرازی ف کم طرخ تنسیق الثاء المثلثه و تنمیق الالف
قثاء بفتح اول و مثلثه ف خیار در ازهر گگری طب رس ق مد محلل خ نیشاپوری
پخته تازه ص عسل ل یادرنگ تنمیق الدال المهمله قثدع بفتح اول و ثانی
وسکون دال مهمله ف خیار بالنگ ه کهیر اطب رخ تنمیق الراء المهمله قارالحما
ع بفتح اول و ثانی والف و ضم همزه وسکون لام و کسر حاء مهمله با میم والف ثانی و

وراد مهمله ه کربلا ط ح ی ۳ ق مسهل بلغم وسقی خ رسیده ش یک درم تا یکمثقال
وگویند عصاره او دود واثق ص کثیر امثل او یا صمغ و ورد ل ماهوذانه تنمیق المیم
قثاء النعام ع بضم نون باعین مهمله و الف م حنظل کوچک تنمیق الهاء قثاء الحیه
ع بسکون لام و فتح حاء مهمله و تحتانی و خفاء ها م زراوند طویل وگویند حنظل کوچک
تنمیق التحتانی قثاء هندی بری بکسرها و سکون نون و کسر دال مهمله و تحتانی و
فتح موحده و کسر را مهمله مشدد ف بل قثاء هندی ف خیار خبز تنمیق الدال المهمله
و تنمیق الالف قدمیا بفتح اول و سکون دال مهمله و کسر میم با تحتانی و الف م
قلیمیا تنمیق الحاء المهمله قداح ع بفتح اول و ثانی و الف م فصفصه تنمیق
الدال المهمله قدید ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف گوشت خشک
خ از حیوان ز تنمیق المیم قداح مریم بفتح میم و سکون را مهمله و فتح تحتانی م
نوعی از حمی العالم تنسیق الراء المهمله و تنمیق الالف قراصیام بفتح
اول و را مهمله و الف و کسر صاد مهمله با تحتانی ف آلوبالو ط ح ز ۲ ق لمین خ سرین
رسیده سیاه ش یک کف در نقوع ص جلنجبین ل اجاص قردمانا بضم اول و
سکون ثانی و ضم دال مهمله با میم و الف و نون م کردیا جیلی ط ح ۳ ی ۲ ق منشف
مفتح ماطف مدر خ تازه زرد فربه ش یک مثقال ص انیسون یا صندل ل خردل
و حرمل و منشکطر اشیع قرطمانا بضم اول و سکون ثانی و فتح طاء مهمله و میم و الف
و نون م قردمانا قرقرنعمانیونانی بفتح اول و سکون ثانی و ضم تاف ثانی و سکون
واو و کسر میم و سکون عین مهمله با میم ثانی م تفل روغن زعفران ط ح ی ۳ خ قیر به
سیاه بی چوب و بعد انگداختن در آب بزنگ زعفران ماند و بعد از خائیدن رنگ
دندان کند قرمیا بضم اول و سکون ثانی و کسر میم با تحتانی م توتیا تنمیق الحاء
المهمله قرح ع بفتح اول و سکون ثانی و حاء مهمله م شنوز تنمیق الدال المهمله

قزاد و قزوم بضم اول و ثانی با الف و دال مهمله در لغت اول و کسر اول و سکون
ثانی در لغت ثانی ف کنه و گوینده بهنگام قرسیدع بکسر اول و سکون ثانی و کسر
میم و سکون تحتانی ف خشت پخته تمیق الراء المهمله قرن البحر ع بفتح اول
و سکون ثانی بضم نون و سکون لام و فتح موحده و سکون حا مهمله ف کهربا قرنبه
بضم اول و فتح ثانی و سکون تحتانی ها اندران تمیق النون المعجمه قرنبر بکسر اول
و سکون ثانی و کسر میم ع دود الصباغین ف کرم رنگرزان که بدان ابریشم و
صوف رنگ کنند تمیق السین المهمله قرطاس ع بکسر اول و سکون ثانی با
طاء مهمله و الف ف کاغذ طب ای ۲ ق بجف خ مصری ص کتیرا و دوغن
بزدی تمیق الضاد المعجمه قرص بفتح اول و ثانی و الف ف بابونه قرنفل بفتح
اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف تخم انجره تمیق الطاء المهمله قرطوع بفتح
اول و ثانی و الف و تخم فل تمیق الظاء المعجمه قرظ بضم اول و سکون
ثانی م نوعی از آ پست و نکار اول م نوعی از کراث و بفتح اول و ثانی سکون ثانی نیرم
کرت و آن صنع درخت منفصل است و اقاقیا عصاره اوست طب ی ۳ ق
تقابض ش یک درم ص آب کدو دل جلنار تمیق العین المهمله قرع ع بفتح
اول و سکون ثانی و عین مهمله خشکه و حلب ۲ ق بلیله خ ترسبز و شیرین
ش از آب اوتیه ۱ مثل ص خردل ع سیرل ترز تمیق الکاف قرنبک بضم اول و
سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو ف شبرک تمیق اللام قرنفل ع
بکسر اول و سکون ثانی و فتح فا و ضم نون ثانی و سکون لام و فتح قاف ثانی و الف مهمله
و سکون نون و ضم فا م قرنفله الطیب و پوست هر چوب و درخت را قرنفه
خوانند و ان پوستی ست بر بوی بلون قرنفله و طعم قرنفل دارد و غیر حلاوت دارچینی
ل قرنفل ع بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم قاف ینجک ه لونگ ط خ

ی ۲ گویند ۳ ق ملطف و مقوی دماغ و جگر و معده ۴ تیز کم تلخ باریک چوب
ش نیم درم ص صمغ عربی یا فوفل ل نیموزن جوز الطیب نیم وزن دارچینی و قرنفل
یا نیموزن فرنجمشک نیم وزن آن خولنجان و گویند بوراین خولنجان قرنفل مغز ابل
ف بفتح اول و سکون نون و فتح تیم و عین مهمله و سکون زاء معجمه و کسر میم و فتح تحتانی
مشدد م شاخ بزکوهی ۶ از اهل بیرک سوخته باشد ص کثیرال اسادون و خولنجان
قرول بضم اول و ثانی و سکون واو م مرجان قروان آنبل ع بضم اول و ثانی و
سکون واو و ضم نون و سین مهمله مشدد و سکون نون ثانی و ضم موحده و میان
سنبل بماند و آن ارمنوم است هر سنگهیاز هر طبرزد ۴ تمیق الیم قرطم بضم
اول و سکون ثانی و ضم طاء مهمله ف اسکدانه هر گرطم ۲ دراق منضج ملین بلطف
خ سفیدی فربش ده درم از آب اجوین ۴ ل ا[illegible] ن بادام و ربع وزن تخم
انجره تمیق النون قرة العین ع بضم اول و فتح ثانی مشدد و ضم نون ثانی و سکون
الف و فتح عین مهمله و سکون تحتانی م کرنس المارطهری ۲ تعجل قطع بلغم و تطبیع
بلغم و مرطوب کاسنج ل کرفس قرجان بفتح اول و ثانی و جاء مهمله و الف مهموز عربی از کماة
سفید یونانی بفتح اول و سکون ثانی بادال مهمله و الف و کسر میم
ل حرون قرطان بفتح اول و سکون ثانی بادال مهمله و الف و نون کنه تخمی که اکثر
بیکند و کاذی سپید قرطاسون یونانی بفتح اول و سکون ثانی بادال مهمله و الف
و ضم میم و سکون واو و کسر نیم ثانی م قرطاما قرسطاریون بفتح اول و کسر ثانی و
سکون سین مهمله باطاء مهمله و الف و کسر راء مهمله ثانی و ضم تحتانی و سکون واو م کمات
گوهی قرقران بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف ثانی و راء مهمله ثانی و الف م کرویا
قرقرون رومی بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف ثانی و راء مهمله ثانی و سکون واو
م سعد قرقطان سیرالی بفتح اول و ثانی و سکون نون با قاف ثانی و الف ص

کردیا قرون بضم اول و ثانی و سکون واو ف شاخها و سر و ها و سینگ ط ب ی ق
مخفف خ از اصل نریش بیم و رم ص سداب ل حافر تنسیق العاد قرقوسر ثانی بضم اول و
سکون ثانی و ضم قاف ثانی و سکون واو م زعفران تنسیق التحتانی قرنفل هندی
بضم اول و سکون ثانی و ضم طاء مهمله و کسر میم و ها و سکون نون و کسر دال مهمله م
حب الثیل قرنفة الدار چینی ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح فا و ضم قوقانی و فتح دال مهمله
مشدده و الف و سکون راء مهمله و کسر جیم فارسی و سکون تحتانی و کسر نون م چوب دار چینی
هـ تج ط خ ی ۳ ق ملطف مقوی جگر و معده و مبهی خ گزنده زبان ش نیم مثقال ل
نیم وزن قرنفل و نیم وزن دار چینی قرنفل بستانی م فرنجمشک تنسیق السین المهمله
و تنسیق الالف قسا بفتح اول و سین مهمله م علیحده تنسیق المعجمه قسب بفتح اول و
سکون ثانی ف خرما بردن و آن نوعی از خرما ر هندی خشک است ط خ ی
تنسیق الراء المهمله قسطیرع بکسر اول و سکون ثانی و کسر طاء مهمله و سکون تحتانی
ف قلمی تنسیق السین المهمله قسوس بضم اول و ثانی و سکون واو م نیلاب
بزرگ ط خ ی ۲ ق مجلی و منقی خ تازه ص شاه بلوط قسولیدوس یونانی بفتح اول و
ضم ثانی و سکون واو و کسر لام و سکون تحتانی و ضم دال مهمله و سکون واو ثانی م کاکنج
تنسیق الطاء المهمله قسطرع بضم اول و سکون ثانی هـ کتیرا ط خ ی ۳ ق مفتح تدریا
مبهی مفرح خ تازه سفید فربهش نیم درم ص انیسون یا گلشکر یا خطمی ل نیم وزن عاقرقرحا
یا مرج تنسیق النون قسطوریون یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم طاء مهمله و سکون
واو و کسر راء مهمله و ضم تحتانی و سکون واو ثانی م جندبیدستر تنسیق التحتانی قسط بحری
بضم اول و سکون ثانی و کسر طاء مهمله و فتح موحده و سکون حاء مهمله و کسر راء مهمله هـ پهکبول
قسط شامی بشین معجمه و الف و کسر میم م راسن قسط هندی بکسر ها و سکون نون و کسر
دال مهمله م قسط تلخ تنسیق الشین المعجمه و تنسیق الموحده قشر البحور الصلب ع

بکسر اول وسکون سین معجمہ وضم راء مہملہ وسکون لام وفتح جیم وسکون واو وکسر
زاء معجمہ وضم صاد مہملہ مشددہ وسکون لام ثانی ف پوست گردگان خشک تنمیق
الجیم قشر لاترج م بسکون لام وضم ہمزہ وسکون نون ثانی وضم راء مہملہ ف پوست
ترنج طح ی ۲ تنمیق الراء المهمله قشر الجوز الاخضر بسکون لام ثانی وفتح
ہمزہ وسکون خاء معجمہ وفتح ضاد معجمہ وف پوست سبز بیرون گردگان قشعر ع بفتح
اول وسکون ثانی وفتح عین مہملہ ف خیار دراز تنمیق الزاء المعجمه قشر الارز ع
بسکون لام وضم ہمزہ وراء مہملہ ثانی ف پوست برنج وآن از جملہ سموم قتالہ است
تنمیق الشین المعجمه شمشن بکسر اول وسکون ثانی وکسر میم ف کنجد تنمیق الضاد
المعجمه قشر البیض ع بسکون لام وکسر موحدہ وسکون تحتانی ف پوست تخم مرغ ہم
انڈے کے چھلکے طب ی ۲ تنمیق التحتانی قشر القصب الفارسی بسکون لام
وفتح قاف ثانی وصاد مہملہ وکسر موحدہ وسکون لام ثانی ہا فا والف وراء مہملہ وکسر سین
مہملہ ف پوست نے فارسی طح ی ۳ تنسیق الصاد المهمله وتنمیق الالف
قصب لبو بالفتح اول وثانی مہملہ وکسر موحدہ وفتح موحدہ ثانی باو اد مشدد والف م
قصب الذریره تنمیق الموحده قصب ع بفتح اول وصاد مہملہ ف نی طح ی ۲
گویند برگ اوب ساق ملطف خ بیخ او از ورق او غرب تنمیق الدال المهمله
قصد بفتح اول وثانی م موسیج تنمیق الراء المهمله قصب السکر ع بفتح اول وثانی و
ضم موحدہ وسین مہملہ مشدد وکاف مشدد ف نیشکر ھ کانڈا واوکھ طح ساخ
شیر آن آبدار قصفیر بکسر اول وسکون ثانی وکسر فا وسکون تحتانی م قلعی تنمیق الصاد
مهمله صاصع بضم اول بالف ثانی وفتح عین مہملہ ف سگ آبی یعنے قندر ھ او وبلاؤ
قصب الذریره ع بالفتح اول وثانی وضم موحدہ وفتح ذال معجمہ مشدد وکسر راء مہملہ وسکون
تحتانی وفتح راء مہملہ ثانی ھ چراپتا طح ی ۲ ق ملطف خ ہندی ش یک وسم و

وگویند دوو دانگ ص عرق السوس ل اطفار الطیب با صندل ابیض عدس تلخ با سنبل
زعفران قصیصبه بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح صاد مهمله ثانی م تودری تنسیق
الصاد المعجمه و تنمیق الموحده قضب بفتح اول و سکون ضاد معجمه ف سپست قضیب
ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی م و کر فکیر تنمیق المیم قضم ع بضم اول و سکون
ثانی و میم ف پنبه کمنه تنمیق التحتانی قضاب مصری ع بضم اول و ثانی و الف و
کسر موحده و میم و سکون صاد مهمله و کسر راء مهمله و کشته تنسیق الطاء المهمله
و تنمیق الالف قطونا بضم اول و طا مهمله و سکون واو و بانون م اسبغول تنمیق
الراء المهمله قطر بکسر اول و سکون طا مهمله ف س هر تا نباط ح ی تنمیق الفاء
قطف ع بفتح اول و سکون ثانی ف سرمق هر ساگ تجوا تنمیق النون قطران ع
بکسر اول و سکون ثانی بارا مهمله و الف ف روغنی است که از درخت ع عرعر گیرند و گویند
قیر است ط ح ی هم گویند س ق قطع ملطف خ ماخوذ از درخت ع عرعر ف روغن
بان ل نقط سیاه و بانیم زن چوب بید یا ورق بید یا جاو شیرازیت و نوشادر قطن ع
بضم اول و سکون ثانی ف پنبه ط ح ق تخم او ماین خ نوسپید ش از آب او
و تخم او د و درم ص رب السوس ل از تخم او خشخاش و بارام تنسیق العین المهمله
و تنمیق اللام قعتل ع بفتح اول و سکون عین و فتح موحده هم نوعی از کمأة ط ح د
تنسیق الفاء و تنمیق الالف المهمله قفر الیهود بفتح اول و سکون فا و ضم
را مهمله و سکون لام و فتح تحتانی و ضم ها و سکون واو م سوسیانی با الوده ط ح ی
ق معلاخ خ فرفری حیص زرین ش نیم درم ص در دل زفت تنمیق الراء المهمله
قفر بفتح اول و سکون را مهمله م نبات کنوث تنمیق الطاء المهمله قلوط بفتح
اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون واو و طا مهمله نوعی از کرات شامی تنسیق
اللام و تنمیق الالف قلفونیا رومی بضم اول و سکون لام و ضم فا و سکون واو

تمت

نون با تحتانی و الف ف زنگباری قلیمیا بکسر اول و ثانی و سکون تحتانی و کسر میم با تحتانی
ثانی م اقلیمیا تنمیق المو حلا قلب بضم اول و سکون ثانی ف ماش هندی ه غله انگوٹھ
و گویند پنواڑ ط ب ر ی گویند ح ی قلوب ع بضم اول و ثانی و سکون واو و ف دلها
ط ح ر خ ناخود از حیوان کوچک دندان تنمیق الفوقانی قلت ع بکسر اول و سکون
ثانی ع کاسر الحجر ه کلتهی ط ح ای ۲ ق مدر سنقی مفتت ش دو درم و گویند نیم
مثقال ص نشاسته و کثیرا ل کتابة تنمیق الدال المهمله قلقند یونانی به فتح
اول و سکون ثانی و فتح قاف ثانی و سکون نون و دال مهمله ف نوعی از زاج ط ح
ی ۴ تنمیق الراء المهمله قلقطار یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف
ثانی و طاء مهمله و الف م نوعی از زاج ف زاگ شتر دندان و زاگ زرد ط ح ی ۲
ق محرق کادی مقمح خ سبز مخی ص شورابی چرب ل هر زاجی که باشد بدل
آن زاج دیگر کنند تنمیق السین المهمله قلقدیس یونانی بفتح اول و سکون ثانی
و فتح قاف ثانی و کسر دال مهمله و سکون تحتانی م زاج سفید کرمانی ط ح ی ۴
تنمیق اللام قلقل بکسر قافین و سکون لامین و قلقلات و قلاقل نیز هر ف
درخت حب القلقل تنمیق النون قلسدار دین سریانی بفتح اول و سکون ثانی و
فتح سین مهمله و کسر دال مهمله با نون و الف و راء مهمله و کسر دال مهمله ثانی و سکون
تحتانی م دار شیشمان تنمیق التحتانی قلاری بفتح اول و ثانی و الف و کسر راء مهمله
و سکون تحتانی م نوعی از انجیر قلی ع بکسر اول و ثانی م قلیا ه ساجی ط ح ی ۴
ق محرق محلی آهار خ آهک شان ص لعابات ل زرنیخ تنمیق المیم و تنمیق
الحاء المهمله قمح ع بفتح اول و سکون میم و حاء مهمله ف گندم تنمیق اللام و
قمل ع بضم اول و ثانی مشدد و سکون لام و کسر ش ه جون تنمیق الهاء قمحه
بفتح اول و سکون ثانی و فتح حاء مهمله ع قصب الذریره تنمیق النون

تمنیق الالف قنطار بکسر اول وسکون نون باطاء مهملة والف م ودم الاخرین تمنیق الموحدة
قنب ع بکسر اول وفتح ثانی مشدد ف بنگ هیجانگ وبجایا گویند بهندی بانگ
که از ریسمان سازند وسمی از وبنگ است ط ۲ ی وگویند ب مخدرش نکدم
تا ودرم تمنیق الذال المعجمة قنفذ ع بضم اول وسکون ثانی وضم وفتح فاف
خاریشت هدیاهی ط ۲ ی ش از گوشت وکمی پنجدرم ص عسل تمنیق الدال المهملة
قنابر ع بفتح اول وثانی والف وکسر وضم موحده وسکون راء مهملة فسرغ چکاوک
ط ی خ فربه بریان کرده قنطار بکسر اول وسکون ثانی باطاء مهملة والف م ساد آوران
قنقهر بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف ثانی وکسر ها صمغیست شفاف مانند
سندروس ف لعل مصری تمنیق السین المهملة قندس بضم اول وسکون ثانی
وضم دال مهملة وسکون سین مهملة ف کندش حیوانی ست که جند بیدستر خایه اوست م
اودبلاد قنطس یونانی بفتح اول وسکون ثانی وضم طاء مهملة ف درخت مورد تمنیق
الطاء المهملة قنیطع بکسر وفتح اول وسکون ثانی وکسر موحده وسکون تحتانی ف
کرنب رومی ط معرب ح گویند ح ۱ ی ۲ ق مجفف خ تازه زرول کرنب تمنیق اللام
قنبیل ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر موحده وسکون تحتانی هرکیلا ط ح ی ۲ گویند
ق مجفف خ سرخ مائل بندوی ش ودرم وگویند در مسهلات نیم مثقال ص
صمغ عربی یا انیسون ل هازریانه یا برنگ کابلی یا شیح ارمنی تمنیق النون قندران ف
بفتح اول وسکون ثانی وکسر دال مهملة باراء مهملة والف م سقر قنطوریون بفتح اول
وسکون ثانی وضم طاء مهملة وسکون واو وکسر راء مهملة وضم تحتانی وسکون واو ثانی
ط ح ی ۳ ق مقطع مفتح ملطف مسهل بلغم مدر حابس دم خ دقیق ش از کبیر دو درم واز
دقیق یک مثقال تا دو مثقال ص از کبیر صمغ عربی وکتیرا باصندل یا هندبال از
کبیر جاودوانگ وزن آن سورنجان وبوزن آن لبنی واز دقیق پرسیاوشان

و نیموزن حنا یازراوند مدحرج تمییز الهاء قنه ع بضم اول و فتح ثانی مشدد ف
بیرزود گویند صمغ حلال ماموئیت ه بریحاط ۷ ی ۳ گویند ۷ ۳ ی ۲ ق محلل بلین خ
زرد زود گداز نده و تند بو و مش مدمرا بهم نیدرم ص منفشه ل سکبینج دو وزن با یک نیم
وزن جاوشیر و ضعف معده و جگر یک نیم وزن ریوند چینی و گویند اشق تمییز التحتانی
ثنا بری م بفتح اول و ثانی و الف و فتح موحده و کسر راء مهمله م مرغیست ط ۷ ۳ ق م
مجلی ص شیرخ ل کبر تنسیق الواو و تمییز الالف قوتیر بضم اول و سکون واو و کسر ثالث
و سکون تحتانی بارا مهمله و الف ف نوشادر قورسا یونانی بضم اول و سکون ثانی و را
مهمله با سین مهمله و الف و میم م عود بلسان قوسیا یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسر سین
مهمله با تحتانی م قسط قوطو یا یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم طاء مهمله و سکون واو ثانی
با میم آذریون بری قونیا یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسر نون با تحتانی ف آب
چکیده خاکستر تمییز الراء المهمله قوتر بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی
درخت وج قور بضم اول و سکون ثانی ع قطن تمییز السین المهمله قورد لوس بضم
اول و سکون ثانی و راء مهمله و فتح دال مهمله و ضم تحتانی و سکون واو ثانی ف مگس هیست
که پائے زاغ خواند ه کاگ جنگبی دشتی قوقالیس یونانی بضم اول و سکون ثانی با قاف
ثانی و الف و کسر لام م قرمانا قولامیوس بضم اول و سکون ثانی با لام و الف و
کسر میم و ضم تحتانی و سکون واو ثانی م شجره مریم تمییز الصاد المهمله قوانص ع
بفتح اول و ثانی و الف و کسر نون ف سنگدانه ها کی مرغان خ ماخوذ از مرغان تازه
فربه تمییز القاف قوناق بضم اول و سکون ثانی با نون و الف ف گاودس م
لهذا را تمییز النون قوطولیدون یونانی بضم اول و ضم طاء مهمله و سکون هر دو واو
و کسر لام و سکون تحتانی و ضم دال مهمله و سکون واو ثالث م نوعی از حی العالم
تمییز التحتانی قوتی بضم اول و سکون ثانی و کسر فارف حیوانی است بحری

۵ بارد و سکالم ایل
۵ بزن
۵ بسکون م خ ز ان
۵ بفتح نسبل م ب
۵ بزوم م ز ور
۵ بلبل م ب
۵ بارنگ م ب
۵ بادام م ب

تنسیق الیاء التحتانی و تنمیق الالف قیمولیا بکسر اول و سکون تحتانی و ضم میم
و سکون واو و کسر لام با تحتانی م طین قیمولیا ط ب ۲ ی ۳ ق مجفف راوع ل طین
ارمنی قینا بکسر اول و سکون ثانی با نون و الف ف نوعی از بقلة الحمقا تنمیق الباء
المهملة قیرع بکسر اول و سکون ثانی ه ر ال قیشور بفتح اول و سکون ثانی و ضم شین معجمه و
سکون واو ف نوعی از کف دریا ط ۷ ی ق مجلی منقی خ سبک سفید سوخته ل و
جلا ظرف طینی تنمیق السین المهملة قیرس یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر را
مهملة ف موم قیطس یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر طاء مهملة سور و تنمیق
الطاء المهملة قیلوط بفتح اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون واو ف ورق گندنا
شامی تنمیق اللام قین بکسر اول و سکون ثانی م قیر تنمیق المیم قیصوم ع بفتح اول و
سکون ثانی و ضم صاد مهملة و سکون واو ف برنجاسب که قسمی از افسنتین است ط ۱
گویند ۲ ی ۲ گویند ۳ گویند ۱ گویند ۲۶ ی ق مقطع ملطف محلل مدر سفتت خ
تازه زردش یک مثقال تا دو درم ص انیسون ل بابونج یا شیح ارمنی و در صداع
بارد بابونه یا افسنتین تنمیق النون قیطاقون بفتح اول و سکون ثانی با طاء مهملة و الف و
ضم قاف ثانی و سکون واو م ترس قیقهن یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف
ثانی و کسر هاء قنقهر تنمیق التحتانی قیحی ف بکسر اول و سکون ثانی و کسر حاء مهملة و
سکون تحتانی ثانی م خردل قیرو طی ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم راء مهملة و سکون
واو و کسر طاء مهملة ف مریمی که از موم و روغن گل و صندلین و ورق گلسرخ و اکلیل الملک
و زعفران و کافور سازند قیصی بفتح اول و سکون ثانی و کسر صاد مهملة ف زرآلود قیم
الکاف ک تنسیق و تنمیق الالف کاگ جنگهاه ر بکاف و الف و کاف قاف
ثانی و فتح جیم و سکون نون و فتح کاف فارسی ثالث و اظهار ها و الف ثانی دوای
هندی ست ه معنی کاه ر ها باظهار ها و ضم راء مهملة بی وحده و الف ه کپور

تنمیق الفوقانی کات ف بفوقانی م نوعی از بربج که در ولایت شوستر بهم رسد گویند
که چون آنرا بکارند تا هفت سال بار آورد کاسه پشت ف بفتح سین مهمله و خفاء ها و ضم
موحدهٔ فارسی و سکون شین معجمه م لاک پشت تنمیق الجیم کاج ف بجیم تازی م درخت
تارو کاسج ف بضم سین مهمله م خارپشت کاکنج بفتح کاف ثانی و نون ف عروس
در پرده و کجو موطب مع گویند ی اگویند ۳ ق مخدره خب بزرگ کوهی سرخ رسیده
ش و در رم و گویند سه دانه ص معجون گل ل عنب الثعلب یاحب القضا یا بنج سفید
کالوج ف بضم لام و سکون واو م کبوتر تنمیق الخاء المعجمه کانوخ ف بضم لام و سکون
واو و خاء معجمه م گندنا تنمیق الراء المهمله کاسر الجرع بکسر سین مهمله و ضم راء مهمله
و سکون لام و فتح حاء مهمله و میم م بزر القلت ه کلتهی کانو بضم فا و سکون واو عطر
است مشهور طب ۳ ق مبرد و مسکن مقوی و مفرح دل و حابس خون خ قیصوم
سفید که بزردی زند بش یک قیراط نفشه و نیلوفر و زعفران یا مشک با معجون گل
و غنزل دو دو زن طباشیر و یکوزن صندل سفید و گویند کهربا تنمیق الزاء المعجمه
کافر بفتح فاه کفر و ندا کافرف بانون و الف ثانی م بن خوشه خرما تنمیق الزاء الفاء
کاژف بژاء فارسی م درخت کاج ع صنوبر تنمیق السین المهمله کاس بسین مهمله
ف خوک نر کانس ه بخفا نون م قسمی از کاه است که گلش در آخر بهار مثل پنبه
سفید برمی آید تنمیق الشین المعجمه کاکوش ف بضم کاف ثانی و سکون واو
م نبغه تنمیق الغین المعجمه کاغ ف آتش تنمیق الکاف کارماک ف
بسکون راء مهمله با واو و الف و فتح نون م طایریست که بر کنار آب نشیند کاسجوک ف
بسکون سین مهمله و ضم جیم و واو مجهول م خارپشت کاگ ه بکاف فارسی ثانی
و غین و بکاف عربی ثانی م کبک کالک ف بفتح لام م کدو گویند خربزهٔ نارسیده
کاورک ف بسکون واو و فتح راء مهمله م خیار کبیر و ثمر کبیر کارنجک ف بفتح واو و سکون

نون وفتح جیم م خیار یا خربزهٔ سبز تازه تنمیق اللام کاکل ف بضم کاف ثانی وسکون لام
ع حنطهٔ رومی کاکل ف نوعی از کل وگویند گندنا کاسنبل ع بکسر تحتانی وخفا نون وفتح
موحدهٔ فارسی واظهار ہام مدار شیشعان تنمیق للیم کاشم بکسر شین معجمه انجدان رومی
طرحی ۳ ج زرد تر بزرگ ورق ع تخم را زیانه ل ورد ارتخم انجیره یا تخم گندر تنمیق النون
کاتن ف بسکون را مهمله وفتح فوقانی ع عنکبوت کاکنان ف بسکون کاف ثانی
بموحده والف ثانی م نبات فرطم تنمیق الواو کانیز ف بکسر نون وسکون تحتانی وضم
زا مهمله م مازریون کاهو ف بضم ہام ترخس طب ۲ رأق مولد وم رقیق مسکن حدت
آن وکاهو مورث صفیر ا بفتح سدد وربول سموم رادع اورام ملین صلب دینه وکرفس
ومرلی ہلیله وذیره ش از تخم او دو درم ل دم الاخوین وزرد بعضے ہند یا تنمیق الهاء
کاپسه ف بکسر موحده فارسی وسکون تحتانی وفتح سین مهمله م کل معصفر کاچیره ف
بکسر جیم فارسی وسکون تحتانی م معصفر کارتنه ف بفتح را مهمله وسکون فوقانی وفتح نون
ع علبه ہ مشتی وبسکون را مهمله وفتح فوقانی عنکبوت کاژیره ف بکسر زا فارسی وسکون
تحتانی وفتح را مهمله ع معصفر کاسانه ف بسین مهمله والف ثانی وفتح نون مرزنگوش سبز
رنگ که در ولایت خوزستان بسیار عیشود کاسگینه ف بسکون سین مهمله وکسر کاف فارسی
وسکون تحتانی وفتح نون م مرغ سبزک که ببزکی سقراق گویند کاشنه ف بفتح شین معجمه و
یح کاغاله وکاغله بفتح غین معجمه والف ثانی وفتح لام در لغت اول وسکون غین معجمه و
فتح لام در لغت ثانی م کل معصفر کاغنه بسکون غین معجمه وفتح نون فکرم عروسک ہ
بیر بهوتی وگویند جانور یست سرخ زهر دار که بر و نقطهای سیاه باشند وبیشتر در پالیز ہا
پیدا شود واثر اتباه سازد ع زردج وگویند خرفه کافور خودانه ف بضم فا وسکون واو
وکسر را مهمله وفتح جیم ع وسکون واو ثانی بلوال مهمله والف وفتح نون م نوعی از کافور کافیه ف
بکسر فا وسکون تحتانی وفتح شین معجمه م کل معصفر کاکره ف بکاف ثانی وفتح را مهمله ع

ماذرقحا کالنجف بکسر لام وسکون نون وفتح جیم م فاختہ مسلسل کالوہ بفتح لام وواو
م عاذرقحا کالہ ف بفتح لام م کدو یا خربوزہ نارسیدہ کامہ ف بفتح میم م مرجان کا بچھو م
بخفاد نون وفتح جیم فارسی واظہار ہاف آبگینہ کاذوف بسکون واو وفتح نون م کاغذ
وگویند کرم شب تاب تنبیق التحتانی کادمی بکسر دال مہملہ وگویند بواو م گل کیوڑہ ط ح
ی ق محلل ح مغز شبوم د وفنگل ل روغن بریان کاس مری م بسکون سین مہملہ وفتح
میم وکسر راء مہملہ درخت ہندیست م کنہار کاسنے بفتح سین مہملہ وکسر نون م ہندبا
کافوری ف بضم فاء وسکون واو وکسر راء مہملہ غ افحوان کاک ماجی بسکون کاف ثانی
باسہم والف ثانی وکسر جیم ع عنب الثعلب کاکوتی ف بضم کاف ثانی وسکون واو و
کسر فوقانی م سعتر کانگنی م خفاد نون وضم کاف فارسی وکسر نون ثانی ف ارزن
تنسیق الباء الموحدۃ وتنبیق الالف کبد بفتح اول وموحدہ ودال مہملہ ل ح
م کفشیر ح بحام م کوبیر وگویند سرلشیم ودرعربی بمعنے جگر تنبیق الموحدۃ کبد الذیب بفتح ۲۶۹
اول وکسر ثانی وضم دال مہملہ وکسر ذال معجمہ مشدد وسکون تحتانی ف جگر گرگ ل نیم
وزن وارفلفل تنبیق الفوقانی کبہت ف بکسر اول وسکون ثانی م زنبور عسل کبریت ع
بکسر اول وسکون ثانی وکسر راء مہملہ وسکون تحتانی ف گوگرد ہ گندھک ط ح ی ۲ ق
لمطف جاذب ح زردناک ش نیک درم تا دو درم ص بلیخ ہندی ل بفتح جیم آتش
افروختہ کہبت ف بفتح اول ثانی وسکون سین مہملہ م حنظل ہ اندراین تنبیق الجیم کبیکج
سرطانی بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح کاف ثانی م نوعی از کرفس برے
بشیر ازی فنکس میران م کوالنجط ح ی ق محلل ح نوشادر وفنگل ل انجبر تنبیق الدال
المہملہ کبدم بفتح اول وکسر ثانی وسکون دال مہملہ جگر ہ کلیاط ح ق مغذی ح
از مزج بامرغابی جوان فربہ کبید ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی م کبدا تنبیق
الباء المہملہ کبتر ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وسکون راء مہملہ م کبوتر کبر بفتح

اول وکسر ثانی مشهور است بهمین نام ط ی ۲ ق مقطع ملطف محلل خ بستانی سق
از بیخ او نیم مثقال مصطگی خود دوس و گویند که خیارل حب و ورق آن بنداوند کبود
بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وفتح دال مهمله م کرمکی که آنرا ماهیهای کوچک بخورند تنبیق النون
کبودن ف بضم اول وثانی وواو مجهول ن مهمله والف سیاه دانه تنبیق الطاء کبسته
ف بضم اول وثانی وسکون سین مهمله وضم فوقانی وسکون واو وخ منظل تنبیق الهاء
کبابه بفتح اول وباء موحده وخفاء وباء هم فاغره وتخم تمر ط ی گویند
۲ ق بفتح مدر محلل قابض خ چینی خوشبوی زبان گنجشک دود انگشت تا نیم درم ص
صندل وگلاب یا مصطگی یکدرم کاهو یا کاکنج هیل بواسیر چینی یا اسارون کبسته ف بفتح
اول وثانی وسکون سین مهمله وفتح فوقانی م منظل کبیده ف بضم اول وکسر ثانی وسکون
تحتانی وفتح دال مهمله پست گندم وبرنج وخبز آن مه ساتو تنبیق الموحاة فارسی وا
تنبیق السین المهملة کباس م بفتح اول وموحده فارسی والف م نبات پنبه تنبیق
الکاف کبوک وه بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وکاف ثانی م طایری است که
بنا جنس خود جفتی کند واگر احیانا بر جای خود کبوک جانور دیگر که نر باشد به بیند در زمان
ماده شود وبآن رجعت گردد تنبیق التحتانی کبی ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی
م میمون تنسیق وتنبیق التاء الفوقانی کت مه بکسر اول وسکون فوقانی هندی ع
خبث الحدید تنبیق الخاء المعجمة کتخ ف بفتح اول وثانی م فروت وچاشنی وفانق
تنبیق الراء المهملة کشنبهر م بفتح اول وضم ثانی هندی وسکون واو ونون ف بفتح موحده والف ها
وسکون سار مهمله قسمی از انجیر وشتی تنبیق الغین المعجمة کتخ ف بفتح اول وثانی م فروت
وچاشنی وفانق تنبیق الکاف کتک ف بفتح اول وثانی م سیب بر وبزبان هندی حب البیت
گویند چون سائیده وآب کرده بعسل آمیخته باشند برزند آنرا صاف کند تنبیق اللام کله م بفتح اول
وثانی هندی والف ها موحده فارسی والف وفتح دال مهمله هندی وسکون لام قسمی از ماهی کشمش مه بفتح

اول وسکون ثانی هندی وفتح ہام میوہ هندیست مشابہ بشکنیہ تنمیق المیم کتم ع بفتح اول وثانی و
سکون میم وسمہ یعنی ورق نیل تنمیق النون کتان بفتح اول وثانی والف ه السی معروف کتان بفتح
اول وکسر ثانی بارا مہملہ والف ع قطران تنمیق الطاء کتوف بفتح اول وضم ثانی
وسکون واو م طائریست سنگخوار وبضم اول غورہ پنبہ تنمیق التحتانی کتائی ه بفتح
اول وثانی هندی والف وکسر همزه ودوائی مشهوره هندی است که گل او را بفارسی
گل بنفشه گویند کتکی ه بضم اول وسکون ثانی هندی وکسر کاف ثانی م خریق استوده تنمیق
الثاء المثلثه وتنمیق الالف کثیرا ع بفتح اول وکسر مثلثه وسکون تحتانی بارا مہملہ
والف ه کتیرا طامع ق مقوی مبهی مسکن خسفید پاکیزش نیم مثقال تا یک درم
ص انیسون یا کرفس ل صمغ عربی یا بادام بامغز وانه کند وتنمیق العین المهملة
کثیر الاضلاع ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وضم رارا مہملہ وسکون لام وفتح همزه وسکون ضاد
معجمه باللام والف ف گاوزبان تنمیق اللام کثیر الارجل ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وضم رارا
مہملہ وسکون لام وفتح همزه وسکون رارا مہملہ وفتح جیم بسفرجل تنمیق الهاء کشاه ع بفتح
اول وثانی والف والظهار ہام مخم حرجیر تنسیق وتنمیق الجیم الفارسی مخ بفتح اول وسکون جیم
م ابریشم فرمایه ه تنمیق الکاف کنجکف بفتح اول وثانی وسکون کاف وشین که بشیرازی
قصبک گویند تنمیق الهاء کجله بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام وخفاء ہام ملائر عکه تنسیق
وتنمیق الجیم الفارسی کچ بضم اول وسکون جیم فارسی م فلوس ناهی ه کجلا تنمیق اللام المهملة
کچنار ه بفتح اول وسکون ثانی فارسی بانون والف م درخت هندیست که بهار ارغوانی
دارد وشگوفه اش نا نخورند کچور ه بفتح اول وضم ثانی فارسی وسکون واو م زرباد تنمیق النون
کچلون ه بفتح اول وسکون ثانی فارسی وضم لام وواو مجهول ع زرد الغوار یزف نهکشه تنسیق الهاء
المهملة وتنمیق الالف کحلا وکحیلا بفتح اول وسکون حاء مهملة باللام والف ولغت اول وکسر حاء
مهملة وسکون تحتانی ولغت ثانی م آنمی ست مشترک که بر لسان نوشتگار تنمیق السین المهملة
کحل فارسی بضم اول وسکون تحتانی وکسر لام با نا والف ورا مهملة وسکون سین مهملة

م انزروت تنقیط اللام کحل ع بضم اول وسکون ثانی ف سرمہ انجن تنقیط النون
کحل حولان ع بفتح حاء مہملہ ثانی وواو ولام والف م حضض کحل السودان ع بفتح سین
مہملہ مشدد وسکون واو وبادال مہملہ والف م شمبز ج ہ چاکسو تنسیق الخاء المعجمۃ
وتنقیط الجیم کنج ف بضم اول وسکون خاء معجمہ وجیم م گیاہی ست کہ از وجارو سازند
تنسیق الخاء المعجمہ کنج ف بضم اول وسکون خاء معجمہ م گیاہ لونج تنسیق الدال المہملۃ
وتنسیق الخاء المعجمہ کدوی تلخ ف بفتح اول وضم دال مہملہ وواو مجہول وتحتانی
مجہول وفتح فوقانی وسکون لام ہ تونبڑی تنقیط الراء المہملہ کند بفتح اول
وثانی وسکون راء مہملہ م کادی ہ کیوڑا طب ی ق سکن من یک مثقال ص
مناب ل شربت فواکہ وصندل تنقیط المیم کدرم ف بضم اول وسکون ثانی و
ضم راء مہملہ م غلہ ایست مانند ارزن کہ اکثر در پنجاب زیاد باشد کدم ہ بفتح اول وثانی
م درخت ہندی ست کہ گلش زرد مشابہ بہ ست تنکہ کریزک وکوی خورد تنقیط النون
کدوی شیرین ف بفتح اول وضم ثانی وواو مجہول وتحتانی مجہول وکسر شین معجمہ
وسکون تحتانی ثانی وکسر راء مہملہ وسکون تحتانی ثالث ع فرع تنقیط الہاء کدبہ ف
بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحدہ پوست خربزہ تنسیق الخاء المہملہ وتنقیط
الالف کژاہ بضم اول بارا مہملہ والف ف درخت نسان العصافیر کراکاف بفتح اول
وثانی والف باکاف ثانی م پودنہ ع سلوی کراکرا بفتح اول وثانی وفتح کاف ثانی
وراء مہملہ ثانی م زاغ کرپاف بفتح اول وسکون ثانی باموحدہ فارسی وگیاہی ست
کہ آن را بلند وزگویند کرمہ بیضام بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم وہمزہ ملینہ باوفتح
موحدہ وسکون تحتانی باضاد معجمہ م فاشرا کرمہ سوا بفتح سین مہملہ وسکون واو
بادال مہملہ م فاشرشین کرنباف بفتح اول وثانی وسکون نون باموحدہ م گلم غرب الماء
ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح نون وضم موحدہ وسکون لام بامیم والف ممدود

ف نیلوفر گرداراه بکسر اول وسکون ثانی باواو والف وراء مهملة ثانی ف خیارچنبر
گردنداه بفتح اول وثانی وسکون واو وخفا نون بادال مهملة م میوهٔ بندی است
گرفیاح بضم اول وثانی وسکون واو باتحتانی ف قسمی از زیره ه کالی زیری طح
ی گویند ۳ ق قابض ملطف مقوی معده ۶ تا ده بستانی شود درم ص معتبری
ماسبرترش ل نیم وزن کمون نبطی ونیم وزن انیسون باراز پانج تنمیق للوحدة
گرنب ف بفتح اول وضم ثانی وسکون نون م کلم طح ای ۲ واطراف او ی ۳ ق
ملین منضج خ نبطی که بکرنب بستانی مشهور ست ص وهن تنمیق المثلثة گراث بضم
اول باثانی مشدده والف ف گندنا طح ی ۴ ق منضج مقطع ص سرکه در روغن ل اصل
تنمیق الجیم گرنج ف بفتح اول وثانی وفتح واو وسکون جیم گیاهی که آتش بدو افروزند
م غرنج ع لوسر الغ گرنج م بفتح اول وثانی وخفا نون م الملک تنمیق الراء المهملة گرگ
بفتح هردو کاف وسکون هردو راء مهملة ع صنوبر صغار ف کاج تنمیق النون المعجمة گربز
بضم اول وسکون ثانی وضم موحده م قثاء الحمار تنمیق السین المهملة گربالس وگربس
ف بفتح اول وسکون ثانی باموحده والف وکسر تحتانی وسکون سین مهمله در لغت اول
وفتح موحده در لغت ثانی م جانور چلپاسه گرفس ع بفتح اول وثانی وسکون فاء اجمود
ط ای ۲ ق مفتح مدر مغثی سبعی ۶ بستانی تا ۱ از تخم نیم مثقال ص کاهو یا معجون کل و
مصطگی ل را زیانه یانیم وزن فطراسالیون ودر فارسی جانور چلپاسه را گویند گرکاس ف
بفتح اول وسکون ثانی باکاف ثانی والف م گیاه درسرکه درزراعت جو وگندم برویده
تنمیق الشین المعجمة گرش ع بضم اول وسکون ثانی ف شکنبه هر اوجتة ط بخ
ماخر فوزانجولی میش یامرغ فربه تنمیق الفا گرشف بضم اول وسکون ثانی وضم شین
معجمه ف نیبه تنمیق الکاف گراک وگرگ ف بفتح اول وسکون ثانی بالف وکاف
ثانی در لغت اول وفتح کاف ثانی وراء مهملة ثانی در لغت ثانی م جانور بود نه گرگ ف

بفتح اول و ثانی م کراف و بسکون ثانی م ماکیان و کبک و سرطان و بضم اول
و سکون ثانی م پشم نرمی که از بن موی بر رویند و آنرا بشانه آورده برسیند و شال و
امثال آن بیافند کریشک ف بکسر اول و ثانی و تحتانی مجهول و فتح شین معجمه م چوزه
مرغ تنمیق الکاف الفارسی کرگ ف بفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی م کرگدن
همگینذا تنمیق اللام کریل هـ بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و لام نبات هندیست
خاردار بے برگ که مراد او در هند مینت گویند بکسر فوقانی هندی و تحتانی و خار نون
و فوقانی هندی ثانی و از و اچار سازند تنمیق المیم کرکم ف بضم اول و سکون ثانی بضم
کاف ثانی م زعفران کرم ع بفتح اول و سکون ثانی ف زرد درخت انگور ط ۷ هلف
قابض ۶ بستانی صکتیرا و صمغ عربی ماشکر و بفتح ثانی ف کلم کردش الغنم ع بضم اول و
ثانی و سکون واو و ضم شین معجمه و سکون لام و فتح غین معجمه و نون م قرنفیون
تنمیق النون کرویلین بفتح اول و سکون ثانی و کسر واو مهمله و سکون تحتانی و کسر
نام م نوعی از سیسالبوس کرکرویها بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف ثانی و ضم
راء مهمله ثانی و واو مجهول و فتح هام سک المسک مرکبی است ط ۷ هی ۲ کرکرهن بر بر
بفتح هر دو کاف و سکون هر دو راء مهمله و فتح هام عاقرقرحا کرکون رومی بفتح اول و سکون
ثانی و ضم تحتانی و سکون واو م قنطوریون و قیق تنمیق الواو کرباسو و کرباسوف بفتح
اول و سکون ثانی باموحده و الف و ضم سین مهمله و سکون واو و لغت اول و فتح
موحده و ضم سین مهمله و لغت دوم م جانور چلیاسه کرچفوف بفتح اول و سکون ثانی و
فتح جیم و ضم فام طائر لوزنه کروف بفتح اول و ضم ثانی م پرده سفید عنکبوت که در آن
بیضه نهد کرکرهو بفتح هر دو کاف و سکون هر دو راء مهمله و ضم هام عاقرقرحا تنمیق الهاء
کرباسه و کرباسه ف بفتح اول و سکون ثانی باموحده و الف و فتح سین مهمله و لغت اول
و فتح موحده و لغت ثانی م چلیاسه کرتیه ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی

وبسکون تحتانی وفتح نون م پرده سفید عنکبوت که بران بیضه نهد کرسنه ع بفتح اول و
بسکون ثانی وفتح سین مهمله ونون ف کنک ه مثه وکراو وکلاو ط۲ا گویند ۳ ی ۲
ق مجلی مفتح ۲ دشقی یا مصری سفید ش و در رم ص شاه بلوط دو وزن آن لوبیا
کرمیه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف ثانی وکسر میم وسکون تحتانی وفتح
سین مهمله م گلی ست خوشبو که بیشتر در کوه الوند شود کرمدانه بکسر اول وسکون ثانی
وبیم با دال مهمله والف وفتح نون م نوعی از تخم با در لبون ط۲ ی ۴ ق مجفف ۲ سیاه
بزرگ مش دو دانگ ص جمع وکثیر ال سعد وتلفل کرمیه شایکه بفتح اول وسکون ثانی
وفتح میم وهمزه ملیه یا با شین معجمه والف وکسر تحتانی وفتح کاف ثانی م فشاع کزه ه
بفتح اول وسکون ثانی وفتح نون ف تبخ کردیا رفارسیه وشامیه وحلیه بضم اول وثانی
وسکون واو یا تحتانی والف وکسر همزه یا فا والف ثانی وراء مهمله ثانی وکسر سین مهمله
وفتح تحتانی مشدد ثانی وغا. یا با شین معجمه والف ثالث وکسر میم وفتح تحتانی مشدد
ثالث وفتح جیم وموحده وکسر لام وفتح تحتانی مشدد رابع م مقرما مکرده ف بفتح اول و
ثانی م مسکه پرده سفید عنکبوت که بران بیضه نهد تنیق التحتانی کراث جبلی ع بضم
اول با ثانی مشدد والف وکسر ثلثه وفتح جیم وموحده وکسر لام م فراسیون کرسکی ع
بضم اول وسکون ثانی وکسر کاف ثانی ف قلنگ ه کونج خ سپید کرده با زکه بعد از کشتن
پس از چند روز بیزند اسپرک وبا بزیرم کرنگانی ف بفتح اول وثانی وسکون نون با کاف
فارسی والف وکسر نون ثانی م نوعی از انگور تنسیق الراء المعجمة وتنیق الالف کزبان ف
بفتح اول وسکون زاء معجمه وموحده والف م نوعی از ریباس تنیق المعجمة کزبع ع
بضم اول وسکون زاء معجمه ف دزده وکنجاره ه کهل تنیق العراء المهملة کزبرة البیع ع
بضم اول وسکون ثانی وکسر موحده وفتح راء مهمله وضم فوقانی وسکون لام وکسر
موحده ثانی وسکون تحتانی ف بپسیاوشان تنیق الغین المعجمة کزاغ وکزغ ف

بضم اول و فتح ثانی و الف و غین معجمه و لغت اول و سکون زا و معجمه و لغت ثانی ع
اشق تمییق الفا کز ف بفتح اول و ثانی م قیر هر دو تمییق النون کز وان بکسر اول و
سکون ثانی و واو و الف م بادرنبویه تمییق الهاء کز برهٔ ع بضم اول و سکون ثانی و کسر
سوم و فتح راء مهمله ف کشنیز هر دو هنباط تراوب و خشک او ب ۲ ی ۳ ق سداو
راوع و خشک او سقوی دل محابس خون خ بستانی تازه فربه ش از خشک او نیمدرم
ص مسل تمییق الزاء الفارسی و تمییق الالف کز فاو کز کاف بفتح اول و سکون زا
فارسی با غین معجمه و الف و لغت اول و کاف فارسی و لغت ثانی م غز کاو تمییق
الراء المهمله کز و ف بفتح اول و ضم ثانی فارسی و سکون واو ع زرنباد تمییق
الزاء الفارسی کز ف بفتح اول م کج کیسه است از ابریشم زبون ه ئسر تمییق الیم کز م
ف بضم اول و سکون ثانی فارسی ع شجرة الیق تمییق النون کز غون ف بفتح اول و
سکون فارسی و فتح فوقانی و سکون راء مهمله و ضم خاء معجمه و سکون واو ع عافر قرحا
تمییق العین و کز غاو و کز کاو ف بفتح اول و سکون ثانی با غین معجمه و الف و واو مجهول و
لغت اول و کاف فارسی و لغت ثانی م کز کاو تمییق الهاء کز اوه ف بفتح و ثانی فارسی
و الف و فتح فوقانی م پیله ابریشم کز و م خواره ف بفتح اول و سکون ثانی فارسی و ضم راء
مهمله و سکون سین و ضم خاء معجمه با واو معدوله و الف و فتح راء مهمله م جانوریست در دریای
خوزستان که چون براه رود دم خود بر زمین کشد و بر هر که زخم زند هلاک سازد تمییق السین
المهملة و تمییق الالف کسیلاف بفتح اول و کسر سین مهمله و تحتانی مجهوله با لام و الف
و نوعی است هندی کهیلا کهیلط ج ای گویند م ۲ ق مغزی خ باریک مایل بسرخی
شر ۳ درم گویند نیم مثقال ص کنیرا یا کم کرنس ل مغاث تمییق الوحدة کسبع بضم
اول و سکون ثانی و کسر وحده ف کنجاره تمییق الجیم کسرج ف بفتح اول و سکون ثانی و
فتح موحدهٔ فارسی و راء مهمله م مروارید تمییق الزاء المهملة کسبز بضم اول و سکون ثانی

بضم تحتانی م زنت خشک تمییز الکاف کسک ف بفتح اول و ثانی م طائر عکه کسنک
بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون م کرسنه تمییز المیم کسیره الحمام بضم اول و سکون ثانی و کسر
موحده و فتح را مهمله و ضم فوقانی و سکون لام و فتح حا مهمله با میم والف و میم ثانی م نوعے از
شاهترج تمییز النون کسیقون یونانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون
واو ف نوعی از سوسن بری م و لبوث تمییز الواو کسیر و ه بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی مجهول
و ضم را مهمله م بیخ رستنی هندی است که در آنجا مثل نیلوفر برویده طب تمییز الهاء کسبره بضم
اول و سکون ثانی و فتح موحده و را مهمله ف کشنیز کسبه ف بضم اول و سکون ثانی و فتح موحده
م کنجاره کسیتمه ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و سکون تحتانی و فتح میم م اشتر خار
کسنبه ه بضم اول و ثانی و خفاء نون و فتح موحده و الهاء م معصفر تمییز التحتانی کستوده
ه بفتح اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و سکون واو و کسر را مهمله ف مشک کستی ف بکسر اول و
سکون ثانی و کسر نون ع طلتیت ه سهینگ تلسیق الشین المعجمه و تمییز الالف کشوتا ۲۷۷
بضم اول و شین معجمه و سکون واو و مثلثه ه امرنیل طح ای ا ق بفتح مثنی تحتانی مسهل سودا و مقوی
کبد خ انچه بر خار پیچیده باشد مش دو درم ص بلوط ل تخم کاسنی و سهتین تمییز الموحده
کشکاب ف بفتح اول و سکون ثانی با کاف و الف م آش جو تمییز المثلثه کشوث بضم اول
ثانی و سکون واو م کسوتا تمییز الجیم کشنج بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون جیم ف
نوعی از کمأت که در ریگها و کنار دریاها رویده گل کنده ه بهاتل طاب تمییز الالف المهمله
کشنگ الشعیر ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف ثانی و فتح شین معجمه مشدد ثانی و کسر عین
مهمله و سکون تحتانی ف شیر جو طاب تمییز الشین المعجمه کشمش بکسر اول و سکون ثانی و
کسر میم و سکون شین معجمه ثانی ف مویز انگور بیدانه طح ای ق طلین هفت درم ص بادیان
تمییز الطاء المهمله کشط بضم اول و سکون ثانی م قسط تمییز القاف کشف ف
بفتح اول و سکون ثانی ف ناخونک سنگ پشت ه کچهرا تمییز الکاف کشوک ف بفتح اول

سکون واو و کاف ثانی م لاک پشت کشتک ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف ثانی
و را مهمله م جانور عکه کشتک ف بفتح اول و سکون ثانی م پینه و فروبت تمییق اللام کشاخلف
بفتح اول و ثانی و الف و کسر خا معجمه م علة شاخل هـ ا ر تمییق النون کشکین ف بفتح اول
و سکون ثانی و کسر کاف ثانی و سکون تحتانی م نان جوکشه بضم اول و سکون ثانی م خرپزه
تمییق العین و کشکاوف بفتح اول و سکون ثانی با کاف ثانی و الف م کشکاب کشتوف بفتح
اول و سکون ثانی و ضم فوقانی م انگور نیم پخته کشکاب ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف ثانی
م کشکاب تمییق الهاء کشته ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح فوقانی م شفتالو و زردآلو و امثال
و امثال آن که تخم او را آورده خشک کرده باشند کشنه و کشنیز ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر
کاف ثانی و فتح نون و لغت اول و کسر کاف و سکون تحتانی و لغت دویم م نان جوکشه ف
بفتحه اول و سکون ثانی و فتح نون م نوعی از سماروغ تمییق التحتانی کشنی ع بکسر اول و سکون
ثانی و کسر نون م ارسنه کشوث رومی بضم اول و ثانی و سکون واو و کسر ثلثه و ضم زاء مهمله و
سکون واو و ثانی و کسر میم م اشتین تمییق الصاد المعجمه و تمییق النون کضشنبون لونا
بفتح اول و سکون ضاد معجمه و فتح نون و سکون ثلثه و ضم موحده و سکون واو و نون تا
ف بادنجان بری تمییق العین المهمله و تمییق المهملة کعب ع بفتح اول و سکون ثانی
مهمله ف پاشنه هر پای طبی ق مجف خ از غزالش نیم درم ص رب السوس
ل استخوان ساق تمییق الکاف کعک ع بفتح اول و سکون ثانی هـ کاک نان متبرک
حضرت خواجه قطب الدین بختیار کاکی قدس الله سره العزیز که در دار دهلی معمول است
تمییق الهاء و تمییق الالف کف دریا بفتحه اول و کسر فا و فتح دال مهمله و سکون راء مهمله
با تحتانی هـ سمندر بهین تمییق الموحده کف الذئب ع بفتح اول و ضم ثانی مشدد و کسر ذال معجمه
مشدد و سکون تحتانی م جنطیانا کف الکلب ع بفتح اول و ضم ثانی و سکون لام و فتح کاف
ثانی و سکون لام م اشنان تمییق الجیم کفنج ف بفتح اول و ثانی و سکون نون م نوعی از

ماهی ست که مانند سقنقور بغایت سمی است ع سمکة الصید تنمیق الدال المهمله کف
الاسد ع بسکون لام و فتح همزه و سین مهملهم ع طنیتا کفر الیهود بفتح اول و ثانی و ضم راء مهمله و
سکون لام و فتح تحتانی و ضم باء و سکون واو و م قذف الیهود و تنمیق الراء المهمله کفشیر ف بفتح
اول و سکون ثانی و کسر شین معجمه و سکون تحتانی و راء ی که زیر و نقره و دیگر فلزات بدان
پیوند کنند تنمیق الزاء المعجمه کفجلیز ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و کسر لام و تحتانی
مجهول و زاء معجمه م جانوری ست آبی که سر و تنه مدور دارد و دم باریک فروع و عموص و
و عامیص جمع آن تنمیق السین المهمله کفناقس بفتح اول و سکون ثانی و الف و ضم قاف
و سکون سین مهملهم و فلی هد کثیر تنمیق العین المهمله کف اصبع ع بفتح صاد معجمه مشدد و ضم
موحده م بیکج تنمیق الفاء کف بفتح اول م بقلة الحمقا تنمیق الکاف کفجلیز ک ف بفتح
اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و کسر لام و تحتانی مجهول و فتح زاء معجمه ع و عموص تنمیق اللام
کفجه نوان ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و خفاء ها و ضم نون و واو مجهول م مرغی
است که بترکی قاسق پران گویند تنمیق الهاء کفجلیزه ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم
فارسی و کسر لام و تحتانی مجهول و فتح زاء معجمه م کفجلیز ک تنمیق التحتانی کفدی بضم اول و سکون
ثانی و کسر سا مهمله ع جغری ف پوست بها خرما خوشبو تنمیق الکاف و تنمیق الالف
الگدراه بضم اول و سکون ثانی با راء مهمله هندی ف خروس الگدوداه بضم اول و سکون ثانی
و فتح دال مهمله و سکون واو و خفا نون بدال مهمله م کافر الگوداه بفتح اول و ضم ثانی و واو مجهول
با راء مهمله نبات هندی است که تخمش بعد روس و پرده نماید و بخش هد کثول تنمیق الشین المعجمه
الگکش و کیکش ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون شین معجمه و فتح اول و کسر اول و تحتانی
مجهول و کسر کاف ثانی و تحتانی مجهول ثانی و راء ثانی م تراتیز ک تنمیق الکاف الگ ف
بفتح اول و سکون کاف ثانی نانی که از آرد خشک بپزند مکک و کیاه را نیز گویند و بضم اول م
ماکیان که از تخم کردن باز مانده باشد تنمیق الهاء گنجه ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی

وخفا رام پنبه دانه تمیق التحتانی گگڑا سینگے ه بفتح اول وسکون ثانی بارا مهمله والف وکسه
سین مهمله وخفا نون وکسر کاف ثالث م دواء هندیست گگڑی ه بفتح اول وسکون
ثانی وکسر راء مهمله هندی ف خیار دراز وبضم اول ف ماکیان تلسیق اللام وتمیق لا الف
کلاف بفتح اول ولام والف م ورع وغوک کلیاف بکسر اول وسکون ثانی بالتحتانی م شحاذ
ه ساجی کلیندا ه بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی وخفا نون بادال مهمله ف تربز تمیق الجیم
کلیواج ف بکسر اول وثانی وتحتانی مجهول بارا واو والف م غلیواز تمیق الحاء المهمله
کلخ بکسر اول وسکون ثانی ف بیرزد کلموح بفتح اول وسکون ثانی وضم میم وسکون واو م رسن
تمیق الزال المعجمه کلوخ امرود ف بضم اول وثانی وسکون واو وخا معجمه وفتح همزه وسکون میم
وضم راء مهمله وواو مجهول ثانی م نوعی از امرود وتمیق الزاء المهمله کلاو ف بفتح اول وثانی
والف وفتح واو وسکون راء مهمله م ورع کلهاڑه بفتح اول وثانی ومشدد واظهار با والف
ه کل کنول تمیق الزاء المعجمه کلوز ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو م خوره پنبه شگفته
کلیز ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی م زنبور تمیق الزاء الفارسی کلموز بفتح
وضم اول وسکون ثانی وضم میم وسکون واو م چلپاسه تمیق السین المهمله کلس ع
بکسر اول وسکون ثانی ف ابکم م خوره ه چونه تمیق الشین المعجمه کلاس ف بفتح اول و
ثانی بالف عنکبوت ونسج آنرا کلاش خانه گویند کلاکموش ف بفتح اول ولام والف و
سکون کاف فارسی وضم میم وسکون واو م موش دشتی تمیق الغین المعجمه کلاغ ف
بفتح اول وسکون ثانی والف م زاغ ه کرال وکاگ وگوا کلمزغ ف بفتح اول وثانی وضم
میم وسکون راء مهمله نوعی از کرگس که بر سرش پر نباشد تمیق الفاء کلناف ه بفتح
اول وسکون ثانی بانون والف ه کنیز تمیق الکاف کلکنک بکسر اول وسکون ثانی وفتح
کاف ثانی وسکون نون م تخم خرفه کلاک ف بفتح اول وثانی م کوف دبوم وخریزه ندرسیده
وخوره پنبه ناشگفته وگاو بیش نرجوان وبضم اول وسکون ثانی م پشم نرمی که از بن موی

بروید و آنرا بشانه آورده بر سنبد و مثال و امثال آن بیافتد و بکسر کاف هر نی عموماً و لی فلم
خصوصاً و نیز صمغیست تلخ که آنرا جهودانه گویند کلنبک بفتح اول و ثانی و خفا رها و نون و
فتح موحده ف چوب خوشبوی صندل آسای سرخی مائل کلیک ف بفتح اول و کسر ثانی
و سکون تحتانی م تخم کل تنمیق اللام کلکل بفتح هر دو کاف و سکون هر دو لام م مقل کل
ف بفتح اول م رجیع بهایم و گاو میش نز تنمیق المیم کلم ف بفتح اول و ثانی م کرنب تنمیق
النون کلیجن ع بضم اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح جیم م خولنجان که بیخ برگ تنمول
باشد کلیکان بکسر اول و ثانی و سکون تحتانی و فتح کاف ثانی با الف م سرخون کلیکرون بکسر ثانی و رای
بکسر اول و ثانی و سکون تحتانی و فتح کاف ثانی و سکون لام ثانی و ضم را مهمله و سکون واو م جرجیر تنمیق
الواو کلاجو و کلاژ ف بفتح اول و ثانی و الف و ضم جیم و سکون واو و بغنت اول و ضم زا فارسی
در لغت ثانی م طائر عکه کلاو ف بفتح اول و ثانی و الف م و غ کلاهو ف بفتح اول و ثانی و الف بضم ها
م نوعی از آهو بی شاخ کلیاسو و کلبسو ف بفتح اول و سکون ثانی با موحده و الف و ضم سین مهمله در لغت اول
و فتح موحده و لغت ثالث چلپاسه تنمیق اللام کلاژه ف بفتح اول و ثانی و الف و فتح زا فارسی م طائر عکه
کلوژ ف بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و فتح زا و عجمه م غوره نیمه ناشگفته کلوندف
بفتح اول و سکون ثانی و فتح واو و سکون نون و فتح دال مهمله م نوعی از خیار باریک
دراز کلیه ع بضم اول و سکون ثانی و فتح تحتانی ف گرده ط م ع ب گویندی
گویند د م تنمیق التحتانی کلتسه بضم اول و سکون ثانی و کسر قوقانی و اظهار ها م
تحلالیست ع کاسر الحجر کلنجبی ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون نون و فتح جیم و کسر راء
مهمله م نوعی از انگور سیاه رنگ که در ولایت هری شود و کلیانی رومی بکسر اول و سکون
ثانی با تحتانی و الف و کسر نون م اشق کلی ف بضم اول و کسر ثانی قسمی است از
ماهی ریزه ع سمک قنزاضی تنمیق المیم و تنمیق الالف کماف بضم اول با
و الف م کمات و بکسر اول م بزباز تنمیق القوقانی کماة ع بفتح اول و ثانی و الف و

کلاهی ف کلان و کلنه ف کلنه م کلیا ف کلیا م کلیا ف کلیا م کلیا ف کلیا

فوقانی م فطر ط ب ز ۲ ق ردی الغذا خ محلل ص مونیر و قلفل تمییز الدال المهمله
کمون اسودع بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وکسر نون وفتح همزه وسکون سین مهمله
وفتح واو ثانی م کمون بریست وشونیز را نیز گویند تمییز الراء المهمله کماشیر بفتح
اول وثانی والف وکسر شین معجمه وسکون تحتانی م صمغ عربی کوهی که فطر اسالیون تخم
اوست ط ۷ ی ۲ گویند ۴ ق مذیب محلل خ زرد تیز بویش رودانگ ص گل صندل
ل جاوشیر تمییز الزاء المعجمه کمزف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ع بول ه
پیشاب مدموت تمییز السین المهمله کمادریوس سریانی ویونانی بفتح اول وثانی
والف وفتح دال مهمله وسکون راء مهمله وضم تحتانی وسکون واو وف نام دارد ط ۷
ی ۲ گویند ۳ ق ملطف مدر محلل خ تازه بری که بعد از ادراک تخم برگیرند بیش یک
مثقال ص سفرجل ل غافث یا اسقولوقندریون یا تخم حاصل بری یا تخم شلغم بری
کمافیطوس یونانی بفتح اول وثانی والف وکسر فا وسکون تحتانی وضم طاء مهمله وسکون
واو ف نامش دارد ط ۷ ی ۳ ق مفتح محلل خ بستانی هش یک مثقال ص انیسون
یازعرور ل نیم وزن سیسالیوس ودرانگ نیم وزن آن سلیخه یا کمادریوس یا جده
تمییز الکاف کمرکم بفتح اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله وسکون کاف ثانی م میوه ایست
تمییز المیم کمکاموف بفتح اول وسکون ثانی باکاف ثانی والف ع اواه الطیب
وگویند صمغ درخت بطم کمکموف بضم اول وسکون ثانی وضم کاف ثانی م زعفران
تمییز النون کمالیون یونانی بفتح اول وثانی والف وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو
نوعی از ماذریون سیاه کمون ع بفتح اول وضم ثانی وسکون واو انواع است کرمانی
وفارسی وشامی ونبطی هر زیاط ۷ ی ۲ گویند ۳ ق محلل ملطف مغشی مفتح حابس خون
معطل خ کرمانی شش دودرم ص کتیرا گویند خل ل تا نخواه یا از کرمانی یک نیم وزن نبطی
وانفاسی نیم وزن کرمانی باکم کرنب تمییز الواو کمون حلو بفتح اول وضم ثانی وسکون

واو وکسر نون وضم حاء مهمله وسکون لام م انیسون تمییز الهاء کمیچه ف بفتح اول و
ثانی وسکون تحتانی وفتح جیم فارسی م کرم شب تاب تمییز التحتانی کمتری ع بضم اول و
ثانی مشدده وسکون مثلثه وراء مهمله والف مقصوره ف امرود ط م گویند ب سا
گویند ای ۲ ق قابض ومفرح ومقوی دل خ شاه امرود ش از شراب او یک اوقیه
ص ماء الاصل ل سفرجل کمون ارمنی بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وکسر نون وفتح
همزه وسکون راء مهمله وفتح میم وکسر نون ثانی م کرویا کمون بری بفتح موحده وکسر راء
مهمله مشدده م شاهترج کمون حبشی بفتح حاء مهمله وموحده وکسر شین معجمه م کمون بری
تنسیق النون وتمییز الالف کنبیلاهه بفتح اول وسکون نون وکسر موحده وسکون
تحتانی باللام والف م قنبیل تمییز الموحده کنب ف بفتح اول وثانی وسکون موحده
م بنگ ه بهانگ وبجیاد گویند در فارسی ریسمانی است که از پوست نبات کتان
تابند وبضم اول نوعی از خیار تمییز الجیم کنج ف بفتح اول وسکون ثانی م قروت تمییز
الدال المهمله کندف بفتح اول وسکون ثانی ودال مهمله شکر که معرب آن قند است و
بزبان هندی بیخ هر چیز کنگر ز بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف فارسی وسکون راء
مهمله وزاء معجمه وآنرا کنگری نیز گویند وآن ضمغ کنگرست ط خ را گویند ب ق مقتے
تمییز الواو المهمله کنار بضم اول باثانی والف ه سدره بیر کنجار ف بضم اول و
سکون ثانی والف ه کهل کندر ع بضم اول وسکون ثانی وضم دال مهمله مصطگی وگویند
لبان ط خ ۲ ی گویند ۳ ق مدنل مخدر قابض منشی ومقوی دماغ ومعده وحابس
خون خ سفید گرد حب ستنیم درم ص اندرباغ ناب ل مصطگی یا بمن کنگر ف
بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف فارسی م خرشف که اکثر در کوه پاها بروید وکنار دریا
خارناک بود وآنرا امبشتر باماست بخورند وبضم اول وکاف فارسی م جاذر یوم کنیر ه بفتح
اول وثانی وسکون تحتانی ف خرزهره تمییز الزاء المعجمه کناز وکنر ف بفتح اول و

باثانی والف وزاء معجمه در لغت اول وبحذف الف در لغت ثانی م بن خوشه انگور یا
تنبیق الشین المعجمه کنندش بضم اول وسکون ثانی وضم دال مهمله ف چوبک آشنان
طاحونی معطش مفرج مقی خرچنگ وی سنگ وآنگی ونیم صاکتیرا ل بوزن او جوز القی
وثلث یک وزن آن فلفل تنبیق الغین المعجمه کناغ ف بضم اول باثانی والف م کریم بلیله
وتارا برشیم تنبیق الکاف کنگر ک ف بضم اول وسکون ثانی وکسر جیم وفتح دال مهمله
وسکون کاف ثانی م انزروت کنجک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم م شجرة الهبق
کنگ ف بکسر اول وفتح ثانی م گرد گانی که مغزش بدشواری برآید تنبیق الکاف الفارسی
کنگ ف بضم اول وسکون ثانی وکاف فارسی ثانی م خوشه خرما تنبیق اللام کنجال بضم
اول وسکون ثانی باجیم والف ولام م تخاله کنجده کهل کنکول م بفتح اول وسکون ثانی و
ضم کاف ثانی واو مجهول م واو هندی است تنبیق العاء کندر ف بضم اول وسکون ثانی
وضم دال مهمله وراء مهمله مصطگی کنشتو ف بفتح اول وثانی وسکون سین مهمله وضم فوقانی
حبات آشنان کنشتو وکنشتو بفتح اول وثانی وسکون شین معجمه وضم فوقانی در لغت اول
وسکون شین معجمه واو در لغت ثانی غوره انگور کنوف بفتح اول وضم ثانی م بنگ ه
بجیا تنبیق الهاء کنبیزه ف بضم اول وسکون ثانی وکسر موحده وتحتانی مجهول وزاء معجمه
وخفا ر ها م نوعی از خیار که هنگام خامی شیرین باشد بود ودر پختگی نتوان خورد کنخاره وکنخاله
بضم اول وسکون ثانی باجیم والف وفتح راء مهمله در لغت اول وفتح لام در لغت ثانی م تخاله
کنجد کنجده ف بضم اول وسکون ثانی وکسر جیم ودال مهمله معنی سابق انزروت
کنجیده ف بضم اول وکسر جیم وفتح دال مهمله م کنجده کنجد کنوزه ف بفتح اول وضم ثانی وسکون
واو وفتح زاء معجمه مبنیه ضم تنبیق التحتانی کندی ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر دال مهمله
وسکون تحتانی عکادی ه کیوره تنسیق العاء ودتنبیق الالف کوتاه پاکوته پا بضم
اول واو مجهول باوقانی والف والمشدد باموحده فارسی والف ثانی در لغت اول و

و فتح فوقانی و اظهار ها در لغت ثانی جانور یست مانند گوزن که بما نطور خالها بر پشتش
روی آن شبیه بروی گوزن شاخ شاخ شود ها و میم تنمیق الفوقانی گوست ف بفتح
اول و ثانی و سکون سین مهمله و فوقانی ع حنظل تنمیق الجیم کوچ ف بفتح اول و ثانی و جیم ع
صمغ تنمیق الجیم الفارسی کوچ ف بضم اول و ثانی مجهول و جیم فارسی م جانور بوم تنمیق
الدال المهمله کوژدف بضم اول و ثانی مجهول و فتح زاء فارسی م کنجده و آن صمغ
درخت پرخاری ست که بعربی آنرا شابکه خوانند خ سفید مائل بزردی کوشاد بفتح اول و
سکون ثانی با شین معجمه و الف ح خنطیانا تنمیق الباء المهمله کوارف بضم با ثانی و الف م
گندنا کوبدارد بضم اول و سکون ثانی و کسر موحده با دال مهمله و الف م قسمی از کچنار است
کوبر بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده م فلفل کوترف بفتح اول و سکون ثانی و فتح
فوقانی کبوتر کوزف بفتح اول و ثانی م کبر که ازان اچار سازند کوزکوم بضم اول و ثانی مجهول
و راء مهمله و ضم کاف ثانی و واو مجهول ثانی م خلیواج کوکنارف بضم اول و ثانی مجهول و سکون
کاف ثانی با نون و الف ع خشخاش م پوست دهنوتر انتمیق الزاء المعجمه کوزرف بفتح
اول و ثانی و سکون راء مهمله و زاء معجمه م میوه کبر کوزبضم اول و ثانی مجهول م مقل تنمیق
الفاء الفارسی کوژرف بکسر اول و ثانی م میوه ایست سرخ رنگ که بهلیش از زمین بشوره
روید م ازدف تنمیق الشین المعجمه کوموش بضم اول و ثانی مجهول و سکون راء مهمله و ضم
میم و سکون واو و شین معجمه م چهچهندر تنمیق الضاد المعجمه کوکب الارض بفتح اول و سکون
ثانی و فتح کاف ثانی و ضم موحده و سکون لام و فتح همزه و سکون راء مهمله و ضاد معجمه ع طلق
تنمیق العین المهمله کوارع بفتح اول و ثانی با الف و کسر راء مهمله ف وسیدو پایچه
تنمیق الفاء کوالف بفتح اول و ثانی و الف و کسر لام و سکون قاف با دادو کوف بضم
اول و سکون ثانی م چغد تنمیق الکاف کوشک ف بفتح اول و ثانی و سکون خاء معجمه
م خوشه انگور کوک ف بضم اول و ثانی مجهول م تره کاهو ج جس کوکلک ف بضم اول

ثانی مجهول وکسر کاف ثانی وفتح لام م غوره پنبه شگفته تمییز اللام کوپل ف بضم اول و
ثانی مجهول وفتح موحده فارسی وسکون لام م شگوفه کول ف بضم اول وثانی مجهول و
جانور بوم وبفتح اول وثانی بزبان هندی م نیلو تمییز المیم کولم بفتح اول وسکون ثانی
وفتح لام م فلفل کولهم ف بضم اول وثانی مجهول وفتح ها گیاهی است که در زمین سدیا
روید وبیخ آن شبیه بزنجبل باشد تمییز النون کوکن ف بضم اول وثانی مجهول وفتح
کاف ثانی م چند وغله ایست کوهن ف بضم اول وثانی مجهول وکسر ها وسکون تحتانی
م کوهم تمییز الواو کودوه بضم اول وثانی مجهول وضم دال مهمله م غله ایست هندی
کوکو ف بضم اول وثانی مجهول وضم کاف ثانی م خابگینه تمییز الهاء کواره ف بفتح اول و
ثانی والف وفتح راء مهمله م خانهٔ زنبور کوانچه هـ بکسر اول بانی والف وخفاء نون وفتح جیم
فارسی واظهار هام دوا او هندیست کوپله ف بضم اول وثانی مجهول وفتح موحدهٔ فارسی
ولام م شگوفه کوتاه پاچه وکوته پاچه ف بضم اول وثانی مجهول بانوقانی والف واظهار ها با موحدهٔ
فارسی والف ثانی وفتح جیم فارسی در لغت اول وفتح نوقانی واظهار ها در لغت ثانی م
کوتاه پا لوٹهه هـ بضم اول وسکون ثانی وفتح نوقانی هندی واظهار هام قسط کورزه ف بفتح
اول وثانی وسکون راء مهمله وفتح زاء معجمه م میوه کبر کوزده ف بضم اول وثانی مجهول وفتح
زاء فارسی ودال مهمله م کنجده کوزه ف بضم اول وسکون ثانی وفتح زاء فارسی هم خرسفید
رنگ ؟ ام کوکله ف بضم اول وثانی مجهول وفتح کاف ثانی م هُدهُد کوکه ف بضم اول وثانی
مجهول وفتح کاف ثانی م چغد کودبرکوه ف بضم اول وثانی مجهول واظهار ها وفتح موحده
وسکون راء مهمله وضم کاف ثانی وواو مجهول ثانی عنبر مطبق کوه ف بضم اول وفتح
ثانی م غورهٔ پنبه وکوکنار ریله ابریشم وامثال آن تمییز النخفانی کوتاه پای وکوته پائی
ف م کوتاه پا کوری ف بضم اول وثانی مجهول وکسر راء مهمله م غله ایست مانند چینه
که خودرو بهشد کوئل گڑی هـ بضم اول وثانی وخفاء نون وسکون لام وفتح کاف ثانی

وسکون کاف ثالث وکسر راء مهملہ ہندی ف نیلوفر تنسیق الهاء وتنمیق الالف
کھاپڑیا ہ بفتح اول واظہار ہا والف وفتح موحدۂ فارسی وسکون راء مهملہ باتحتانی والف ثانی
ف توتیا اسقالک کہرباف بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهملہ باموحدہ ہ کپور ط ب
ے ۲ گوند ح ۳ ق قابض مجفف مقوی دل خ صاف سرخ مایل بزردی ش نیم مثقال
ص نیم وزن ارزیا اعاب سفرجل ل طباشیر دو دو دانگ وزن سندروس وباد و وزن
طین روے دو دو دانگ وزن ان سلیخہ ونیم وزن بنکوبریان کردہ کھیانا بفتح اول وسکون
ثانی باتحتانی والف ونون م فاوانیا تنمیق الهاء المهملہ ہ کھار بفتح اول واظہار ثانی
والف ف نمکی است کہ بعضے از اشجار را مثل پلاس ونہال کجد وگوکھرو وکیلہ وجتیر او
اگ وزقوم می سوزند وخاکستر آنہا قلیے از نمک باشد کہ بزبان ہندی کھار گویند کھجور ہ بفتح
اول واظہار ثانی وضم جیم وسکون واو ف خرما کھیر ہ بفتح اول واظہار ثانی وسکون تحتانی
م درخت ہندی است کہ از تخم او کات سازند وبکسر ثانی وسکون تحتانی م سیب
صحرائی ع زعرور تنمیق اللام کھرل ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح راء معجمہ بسکون لام
م برجیہ تنمیق المیم کھلم سرمانی بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام ف باد نجان تنمیق النون
کھاری لون ہ بفتح اول واظہار ثانی والف وکسر راء مهملہ وسکون تحتانی وضم لام و
واو مجہول وسکون نون ف نمک شور تنمیق الهاء کہوہ بفتح اول وسکون ثانی وفتح
واو وخفاء ہاف مغز چوب مواہ کلونجی کی گٹھلی تنمیق التحتانی کھرہی ہ بکسر اول و
اظہار ثانی وفتح راء مهملہ واظہار ہا ثانی وکسر نون ثانی ہندی وسکون تحتانی م کمانے
بزرگ کھمبی ہ بضم اول واظہار ثانی وسکون میم وکسر موحدہ واظہار ہا ثانی ع فطر
ف کمات کوچک سفید کہنی ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر نون م خرد س تنسیق
الیاء التحتانی وتنمیق الالف کیلا ہ بکسر اول وثانی مجہول باللام والف ع موز تنمیق
الراء المهملہ کیسر ہ بکسر اول وثانی مجہول وفتح سین مهملہ م زعفران تنمیق الزاء المعجمہ

کیزف بکسر اول وسکون ثانی م سپید گیکیزف بکسر اول وسکون ثانی وکسر کاف ثانی و
سکون تحتانی ثانی م نرا تیزک تمییز السین المهمله گیخرس بفتح اول وسکون ثانی و
خا معجمه وفتح را مهمله م جاورس گیلاس بکسر اول وثانی مجهول بالام والف هسیلک
تمییز الشین المعجمه گیژف بکسر اول وثانی مجهول م پرند نام جانوری است که از پوستش
پوستین سازند گیکیش بکسر اول وثانی مجهول وکسر کاف ثانی وتحتانی ثانی مجهوله و
نرا تیزک تمییز الکاف کک ف بفتح اول وسکون ثانی ع بر غوث هپشو وبکسر اول و
آدمی ومردمک چشم گیلک ف بکسر اول وفتح ثانی ولام م زعرور تمییز اللام گیل ف
بکسر اول وفتح ثانی ع زعرور گیمال ف بکسر اول وسکون ثانی بامیم والف م جانوریست
که بیشتر در طرف شیروان از ان پوستین کبود سازند تمییز النون گیلکان بکسر اول وثانی
مجهول وفتح لام باکاف ثانی والف م نوعی از کراث تمییز الواو گیسو بکسر اول وثانی مجهول
وضم سین مهمله م جعده گیلوف بکسر اول وثانی مجهول وضم لام ع زعرور گیوف بفتح اول و
ضم ثانی م کاهو تمییز الهاء گیسگونه بکسر اول وثانی مجهول وفتح سین مهمله وسکون را مهمله و
ضم کاف فارسی وسکون واو وفتح نون م جعده گیف بکسر اول وفتح ثانی ع مصطکی ✤✤

فی تقسیم الکاف الفارسی وتنسیبا الالف وتمییز الموحدة گاو اف

بکاف فارسی والف وسکون واو ودو همزه م جامه عوک تمییز الجیم گاوزهرج بسکون
واو وفتح زا معجمه وسکون ها وفتح را مهمله گاوزهره سنگیست که در زهره گاو پیدا شود
یا در شیروان او متکون گردد از گاوان هندوستان مانند پادزهر در لون وخاصیت انچه
در میان زهره پیدا شود مثل نخود تخم مرغ است وبشیرازی اندرزا خوانند م مجر البقر تمییز الدال
المهمله گاودف بکسر دال مهمله گاکوهی تمییز الطاء المهمله گاجرهه بفتح جیم ف زردک
گاوشیر ف بسکون واو وکسر شین معجمه وسکون تحتانی صمغ درختیست کوتاه ساق و
برگش ببرگ انجیر ماند لیکن گرد تر وکوچکتر وگویند مثل برگ زیتون لیکن برگ زیتون ازان

دراز تر و ساق وی چون خیارزه کشیده بود و گلش زرد باشد و تخمش خوشبو و نیز ساق آن
بشکافند و صمغ گیرند م جاوشیر طه ی خ زعفرانی رنگ که زود در آب حل شود اول که
بیرون آید سفید باشد و چون خشک گردد زرد شود و هر گاه در آب حل شود مانند شیر نماید
تنبیق الزاء المعجمه گاز ف بسکون زا معجمه ع علف م گیاس تنبیق السین المهمله گاور
ف بسکون واو و فتح راء مهمله و سکون سین مهمله ع جاورس م غله باجره تنبیق الکاف
گاوک ف بفتح واو م کنه تنبیق الکاف الفارسی گالبنگ بسکون لام و فتح موحده
و سکون نون م هرمنگ گیاهیست که در ایام بهار در زراعت جو و گندم بروید و غوره گندم
مانند غوره لاله و اندرون ان دانه چند معدود باشند و خورش سازند می آرد و نے
شعور سازد تنبیق اللام گال ف م غله کنگنی و نیز بمعنی شغال و عنکبوت و رتیلا و غوره نیمه
ناشگفته و خروس تنبیق المیم گاوچشم ف بسکون واو و فتح جیم فارسی و سکون شین معجمه
م ابونه گاو و عین المقر و الحوان گلی ست که بیرونش سفید و اندرون زرد است طه ی
تنبیق النون گاوزبان ف بسکون واو و ضم زا معجمه با موحده و الف ع لسان الثور م
گاتهه مانند گاوزبان ف بکسر واو و تحتانی مجهول و فتح زا معجمه م زهره گاو تنبیق الهاء گاوج
ف بسکون واو و فتح زا معجمه و سکون ها و فتح راء مهمله م زهره گاو تنبیق السباء
المعجمة و تنبیق الراء المهملة گبر ف بفتح اول فارسی و موحده م سنگے است که
ازان ظروف و اوانی مانند دیگ و کاسه و صحن سازند تنبیق الجیم و تنبیق المیم گیل م
بفتح اول فارسی و سکون جیم و کسر موحده فارسی و سکون تحتانی و صح موحده فارسی ثانی
م خرچاپ تنبیق الراء المهملة و تنبیق القاف گرگست ف بفتح اول فارسی و
سکون راء مهمله و فتح قاف معجمه و سکون سین مهمله م برگست تنبیق الجیم گرداج ف بفتح اول
فارسی و سکون ثانی و دال مهمله با زبر و الف م گردانیده کباب که مرغ یا گوشت گوسپند
و دیگر حیوانات در آب بجوشانند و سپس باد و یه جاوه بر گردانیده کباب کنند خ از مرغ فربه

گرنج ف بضم اول فارسی وکسر ثانی وسکون نون م پرنج ه چاول تنمیق الجیم الفارسی گرنج
ف بضم اول فارسی وسکون ثانی وجیم فارسی ه گلوی تنمیق الدال المهملة گرام کند ه
بکسر اول بائ ثانی والف وسکون میم وفتح کاف وسکون نون یا وال مهملة ه استهول کند گرید
ف بضم اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحده وفتح موحده وخفاء ها وکسر موحدهٔ ثانی وکاف
مجهول م بید شک تنمیق الزاء المعجمة گراز ف بضم اول فارسی بائ ثانی والف م خوک تنمیق
الکاف الفارسی گرگ بضم اول فارسی وسکون ثانی ه بهیڑیا تنمیق اللام گرشال ف بفتح
اول فارسی وسکون ثانی باشین معجمه والف ولام م حیوانیست که از خرس و شغال هر دو متولد
شود تنمیق النون گران ف بضم اول فارسی بائ ثانی والف وسته جو گندم درو کرده ٭
تنمیق الواو گریگو ف بضم اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحده وضم کاف فارسی ثانی م
بید شک تنمیق الهاء گرزه ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح زاء معجمه جسے از مار بزرگ
کز زهر او زیاده از ماران دیگر است گویند مار ایست رنگین پنج خط وخال که هیچ رستمی بزهر ش مقاومت نکند
وگویند کنجه مار گویند موش گزنده ف بضم اول فارسی وکسر ثانی وسکون نون وفتح دال مهملة
م غرد اشتر ع شوکة الحایکه ه کوانچ تنمیق التحتانی گروی ه بضم اول فارسی وثانی وسکون واو
وکسر جیم فارسی وسکون تحتانی ه گلوی تنسیق الزاء المعجمة وتنمیق السین المهملة گرز ف
م زره وکسع جزر تنمیق الزاء المعجمة گز ف بفتح اول فارسی ع اصل ه جهاؤ تنمیق الکاف گزبار
ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی بامیم والف وفتح زاء معجمه ثانی ع جبار ج م بار درخت گز
ه امین تنمیق النون گزانگبین ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح همزه وسکون نون
وضم کاف فارسی ثانی وکسر موحده وسکون تحتانی ونون ثانی طلبست یعنی نمیست مانند
ترنجبین که بر برق طرفا می افتد ش هفت درم گزنازون بفتح اول فارسی وسکون ثانی بامیم
والف وضم زاء معجمه ثانی وسکون واو م گزنازک تنسیق الزاء الفارسی وتنمیق المیم گزم
ف بضم اول فارسی وسکون زاء فارسی م درخت درد سا ع شجرة البق تنسیق السین المهملة

وتمیز الهاء گسته ف بفتح اول فارسی وسکون سین مهمله وفتح فوقانی م ساگ سرخ
وسرگین تنسیق الشین المعجمه وتمیز الفوقانی گشت برگشت ف بفتح اول فارسی وسکون
شین معجمه وفوقانی وفتح موحده وسکون راء مهمله وفتح کاف فارسی ثانی وسکون شین معجمه
ثانی وفوقانی ثانی نباتی است برهم پیچیده مانند ریسمان تافته آن پیچد وبودم پیچک گویند
م سپیلی طاحی ال بودیدان یاکافور وسه وزن صبر سیاه گشت ف بفتح اول فارسی
م خربوزه تنسیق اللام وتمیز الخاء المعجمه گلسرخ ف بضم اول فارسی وسکون لام وضم
سین مهمله وسکون راء مهمله ع ورده گلاب وبکسر اول ع نعره گیر وتمیز الراء المهمله
گلغز ف بضم اول فارسی وسکون لام وفتح غین معجمه وسکون راء مهمله م پشم نرم که از بن موی
برشانه آرند واز آن شال وغیره بافند تمیز الزاء المعجمه گلوزف بفتح اول فارسی وضم ثانی
وسکون واو وزاء معجمه ع فندق وگویند چلغوزه وگویند بادام کوهی که بحرکت شده تمیز الشین
المعجمه گلهوش ف بضم اول فارسی وفتح ثانی وخاء معجمه بضم میم وسکون واو وشین معجمه
ع بهرام تمیز الکاف گلک ف بضم اول فارسی وفتح ثانی م نوعی از صمغ است که بسرخی
گراید وازلوته جهودانه حاصل شود م کوزه تمیز اللام گلقند اصل بضم اول فارسی وسکون
ثانی وفتح قاف وسکون نون وکسر دال مهمله وفتح همزه وسکون صاد مهمله ولام ثانی م گلشکر
که در نقاب ترتیب یافته باشد نه برآتش گلگل ف بفتح هر دو کاف فارسی وسکون هر دو لام
م نوعی از لیمو بقدر نارنج وآنقدر ترش است که چون سوزن در آن بخلانند در اندک
زمانی گداخته شود وبضم هر دو کاف فارسی ع مثل تمیز المیم گل گندم ف بکسر اول
فارسی وسکون ثانی وفتح کاف فارسی ثانی وسکون نون وضم دال مهمله وسکون میم
بیخ گیاهی است چنان نمایند که گویا پنج شش دانه گندم بهم چسپیده اند م گوزگند تمیز النون
گنگبین ف بضم اول فارسی وفتح ثانی وسکون نون وضم کاف فارسی ثانی وکسر موحده
وسکون تحتانی ونون ثانی م گلی که در عسل ممزوج سازند تمیز الهاء گلاگونه بضم لام

فارسی وفتح ثانی والف وسکون کاف فارسی ثانی وسکون واو وفتح نون م گلگونه که زنان
بر رو میمالند گلغونه ف بضم اول م گلگونه گل گوزه ف بضم اول فارسی وکسر لام وضم کاف
وسکون واو وفتح زاء معجمه گل کسرین گل گنیده ف بضم اول فارسی وکسر ثانی وفتح کاف
فارسی ثانی وسکون نون وفتح دال مهمله گیاهیست بغایت بدبو وگلیکان وگما گلاف
بضم اول فارسی وکسر ثانی م غوره نیمه ویکسر اول م مانه انگور که از خوشه جدا شده بیفتد ه
تنسیق التحتانی گل رسی ف بضم اول فارسی وکسر ثانی با موحده فارسی والف وسکون
راء مهمله وکسر سین مهمله وسکون تحتانی م گلی است بغایت سرخ وخوشرنگ م گلنار پارسی
تنسیق المیم وتنسیق الفوقانی گست ف بفتح اول فارسی وسکون یکم وسین مهمله م سنگ
گست جوهری است فرد مایه که کبود سرخی مائل ست ومعدنش قریب بمدینهٔ منوره مکرمه معظمه
هر که در ظرف او شراب بنوشد مستی نیابد واگر پاره ازین در شراب اندازند همین خاصیت
دارد واگر در زیر بالین نهند خواب نیکو بیند تنسیق النساء المعجمه گمیز ف بکسر اول فارسی وثانی و
سکون تحتانی وزاء معجمه م شاشه ع بول تنسیق النون وتنسیق الالف گندگیاف بفتح
اول فارسی وسکون نون ودال مهمله وکسر کاف فارسی ثانی باتحتانی والف م خرس سیاه
تنسیق الدال المهمله گنبد ف بضم اول فارسی وسکون نون وفتح موحده غنچه گنبد
ف بضم اول فارسی وسکون ثانی م خصیه تنسیق الراء المهمله گنبهاره بفتح اول فارسی
وسکون ثانی وفتح موحده واظهار ها والف م درخت بهندیست هر کاس مرکب گنجار وگنجر
ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وجیم والف وفتح راء مهمله ولغت اول بفتح جیم وسکون مهمله
ولغت ثانی م گلگونه تنسیق الشین المعجمه گندش ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وکسر
دال مهمله وسکون شین معجمه م گوگرد تنسیق الکاف گندک ف هم گوگرد تنسیق الهاء گنبه
ف م غنچه گنجار فوگنجر ف م گلگونه تنسیق التحتانی گنجائی م بکاول فارسی م کرمیست سیاه
که در ساعت بجای نمناک بهم رسد تنسیق الواو وتنسیق الالف گوجاه بضم اول

فارسی و ثانی مجهول و ضم راء مهمله و سکون واو ثانی و جیم فارسی با نون م گای روس تمییز الوجنة
گودانک بضم اول فارسی و ثانی مجهول با دال مهمله و الف م دوشاب گوناب ف بضم اول
فارسی م گلگونه تمییز الجبهة گوشت آبنج ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول و سکون سین
معجمه و نون ثانی و مد همزه و فتح باء و سکون نون م گلیوبج تمییز الدال المهملة گوگرد ف
مد گندهک گوندهع صمغ ف ازد و تمییز الراء المهملة گوچهر بضم اول فارسی
و جیم فارسی م گوکهرو ف خاسک گودر بفتح اول فارسی و دال مهمله نوعی از مرغابی که
گوشتش بغایت بدبو باشد و گوساله و پوست گوساله و نوعی از غله خورد که درکشت گندم
و جو سر سد و بچه گوزن گور ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول م خرد شتی گوگار ف بضم اول
فارسی با کاف و الف م خرد رکع خنفسا، و نیز گی فیقور خوانند گوزاره بضم اول فارسی
و فتح لام ف انجیر آدم تمییز الناء المعجمة گوزاز ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول با زای معجمه
و الف م جانوریست خوش آواز شبیه بلبل گوزن ف بفتح اول فارسی و ثانی م گوزن و
بسکون ثانی م گردگان ه اخروت گوش خر ف بضم اول فارسی و فتح خاء معجمه م کرم هزار پاه گنجیک
تمییز الکاف گورباناک بفتح اول فارسی و راء مهمله و موحده تحتانی با الف و فتح فاء طایه و صاد مهمله گوزن
خرگوش ف م گوش خرگوک ف بضم اول فارسی م گوساله گوکرباناک بضم اول فارسی م جانوریست
که سرگین را گلوله کرده بگرداند عنقا تمییز الکاف الفارسی گوشت آبنگ بضم اول فارسی م غلیواج
تمییز اللام گوگال ف بضم اول فارسی عنقا تمییز المیم گوزگندم بفتح اول فارسی م گل گندم تمییز النون
گوزن بفتح اول فارسی و ثانی ه بادبه بینی گوشان ف بضم اول م شیرهٔ انگور گومان ه بضم اول
فارسی م دوآهند لیست گوی گردانی ف عنقا تمییز الواو گوکهرو ف خسک تمییز الهاء
گودره ف بفتح اول فارسی م گوزگیاه ف عاذرخسندی سوره سه گنه بلبل گوره ف م
صمغ سرخی که لوته جهورانه حاصل شود گورغه ف م موره بنه گوزه ف م خوشه
بسه و کوکنار و پیله ابریشم و امثال آن گوزینه ف م طوائی که از مغز گردگان
سازند گوش چنه ف م جانور سزاپا گوکه ف م گوساله تمییز التحتانی گوهی م

بضم اول فارسی م دوائی ہندی است گوش ماہی م معدہ تنسیق الہاء وتنمیق
الراء المہملہ گھیو کوارہ بکسر اول فارسی واظہار ہا بضم تحتانی وواو مجہول وضم کاف
باواو ثانی والف ع نبات صبر تنمیق النون گھمن ف بضم اول فارسی وسکون ثانی م گرمے
است کہ چوب بخورد و چوب را چون نشارہ سازد تنمیق التحتانی گھنگچے ہ بضم اول فارسی
واظہار ہا وسکون نون وفتح کاف فارسی ثانی واظہار ہای ثانی وکسر جیم فارسی م عیون الدیک
ف سرخ ہرتی گھیا تورئی ہ بکسر اول فارسی واظہار با تحتانی والف وضم فوقانی
وواو مجہول وفتح راء مہملہ وکسر ہمزہ م قسم بزرگ از تورئی است کہ بالیدہ وچرب وفربہ تر
از دست وبالایش معرا از خطوط تنسیق الہاء التحتانی وتنمیق الدال المہملہ گیدڑ بکسر اول
فارسی وسکون تحتانی م غلیواز تنمیق الغین المعجمہ گیاع ف بکسر اول فارسی م گیاہ ع مبن
تنمیق الہاء گینہ ف بکسر اول وفتح نون م آنگبینہ تنمیق التحتانی گی ف بفتح اول فارسی
وسکون ثانی تحتانی جانوریست کہ پرش ابلق است وپرہای او بر سر تیر نصب کنند م دم
تی قیم اللاہ وتنسیق وتنمیق الالف لالا بلام والف ولام الف ثانی
گیاہیست کہ از جانب مکہ معظم آرند طاح تنمیق الجیم لاج ف بسکون ہیم م سنگ مادہ
تنمیق الدال المہملہ لاد ف م خاک ۔ عنبر لادن وبمعنی گل م شگوفہ لازورد ع ف
لاجورد ہراوٹ طاء ہی ۲ گویند ۲۶ ہی ۳ ق مسہل سودا ومقوی دل خبدختے
ش یک درم وگویند یک مثقال م مصطگی لاجرد منے بالداق الذہب کانی تنمیق
الباء المہملہ لاستکہ ف بکسر ہیم وسکون شین معجمہ وفتح کاف وسکون راء مہملہ ع
شجرہ ابلق تنمیق السین المہملہ لاس ف م ابریشم فرومایہ وسگ مادہ وماوۂ ہر حیوان
لایورید وسس بضم تحتانی وسکون واو وکسر راء مہملہ وسکون تحتانی ثانی وضم دال مہملہ
سکون واو ثانی م خبث باہ ودانہ وشجرہ معشوق نیز تنمیق الکاف لاک ف بسکون کاف
لاک پشت شبنمی است کہ نسبت بہ دوست ہوا بر شاخ درخت کنار وبعضے درختہائے دیگر

۲۹۴

که مخصوص ملک هندان مجمد گردد و آنرا کوفته بیزند و رنگی حاصل کنند که سرخ قراری باشد
و نخالهٔ اسفل آن خنجر و شمشیر و کارد و امثال ان دو دسته محکم کنند و سرنامه بان مهر نمایند
هلاکهه لاوک ف بفتح واو و م نان تنک که آنرا لواش نیز خوانند تنمیق اللام الال هـ به لام
ثانی جواهریست که آنرا لعل گویند تنمیق النون لاون بفتح دال مهمله م قسمی است از عنبر
زبون طح ا ر ۲ ق بلطف منفتح محلل خ چرب خوشبوی مائل بزردی بی ریل ی سفل
که در روغن حل شود ش یک درم ص صندل و گلاب ل لبنی تنمیق الهاء لاونه ف بکسر
دال مهمله و فتح نون م گیاهی است که از پوست ساق آن ریسمان سازند هـ سن لاخشه ف
بکسر خار معجمه و فتح شین معجمه ف نتماج هـ سنیوی لاغیه بکسر عین معجمه و فتح تحتانی ف نوعی از
تیوعات است که گلش زرد باشد مانند گل شبت و در فرش نیز زردی زند و در امن کوهها
روید طح ی آ گویند ۴ ق مفرح خ بسیار شیرین دارش و دوانگ ص صمغ و کتیرا ل تیوغ
لاکهه هـ بفتح کاف و انهار با ف لک و لاک طب تنمیق التحتانی لاجی ف بکسر جیم فارسی
ع قافله لاله دختری ف بفتح لام ثانی و همزهٔ ملینه با و ضم دال مهمله و سکون خار معجمه و فتح
فوقانی و کسر راء مهمله م اذرکون ع شقائق النعمان تنسیق السین المهمله و تنمیق
الالف لساع بکسر اول با موحده ف زنبک هـ پیوسی طب و تنمیق الموحده لبلاب
بفتح اول و سکون ثانی با لام و الف و موحدهٔ ثانی م عشق پیچ طح ی ۲ گویند ف
محلل و مسهل صفراخ سپرش از آب آن از نیم رطل تا دو ثلث رطل و گویند سی درم ص
قند یا تمر هندی ل ورق حنظل یا خیازی یا شاهتره تنمیق الحاء المهمله لبلاب القمع ع
بضم اول و ثانی و الف و ضم موحدهٔ ثانی و سکون لام ثانی و فتح قاف و سکون میم ف
نشاسته تنمیق الذاء المعجمه لبن المغرع بفتح اول و ثانی و ضم نون و سکون لام و فتح غین
و سکون عین مهمله ف شیر نر شیر گاو تنمیق الشین المعجمه لبن الخشخاش ع بسکون لام با
و فتح خار معجمه و سکون شین معجمه با خار معجمه ثانی و الف و شین معجمه ثانی ف افیون تنمیق الضاد المعجمه

المعجمه لبن حامض ع بکسر نون با حا مهمله و الف و کسر میم ف ماست هندی ط بخ
انچه مسکه دهی بسیار بود و تنمیق الکاف الفارسی لبنگ ف بفتح اول و ثانی و سکون نون
م دیوکس ع ارضه تنمیق اللام لبن الفیل ع بسکون لام ثانی و فتح خا معجمه و سکون تحتانی
ف شیر سباع ق مخدر تنمیق المیم لبان الاطرم ع بسکون لام ثانی و ضم قاف و سکون
را مهمله و ضم طا مهمله ف خسکدانه طباب الفوم ع بسکون لام ثانی و ضم فا و سکون و
ف نشاسته تنمیق النون لبان ع بضم اول با ثانی مشدده و الف و نون م کندر لبسان
بفتح اول و ثانی با سین مهمله و الف م خردل ط لبن اللاتمان ع بسکون لام ثانی و ضم
همزه با فوقانی و الف ف شیر خرل لبن الماغر یا لبن الافاح لبن الضان ع بضم نون با ضاد
معجمه مشدد و الف ف شیر میش ق مبهی مقوی دماغ لبن بفتح اول و ثانی ف شیر خود
ط ب رگوسپند ح ق مغذی مسمن خ از حیوانے که وضع حملش بانسان موافق باشد ش
نیم رطل ص عسل تنمیق التحتانی لبنی شربانی بفتح اول و ثانی و کسر نون و سکون تحتانی ع
میعه سائله سلارسی تنسیق و تنمیق الجیم لجلاج ف بفتح اول و سکون جیم با لام الف و جیم
ثانی با صطلاح اکسیران م زیبق پاک صاف تنمیق الواو لجاوه بفتح اول و ثانی با الف م
دوائی مشهور هندیست تنسیق الجیم الفارسی و تنمیق الالف لیمناه بفتح اول و سکون جیم
فارسی و اظهار ها و فتح میم و نون ع پیروج بضم تنسیق الحاء المهمله و تنمیق الموحده لا
لحام الذهب ع بکسر اول با حا مهمله و الف و ضم میم و فتح ذال معجمه مشدد و اگویندم اشق
ط حی خ معدنی وارسنے تنمیق الفوقانی لحام الصناعت ع بکسر صاد مهمله مشدد و با لون
الف و فتح عین مهمله م اشق تنمیق الجیم لحم النعاج بفتح اول و سکون حا مهمله و ضم میم و
نون مشدد با عین مهمله و الف ف گوشت میشینه ط گوسفند وحی کمتر از گوشت بره
است تنمیق الحاء المهمله لحم البقر ع بسکون لام ثانی و فتح موحده و قاف ف
گوشت گاو ح از گاو و جوان لحم الجور ع بضم جیم و زا معجمه و سکون واو ف گوشت بچه شتر
ط لحم الخنزیر بسکون لام ثانی و کسر خا معجمه و سکون نون و کسر زا معجمه و سکون تحتانی ف

گوشت خوک خ بری لحیة الحمار ع بکسر اول وسکون ثانی وفتح تحتانی وضم فوقانی وسکون
لام ثانی وکسر حا مهملة ثانی باسیم والف ف پرسیاوشان تنمیق السین المهملة ـ
لحیة الکتیس ع بفتح فوقانی وسکون تحتانی هد درخت سرس ط ب ای ۲ ق قانهخ نرفاه
مش از یک مثقال تا دو درم مص رازیانه یاطباشیر تخم کل یا گلند یا طراثیث یا نیم وزن
عصاره آن یا بطم تنمیق المیم لحم ع ف گوشت هـ انس وسکون وسین اطح دا گویند
سی ق مغذ خ میانه فربهی ولاغری وعضله ولحم خصی تنمیق النون لحم الحملان ع بفتح
حا مهملة ثانی وسکون میم بالام الف ف گوشت بره طح خ گوشت حولی یعنی گیسالہ
تنمیق الهاء لحمیس الاکلیلة بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وکسر نون وضم سین مهملة و
سکون لام ثانی وکسر همزه وسکون کاف وکسر لام ثالث وسکون تحتانی ثانی وفتح لام رابع
وخفاء ها ف نوعی از خیری جبلی است که آنرا خیری نامند ف اردانه تنمستوا لخاء المعجمة
وتنمیق الجیم الفارسی لخج ف بفتح اول وسکون باقیین م اک سیاه تنمیق الخاء المعجمة
لخ ف بضم اول ع بردی تنمیق الهاء لخجه وخشه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم
فارسی در لغت اول وفتح شین معجمه در لغت ثانی م اخگر تحلحه سلیمانیه بفتح اول وسکون
ثانی وفتح لام ثانی وخاء معجمه ثانی وهمزه ملینه ها وضم سین مهمله وفتح لام ثالث وسکون
تحتانی باسیم والف وکسر نون وفتح تحتانی مشدده ثانی ف ثفل روغن زعفران تنسیق
الزاء المعجمة وتنمیق الموحدة لذاق الذهب ع بفتح اول وفاء معجمه مشدد وکالف و
ضم قاف وفتح ذال معجمه مشدده ها وسکون موحده م اشق تنمیق الهاء لزیه بفتح اول و
سکون ثانی وفتح موحده م جوتنسیق السین المهملة وتنمیق الموحدة لسان الکلب ع
بکسر اول باسین مهمله والف وضم وسکون لام ثانی وفتح کاف وسکون لام ثالث م
لسان الحمل ونیز حاشر تنمیق الراء المهملة لسان العجز ع بفتح موحده وسکون حا مهمله
سیبا لسان الثور ع بفتح مثلثه مشدده وسکون واو ف گاوزبان هـ گانٹھه ماندا ط

ح راق مقدح خ شامی وخراسانی غلیظ ورق که بروی نقطها بود مق و وزم
ص صندل سرخ یا هلیلهٔ سرلی یا سماق ل بوزن آن ابریشم سوخته وچهار دانگ وزن
آن بوست اترج یا بوزن او ورد و نیموزن او ابریشم لسان العصافیر بفتح عین مهمله وصاد مهمله و
الف ثانی وکسر فاو سکون تحتانی ف تخم اسرهٔ اندر جوط ح ۲ راق ۲ ح سطبرش نیم مثقال
ص کدو مرنج ل در تحریک ماه مغز خوزد تودری سرخ یا نیموزن بهمن سرخ تنسیق اللام
لسان الحمل ع بفتح حاء مهمله وسیم ف ورق بازنگ طبی ۲ ق قابض رادع حابس خون
مدل ش از تخم او یک مثقال ص مصطگی وسلیخه یا نیفشه ل ورق آن وورق حماض بستانی
تنسیق الشین المعجمه وتنمیق الکاف لشک ف بفتح اول وسکون ثانی وثالث م شنبم
تنمیق الهاء لشکوفه م لشک تنسیق الضاد المعجمه وتنمیق العین ع نصف بفتح
اول وصاد مهمله م کتنمیق التحتانی الصفی م نوعی از لسان الحمل کوچک تنسیق العین المهمله و
تنمیق الموحده لعاب ف آب دهن ه تهوک تنمیق الهاء لغت مطلقه بضم اول وسکون
ثانی وفتح موحده وکسر فوقانی وضم میم وسکون طاء مهمله وفتح لام وقاف م بیخ بروج
تنمیق التحتانی لعبث بربری بضم اول وسکون ثانی وفتح موحده وکسر فوقانی وفتح موحده
ثانی وسکون راء مهمله وفتح موحدهٔ ثالث وکسر راء مهمله ثانی م سورنجان ل جوز مقشر
یا تودری زرد یا مر ونیموزن فلفل تنسیق الفاء وتنمیق الفوقانی لفت بکسر اول وسکون کاف شلغم
تنمیق الحاء المهمله لفاح ع بضم اول با ثانی مشدد والف ف ساسرح وآن ثمر بریست
طب ر ۳ گویند ح ی ۳ ق مخدر منوم خ بندگ تیز بوی زرد رسیده شنیم ورم ص
ص ل جوز ماثل یا نیموزن بذر البنج ودو دانگ وزن آن خشخاش یا جوز القی ودو وزن آن
بذر البنج یا بروج تنسیق القاف وتنمیق الحاء المهمله لفاح ع بفتح اول وقاف والف
ف شتر آبستنی وبکسر اول شتران ودوشیدنی تنسیق الکاف وتنمیق اللام لکاف بضم
اول بکاف والف م لک ولقم تنمیق الکاف لک ف بضم اول ه لاکه ح ی گویند

بروج الصنم تنسیق المیم وتمنیق الالف لما بفتح اول ومیم والف ع منب التغلب
تنسیق الواو وتمنیق الالف لوا بفتح اول وواو ف علیوا زلو بیاء بضم اول م غله است
مشهور طرامع دستی در مقی مهمی خ سرخ ل نخود سیاه لوفا بضم اول وسکون ثانی
وفام نوعی از حمی العالم لوها بضم اول ف آهن تنمیق الجیم العامیه لولو لانجن ف بفتح اول و
سکون ثانی والف وفتح نون نام حلوائی ست تنمیق الخاء المعجمه لوخ ف بضم اول و
سکون ثانی ع بردی تنمیق الواو المهمله لوز ف بضم اول وثانی مجهول م نوعی از پنیر
لوز حلوه سرع بفتح اول وسکون ثانی وکسر زاء معجمه وضم حاء مهمله وسکون لام وواو مجهول و
فتح واو وضم میم ف بادام شیرین وتلخط شیرین مع ح ب سا ۲ وتلخ ی ح ۲ ق شیرین
مهمی وتلخ او مفتح مفتت خ بزرگ روغن دارشاده درم ص شکر ل از تلخ محلب -
تنمیق السین المهمله لوس ف بضم اول وسکون ثانی م غشتی که بکافور مخلوط سازند لوطوم
سرمانی بضم اول وسکون ثانی وضم طاء مهمله وسکون واو ثانی م چند قوتی وبشین معجمه
نوعی از نیلوفرست تنمیق الشین المعجمه لواش ف بفتح اول وثانی والف م نان
تنک تنمیق الفاء لوف ع بضم اول وسکون ثانی ف پلگوش ط ح ی ۲ ق مقطع مفتح
خ سپیدتاره وچون بخانید طعم قرنفل دهد وچون با مصطگی بخانید بری نفشه دهد
وگویند عربی سرخ باریک خوشبوشاک درم ص کاسنی ل اصل کبر تنمیق الکاف لوک
ف بضم اول وثانی مجهول م نوعی از شتر تنمیق الکاف الفارسیه لونگ هم قرنفل
ف میخک تنمیق اللام لوبان ه بضم اول وثانی مجهول وموحده بالف م کندر وکر
لوتاهین بضم اول وثانی مجهول باتاء ف والف وکسر موحده وسکون تحتانی ف اسبند
لونیان ه بکسر نون باتحتانی والف ف خرفه لون ف بفتح اول وسکون ثانی م نوعی
از جزاو بضم اول ه نمک تنمیق الواو لوع بضم هر دو لام وهر دو واو مجهول ف مرجانیه
ه مروارید طب ف تلطف مقوی دل خ سفید پاک بزرگ شیرین مشاد ودوانگ

لام ثانی ق مخدر تنسیق الهاء وتنمیق الالف لهسوره بفتح اول وسکون ها وضم سین
مهمله وواو مجهول باراء مهمله ہندی م سپستان تنمیق الجیم لنهج ف بفتح اول وثانی وسکون
نون م سنگ فسان تنمیق النون لنسن ه بضم سین مهمله ف سیر تنمیق الهاء له ف
بفتح اول واظهار ہام شراب وبنجفاره ام درخت ماجود بضم اول م طائر عقاب تنسیق
الیاء التحتانی وتنمیق الجیم لیلنج ف وسریانی بفتح اول وسکون تحتانی وفتح لام ثانی
وسکون نون م نیل لینج سریانی بکسر اول وسکون ثانی وفتح نون فنوعی از اقلیمیا است
که در جزیرهٔ قبرس در معدن نحاس یابند تنمیق الراء المهمله لیلوپر ولینوفر ف بکسر اول و
سکون ثانی وضم لام ثانی وواو مجهول وفتح موحده فارسی در لغت اول وضم نون و
واو مجهول وفتح فا در لغت ثانی م نیلوفر سنگلے است که میان آب بروید وکبود وسرخ
وسفید رنگ شود واندرونش زرد باشد وچون آفتاب طلوع کند بشگفد تنمیق الکاف والقاف
لیلنگ ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام ثانی وسکون نون م لیلنج لیلونگ ف بکسر اول وثانی
مجهول م واو مجهول وضم لام ثانی وسکون نون م برف تنمیق اللام لیلوپل ف بکسر اول وضم لام
ثانی وواو مجهول وفتح موحدهٔ فارسی وسکون لام ثالث م نیلوفر تنمیق الواو لیموارو ف بکسر
اول وسکون ثانی وضم میم وسکون واو باد ال مهمله والف وضم راء مهمله ع وبخ نباتی است
کوہی که در بہار از میان سنگها برآید ولبوی لیمو کند طرحی لیموف بکسر اول وسکون ثانی وضم میم
مزبوط بوست ودرق اوحی اجماض ازب ق قامع مرهم صل وروغن ل استرخ تنمیق
التحتانی لیتوفر ہندی بکسر اول وسکون ثانی وضم نون وواو مجهول وفتح فا وکسر راء مهمله وہا
وسکون نون وکسر دال مهمله وسکون تحتانی ثانی ه سبندی قیم المیم وتنسیق وتنمیق
الالف نارع بمیم والف ممدودة آب ه جل م پانی دریا دست حیات وزندگانی ظ ف
ق مرطب آب چشمه که از جانب مشرق بشدت بیرون آید مقابل شمال وبر سنگ روان
بود دبراق وصافی وسبک وزن وچون آفتاب برو تابد زود گرم گردد وچون زائل شود زود

یتوعات است ه سنگون طرخی ۲ ق مسهل بلغم خ سطبر زرد فوش با نبات یکمثقال و
ور مطبوخ دو درم تا ۳ درم حاز جوب او یک دانگ تا دو دانگ ص کثیر او نشاسته
ل ۳ فنان ابریسا دو دانگ وزن آن مقل الیهود گویند دو وزن تر تنبیق الحاء المهمله
ماء الملح ع بضم همزه وسکون لام وکسر میم ثانی وسکون لام ثانی ف آب نمک ق مقی و مجلی
او ساخ تنبیق الالف اللام المهمله ماء الحدید ع بفتح حاء مهمله وکسر دال مهمله وسکون تحتانی م دوص ف
آبی که در و آهن تافته سرد سازند ماء الورد ع بفتح واو وسکون راء مهمله و گلاب طرم
ق مقوی دماغ خ تیز بوی تلخ طعم مان کند ه بمیم والف وسکون نون و فتح کاف و خاء
نون ثانی م تسمی از استعمال کند تنبیق الراء المهمله ماء خوار ف بسکون راء مهمله و ضم خاء
معجمه ماء او معدوله والف و راء مهمله ثانی م گاو کوی ف مارع حیثه ه سانب ماء الشعیر ع
بفتح شین معجمه مشدد و کسر عین مهمله ف جواب و کشک طب دش صد درم ماء الکافور
ع ف آب کافور خ آنکه بر و عن بلسان ماند تنبیق السین المهمله ماء لپاس ف بسکون راء
مهمله و فتح موحده فارسی م چلپاسه ه سپکلی ناس ف الماس ه هیراطب ی گویند خ
و بزبان فارسی ریگ تنبیق الشین المعجمه ماشش ع ف نخود ماشه مونگ طب ا
گویند ۲ مع سای گویندی اق مغذی خ سبز بزرگ فربه ص خشک و انه ال ماء الفلا
مقشر تنبیق العین المهمله ماء القرع ع بفتح قاف وسکون راء مهمله ف آب کدو ق آب
کدوی تخم مقی تنبیق الغین المعجمه ماغ ف بغین معجمه نوعی از مرغابی ع ماکیون و به ترکی
قستغلداغ خوانند و از گوشتش بوی گل آید و نیز بمعنی زیم و نوعی از کبوتر که هر دو بال و سینه
و گردن او سبز یا سرخ شود تنبیق الکاف مانو رک ف بضم نون وسکون واو و فتح راء مهمله
وسکون کاف چکاوک تنبیق الکاف الفارسی ماترنگ ف بکسر فوقانی و راء مهمله پهلیه
ماو رنگ بفتح واو راء مهمله ف ترنج تنبیق اللام ماء العسل ع ف آب شهد. طرح ق
مقی تنبیق المیم ماء اللحم ع بفتح لام مشدد ف آب گوشت طرخ از بره و حوله

سین مهمله وسکون واو وفتح فا ولام ثانی ف ماورهنوه ماء الفراطین سُرانی بفتح ف
وراء مهمله مالف وکسر طا مهمله وسکون واو وفتح فا ولام ثانی وگویند شرابی از خرما از نشاسته
وعسل وداروها وگرم سازند وگویند ما العسل است تامون بضم میم ثانی وسکون واو م خاشاک
تامهستان بفتح میم ثانی وسکون ها وکسر سین مهمله مانوقانی والف ثانی م ساوج هندی تامیران
ع بکسر میم ثانی م بیخی ست بهمن نام طب ی ۲ گویند ۴ گویند ۱ ی ۳ ق مجلی منقی ش
نمیدرم ص مسهل باطیا شیرل ۲ دوزن عروق الصفر یا نیموزن ۲ دوزن عروق الصفر
مارالنون ع بضم نون وسکون واو ف آب ماهی نمکسود ماه فرفین باظهار ها وفتح فا وسکون
راء مهمله وکسر فا ثانی م جدوار ماهی زرین ف بکسر ها وسکون تحتانی وفتح زاء معجمه وکسر راء مهمله مشدد
وسکون تحتانی ثانی م نوعی از ماهی ریگی که در زیر ریگ ۲ گز پانزده گز میرود ودر نواحی بعضی از
ولایت سند بهم سدد وعوض ماهی مستعمل کار برند تنبیق الواو تازو بضم زاء معجمه ع عفص هم
ماجوپهل تنبیق الجیم مارا بجیه بضم جیم وفتح میم ف ابکامه ۲ کانجی تارچوبه ف بسکون راء مهمله
وضم جیم فارسی وواو مجهول وفتح موحده م ملیون ف مارگیاه ناگدون تاسوجیه ف بضم
سین مهمله وسکون واو وفتح جیم فارسی م جانوریست مانند قمری وفاخته م مرسیجه ماکهه
بفتح کاف واظهار ها ف ماش سیاه هارد وکلاهی وبزی مالکانه ف بسکون لام باکاف والف
وفتح نون م مالکاد وقصب تاهودانه بضم ها وسکون واو ودال مهمله والف ثانی وفتح نون
م حب الملوک طب ی ۱ ق مقی ومسهل بلغم ش از نیم درم تا یک درم وگویند پانزده حبه
صاف انیسون وکتیرا ل نیموزن وند ما حب الخروع با یک نیموزن حب النیل وشنبر م
تنبیق التحتانی تاش هندی بکسر شین معجمه وها وسکون نون وکسر دال مهمله وسکون کاف تاشکند
م تغلب ۲ غله موثه وگویند بنوار تال کشکنه ۲ بسکون لام وفتح کاف وسکون نون وضم
کاف فارسی وکسر نون ثانی م دوای هندیست کثیر النفع طب ق ملین تالی بکسر لام م عسل ۲
تنبیق الباء الموحدة وتنبیق الراء المهملة مبارزه بضم اول با موحده والف وراء مهمله م رودکوه

بخج بضم اول وسکون ثانی و فتح نون ف خوش نظر ه کلکاطب ی ۲ گویند تنبیق الهاء
مجیشه ه بفتح اول و کسر ثانی وسکون تحتانی و فتح فوقانی هندی و اظهار هام بعد
تنسیق الجیم الفارسی و تنبیق الدال المهمله مجکند بضم اول وسکون میم فارسی و فتح کاف
وسکون نون م دوای هندی ست تنبیق الکاف شنجک ف بفتح اول و ثانی م بادام
گویی ف بجرک تنبیق التحتانی بچیچه ه بفتح اول و کسر ثانی و اظهار ها و تحتانی و کسر میم فارسی
ثانی و اظهار ها ثانی م دوائے هندے ست تنسیق الحاء المهمله و تنبیق اللوحا
تخلیع ف بفتح اول وسکون عار مهمله و فتح لام ه کهیلا ط ح مع ق مجبل ملطف محلل خ سپید
ش نیم مثقال ص صندل ل بادام تخم سفید کرده تنبیق المثلثه محروشع بفتح اول وسکون
ثانی و ضم را مهمله ف بیخ انگوزه ط ح ی ۲ ق ملطف خ سفید سبک ش نیم درم
ص عصاره ریشک ل انجدان تنبیق الحاء المهمله مح م بضم اول ف
زردے تخم مرغ تنبیق المیم معاجم ع بفتح اول و ثانی با الف و کسر جیم م مخلصه
تنبیق الهاء محمودہ به فتح اول وسکون ثانی و ضم میم ثانی وسکون واو و فتح دال مهمله
م سقمونیا تنسیق الحاء المعجمه و تنبیق الجیم الفارسی تخلیع ف بفتح اول وسکون خا
معجمه و فتح لام م گیاهیست که چون جارو انجورد ست شود تنبیق الخاء المعجمه مخ ع بضم اول
ف مغز ه گودا ط ح ق طین ح از ساق گوساله دابل و بعد ازان گاو پس گوسفند
ص نمک و صعتر نخاع و بر فتح اول و فارسی ه آتش ورز نمودن و رفت فریاد کردن است
که بعربی آزا سکس گویند تنبیق الضاد المعجمه تخفیض ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی
ف دوغ هیا چهط ی خ از شیر گاو جوان تنبیق الهاء معاطله ع بضم اول با ثانی و الف
و فتح طا مهمله م سپستان تخلصه ع بضم اول و فتح ثانی و کسر لام مشدده و فتح صاد مهمله و الف
نام ازان گویند که تریاق زهرهاست و از همه زهرها خلاص دهنده است ط ح ی خ از
کوهستان شبانکاره ش یک مثقال تنسیق و تنبیق الدال المهمله

۳۰۲ و تنبیق اللام

میم ثانی وکسر کاف فارسی با تحتانی م مشترک ه لکمنا لکمنے مرتشیشا به فتح اول و
سکون ثانی وفتح فوقانی کسر شین معجمه وسکون تحتانی با شین معجمه ثانی واین انواع است
ذهبی وفضی ونحاسی وحدیدی وسیسی وهر جنسے مشابه بود بجوهرے که با او منسوب بود
م مخجر النور وحجر الروشنائی هسون الکهی ط ۷ ی ۳ گویند ۲ ق قابض ۶ ذهبی
صل ک مقیسیا با اقلیمیا در وسنتیج مرواهد بفتح اول م وسکون ثانی با واو والف م مرنجوش
تنمیق الفوقانی مرارات ع بکسر اول وثانی والف وراء مهمله ثانی والف ثانی وفوقانی جمع
مرارة ف زهره ها وتلخه ها هد بتا ط ۷ ی ۴ گویند ۲ ق ما ومحلی ۶ از مرغ وزاج وکبک واز
گاو نر وایل جوان واز گفتار پیر بزرگ واز شیر جوان که نوشش زرد طبیعی باشد م صنع ل
وسخ الاذن تنمیق الجیم مردسنج ع بضم اول وسکون ثانی با دال مهمله والف وفتح سین
مهمله وسکون نون ف مردارسنگ ط ب ای ۲ م ۶ ب ق مجفف الحال ۶ اصفهانی
براق سرخی مائل ص شیر تازه دوشیده ل اقلیمیا تنمیق الجیم الفارسی مرزج ه بکسر اول و
سکون ثانی وجیم فارسی ف فلفل گرد تنمیق الدال المهمله مرتد بفتح اول وسکون ثانی
وفتح قاف م جور مائل دگویند افیون مردوف بضم اول وثانی مجهول م امرود تنمیق الراء
المهمله مرار بفتح اول وثانی والف وراء مهمله ثانی منوعی از شکاعی وبادآورد مرغ به ضم
اول ه بول ط ۷ ی ۳ ق مفتح ملین منضج ۶ مائل بسبز خی زرین صافی بسیار تلخ مش
نیم دم عسل یا کافور واس ل صبر مرغ زیرک سارف بضم اول وسکون ثانی وکسر غین
معجمه وزاء معجمه وسکون کاف با سین مهمله والف م سار وهر مرغ بفتح هر دو میم وسکون
هر دو راء مهمله م سنگے است ۶ از معدن جرغ تنمیق النون العجمه مرزف بضم اول وسکون
ثانی وزاء معجمه م موش مرغ بشب آویزف بضم اول وسکون ثانی وکسر غین معجمه وفتح
شین معجمه وسکون موحده ودو همزه وکسر واو تحتانی مجهول م مرغیست که همه شب خود را
بیاوی از شاخ مدذنت آویزد وحق حق گوید تا زبانی که قطره خون از گلوگیش بچکد مرماخور بضم

خ بستانی تبریزی تازه ش بیدرم تا یک درم ص تخم خرفه و بنگو بریان کرده یا نیلوفر
یا در دل انسنتین رومی یا دو وزن مرا جوز یا ورق یاسمین یا نیم وزن فاغل و مرزنجوش
مرماخور و حسفار و بادرنجبویه و فرنجمشک همه قایم مقام یک دیگر اند در ابدال مرگ موش
ف ع سم الفار تنمیق الغین المعجمه مرغ ف بفتح اول و سکون ثانی و غین معجمه م گیاه فرنه
هدوب تنمیق القاف مرق ع بفتح اول و ثانی ف شوربا مرتیق به فتح اول و کسر ثانی و
سکون تحتانی ع معصفر تنمیق الکاف مرتک بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی
ف مردارسنگ مرجک ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم جیم و فتح میم م غله عدس
مرغ زنبانک ف بضم اول و سکون ثانی و غین معجمه و ضم زا معجمه بامو حده و الف و فتح نون
ع لسان العصافیر مرویتک بفتح اول و سکون ثانی و فتح واو و را مهمله ثانی و سکون سین
معجمه م مروق منضج مرزنبانگ ف بضم اول و کسر ثانی و تحتانی مجهول و فتح زا معجمه
بامو حده و الف و فتح نون م خوب کلان تنمیق المیم مرداسنگ م بفتح اول و سکون ثانی و
دال مهمله و کسر همزه و سکون سین مهمله و فتح فا و را مهمله ثانی م آهن ربا تنمیق النون
مرجان ع بفتح اول و سکون ثانی با جیم و الف هـ مونگا طب ای ۲ ق مجفف خ احمر
ش بیم درم ص صمغ و کتیرا ل کهربا مرزغان و مرزغن ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح
زا و معجمه و غین معجمه و الف در لغت اول و فتح عین مهمله در لغت ثانی م آتش مرسین
بفتح اول و سکون ثانی و کسر سین مهمله و سکون تحتانی ف بوره تنمیق الواو مرکوف
بضم اول و کاف م کنجشک مرو به فتح اول و سکون ثانی م مرو رشک و آن الذ است
کرد در مراتیه مذکور است تنمیق الهاء الفتح اول و ثانی و الف و کسر نون و فتح تحتانی درختی است
مانند درخت یاسمین نوع خوشبوی و برا مرماخور خوانند و انچه بویش کمتر است ستموسا خوانند
کران مرو رشک بهشد و نوع دیگر و برا ماد دارمک خوانند و وی مرو سفید است و گویند
لسان الثور است و نوعدیگر او را مرو شیر دار و دارزشبان نیز گویند و آن مرو تلخ است

۳۰۵

ثانی نبیذی ست که از گندم وجو و عاورس سازند و آنرا بوزه و بکسر گویند تنمیق التحتانی
مزار الراعی ع بکسر اول وسکون ثانی م عصی الراعی تنسیق وتنمیق الزاء المعجمة الفاء
مشرف بکسر هر دو میم وسکون هر دو زا د فارسی م گیسے سبز رنگ که چون برگوشت بنشیند
گنده کند کرم مرساند م خرگس وترکی کولکان گویند تنسیق السین المهملة وتنمیق الالف
مسحقونیا سریانی بفتح اول وسکون ثانی وفتح حا مهمله وضم قاف وسکون واو وکسر
نون باتحتانی والف ف آبگینه ه کاچ لون ل آبگینه سفید و اقلی گاذران تنمیق
الفوقانی مست ف بضم اول وسکون ثانی ع سعده موتها تنمیق الدال المهملة
مسواک القرود بکسر اول وسکون ثانی باواو والف وضم کاف وسکون لام وضم قاف
وراد مهمله وسکون واو ثانی ودال مهمله م اشنه تنمیق الراء المهملة مسارف بفتح اول
وسکون ثانی بافوقانی والف ه مرد امسطارع بکسر اول وسکون ثانی باطاء مهمله والف
ف شراب بدست افشرده زود مست کننده مسمقور بربری بفتح اول وسکون ثانی
وفتح میم وضم قاف وسکون واو م زراوند طویل نسوده بفتح اول وضم ثانی ع عدس
ف بهوسرخ تنمیق السین المهملة مسف بکسر اول ع نحاس ه تلنبا تنمیق الکاف
مسک ع بکسر اول وسکون ثانی ف بشک ه کستوری طرح ی ۲ ق ملطف ومقوی
ودماغ خ تبتی مشک نیز امعن کافور ل مذر بجوش تنمیق اللام مشعل م بوزیدان
تنمیق النون مسقاطون رومی بکسر اول وسکون ثانی باقاف والف وضم طاء مهمله وسکون
واو ونون ف عود هندی ه اگر مسن م بکسر اول وفتح ثانی ف سنگی ست که کارد تیز شود
ازان تیز کنند ه سان طبسی ق محلی خ سنبرس بابونه ل طین قیمولیا تنمیق الواو
مست رو ف بفتح اول وسکون ثانی وفوقانی وضم راء مهمله وسکون واو م نوع دوم
ناورون که آن را هفت برگ وخاما نیز خوانند تنمیق الهاء مشته ف بضم اول وسکون
ثانی وفتح فوقانی ع سعده موتها تنمیق التحتانی مصواک الراعی ع بکسر اول وسکون

یک کف ص سکنجبین سا دول خرخ تنمیق العین المهمله مشکطر اشیع یونانی مکسر اول
وسکون ثانی وکسر کاف وضم طار مهمله یا راء مهمله والف وفتح میم ثانی وکسر شین معجمه و
سکون تحتانی م پودنه تبری ف تک ط ۳ ی ۳ گویند ۴ ق مفتح ملطف مدر معوی
معده خ نورسیده مش نیم درم ص سرکه باصبغ ل قرنفل ودرا ودرا رعدس مرد درزن
یا کلیل الملک باشقائق وگویند پودنه تنمیق الکاف مشکک ف بضم اول وسکون ثانی
وفتح کاف وسکون کاف ثانی ع سعد مشکنک ف بضم اول وسکون ثانی وفتح کاف
وفتح نون م جانوریست کوچک شبیه به کبک که بیشتر درکنار ها آب بنشیند مشکبنک ف
بضم اول وسکون ثانی وکسر کاف وسکون تحتانی وفتح نون م نام حلوائی است
مشنلک ف بضم اول وفتح ثانی وسکون نون وفتح کاف فارسی وفتح مشنگ
ف بضم اول م شنج تنمیق المیم مشکدم ف بضم اول وسکون ثانی وکاف مضموم دال
مهمله م جانوریست سیاه رنگ بغایت خوش آواز تنمیق النون مشک الربان ع بکسر
اول وسکون ثانی ه ناگیسر مشک زمین ف بضم اول وسکون ثانی وکسر کاف وفتح
راء معجمه وکسر میم وسکون تحتانی ع سعد تنمیق الواو مشترف بضم اول وسکون ثانی
م گلیست سرخ رنگ تنمیق الهاء مشخنه ف بضم اول وفتح ثانی وسکون خاء معجمه و
فتح نون م نوعی از حلوا مشکدانه ف بضم اول وسکون ثانی وکاف با دال مهمله
وفتح نون م دانه خوشبوئی که آنرا سوراخ کرده در هندوستان از جاب
لکهن پور که دفن حضرت شاه بدیع الدین مدار قدس سره است بسیار آرند تنمیق التحتانی
مشک هندی بضم اول وسکون ثانی وکسر کاف وها وسکون نون وکسر دال مهمله م سعد
تنمیق الصاد المهمله وتنمیق الراء المهمله مصبر بضم اول وفتح صاد مهمله وباء موحده
مهمله نیز وموحده مشدده وسکون راء مهمله ه الوا تنمیق العین المعجمه مصنع به فتح اول
وسکون ثانی م شمر عوسنج تنمیق المیم مصباء الروم ع بکسر اول وسکون ثانی ف کهنا

معوده ۱۰ خرخ تنمیق الصاد المهمله وتنمیق العین المعجمه مقبر ۲۰ به فتح اول وکسر صاد مهمله وسکون قاف وفتح راء مهمله وفتح باء موحده مشدده وسکون راء مهمله ه الوا تنمیق العین المعجمه مصنع به فتح اول وسکون ثانی م شمر عوسنج تنمیق المیم مصباء الروم ع بکسر اول وسکون ثانی ف کهنا

باشلشه والف م مرکبی ست که اورا لوق لوز گویند تنبیق الجیم مطبخ ع بضم اول وفتح ثانی
وکسر نون مشدد وسکون جیم وفتح باء سوم که در مرتبهٔ سیوم بمنور سیده باشد تنبیق
الخاء المعجمه مطبوخ ع ف دوشاب وهر چه پخته شده باشد باتش تنبیق الطاء المهمله
مطر بفتح اول م جلنار تنسیق العین المهمله وتنبیق الالف معاع بکسر اول ف رودهٔ
انتری طرے ق طین خ از حولی گویند تنبیق الدال المهمله معدہ بفتح اول و
سکون ثانی م خصیهٔ الثعلب تنبیق الراء المهمله معصفر ع بفتح اول وثانی وفاء
کسمبه معفار بکسر اول وسکون ثانی م صمغ احاص تنبیق القاف معشوق ع بفتح اول و
سکون ثانی از احجار نام جسم ست واز نباتات ماهوذانه تنبیق النون معین ع بضم اول و
کسر ثانی م مارزان تنبیق الهاء معدہ ع بکسر اول ف شکم اوجهری طب ے
تنسیق الغین المعجمه وتنبیق المثلثه مغاث ع بضم اول باغین معجمه ف
بیخ انار درختی که درخت حب القلقل باشد طم ر گویند هی ف مغری جابر خ
بغداوی سفید مایل بزردی شاد ودرم ض مسل ل در طلاقلت یانیم وزن زراوند
تنبیق الدال المهمله معد بفتح اول وسکون ثانی ف بادنجان وگویند لفاح برے م
گویند نوعی از کمات کوچک مفرد درم بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله م سمار وغ
تنبیق النون منعیلان ع بضم اول وکسر ثانی ه درخت کیکر وببول تنبیق الهاء مفوه ع
بضم وفتح اول وکسر ثانی وفتح راء مهمله ف گل سرخ ه گیرو طب ی ر ق قابض مخفف
خ سرخ روشن ش خیم مثقال ض مسل ل شاخ بیخ مفموسه بفتح اول وسکون ثانی وضم میم
ثانی وسکون واو وفتح میم ثالث ف تلخه بادنجان تنسیق الفاء وتنبیق الحاء
المهمله مفرح ع بضم اول وفتح فاء وکسر راء مهمله مشدد ف گاوزبان تنبیق الدال المهمله
مفرد بفتح اول م نوعی از کمات کوچک تنبیق النون مفرح قلب المخزون ع م بیخان و
اورنجبویه تنسیق القاف وتنبیق الالف مقلیا ناصرانی به فتح اول تخم سپندان

تنسیق الکاف وتنمیق الراء المهملة مکنسة الاندر بضم اول وفتح نون ونون مشدد
وسین مهملة وضم فوقانی وسکون لام وفتح همزه وسکون نون ثانی وفتح دال مهملة م
سیکران الحوت ف ماهیزهره تنمیق الهاء مکنسة وشیه بفتح قاف وسکون را مهملة و
کسر شین معجمه وفتح نحتانی مشدده م مخلصه تنسیق الکاف الفارسی وتنمیق الراء المهملة
مگس گریزنده ع منکبوت تنسیق اللام وتنمیق الالف ملوخیا بضم اول ولام وسکون
واو وکسر خاء معجمه باتحتانی ف نوعی از خطمی کوچک طب ا ر گویند ب ر ۳ ق ملین
سبزیازده ص کشنیز خشک تنمیق الموحدة ملح الغرب بسکون لام ثانی وفتح غین معجمه
ف نمک درخت غرب تنمیق الفوقانی ملح باغت ف شوره باروت ه ماچی وچهپیا
کهار ملح الصناعت ع بکسر صاد مهمله مشدده م تنکار تنمیق الجیم الفارسی ملخچه ف بفتح اول و
ثانی وسکون خاء معجمه گیاهیست که چوان حیوان بخورد مست شود تنمیق الحاء المهملة
ملح ع بکسر اول ف نمک ه نون طح ی ا ق مجلی محلل متی ح اندرانی سفید طبرزد ص سفید
ل نیم وزن نوشادر یا نیم وزن بورق تنمیق الخاء المعجمة ملخ ف بفتح اول وثانی وسکون
خاء معجمه ع چراده ٹیڈی تنمیق الدال المهملة ملح طبرزد ع ف نمک سنگ ه سینه
لون تنمیق الطاء المهملة ملح محیط ع ف نمک دریا ه سمندر بحین تنمیق اللام ل ف
بضم اول ع امرود دوبزبان ف باده ه مدده وبکسر اول ف موی تنمیق النون ملح عجمین ع
ف نمک سانبهر تنمیق الهاء ملح بوتیه بضم موحده وسکون واو وکسر فوقانی وفتح تحتانی
مشدده م نوساده ملوکیه ع بکسر کاف وفتح تحتانی مشدده م خطمی تنمیق التحتانی ملح اندرانی
ع بفتح دال مهمله ف نمک سفید ملخ سنجد ع بفتح سین مهمله وسکون نون ف نمک سنگ
ملح نفطی ع ف نمک سیاه ه پادالون تنسیق المیم وتنمیق الحاء المهملة ✻
ممسک الارواح ع بضم اول م اسطوخودوس تنمیق النون ممیران بفتح اول م ماهیران
تنسیق النون وتنمیق الالف منڈوا ه م غله هندی ست منگریلا م بفتح اول و

تنمیق اللام م سنسل م بر فتح اول و سین مهمله ف زرنیخ سرخ تنمیق النون نخ زراوشان
بضم اول و سکون ثانی ف تخم خربزی من ع بر فتح اول و ثانی مشدد ف هر طلی نیز چنین
که بر درخت یا سنگ افتد مانند تر نجبین و گز انگبین و شیر خشت و بید خشت طح امع ی
ق مجلی ملین خ صافی لون مث دودرم ص سکنجبین ل شکر و یانی مجفف بنا سے
تنمیق الهاء منتوف بفتح اول و ضم فوقانی م نوعی از گیاهای کوچک تنمیق الهاء منتوشه
رومی بضم اول و فتح فوقانی و شین معجمه م سنبل رومی یعنی ناردین مندعوره روسے
بضم اول و فتح دال مهمله و ضم عین مهمله و فتح راء مهمله م بیروج مندله ف بفتح اول م عود
خام تنمیق النون ثانی مندلی ف بفتح اول ف عود هندی تنسیق الواو و تنمیق الالف
سرتهاه بضم اول ع سعد موگیا ف م سنبل مونگا ه بنجارنون ع مرجان تنمیق الجیم مونج
م پوست بیرون سر کنده که در هند از و ریسمان سازند تنمیق الدال المهمله مورو ف
بضم اول م آس گویند که عصا موسی علیه السلام از چوب مورد بود تنمیق الراء المهمله
موش خوار و موش گیر ف بضم اول و سکون ثانی م قسمے از غلیواز تنمیق الزاء المعجمه
موز ع مه کیلا طح ر آگویند مع ق ملین خ بزرگ شیرین رسیده ص اصطکی ل سکه
و سل تنمیق السین المهمله موخرس مه م صنع درخت سنبل تنمیق الکاف مودک
مه باظهار راء و ای هندی ست موگ ف م میش تنمیق الکاف الفارسی مونگ مه م
موباش تنمیق اللام م مول ع بضم اول و سکون ثانی م عنکبوت مه بیخ نباتات تنمیق المیم
مورد اسفرم بضم اول و ثانی مجهول و سکون راء مهمله و دال مهمله و کسر همزه و سکون سین مهمله
و فتح فا و سکون راء مهمله ثانی و میم ثانی ف مورد بری طح ی ۲ خ رومی موم ف
بضم اول ع شمع مه مین تنمیق النون مورلیون یونانی بضم اول م شقاقل موم امیر
و بضم اول و ثانی مجهول و سکون میم ثانی مهد همزه و کسر موحده و سکون تحتانی و
موسیالی گویند که امین نام میهی ست که از غار آن موسیائی حاصل شود تنمیق الواو مو

وسکون تحتانی و فتح نون م پوسیدن تنمیق التحتانی مونی ه بن مروارید ع لولو موش
دریائی ف بضم اول وسکون ثانی وکسر شین معجمه وفتح دال مهمله وسکون را مهمله و
فتح موحده وسکون نون وکسر دال مهمله ثانی م بوش دربندی مول بونانی ع حرمل
وبزبان هندی فترب مویائی ف بضم اول وثانی مجهول وسکون میم ثانی
باتحتانی والف مشهور ست بهین نام موم یعنی شمع ویای نام دیهی ست که درآنموضع
منبع اوست وآن کانی ست وحشری وحجری ط ۲ ی اف للطف محلل سهیو
خ کانی سن ابیع درم ص قفر الیهود مونڈهی ه بضم اول وسکون ثانی وخفاء نون وکسر
دال مهمله هندی م دوا هندی ست عظیم النفع هندی ست که گلش تخم آسا درتالابها
روید ط ۲ تنسیق الهاء وتنمیق الالف مهاا بفتح اول وا والف وهی نیز آمده ف
سنگ بلور مهاسیداه بفتح اول وثانی والف م دوائی هندیست طب مهرگیا
ف بکسر اول وکاف نام سرنگ مهواه بفتح اول وواو ف درغت گلچگان
تنمیق الراء المهملة مهاورد بفتح اول ف نرگیست که ازلاکهه می سازند تنمیق الکاف
مهک ف بفتح اول وثانی ه بلیثے تنمیق اللام مهانل ومهانول ف بکسر نون ودرغت
اول وضم نون ودرغت ثانی م افیون خالص تنمیق المیم مهدم بفتح اول وضم دال
مهمله م حانوریست ذی مخلب که دم الیق دارد واز آن پرتیر سازند تنمیق الواو مهره
جان دارو ف بضم اول م مارمهره که از تریاق ست ه سانپ گامن مهره گاو ف ه
گاو درهن رگ لوچن تنمیق الهاء مهدمه بفتح اول ودال مهمله وسیم ثانی ف نوعے از
چوبک استان مهرگیاه ف بکسر اول وکاف فارسی م مهرگیا مهیاوه وهیوه ف بفتح
اول م نانخورشی ست که اکثر مردم لارا زماهی سفید ترتیب دهند تنمیق التحتانی لمهثے
بضم اول ه صبتی تنسیق السماء التحتانی وتنمیق الالف میداه بکسر اول و
سکون ثانی بادال مهمله والف دوائی هندی مشهورست میشاف بکسر اول و

المهملة میشبهارف بکسراول وثانی مجهول باشین معجمه و فتح موحده وها والف م اقحوان
تنمیق الزاء للعجمه میزف بکسراول وثانی مجهول م پیشاب میمیزف بکسر میم وسکون
هردو تحتانی م سونیز تنمیق الکاف میخک ف بکسراول وفتح خاء معجمه م قرنفل میروک
ف بکسراول وضم راو مهمله م مورچه تنمیق الکاف الفارسی میگ ف بفتح اول وسکون
ثانی وکاف فارسی م باغ تنمیق اللام مین هیل م بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وفاء
واظهار ها ع جوز الطیب تنمیق النون میسوسن بفتح اول وسکون ثانی وضم سین مهمله وواو مجهول
وفتح سین مهمله ثانی ف شراب سوسن بهین م بفتح اول وسکون ثانی وفتح ها
ف مسکه تنمیق الواو میتوف بکسراول وضم نون م آبگینه وزمرد میتوف بکسراول و
ثانی مجهول م مروی تنمیق الهاء میعه ع بکسراول وفتح عین مهمله دونوع ست سائله
را النبی وثفل وبرا بابه گویند م سلارس طرخ ع ی آگویند ع ی اق ملین منضج منوم
مدرخ سائل خوشبوی سفید مائل بزردی مش دودانگ تا یک مثقال ص مصطگی
یا نیلوفر یا یاز بانه یا کافور ل جندبیدستر وروغن یاسمین یا جاوشیر راز یق بالادن.
تنمیق التحتانی میان سرای ف بکسراول وثانی باالف وسکون نون وفتح سین مهمله
وراء مهمله والف ثانی م نوعی از انگور مقیمی ع حلبه بینڈا سینگے م بکسراول وثانی مجهول
وخفا نون وفتح دال مهمله ہندی واظهار ها والف وکسر سین مهمله وسکون تحتانی ثانی
وخفا نون ثانی وکسر کاف فارسی نسمی ازدودهی که دوائی ہندی ست می ف
بفتح اول ع خمر هم مدوگلاب را نیز گویند تنمیق النون وتنسیق وتنمیق الالف
ناف نون والف م آب ناخن بوبا ف بضم خاء معجمه وکسر نون وضم موحده وواو
مجهول باتحتانی ع اظفار الطیب هرنکهه نارگیل بکسر راء مهمله وکسر کاف فارسی وسکون
تحتانی باراء مهمله م خشخاش سفید سیاه تاگ مالاهد بسکون کاف فارسی باموحده فارسی
والف ولام هم گاشکری تنمیق المد حلکا ناب الکلب ع بضم موحده وسکون لام

ف نارمشک تنمیق الزاء المعجمة الفارسی ناژدم درخت کاج تنمیق السین المهملة
ناسمین بربری بکسر نون معجمه وسکون تحتانی ف نارمشک تنمیق الشین المعجمة
ناخن خوش ف بضم خاء معجمه ثانی وواو معدوله ع اظفار الطیب تنمیق الغین المعجمة
نان کلاغ ف بکسر نون ثانی وفتح کاف ولام الف م ستنبست کرازمین نمناک برویند تنمیق الفاء
ناف ف بفاکرم صدف تنمیق الکاف نارمشک ف بسکون راء مهمله وکسر میم م ناگ گیسر
ط ۷ ای ۲ گویند ۳ ق ملطف ومقوی دل ۲ خوشبوئی نیم درم ص طباشیر ل
یک نیم وزن آن سنبل ۱ نیم وزن پوست بیرون پسته یا نیم وزن زنجبیل یا نیموزن
قسط ناک ف عنبر ومشک وغیره وامثال آن که مغشوش باشند وقسمی ست ازامرود
که بهترین اقسام اوست ودر هندی جانوری ست شبیه به نمنک تنمیق الکاف الفاء
نارنگ ف بفتح راء مهمله م نارنج تنمیق اللام ناژبیل بسکون راء مهمله وکسر میم ف ناگبیل
وجوزهندی ه ناریل وکهوپرا ط ۷ سافت میهی بیک درم ص نانیذ ناریل ه
بفتح تحتانی ع جوزهندی ناسپال ه بسکون سین مهمله ف پوست ناریل تنمیق النون
ناخن پریان ف بکسر نون وفتح موحده فارسی وسکون راء مهمله باتحتانی والف ونون
ثالث ع اظفار الطیب ناردین رومی بسکون راء مهمله وکسر دال مهمله م سنبل رومی
ط ۷ ای ۲ گویند ۳ ق قابض طبع ۲ فربه خوشبوی سفید مائل ص کثیرا یا عسل ل
سنبل هندی ناردان وناردن ف بسکون راء مهمله باواو والف ودر لغت اول وفتح
واو ودر لغت ثانی درختیست خوش قد وخوش اندام وگلنار فارسی نازک بدن بضم راء
معجمه ودستنی سرفرزناگدون ه بسکون کاف فارسی وفتح دال مهمله ف مارچوبه
تنمیق الواو ناجوف بضم جیم وسکون واو م درخت صنوبر ناخن دیو بکسر دال مهمله
ه نکمه ناخوف بسکون راء مهمله م گل نارنار وبضم راء مهمله م جانوری ست خوش آواز
مانند بلبل ناژدف بضم زاء فارسی م درخت ناجو تنمیق الیاء ناراه ف بسکون

ع بفتح راء مهمله مشدد و سکون تحتین مهملتین کلمات تنبیق الذال المعجمه تبیذع به فتح
اول و کسر ثانی ف شراب خ از سیلان رطب تنبیق السین المهمله تبق رطب و یابس
ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر قاف و فتح راء مهمله و سکون طاء مهمله و موحده و
تحتانی و الف و کسر موحدهٔ ثالث ف کنار تر و خشک مه بیرط تراوب ادم گویند
خشک اوب ی ف قابض مخفف خ بزرگ رسیده منی سته درم ص مسل ل عنبر
تنبیق الجیم و تنبیق الموحده تنجب بفتح اول و سکون ثانی ف هر تشر را بدین نام
خوانند اما مخصوص ست به سلیخه تنبیق الراء المهمله تخارف بفتح اول م گلگونه تنبیق النون
تنوان بفتح اول و سکون ثانی با واو و الف م زعفران تنبیق الحاء المهمله و تنبیق
السین المهمله تحاس ع بضم اول با حاء مهمله و الف ف مس خ تانباط ح ی ۳ ف حاء
محرق خ رقیق الملس سرخ از هر دو طرف زود گداز نده ش نیدرم ص کتیرا ل
از تو بال رو سنتج تحاس مکلس بضم ح و فتح کاف و فتح لام مشدد ف مس کشته
تنبیق القاف تحاس محرق ع بضم میم و سکون حاء مهمله و فتح راء مهمله م رو سنتج تنبیق اللام
تخل ع به فتح و سکون ثانی ف مگس عسل تنبیق المیم تنجام ع بضم اول ف مرغابی تنبیق الحاء
المعجمه و تنبیق الجیم الفارسی تخف بفتح اول و سکون خاء معجمه م گیاهیست که ازو
جاروب سازند تنبیق الدال المهمله تخدو تخیذف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم
فارسی و دال مهمله و بلغت اول و فتح جیم فارسی و سکون نون و بلغت ثانی
م ریم آهن تنبیق الراء المهمله تخرف بفتح اول م بزکوه ی تنبیق العین المهمله
تخاع ع بکسر اول ف حرام مفرط بی تنبیق اللام تخل ع بفتح اول ف درخت خرما
ف قابض خ ثمر تا زمل سکنجبین ل از طلع کمری تنبیق الغین تخالع بضم اول ف
سبوس ه بهوسی ط ح ی اق مجلی بین خ از گندم ص نشاسته ل آرد حوشکلف
بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و لام گرد گانی که سخت باشد و زود شکسته نشود

گردگان تنسیق السین المهمله ترسس ع بفتح اول وکسر جیم عبهر ف نرگس طه ۷ ی
گویند ۷ ی ۲ گویند ۳ ق محلل ملطف ۷ هفت زرده ص نیلوفر نسرین یا خیری
تنسیق الکاف نرسک ف بفتح اول وثانی وسکون سین مهمله ع عدس ۸ مسور۔
تنسیق التحتانی نرگنڈے ۸ بکسر اول وسکون ثانی وضم کاف فارسی وخفا رنون
وکسر دال مهملهٔ ہندے ف پنجنگشت تنسیق السین المهمله وتنسیق الالف نسک
بہ فتح اول وسکون سین مهمله وکاف باموحده م آش عدس تنسیق الفوقانی
نسیج العنکبوت ع بفتح اول وثانی م ابرکا کیا نسوت ع بکسر اول وضم سین مهمله وواو ومهمل
م تربد تنسیق الراء المهمله نسترف بفتح اول ۸ کل سیوتی نسرع بفتح اول ف نرگس
۸ گینڈوط گوشتش ۷ ی تنسیق الکاف نسک ف بفتح اول ع غلهٔ عدس تنسیق النون
نسترن ف بفتح اول وسکون ثانی م کلیست ۸ سیوتی نسرین ف بفتح اول ف ورد
چینے ۸ کل سیوتی یا کوجا ط ۷ ی اگویند ۲ گویند ۳ ق مقوے دباغ شک ورم
باسه ورم ص کافور ل نرجس بایاسمین تنسیق الشین المعجمه وتنسیق الالف
نشاع بکسر اول ف نشاسته ط مع گویند ی اگویند ب ۱۲ ق حابس خون م
مسکن وقابض ومغرے خ سفید مش دو درم ص مسل ل گرد آسیا بابیج مغسول یا
کوز محض تنسیق الکاف نشک ف بفتح اول وسکون ثانی م وخت نارد تنسیق الهاء
نشاره ع بضم اول ف بوره ہر وخت وبرادهٔ ہر چیز نشاسته بکسر اول ع لباب القمح
نشیمه ف بکسر اول وثانی وتحتانی مجهول وبفتح میم ف نرباه ترکی ۸ ساہی تنسیق
الضاد المعجمه وتنسیق الراء المهمله نضار بفتح اول وضاد معجمه ف وخت گز که برکوه
روید آنرا اثل گویند تنسیق الطاء المهمله وتنسیق النون نطرون بفتح اول ف
بوره ارمنی ۸ جواکهار ط ۷ ی ۲ ق مجلی صمغ عربی یا طباشیر نمک تخم اندرائے
یا شبت تنسیق وتنسیق العین المهمله نعنع ع بفتح ہر دو نون وسکون ہر دو عین مهمله

تنسیق الغین المعجمه وتنسیق الکاف فرنگ ف بفتح اول وضم ثانی ط ۷ ی ۲ ق قابض طبع ودرم

وفتح نون ثانی وخاء معجمه با واو معدوله والف ولام والف ثانی ونون ثالث م ناخواه
تنسیق الغاء وتنخواه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح نون وخاء معجمه با واو معدوله والف
وواو مجهول م ناخواه تنسیق الغاء وتنسیق الجیم الفارسی نفج ف بفتح اول وسکون
ثانی م کاغذ تنسیق الدال المهمله نفس آباد بفتح اول وثانی وسکون سین مهمله ومد میم
م شش تنسیق الطاء المهمله نقطع بفتح اول وسکون ثانی ف نفت روغنی ست
که در ولایت شروان بهم رسد م سیاه وسفید ط ح ی ع ق لطف محلل خ سفید بش
وورم ص لعاب اسبغول ل از سیاه قطران تنسیق القاف وتنسیق الدال المهمله
تقدع بفتح اول وسکون قاف م عصفر تنسیق الکاف وتنسیق الهاء کنکاف
بفتح اول وکاف م زاک تنسیق الهاء نکه ه بفتح اول وثانی واظهار ع اطفار الطیب
تنسیق اللام وتنسیق الکاف نلک بفتح اول وسکون لام م شجر زعرور وبکسر اول م
واو منسبیت تنسیق المیم وتنسیق الراء المهمله نمرع بفتح اول وکسر میم ف پلنگ
طپیه او ح ی تنسیق السین المهمله نمض بضم اول وثانی م راسو تنسیق الکاف
نمسک ف بفتح اول وضم ثانی وسکون نون ثانی م زعرور نموسک ف بفتح اول وضم ثانی
وسکون واو وفتح سین مهمله م جانور تهیو تنسیق اللام نمل ع بفتح اول وسکون ثانی ف
مورچه ومورچه چیونٹی ط ح ی ق بعضی خ طیارش وه حدود ص روغن مورد تنسیق المیم
نمام ع بفتح اول وثانی مشدد ف سنبر م جنگلی بوینه ط ح ی ۲ گویند ۳ ق مفتح
محلل لطف تمر مقوی دل خ سبز تیز بوی مش وورم ص نفشه ل بادروج یا نفع
تنسیق النون نمسیقن بضم اول وفتح ثانی وسکون تحتانی وفتح سین مهمله وکسر قاف
م کرسنه تنسیق الهاء نمک شیشه ف بفتح اول وثانی ه کاج لون تنسیق النون
وتنسیق الالف نخا بفتح اول ف بوینه تنسیق الواو وتنسیق الالف نوش گیاه ف
بضم اول وواو مجهول م مخلصه تنسیق الجیم نوج ف بضم اول ودر کلام ابدال تنسیق الجیم الفارسی نوج ف

پشم مرگوش ط ۷ ی ق مجفف تنسیق الحاء المهمله و برالفاح ع بضم لام با قاف مشدد
و پشم شتر تنسیق الواء المهمله و برع بفتح اول و ثانی ف پشم ه اون و بسکون ثانی
ف جانوری ست شبیه بگربه و دوم فارد و از پوستش پوستین سازند تنسیق و تنمیق
الجیم و ج ع ف اکثر ترکی هیچ ط ۷ ی ۲ گویند ۳ ق ملطف خ فربه سطبر خوشبوی
پرگره ش نیم درم تا یک درم ص تخم ازبانه ل زیره یک وزن رودوانک وزن آن
زراوند یا زیره یک وزن ریوند یک وزن یا قسط تنسیق الحاء المعجمه و تنمیق القاف
و شنیتق بفتح اول و سکون خا معجمه و کسر شین معجمه و سکون تحتانی و فتح نا معجمه و در بعضی
خراسانی ط ۷ ی تنسیق الدالی المهمله و تنمیق الحاء المهمله و وج بفتح اول و ثانی
م زوفای تر تنمیق العین المهمله و ودع بفتح اول و ثانی ف کجک بزرگش رسفید
مهره و کوچک را گوش ماهی گویند ه سنکه خ سپین پیچیده ل صدف تنسیق الراء المهمله
و تنمیق الالف و رود و فرا بفتح اول و سکون راء مهمله و کسر دال مهمله اول و خ و دال
مهمله ثانی و سکون فا و با راء مهمله و الف ع شقایق النعمان گل لاله ف و رطه
بفتح اول و سکون ثانی م ریونس یعنی تنمیق الموحدة و رو الحب بفتح اول و سکون
ثانی و ضم دال مهمله و سکون لام و سکون سین مهمله م کبیکج تنمیق الفوقانی و رو الزای
ع کسر زاء معجمه و سکون تحتانی و فتح نون ف کل خطمی م تنمیق الجیم و رتاج ف با
فوقانی و الف م خلبو فرا پرکسع خازی و رسیج و رودیج ف بفتح اول و سکون ثانی و
کسر فوقانی و سکون تحتانی مد لغت اول و کسر دال مهمله و لغت ثانی م جانور پودنه
ع سلوی تنمیق الدال المهمله و رودع بفتح اول و سکون ثانی ف کل ه للاب
طاب ای ۲ گویند ۳ ق مسهل صفرا و مقوی دماغ و دل خ تازه فارسی تمام
شگفته قوی بوی سرخ ش تازه او ده درم ده مجلس اسهال کند ص قند با سل
ل جهت دفع زکام بوئیدن کافور یا بنفشه تنمیق الراء المهمله و رو الحارع بفتح

وگویند که سقنقور در رود نیل باشد و دل در بیابانها و سر و دل بهین است و از
سقنقور باریک و کشیده و رنگ دل زرد و بسرخی مائل و پوستش درشت و خشن
و رنگ سقنقور الیق سبز و زرد و سیاه و سفید و پوستش المطاحی ق بمعنی تمیز الیم
و رزم ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاء معجمه م آتش تمیز النون و رو ختن ع بضم میم و سکون
نون و کسر نون ثانی ف گلرخیکه بتو دارد و دیرا البتون خوانند طاحی مدشان ع ف مرغ
آبی و گویند کبوتر دشتی ست تمیز التحتانی و رو چینے م گل نسرین و زرد و فلی ع بضم واو مهملة ثانی
و سکون نامه کنیز کا پهول ل ورق آن و رو الزوانی بفتح زاء معجمه مفسد و باواو ثانی و الف
و کسر نون ف گل خطمی تنسیق الزاء المعجمه و تمیز الکاف و رک ف بفتح واو معجمه م درخت
بڈه ع غرب تمیز الهاء و زغه بفتح اول و ثانی و تحتین معجمه ف نوعے از سالامندر او گویند
خزاو گویند ضفدع ل کرم صدف تنسیق الزاء المعجمه و تمیز الکاف و زنک ف
بضم اول و فتح زاء فارسی و سکون نون م توزمے جگری رنگ که بر تلوے سر پهند
و زول ف بضم اول و ثانی م طعم شور و استوان شتالنگ تنسیق السین المهمله و تمیز
الجیم و سیج بکسر و ضم اول و فتح سکین مهمله م اشق تمیز الخاء المعجمه و سیخ ع بفتح
اول و ثانی و سکون تحتانی ف لیمو دارو و آن نابی ست که در کوه روید و بوے
لیمو دهد طاحی ۲ تمیز النون و سیج الاوان ع بفتح اول و سکون ثانی ف
چرگ گوش طاحی ف کلل ملین تمیز الهاء و سیخ الکباره ع بسکون لام و فتح کاف
باواو و الف و فتح راو معجمه م چرگ خانه زنبور عسل طاحی ۲ ف ملین ل روغن
کل و سمه ع بفتح میم ف ورق نیل طاحی ۲ تنسیق الشین المعجمه و تمیز القاف
و شق بفتح اول و ثانی ف پوستین طاحی تمیز الیم و شم ف بضم اول م جانور بوزنه
ع سلوے تمیز الهاء و شکلاف بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و لام م واشه
اگور تنسیق الغین المعجمه و تمیز الدال المهمله و مذبه بفتح اول و ثانی معجمه ف

وسکون ثانی و فتح دال مهملہ مرہ تیزک تنسیق الهاء و تنمیق اللام - دبل ف
بضم اول وسکون ہا م درخت کاج ع صنوبر تنسیق الیاء والتحتانی و تنمیق
الکاف و نیاتک ف بکسر اول و تحتانی مجہول وسکون نون با دال مہملہ و الف و فتح نون
ثانی م نافہ مشک تنمیق النون و بین بکسر اول وسکون ثانی ف انگور سیاہ تنمیق الهاء
و تیرہ بفتح اول وسکون ثانی و فتح فوقانی و راء مہملہ ف گل سفید ہر کو جا طب رو یحبہ
فتح اول وسکون ثانی ف نہال خربوزہ و بزہ ف بفتح اول وسکون ثانی ص ساق درخت
ترقیم الهاء و تلسیق الالف و تنمیق الراء المهمله حما در بضم دال مہملہ م
اشنہ تنمیق الکاف هاک ف م تخم مرغ تنمیق اللام حاکول بضم کاف ہ سنگ ہا
تنسیق الباء الموحدہ و تنمیق الدال المهمله بید بفتح اول و کسر موحدہ ف تخم خطل
تنسیق الموحدہ الفار سی و تنمیق النون جیلون ف بفتح اول
م افیون تنسیق التاء الفوقانی و تنمیق الهاء هشتہ ف بفتح اول وسکون
فوقانی و فتح شین معجمہ م نخ تنسیق الجیم و تنمیق الدال المهمله
بجدف بفتح اول و جیم و سکون نون م برغست تنسیق و تنمیق الدال المهمله
ہدہد ع بضم ہر دو ہا و سکون ہر دو دال ف مرغ سلیمان تنمیق اللام -
ہذل بفتح اول وسکون ثانی م رائی تنمیق الهاء ہلیلہ ع بفتح اول وسکون ثانی و فتح
موحدہ م کرمی است کوچک و کلان و سرخ و سیاہ بسیار یا دارد و در برسات بجا ہا
مناک ہمرسد ہر گنجائی تنمیق التحتانی ہندال بنگی بفتح اول وسکون ثانی
و کسر لام و فتح زا و معجمہ و سکون نون و کسر کاف فارسی ہر نسوت تنسیق و تنمیق الراء المهمله
ہرف بفتح اول وسکون را مہملہ دانہ مصر کہ در کشت زار گندم روید و از میان آن کشت
دور کنند ہر نہر و بکسر اول م کربہ تنمیق السین المهمله ہراس ف بفتح اول ہر در ختی است
بسیار خار ہر قلوس بضم اول وسکون ثانی و ضم قاف و لام ہ نقلہ الیہود ف نوعی از

او در بلاد و تبرکی قندز حرد کندف بفتح اول و ثانی و سکون دال مهمله و ضم کاف فارسی
م حندبیدستر و متبرکی قندز قبرے تمیق الراء المهمله هزارف بفتح اول و ثانی م بلبل
تمیق النون هزار داستان و هزار دستان ف بفتح اول و ثانی و الف م بلبل هزار
زخشان ف بفتح اول و ثانی و الف و سکون راء مهمله و فتح زاء ثانی و سکون خاء معجمه باشین معجمه
و الف گیاهی است که میوه اش چون خوشه انگور باشد و پوستش سبز و گنده در باغ بکار آید
یعنی هزار کزم فاشزال در ونج و چهار دانگ وزن ان بسیاسه تمیق الهاء هزار خانف
بفتح اول م شکنبه تمیق السین المهمله و تمیق الراء المهمله هسر هسیر
ف بفتح اول م یخ تمیق الشین المعجمه و تمیق الجیم هشتسد هیج بفتح اول م مازریون
تمیق اللام م هشتپهل بفتح اول و کسر فاء اول و ضم فاء ثانی م شقاقل تمیق النون
هشت دهان ف بفتح اول م گویند گیاهیست و گویند کل خیرو و گویند عود هندی تمیق الفاء
و تمیق الکاف الفارسی هفت برگ م مازریون تمیق الهاء هفت زرده ف بفتح زاء معجمه م نرگس
صدبرگ ع عنبر مضاعف تمیق اللام م و تمیق الالف بلیقیا بفتح اول و کسر فاء اول م بندبا
تمیق الموحده هلاب بضم اول یا ثانی و الف و موحده م جزیره تمیق التاء الفوقانی
حلمیت بفتح اول و ضم میم ع حلیو ع سلق بجلے تمیق الجیم بلیلج ع بفتح اول و کسر ثانی تحتانی مجهول فتح
لام ثانی م البلیلج ف بلیده هژار تمیق الدال المهمله بدهر بفتح اول و ثانی ف زرد چوبه تمیق الراء
المعجمه بلندور ف م گیاهی دوائی تمیق الکاف بلتاک ف برف تمیق اللام بلاهل
بلهل ف م زهری که بان هیچ تریاق بمقاومت نتواند نمود هملف بکسر اول ع قاقلی صغار
تمیق النون بلیون ع بکسر اول ف مازریون هناگدون ط ما گویند مع ب گویند یک
ف بفتح مدسیبی خ بستانی تازه سق از تخم او دو درم هض مسهل و بفتح و کسر اول
ف خرزه تمیل الواو بلوف بضم اول ه شقاقل اردی تمیق الهاء بلیانه بضم اول ف شاهتره
تمیق المیم و تمیق السین بماس ع بضم اول با میم مشدد و الف ف شیر درنده م

وسکون لام وفتح میم ثانی وضم جیم وسکون واو ثانی درختی است که در حوالی فارسی میرویند شبیه بدرخت
گز وگره های آن نزدیک بهم باشند وبرگش مانند برگ یاسمین ومجوس در وقت زمزمه در دست گیرند
ل حرف تنمیق الشین المعجمه هوش ف بضم اول م زبر تنمیق الکاف هو کیک بضم اول وثانی
مجهول وضم کاف وفتح تحتانی م خربزه نارسیده تنمیق النون هو خون بضم اول وسکون ثانی
وضم طا مهمله وسکون واو ثانی م نجیل هو نارپیون م داوی ط ی ا ق لطف ح گویند سرخ
تازه خوشبوی تلخ در معلوجات از کمتقال تا دو درم هن پودنه ل بیخکبیر وبیخ اذخر باتخم شبت وانیسون و
کوبند حاشا وگویند بیوزن اهبل بامغز بادام هو فربیون بفتح فا وسکون راء مهمله وضم تحتانی وسکون واو
تانی م فربیون تنمیق الهاء هو بره ف بضم اول وثانی مجهول وفتح موحده وراء مهمله م جانور حیز
هو جوجه بفتح اول وثانی وضم جیم وفتح واو ثانی م شنکار تنسیق الیاء التحتانی وتنمیق الالف
هیرا هو بکسر اول ف الماس وثنائی مجهول هو گوشت هیزار حا بکسر اول وسکون ثانی بازاء معجمه والف
وسکون راء مهمله بایسم ع نفع هیلاف بفتح اول م ماشه شکار هیل بوا بکسر اول وسکون تحتانی وکسر لام و
فتح موحده وواو مشدد ع قافله صغار تنمیق الراء المهمله هیر بکسر اول حرارت هیشی بفتح اول و
سکون ثانی وفتح شین معجمه ف مال وبکسر اول م کنکریزی تنمیق الکاف الفارسی
هنگ هو بکسر اول وسکون ثانی وخفا نون ف انگوزه تنمیق المیم هیوم بفتح اول وضم ثانی
مرجیه ابیض تنمیق النون هیزن بکسر اول ع نصب هیضمان بکسر اول وسکون ثانی وضاد معجمه
والف ف ترب بری هیون ف بفتح اول وضم ثانی م شتر تنمیق التحتانی هیر اردکی هو بکسر اول
وسکون ثانی بازاء مهمله والف وضم دال مهمله وواو مجهول وکسر کاف وتا م دم الاخوین ی تنمیق الیاء
التحتانی وتنسیق الالف وتثمیق الفوقانی یاقوت تحتانی والف وضم
قاف م جواهر معروف هو مانک ویرم راک طب ی ق مجفف ومقوی دل خ سرخ رمانی
بکبار اول ودوبرابر او طلا تنمیق المیم المهمله یاکند ف بفتح کاف وسکون نون ع یاقوت
تنمیق السین المهمله یاس ف بسین مهمله م یاسمن تنمیق النون یاسمن وبا یاسمین

ور و عگل جد حرارت ل نیموزن بکنیج یا نیموزن ایرسا تنسیق الحاء المعجمه
و تنمیق الصاد المهمله یخصص بفتح اول و سکون ثانی و کسر صاد مهمله اول ف نوعی از آن است که
آکوا زا مشته تی خوانند تنمیق الحاء المعجمه یجه ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی ف
گرگ تنمیق الدال المعجمه و تنمیق الحاء بدقه یونانی بفتح اول و ذال معجمه ق م خار ایلیه
تنسیق الهاء المهمله و تنمیق الالف یناء بفتح اول ف
خاه منهتق تنمیق العین المهمله یراع ع بفتح اول و ثانی ف نی یرا یع بفتح اول و ثانی و کسر
یم م ملیون یریوع ع بفتح اول و ضم موحده ف موش دشته حر خنگلی چوتا تنسیق الزاء
المعجمه و تنمیق الخاء المعجمه یزوادی ف بفتح اول و کسر دال مهمله ثانی د تخلیه فیمه که بزیر یر تخم مرغ زنجیه
باشند تنسیق السین المعجمه و تنمیق الباء الموحده یشب ع بفتح اول و سکون شین معجمه و موحده ف
سنگ یشم تنمیق الفاء یشیف بفتح اول و سکون ثانی م یشم تنسیق العین المهمله و تنمیق الواو
یعقوب ع بفتح اول و ضم قاف ف کبک نر تنمیق الدال المهمله یعصید بفتح اول و کسر صاد مهمله ف
کاسنی یری تنسیق العین المعجمه و تنمیق الفاء یعصیفار ی بفتح اول و کسر میم م ریباس تنمیق
الجیم یفتح و یفتنج ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و غشل فتح فوقانی و سکون نون و فتح شین زا
زرد و رنگ که اکثر در باغات و سبزه زار بهم رسد اگرچه گزوا نیز بهم رسد و تنسیق الفاء و تنمیق الخاء المعجمه
بفتح بفتح اول و سکون خاء فتح فوقانی م مارزرد که در کرمابها و باغها باشد تنسیق الفاء
و تنمیق النون یطیر ع بفتح اول و کسر طاء مهمله ف کدو و هر نباتیکه در اساق اخراشته نبود مانند
کدو و خربزه و خیار و امثال ازادین نام خوانند تنسیق و تنمیق الکاف یکدک ف بفتح اول
و سکون کاف و فتح دال مهمله ف آب شیر گرم تنسیق اللام و تنمیق الجیم یلمبوج بفتح اول و لام
و سکون نون و ضم جیم و واو و جیم ثانی م عود هندی تنسیق و تنمیق المیم یمام بفتح
اول ف مرغ بوتیمار تنمیق الهاء یموه ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم راء مهمله و سکون
واو و الف ار ملم مردم گیا تنسیق النون و تنمیق الواو یوب بفتح اول و سکون نون و ضم

۳۲۳

ف بفتح اول
و سکون ثانی و فتح
زا و میم م سنگ
تنمیق النون
بفتح اول م
الفاء بوزه ف
شل و فتح زا و میم
ناس تنمیق
در بیان اول و دوم

خرم زاد که یکی از اجداد او بمن بن اسفندیار بود اخوش نام مردیکه بصلاح حال وصدق مقال اشتهار داشت
و وجه معیشتش از صیدلیت یعنی چیدن ادویه از صحرا و شناختن آن میگذشت و هر روز بصحرای آن دیار
و کوههای آن ولایت میرفت و ادویه و عقاقیر جمع میکرد و بشهر آورده بعطاران میفروخت روزی
در اثنای سیر و سیاحت و تفحص ادویه نظرش بر کوزن کوهی افتاد که بر قله ایستاده فریاد میکرد و گاهی
دست و گاهی دم خود بر زمین میزد و حرکات عجیبه و احوال غریبه از رفتار او مشاهده مینمود و گاهی در
حین جست و خیز نگاه بجانب آسمان میکرد و از روی فشاط و خوشحالی آوازهای غریب از سر میزد
چون اخوش انحالات از آن کوزن دید حربه برداشته در کمین او شد و نزدیک او رسیده چنان
انداخت که بیک اندازه بر افتاد اخوش در حال او را ذبح کرد و در اثنای ذبح نظرش افتاد که در دهن او سنگی
بزرگ است و دید که نیم خائیده در دهنش مانده اخوش را از مشاهده این تعجب زیاده شد فی الحال
شکم او بشکافت و از روده که بزبان فارسی انرا ارخانه گویند سنگ الماس هموار یافت اخوش سنگ
مذکور را بر چوب زرشک نهاده بخدمت ملک حرم زاد آورد و حقیقت کوزن تمام را آنچه مشاهده کرده بود
مذکور ساخت ملک حرم زاد حکیم ارستاسیوس که از اجداد حکیم بقراط و از تلامذه حکیم اقلیدس صاحب اصول هندسه
و برادر زاده او بود و در مملکت فارس منصب وزارت ملک حرم زاد داشت طلبیده انچه از اخوش
صیدلانی شنیده بود باو تقریر کرد حکیم ارستاسیوس پس از تامل بسیار از اخوش پرسید که دهن
این کوزن کف داشت یا نه گفت دهن کوزن بسیار پر کف بود پس حکیم از اخوش سوال کرد
که در دم او یا پای او جراحتی هم بود یا نه جواب داد که در جانب دم او کوئی سبز رنگ و چنان مرئی
میشد که پوست از آن موضع کنده اند پس حکیم بملک گفت که خوراک این کوزن همیشه افعی بوده چنانچه
از علامات معلوم شده و در روده های او دو سنگ متولد میشود که یکی از آنها تریاق زهر است
و دیگری خاصیت زهر هلاهل دارد ملک تبسم نموده فرمود که این را محک تجربه امتحان باید نمود
پس حکم ملک هشت نفر از بندیخانه حاضر ساختند ملک بانها نمر بانی نمود که آیا شما واجب القتل
هستید یا نیستید جواب دادند که بمقتضای شرع قتل ما واجب است پس ملک فرمود که

گفت که مرا درد سر عظیم بود دوم ازان آرام نداشتم از تناول این سنگ بیکساعت اندرد من
ازمن زایل شد و هیچ اثری ازو درین بخور دن خود نیافتم سوم گفت چشم من بسیار ضعف داشت اکنون
بخوردن این سنگ در باصره من قوت عظیم پیدا شد که در جوانی انحالت نداشتم چهارم گفت که مرا
ضرب و سجح قدیم بود اکنون بمجرد خوردن این سنگ امرض بالکلیه بصحت مبدل شد پنجم گفت که مدتی از
درد زانو متبالم بودم اکنون اندرد مطلقا ازمن زایل شد ششم گفت که مرا بواسیر مولم بود الحال آن الم
بالکلیه ازمن زایل شد هفتم گفت که مدتی مدید است که بر ساقین من قروح خبیثه بود که همیشه میدید
و متعفن ازان جاری بودی اکنون همه آن پاک شده و بخشکی نهاده مندمل شده و رنگ اصلی بران جا ظاهر
گشته و هشتم گفت که مدت دو ماه است که مرا درد سر عظیم حادث شده بود اکنون بعد از خوردن این سنگ
آن بالکلیه ساکن شد حکیم پرسید که تو بعد از خوردن آن چه چیز خوردی گفت که اب یک نارنج تمام بگیده بودم
حکیم گفت این شدت درد فعل آن نارنج بود نه فعل سنگ چرا که ترشی نارنج بادیا بس است و
مستلزم جمیع قبضیت است چنانکه یوست موجب امساک و حفظ است و این هر دو صفت مانع بعید
از انتشار حرارت این حجر و ظهور اثر آن و لهذا حکما بعد ازان از نرشتیها بالکلیه منع فرموده اند و نیز در
هیچ دوائی بخاصیت مثل فاذهر و تریاق و غیر آن تجویز هیچ قسم ترشی نکرده اند و وجه تسمیه سنگ نارنج
باعتقاد حکیم مذکور آنکه چون شخص ششم نارنج مذکور بگیده بود بخانه خود رفت و در سر او بسیار استند او شنید
و بر در ملک حزم زاد آمده فریاد بر آورد که مرا باد زهر مرده چون آواز او بگوش ملک رسید فرمود که نام
این سنگ را باد زهر قرار دهند چه باد بزبان منهلی نرمان شرمن یعنی باس و پاسیا نست و گویند که باد بو
بوست او آن بمعنی شکش است بزبان فارسی و بکثرت استعمال السنه بیای زده شتها یافته
معرب آن فاذهر است و در اختیارات بدیعی گفته که حجر الثیس فاذهر است و از اتباع بیشتر گفته اند
و بهیات بلوط است و در از و گرد و همین نیز میباشد و بیکدیگر طبقات دارد و در میان چیزیست که
مغز است و آن چوب مخلصه یادانه دلست صاحب مفرده اورده که از خراسان آورند و این صفت
که بسته انچه مشهور است بغیر از شانکاره در هیچ موضعی دیگر حاصل نمیشود و جالینوس و بندوستان و

جامع آورده که فاذزهر را بدو معنی اطلاق میکنند یکی بر هر چیزی که معاونت بر چیزی کند و دفع مضرت آن
نماید بواسطه خاصیتی که در آن چیز باشد و دیگر بر سنگی معلوم که با این خاصیت دفع سموم حاره و باردة کند و گاه گاه بر تعلیقا
و حکیم عماد الدین محمود شیرازی میگوید آن سنگی که من دیدم مائل بزردی و سفیدی بود با وجود این ریشه
ریشه مانند ریشهای شب یمانی و در مدافعت بیش هیچ چیز از دواهای مفرده و مرکبه بقوت او ندیدم
و نیز از معالجات بقراطی نقل نموده که از بلاد فارس چیزی می آرند که ابراجر التیس میخوانند و میگویند که در
مغارین جبله متولد میشود و صورت آن صورت حیوانیست و خشونت و ملابت چون بشکنند پوست
بر پوست و تو بر تو باشد مانند پوست پیاز و در اندرون پوستها بجای مغز گیاه سبز بود که آن پوستها و
ملبقها گویا بر گرد آن پیچیده اند و ابراز فاذزهر گیاهی نامند چون ابراز آب رازیانه بسایند و بر موضع
لسع هوام طلا نمایند در ساعت ورم تسکین یابد و اخراج سم کند و تیز فعل میکنند که در هندوستان
در کولکنده از اعمال تلنگانه در چند موضع انجا پیدا میشود خصوصا در کنتور و حوالی ان چنانچه فاذزهر
انجا سه نوله و چهار نوله بسیار دیده اند و همچنین در ولایت وزنگل پیدا شده و اکثر گوسفند انجا پیدا
چنانچه اگر گوسفندی را پنج چهار نوله و شش نوله از شیر دوان او می برآید و در اکثر مواضع آن پیدا شد
چنانچه شتر نکیان بسیار از انجا خریده بجانب اجمیر و ملاقه میبرند و در جانب اجمیر فاذزهر سموسی
می باشند که دانه از ان چهار نوله و پنج نوله داده اند که یکی از ان بیانصد هون که عبارت از پنجاه تومان
عراق و هزار روپیه انجا پیدا شد خریده و فروخت در سرکار بادشاهان شده که خریده او را
مرصع ساخته اند و پاذزهر تلنگانه بغیر چوب مخلصه بسته میشود چنانچه بر چوب تمر هندی و گچله و بلاچه
و سفال و سنگ بسته میشود و این گوسفندان از قسم نر نه اند و ابلی اند نه صحرائی و کوهی چنانچه در
شباشکاره از بز کوهی حاصل میشود و اکنون انچه متداول و متعارفست گزنده او را از محال اصفهانات
بیشمار ند و نیز میگویند که من دیدم شخصی از تنور گزیده بود و موضع لسع مورم گشته و حمرت بسیار ظاهر شده
قدری از فاذزهر گیاهی با آب سائیده بر انموضع مالیدند هر کاکه اثر طلا آن میرسید در حال ملون
خود می آمد و آماس تخفیف می یافت و بعضی از اوقات شخصی را مار گزیده بود و در ان وقت تریاق کبیر

و برنگ ساق چقندر است بعد ازان زرد سفید خام و امتحانش باینطریق است که چون بسایند
و بریشیز زنند به بندد و دیگر آنکه چون بردم عقرب نگذرد و اگر بگذرد و اثر نکند و دیگر چون مقدار دو جو سوده
در حلق شخصی ریزند و افعی بر و کمار نمرکه او را بگزد خواجه سلامت ماند و اگر پادزهر کاملی سفید را بسایند
باب و بر عضوی که بواسطه سقطه متالم شده باشد طلا کنند از الم و ضع و رم نماید و چون زهر خورده را
بخورانند زهر بطریق عرق بیرون آورد و فادزهر محرری فی الجمله نرمی دارد نه باندازه که در ملمس ان محسوس
میشود و اندرا رشیهاد باریک باشد بهم پیوسته شده و حرارت آن مفرط نباشد و فایده دهد جمیع سموم
حیوانیه و نباتیه را و لسع هوام را کابکه بوزن دوازده جو ازان بسایند یا کوفته بیزند و بخورند سم او را از
بدن بعرق دوسیج بیرون کند و از موت رهائی دهد و اگر او را در قلاده بیاویزند و در انگشتری نهند و
در حین سوزش زهر انرا در دهن گیرند نفع بخشد و اگر آن خاتم را بر موضع لسع عقرب و هوام حیات و
طیارات و دواب و سموم مانند ذراریح دزنانیز نفع ظاهر شود و اگر سوده انرا بیاشامند و بر موضع
لسع هوام ارضیه در حین لسع نهند جذب سم کند و بترشح اخراج نماید و اگر قبل از انکه بر و نمدارک
کنند و موضع لسع متعفن شود ازین فادزهر بر و افشانند آبزا بصلاح می آورد و دفع سم میکند و
اگر انرا بر نیش عقرب بمالند سمیت نیش او زائل شود و اگر ازین فادزهر بقدر دو حب بستانند و
با شراب ممزوج ساخته در دهن افاعی و حیات ریزند دفع حس از انها کند و بکشند دیگر نوعی از حشرات
که بدان مانند که از موم و آبک و کل ترتیب یافته باشند و بعینه سه چیز مذکور بنظر محسوس شود و چون
او را بزرد چوبه صلایه کنند سرخ شود مانند خون تازه چون او را بر موضع لسع هوام گذارند عنقریب
مار یا و عقرب در ساعت و جمع ساکن شود طبع و شربت و منفعت و طریق استعمال ان قول
احمد یوسف فادزهر حار است و حرارت آن فویست اگر کسی را که دلش جهت بسیاری غم ضعیف
شده باشد سدس مثقال بخورانند نفع دهد و دلش قوی گرداند و شربتی جهت سموم ملدوغه باسوعه
و دوازده جو جهت ضعف دل و قوت باه دانکی و هر که هر روز ازان دانکی بخورد ایمن باشد از همه آفتهای
زهر ها و خمور و مزاج را نیز مفید است جهت انکه عملش بخاصیت است نه بطبیعت او نهایت گرمی

مردم ازین ترکیب منافع بسیار یافتند بلکه جوانی از سر یافتند و مطلقا ضرری بلحوظ نگشت صفت آن
قاذر هر دو نیم مثقال و عنبر اشهب یک مثقال مشک سه طسوج سنبل الطیب یکمثقال و ربع قرنفل
هفت دانه مجموع را سه روز متوالی بخورند و از شیرینی و ترشی و سفیدی بغایت گریزان باشند
و غذا نخود آب بگوشت بره که دارچینی و قرنفل داشته باشند بخورند و از تنقلات بادام قندی
و شربت نبات و گلاب و عرق بید و مشک تناول نمایند و بعد از خوردن ترکیب بنوشیدن
آب سرد راضی نشوند که مبادا قولنج شود باین ترکیب قدری زعفران نیز تجویز کرده که داخل سازند
که ازان تفریح تمام حاصل شود و دیگر پادزهر حیوانی یکمثقال یاقوت سرخ رمانی دو جو لعل
بدخشانی دو جو مروارید سفید سه جو عنبر سه جو صندل سفید سوده یکجو عود هندی یکجو ورق طلا
یکجو ورق نقره یکجو مصطگی یکجو سنبل یکجو مشک و عنبر نیم جو مجموع این از یک مثقال زیاده نیست
باید که هر کدام علیحده علیحده حلایه کنند و وزن کرده ترکیب سازند سه حب بندند و هر روز یکی
ازان بنا شتا فروبرند و گلاب گرم یا عرق بید و مشک ازپی آن بخورند و میان روز و مرغ فربه
و نخود آب پخته بخورند و آخر روز شربت یا عرق بید و مشک بیاشامند و یکهفته قبل از خوردن
احتراز کنند از حموضات و ثقول و مباشرت و غموم و هموم و اگر در سالی دو بار احتیاج افتد یکمرتبه
اول روز نوروز نشروط مذکور بخورند دیگر روز پائیز خوراک آن دو دانگ و نیم مثقال بود و نوعی دیگر
قاذر هر نیم مثقال یاقوت رمانی لعل بدخشانی از هر یک پنجدانگ زبرجد یکدانگ ورق طلا عدد
و ورق نقره چهار عدد و مشک یکجو و همین قدر عنبر و مثل او مصطگی و پنجدانگ عود هندی کوفته و
پخته بگلاب سرشته سه حب مساوی سازند هر روز یکحب فرو برند و بعد ازان دو قاشق گلاب
بنوشند و قریب بظهر نخود آب مرغ فربه و قدری برنج بافاویه بخورند و آخر روز نبات بشربت
عرق بید و مشک بخورند و مربای سیب شیرین و جوارش عود هندی و جوارش مصطگی
پسته قندی و بادام قندی تنقل کنند و یکهفته پیش ازان و یکهفته بعد ازان و یکهفته در اثنای
آن از ترشیها و سبزیها و روغن و شیر و ماست و نیز از مباشرت اجتناب کنند که فایده تمام و

که بجانب پوست او باز گشته است و مانع کی آویخته و جراحات اندرون نمش مطلقا مندمل شده
هر بیحال تعجب بهیر سانیدند و کسی پیش ملک افریدون فرستاده از حقیقت حال خبر دادند ملک
جماعه را که در علوم طبیعی ماهر بودند و دانا جهة استفسار این واقعه تعین فرمود و ندانجماعه بحکم ملک
بدانموضع رسیده تفحص وافی نمودند و هرچه بر روی آن آب و کنارهای آن بود از انموضع
خوشیده همه جمع کردند و بر جراحتها و کوفتها و اعصاب و کسستخوانها بیازمودند بغایت سریع النفع
یافتند و ازین حقیقت ملک افریدون را آگاه ساختند ملک شکر حکیم علی الاطلاق بجا آورده
که چنین تریاقی بدین نیکوئی و بسیاری منافع در عهد من بروی کار آمد فرمود که بران غاری
بنهادند حوضی اساس کردند و در پیش او از آهن باریک شکل غربالی ساخته نصب ساختند
تا آب صافی در رگذران سوراخها بدر رود و مومیائی باز ماند معارف و مشاهیر وقت را که
عصات و حکام باشند مامور گردانیدند تا بدان موضع رفته هریک مهر خود بدان در نهادند تا سال
دیگر مستحفظان و صاحبان مهر خود بدانموضع میروند و ان در بحضور ایشان کشاده میشود و هرچه
مومیائی حاصل شده باشد بحضور ایشان ببرسانند و باز مهر اینجماعه مختوم ساخته بحضور ملک می
برند و اکنون نیز همین ضوابط محفوظ و مضبوط است و مسالی بود که صد درم حاصل میشود و سالی
بود که کمتر ازین و جهة تسمیه مومیائی این چشمه بر کنار دیهی است که بیای موسوم است چه موم
بمعنی شمع و بای نام آن دیه باین وجه تسمیه مومیائی خوانند و چون مومیائی از پاذزهرات
بزرگ است و در و منافع بسیار ملوک پارسیان هر ملوک دیگر بدو چیز فخر میکنند اول بپاذزهر دوم دیگر
بمومیائی و مومیائی دوای مفرد است که قایم مقام مرکب و تریاق میشود هرگاه مرکبی گیرند
میکنند قوت او زیاده شود و آن چهار نوع است سعدنی در کوه فارس در اصطهبان
بهمرسد هر شکل زبان گاو و آنجا گاهیانان ملک میباشند و بعد از سه ماه اندرون غار میروند
و میگیرند و باز درش مقفل میسازند و حوالی آن غار جاهای بسیار است که مومیائی بیرون
می آید بصورت زفت و حجری از و لایت روم می آرند از جبال شهرروز و جبال اکراد این

مومیائی میشود برای درد هر موضع چون بنوشند نفع تمام دهد محرر است و گویند انچه از آب خیرو
اقتر بود و منافع ان نزدیک بمنافع مومیائی است و نیکوترین مومیائی معدنی است که از
ولایت وراب خنرو فارس بغیر و طبع و گرم بود در سیوم و ملطف و محلل باشد بنابر قول دیسقوریدوس
و بقول شیخ الرئیس گرم بود در آخر درجه دویم و خشک بود در اول و مقوی روح بود بخاصیت
و مومیائی معدنی زود بر آتش بگداز و در طعمش مرارت وحدت و مرارت باشد و انچه فوق است
نایکست بقطریت و حجری کوفته میشود و چون نرسازند ضماد ازرق باشد و حشری قول سنجق و
اذابت نمیکند در امتحان جودت و ردارت مومیائی بحول ارسطاطالیس اگر خواهی که او را بیازمائی
بگیر جگر گوسفند و بریان بشکاف پس فی الحال مومیائی بمال چون بهم چسبد نیکوست و الا بدو نیز
پای مرغی بشکنند و بشب قدری مومیائی در خمیر کرده در گلوبنش فرو برند اگر نیک ست روز دیگر
پای شکسته او درست شود خاصیت و منافع مومیائی و قدری شربت ان بدانکه مومیائی هم از
ادویه یرقانیست و هم در انواع علل تفتش بجذبت او سم جمیع حشرات را نفع کند لطلاء و شربت
و استخوان شکسته را بپیوندد و بقول شیخ الرئیس بوعلی سینا اگرچه مومیائی در آب مرزنگوش
حلکرده در بینی بچکانند درد شقیقه و درد سر کهن را ببرد و صرع و سرگشتن را نیز سود مند بود و
همین قدر اگر در روغن یاسمین حلکنند و در گوش تقطیر سازند سود مند بود و اگر کسی را از گوش
ریم آید یکجو از و در روغنگل و آب غوره حلکرده و فتیله بدو آلوده در گوش نهند ریش گوش را
درست سازد و یکجه از و میل ان چند بیدستر در روغن حب البان حلکرده در بینی چکانند
درد سر کهن را زائل کند و چون یکجه با شیر خر مدهند خونیکه در مرض سل بیرون می آید باز دارد
و تسنوی از و چون باب زیره و ناخواه و کرویا بدهند خفقان معدی را ببرد و رطوبتی را که در فم
معده جمع شده باشد و رسازد و هر سقفه که بر معده و سینه و جگر افتاده باشد نافع آید و
تسنوی با کشکاب که عناب و سپستان و بیخ سوسن در و جوشانیده باشند حلکرده سه روز
ناشتا بدهند همه انواع سرفه را ببرد و تسنوی از و با سکنجبین غرغره کنند خناق بگشاید و تسنوی

آبیکه در واصیتون جوشانیده باشند متوالی هفت روز بر بند ازان علتها آمایل بدو جهه ارتعاش
نیدانگ در آبیکه در و شعر فارسی دکوبی جوشانیده باشند یا و بر بند ارتعاش به برد و اختناق
رحم را دو حبه سنگ مومیائی با بیکه در و مسانج هندی جوشانیده باشند بر بند نجاته یا بر تب ربع
را با بیکه در و افسنتین و یاد آورد جوشانیده باشند نیدانگ مومیائی بر بند آن تب ربع را دفع سازد
و جهه ازان فواق را زایل سازد و چون بلیخ کرفس بیاشامند و جهه کسیکه چون بیاشامند زود نفوذ
کند تا موضع کسر و نیدانگ در آبیکه انیسون جوشانیده باشند حلکنند و بر شکم مستسقی طلا نمایند نافع
بر ای غشی بر سینه طلا کنند بسیار قوی گرداند دل را بطریق نفوذ کلاب و بقول ارسطاطالیس
نیدخوک که تمکسو ذکرده باشند با مومیائی امیخته در گوش اصم چکانند نیکو کند اگرچه اصم مادرزاد
باشد و محمد ذکریا در کتاب باه تعلکرده که اگر کسی را منی خرج شده باشد و خواهد که حالی بجای او
بازشود در آخر حرکت دو جو یاد و بخود مومیائی در نیدرم شنگ عسل سفید حلکرده بخورد و اگر
محروری مزاج باشد با شراب نیز انگبین نوشند که بسیار مجربست و در بیکار و این از اسرار است
حب مفرح مخترع صاحب مفرح النفس کم نقل کرده که بعد از تجربه بسیار معلوم ما شده که بعد از جماع
خماری بهشود و مطلقا مدرک نشود و نیز این حب جهه سقطه و ضربه نافعست و همچنین نافعست جهه
وجع و خلع صفت آن مومیائی کافی سه جزو شمع عربی یکجزو و نیم برابر بر دو نبات بکلاب حل نموده
حب بندقی نیم مثقال ازین حب تناول نمایند و اگر بالای او شراب صرف بیاشامند نافع خواهد
بود و یا بماء العسل نیز و الله اعلم بالصواب و سبب بعضی سینه چون چینی و استعمال و فواید و مضار
و مصلح و شربت و بدل آن و آنرا بیخ چینی و بیخ حیات نیز نامند غالبا در زمان قدیم نبوده یا
انکا بوده لیکن بعمل در نیامده و شهرت نیافته و لهذا اطباء اسلام خاصیت آن در کتب خود
نیاورده لیکن در سنه ۹۰۲ نهصد و دو بست چون فرنگیان بتکال متصرف به بلاد هندوستان
گشتند این بیخ را بهم رسانیدند و ازان زمان تا امروز که یکهزار و سی و هشت است در میان
عالم شهرتی پیدا کرده و صد سال و کسری باشد که استعمال این در میان مردم شایع شده

بیدا میسازد و دران خمیره قرار و سکونت میدهد اهل گشتیز قدری آب و نان باو داده نیز بوداع او راضی می شوند بعد از انکه توسن وزاد او رو بتمامی می نهد شروع در خوردن گیاه و بیخ مینماید از اتفاقات حسنه بستش گیاه این بیخ هضمی می افتد و پس از کندن بخش خوشمزه و گوارا تر از انجهای دیگر بعد از شش در میگیرد و پیوسته در خوردن ان مبادرت و مزاولت مینماید از او مان اکلش بعد از روزی چند جراحتهای او بالکلیه روی باندمال می نهد و در خود فرقی غریب مشاهده میکند همچنین مدتی درین خمیره بسر می برد ناگاه بعد از عهدی بعید باز همان گشتیان یا گشتی دیگر بدان جایگاه میرسد و اهل گشتی که او را میشناختند بینند که غایت توانا و فربه شده از و تعجب و آنچه می نمایند او از ابتدا تا انتها احوال مداومت اکل این بیخ گیاه مذکور بیان میکند انجماعه از بیخ مذکور بسیار میگیرند و بطرف وجوانبی می برند و بدان سود تمام میبرند از انمیان باز در میان جهانیان شهرت گشته بر قدر وقوع روایتین چون دران صحرا نمک بهم نمیرسید و اکل این بی نمک بوده بهر جا که می بردند نمک میدادند لیکن در خوردن او شرطی چند است که بجای خود گفته خواهد شد و طبیعت بیخ مذکور حکماء متاخرین چون حکیم علی گیلانی و حکیم دوانی گیلانی اکبر شاهی گرم و خشک است و اکثر از حکماء متاخرین باین عصر برانند که گرم و تر است و دلیل میکنند که این بیخ چون ادم است و آن بارد یابس است پس علاج مرض نضیج میباشد و چون حرارت بتن ندارد پس در درجه اول خواهد بود و چون تفتیح و تذویب و تسهیل میکند می باید که تر باشد و این امر چون ظاهر تر است پس رطوبت بدرجه ثانیه باشند لیکن جمهور برانند که خشک است و اینکه دافع سوداست بالخاصیت باشد نه بالطبع و این بیخ را خواص بسیار است از بسکه آثار خوب ازین مشاهده کرده اند گفته اند که گویا این از ابجیات پرورش یافته چون اکثر بعد از تنقیه بدن مناسب بکار میبرند و دیر هیزخوب از نمک و لبنیات و حموضات و تنتها و غذاهای بسیار میخورند نفع می یابند و این را خواص بسیار خواهد بود که بنوزه بتجربه نرسیده و اعتقاد حکیم عماد الدین محمود انست که حرارت او در اول مرتبه درجه اول است و در

و برطوبت مایل کردد و میتواند بود که جهة سمین در رطوبت او تا مل تمام باشد بخلاف حرارت که باوجود
انکسار او ببرودت آب بالکلیه منطفی نمیشود و اعتقاد برخی از متاخرین بر انست که گرم و تر است
و در درجه دویم و جهة مرد مانیکه سرد مزاج باشند در وقت حاجت خوابعنوان چهل سالکی رسیده باشند
یا نباشند بسی نافع است بالخاصیة در امتحان جودت و مختاران بهترین چوب چینی انست که
سرخ و سنگین باشد و سفید و اگرچه در اغلب اوقات سنگین تر میباشد و این از صفتهای
مختاره است آما چون دلالت بر فحاجت و نارسیدگی دارد و ان سرخ باشد و باید که میان
باشد در تازگی و کهنگی چه درین زمان طوبته فضلیه او که موجب انقاذ حرارت غریزیست کم شود
و حرارت غریزی ظهور تمام پیدا میکند حکیم عماد الدین محمود نیز درین تصریح نموده و سنگین و کم کره
و سطح ظاهر برابر بلید چه انچه برخلاف این باشد نادرزمین کم رطوبت نمو یافته و خشکی بر و غالب
شده و یا بکمال نشو نرسیده و طعم و رایحه غالب از و محسوس نشود و از مقارن مغیرات مثل
کافور و چند و آب دریا و گرمی آتش و غیر ها و هوای برسکال و نم دور باشد و دلیل انیها ظاهر
است و جمعی برانند که باوجود سرخی و سنگینی نشان کرم و روی بسیار باشد و سخت نباشد و
اگر فیکه در زیر زمین تر و تکثر رطوبت بهتر است و باید که نو باشد و علی الخصوص از زیر باکنده شده باشد
و سفید او باشهر وط دیگر نیز نافعست اما در قوت و نفع قسم اول انفع است و نزد بعضی بیخ چینی
که مناک و هر چند رنگ میباشد سرخ و سفید و زرد و سیاه و بهترین وی سنگین سنگین و
گرد و یکه بسفیدی زند و بعضی زرد یکه بسرخی زند بهتر دانند و آن جانب خطا بکا تعز میاید و از انجا
بسمرقند و بخارا می آورند و نوعی از ان از جانب زیره یا دی می آید که بهند و هرموزی آورند و از انجا
بعراق و خراسان و روم میبرند اما بخولنجان کا تعز نیست و بعضی سفید را بهتر میدانند و نزد حکمار
فرنگ سرخ بهتر است چه نهایت خود رسیده است و انچه سیاه است غالبا آب دریا او را
متغیر میسازد و اصلی نیست و چون درین بیخ رطوبت فضلیه بسیار است و طوبته فضلیه
رطوبتی است که در جوهر لو باشند و مخالج جمیع اجزا و نباشند بنابرین مدت بقای قوت او در

روق شیخوخت متصور باشد و از اینجا معلوم شد که بجهة مرض روق شیخوخت فایده بسیار ازین
مترتب است و الا باوجود رطوبة غریبی اگر مرطوبی بوده باشد ممنوعست و در مزاج صفراوی
چون اصلاح یبوست آن میکند و حرارت او را اشتعال و حدت و سورت فرو می نشاند
و قریب باعتدال می آورد و نیز ازین دوا نفع بسیار متصور است و اطفال را از استعمال این
دوا چندان فایده نیست بلکه نیم ضرر هست چه حرارت غریزی اینها مغمور برطوبة غریزیست
و قتیکه رطوبة این هیچ نیز علاوه آن شود محتمل است که حرارت بحیثیتی متغیر شود که ادراک آن
متغیر باشد و امراض مزمنه حادث شوند و بلغمی مزاجان را نیز خالی از ضرر نیست بلکه ضرر اینها
بیشتر است خصوصا وقتیکه مرطوبی باشند چه حرارت ضعیفه این هیچ در مزاج اینها تاثیر نمیتواند
کرد و از جهة رطوبت ضرر بسیار متوقع است و دموی مزاجان را اگر در حالت صحت بسبب
دوائیست که باین هیچست استعمال نمودن آن خالی از خطر و ضرر نیست اما هرگاه مزاج اینها از
اعتدال منحرف شده باشد در عود نمودن بحالت اول بسیار ممد و معاون خواهد بود و تبرین
اوقات بحسب فصول اوسط بهار و اوایل خریف و طرفین تابستان و وسط تابستان و
میان خریف و انتهاء ان و در زمستان خوب نیست و در قدر شربت آن انچه از منتخبات
اطباء متاخرین در مطبوخات استعمال نموده اند در شربت آن اختلاف بسیار شده چه بعضی
صد و شصت مثقال در بست روز جوشانده هیچ رانند که هر روز هشت مثقال در ست
میشود و بعضی دیگر سیصد مثقال در بست روز بکاری برند که هر روز با نزده مثقال در شربت
میافتند و انچه بالفعل اشتهار دارد صد و شصت مثقال بست و یکحصه کرده میجوشانند
که هر روز قدر شربت هفت مثقال و سه دانگ و پنج حبه صورت ظهور پیدا میکند و چون
مقرر است که این وزن مذکور را در یکمن آب بوزن طبی که صد و هشتاد مثقالست میجوشانند
که یکحصه برود و سه حصه بماند و از انچه مانده بعد از اسکناب استیفای فایده بخار آن در پیالة
قهوه خوری از ان آب بخورند و باقی آب را در شستن دست و طهارت و غیره استعمال نمایند

برد و موجب استرخاء الیاف و حمل معده است و آن باعث نقصان حرارت معده و کمی شهوت
چه در بحالت بواسطه کمی حرارت که آلهٔ جمیع قواست از دفع انصباب سوداوی که موجب تسهو است
احساس تمام واقع نمیشود و اگرچه حار رطب موجب تقویت قوت ماضمه است اما چون نسبت
باسترخاء الیاف حرارتیکه در حمل معده است کم میگردد و بالاخره ضعف در آن نیز اثر میکند
پس چیزیکه دفع این اذیت میکند قرص کل مفرده و قرص صندل مفرده میتواند بود و دواء
دیگر آن نیز مخجل نیست و نیز چون بحسب تجربه معلوم شد که بیخ چینی در پیران و مرطوبی مزاجان
احداث حبس بول میکند و تقطیر آن چه مواد غلیظه که در عروق البشان محتبس است
و این دوا بجهة قوت اذابت تذویب آن مادهٔ سمیاید و میتواند که بعرق دفع کند و بواسطهٔ ضعف
قوت خود یا بجهة کثرت مواد تمام آن بعرق دفع نمیشود و بجانب گرده و مثانه میاید و در مسافت
با اخلاط غلیظه مختلط میگردد و بواسطهٔ کثرت غلظت از دفع آن عاجز میشود و حبس بول احداث
میکرده یا بواسطهٔ رطوبت ترکه باین دوا است و نیز رطوبت بسیاریکه از بدن البشان جدا
میسازد و رباطی که موجب امساک بول است سست شده تقطیر بول پیدا میشود پس
در نیماده مصلح آن عرق بادیان و تخم کرفس و امثال آن خواهد بود خواه ممزوج نموده بخورند خواه
بعد از لن تشرب نمایند و این عرقها در تفتیح مسام و تقویت حرارت او بجهة قوت او را این
مخاطرات ایمن میسازند و موجب این مضر نمیشود و فرقه رب انار ممزوج بگلاب عرق
بید مشک مصلح آن میدانند که ناشتا تناول نمایند و غذاهای لطیف میخورانند و از مشجرات و
مرطبات اجتناب جائز میدانند و اصل السوس را نیز مصلح میدانند که بانطریق سفوف
ساخته تناول نمایند صفت آن جوبچینی سیمرغ اصل السوس بخدرم کشیر اکلیدرم صندل سفید
الایچی زعفران از هریک یکدرم تخم خیارین دو درم مشک یکدانگ همه را کوفته و بیخته سفوف
سازند و هر روز نیاشتا یکمثقال یا شربت صندل مناسب میدانند و بانطریق تا سه روز
عمل مینمایند و اگر احتیاج باشد دو سه روز دیگر تناول نمایند که نهایت مفید است و دیل

سودا و دیوانه مثل جنون
و بالجمله ادویهٔ مشجر
و مرطبه و مفتحه مثل سو
و ابیض استعمال کرده
و شراب انگوری
و صفات مذکوره و دیگر
و تفتیح مجاری و ازا
و السده و تقویت
و تکثیر و تقویت
و روح و خون
و حرارت
و مفرح نسبت

و تعدیل مزاج آن بی نظیر است و در فواید شراب مسطور است که منافع شراب نفسی است
و بدنی نفسی مثل فرح و نشاط و سرور و ازاله غم و خجل و امثال آن ممکن و مقدور نیست کیچ
چیز در این امر مساوی آن تواند شد اما منفعت بدنی مثل انارت و اشراق و نکوئی رنگ
چهره و تفتیح مجاری و غیرها چه اگر این میتواند بود که از معاجین و مرکبات این آثار مستفاد شود
اما پیدا کردن دوا و شناختن آن خالی از مشقتی نیست پس بنابرین که شراب انگوری
در رتبه عادیت سوداویه تولد خون رقیق و روح لطیف و کثیر و نورانیت و اشراق موجب
این فواید است در ازاله امراض سوداویه بدل بیخ چینی میتواند شد و در ازاله اتسک که
متقرح و متعفن شده باشد و چیز کلبیار از و آید در این وقت بدل چوب چینی بعد از تنقیه روغن
کرچت است صفت آن جدوار خطائی عاقرقرحا کندر مصطکی سورنجان قسط مغاث زراوند
مدحرج و طویل حب القار مرصافی مقل سکبینج جاوشیر زرنباد از هر یکی دو مثقال صابون رقی نیم مثقال
برگ حنا سه مثقال آب لیمو بقدر حاجت بزیق چهار مثقال روغن بالو نه روغن گل خیری روغن
سوسن روغن زیت کهنه روغن گل سرخ موم زرد پیه کرده نیز از هر یکیده مثقال روغنها را با موم
بگذارند و خیارا با گلاب بسایند و ضمغها را سبر کرده حاکمند و زیق را پیه کشند و مجموع ترکیب کرده
مرهم سازند طریق استعمال آن جمعی در دفع مرضیکه مناسبت آن دارد و تولجه از امثل مسهل
سائیده با نیمتوله خصیه الثعلب صلایه کرده باشند نبات و گلاب بقدر حاجت و یکدانگ زعفران
پالوده بخته میدهند و اگر یکدانگ عنبر اضافه کنند هم خوب است این یکشربت است و اگر
مزاج شخصی حار باشد بجای خصیه الثعلب لعابهای مناسب مثل لعاب بهدانه یا لعاب بزرقطونا
بافشانیده پالوده به یزند و مداومت کنند جایز است نوع دیگر نیز بیخ چینی کوفته و بخته و استا
تشیره نبات و نیمسیر گلاب بقوام آورده و یکتوله عنبر با نبات صلایه کرده بعد از انکه حرارت تشیره
فی الجمله گم شود در بزیند و یا تشیره بر بمرند بعد از ان آرد چوبچینی دران ریخته و ترک زده خمیر ساخته
بردارند از ان هر روز بقدر دو نیمتوله چوبچینی تخمین کرده بر بند نوع دیگر بطریق قهوه مانند

مغز بادام سه تولا نارکیل دو تولا سیده کنند وزن سیر تخمین آرد سیده کنند در روغن برشته ساخته
دو سیر نبات و نیم سیر عسل صاف نموده بران ریخته چون نزدیک برسیدن شود ادویه مذکوره
را صاف ساخته کفچه زنند بعد ازان که دو جوش بخورد مغز بادام را داخل کرده همچنین ربع مثقال مشک
تمیتوا عنبر و یکتولہ زعفران داخل کرده وقتیکه روغن دیده فرود آورده در طبقی ریزه نبات پاشیده
همچنین نمایند و بعد ازان که سرد شود و بطریق شکرپاره مربع بریده نگاهدارند و هر روز ناشتا مقدار
یک تخم مرغ تناول نمایند که نهایت سودمند است و مبهی و فربهی آورد و ناقهین و کسانیکه زردی
روی دارند بسیار سودمند است و تولید خون صالح میکند و دهن را خوشبو میسازد و بخر را
میبرد و نوعل یگر بیژه اوده باشته چوب چینی را یکماشه فوفل ریزه ریزه کرده داخل بیژه پان نموده
در خلای معده این بیژه بخورد و شربت آن دو بیژه تا چهار بیژه نوعل یگر بیژه در دیگ
شیره کرده بر دهن آن دیگ پارچه باریک بسته و چوب چینی را بقدر نیم فوفل قطعه قطعه کرده
مانند فلوس بر بالای پارچه مذکور گذاشته بر بالایش سربوشی بپوشند و تمام شب همچنین ان
دیگ بر آتش میگذارند تا بخار دود آن بچوب چینی مذکور برسد علی الصباح میوه چینی مذکور در سایه
خشک سازند و ورق ورق ساخته شب در گلابی که در آن زعفران و قاقله و عنبر بخته باشند
تر کرده در بیژه پان بقدر یکتوله بانه فرفل نهاده میل نمایند و بعد از گذشتن یکپاس بلکه بیشتر تناول
نمایند و مدت پنجاه روز تا چهل روز مداومت نمایند و اگر بیشتر از چهل روز بخورند نیز مضایقه است
و مضرت نمیرساند اگر پرهیز از جماع و ترشی کنند انسب خواهد بود و سر و گوش بستن و در جای گرم
نشستن مطلوب نیست نوعل یگر شراب او قوت دماغ و دل و جگر مدبد و ازاله فالج و دردهای
مربو و ضیق النفس که از غلبه بلغم باشد نماید و هر گاه زدم گرفته باشد سه تولا ازین عرق بنوشند
اصلا زهر لو کار نکند و اگر شش تولچه بنوشند احتمال دارد که هیچ زهر سوداگیر اثر نتواند کرد و
کند دیهی و متولیست و عرق النساء و نقرس و رعشه و خدر را از بیخ بر کند صفت آن بیخ حیات
بیخ سیر بویست بیخ میلان ده سیر سعد سنبل الطیب دار چینی از هر کدام ربع سیر زنبار دو من سیر

و نمک و جماع اجتناب نماید اولی است نوع دیگر معاجین است که بادویه مناسب ترکیب
میکنند معجون که از مخترعات حکماء متاخرین تجربین است که اجزاء فلاسفه افزوده و با بعضی ادویه
مفرحه قلبیه ترکیب کرده استعمال نموده بسیار سودمند آمده شربت اقل آن دو مثقال است صفت
آن چوب چینی هفتاد مثقال مصطکی جوز بوا زعفران سنبل سانج تودری سرخ و سفید دارچینی فلفل
دار فلفل قرنفل زنجبیل گاسرخ شقاقل قاقله خوزبوا سعد کوفی اذخر نوربدان فرنجمشک همین صندلین
درونج انیسون بادرنجبویه خصیه الثعلب جدوار طباشیر اشنه وج اسطوخودوس خولنجان
ریوند چینی از هریکه دو مثقال عنبر اشهب مشک خالص از هرکدام یکمثقال قند سفید کوفته بیخته
ادویه بطریق متعارف معجون سازند معجون چوب چینی از مخترعات حکیم عمادالدین محمود شیرازی
زرنباد جدوار زراوند مدحرج خولنجان باسپرم ریوند چینی افتیمون بلیله سیاه شملیت معسول
تربد سفید موصوف دارچینی سنبل مصطکی جوزبوا زعفران بسیاسه قرنفل هل از هریک دو مثقال
درونج چینی پانزده مثقال کوفته بیخته باسه چندان عسل بسرشند شربتی هر روز پنج مثقال نسخه
دیگر چوب چینی شصت درم سیاه دانه هفتدرم قرنفل نیمدرم زنجبیل ضمع عربی زعفران از
هریک نیمدرم مشک قدری کوفته بیخته باسه چندان عسل معجون کنند نسخه دیگر چوب چینی
یک اثار فلفل دراز فلفل گرد زنجبیل عاقرقرحا بربار جوزبوا قرنفل سیاه دانه ناخواه از هریک یک
مثقال عسل مصفی پنج اثار ادویه را کوفته بیخته در عسل معجون سازند شربتی موافق سرد است بطبیعت
نسخه دیگر بلیله کابلی بلیله زرد بلیله آمله مجموعا نصف از دانه بلیله زنگی دارچینی هر یک سنبل اسارون
ترفه زعفران سورنجان مصری خولنجان سعد کندر دارفلفل زنجبیل بادیان رومی ناخواه تخم زردک
تخم شلغم جوزبوا نوربدان شقاقل عودهندی اجزاء برابر چوب چینی بقدر مجموع دارو با عسل صاف
بقوام آورده معجون کنند و در ظرف چینی نگاهدارند شربتی دو نیم مثقال از برای دفع درد استخوان
و اشتهاء و هضم طعام بغایت بی نظیر است و فواید دیگر بسیار نسخه دیگر از صدر الشریعه
که از معجون سورنجان زیاده و کم کرده چوب چینی تازه هشتاد مثقال سورنجان بیست و شش درم

تر بر سفید موصوف چهار مثقال میوه سایه بانه پودنه بری سافرج هندی سداب خشک سکنجبین
عفص از هر یک مثقال پنج انجدان سفید از هر یک چهار مثقال ریوند چینی پنج مثقال چوب چینی
بست مثقال و بعضی سه مثقال بخکیز نیز اصافه میکنند اجزار کوفته و بخته دوشیانه روز در
سرکه کهنه بخیسانند و در سایه خشک کنند و باره روغن بادام تلخ بست مثقال و روغن نارجیل
ده مثقال چرب کرده با سه وزن عسل کف گرفته معجون سازند هر بتی یکتوله باین سکنجبین بدهند
فصل مشتوی که در سرکه پرورده باشند یک استار با دو شیر عسل کف گرفته سکنجبین سازند
نسخه دیگر چوب چینی در ظرفی بقدر شش سیر آب کنند و نیم سیر ساهی چوب چینی سوده آمیخته در آن
ریخته یکساعت رها کنند بر آتش که بجوش آید چون یکدو جوش بخورد دیگ فرود آرند و سر آن
دیگ را سر پوش کرده بخمیر بگیرند و بالای دیگدان بگذارند و هرگاه که بخار در یابند کرسی که در میان
سوراخی باشد و راه دیگر نداشته باشد اول دیگ را بر بالای انگشت افروخته گذارند پس
کرسی مذکور بالای آن نهند و خمیری بران روزن کرسی گذارند که راه بدر رو باز نباشد پس
ازان بر کناره کرسی نشسته چادری یا لحافی بر سر کشند چنانچه منفذها دنباشد خمیر از روزن
کرسی دور سازند و سه گهڑی یا بر قدر وقت که خواهند نشینند تا بخار آن بجمیع اعضار سد و
بعرق در آید بعد ازان بر خواسته آهسته آهسته ان چادر را از خود دور سازند که بسیار نفع
بخش است بهترین و خوشترین استعمال چوب چینی جوشانیدن و استیفاء بخاران نمودن
است چون اینطریق منفعت بسیار دارد و درین زمان مزاج مردم بغایت نازک شده که یاد رو
بسیار ندبابن مشقت راضی بخیشوند چه محنت پرهیزان کمتر از محنت درد نیست و از دگذاشته
عرق و طریق قهوه بسیار محمود است لیکن معجون دبیره که رواج اهل هند است و حلوا و فالوده
و غیره اقسام خوردن او چندان خوب نیست چه تاثیر نیخ چینی ترقیق و اذابت سلایات
و مواد است و نفوذ این در بخالت در عروق ضعیفه نهایت دشوار و نیز چون بطریقی که
در مزاج آن مذکور شد خالی از اجزای ارضیه نیست ممکنست که همین اجزار در عروق ضعیفه

ازان درمیان پنج سیر آب صاف بالتش نرم بجوشانند و هرگاه آب کمی کند دیگر بریزند تا نیم پاس
چنین بجوشانند بعد ازان همین قدر بادیان خطائی و پاؤ تولہ دارچینے داخل ساختہ و گھڑے
دیگر بجوشانند و دیگر پنج شش قرنفل و اندک مشک و عنبر اضافہ کردہ چند جوشے دیگر دادہ بکار برند
گرم و تر در میان قھوہ و آن بقول حکمار متاخرین بارد است در درجہ سیوم و یابس است در درجہ
دوم و قابض ست و احداث اسودا کند و مورث قولنج است و جمیع امراض سوداویہ را قوت می دہد
و جلد را خشک و درشت می سازد و کبد و سپرز و سر فتنگے نفس را زیان دارد و رنگ را تباہ میسازد
و ہم و وحشت می افزاید و سبب کابوس می شود و بر اسودا ے مزاجان بسیار بد است لیکن برائے
بلغمیان و مرطوبیان بد نیست و بیخوابی می آرد طبیعت را بیدار می دارد و استرخاے معدہ کہ از حرارت
و رطوبت بہم رسیدہ باشد نفع می کند و قاطع شہوت و مانع نوم است و عربان کہ قہوہ بسیار میخورند
عدد فلج بالاکثر جماع مشہور اند بواسطہ آن ست کہ عمدہ غذاے ایشان خرماست و آن مادہ تولید منے
و انبعاث نفخ ست ازین جہت قہوہ ضرر نمی رساند و الا قہوہ قاطع شہوت است منقول از حکیم
عماد الدین محمود شیرازیست کہ طبع قہوہ ہیچ شبہہ نیست کہ بارد یابس است و چون دو کیفیت این ظاہر
است و بسیار ضرر نمی رساند غالبا در رتبہ ثانیہ باشد اما آنکہ دو کیفیت متساوی اند یا یکے غالب
است موقوف است بتامل و آن ثمرہ ایست بقدر حبۃ الفار دو پارہ است مغز او در یک غلاف
است و او سیاہ رنگ و پوستے است تنک تر از پوست پستہ و غلیظ تر از پوست حبۃ الفار در
پوست و مغز او ہیچ کدام تلخی و تیزی نیست مگر اندک تلخی ناقبض و نفاست محسوس می شود و
در مغزش چلینے و صلابتی ہست و اکثر پوست اعدا می جوشانند و آن می خورند و در مکہ معظمہ
چنین معمول است و بسیاری مواضع مغز را برشتہ می کنند چنانچہ نزدیک باحتراق می شود و آنرا
بہ پوست مخلوط می جوشانند و در مکہ معظمہ مغز او را برشتہ میکنند و نیم سوختہ چنان کہ طعم آن تلخی
و سوختگی گراید و چون جوشیدہ شود پوست او بنوشند باین مغز بریان کردہ نقل نمایند و مقصود
ایشان ازینہا ہمہ بیدار یست غیر مضر طبیعی یعنی جوشاندہ او در تسکین اوجاع و افادہ نشاط و خجل

او را جذب بکند و ثقل آنرا در میان آن بگذارند و بسیار بجوشانند و طبیخ او که بطبیخ بسیار غلیظ شده باشد مضرست و مکرر خوردن آن خوب نیست در هر روز یکدفعه اکتفا باید کرد و شرب آن غبا یعنی یکروز در میان نیکوست و نباشتا خوردن نیکوست و اکثر بلا طعام نخورند که از تعطیش آن اندیشه داشته باشند و بر بالای دیگر چیز نخورند و الله اعلم بالصواب در سبب بجهم سپندان تنباکو که بزبان هندی بجر بهنگ گویند بفتح موحده و جیم و سکون را مهمله و فتح موحده ثانی و ها و سکون نون و کاف فارسی در زبان برده کرده و آغاز ظهورش در ابتدا سلطنت عرش آستانی جلال الدین محمد اکبر بادشاه است و ابتدای در آنگشتینی جنت مکانی نورالدین محمد جهانگیر بادشاه است که سال هزار و چهارده هجری باشد و پیشتر از جانب فرنگ درین دیار آمده و اکنون از جمیع اماکن هندوستان کشت کاری مقصود دارد و کشیدن و خائیدن شعار که و همه گشته مشغوف و مرغوب جهانیان گردیده جواهر آن بقول حکیم علی گیلانی حار یابس است و از سموم قتاله است و دخانش بسبب نارسیدگی حار یابس است مخرب و مکدر حواس و قوی است محلل و مسخن جمیع اعضا و مضعف دماغست و مزاج هر عضو که رطوبت بسیار باشد بنا فعست و در معدهٔ که رطوبت بسیار باشد تحلیل بنماید و امانت هضم میکند و ضعف بصر که جهت اجتماع رطوبت یا بخار باشد سود کند و تنگی نفس که سبب کثرت و غلظت بلغم سینه یا شش و یا بسبب کثرت اجتماع بخار باشد نفع دارد و در مزاج هر عضو که رطوبت زیاده از قدر حاجت باشد بسیار مضر است و هر چشمی را که بخار و رطوبت زیاده از مقدار ضروری باشد تحلیل آن میکند و بصارت می افزاید و آنکه از مقدار ضروری کمتر باشد و زیاده نباشد نقصان تمام دارد و رطوبت کبد را تحلیل میدهد و مجاری را خشک میکند و از ان قوت جاذبه کم می شود و اکیموس باز می ماند و خشکی و درشتی جلد و هزال بدن بهم میرساند و سبب تپ دق شیخوخت میشود و امراض چند پیدا میکند که علاج آن متعذر باشد عزیزی میگفت که شخصی را قولنج بهم رسیده قریب بنصف شب پیش من آمد و بیچ دوا در انوقت حاضر نبود و نزدیک مردن بود اجازت دادم که تنباکو بکشد و دود آن غرو برد باندک استعمال خفت ظاهر شد چون دود فی الحال مستحلل شد بعد از آن قوی بجای تنباکو یا مثال این مرض کار او میکند و هر نفسی که از تنباکو می آید از سر دود می آید چه از خنه گلما مسخن

از حس بینائی برافتاده بود پس از عهدی بعید باو رسیدم پرسیدم او را چه داد که یک مدتی
برگ تنباکو را با برگ سنبها لوکه او را در فارسی پنگبشت گویند خشک ساخته بالسا صفه تنباکو کشیدم
از خاصیت آن الله تعالی بینائی بمن ارزانی داشت و این از عجائب اسرار است و نیز بجد من در یافت شد
که مصالح تنباکو بجز شیر نباشد که از دو بنوشند و دلیلش آنکه هرگاه پارچه بدود تنباکو رنگ پذیرد بجز شیر
آنرا نتواند زدود و این تجربه راقم رسیده و جمعی بر گمانیش سطبر او را در آب برنج می جوشانند بعد ازان
بکار میبرند و گروهی با سرکه جوشانیده می کشند و برخی با قند آمیخته استعمال میکنند و فرقه آب شسته بجذب مینمایند و جماعه
قدری کافور بر او افزوده بکار می برند و این گزیده روشی است اوفق آنکه هیچ تنفسی دل
باین ابتلاء دخانی آخر الزمانی نه بندد و بتلای استیلای چنین غایله ناگهانی نگردد ❊

تمت

پس از حمد و نعت پرضمیر منیر ناظر حکماء و الا تدبیر و اطباء ظاهر و باطن پوشیده نماند که در بیان راحت عنوان کتاب الفاظ الادویه است و حل الادویه و فرهنگ نصیریه برین شیوه حسب فرمایش
صاحب تاجر بانجا بسرانجام شیخ عبد الحمید
در مطبع شمس بلکنوی بهجت
کامل طبع شد

اعلان

مژده باد صاحبان فهم و ذکا را که رسائل نادره در فن حکمت بعدیل تصنیف بوعلی وقت برقاط ثانی جناب حکیم نورالدین محمد عبدالله حکیم عین الملک شیرازی نوراللہ مرقدہ در متن کتاب است مسمی به

الفاظ الادویه در رسالهٔ دوم که هر نسخه اش چون اکسیر است متن تصنیف ارسطوزمان فلاطون دوران جناب حکیم طالب محمد صاحب ولد شیخ محمد سعید صاحب مفتی لکنؤ طاب ثراه بر حاشیه از صفحه (۱) تا (۲۳۸) مسمی به

میزان الادویه در رسالهٔ سوم که هر حرفش مزیل امراض حسبانی و هر نقطه اش معجون مقوی روحانی تصنیف جالینوس وقت سقراط دهر جناب حکیم محمد نصیر صاحب خلف باشرف حکیم احمد علی صاحب عظیم آبادی غفراللہ ذنوبهما بر حاشیه از ۲۳۹ تا ۲۹۷ مسمی به **فرهنگ نصیریه** معروف به **حل مخزن الادویه** که حق تالیف این نیاکیش را مصنف عطا فرموده امید که کسی صاحب مطبع یا تاجر کتب قصد طبع نفرمایند بعوض نفع نقصان نه بردارند البته چندان نسخ که مطلوب شوند از دوکانهای بنده که علاوه شهر لکنؤ دیگر بلاد اند طلب فرمایند بلاعذر خواهد رسید و نشان دوکانها اینست فقط

بمقام بنارس از دوکان مولوی محمد یوسف صاحب و دیگر اماکن

بمقام عظیم آباد از دوکان سید جان صاحب بر بانداگرویه

بمقام لشکر گوالیار بازار دراناولی از دوکان شیخ عابد بخش صاحب

بمقام لکنؤ محله فرنگی محل از دوکان نور علی صاحب

راقم

عبدالعزیز ولد حامد علی صاحب

بمبئی مطبع ناظر کتب لکنؤ